



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

نویسنده:

هاشم بن سلیمان بحرانی

ناشر چاپی:

آفاق

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	[سخن مترجم (سید مهدی حائری قزوینی)]
۱۲	اشاره
۱۴	توضیح چند واژه
۱۴	۱- تفسیر
۱۵	۲- تأویل
۱۶	۳- تطبیق
۱۷	مقدمه‌ی محقق
۱۷	اشاره
۱۹	مصلح از دیدگاه انبیا علیهم السلام
۱۹	مصلح از دیدگاه اسلام
۲۰	چرا غایب شده است و کی ظاهر می‌شود؟
۲۰	وظیفه‌ی مسلمانان در غیبت آن حضرت
۲۲	زندگی‌نامه‌ی مؤلف
۲۲	اشاره
۲۲	مقام علمی او
۲۳	پرهیزگاری و زهد او
۲۳	استادان و شاگردان او
۲۳	درگذشت او
۲۳	تألیفات او
۲۴	کار ما در مورد کتاب

۲۶	.....	امتن كتاب المحجۀ في ما نزل في القائم الحجۀ
۲۶	.....	پيش گفتار مؤلف
۲۷	.....	۱ [سورهى بقره [آيهى ۳- ۱]
۲۸	.....	۲ [سورهى بقره [آيهى ۱۴۹]
۷۱	.....	۳ [سورهى بقره [آيهى ۱۵۶]
۷۴	.....	۴ [سورهى آل عمران [آيهى ۸۴]
۷۵	.....	۵ [سورهى آل عمران [آيهى ۲۰۱]
۷۶	.....	۶ [سورهى نساء] [آيهى ۴۸]
۸۱	.....	۷ [سورهى نساء] [آيهى ۶۰]
۸۲	.....	۸ [سورهى نساء] [آيهى ۷۰]
۸۳	.....	۹ [سورهى نساء] [آيهى ۷۸]
۸۵	.....	۱۰ [سورهى نساء] [آيهى ۱۶۰]
۸۶	.....	۱۱ [سورهى مائده [آيهى ۱۵]
۸۷	.....	۱۲ [سورهى مائده [آيهى ۵۵]
۸۹	.....	۱۳ [سورهى انعام [آيهى ۴۵]
۹۰	.....	۱۴ [سورهى انعام [آيهى ۹۰]
۹۱	.....	۱۵ [سورهى انعام [آيهى ۱۵۹]
۹۲	.....	۱۶ [سورهى اعراف [آيهى ۲]
۹۳	.....	۱۷ [سورهى اعراف [آيهى ۵۴]
۹۴	.....	۱۸ [سورهى اعراف [آيهى ۱۲۹]
۹۵	.....	۱۹ [سورهى اعراف [آيهى ۱۵۸]
۹۷	.....	۲۰ [سورهى اعراف [آيهى ۱۶۰]
۹۹	.....	۲۱ [سورهى انفال [آيهى ۴۰]
۱۰۹	.....	۲۲ [سورهى توبه [آيهى ۳۳]

۱۱۲	۲۳ [سوره‌ی توبه [آیه‌ی ۳۴]
۱۱۴	۲۴ [سوره‌ی توبه [آیه‌ی ۳۶]
۱۲۱	۲۵ [سوره‌ی توبه [آیه‌ی ۳۶]
۱۲۱	۲۶ [سوره‌ی یونس [آیه‌ی ۲۱]
۱۲۲	۲۷ [سوره‌ی یونس [آیه‌ی ۲۵]
۱۲۳	۲۸ [سوره‌ی یونس [آیه‌ی ۳۶]
۱۲۷	۲۹ [سوره‌ی هود] [آیه‌ی ۹]
۱۳۱	۳۰ [سوره‌ی هود] [آیه‌ی ۸۱]
۱۳۲	۳۱ [سوره‌ی یوسف [آیه‌ی ۱۱۱]
۱۳۳	۳۲ [سوره‌ی ابراهیم [آیه‌ی ۶]
۱۳۵	۳۳ [سوره‌ی ابراهیم [آیه‌ی ۴۵]
۱۳۶	۳۴ [سوره‌ی ابراهیم [آیه‌ی ۴۶]
۱۳۶	۳۵ [سوره‌ی ابراهیم [آیه‌ی ۴۷]
۱۳۸	۳۶ [سوره‌ی حجر] [آیه‌ی ۳۷-۳۹]
۱۳۹	۳۷ [سوره‌ی حجر] [آیه‌ی ۸۸]
۱۴۰	۳۸ [سوره‌ی نحل [آیه‌ی ۲]
۱۴۳	۳۹ [سوره‌ی نحل [آیه‌ی ۳۹]
۱۴۷	۴۰ [سوره‌ی نحل [آیه‌ی ۴۶]
۱۴۹	۴۱ [سوره‌ی اِسراء] [آیه‌ی ۷-۵]
۱۵۷	۴۲ [سوره‌ی اِسراء] [آیه‌ی ۹]
۱۵۷	۴۳ [سوره‌ی اِسراء] [آیه‌ی ۳۴]
۱۶۲	۴۴ [سوره‌ی اِسراء] [آیه‌ی ۸۲]
۱۶۲	۴۵ [سوره‌ی مریم [آیه‌ی ۳۸]
۱۶۴	۴۶ [سوره‌ی مریم [آیه‌ی ۷۶]

۱۶۶	۴۷ [سوره‌ی طه [آیه‌ی ۱۱۱]
۱۶۶	۴۸ [سوره‌ی طه [آیه‌ی ۱۱۶]
۱۶۸	۴۹ [سوره‌ی طه [آیه‌ی ۱۳۶]
۱۶۹	۵۰ [سوره‌ی انبیاء [آیه‌ی ۱۶-۱۲]
۱۷۳	۵۱ [سوره‌ی انبیاء [آیه‌ی ۱۰۶]
۱۷۴	۵۲ [سوره‌ی حج [آیه‌ی ۴۰]
۱۷۵	۵۳ [سوره‌ی حج [آیه‌ی ۴۲]
۱۷۷	۵۴ [سوره‌ی حج [آیه‌ی ۶۱]
۱۷۸	۵۵ [سوره‌ی مؤمنون [آیه‌ی ۱۰۲]
۱۷۹	۵۶ [سوره‌ی نور [آیه‌ی ۳۶]
۱۸۰	۵۷ [سوره‌ی نور [آیه‌ی ۵۶]
۱۸۷	۵۸ [سوره‌ی فرقان [آیه‌ی ۱۲]
۱۸۹	۵۹ [سوره‌ی فرقان [آیه‌ی ۲۷]
۱۹۰	۶۰ [سوره‌ی شعراء [آیه‌ی ۴]
۱۹۷	۶۱ [سوره‌ی شعراء [آیه‌ی ۲۰۶-۲۰۷]
۱۹۸	۶۲ [سوره‌ی شعراء [آیه‌ی ۲۲۸]
۱۹۹	۶۳ [سوره‌ی نمل [آیه‌ی ۶۳]
۲۰۴	۶۴ [سوره‌ی قصص [آیه‌ی ۶]
۲۰۸	۶۵ [سوره‌ی روم [آیه‌ی ۶-۲]
۲۰۹	۶۶ [سوره‌ی سجده [آیه‌ی ۲۲]
۲۱۰	۶۷ [سوره‌ی سجده [آیه‌ی ۳۰]
۲۱۱	۶۸ [سوره‌ی سبأ [آیه‌ی ۱۹]
۲۱۲	۶۹ [سوره‌ی سبأ [آیه‌ی ۵۵-۵۲]
۲۱۷	۷۰ [سوره‌ی صافات [آیه‌ی ۸۴]

۲۱۸	۷۱ [سوره‌ی ص [آیه‌ی ۸۹]
۲۱۹	۷۲ [سوره‌ی زمر] [آیه‌ی ۷۰]
۲۲۱	۷۳ [سوره‌ی فصلت [آیه‌ی ۱۸]
۲۲۱	۷۴ [سوره‌ی فصلت [آیه‌ی ۱۷]
۲۲۲	۷۵ [سوره‌ی فصلت [آیه‌ی ۵۴]
۲۲۴	۷۶ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۳-۲]
۲۲۵	۷۷ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۱۹]
۲۲۶	۷۸ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۲۱-۲۰]
۲۲۷	۷۹ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۲۲]
۲۲۸	۸۰ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۲۵]
۲۲۹	۸۱ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۴۲]
۲۳۰	۸۲ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۴۵]
۲۳۱	۸۳ [سوره‌ی زخرف [آیه‌ی ۲۹]
۲۳۵	۸۴ [سوره‌ی زخرف [آیه‌ی ۶۷]
۲۳۵	۸۵ [سوره‌ی دخان [آیه‌ی ۵-۲]
۲۳۶	۸۶ [سوره‌ی جائیه [آیه‌ی ۱۵]
۲۳۷	۸۷ [سوره‌ی محمّد صلی الله علیه و اله و سلم [آیه‌ی ۱۹]
۲۴۰	۸۸ [سوره‌ی فتح [آیه‌ی ۲۶]
۲۴۲	۸۹ [سوره‌ی فتح [آیه‌ی ۲۸]
۲۴۲	۹۰ [سوره‌ی ق [آیه‌ی ۴۳-۴۲]
۲۴۳	۹۱ [سوره‌ی ذاریات [آیه‌ی ۲۳]
۲۴۴	۹۲ [سوره‌ی طور] [آیه‌ی ۵-۲]
۲۴۶	۹۳ [سوره‌ی قمر] [آیه‌ی ۲]
۲۴۶	۹۴ [سوره‌ی قمر] [آیه‌ی ۳]



۲۴۹	.....	۹۵ [سوره‌ی الزّحمان [آیه‌ی ۴۲]
۲۵۱	.....	۹۶ [سوره‌ی حدید] [آیه‌ی ۱۷]
۲۵۳	.....	۹۷ [سوره‌ی حدید] [آیه‌ی ۱۸]
۲۵۵	.....	۹۸ [سوره‌ی ممتحنه [آیه‌ی ۱۴]
۲۵۶	.....	۹۹ [سوره‌ی صف [آیه‌ی ۹]
۲۵۷	.....	۱۰۰ [سوره‌ی صف [آیه‌ی ۹]
۲۶۰	.....	۱۰۱ [سوره‌ی ملک [آیه‌ی ۳۱]
۲۶۶	.....	۱۰۲ [سوره‌ی معارج [آیه‌ی ۵-۲]
۲۶۸	.....	۱۰۳ [سوره‌ی معارج [آیه‌ی ۲۷]
۲۶۸	.....	۱۰۴ [سوره‌ی معارج [آیه‌ی ۴۴]
۲۶۹	.....	۱۰۵ [سوره‌ی جن [آیه‌ی ۲۴]
۲۷۰	.....	۱۰۶ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۱۱-۹]
۲۷۲	.....	۱۰۷ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۱۲]
۲۷۳	.....	۱۰۸ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۲۱-۲۰]
۲۷۴	.....	۱۰۹ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۳۱]
۲۷۷	.....	۱۱۰ [سوره‌ی تکویر] [آیه‌ی ۱۶-۱۵]
۲۷۹	.....	۱۱۱ [سوره‌ی انشقاق [آیه‌ی ۱۹]
۲۸۰	.....	۱۱۲ [سوره‌ی بروج [آیه‌ی ۲]
۲۸۱	.....	۱۱۳ [سوره‌ی طارق [آیه‌ی ۱۷-۱۶]
۲۸۲	.....	۱۱۴ [سوره‌ی غاشیه [آیه‌ی ۶-۲]
۲۸۳	.....	۱۱۵ [سوره‌ی فجر] [آیه‌ی ۵-۲]
۲۸۳	.....	۱۱۶ [سوره‌ی شمس [آیه‌ی ۶-۲]
۲۸۶	.....	۱۱۷ [سوره‌ی لیل [آیه‌ی ۳-۲]
۲۸۸	.....	۱۱۸ [سوره‌ی قدر] [آیه‌ی ۶]

۲۸۹	۱۱۹ [سوره‌ی بینه] [آیه‌ی ۶]
۲۹۰	۱۲۰ [سوره‌ی عصر] [آیه‌ی ۳-۲]
۲۹۱	مستدرک المحجّه
۲۹۱	اشاره
۲۹۱	۱ [سوره‌ی بقره] [آیه‌ی ۲۵۰]
۲۹۱	۲ [سوره‌ی آل عمران] [آیه‌ی ۱۴۱]
۲۹۲	۳ [سوره‌ی مائده] [آیه‌ی ۴]
۲۹۲	۴ [سوره‌ی انفال] [آیه‌ی ۸]
۲۹۳	۵ [سوره‌ی توبه] [آیه‌ی ۳]
۲۹۴	۶ [سوره‌ی هود] [آیه‌ی ۱۱۱]
۲۹۴	۷ [سوره‌ی رعد] [آیه‌ی ۱۴]
۲۹۵	۸ [سوره‌ی طه] [آیه‌ی ۱۱۴]
۲۹۶	۹ [سوره‌ی انبیاء] [آیه‌ی ۱۳]
۲۹۷	۱۰ [سوره‌ی عنکبوت] [آیه‌ی ۱۱]
۲۹۷	۱۱ [سوره‌ی لقمان] [آیه‌ی ۲۱]
۲۹۸	۱۲ [سوره‌ی صف] [آیه‌ی ۱۳]
۲۹۸	۱۳ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۴۸-۴۷]
۲۹۹	۱۴ [سوره‌ی مطفّفين] [آیه‌ی ۱۴]
۳۰۰	منابع و مأخذ
۳۰۱	خاتمه:
۳۰۲	فهرست اعلام
۳۱۹	فهرست مندرجات

## سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

### مشخصات کتاب

سرشناسه: بحرانی، هاشم بن سلیمان، - ق ۱۱۰۷  
عنوان و نام پدیدآور: سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن/ تالیف هاشم حسینی بحرانی؛ ترجمه مهدی حائری قزوینی  
مشخصات نشر: [تهران]: آفاق، ۱۳۶۷.  
مشخصات ظاهری: ص ۴۷۸  
فروست: (تفسیر روائی ۱)  
شابک: بها: ۲۳۰۰ ریال  
وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی  
یادداشت: عربی - فارسی  
یادداشت: عنوان اصلی: المحججه فی منازل فی القائم الحججه.  
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس  
موضوع: جنبه های قرآنی  
موضوع: قرآن -- احادیث  
شناسه افزوده: حائری قزوینی، مهدی، مترجم  
رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴/۴BP/ح ۳۰۴۱ ۱۳۶۷  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: م ۶۸-۹۹۶

[سخن مترجم (سید مهدی حائری قزوینی)]

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين تراجمه وحی الله و خزّان علمه، سیمای مولانا صاحب الزّمان و شریک القرآن عجل الله فرجه و سهّل مخرجه و جعلنا فی حزبه و أنصاره.  
یکی از ضربه های سنگین و جبران ناپذیری که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بر پیکر بشریت وارد آمد این بود که غاصبان خلافت، قرآن جمع آوری شده امیر مؤمنان علیه السلام را نپذیرفتند که گفته می شود: در آن، هم راه با آیات وحی، شأن نزول، تأویل، تطبیق و نکات دیگری نیز بوده است. «۱»  
بدین ترتیب، مردم را از راه یافتن به چشمه سارهای زلال وحی بازداشتند و تنها ظواهری از دین را به قصد فریب خلق خدا رواج دادند. از سوی دیگر، پول های گزافی دادند تا عالم نمایانی از خدا بی خبر و مزدور، دروغ هایی به عنوان حدیث در زمینه های مختلف، از جمله تفسیر و تأویل قرآن، جعل کنند و اذهان مردم را از رسیدن به حقایق دور سازند.

(۱). رک. الاحتجاج ۱: ۲۲۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲

در طول تاریخ، پیوسته دشمنان حق از منتشر شدن معارف قرآن و آشکار شدن حقایق و اسرار آن، به انحای مختلف، جلوگیری کردند تا آنجا که بسیاری از شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السّلام هم چون ابو ذر غفاری و میثم تمار و حجر بن عدی و رشید هجری و ... به جرم دفاع از حریم ولایت، به شهادت رسیدند و از بازگو کردن حقایق قرآن به طریق صحیح و شیوهی مستقیم خاندان عصمت، ممنوع گردیدند و چه نوشته‌ها و آثار از بین رفت یا در گوشه و کنار محبوس ماند!

این گوشه‌ای از گرفتاری‌هایی است که در راه شناخت مسائل و معارف قرآن همواره وجود داشته است:

اندکی با تو بگفتم غم دل؛ ترسیدم که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیار است

شناختن معارف قرآن و بهره گرفتن از سرچشمه‌های شیرین آن، راهی جز این ندارد که از بازگو کنندگان وحی و مترجمان راستین قرآن و گنجوران علم خداوند، یعنی خاندان عصمت علیهم السّلام درس بگیریم و از ایشان بیاموزیم که:

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿١﴾

(به آن (قرآن)، جز پاکیزگان، کسی دست نمی‌یابد.)

نیز از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که فرمود:

«هیچ کس، جز اوصیای پیغمبر، نمی‌تواند ادعا کند که (علم) تمامی قرآن، ظاهر و باطن آن، نزد او هست.» ﴿٢﴾

و نیز فرمود:

«همانا از جمله‌ی علمی که به ما داده‌اند، علم تفسیر قرآن و احکام آن و آگاهی از تحولات و تغییرات زمان و روی داده‌های آن

است ...» ﴿٣﴾

(۱). واقعه (۵۶): ۸۰.

(۲). بصائر الدّرجات: ۲۱۳ [ج ۴، باب ۶، ح ۱]؛ کافی ۱: ۲۲۸ [کتاب الحجّه، باب آنه لم یجمع ... ۳۵، ح ۳].

(۳). بصائر الدّرجات: ۲۱۴ [ج ۴، باب ۷، ح ۱]؛ کافی ۱: ۲۲۹ [کتاب الحجّه، باب آنه لم یجمع ... ۳۵، ح ۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳

هم چنین از عبد الأعلى روایت است که گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام می‌فرمود:

«به خدا سوگند، من کتاب خدا را از اول تا به آخرش می‌دانم؛ چنان که گویی در کف دست من است. در قرآن، خبر آسمان و خبر

زمین و خبر روی داده‌های گذشته و آینده هست. خدای - عزّ و جلّ - فرموده است که بیان و توضیح همه چیز در آن است.» ﴿١﴾ ﴿٢﴾

از این روی، شیعیان، با آن همه مشکلات و موانع و علی‌رغم سخت‌گیری مخالفان، در جهت فراگیری علوم و معارف قرآن از ائمه‌ی

معصومین علیهم السّلام، تلاش کرده و به روایت و تدوین و نشر احادیث مربوط به آن اهتمام ورزیده‌اند.

خوش‌بختانه مجموعه‌های ارزنده‌ای در این زمینه امروز در دسترس ماست و هر کدام از آنها برای راه‌یابی به معارف قرآن مجید

از اهمّیت خاصی برخوردارند.

برای نمونه، از کتاب‌های ارزنده‌ی: تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، سعد

السّعود سید ابن طاووس، البرهان سید هاشم بحرانی و نور الثّقلین حویزی می‌توان نام برد. کتاب المحجّه فی ما نزل فی القائم

الحجّه - که ترجمه‌اش را در دست دارید - از همین آثار مهمّ است.

این کتاب درباره‌ی آیاتی از قرآن مجید است که به استناد سخنان دربار و پر برکت پیغمبر اکرم و جانشینان راستین حضرت او که

درود خداوند بر تمامی ایشان باد در مورد امام منجی و موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تفسیر و تأویل و تطبیق گردیده است. طبق روشی که غالباً در این قبیل کتاب‌ها مشهود است، احادیث با ذکر سند در ذیل آیات یاد شده‌اند و از بحث و بررسی اقوال مفسران و غور و خوض در مطالب دیگری که معمولاً در تفاسیر مطرح می‌شود، سخن به میان نمی‌آید.

این احادیث به چند دسته تقسیم می‌شوند. ما ضمن توضیح چند واژه‌ی:

«تفسیر»، «تأویل»، «تطبیق»، به بعضی از اقسام آن‌ها- که شاید برای خوانندگان این کتاب و نظایر آن سودمند باشد- اشاره می‌کنیم:

(۱). اشاره به آیه‌ی نحل (۱۶): ۹۰.

(۲). کافی ۱: ۲۲۹ [کتاب الحجّة، باب أنّه لم یجمع ... ۳۵، ح ۴].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴

## [توضیح چند واژه]

### ۱- تفسیر

در لغت از «فسر» گرفته شده به معنی بیان و پرده‌برداری از روی لفظ است.

برخی گفته‌اند: مقلوب از «سفر» است؛ چنان که گویند: «أسفر الصّیبح: صبح روشن شد» و به قولی، مأخوذ از «تفسره» (- وسیله‌ی معاینه‌ی طیب از مریض) است.

در قرآن کریم، آیات بسیاری هست که بی‌تردید به تفسیر نیاز دارد. در تفسیر این آیات، یا به ظواهر آن‌ها باید تکیه کرد و با شناخت عربی صحیح و اطمینان از ظهور لفظی در معنی معین، به مقصود پی برد یا از عقل فطری صحیح پیروی کرد یا از روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام بهره گرفت. «۱» با حدس و گمان در مورد آیات قرآن نباید اظهار نظر کرد که تفسیر به رأی در شرع حرام و مردود است.

روایت است که ابن عباس تفسیر را به چهار وجه تقسیم کرده است:

۱- تفسیری که هیچ کس از ندانستن آن معذور نیست.

۲- تفسیری که عرب‌ها- از آن‌رو که به زبان ایشان است- آن را می‌شناسند.

۳- تفسیری که عالمان آن را می‌دانند.

۴- تفسیری که جز خداوند کسی نمی‌داند.

\* آن‌چه هیچ کس از ندانستن آن معذور نیست، دستورات صریح شرع در احکام و دلایل روشن توحید و مانند آن‌هاست.

\* آن‌چه عرب‌ها می‌شناسند، حقایق لغت و موضوعات زبان عربی است.

\* آن‌چه علما می‌دانند، تأویل و بیان مقصود از آیات متشابه است.

\* تفسیری که جز خداوند کسی نمی‌داند، اخبار غیبی، هنگام برپایی قیامت و مانند این‌هاست. «۲»

(۱). رک. مجمع البیان ۱: ۳۹ [مقدمه، الفن الثالث. نیز رک. البیان: ۳۹۷.

(۲). مجمع البیان ۱: ۴۰ [شیخ طوسی نیز تقسیم‌بندی مفیدی دارد. رک. مقدمه‌ی التبیان.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵

از «أول» (- بازگشت) گرفته شده و در قرآن به چهار معنی آمده است:

۱- عاقبت و نتیجه‌ی کار؛ چنان که می‌خوانیم:

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ، ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا «۱»

(و با ترازوی راست بسنجید که آن بهتر و در عاقبت نیکوتر است.)

۲- تعبیر خواب؛ چنان که در سوره‌ی یوسف چندبار به این معنی به کار رفته است.

۳- تحقق یافتن و وقوع خارجی وعده‌های الهی؛ چنان که فرمود:

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ؟ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ: قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ «۲»

(آیا) کافران که منکر آیات خداوند و نتایج اعمالشان‌اند) منتظر رسیدن جز تأویل آیات و تحقق یافتن روز موعودند؟ روزی که تأویل آیات فرا رسد، آنان که از پیش، آن را فراموش کرده‌اند خواهند گفت: به راستی، رسولان پروردگاران حق را برایمان گفتند (...)

۴- بیان و توجیه الفاظ یا کارهای شبهه‌انگیزی که چند احتمال داشته باشند؛ مانند: آیات متشابه قرآن و کارهای حضرت خضر علیه السلام که حضرت موسی علیه السلام را به شگفتی و سؤال وامی‌داشت. در آخر کار بود که جناب خضر علیه السلام انگیزه‌ی معقول و درست کارهای خود را بیان و «تأویل» کرد. «۳»

بی‌تردید در قرآن، آیات متشابه وجود دارد که باید تأویل گردد؛ ولی تأویل آن‌ها را جز خداوند و راسخان در علم کسی نمی‌داند؛ چنان که فرموده است:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ، مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ، وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ. فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ

(۱). إسرائ (۱۷): ۳۶.

(۲). اعراف (۷): ۵۴.

(۳). رک. كهف (۱۸): ۶۶-۸۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶

مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ «۱»

(اوست) (خدایی) که کتاب را بر تو نازل فرمود. قسمتی از آیات آن محکمات است که اساس و امّ الكتاب است و قسمت دیگر متشابهات. پس آنان که در دل‌هایشان انحرافی (از حق) هست، از پی متشابه روند تا از راه تأویل آن (به دل‌خواه خود) فتنه‌انگیزی کنند و تأویل آن را جز خداوند و راسخان در علم، نمی‌داند (...)

آری، بیماردلان و باطل‌جویان در پی تأویل آیات متشابه‌اند تا آن‌ها را به دل‌خواه خود، برای توجیه آرای فاسد و عقاید نادرستشان به کار برند و فتنه‌انگیزی و شبهه‌جویی کنند؛ امّا خداوند در هر زمان حجت معصومی دارد که تأویل درست آیات را بیان و از گم‌راهی مردم جلوگیری می‌کند؛ چنان که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرموده‌اند:

«همانا خدای - عزّ و جلّ - از روزها، جمعه را و از ماه‌ها، ماه رمضان را و از شب‌ها، شب قدر را اختیار فرمود و مرا بر تمامی انبیا برگزید و از من، علی را و او را بر همه‌ی اوصیا برتری داد و از علی، حسن و حسین را اختیار کرد و از حسین، فرزندان وصیش را که تحریف غلوکنندگان و شیوه‌های باطل‌جویان و تأویل گم‌راه‌کنندگان را از قرآن دور می‌سازند. نهمین ایشان قائمشان است و (او) ظاهر آنان و باطنشان است.» «۲»

احادیث دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارد که به منظور پرهیز از اطاله‌ی سخن، از آوردن آن‌ها خودداری می‌کنیم. تأویل آیات قرآن در روایات به معنی دیگری نیز به کار رفته که از آن به «بطن» نیز تعبیر می‌گردد. تأویل به این معنی در مورد تمامی آیات قرآن هست و بسا آیه‌ای چندین تأویل داشته باشد. در این احادیث دقت کنید:

(۱). آل عمران (۳): ۸.

(۲). کمال الدین و تمام النعمه ۱: ۲۸۱ [باب ۲۴، ح ۳۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷

۱. جابر گوید: از امام باقر علیه السلام چیزی از تفسیر قرآن را پرسیدم؛ به من پاسخی فرمود. بار دیگری همان سؤال را مطرح کردم؛ آن حضرت جواب دیگری به من داد! عرض کردم: فدایتان شوم! پیش از این روز، در مورد این مسأله جواب دیگری فرمودید! فرمود:

«جابر، همانا قرآن را باطنی است و بطن آن را بطنی دیگر و آن را ظاهری است و ظاهرش را ظاهری دیگر. ای جابر، هیچ چیزی نسبت به عقول مردان از تفسیر قرآن دورتر نیست. (گاه) آغاز آیه‌ای درباره‌ی چیزی است و آخرش مربوط به چیز دیگر و (در عین حال) سخن متصل و پیوسته‌ای است.» (۱)

۲. روایت است که فضیل بن یسار گفت: از امام باقر علیه السلام راجع به این حدیث پرسیدم که: «هیچ آیه‌ای نیست مگر این که ظاهری دارد و باطنی؟» فرمود:

«ظاهر آن لفظ آیه است و باطن آن تأویلش. قسمتی از آن گذشته و قسمتی از آن هنوز نیامده است. هم چون خورشید و ماه جریان می‌یابد. هر تأویلی بیاید، بر مردگان هم وارد می‌شود؛ چنان که بر زندگان وارد می‌گردد.

خدای - تبارک و تعالی - فرموده است: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَتَأْوِيلَ آن را کسی نمی‌داند جز خداوند و راسخان در علم). ما آن را می‌دانیم.» (۲)

۳. اسحاق بن عمار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

«همانا قرآن را تأویلی است که قسمتی از آن آمده و قسمتی دیگر هنوز نیامده است. پس هرگاه تأویل در زمان یکی از امامان واقع شود، امام آن زمان آن را می‌شناسد.» (۳)

(۱). تفسیر عیاشی ۱: ۱۲.

(۲). بصائر الدرجات: ۲۰۳ [ج ۴، باب ۱۰، ح ۲] و ۱۹۶ [ج ۴، باب ۷، ح ۷].

(۳). همان: ۱۹۵ [ج ۴، باب ۷، ح ۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸

۴. از امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی روایت شده است که فرمود:

«اگر آیه‌ای در مورد قومی نازل می‌گشت، سپس - وقتی آن قوم مردند - آیه از بین می‌رفت، دیگر از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند؛ ولی آغاز قرآن - تا وقتی که آسمان‌ها و زمین برپای‌اند - بر آخرش جریان می‌یابد و [هر دو هم سنگ‌اند]. هر قومی که آیه‌ای را

تلاوت می‌کنند، خودشان (از جهت خیر یا شر) از مصادیق آن آیه‌اند.» (۱)

روایات بسیار دیگری نیز در کتاب‌های معتبر آمده است.

در آیات قرآن مطالب بسیاری هست که به لفظ عام بیان شده‌اند و در هر زمان بر عده‌ای مصداق می‌یابد و گاهی هم، لفظ آیه‌ای خاص ولی معنی آن عام است و شامل کسان دیگری که مشابه آن عمل از آنان صدور یافته نیز می‌شود.

خلاصه این که ملاک و مناط حکم در سایرین هم یافت می‌شود و حکم بر آنان منطبق می‌گردد. احادیث زیادی از امامان علیهم السّلام در این قبیل موارد آمده است که مصداق حتمی و بارز آیات را بیان فرموده‌اند.

شاهد این سخن روایتی است از امام صادق علیه السّلام که درباره‌ی فرموده‌ی خدای متعال: وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ و آنان که آن‌چه را خداوند به پیوندش امر فرموده می‌پیوندند) «۲» فرمود:

« (این آیه) در ارحام آل محمّد صلی الله علیه و اله و سلم نازل شده است و درباره‌ی خویشاوندان تو نیز هست. (سپس فرمود:) از کسانی مباش که چیزی را در یک مورد منحصر می‌دانند. » «۳»

\*\*\*

(۱). تفسیر عیاشی ۱: ۱۰.

(۲). رعد (۱۳): ۲۲.

(۳). کافی ۱: ۵۳۷ ( [کتاب الحجّه]، باب صلّه الإمام علیه السّلام ۱۲۹، ح ۱).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹

خدای را شکر می‌گزارم که بر من منت نهاد و توفیق ترجمه‌ی این کتاب را روزی ام فرمود. متن عربی آن به همت و تلاش برادر و خویشاوند عزیزم، دانشمند ارجمند جناب آقای سید محمّد منیر میلانی، مقابله و تصحیح و تحشیه شده و آیات چندی نیز بر گردآورده‌ی مرحوم مؤلّف استندراک گردیده است. در موقع ترجمه نیز چند آیه‌ی دیگر اضافه شد. سعی من - در تمامی ترجمه‌هایی که داشته‌ام - این بوده است که تمام متن را بی‌کم و کاست بیاورم و امانت را کاملاً رعایت کنم. اگر مطلبی به نظرم مفید آمد، در پاورقی آورده و در آخر آن، کلمه‌ی «مترجم» را افزوده‌ام تا از پی‌نویس‌های آقای میلانی تشخیص داده شود. شرح حال مؤلّف بزرگوار، مرحوم سید هاشم بحرانی را با خصوصیات دیگری درباره‌ی کتاب، به قلم جناب آقای میلانی پس از این خواهید خواند.

از درگاه خداوند مسألت دارم که کارهایم را خالص برای خودش قرار دهد و دست مرا از خدمت‌گزاری به آستان مقدّس مولا یم حضرت صاحب الزّمان روحی فداه و عجل الله فرجه کوتاه نکند!

شهر مقدّس قم - سید مهدی حائری قزوینی

جمادی الأوّل ۱۴۰۵ ق، بهمن ۱۳۶۳ ش

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱

**مقدمه‌ی محقق**

**اشاره**

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳

بار خدایا! تو را حمد می‌گویم بر نعمت‌ها و عنایت‌هایت؛ بر نعمت‌های ظاهری و باطنی که به ما ارزانی داشته‌ای؛ حمد کردنی که آغازش قبول در گاهت شود و پایانی برایش نباشد.

درود و سلام می‌فرستم بر سید رسولانت و خاتم پیغمبرانت که به سوی تو ره‌نمون است و دلالت‌کننده بر تو؛ آن که به رحمت بر



بندگان مبعوث‌اش داشتی تا آنان را به دوری از پلیدی راه نماید و از گم‌راهی هدایت کند و از تاریکی‌های شرک به نور توحید تو بیرون‌شان برد و بر خاندان پاکیزه‌اش، آن جانشینان پسندیده و هدایتگران ره یافته؛ به‌ویژه آخرین آنان و خاتم آن امامان بر حق، حضرت بقیة الله فی الارضین، حجت خداوند بر همه‌ی عالمیان، امام دوازدهم و خلف منتظر، نجات دهنده‌ی بشر، آقا و مولایمان حضرت مهدی بن الحسن العسکری که خداوند فرجش را نزدیک فرماید و جان‌هایمان را فدایش گرداند.

بار خدایا! بر آنان بهترین درودهایت را بفرست و بهترین برکات را بر ایشان قرار ده و عذاب و لعنتت را- خداوند گارا- بر دشمنان و ستمگران در حق ایشان، از اولین و آخرین، تا روز بازپسین فزونی ده.

باری،

آن‌چه مستضعفان از جهت استثمار مستکبران رنج می‌برند و آن‌چه ضعیفان

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴

بر اثر ظلم و ستم زورمندان غصه می‌خورند، چیز تازه‌ای نیست که در قرن بیستم [میلادی یا قرن پیش از آن پدید آمده باشد؛ بلکه اگر به تاریخ مراجعه کنیم و به دوران‌ها و آثار انسان‌ها در طول تاریخ بنگریم، خواهیم یافت که این رنج و غم و فشار و درد از همان اوایل آفرینش بشر پیوسته جریان داشته است. قرآن کریم از پیدایی قایل در برابر هابیل و ایستادگی نمود در مقابل ابراهیم علیه السلام و تکذیب فرعون نسبت به موسی علیه السلام و ... سخن گفته است. هم‌چنین پیغمبر عظیم الشان ما که درود و سلام بر او باد به کفار قریش به سرکردگی ابو لهب و ابو جهل و ابو سفیان دچار گردید و همین‌طور در هریک از دوران‌ها، زورمندان انواع مختلفی از بردگی و بارکشی را بر ضعیفان تحمیل کرده‌اند.

جوامع مترقی امروزی خرید و فروش آدمی را لغو و تحریم کرده‌اند و این را از جمله‌ی نشانه‌های تمدن و پیشرفت خود به شمار می‌آورند؛ ولی در حقیقت جز تغییر نام و شکل ظاهری بردگی و استثمار کار دیگری نکرده‌اند؛ چه این که می‌بینیم ملت‌ها و اقلیم‌ها را یک‌جا می‌خرند و در مقابل، فرهنگ استعماری را بر آن‌ها تطبیق می‌دهند!

بنابراین، آیا این تناقض فرهنگی موجود را آخری هست؟ سرانجام سرنوشت انسانیت به کجا منتهی می‌شود؟ آیا روزی می‌رسد که جامعه‌ی بشری سعادت و کام‌یابی کامل و زندگی ایده‌آل را به خود ببیند و به کمال واقعی دست یابد؟ آیا روزنه‌ی امیدی هست تا انسان از دریچه‌ی آن به خیر و خوشی و زندگی راحت چشم بدوزد یا این که بر انسان نوشته شده است که در تاریکی و تیره‌روزی و زندگی پر رنج و شکنج و آکنده از مشکلات مادی و معنوی به سر برد و همواره با امواج بلا و محنت دست و پنجه نرم کند، سپس در اقیانوس جهل و بدبختی و محرومیت غرق گردد؟!!

اندیشمندان شرق و غرب سعی داشته‌اند که به این سؤالات پاسخ دهند و برای خلاصی از این تنگناها چاره جویند و این مشکلات بزرگ را- که برای همه‌ی انسان‌ها مطرح است- حل کنند.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵

برخی از آن‌ها چنین می‌پندارند که راهی برای بیرون شدن از این گرداب نیست؛ انگار که این موجود عاقل فقط برای همین خلق شده است که در فقر و بدبختی و جهل بماند و تا ابد دچار تیره‌روزی و نکبت و محنت باشد!

بعضی دیگر- به جای این که احساس مسئولیت کنند و به فکر خلاصی جامعه‌ی بشری باشند- عزلت و گوشه‌گیری از جامعه را برای خود برگزیده و بی‌اعتنا به آن‌چه بر سر مردم می‌آید، به کنجی خزیده‌اند.

تنها عده‌ی اندکی از آنان با فکر باز و عقل سلیم به محدوده‌ی وسیعی نگریسته‌اند و با بصیرت و دقت، مشکلات انسانی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و مردم را به «مدینه‌ی فاضله» و زندگانی ایده‌آل و سعادت‌مند امیدوار ساخته‌اند ...

البته انبیای عظام و رسولان گرامی علیهم الصلوة و السلام امم خویش را به عاقبت خوش و سرانجام پاکیزه و خرم برای افراد بشر

مژده داده و خیردار ساخته‌اند. آنان از سوی خداوند وعده فرموده‌اند که روزگار آدمیان به سعادت و رفاه و خوشی و راحتی ختم خواهد شد و دوران استضعاف و ظلم و ستم به آخر خواهد رسید. در آن هنگام، انسان‌های محروم، حقوق خویش را باز خواهند ستاند، از چنگال فقر و محرومیت و رنج‌رهایی خواهند یافت و پس از آن که محکوم و رهرو بوده‌اند، به رهبری و زمام‌داری خواهند رسید و به فضل و عنایت الاهی در زمین سروری خواهند یافت که:

و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿١﴾

(و می‌خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.)

(١). قصص (٢٨): ٦.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٦

### مصلح از دیدگاه انبیا علیهم السلام

آری، همه‌ی پیامبران گذشته علیهم السلام مژده داده‌اند که مصلحی ظهور خواهد کرد که سایه‌ی عدالت را بر سراسر گیتی می‌گستراند و حکومت داد و قسط را بر پهنه‌ی زمین به اجرا درمی‌آورد؛ به‌طوری که دیگر نه ظالمی باقی می‌ماند و نه مظلومی. هیچ‌کس نسبت به حق دیگری تجاوز نکند و احدی از مرز عدل بیرون نرود. کتاب‌های آسمانی، تورات و انجیل و زبور و ...، آکنده از این بشارت است که پیغمبران الاهی به امت‌هایشان بیان فرموده‌اند. البتّه در تعیین مصداق آن مصلح عبارت‌ها مختلف و الفاظ متفاوت است.

این اختلافات به اغراض و تمایلات عده‌ای سودجو برمی‌گردد؛ ولی اصل مطلب یعنی ظهور یک مصلح واقعی، مورد قبول تمامی ملل عالم است؛ هرچند بعضی او را «ربّ» و بعضی «مسیح» و جز آن نامند که در این زمینه بیش‌تر سخن نمی‌گوییم.

### مصلح از دیدگاه اسلام

قرآن کریم در بیش از ١٢٠ آیه به این معنی اشاره فرموده و اعلام داشته است که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت شیطان را به پایان برد و بساط پیروان او را برچیند. او حتماً بندگان صالح خویش را در همه جای زمین حکومت خواهد داد و سراسر گیتی را به آنان خواهد سپرد؛ چنان‌که فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١﴾

(و البتّه ما پس از (نوشتن در) ذکر (تمام کتاب‌های آسمانی یا تورات) در زبور نیز نگاشتیم که: البتّه بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.)

آن‌گاه قوانین اسلام را به‌طور کامل و همه‌جانبه اجرا خواهد کرد و سعادت افراد بشر، بلکه حتی حیوانات و تمام موجودات زمین، تضمین و تأمین خواهد شد و هدف

(١). انبیاء (٢١): ١٠٦.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٧

نهایی از زندگی تحقّق خواهد پذیرفت.

در سنّت نبوی: هنگامی که به کتاب‌های مربوط به سنّت و حدیث پیغمبر گرامی صلی الله علیه و اله و سلم مراجعه می‌کنیم، آن‌ها

را- که مؤلفانشان از مذاهب مختلف اسلامی اند- از احادیث صحیح و متواتری آکنده می‌بینیم که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم در آن‌ها تصریح فرموده‌اند که مردی از عترت آن حضرت در آخر الزمان خروج خواهد کرد و زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت؛ پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.

این اضافه بر کتاب‌های بسیار زیادی است که علمای اسلام آن‌ها را تألیف کرده‌اند (که بیش از ۳۰۰ کتاب در دسترس است) و در آن‌ها به‌طور خاص ظهور آن ابرمرد از عترت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم را در آخر الزمان- در هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد- مورد بحث و بررسی قرار داده و ویژگی‌های نسبی و حسبی، حتی اوصاف جسمی حضرت او را، با استفاده از احادیث صحیح متواتری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم رسیده است توصیف و مشخص کرده‌اند؛ مانند حدیثی که ابو داود در سنن خود (۴: ۱۵۴) از ابو سعید خدری روایت کرده است که: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: «مهدی از من است؛ فراخ پیشانی و باریک بینی. او زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد؛ هم‌چنان که از جور و ستم آکنده شده باشد.»

این روایت را علمای بزرگ حدیث و ده‌ها مؤلف و محقق دیگر نیز گزارش کرده و صحیح دانسته‌اند؛ از جمله‌ی آن‌ها علمای شیعه‌ی امامیه‌اند که کتاب‌هایشان پر است از احادیث صحیحی که از طریق امامان اهل‌البیت علیهم‌السلام از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم روایت شده است؛ مبنی بر این که: او زنده است؛ روزی می‌خورد؛ دوران غیبت کبری را می‌گذراند؛ مردم را می‌بیند و آنان او را نمی‌بینند؛ شئون ایشان را تدبیر می‌فرماید؛ و اوست واسطه‌ی فیض بین ایشان و پروردگارش و اگر او نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد و زمین و آسمان به وجود او برپاست و ...

### چرا غایب شده است و کی ظاهر می‌شود؟

با پژوهش در دلایل نقلی و عقلی، درمی‌یابیم که علت غیبت

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸

آن حضرت علیه‌السلام ترس از حاکمان ستمگر است «۱»؛ زیرا یارانی ندارد که کاملاً آگاهی و ایمان به آن حضرت داشته باشند و اوامرش را اطاعت و از درگاه او دفاع کنند و دشمنان را از ساحت مقدّسش دور سازند. بنابراین، اگر غایب نمی‌گشت، عاقبت کارش همان عاقبت پدران بزرگوارش بود: یا به شمشیر کشته می‌شد یا به زهر جفا مسموم می‌گشت؛ در حالی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم- که از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید- چنین فرموده است:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن‌قدر طولانی خواهد ساخت تا این که مردی از خاندانم را برانگیزد ...»

بنابراین، غیر از غیبت چاره چیست؟

امّا ظهور امام علیه‌الصّلاه و السّلام: دانستیم که غیبت آن عزیز معلول نبودن یاران با کفایت است. پس وقتی علت چاره شود و از بین برود، معلول نیز از بین خواهد رفت و آن حضرت ظهور خواهد کرد؛ هم‌چنان که در مورد پیامبر خدا حضرت موسی علیه‌السلام در جریان غیبت‌هایش پیش آمد.

### وظیفه‌ی مسلمانان در غیبت آن حضرت

اگر مسلمانان وضعیّت بد خویش را درک کنند و هواهای نفسانی را از خود دور سازند و عقل را به قضاوت بگیرند و در این بیندیشند که عاقبت کارشان به کجا کشیده و چگونه تفرقه و پراکندگی و از هم گسستگی و اختلاف دامن‌گیرشان شده و

ثروت‌هایشان به تاراج رفته و حرمتشان هتک گردیده و خون‌هایشان ریخته شده است و چه‌طور از هر جهت (چه از لحاظ فرهنگی و چه از لحاظ اجتماعی و مادی و ...) به استضعاف دچار گشته‌اند و نیروهای شیطانی همه هم‌داستان شده‌اند و

(۱). البته این یکی از مهم‌ترین علت‌های غیبت است. بعضی از علل دیگر فاش نشده و پس از ظهور معلوم خواهد گشت و بعضی دیگر- از قبیل علت مزبور و امتحان بندگان و بیرون آمدن مؤمنان از اصلاب کافران و ...- در روایات آمده است. برای توضیح بیش‌تر، رک. ترجمه‌ی فارسی مکیال المکارم ۱: ۱۵۸-۱۶۰. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹

حمله‌های سهمگینی بر ایشان دارند تا تمام ارزش‌های معنوی و مادی را از آنان سلب کنند ... آری، اگر این‌ها را به خوبی درک کنند و موقعیت فعلی خویش را دریابند و علت ضعف و ناتوانی‌شان را بررسی و ریشه‌یابی کنند، خواهند یافت که ریشه‌ی اصلی تمام این بدبختی‌ها و نابسامانی‌هایی که گریبان‌گیرشان شده، نبودن یک زمام‌دار الاهی آشکاری است که از سوی خدا و رسول او نصب گردیده باشد تا از برکت او وحدت یابند و یک‌پارچه شوند و صفوفشان منظم و نیرومند گردد و در تمام امور زندگی و ریز و درشت مشکلات خود به او مراجعه نمایند و او از راه وحی و ملکات الاهی- که خدای عز و جل به وی داده است- شئون زندگی آنان را تدبیر سازد و تنظیم کند.

هرگاه این حقیقت را دانستند، دیگر تاب و قراری برایشان نمی‌ماند و از غفلت و بی‌خبری به در می‌آیند و خواب از چشمانشان دور می‌شود تا این‌که راه رسیدن به سعادت را بیمایند و در پی خلاص شدن از تنگنایی که در آن افتاده‌اند بکوشند و عظمت و بزرگی گذشته‌ی خویش را بازگردانند و به زندگانی برتری که خداوند برایشان اراده فرموده نایل آیند.

قرآن کریم پایه و اساس کاری را که به عهده‌ی مردم است بر ایمان ترسیم می‌فرماید و مسئولیت مردم را در انجام وظیفه برای رسیدن به هدف والای زندگی و تغییر و تعویض جامعه‌ی تاریک به جامعه‌ی روشن به نور علم و فضیلت، در یک آیه‌ی کوتاه گوش‌زد می‌دارد. خدای- تعالی- می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ «۱»

(همانا خداوند حال و وضع هیچ قومی را تغییر نخواهد داد تا این‌که خود، حالشان را تغییر دهند.)

آری، رحمت خداوند- که پیوسته و بی‌انقطاع بر بندگان فرو می‌ریزد- به‌سان نور خورشید است که اشعه‌ی خود را بر همه‌جا و همه‌چیز در زمین می‌تابد و انسان

(۱). رعد (۱۳): ۱۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰

تنها وظیفه دارد موانع را برطرف سازد و حجاب‌ها را کنار بزند.

خدای- تعالی- به فضل و رحمت خویش، رهبر و پیشوا و هدایت‌کننده‌ی مردم را تعیین فرموده و- چنان‌که پیش‌تر یادآور شدیم- به وسیله‌ی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم، به مردم معرفی کرده است. بنابراین، وظیفه‌ی ما آن است که از گناهان و زشتی‌هایی که مرتکب شده‌ایم، به درگاه خدای- عز و جل- توبه کنیم و آموزش بخواهیم و تصمیم بگیریم که خود را اصلاح کنیم و همه‌ی وظایفی را که خداوند از ما خواسته است انجام دهیم. آن‌گاه متوجه آن مصلح جهانی شویم و پیرامونش حلقه‌ی زینم و برای یاری‌اش هم‌پیمان شویم و به درگاه الاهی الحاح و التماس کنیم که ظهورش را زودتر برساند و فرجش را تعجیل فرماید؛ پس از آن‌که به‌طور علمی از طریق احادیث شریف و کتاب‌هایی که درباره‌ی وجود مقدسش تدوین گردیده نسبت به آن حضرت معرفت

یافتیم.

از جمله‌ی کتاب‌های ارزشمندی که درباره‌ی شخصیت حضرت مهدی علیه السلام تألیف گردیده همین کتاب است که اکنون در دست شماست و عالم عامل دانشمند متبحر آگاه سید بحرانی رحمه الله آن را نگاشته است. به حق می‌توان گفت: او نخستین کسی است که در این فن و به این ترتیب و شیوه تألیف کرده است. وی آیات قرآن را که درباره‌ی حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه نازل گشته طبق احادیثی که در تفسیر و تأویل آن‌ها از خاندان عصمت و طهارت وارد شده- و خانگی داند که اندر خانه چیست- جمع کرده و به ترتیب سوره‌ها و آیات نظم داده است.

این کتاب در گذشته به ضمیمه‌ی اثر دیگری از مؤلف، یعنی کتاب «غایه المرام» چاپ شده بود؛ ولی قرار گرفتن آن در آخر کتاب مزبور از یک سو و چاپ شدن آن به شیوه‌ی سنگی و پر غلط از سوی دیگر، از اهمیت کتاب کاسته و ارزش والای آن را تا حدی پایین آورده بود. لذا بر آن شدم تا آن را- به گونه‌ای که سزاوار است- با تحقیق و تنقیح عرضه دارم و بدین وسیله این اثر گران بها را احیا کنم تا به مؤلف بزرگوار آن- که عمر شریفش را در راه نشر فضایل و جمع احادیث اهل البیت علیهم السلام سپری ساخت- خدمتی کرده باشم.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱

## زندگی‌نامه‌ی مؤلف

### اشاره

او فاضل ماهر و دانشمند مدقق، فقیه آگاه به تفسیر و حدیث و رجال و علوم عربی، سید هاشم بن سید سلیمان بن سید اسماعیل بن عبد الجواد کتکانی (منسوب به قریه‌ی «کتکان»، یکی از آبادی‌های «توبلی» «۱» از خطه‌ی بحرین «۲») است. علمای بزرگوار ما در کتاب‌های خود از وی به بزرگی و عظمت و احترام یاد کرده و او را از جهت مرتبه‌ی والای علمی و مقام ارجمند عملی و معنوی ستوده‌اند.

اضافه بر این، در اداره‌ی دیار و تنظیم امور و تدبیر کارها و شؤون اجتماعی، منزلت برجسته‌ای داشت و ریاست و سرپرستی بلاد به او منتهی شد. لذا به قضاوت کردن پرداخت و به بهترین وجه، امور مالی را منظم ساخت و دست ستمگران و حاکمان را کوتاه کرد و امر به معروف و نهی از منکر را رواج داد و در این راه تلاش بسیار نمود.

در راه خدا و دین به ملامت و سرزنش هیچ کس اعتنا نمی‌کرد و به شدت و با پرهیزگاری کامل، به منع و بازداشتن زمامداران و حکام از کارهای خلاف اسلام می‌پرداخت.

### مقام علمی او

شیخ یوسف بحرانی درباره‌ی او گوید:

سید یاد شده فاضل و محدث و جامع متتبع بی‌مانندی در اخبار بود؛ به گونه‌ای که به جز شیخ ما مجلسی قدس سره کسی در این کار بر او سبقت نگرفته است. وی کتاب‌های چندی تصنیف کرد که بر بسیاری تتبع و وسعت اطلاع او گواه است. «۳»

(۱). [علی‌رغم جست‌وجو در چندین منبع، ضبط دقیق‌تر نام‌های این دو ناحیه به دست نیامد؛ الا این که با استناد به تلفظ برخی از دانشوران، واژه‌ی دوم به یاء مختوم است؛ نه الف مقصور.]

(۲). [بحرین (- دو دریا) نام جزیره‌ای است مشهور در خلیج فارس که از دیرباز شیعه‌نشین است. منسوب بدان‌جا را بحرینی یا بحرانی گویند.]

(۳). [لؤلؤة البحرین: ۶۳.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲

### پرهیزگاری و زهد او

همه‌ی علما و محققان متفق‌اند که بر کتاب یا رساله‌ای از او دست نیافته‌اند که در یکی از مسائل فرعی احکام شرع، گرچه یک مسأله‌ی جزئی، بحث کرده و نظر داده باشد؛ با این‌که او در علم و دانش دارای تسلط و تبخر بود. در این باره شیخ بحرانی می‌گوید: ... ولی من هیچ کتابی از او نیافتم که درباره‌ی احکام شرعی فتوایی داده باشد؛ گرچه در مسأله‌ی جزئی. تمام آنچه او نوشته همه جمع‌آوری و تألیف است و آن‌قدر که من دیده‌ام، در مورد هیچ کدام سخنی نگفته است که قولی را بر سایر اقوال ترجیح دهد یا درباره‌اش بحث کند یا نظری را اختیار کند. من نمی‌دانم که این کار از جهت پایین‌تر بودن درجه‌اش از نظر و استدلال بوده یا از روی ورع و پرهیزگاری چنین رفتار کرده است؛ چنان‌که از سید زاهد عابد رضی اللّٰه عنہ بن طاووس رحمه اللّٰه این شیوه نقل گردیده است. (۱)

### استادان و شاگردان او

سید بزرگوار ما از چند استاد برجسته‌ی حدیث روایت می‌کند؛ از جمله: سید عبد العظیم بن سید عباس استرآبادی و شیخ فخر الدین بن [محمد علی بن احمد بن ...] طریح نجفی مؤلف کتاب مجمع البحرین. عدّه‌ای از علما و فضلا از او روایت دارند؛ از جمله: شیخ محمود بن عبد السّلام المعنی، که شیخ بحرانی او را در کتاب لؤلؤة البحرین (۲) یاد کرده است.

### درگذشت او

سید بحرانی رحمه اللّٰه در قریه‌ی نعیم در خانه‌ی شیخ عبد اللّٰه بن حسین بن علی بن کنبار، دار فانی را وداع گفت. جنازه‌اش را به قریه‌ی توبلی بردند و در مقبره‌ی ماتینی (از مساجد معروف آن قریه) به خاک سپردند. مدفنش زیارتگاه و معروف است. تاریخ وفات او را ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ هجری قمری ذکر کرده‌اند.

(۱). [همان.]

(۲). [ص ۷۵.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳

### تألیفات او

سید بحرانی رحمه اللّٰه تألیفات بسیاری در علوم و فنون مختلف از خود به جای گذاشته است. بعضی از صاحب نظران نام مؤلفات او را چنین یاد کرده‌اند:

۱- البرهان فی تفسیر القرآن.

- ۲- الهادی و ضیاء النّادی (در تفسیر قرآن).
- ۳- معالم الزّلفی من أحوال الشّأه الأولى و الأخری.
- ۴- مدینه المعجزات فی النّص [النّصوص؟] علی الأئمّه الهداء.
- ۵- الدّرّ النّضید فی فضائل [خصائص؟] الحسین الشّهید علیه السّلام.
- ۶- تفضیل الأئمّه علی الأنبیاء [سوی الخاتم صلّی الله علیه و اله و سلم .
- ۷- وفاه النّبی صلّی الله علیه و اله و سلم.
- ۸- وفاه الزّهراء علیها السّلام.
- ۹- سلاسل الحدید، المنتخب من شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید.
- ۱۰- الاحتجاج [- احتجاج المخالفین علی إمامه أمير المؤمنین علیه السّلام .
- ۱۱- نهایه الآمال فی ما یتّم فیہ الأعمال.
- ۱۲- ترتیب التّهذیب.
- ۱۳- الرّجال و العلماء الذّین رجعوا إلی الحقّ [- إضاح المسترشدين فی تراجم الزّاجعین إلی ولایه أمير المؤمنین علیه السّلام؟- هداية المستبصرین؟].
- ۱۴- حلیه الأبرار [فی فضائل؟ فی أحوال؟] محمّد و آله الأطهار علیهم السّلام.
- ۱۵- حلیه النّظر فی فضل [فضائل؟] الأئمّه الاثنی عشر.
- ۱۶- البهجه المرضیه فی إثبات الخلفه و الوصیه [- إثبات الوصیه؟].
- ۱۷- مناقب الشّیعه.
- ۱۸- الیتیمه [- التیمیه، فی بیان نسب التیمی؟].
- ۱۹- نسب عمر [احتمالا همان کتاب پیشین. رک. الكواکب المنتشرة: ۸۱۱].
- ۲۰- تعریف رجال «من لا یحضره الفقیه».
- ۲۱- مولد القائم علیه السّلام.
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴
- ۲۲- نزّهه الأبرار و منار الأفكار فی خلق الجنّه و النّار.
- ۲۳- تبصره الولیّ فی من رأى المهدیّ علیه السّلام.
- ۲۴- عمدّه النّظر فی [بیان عصمه] الأئمّه الاثنی عشر علیهم السّلام [ببراهین العقل و الكتاب و الأثر].
- ۲۵- معجزات النّبی صلّی الله علیه و اله و سلم.
- ۲۶- غایه المرام و حجّه الخصام فی تعین الإمام من طریق الخاصّ و العامّ.
- ۲۷- [اللّوامع التّوراتیه فی أسماء علیّ و أهل بیته علیهم السّلام القرآئیه].
- ۲۸- المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّه علیه السّلام «۱»، که همین کتاب حاضر است.
- این اثر شامل ۱۲۰ آیه است که از سوره‌ی بقره آغاز و به ترتیب سوره‌ها و آیات به سوره‌ی عصر ختم شده است. مؤلّف این کتاب را پس از تألیف «البرهان» تدوین کرده است؛ چرا که تفصیل بعضی از روایات را به آن محوّل می‌کند. این اثر ارزنده مجموعه‌ی لطیفی است و تا جایی که می‌دانیم، کسی پیش‌تر چنین شیوه‌ای به کار نبرده است.



مبنای ما یک نسخه خطی از این کتاب بود که در کتابخانه‌ی عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی در قم به شماره‌ی ۱۱۱۵ موجود است. نسخه‌ی مزبور خوش خط است و در زمان مؤلف رحمه الله نوشته شده و با نسخه‌ی مؤلف مقابله و تصحیح گردیده است. در حاشیه‌ی آخرین صفحه‌ی آن چنین درج شده است:

تصحیح این کتاب از اول تا به آخر بر پایه‌ی نسخه‌ی مصنف آن - که سایه‌اش مستدام و برخورداریش از نتیجه‌ی این عمل برقرار باد - روز بیست و دوم ماه حج (ذی الحجة الحرام) سال ۱۱۰۴ انجام یافت.

(۱). [پژوهشگر دانشور و کتاب‌شناس معاصر، استاد سید احمد حسینی اشکوری، در مقدمه‌ی خود بر حلیه الأبرار (چاپ ۱۴۱۳ - بیروت) فهرستی از آثار مؤلف آورده است که در پاره‌ای موارد کامل تر است. هم‌چنین، رک. مقدمه‌ی البرهان چاپ مؤسسه البعثه - قم، ۱۴۱۵ ق.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵

احادیث با منابع و مأخذ تطبیق شد؛ هر جا که در منبع حدیث زیادتی وجود داشت، به این صورت [...] بین گروه و هر جا که در نسخه‌ی مزبور اضافه بر مأخذ بود، در بین پراکنده‌ها به این شکل (...) قرار داده و در پاورقی به آن اشاره شده است (۱). برخی از احادیث را در منابعشان نیافتیم. نمی‌دانم آیا نسخه‌هایی که مؤلف داشته کامل تر از نسخه‌هایی بوده که در دسترس ماست یا علت دیگری دارد؟

پاره‌ای از احادیث به کتاب یا مؤلف خاصی نسبت داده نشده است. در این موارد، ابتدا به دیگر کتاب‌های مرحوم بحرانی مراجعه کردیم و چون دیدیم در آن‌ها نیز این احادیث به همان صورت یاد شده است، آن‌ها را همان‌طور رها کردیم. قسمتی از منابع کتاب را - آن قدر که در توانمان بود - جست‌وجو کردیم؛ ولی نه در کتاب‌های چاپی آن‌ها را یافتیم و نه در کتاب‌های خطی؛ مانند «الهدایه» اثر حسین بن حمدان خصیبه که تاکنون چاپ نشده و بنا به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در الدررعیه، یک نسخه از این کتاب در کتابخانه‌ی شیخ الاسلام زنجانی بوده و پس از فوت او، معلوم نیست چه شده است (۲). نیز «کشف البیان» اثر محمد بن حسن شیبانی که اثری از آن نیافتیم و «الغیبه» از شیخ مفید که کتابی از او در موضوع غیبت نشناختیم مگر «الفصول العشره» که کتابی کلامی است.

(۱). [توضیحات و افزوده‌های خارج از متن حدیث که داخل قلاب (گروشه) آمده از ویراستاران است. برخی از نسخه بدل‌ها، برای پرهیز از اختلال در سیاق عبارت، به پاورقی منتقل شده‌اند و سعی شده است که صورت مناسب‌تر در بالای صفحه بیاید. این توضیح نیز لازم است که مراد از مأخذ، نسخه‌ی چاپ شده‌ی هریک از مأخذ احادیث است که در دسترس بود. مشخصات کتاب‌شناختی در پایان می‌آید و مراد از متن، نسخه‌ی عربی کتاب است که به تصحیح مصحح بدون ذکر ناشر و تاریخ چاپ شده است (احتمالاً چاپ اول). البته مقدمه تاریخ ۱۳۹۸ ه را دارد. ناگفته نماند که مترجم گرامی و مصحح محترم به اتفاق روی کتاب تجدید نظر داشته‌اند که همه‌ی نظرات ایشان در این ویرایش ملحوظ شده است.]

(۲). اخیراً معلوم شد که نسخه‌هایی از این کتاب در ایران و کشورهای دیگری موجود است. [به نسخه‌ی چاپی نیز در جای خود اشاره خواهد شد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶

از جمله‌ی منابع، کتاب «تأویل الآیات الظاهره فی ما نزل فی العتره الطاهره» اثر شیخ شرف الدین نجفی است که بر دو نسخه خطی



از آن دست یافتیم: اولی به شماره‌ی ۲۵۹ و دومی به شماره‌ی ۳۲۲ در کتاب‌خانه‌ی حضرت آیه‌الله نجفی مرعشی در قم قرار دارند. بر اولی خط سید نعمت‌الله جزایری هست که آن کتاب را به شیخ [ابو عبد الله محمد بن عباس] بن علی بن مروان بن ماهیار [معروف به ابن جحام (- بعد از ۳۲۸)] نسبت داده؛ ولی مؤلف رحمه الله در مقدمه‌ی تفسیر البرهان گفته است: هرچه از محمد بن العباس نقل می‌شود از کتاب شرف الدین نجفی است و کتاب مستقلی از ابن ماهیار به دست نیامد.

از این رو، تمام آنچه را از شرف الدین و ابن ماهیار آمده بر نسخه‌ی اول کتاب شرف الدین عرضه داشتیم؛ چون اگرچه خطش خوب نیست، صحیح‌تر و پاکیزه‌تر از نسخه‌ی دوم است «۱».

گفتنی است که: آیاتی از کتاب عزیز خداوند درباره‌ی حضرت امام منتظر روحی فداه تأویل گردیده که مؤلف آن‌ها را نیاورده است. من در اثنای مطالعاتم آن‌ها را یادداشت کردم و در آخر کتاب به عنوان مستدرک و برای تکمیل فایده آوردم؛ اضافه بر پی‌نویس‌های سودمندی که به خاطر رسید و در ذیل مطالب درج گردید.

در خاتمه، از خدای - عز و جل - خواهان‌ام که این کارم را خدمت خالصانه به درگاه خویش و وسیله‌ی تقرب جستن به خلیفه‌اش که جانم فدایش باد قرار دهد و قلب مقدس آن حضرت را به سوی من معطوف دارد و دعایش را شامل حال من و والدینم قرار دهد که اوست شنوای اجابت‌کننده.

محمد منیر بن السید نور الدین

فرزند مرحوم آیه‌الله سید محمد هادی میلانی

قم - ایران ۱۳۹۸ هـ

(۱). لازم به توضیح است که اولاً، مؤلف «تأویل الآیات» سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی است و ثانیاً، این کتاب در سال ۱۴۰۷ ق (۱۳۶۶ ش) به اهتمام مدرسه‌ی الإمام المهدی عجل الله فرجه در قم در دو مجلد به زیور چاپ آراسته شده است. [سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷]

## [متن کتاب المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة]

### پیش‌گفتار مؤلف

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله القائم الدائم، الذي هو بكل شيء عالم، القادر على جميع الممكنات، و الفاعل الاصلح بالمخلوقات، و الصلاة و السلام على اشرف البريات، محمد و آله خيرة الله من اهل الأرض و السماوات.

چنین گوید بنده‌ی نیازمند به درگاه خداوند بی‌نیاز، هاشم بن سلیمان حسینی بحرانی: این کتابی است لطیف و نمونه‌ای است ارزشمند در ذکر آیاتی از قرآن عزیز مجید که باطل به هیچ‌وجه، نه از پیش رو و نه از پشت سر در آن راه ندارد. فرود آمده از سوی پروردگار حکیم است. آیاتی که درباره‌ی [پیشوای قیام‌کننده از آل محمد صلی الله علیهم أجمعین نازل شده‌اند؛ آن که هم‌نام و هم‌کنیه‌ی جدش رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است؛ فرزند امام حسن عسکری، فرزند امام علی هادی، فرزند امام محمد جواد، فرزند امام علی بن موسی الرضا، فرزند امام موسی کاظم، فرزند امام جعفر صادق، فرزند امام محمد باقر، فرزند امام علی زین العابدین، فرزند امام حسین شهید، فرزند امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام، امام این عصر و زمان و حجت خداوند و

ذخیره داشته‌ی حق در بندگانش در این دوران.

من این کتاب را از تفسیر خاندان عصمت علیهم السّلام تألیف کردم و بسا که آیه‌ای درباره‌ی آن حضرت و پدران بزرگوارش نازل شده است. (در این صورت) تنها به

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰

آوردن روایت درباره‌ی او علیه السّلام بسنده کردم و روایت مربوط به پدرانش را به کتاب «البرهان فی تفسیر القرآن» ارجاع می‌دهم که از روایات اهل بیت علیهم السّلام تدوین شده است و این اثر را «المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه» نامیدم. و الله حسبنا و نعم الوکیل.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱

### ۱ [سوره‌ی بقره [آیه‌ی ۳-۱]]

الم \* ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۱﴾

(ال \* این کتاب - که هیچ تردیدی در آن نیست - روشنگر راه پرهیزگاران است \* آنان که به غیب ایمان آورند و نماز را برپای دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق کنند.)

[۱] ابن بابویه، قال: حدّثنا علی بن أحمد بن محمد الدّقاق رضی الله عنه، قال:

حدّثنا محمّد (۲) بن اَبی عبد الله الكوفی، قال: حدّثنا موسى بن عمران النّخعی، عن عمّه الحسین بن یزید، عن علی بن اَبی حمزه، عن یحیی بن اَبی (۳) القاسم، قال:

سألت الصادق علیه السّلام عن قول الله عزّ و جلّ: الم \* ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ فقال: «المتّقون شیعه علی علیه السّلام، و الغیب فهو الحجّه [الغائب].

و شاهد ذلك قوله تعالى: وَ يَقُولُونَ: لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ؟ فَقُلْ: إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَضِرُوا، إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿۴﴾. «۵»

(۱). بقره (۲): ۲-۴.

(۲). در مأخذ: أحمد.

(۳). [چنان که پیش تر در صفحه‌ی ۳۵ گذشت، افزوده‌های داخل قلاب در متن احادیث، از مصحح محترم است و به تبع آن در ترجمه‌ها، از مترجم گرامی. در خارج از متن‌ها نیز از ویراستاران.]

(۴). یونس (۱۰): ۲۱.

(۵). کمال الدّین ۲: ۳۴۰-۳۴۱ [باب ۳۳، ح ۲۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲

ابن بابویه گوید: حدیث گفت ما را علی بن احمد بن محمد دقاق رضی الله عنه، وی گفت: حدیث آورد ما را محمّد بن اَبی عبد الله کوفی، که گفت: حدیث آورد ما را موسی بن عمران نخعی، از عمویش حسین بن یزید، از علی بن اَبی حمزه، از یحیی بن اَبی القاسم که گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره‌ی این فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (ال م \* این کتاب - که هیچ تردیدی در آن نیست - روشنگر راه پرهیزگاران است \* آنان که به غیب ایمان آوردند) پرسیدم.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: « (این) متقیان شیعیان علی علیه السّلام اند و غیب همان حجّت [غایب] است.

گواه آن، فرموده‌ی خدای - تعالی - است: (و (کافران) گویند: چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: همانا غیب

مخصوص خداست. پس منتظر باشید که ما نیز از منتظران ایم.»

[۲] عنه، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ قَالَ: «مَنْ آمَنَ» (۱) «بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ.» (۲)

از هموست که گوید: حدیث آورد ما را محمّد بن موسی بن متوکل رضی الله عنه و گفت: حدیث گفت ما را محمّد بن یحیی عطّار؛ وی گفت: حدیث آورد ما را احمد بن محمّد بن عیسی، از عمر بن عبد العزیز، از چند تن از اصحابمان، از داوود بن کثیر رقی، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام.

آن حضرت درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (آنان که به غیب ایمان آورند) فرمود: «هرکس ایمان آورد که قیام قائم علیه السلام حق است.»

(۱). در مأخذ: اقوّر.

(۲). کمال الدین ۲: ۳۴۰ [باب ۳۳، ح ۱۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳

[۳] و عنه، یاسناده عن جابر بن عبد الله الأنصاري، عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ الْأُئِمَّةَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ وَفِيهِمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ! أُولَئِكَ مِنْ وَصْفِهِمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ: أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱) «(۲)»

نیز از هموست که به سند خود از جابر بن عبد الله انصاری، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - در حدیثی که امامان دوازده گانه و در میان آنان قائم علیه السلام را یاد فرموده - چنین آورده است: (جابر) گوید:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او! خوشا به حال کسانی که بر محبتشان پای برجا می‌مانند! آن‌ها هستند که خداوند در کتاب خویش چنین وصف‌شان فرمود: (آنان که به غیب ایمان آورند) سپس فرمود: (آنان حزب خداوندند. آگاه باشید که حزب خداوند همان پیروزانند).»

(۱). مجادله (۵۸): ۲۳.

(۲). در کتاب‌های موجود شیخ صدوق یافت نشد. کفایة الأثر: ۶۰.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴

## ۲ [سوره بقره [آیه ۱۴۹]]

فَاسْتَبِقُوا الْحَيَاتِ. أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا (۱)

(پس در کارهای نیک، از یک‌دگر) پیشی بگیرید. هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را (گرد) خواهد آورد.)

[۴] عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاذِبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ، ثُمَّ يَقُولُ:

يا أَيُّهَا النَّاسُ! من يَحَاجِنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِاللَّهِ، أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى بِآدَمَ، [يا] أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى بِنُوحٍ، أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ، أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي مُوسَى فَأَنَا أَوْلَى بِمُوسَى، أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي عِيسَى فَأَنَا أَوْلَى بِعِيسَى، أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي رَسُولِ اللَّهِ «٢» فَأَنَا أَوْلَى بِرَسُولِ اللَّهِ «٣»، أَيُّهَا النَّاسُ من يَحَاجِنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِكِتَابِ اللَّهِ، ثُمَّ يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَيُنشِدُ اللَّهَ حَقَّهُ.»

(١). بقره (٢): ١٤٩.

(٢). در مأخذ: في محمد.

(٣). در مأخذ: بمحمد.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤٥

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هُوَ - وَاللَّهِ - الْمَضْطَّرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ «١»: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ «٢»، فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَبِيعُهُ جَبْرَائِيلُ، ثُمَّ الثَّلَاثُ مِئَةٌ وَ الثَّلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا، فَمَنْ كَانَ ابْتَلَى بِالْمَسِيرِ وَافِيَ «٣»، وَ مَنْ لَمْ يَبْتَلِ بِالْمَسِيرِ فَقَدْ مِنْ فِرَاشِهِ «٤»، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيَّنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا.» قَالَ: «الْخَيْرَاتُ: الْوَلَايَةُ.» وَ قَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ:

وَ لَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ «٥»، وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْتَمِعُونَ [وَ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ، فَإِذَا جَاءَ إِلَى الْبَيْدَاءِ يَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ السِّفْيَانِيِّ، فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ فَتَأْخُذُ أَقْدَامَهُمْ، وَ هُوَ قَوْلُهُ: وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ «٦» وَ قَالُوا: آمَنَّا بِهِ «٧»] يَعْنِي بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنِّي لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ... «٨» [إِلَى قَوْلِهِ: وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ «٩»] [يَعْنِي أَلَّا يَعْدُبُوا] كَمَا فَعَلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ «١٠» يَعْنِي مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ مِنَ الْمَكْذِبِينَ (الَّذِينَ هَلَكُوا.) «١١»

علی بن ابراهیم در تفسیرش گوید: حدیث آورد مرا پدرم، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس از ابو خالد کابلی که گفت: حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«گویی - قسم به خدا - قائم علیه السلام را می‌نگرم که به حجر اسود تکیه زده است و حق خویش را از خداوند می‌خواهد. آن‌گاه می‌گوید:

(١). در متن: و الله قوله.

(٢). نمل (٢٧): ٦٣.

(٣). در مأخذ: وافاه.

(٤). در مأخذ: عن فراشه، و هو قول أمير المؤمنين عليه السلام: «هم المفقودون عن فرشهم.»

(٥). هود (١١): ٩.

(٦). سبأ (٣٤): ٥٢.

(٧ و ٨). سبأ (٣٤): ٥٣.

(٩ و ١٠). سبأ (٣٤): ٥٥.

(١١). تفسیر قمی ٢: ٢٠٥ [ذیل آیهی ٥٢ سورهی سبأ].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤٦

ای مردم! هر کس درباره‌ی خداوند با من محاجه کند، پس (بداند که) من نزدیک‌ترین افراد به خداوندم. ای مردم! هر کس درباره‌ی

آدم با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین کسان به آدم‌ام. ای مردم! هرکس در مورد نوح با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین افراد به نوح‌ام. ای مردم! هرکس درباره‌ی ابراهیم با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین اشخاص به ابراهیم‌ام. ای مردم! هرکس درباره‌ی موسی با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین به موسی. ای مردم! هر آن که درباره‌ی عیسی با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین مردمان به عیسی. ای مردم! هرکس درباره‌ی رسول خدا با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین کس به رسول خدا.

ای مردم! هر آن که درباره‌ی کتاب خدا با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین‌ام به کتاب خداوند.

سپس به مقام ابراهیم خواهد رفت؛ دو رکعت نماز خواهد گزارد و حَقَّش را از خداوند طلب خواهد کرد.»

آن‌گاه حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السّلام فرمود: «به خدا سوگند، اوست [آن مضطّری که در کتاب خدا یاد شده در] فرموده‌ی او: (یا چه کسی دعای در مانده را به اجابت می‌رساند و رنج و ناراحتی را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد؟)».

پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ مرد (بیعت کنند) و هر کدام از ایشان که (بیرون از خانه‌اش و) در راه باشد، در مقصد (به آن حضرت علیه السّلام) خواهد پیوست و هر کس در سفر نباشد، از بسترش مفقود خواهد شد [و همین است فرموده‌ی امیر المؤمنین علیه السّلام: آنان‌اند مفقودشدگان از خوابگاه‌هایشان و آن فرموده‌ی خداوند است: (پس به خیرات - کارهای نیک) پیشی گیرید. هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد).»

[در این جا امام باقر علیه السّلام فرمود: «خیرات ولایت است. (خداوند) در جای دیگر فرموده است: (و اگر عذاب را از آنان تا هنگام معینی (یا افراد معدودی) به تعویق اندازیم ...) ایشان اصحاب قائم علیه السّلام‌اند؛ [به خدا سوگند] در یک ساعت نزد او جمع می‌شوند. چون به بیداء بیاید، لشکر سفیانی به سویش خروج کند و خداوند امر فرماید

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷

زمین پاهایشان را (در خود) فرو گیرد و این است (معنی) فرموده‌ی خداوند: (و اگر (ای رسول ما) ببینی کافران را هنگامی که هراسان‌اند، پس چیزی (از عذابشان) از دست نمی‌رود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند) (و گویند: به او ایمان آوردیم) یعنی به آن قیام‌کننده از آل محمّد علیه السّلام (و با این همه دوری، کی توانند به آن مقام نایل شوند؟) [تا آن جا که فرمود: (و میان آن‌ها و خواسته‌هایشان جدایی (و دوری) افتاد) [مراد این خواسته است که عذاب نشوند] (هم‌چنان که نسبت به هم‌کیشان آن‌ها پیش‌تر چنین شد). مقصود تکذیب‌کنندگانی‌اند که پیش از ایشان بودند و هلاک گشتند.»

[۵] محمّد بن یعقوب: عن علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن ابن اَبی عمیر، عن منصور بن یونس، عن إسماعیل بن جابر، عن اَبی خالد، عن اَبی جعفر علیه السّلام «۱» فی قول الله عزّ و جلّ: فَاسْتَبِقُوا الخَیْرَاتِ، اَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِکُمْ اللهُ جَمِیعاً [قال: «[الخیرات: الولایة، و قوله تبارک و تعالی: اَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِکُمْ اللهُ جَمِیعاً یعنی اصحاب القائم علیه السّلام الثّلاث مائة و البضعة عشر [رجلا].» قال: «[و] هم - و الله - الأُمَّة المَعْدُوْدَةُ.»

قال: «یجتمعون و الله فی ساعة واحدة قرع کقرع الخریف.» [۲]

محمّد بن یعقوب (کلینی) از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن اَبی عمیر، از منصور بن یونس، از اسماعیل بن جابر، از ابو خالد، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام [از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (پس به کارهای نیک پیشی گیرید) [فرمود]:

«[خیرات: ولایت است و فرموده‌ی خدای - تبارک و تعالی -]: (هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) منظور اصحاب قائم علیه السّلام، اندکی بیش از ۳۱۰ [مرد] است.» فرمود: «[و] به خدا سوگند، اَمّت معدوده ایشان‌اند.»

(۱). در متن: ابي عبد الله عليه السلام.

(۲). روضه‌ی کافی: ۳۱۳ [ح ۴۸۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸

[نیز] حضرتش فرمود: «به خدا سوگند، آن‌ها هم‌چون ابرهای پاییزی، پی‌درپی و در یک ساعت جمع خواهند شد.»

[۶] محمد بن ابراهیم المعروف بابن ابي زينب النعماني، في كتاب الغيبة، قال:

أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله بن يونس، قال: حدّثنا محمد بن جعفر القرشي، قال:

حدّثنا محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن سنان، [عن ضريس عن ابي خالد الكابلي، عن علي بن الحسين، أو «۱»

محمد بن علي عليهما السلام أنّه قال:

«الفقهاء قوم يفقدون من فرشههم فيصبحون بمكّة، و هو قول الله عزّ و جلّ:

أَيَّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً و هم أصحاب القائم عليه السلام.» [۲]

محمد بن ابراهیم معروف به ابن ابي زينب نعمانی در کتاب غیبت خود گوید:

خبر آورد ما را عبد الواحد بن عبد الله بن يونس، گفت: حدیث گفت ما را محمد بن جعفر قرشی، گفت: حدیث آورد ما را محمد

بن حسین بن ابي الخطاب، از محمد بن سنان، [از ضريس از ابو خالد کابلی، از حضرت علی بن الحسين عليهما السلام یا امام محمد

بن علی باقر عليه السلام که فرمود:

«مفقودشدگان گروهی‌اند که از بسترهایشان ناپدید خواهند شد. آن‌ها در مکه صبح می‌کنند [۳] و این است فرموده‌ی خدای - عزّ و

جلّ - (هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) و آنان اصحاب قائم عليه السلام‌اند.»

[۷] عنه، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقده، قال: حدّثنا علي بن الحسن التيملي، قال: حدّثنا الحسن و محمد ابنا علي بن

يوسف، عن سعدان بن مسلم، عن رجل، عن المفضل بن عمر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

(۱). در متن: و.

(۲). كتاب الغيبة: ۳۱۳ [باب ۲۰، ح ۴].

(۳). [ترجمه‌ی یصبحون. فعل‌های قلوب: أصبح و أمسى و مانند آن‌ها را می‌توان شد، دگرگون گشت، آمد ... نیز معنی کرد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹

«إذا أذن الإمام دعا الله عزّ و جلّ باسمه العبراني فأتيحت له صحابته الثلاث مئة و ثلاثة عشر قزع كقزع الخريف، [ف] هم أصحاب

الألوية، منهم من يفقد من فراشه ليلا فيصبح بمكّة، و منهم من يرى يسير في السحاب نهارا يعرف باسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه.»

قلت: جعلت فداك! أيهما «۱» أعظم إيمانا؟ قال:

«الذي يسير في السحاب نهارا، و هم المفقودون، و فيهم نزلت هذه الآية: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً.» [۲]

هم از اوست که گوید: خبرمان داد احمد بن محمد بن سعيد بن عقده، وی گفت:

علي بن الحسين تيملي برايمان حدیث آورد، گفت: حسن و محمد، پسران علی بن يوسف برايمان حدیث گفتند از سعدان بن

مسلم، از مردی، از مفضل بن عمر که گفت: حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام فرمودند:

«هرگاه امام مأذون گردد، خدای - عزّ و جلّ - را به اسم عبری‌اش بخواند. پس ۳۱۳ یار، هم‌چون ابرهای پاییزی، پی‌درپی در

خدمتش مهیا شوند [که ایشان‌اند پرچم‌داران. برخی از آنان شبانه از بسترشان مفقود می‌گردند و در مکه صبح می‌کنند و بعضی از

آنان دیده می‌شوند که در روز برابر حرکت می‌کنند. اسم او و اسم پدرش و ویژگی‌ها و نسبش (برای مردم) شناخته شده است.»  
به آن حضرت عرضه داشتم: فدایتان شوم! کدام یک از این دو ایمانش قوی‌تر است؟ فرمود: «آن که در روز برابر راه می‌پیماید.  
ایشان‌اند مفقودشدگان و درباره‌ی آنان این آیه فرود آمده است: (هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد).»

(۱). در مأخذ: آیهم.

(۲). کتاب الغیبة: ۳۱۲-۳۱۳ [باب ۲۰، ح ۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۹۹

[۸] و عنه: أخبرنا «۱» أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدّثني «۲» أحمد بن يوسف، قال: حدّثنا إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن عليّ، عن أبيه، و وهيب «۳» عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً قال: «نزلت في القائم عليه السلام و أصحابه، يجتمعون على غير ميعاد.» «۴»

نیز از اوست که گوید: احمد بن محمد بن سعيد «۵» به ما خبر داد و گفت: برایم حدیث آورد احمد بن یوسف که گفت: برایمان حدیث آورد اسماعیل بن مهران «۶»، از حسن بن علی، از پدرش و وهب از ابی بصیر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (پس به کارهای نیک سبقت گیرید. هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) فرمود:  
«(این آیه) درباره‌ی قائم علیه السلام و اصحاب او نازل شد. (آنها) بی‌وعده‌ی قبلی، گرد خواهند آمد.»

[۹] و عنه، قال: أخبرنا محمّد بن يعقوب الكلينيّ أبو جعفر، قال: حدّثنا «۷» عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، [قال:] و [حدّثني محمّد بن يحيى بن عمران، عن أحمد بن «۸» محمّد بن عيسى، قال: و حدّثني عليّ بن محمّد و غيره، عن سهل بن زياد، [جميعاً] عن الحسن بن محبوب.

(۱ و ۲). در مأخذ: حدّثنا.

(۳). در متن: وهب (مترجم).

(۴). کتاب الغیبة: ۲۴۱ [باب ۱۳، ح ۳۷].

(۵). معروف به «ابن عقده»، از راویان عالی‌قدر و مورد وثوق بود. نجاشی و شیخ طوسی او را چنین یاد کرده‌اند. با این که ابن عقده مذهب زیدی جارودی داشت، از شیعه‌ی امامیه بسیار حدیث روایت کرده و امین و مورد وثوق بوده و شخصیت بارزی داشته است. وی در سال ۳۳۳ درگذشت.

[جامع الرواة ۱: ۶۶- مترجم] [کتاب الولایه‌ی او در ۱۴۲۱ هـ به کوشش انتشارات دلیل به چاپ رسید.]

(۶). اسماعیل بن مهران بن محمّد بن ابی نصر سکونی کوفی راوی مورد وثوق و اعتمادی بود و به نقل جمعی از امام صادق علیه السلام روایت حدیث کرده است. [جامع الرواة ۱: ۶۶- مترجم]

(۷). [در مأخذ: حدّثني.]

(۸). [در مأخذ: قال: حدّثنا أحمد بن.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱

قال: و حدّثنا عبد الواحد بن عبد الله الموصليّ، عن أبي عليّ أحمد بن محمّد [بن أبي ناشر، عن أحمد بن هلال، عن الحسن بن محبوب، قال: حدّثنا عمرو بن «۱» أبي المقدم، عن جابر بن يزيد الجعفيّ، قال: قال أبو جعفر [محمّد بن عليّ الباقر] عليه السلام (في



حدیث یدکر فیہ علامات القائم ... إلى أن قال):

«فیجمع الله له «۲» أصحابه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً، و یجمعهم الله له علی غیر میعاد قرعا کقزع الخریف، و هم «۳»- یا جابر- الآیة التي ذكرها [الله في كتابه: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فيبايعونه بين الزكن و المقام، و معه عهد من رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلم (و) قد توارثوه الأبناء من «۴» الآباء ... «۵»

هم از اوست که گفت: خبرمان داد ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني، گفت:

علی بن ابراهیم بن هاشم برایمان حدیث آورد، از پدرش و [نیز حدیث گفت مرا] محمد بن یحیی بن عمران، از احمد بن محمد بن عیسی، [او] گوید: و برایم حدیث آورد علی بن محمد و غیر او، از سهل بن زیاد، از حسن بن محبوب، گوید: و حدیث آورد برایمان عبد الواحد بن عبد الله موصلی، از ابو علی احمد بن محمد [بن ابی ناشر، از احمد بن هلال، از حسن بن محبوب، (وی) گوید: برایمان حدیث گفت عمرو بن ابی مقدم، از جابر بن یزید جعفی که گفت: حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام (در حدیثی نشانه‌های قائم علیه السلام را یاد می‌فرمود تا آنجا که) فرمود:

«پس خداوند اصحابش را برایش جمع می‌فرماید؛ ۳۱۳ مرد را. آن‌ها را خداوند بی‌قرار قبلی و هم‌چون ابرهای پاییزی پی‌درپی برایش گرد می‌آورد و ایشان‌اند- ای جابر- آیه‌ای که [خداوند] در کتابش یاد فرموده: (هرکجا باشید، خداوند

(۱). [در مأخذ: عن عمرو بن.]

(۲). [در مأخذ: علیه.]

(۳). [در مأخذ: هی.]

(۴). در مأخذ: توارثته الأبناء عن.

(۵). کتاب الغیبة: ۲۷۹-۲۸۲ [باب ۱۴، ح ۶۷ و به نقل از آن، بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۷-۲۳۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲

همه‌ی شما را خواهد آورد. محققاً خدا بر هرچیز تواناست). پس بین رکن (یمانی) و مقام (ابراهیم) با آن جناب بیعت خواهند کرد. او عهدی از رسول خدا صَلَّى الله عليه و اله و سلم با خود دارد که آن را فرزندان از پدران به ارث برده‌اند (هریک از امامان علیهم السلام آن عهدنامه را به امام بعدی سپرده است).

[۱۰] ابن بابویه، قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا [أَبِي (أَبُو جَعْفَرٍ)، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَّاطِ، عَنْ ضَرِيْسٍ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ، عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ] قَالَ :

«المفقودون من «۱» فرسهم ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً عدده أهل بدر، فيصبحون بمكة، و هو قول الله عزّ و جلّ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا [و هم أصحاب القائم عليه السلام. «۲»

ابن بابویه گوید: حدیث آورد ما را احمد بن محمد بن یحیی عطّار رضی الله عنه، گوید: حدیث گفت برایمان ابو جعفر، از محمد بن حسین بن ابی خطّاب، از محمد بن سنان، از ابو خالد قَمّاط، از ضریس، از ابو خالد کابلی، از حضرت سید العابدین علی بن الحسین علیه السلام که فرمود: «مفقودشدگان از بسترهایشان ۳۱۳ مردند؛ به تعداد اهل بدر.

پس بامداد در مکه خواهند بود و این است فرموده‌ی خدای- عزّ و جلّ-: (هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) و [ایشان اصحاب قائم علیه السلام‌اند].

[۱۱] عنه، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلِيُوِيَه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ)، عَنْ



(١). در مأخذ: عن.

(٢). كمال الدين ٢: ٦٥٤ [باب ٥٧، ح ٢١].

(٣). در مأخذ: الكوفي.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٥٣

عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن [ال] مفضل بن عمر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

«لقد نزلت هذه الآية في المفقودين» (١) من أصحاب القائم عليه السلام قوله عز وجل:

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا، إنهم المفقودون في (٢) فرسهم ليلا فيصبحون بمكة، و بعضهم يسير في السحاب (نهارا) يعرف

اسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه (٣).

قال: فقلت: جعلت فداك! أيهم أعظم إيمانا؟

قال: «الذي يسير في السحاب نهارا».

از اوست که گوید: حدیث گفت ما را محمد بن علی ماجیلویه رضی الله عنه، گوید:

حدیث آورد عمویم محمّد بن ابی القاسم، از احمد بن ابی عبد الله برقی، از پدرش، از محمد بن سنان، از مفضل بن عمر، گوید:

حضرت ابو عبد الله امام صادق عليه السلام فرمود:

«این آیه درباره‌ی مفقودشدگان از اصحاب قائم عليه السلام نازل گشته است؛ فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (هر کجا باشید، خداوند

همه‌ی شما را خواهد آورد). آنانند مفقودشدگان شبانه از بسترهایشان که بامدادان در مکه باشند. کسی از ایشان در روز بر ابر

حرکت کند که به نام و نام پدر و خصوصیات و نسب معروف باشد.»

راوی گوید: عرضه داشتم: فدایت شوم! کدام یک ایمانش قوی تر است؟ فرمود:

«آن که در روز بر ابر حرکت کند.»

[١٢] العیاشی، بإسناده: عن جابر الجعفی، عن أبي جعفر عليه السلام يقول:

«الزم الأرض، لا تحرك» (٤) يدك و لا رجلك أبدا حتى ترى علامات أذکرها لك في سنة.

(١). در مأخذ: المفتقدين.

(٢). در مأخذ: ليفتقدون عن.

(٣). در مأخذ: باسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه.

(٤). در مأخذ: لا تحركن.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٥٤

و تری منادیا ینادی بدمشق، و خسف بقریه من قراها، و تسقط طائفة من مسجدها، فإذا الترك جاوزها (١)، فأقبلت الترك حتى نزلت

الجزيرة، و أقبلت الروم حتى نزلت الرملة و هي سنة اختلاف في كل أرض من أرض العرب، و إن أهل الشام يختلفون عند ذلك على

ثلاث رايات: الأصهب، و الأبقع، و السيفياني، مع بني ذنب الحمار مضر، و مع السيفياني أخواله كلب (٢)، فيظهر السيفياني و من معه

على بني ذنب الحمار حتى يقتلوا قتلا لم يقتله شيء قط، و يحضر رجل بدمشق فيقتل هو و من معه قتلا لم يقتله شيء قط و هو [من

بني ذنب الحمار، و هي الآية التي يقول الله تبارك و تعالى: فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ! (٣).

و يظهر السفينائي و من معه حتى لا يكون همّه إلا آل محمّد عليهم السّلام و شيعتهم، فيبعث- و الله- بعثا إلى الكوفة فيصاب بأناس من شيعة آل محمّد بالكوفة قتلا و صلبا، و تقبل رايه من خراسان حتى تنزل ساحل الدّجلة يخرج رجل من الموالي ضعيف و من تبعه، فيصاب بظهر الكوفة.

و يبعث بعثا إلى المدينة فيقتل بها رجلا و يفرّ «٤» المهديّ و المنصور منها، و يؤخذ آل محمّد عليهم السّلام صغيرهم و كبيرهم، لا يترك منهم أحد إلا حبس، و يخرج الجيش في طلب الرّجلين، و يخرج [المهديّ منها على سنّه موسى خائفا يترقّب حتى يقدم مكّه، و يقبل «٥» الجيش حتى إذا نزل «٦» البيداء و هو جيش الهلاك

(١). در مأخذ: رأيت التّرك جازوها.

(٢). در مأخذ: من كلب.

(٣). مريم (١٩): ٣٨.

(٤). در مأخذ: و يهرب. [در نسخه‌ی غيبت نعماني، فينفر آمده است كه درست تر می نمايد.]

(٥). [در مأخذ: تقبل.]

(٦). در مأخذ: نزلوا.

سيمای حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٥

خسف بهم فلا يفلت منهم إلا مخبر، فيقوم القائم بين الرّكن و المقام فيصلّي و ينصرف و معه وزيره فيقول:

يا أيّها النّاس إنّنا نستنصر الله على من ظلمنا و سلب حقّنا، من يحاجّنا في الله فأنا أولى بالله، و من يحاجّنا في آدم فأنا أولى النّاس بآدم، و من يحاجّنا في نوح فأنا أولى النّاس بنوح، و من يحاجّنا في إبراهيم فأنا أولى النّاس بإبراهيم، و من يحاجّنا بمحمّد فأنا أولى النّاس بمحمّد صلّي الله عليه و اله و سلم، و من يحاجّنا في النّبیین فأنا أولى النّاس بالنّبیین، و من يحاجّنا في كتاب الله فنحن أولى النّاس بكتاب الله.

أنا أشهد «١» و كلّ مسلم اليوم أنّا قد ظلمنا و طردنا و بغى علينا و أخرجنا من ديارنا و أموالنا و أهالينا و قهرنا، ألا إنّنا نستنصر الله اليوم و كلّ مسلم.

و يجيء- و الله- ثلاث مئة و بضعة عشر رجلا، فيهم خمسون امرأة، يجتمعون بمكّه على غير ميعاد قزعا كقزع الخريف، يتبع بعضهم بعضا، و هي الآية [التي قال الله تعالى: أَيّنّ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً، إِنَّ اللهُ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فيقول رجل من آل محمّد عليهم السّلام: و هي القرية الظّالمة «٢» أهلها، ثمّ يخرج من مكّه هو و من معه الثلاث مائة و بضعة عشر يباعدونه بين الرّكن و المقام، و معه عهد النّبّي «٣» صلّي الله عليه و اله و سلم و رايته و سلاحه، و وزيره معه، فينادي المنادي بمكّه باسمه و أمره من السّماء حتى يسمعه أهل الأرض كلّهم.

اسمه اسم نبّي، ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبّي الله صلّي الله عليه و اله و سلم و رايته و سلاحه و النّفس الرّكيّة من ولد الحسين عليه السّلام.

(١). در مأخذ: إنّنا نشهد.

(٢). [در مأخذ: الظّالمة كه درست تر است.]

(٣). در مأخذ: نبّي الله.

سيمای حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٦

فإن أشكل عليكم هذا فلا يشكل عليكم الصّوت من السّماء باسمه و أمره، و شدّاذ «۱» من آل محمّد، فإنّ لآل محمّد [و علیّ علیهم السّلام رایة، و غیرهم علی رایات «۲»]. فالزم الأرض و لا تتبّع منهم رجلاً أبدا حتّى ترى رجلاً من ولد الحسین علیه السّلام معه عهد نبیّ الله و رایته و سلاحه، فإنّ عهد نبیّ الله صار عند علیّ بن الحسین ثمّ صار عند محمّد بن علیّ علیهم السّلام و یفعل الله ما یشاء. فالزم هؤلاء أبدا، و إیّاك و من ذكرت لك فإذا خرج رجل منهم معه ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً و معه رایة رسول الله صلّى الله علیه و اله و سلم عامدا إلى المدینة حتّى یمزّ بالبيداء حتّى یقول: هذا «۳» مكان القوم الّذین یخسف بهم، و هی الآیة الّتی قال الله عزّ و جلّ: أفا منّ الّذین مكرّوا السّیئات انّ یخسف الله بهم الأرض أو یأتیهم العذاب من حیث لا یشعّرون؟ أو یأخذهم فی تقلّبهم فما هم بمُعجّزین؟ «۴».

فإذا قدم المدینة أخرج محمّد بن الشّجری «۵» علی سنّة یوسف، ثمّ یأتی الكوفة فیطیل فیها المكث ما شاء الله أن یمكث حتّى یظهر علیها، ثمّ یسیر حتّى یأتی العذراء هو و من معه و قد لحق به ناس كثير، و السّفیانی یومئذ بوادی الرّملة حتّى التقوا و هو «۶» یوم الأبدال، یخرج أناس كانوا مع السّفیانی من شیعة آل محمّد علیهم السّلام، و یخرج ناس كانوا مع آل محمّد علیهم السّلام إلى السّفیانی فهم من شیعتهم حتّى یلحقوا بهم، و یخرج كلّ ناس إلى رایتهم و هو یوم الأبدال.

- (۱). [در مأخذ: إیّاك و شدّاذ و ظاهرا درست تر آن و الشّدّاذ باشد. علامه‌ی مجلسی رحمه الله مراد از اینان را زیدیان دانسته است که گروه جدا شده و بی‌راه رفته از فرزندان پیامبر صلّى الله علیه و اله و سلم‌اند. رك. بحار الأنوار ۵۲: ۲۶۹-۲۷۰].
- (۲). در مأخذ: و لغیرهم رایات.
- (۳). [در مأخذ: هكذا].
- (۴). نحل (۱۶): ۴۶-۴۷.
- (۵). در متن: محمّد الشّجری (كذا).
- (۶). در مأخذ: و هم.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷

قال أمير المؤمنين عليه السّلام: و یقتل یومئذ السّفیانی و من معه حتّى لا یترك منهم مخبر، و الخائب یومئذ من خاب من غنیمه كلب، ثمّ یقبل إلى الكوفة فیكون منزله بها، فلا یترك عبدا مسلما إلّا اشتراه و أعتقه و لا غارما إلّا قضی دینه و لا مظلمة لأحد من النّاس إلّا ردّها، و لا یقتل منهم عبدا إلّا أدی عنه دیة مسلّمة إلى أهله «۱»، و لا یقتل قتیل إلّا قضی عنه دینه، و ألحق عیاله فی العطاء، حتّى یملا الأرض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا و عدوانا، و یسكن هو و أهل بیته الرّحبة، و الرّحبة إنّما كانت مسكن نوح و هی أرض طیبة [و لا یسكن رجل من آل محمّد علیهم السّلام و لا یقتل إلّا بأرض طیبة زاكية] فهم الأوصیاء الطّیبون. «۲»

عیاشی به سند خود از جابر جعفی، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام آورده که آن حضرت فرمود:

«خانه‌نشین باش و هیچ دست و پای مکن تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم در یک سال ببینی: [...] و بانگ زنده‌ای را ببینی که در دمشق ندا کند و فرو رفتنی در یکی از آبادی‌های آن و قسمتی از مسجد آن فرو خواهد ریخت. پس هرگاه ترک‌ها از آن گذشتند و ترک‌ها پیش‌روی کردند تا این که در جزیره فرود آمدند و رومیان پیش آمدند تا این که در رمله فرود آیند و آن سالی است که در هر یک از سرزمین‌های عرب اختلاف خواهد بود.

اهل شام در آن هنگام زیر سه پرچم مختلف تقسیم خواهند شد: اصهب و

(۱). در مأخذ: أهلها.

(۲). تفسیر العیاشی ۱: ۶۴-۶۵ [بقره، ح ۱۱۷] و به نقل از آن، بحار الأنوار ۵۲: ۲۲۲-۲۲۵.

ابن ابی زینب نعمانی نیز این حدیث را با اختلافی چند آورده است که ذیل شماره‌ی ۶ در همین کتاب خواهد آمد.  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۸

ابقع «۱» و سفیانی که با تیره‌ی ذنب الحمار از قبیله‌ی مضر اختلاف می‌کنند «۲». هم‌راهان سفیانی دایی‌هایش «۳» قبیله‌ی کلب خواهند بود. پس سفیانی و هم‌دستانش بر بنی ذنب الحمار پیروز خواهند شد و آن‌ها چنان کشته شوند که هیچ کشته مانند آن نبوده است و مردی که [از] بنی ذنب الحمار است به دمشق می‌آید. پس او و هم‌راهانش به طوری کشته می‌شوند که کسی را آن‌طور نکشته باشند و این است (معنی) آیه‌ای که خدای- تبارک و تعالی- می‌فرماید: (حزب‌ها از میان خود اختلاف کنند. پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ!).

سپس سفیانی و هم‌دستانش آشکار می‌شوند؛ طوری که مقصودی جز (کشتن) آل محمد علیهم السلام و شیعیان‌شان ندارند. پس به خدا سوگند، لشکری به کوفه می‌فرستد و عده‌ای از شیعیان آل محمد علیهم السلام را در کوفه می‌کشد و به دار می‌آویزد و پرچمی از خراسان می‌آید تا این که در ساحل رودخانه‌ی دجله مستقر می‌شود. مرد ضعیفی از شیعیان با پیروانش (برای سرکوبی سفیانی) خروج می‌کند. او در بیرون کوفه مغلوب می‌گردد.

(سفیانی) لشکری به مدینه می‌فرستد. پس مردی را در آن‌جا می‌کشد و مهدی و منصور از آن‌جا می‌گریزند «۴» و کوچک و بزرگ فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم دست‌گیر می‌شوند و همگی آنان به زندان می‌افتند و لشکر در پی آن دو تن (مهدی و منصور) بیرون می‌رود. [مهدی علیه السلام به سان موسی (که از مصر گریخت) هراسان و نگران از مدینه بیرون می‌رود تا به مکه می‌رسد. سپاه (سفیانی) هم- که لشکر هلاکت است- در

(۱). اصهب در لغت به معنی سرخ و سفید و ابقع به معنی لک و پیس‌دار و خال‌خالی است.

معلوم نیست این‌ها صفت صاحبان آن پرچم‌هاست یا خود پرچم‌ها یا کنایه از طرز فکر و کیش آن‌ها یا ... (مترجم)

(۲). [شاید ترجمه‌ی جمله‌ی اخیر چنین باشد: مضریان با تیره‌ی ذنب الحمار هم‌راه خواهند بود.]

(۳). [خویشاوندان مادری‌اش در قبیله.]

(۴). [شاید این ترجمه مراد باشد: آن هدایت شده و یآوری شده از آن‌جا می‌شتابد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۹

پی او می‌روند. چون در بیداء منزل کنند، به زمین فرو روند و جز یک تن- که خیرشان را می‌برد- هیچ کدام جان سالم به در نمی‌برند. پس قائم علیه السلام بین رکن و مقام به پا می‌خیزد و نماز می‌گذارد و درحالی که وزیرش با اوست، روی برمی‌گرداند و می‌گوید:

ای مردم! ما خداوند را به یاری می‌طلبیم؛ بر هرکسی که به ما ظلم کرده و حَقمان را ربوده است. هر که درباره‌ی خداوند با ما بحث دارد، پس (بداند که) من سزاوارترین افراد به خداوندم و هر که درباره‌ی آدم با ما محاجّه دارد، پس من از همه به آدم نزدیک‌ترم و هر که درباره‌ی نوح گفت‌وگو دارد، پس من به نوح از همه نزدیک‌ترم و هر که درباره‌ی ابراهیم بحث دارد، پس من از تمامی مردم به ابراهیم نزدیک‌ترم و هر که درباره‌ی پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله و سلم با ما بحث دارد، پس من از همه‌ی مردم به آن حضرت نزدیک‌ترم و هر که در مورد پیغمبران با ما گفت‌وگو دارد، پس من از همه‌ی مردم به پیغمبران نزدیک‌ترم و هر که درباره‌ی کتاب خدا با ما محاجّه کند، پس ما از تمامی افراد به کتاب خداوند نزدیک‌تریم.

من و هر مسلمانی امروز گواهی دهیم که همانا بر ما ظلم شده است. ما را آواره و بر ما ستم کرده و از خانه و وطن و اموال و

خاندان بیرون رانده و مقهور ساخته‌اند. هان! بدانید که ما امروز از خداوند یاری می‌خواهیم و هر مسلمانی را به یاری می‌خوانیم. به خدا سوگند، ۳۱۳ مرد - که ۵۰ زن نیز در میان آن‌ها هست - خواهند آمد؛ بی وعده‌ی قبلی و هم‌چون ابرهای پاییزی پی‌درپی در مکه جمع می‌شوند و این است آیه‌ای که خدای - تعالی - فرماید: (هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد و محققاً خدا بر هر چیز تواناست). پس مردی از آل محمد علیهم السّلام می‌گوید: این است آن آبادی‌ای که اهلش ستم پیشه‌اند «۱». سپس او با آن سی صد و ده و چند تن - که بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، درحالی که عهدنامه‌ی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و پرچم و سلاح

(۱). گویا این گفته اشاره به آیه‌ی شریفه‌ای است در سوره‌ی نساء (۴): ۷۶: رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا - خداوند گار ما، ما را از این شهری که مردمش ستم‌کارند بیرون آور).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۰

آن حضرت با اوست - با وزیرش از مکه بیرون می‌آیند. در مکه، نام و فرمان حضرتش از سوی آسمان ندا می‌شود؛ چنان‌که تمامی اهل زمین آن را می‌شنوند.

اسم او اسم پیغمبر است. (تشخیص) هر چه بر شما مشکل شود، پیمان پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و پرچم و سلاحش و نفس زکیه از فرزندان حسین علیه السلام بر شما مشتبه نخواهد شد و اگر این امر بر شما مشتبه بماند، آن صدای آسمانی به نام و فرمان او و معدودی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم (که به عنوان برپایی عدل و داد و تشکیل دولت حق خروج می‌کنند) بر شما پوشیده نخواهد ماند «۱»؛ زیرا که آل محمد علیهم السّلام را پرچمی (و دولت معینی) است و دیگران به پرچم‌هایی وابسته می‌شوند (و دولت‌هایی دارند).

پس خانه‌نشین باش و هرگز از هیچ کدام اینان پیروی مکن تا این که مردی از فرزندان حسین علیه السلام را بنگری که پیمان و پرچم و سلاح پیغمبر خدا با اوست؛ زیرا عهد و پیمان پیغمبر خدا به علی بن الحسین رسید. سپس به محمد بن علی (خود آن حضرت) علیهم السلام و (بعد از این) خداوند آن چه را بخواهد انجام می‌دهد.

همیشه با اینان باش و از آن‌هایی که برایت یاد کردم جدّاً بپرهیز. پس هرگاه مردی از ایشان - که ۳۱۳ نفر با وی بود و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را همراه داشت - به پا خاست و عازم مدینه شد (با او هم‌راهی کن) و چون از بیابان «بیداء» بگذرد، می‌گوید:

این جا جای کسانی است که به زمین فرو خواهند شد و این است آیه‌ای که خدای - عزّ و جلّ - فرموده: (آیا کسانی که زشتی‌ها را انجام می‌دهند ایمن‌اند از این که خداوند آنان را در زمین فرو برد یا بی‌این که متوجه باشند، عذاب بر آن‌ها فرا رسد یا هنگامی که سرگرم رفت و آمدند، به ناگاه او آنان را سخت بگیرد و آنان نتوانند بر قدرت حق غالب آیند؟).

هنگامی که وارد مدینه شود، محمد بن شجری را هم‌چون یوسف (از زندان) آزاد سازد. سپس به سوی کوفه می‌رود و مدتی طولانی - هر قدر که خدا خواهد - در آن جا

(۱). [توضیح افزوده از مترجم محترم است؛ اما با توجه به نسخه‌ی بدل اشاره شده در متن حدیث (إِيَّاكَ وَالشَّدَاذِ ...) ترجمه چنین می‌شود: مبادا با گروهی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم که به کژراه رفته‌اند هم‌راه شوی!]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۱

می‌ماند تا این که بر آن غالب شود. آن گاه در حالی که مردمان بسیاری به آن حضرت ملحق شده باشند، با هم‌راهانش به سوی

«عذرا» کوچ می‌کند. سفیانی در آن موقع در «وادی رمله» است که دو لشکر باهم برخورد می‌کنند و آن روز تغییر و تبدیل است. جمعی از شیعیان آل محمد علیهم السّلام که با سفیانی بوده‌اند از او جدا می‌شوند و شماری از آنان که با آل محمد علیهم السّلام بوده‌اند به سوی سفیانی بیرون می‌روند. آن‌ها از پیروان سفیانی‌اند. لذا به آن‌ها می‌پیوندند «۱» و هر گروهی به سوی پرچم خودشان روی می‌کنند و آن روز تبدیل است.

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: آن روز، سفیانی و هم‌راهانش کشته می‌شوند؛ به طوری که خبر آورنده‌ای هم از آن‌ها باقی نخواهد ماند و زیان‌بار در آن روز کسی است که از غنیمت قبیله‌ی کلب بی‌بهره باشد «۲». سپس (آن حضرت) به کوفه می‌آید و منزلش در آن خواهد بود. پس هیچ برده‌ی مسلمانی را وانگذازد مگر این که او را بخرد و آزاد سازد و هیچ وام‌داری را مگر این که قرضش را ادا کند و هر کس مظلومه‌ای نسبت به کسی از مردمان داشته باشد آن را مسترد می‌دارد و هیچ بنده‌ای از آن‌ها کشته نشود مگر این که دیه‌ی کامل او را به خاندانش می‌پردازد و از هر مقتولی وامش را ادا می‌کند و به وضع عائله‌اش رسیدگی می‌فرماید تا این که زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد هم‌چنان که از جور و تجاوز آکنده باشد و خود و خاندانش در «رحبه» سکونت خواهند کرد. «رحبه» محلّ سکونت نوح بود. آن‌جا سرزمین پاکیزه‌ای است [و هیچ یک از آل محمد علیهم السّلام جز در سرزمین پاکیزه سکونت نکنند و کشته نشوند] که آنان اوصیای پاکیزه‌ی پیغمبرند.»

(۱). مقصود از «عده‌ای که با آل محمد علیهم السّلام بوده‌اند و به سوی سفیانی بیرون می‌روند» یاران سید حسنی است که از خراسان خروج و به حضرت مهدی علیه السّلام دعوت می‌کند و در کوفه با آن حضرت ملاقات و بیعت دارد. به این جهت، از او «آل محمد» تعبیر شده است که به حکومت و بیعت با ایشان دعوت می‌کند. گواه آن‌چه گفتیم روایات صریح در این زمینه است. به ابواب مربوط به قیام سید حسنی در کتاب‌های غیبت مراجعه شود.

(۲). [این جمله کنایه از آن است که همه‌ی آن‌ها کشته می‌شوند و اموال زیادی می‌ماند].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۲

[۱۳] عنه، یاسناده عن أبي سميئه، عن مولى لأبي الحسن، قال: سألت أبا الحسن عليه السّلام عن قوله: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ:

«[و] ذلك- و الله- [أن لو قد قام قائمنا يجمع الله [إليه شيعتنا من جميع البلدان.]] «۱»

هم از اوست به سند خود از ابو سمینه، از یکی از غلامان حضرت ابو الحسن (امام کاظم) علیه السّلام، که گفت: از حضرت ابو الحسن علیه السّلام درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (هر کجا باشید خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) پرسیدم. آن حضرت فرمود: «آن- به خدا سوگند- هنگامی است که قائم ما به پا خیزد. خداوند شیعیان ما را از تمامی شهرها به سوی او جمع خواهد کرد.»

[۱۴] الشّیخ المفید، فی کتاب الاختصاص عن عمرو بن أبي المقدم:

عن جابر الجعفی قال: قال لی أبو جعفر علیه السّلام:

«یا جابر، الزم الأرض و لا- تحرک یداً و لا رجلاً حتّی تری علامات أذکرها لک إن أدرکتها: أولها اختلاف ولد فلان، و ما أراک تدرک ذلک، و لکن حدّث به بعدی، و مناد ینادی من السّماء، و یجیئکم الصّوت من ناحیة دمشق بالفتح، و یخسف بقریة من قری السّام تسمی الجابیة، و تسقط طائفة من مسجد دمشق الأيمن، و مارقة تمرق من ناحیة التّرك و یعقبها (من حالة) مرج الرّوم، و یستقبل إخوان التّرك حتّی ینزلوا الجزیره، و یستقبل م [۱] رقة الرّوم حتّی تنزل الرّملة.»

فتلك السنّة- یا جابر- فیها اختلاف کثیر فی کلّ أرض «۲» ناحیة المغرب، فأول أرض المغرب تخرب السّام، یختلفون عند ذلک علی ثلاث رایات، رایة

(۱). تفسیر العیاشی ۱: ۶۶.

(۲). در مأخذ: أرض من.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۳

الأصهب، و رایة الأبقع، و رایة السّفیانی، فیلقی السّفیانی الأبقع، فیقْتلون فیقْتله و من معه، و یقتل الأصهب، ثم لا یكون همّه إلّا الإقبال نحو العراق و یمرّ جيشه بقرقيسا فیقْتلون بها ماءً ألف رجل من الجبارین، و یبعث السّفیانی جيشاً إلى الكوفة، و عدّتهم سبعون ألف رجل، فیصیبون من أهل الكوفة قتلاً و صلباً و سبياً، فبیناهم كذلك إذ أقبلت رايات من ناحية خراسان تطوی المنازل طياً حثیثاً و معهم نفر من أصحاب القائم علیه السّلام، و خرج رجل من موالی أهل الكوفة فقتله «۱» أمير جيش السّفیانی بین الحیره و الكوفة، و یبعث السّفیانی بعثاً إلى المدینة فینفر المهدیّ علیه السّلام منها إلى مكّة، فبلغ أمير جيش السّفیانی أنّ المهدیّ علیه السّلام قد خرج من المدینة فبعث جيشاً علی أثره فلا یدرکه حتّی یدخل مكّة خائفاً یتربّع علی سنّة موسى بن عمران علیه السّلام.

و ینزل أمير جيش السّفیانی البیداء، فینادی مناد من السّماء: یا بیداء أیدی القوم! فیخسف بهم البیداء فلا یفلت منهم إلّا ثلاثة یحوّل الله و جوههم فی أفقیتهم و هم من کلب، و فیهم نزلت هذه الآیة: یا أيّها الذّین أوْتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مَصِدْقاً لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدّها عَلٰی أَذْبَارِهَا ... «۲» الآیة.

قال: «و القائم یومئذ بمکّة قد أسند ظهره إلى البیت الحرام مستجیراً به ینادی: [یا أيّها النّاس إنّنا نستنصر الله و من أجابنا من النّاس، فإنّا أهل بیت نبیکم، و نحن أولى النّاس بالله و بمحمّد صلّی الله علیه و اله و سلم، فمن حاجنی فی آدم فأنا أولى النّاس بآدم علیه السّلام، و من حاجنی فی نوح فأنا أولى النّاس بنوح علیه السّلام، و من حاجنی فی إبراهيم فأنا أولى النّاس بإبراهيم علیه السّلام، و من حاجنی فی محمّد صلّی الله علیه و اله و سلم فأنا أولى النّاس بمحمّد صلّی الله علیه و اله و سلم، و من حاجنی فی النّبیین فأنا أولى النّاس بالنّبیین. ألیس

(۱). در مأخذ: فیقْتله.

(۲). نساء (۴): ۴۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۴

الله یقول فی محکم کتابه: إنّ الله اصْطَفٰی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلٰی الْعَالَمِینَ ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ «۱»؟ فأنا بقیة من آدم، و خیره «۲» من نوح، و مصطفی من إبراهیم، و صفوة من محمّد صلّی الله علیه و آله و علیهم، ألا و من حاجنی فی کتاب الله فأنا أولى (النّاس) بکتاب الله، ألا و من حاجنی فی سنّة رسول الله و سیرته فأنا أولى النّاس بسنّة رسول الله و سیرته، فأنشد الله من سمع کلامی الیوم لَمَّا بَلَغَ «۳» الشّاهد منکم الغائب، و أسألکم بحقّ الله و حقّ رسوله و حقّی فإنّ لی علیکم حقّ القربی برسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم لَمَّا أَعْتَمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مَمَّنْ یَظْلِمُنَا، فقد أخفنا و ظلمنا و طردنا من دیارنا و أبنائنا و بغی علینا و دفعنا عن حقّنا و آثر علینا أهل الباطل، فالله الله فینا لا یتخذلونا و انصرونا ینصرکم الله.

فیجمع الله له أصحابه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً فیجمعهم الله علی غیر ميعاد قرع کقرع الخریف، و هی - یا جابر - الآیة الّتی ذکرها الله: أَلِینَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمْ اللهُ جَمِیعاً، إنّ الله علی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ فیبايعونه بین الرّکن و المقام، و معه عهد من رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم و قد توارثه الأبناء «۴» عن الآباء.

و القائم علیه السّلام - یا جابر - رجل من ولد الحسین [بن علی صلّی الله علیهما یصلح الله له أمره فی لیلة (واحدة)، فما أشکل علی النّاس من ذلك یا جابر، لا- یشکلنّ علیهم ولادته من رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم، و وراثته العلماء عالماً بعد عالم، فإن



أشکل علیهم هذا کلّه فإنّ الصّوت من السّماء لا یشکل علیهم إذا نودی باسمه و اسم أبیه [و اسم أمّه.] «۵»

(۱). آل عمران (۳): ۳۴-۳۵.

(۲). در مأخذ: ذخیره.

(۳). در مأخذ: أبلغه.

(۴). [در مأخذ: الأنبياء].

(۵). الاختصاص: ۲۵۵-۲۵۷.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۵

شیخ مفید در کتاب اختصاص: از عمرو بن ابی المقدم، از جابر جعفی آورده است که گفت: حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام به من فرمود:

«بر جای بنشین و هیچ دست و پای مکن تا آن گاه که علامت‌هایی را که برایت یاد می‌کنم ببینی؛ اگر آن زمان را درک کنی. نخستین آن‌ها اختلاف فرزندان فلان است و من نمی‌بینم که تو به آن روزگار برسی؛ ولی پس از من این حدیث را بگویی. (علامت دیگر) منادی‌ای است که از آسمان ندا می‌کند و صدا از ناحیه‌ی دمشق بلند می‌شود و نوید پیروزی می‌دهد و در یکی از آبادی‌های شام- که جایه نام دارد- فرورفتگی پدید می‌آید و بخشی از سمت راست مسجد دمشق فرو می‌ریزد و گروهی از ترک‌ها سر به شورش برمی‌دارند و در پی آن، اوضاع روم آشفته می‌شود و برادران ترک پیش می‌آیند تا این که در جزیره فرود می‌آیند و شورشیان روم پیش‌روی می‌کنند و در رمله منزل می‌گیرند.

ای جابر، در آن سال در هر سرزمینی از ناحیه‌ی مغرب اختلاف بسیار خواهد بود. پس نخستین سرزمینی که از ناحیه‌ی غرب خراب می‌شود شام است. در آن هنگام، (آن‌ها) بر سه پرچم اختلاف می‌کنند: پرچمی سرخ و سفید و پرچم دیگر سیاه و سفید و پرچم سفیانی. سفیانی با پرچم سیاه و سفید برخورد می‌کند و باهم به نبرد می‌پردازند. آن پرچم‌دار و تمام هم‌راهانش را به قتل می‌رساند. پس از آن صاحب پرچم سرخ و سفید را به قتل می‌رساند. آن گاه جز این هدفی ندارد که به سوی عراق پیش‌روی کند. لشکریانش از "قریسا" می‌گذرند که ۱۰۰،۰۰۰ تن از سرکشان و ستمگران در آن جا به هلاکت می‌رسند و سفیانی لشکری به سوی کوفه می‌فرستد که تعداد آن‌ها ۷۰،۰۰۰ مرد جنگی است. آن‌ها به کشتن و دار زدن و اسیر کردن اهل کوفه می‌پردازند.

در همین اثنا- که سرگرم این فجایع‌اند- پرچم‌هایی از ناحیه‌ی خراسان پیش می‌آید که به سرعت منزل‌ها را پشت سر می‌گذارند. با ایشان چند تن از اصحاب حضرت قائم علیه السلام هست و مردی از موالی اهل کوفه خروج می‌کند که فرمانده لشکر سفیانی او را بین حیره و کوفه به قتل می‌رساند. آن گاه سفیانی عده‌ای را به مدینه

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۶

می‌فرستد. پس حضرت مهدی علیه السلام از آن به سوی مکه می‌شتابد. به فرمانده لشکر سفیانی خبر می‌رسد که حضرت مهدی علیه السلام از مدینه بیرون رفته‌اند. سپاهی در پی آن حضرت روانه می‌سازد که به او نمی‌رسد تا این که حضرتش با ترس و هراس، هم‌چون موسی بن عمران صلوات الله علیه به مکه داخل می‌شود.

فرمانده سپاهیان سفیانی در بیابان "بیداء" فرود می‌آید. پس منادی‌ای از سوی آسمان بانگ می‌زند: ای بیداء، این گروه را نابود کن. زمین "بیداء" آن‌ها را در کام خود فرو می‌برد و جز سه تن کسی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. خداوند صورت‌های آن سه تن را به پشت برمی‌گرداند. آنان از قبیله‌ی کلب‌اند و درباره‌ی آن‌ها این آیه نازل شده است:

(ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده، به آن چه ما نازل کردیم- که آن چه نزد خود دارید را تصدیق می‌کنند- ایمان



آورید؛ پیش از آن که صورت‌هایی را تغییر دهیم و آن‌ها را به پشت برگردانیم) تا آخر آیه ...»

امام علیه السّلام فرمود: «قائم در آن روز در مکه است. به بیت الله الحرام تکیه می‌زند و به آن پناهنده می‌شود. پس ندا می‌کند: [ای مردم ما از خداوند و هرکس از مردم که دعوتمان را اجابت کند، یاری می‌خواهیم که ما خاندان پیغمبر شماییم و ما سزاوارترین و نزدیک‌ترین مردم به خداوند و حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم‌ایم. پس هر آن که درباره‌ی آدم با من گفت‌وگو دارد، (بداند که) من از هرکس به آدم علیه السّلام نزدیک‌ترم و هرکس درباره‌ی ابراهیم با من گفت‌وگو دارد، من از همه‌ی مردم به ابراهیم علیه السّلام نزدیک‌ترم و هر آن که درباره‌ی حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم بحث دارد، من از همه‌ی مردم به آن حضرت نزدیک‌ترم و هرکس درباره‌ی پیغمبران با من احتجاج دارد، من از همه‌ی مردم به پیغمبران سزاوارترم. مگر نه این است که خداوند در کتاب محکم خویش می‌فرماید: (همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد؛ ذرّیه‌ای از بعضی از بعض دیگر پدید آمده‌اند و خداوند شنوا و داناست)؟! من بازمانده‌ی آدم و گزیده‌ای از (خاندان) نوح و برگزیده‌ای از (نسل) ابراهیم و عصاره‌ای از (تبار) محمد صلی الله علیه و اله و سلم‌ام. توجه کنید! هرکس درباره‌ی کتاب خدا با من محاجّه کند، (بداند که) من از همه (ی مردم) به کتاب خداوند نزدیک‌ترم. آگاه باشید، هرکس در مورد سنّت

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۷

و سیرت رسول الله با من بحث دارد (بداند که) من از تمامی مردم به سنّت و سیرت رسول خدا نزدیک‌ترم.

هرکس امروز سخنم را شنید، او را به خدا سوگند می‌دهم که حاضرانتان به غایبان برسند و شما را به حقّ خداوند و حقّ رسول او و حقّ خودم سوگند می‌دهم- و مرا بر شما حقّ خویشاوندی به رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم هست- که ما را یاری دهید و ظلم‌کنندگان به حقّ ما را از ما دور سازید؛ چه همانا ما (خاندان پیامبر) بیم زده‌ایم و بر ما ظلم گردیده است و از شهر و دیار و فرزندانمان آواره گشته‌ایم. به ما تعدّی کرده و از حَقمان دور ساخته و اهل باطل را بر ما مقدّم داشته‌اند. پس خدا را، خدا را درباره‌ی ما! تنها و بی‌یارمان مگذارید و یاری‌مان کنید که خداوند یاری‌تان خواهد کرد.

آن‌گاه خداوند ۳۱۳ مرد اصحابش را برایش جمع خواهد ساخت، بی‌قرار قبلی. هم‌چون قطعه‌های ابر پاییزی، آنان را گرد می‌آورد و این است- ای جابر- معنی آیه‌ای که خداوند می‌فرماید: (هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد. محقّقاً خدا بر هر چیز تواناست).

(آن‌ها) در میان رکن و مقام، با او بیعت می‌کنند و عهدنامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم با اوست که فرزندان (پیغمبر) آن را از پدرانشان به ارث برده‌اند. ای جابر، قائم علیه السّلام مردی از فرزندان حسین [بن علی علیهما السّلام است. خداوند کار او را در یک شب برایش اصلاح می‌فرماید. پس ای جابر، هرچه بر مردم مشکل شود، این که او از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم و وارث علماست، عالمی پس از عالم دیگر، بر آن‌ها مشکل و مشتبه نیست و اگر همه‌ی این‌ها بر آنان دشوار گردد، همانا آن صدای آسمانی بر ایشان مشتبه نخواهد شد؛ آن‌گاه که به نام او و نام پدرش و [نام مادرش بانگ زده شود.»

[۱۵] الطّبرسی فی الاحتجاج: عن عبد العظیم الحسنی رضی الله عنه قال:

قلت لمحمد بن علی بن موسی علیهم السّلام: [یا مولای ائی لأرجو أن تكون القائم من

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۸

أهل بیت محمد الذی یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

فقال علیه السّلام:

«ما منّا إلّا قائم بأمر الله و هاد إلى دین الله و لكنّ القائم الّذی يطهر الله به الأرض من الكفر و الجحود و یملاًها «۱» قسطاً و عدلاً، هو الّذی یخفی علی النّاس ولادته و یغیب عنهم شخصه و یحرم علیهم تسميته، و هو سمی رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و کتبه و

هو الذی تطوی له الأرض، و یذلّ له کلّ صعب، یجتمع إلیه من أصحابه عدّه أهل بدر ثلاث مائة و ثلاثه عشر رجلا من أقاصی الأرض، و ذلك قول الله عزّ و جلّ: «أینّ ما تَکُونُوا یأتِ بِکُمْ اللهُ جَمیعاً، إِنَّ اللهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعَدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ «۲»، أظهر الله أمره فإذا کمل له العقد- و هو عشرة آلاف رجل- خرج بإذن الله، فلا یزال یقتل أعداء الله حتّی یرضی الله عزّ و جلّ.

قال عبد العظیم: فقلت له: یا سیّدی، فکیف یعلم أنّ الله قد رضی؟ قال:

«یلقی فی قلبه الرّحمه، فإذا دخل المدینة أخرج اللات و العزی فأحرقهما.» (۳)

شیخ طبرسی در کتاب احتجاج از جناب عبد العظیم حسنی رضی الله عنه آورده

(۱). در مأخذ: یملاً الأرض.

(۲). در مأخذ: الإخلاص.

(۳). الاحتجاج ۲: ۲۴۹-۲۵۰. ظهور مخالف خفا و خروج در مقابل قعود است و هر ظهوری خروج نیست. بنابراین، از حدیث فوق استفاده می شود که امام علیه السّلام، خود و اصحابش، چند روز پیش از قیام در مکه‌ی مکّرمه ظاهر و آشکار خواهند شد؛ چنان که در حدیث بعدی مؤید این معنی هست؛ بدین گونه که اهل مکه از دیدن افراد ناشناخته- که به جست و جوی منازلی برای سکونت خویش اند- وحشت می کنند و ماجرای خواب یکی از مکّیان و این که گفت و گوهایی بین مردم درمی گیرد که در برابر آن پدیده چه کار کنند ...

در چنین حالی اند که یک باره خبر ظهور امام علیه السّلام در جهان شیوع می یابد و عقد (- ده هزار نفر)- که یاران با اخلاص و منتظران آن حضرت اند- به خدمتش می شتابند. در آن هنگام، خدای- تبارک و تعالی- اذن می دهد که آن حضرت خروج و قیام کند. [توضیح از مترجم است

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۶۹

است که گوید: به حضرت محمّد بن علیّ بن موسی (امام جواد) علیهم السّلام عرض کردم: [ای مولای من امیدوارم آن قائم از خاندان محمّد- که زمین را از قسط و عدل پر می سازد؛ هم چنان که از ظلم و جور آکنده شده باشد- شما باشید. آن حضرت فرمودند:

«هریک از ما (امامان معصوم) به پادارنده‌ی امر خداوند و هدایت کننده به سوی دین خداییم؛ ولی آن قائمی که خداوند به (دست) او، زمین را از کفر و انکار حق پاک خواهد ساخت و آن را از قسط و عدل پر خواهد کرد، کسی است که ولادتش بر مردم مخفی می ماند و جسم او از ایشان غایب می گردد و بر زبان آوردن نامش بر آنان حرام است. اوست هم نام و هم کنیه‌ی رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلم و هم اوست که زمین برایش درنور دیده خواهد شد و هر گونه دشواری برایش آسان خواهد گشت. از اصحابش، به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ مرد از اطراف زمین به سوی جمع خواهند شد و این است (معنی) فرموده‌ی خدای- عزّ و جلّ-: (هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد.

محقّقاً خدا بر هر چیز تواناست).

پس اگر این تعداد از اهل زمین برایش جمع گردیدند، خداوند امرش را آشکار می سازد و چون عقد- که ده هزار مرد است- برایش کامل شود، به اذن خداوند خروج خواهد کرد. سپس پیوسته دشمنان خدا را می کشد تا این که خدای- عزّ و جلّ- راضی گردد.»

حضرت عبد العظیم گوید: به آن حضرت عرضه داشتم: ای آقای من! چگونه خواهد دانست که خداوند راضی شده است؟ (امام

عليه السلام) فرمود:

«در قلبش رحمت می افکند. پس هنگامی که به مدینه داخل گردد، لات و عزی را بیرون می آورد و آن دو را آتش می زند.»  
[۱۶] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، فی مسند فاطمة علیها السلام «۱»: قال: حدّثنی أبو الحسین محمد بن هارون، قال: حدّثنا أبو هارون [بن موسی بن أحمد

(۱). [نام دیگر «دلائل الإمامة» است؛ چنان که علامه سید حسن صدر حدس زده است. ر ک. الذریعة ۲۱: ۲۸.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۰

رضی الله عنه «۱»، قال: حدّثنا أبو علی الحسن بن محمد «۲» النّهاوندی، قال: حدّثنا أبو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبد «۳» الله القمّی القطان المعروف بابن الخزاز، قال:

حدّثنا محمد بن زیاد، عن أبي عبد الله الخراساني [قال: حدّثنا أبو الحسين عبد الله ابن الحسن الزّهری، قال: حدّثنا أبو حسان سعید بن جناح، عن مسعود «۴» بن صدقه، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السّلام، قال: قلت: جعلت فداك! هل كان أمير المؤمنين عليه السّلام يعلم أصحاب القائم عليه السّلام كما [كان يعلم عدّتهم؟

قال أبو عبد الله عليه السّلام: «[حدّثنی أبي عليه السّلام، قال: و الله لقد كان يعرفهم بأسمائهم و أسماء آبائهم و قبائلهم [رجلا فرجلا] و مواضع منازلهم و مراتبهم، فكلّ ما عرفه أمير المؤمنين عليه السّلام [فقد] عرفه الحسن عليه السّلام، و كلّ ما عرفه الحسن، فقد عرفه «۵» الحسين عليه السّلام و كلّ ما عرفه الحسين فقد علمه علی بن الحسين عليه السّلام، و كلّ ما علمه علی بن الحسين فقد عرفه محمد بن «۶» علی عليه السّلام، و كلّ ما قد علمه محمد بن علی عليه السّلام، فقد علمه و عرفه صاحبكم (یعنی نفسه صلوات الله عليه).»  
قال أبو بصير قلت: مكتوب؟ قال: فقال أبو عبد الله عليه السّلام: «مكتوب في كتاب محفوظ في القلب، مثبت في الذّكر لا ينسى.» قال: قلت: جعلت فداك! أخبرني بعددهم و بلدانهم و مواضعهم [فذاك يقتضى من أسمائهم، قال: فقال: «إذا كان يوم الجمعة بعد الصّلاة فائتني.»

(۱). [راوی دوم ابو محمد هارون بن موسی بن احمد بن ابراهیم بن سعد تلّعبری پدر نخست است؛ نه چنان که محقق محترم خطای اعرابی پنداشته و ابو هارون نامی فرض کرده اند.]

(۲). در متن: أحمد.

(۳). در مأخذ: عبيد.

(۴). در مأخذ: مسعدة.

(۵). در مأخذ: صار علمه إلى.

(۶). در مأخذ: صار علمه إلى محمد بن.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۱

[قال: فليّا كان يوم الجمعة أتيتہ فقال: «يا أبا بصير أتيتنا لما سألتنا عنه؟» قلت: نعم، جعلت فداك! قال: «إنك لا تحفظ، فأين صاحبك الذي يكتب لك؟» قلت: أظنّ شغل شغله- و كرهت أن أتأخّر عن وقت حاجتي- فقال لرجل في مجلسه: «اكتب له: هذا ما أملاه رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم على أمير المؤمنين عليه السّلام و أودعه إياه من تسمية [أصحاب المهديّ عليه السّلام، و عدد من يوافيه من المفقودين عن فرشهم و قبائلهم، و السائرين في ليلهم و نهارهم إلى مكّة، و ذلك عند استماع الصّوت في السّنة

الَّتِي يَظْهَرُ فِيهَا أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ هُمُ النَّجْبَاءُ وَالْقِضَاءُ الْحَكَّامُ عَلَى النَّاسِ:

من طارِبند «۱» الشَّرْقِيِّ رَجُلٌ وَ هُوَ الْمَرَابِطُ السَّيِّيْحُ، وَ مِنَ الصَّامِغَانِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ أَهْلِ فَرِغَانَةَ رَجُلٌ، وَ مِنَ أَهْلِ التَّرْمُدِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ الدَّيْلَمِ أَرْبَعَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ مَرُو الرُّوْذِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ مَرُو اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا، وَ مِنَ بَيْرُوتِ تِسْعَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ طُوسِ خَمْسَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ الْفَرِيَابِ «۲» رَجُلَانِ، وَ مِنَ سَجِسْتَانَ ثَلَاثَةٌ رَجَالٌ، [وَ مِنَ الطَّالِقَانِ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا، وَ مِنَ جِبَالِ الْغُورِ «۳» ثَمَانِيَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ نَيْسَابُورِ ثَمَانِيَةٌ عَشْرَ رَجُلًا، وَ مِنَ هَرَاةِ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا، وَ مِنَ بُوْسَنِجِ أَرْبَعَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ الزَّيِّ سَبْعَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ طَبْرِسْتَانَ سَبْعَةٌ «۴» رَجَالٌ، وَ مِنَ قَمِّ ثَمَانِيَةٌ عَشْرَ رَجُلًا، [وَ مِنَ قَوْمِ رَجُلَانِ وَ مِنَ جَرِجَانِ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا]، وَ مِنَ الرِّقَّةِ ثَلَاثَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ الرَّافِقَةِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ حَلْبِ ثَلَاثَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ

(۱). [محقق محترم (و به تبع ایشان، مترجم گرامی) طازبند آورده‌اند که با مراجعه به معجم البلدان (و لغت‌نامه‌ی دهخدا، برگرفته از او) اصلاح می‌گردد.]

(۲). [در متن: قریات. براساس نسخه‌ی مصحح دلائل الإمامة، اصلاح شد. ظاهراً همان فاریاب است.]

(۳). [در متن: الجبل الغرّ.]

(۴). در مأخذ: تسعة.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۲

سَلْمِيَّةُ خَمْسَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ دِمَشْقِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ فِلَسْطِينِ رَجُلٌ، وَ مِنَ بَعْلَبَكِّ رَجُلٌ، [وَ مِنَ طَبْرِیَّةِ رَجُلٌ، وَ مِنَ يَافَارِجَلِ، وَ مِنَ قَبْرِسِ رَجُلٌ، وَ مِنَ بَلْبِيسِ رَجُلٌ، وَ مِنَ دِمِيَاطِ رَجُلٌ]، وَ مِنَ اَسْوَانَ رَجُلٌ، وَ مِنَ الْفَسْطَاطِ أَرْبَعَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ الْقَيْرَوَانَ رَجُلَانِ، وَ مِنَ كُورِ كَرْمَانَ ثَلَاثَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ قَزْوِينَ رَجُلَانِ، وَ مِنَ هَمْدَانَ أَرْبَعَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ مَوْقَانَ رَجُلٌ، وَ مِنَ الْيَدِ «۱» رَجُلٌ، وَ مِنَ خَلَاطِ رَجُلٌ وَ مِنَ جَابِرَوَانَ «۲» ثَلَاثَةٌ رَجَالٌ وَ مِنَ النَّسْوَى «۳» رَجُلٌ، وَ مِنَ سَنْجَارِ أَرْبَعَةٌ رَجَالٌ وَ مِنَ قَالِي قَلَا رَجُلٌ، وَ مِنَ سَمِيسَاطِ رَجُلٌ، وَ مِنَ نَصِيبِينَ رَجُلٌ، وَ مِنَ الْمَوْصَلِ رَجُلٌ، وَ مِنَ بَارِقِ «۴» رَجُلَانِ، وَ مِنَ الزَّهَاءِ رَجُلٌ، وَ مِنَ حِرَّانِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ بَاغَةَ رَجُلٌ، وَ مِنَ قَابِسِ رَجُلٌ، وَ مِنَ صَنْعَاءِ رَجُلَانِ، [وَ مِنَ مَازَنِ رَجُلٌ، وَ مِنَ طَرَابَلِسِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ الْقَلْزَمِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ الْقَبِيَّةِ رَجُلٌ، وَ مِنَ وَادِي الْقَرِي رَجُلٌ، وَ مِنَ خَيْبَرِ رَجُلٌ، وَ مِنَ بَدَا رَجُلٌ، وَ مِنَ الْجَارِ رَجُلٌ، وَ مِنَ الْكُوفَةِ أَرْبَعَةٌ عَشْرَ رَجُلًا، وَ مِنَ الْمَدِينَةِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ الرِّبْدَةِ رَجُلٌ، وَ مِنَ الْحَيُونَ «۵» رَجُلٌ، وَ مِنَ كُوْتِي رَبَّآ «۶» رَجُلٌ، وَ مِنَ طَهْنَةَ رَجُلٌ، وَ مِنَ بَيْرَمِ «۷» رَجُلٌ، وَ مِنَ الْأَهْوَاذِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ اَصْطَخْرِ رَجُلَانِ، وَ مِنَ الْمَوْلَتَانَ رَجُلٌ «۸» وَ مِنَ الدَّيْبِلَةِ «۹» رَجُلٌ، وَ مِنَ صَيْدَائِيلِ رَجُلٌ، وَ مِنَ الْمَدَائِنِ ثَمَانِيَةٌ رَجَالٌ، وَ مِنَ عَكْبَرَا رَجُلٌ، وَ مِنَ حَلْوَانَ رَجُلَانِ، وَ مِنَ الْبَصْرَةِ ثَلَاثَةٌ رَجَالٌ.

(۱). در مأخذ: البدو [أيد؟].

(۲). [در متن: حایروان که شناخته نشد. جابروان از اطراف تبریز است. ر.ک. معجم البلدان و مراصد الإطلاع و لغت‌نامه‌ی دهخدا.]

(۳). [در مأخذ: التوی.]

(۴). [در مأخذ: تلّ موزن.]

(۵). [در مأخذ: حیوان.]

(۶). [در متن: کوش و یا/ کوئار.]

(۷). [در مأخذ: تیرم.]

(۸). در مأخذ: رجلان.

و أصحاب الكهف و هم سبعة رجال و التاجران الخارجان من عانة إلى أنطاكية و غلامهما و هم ثلاثة نفر، و المستأمنون إلى الزوم من المسلمين و هم أحد عشر رجلا، و النازلان بسر نديب رجلان، و من سمندر «۱» أربعة رجال، و المفقود من مركبه بسلا هط «۲» رجل، و من شيراز- أو قال سيراف، الشك من مسعدة- رجل، و الهاربان إلى سردانية من الشعب رجلان و المتخلى بصقلية [رجل، و] للطواف الطالب «۳» الحق من يخشب «۴» رجل، و الهارب من عشيرته رجل، و المحتج بالكتاب على الناصب [من سرخس رجل. فذلك ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا بعدد أهل بدر، يجمعهم الله إلى مكة في ليلة واحدة، و هي ليلة الجمعة، فيتوافون في صبيحتها إلى المسجد الحرام، لا يتخلف منهم رجل واحد، و ينتشرون بمكة في أزقتها فيلتمسون منازل يسكنونها، فينكرهم أهل مكة و ذلك أنهم لم يعلموا برفقه دخلت من بلد من البلدان بحج «۵» أو عمرة و لا- لتجارة، فيقول بعضهم لبعض: إنا نرى في يومنا هذا قوما لم نكن رأيناهم قبل يومنا هذا، ليسوا من بلد واحد و لا أهل بدو و لا معهم إبل و لا دواب! فيبيناهم «۶» كذلك و قد ارتابوا بهم، إذ يقبل رجل من بنى مخزوم يتخطى رقاب الناس حتى يأتي رئيسهم فيقول: لقد رأيت ليلتي هذه رؤيا عجيبة و إني

(۱). معجم رجال الحديث ۱۳: ۲۷۹ به نقل از نجاشی، آن را از بلاد آذربيجان دانسته است (مترجم). [مصحح رجال نجاشی، فضل بن أبي قرّة را سهندی ضبط کرده است؛ سمندر (که در مأخذ مصحح نیز چنین است) از نواحی خزر ایران و یاد شده در معجم البلدان است.]

(۲). [در مأخذ: بشلا هط (دهخدا هردو را یکی دانسته است).]

(۳). [در مأخذ: و الطواف الطالب.]

(۴). [نخشب؟]

(۵). [در مأخذ: لحج.]

(۶). [در مأخذ: فيناهم.]

منها خائف و قلبی منها وجل! فيقول له: اقص رؤياك.

فيقول: رأيت كية نار انقضت من أعنان «۱» السّماء فلم تزل تهوى حتى انحطت إلى «۲» الكعبة، فدارت فيها، فإذا هي جراد ذوات أجنحة خضر كالملاحف، فأطافت بالكعبة ما شاء الله، ثم تطايرت شرقا و غربا لا- تمرّ ببلد إلّا أحرقتة، و لا بحصن إلّا حطّمتة، فاستيقظت و أنا مذعور القلب وجل!

فيقولون: لقد رأيت هؤلاء؟ فانطلق بنا إلى الأقرع «۳» ليعبرها- و هو رجل من ثقيف- فيقصّ عليه الرؤيا.

فيقول الأقرع «۴»: لقد رأيت عجبا، و لقد طرقتكم في ليلتكم (هذه) جند من جنود الله لا قوة لكم بهم، فيقولون: لقد رأينا في يومنا هذا عجبا، و يحدثونه بأمر القوم.

ثم ينهضون من عنده و يهيمون بالوثوب عليهم و قد ملأ الله قلوبهم منهم رعبا و خوفا فيقول بعضهم لبعض- و هم يتآمرون بذلك-: يا قوم، لا تعجلوا على القوم، إنهم لم يأتوكم بعد بمنكر و لا أظهروا خلافا، و لعلّ الرّجل منهم يكون في القبيلة من قبيلكم، فإن بدا لكم منهم شرّ فأنتم حينئذ و هم، و أمّا القوم فإنّا نراهم متنسّكين [و سيماهم حسنة و هم في حرم الله [تعالى الذي لا يباح من دخله حتى يحدث به حدثا [و لم يحدث القوم حدثا] يجب محاربتهم.

فیقول المخزومی - و هو رئیس القوم و عمیدهم -: إنا لا نأمن أن يكون وراءهم مادة لهم فإذا التأمت إليهم كشف أمرهم و عظم شأنهم، فتهضموهم و هم فى قلّة من العدد و غربه فى البلد قبل أن تأتيهم المادّة، فإنّ هؤلاء لم يأتوكم

(۱). [در مأخذ: عنان].

(۲). در مأخذ: على.

(۳ و ۴). [در مأخذ: الأثيرع].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۵

مکة إلاً و سیکون لهم شأن و ما أحسب تأویل رؤیا صاحبکم إلاً حقاً، فخلّوا لهم بلدکم و أجيلوا الرأى و الأمر ممکن، فیقول قائلهم: إن كان من يأتيهم أمثالهم فلا خوف عليكم منهم فإنه لا سلاح للقوم و لا كراع و لا حصن يلجؤون إليه و هم غرباء محتون، فإن أتى جيش لهم نهضتم إلى هؤلاء و هؤلاء (۱) و كانوا كشربه الظمان.

فلا يزالون فى هذا الكلام و نحوه حتّى يحجز الليل بين الناس، ثم يضرب الله على آذانهم و عيونهم بالنوم و لا يجتمعون بعد فراقهم إلى أن يقوم القائم عليه السلام [و إن أصحاب القائم عليه السلام يلقى بعضهم بعضاً كأنهم بنو أب و أمّ، و إن افترقوا افترقوا عشياً و «۲» التقوا غدوة، و ذلك تأویل هذه الآية: فَاسْتَبَقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً.

قال أبو بصير: قلت: جعلت فداك! ليس على الأرض يومئذ مؤمن غيرهم؟

قال: «بلى، و لكن هذه التى يخرج الله فيها القائم عليه السلام، (و هم النجباء و القضاء و الحكام و الفقهاء فى الدين، يمسح بطونهم و ظهورهم فلا يشبه عليهم حكم.» (۳)

ابو جعفر محمّد بن جرير طبرى «۴» در مسند فاطمه عليها السلام گوید: ابو الحسين محمّد بن هارون حديثام داد؛ گفت: پدرم هارون [بن موسى بن احمد رضى الله عنه حديثمان داد؛ وى گفت: ابو على حسن بن احمد نهاوندى حديثمان داد؛ گفت: ابو جعفر محمّد بن ابراهيم بن عبد الله قمى قطن معروف به «ابن خزاز» حديثمان داد؛

(۱). [در مأخذ: إلى هؤلاء أولاً].

(۲). [در مأخذ: و إن افترقوا عشاء].

(۳). دلائل الإمامة: ۳۰۷. [چاپ مؤسسه البعثه، صص ۵۵۴-۵۶۲ (ح ۵۲۶)]. از اين پس، به جاى صفحات چاپ مورد استفاده‌ى محقق و مترجم محترم، از اين چاپ آدرس خواهيم داد.

(۴). [اهل تحقيق مى دانند كه اين دانشمند شيعى در نام جدّ (رستم) با هم نام مشهور سنّى خود، صاحب تفسير و تاريخ، اختلاف دارد. نيای آن يك يزید نام دارد].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۶

او گفت: محمّد بن زیاد از ابو عبد الله خراسانى حديثمان داد [وى گفت: ابو الحسين عبد الله بن حسن زهرى حديثمان داد] گفت: ابو حسان سعيد بن جناح از مسعود بن صدقه از ابو بصير از حضرت ابو عبد الله امام صادق عليه السلام حديثمان داد، كه ابو بصير گوید: عرضه داشتم: فدایتان گردم! آیا امیر المؤمنین عليه السلام اصحاب قائم عليه السلام را مى شناخت؛ هم چنان كه شمار آنان را مى دانست؟

حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام فرمود: « [پدرم برايم حديث گفت و فرمود: ] به خدا سوگند، آنان را با اسامى خودشان و نام‌هاى پدران و قبیله‌هاشان [يك به يك مى شناخت و منزلگاه‌ها و مراتبشان را مى دانست و هرچه را امير المؤمنین عليه السلام

می دانست، امام حسن علیه السّلام نیز آن را می شناخت و هرچه را امام حسن علیه السّلام می شناخت، امام حسین علیه السّلام هم آن را می شناخت و هرچه را امام حسین شناخت، علی بن الحسین علیه السّلام آن را دانست و هرچه را علی بن الحسین می دانست به محمّد بن علی علیه السّلام انتقال یافت و هرچه را محمّد بن علی علیه السّلام می دانست، صاحب شما (منظور خود آن حضرت صلوات الله علیه است) آن را شناخت و دانست.»

ابو بصیر گوید: عرضه داشتیم: نوشته شده است؟ حضرت ابو عبد الله صادق علیه السّلام فرمود: «در کتابی که در دل محفوظ و در ذکر ثبت گردیده- که فراموش نمی شود- نوشته و مسطور است.» ابو بصیر گوید: عرض کردم: فدایتان شوم! تعداد آنان و شهرها و جایگاه هایشان را برایم بفرمایید [که لازمی نام بردن از ایشان است]. آن حضرت فرمود: «چون روز جمعه شود، بعد از نماز، نزد من آی.»

[ابو بصیر] گوید: پس چون روز جمعه شد، به خدمت آن حضرت رفتم.

فرمود: «ابو بصیر، به جهت آن چه سؤال کرده ی بودی آمدی؟» گفتم: آری، فدایتان شوم.

فرمود: «تو (این همه را) که به یاد نمی سپاری. کو آن دوست که برایت می نوشت؟» عرضه داشتم: گمان می کنم کاری او را مشغول داشته است. من هم خوش نداشتم که از وقت خواسته ام عقب بیفتم. پس آن حضرت به مردی که در مجلس بود فرمود: «برایش بنویس: این است آن چه رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم آن را بر امیر المؤمنین علیه السّلام املا فرمود و آن را نزد او به ودیعت سپرد. از نام های [اصحاب مهدی علیه السّلام و شمار از سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۷

بستر ناپدیدشدگان که به خدمتش می شتابند و قبیله هاشان و روندگان در شب و روز به مکه و آن هنگامی است که مردم صدا (ی آسمانی) را می شنوند، در سالی که امر خدای - عزّ و جلّ - ظاهر می شود و آنان نجبا و قاضیان حکم ران بر مردمانند: از طارند شرقی، یک مرد و او مرزبان سیاح است

و از صامغان «۱»، دو مرد

و از اهل فرغانه «۲»، یک مرد

و از اهل ترمذ «۳»، دو مرد

و از دیلم «۴»، چهار مرد

و از مرو رود «۵»، دو مرد

و از مرو، دوازده مرد

و از بیروت، نه مرد

و از طوس، پنج مرد

و از فریاب، دو مرد

و از سجستان «۶»، سه مرد

[و از طالقان، بیست و چهار مرد و از جبال غور، هشت مرد]

و از نیشابور، هجده مرد

و از هرات، دوازده مرد

و از بوسنج، چهار مرد

- (۱). صامغان از آبادی‌های خطّه‌ی طبرستان که به فارسی آن را «بمیان» گویند.
- (۲). فرغانه: یکی از شهرهای بزرگ ماوراء النهر.
- (۳). ترمذ: جایی در بلاد بنی اسد.
- (۴). دیلم: نام چشمه‌ی آبی از بنی عبس [یا دیلمان (- دیلمستان)؟].
- (۵). مرورود: شهری در نزدیکی مروشاهجان [- مرو شاه جهان از شهرهای مشهور خراسان. [مرو الرود یا مرو رود یا مرغاب نزدیک مرو. رک. فرهنگ فارسی معین.]
- (۶). سجستان [- سیستان: از نواحی و بلاد بزرگ. سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۸

و از ری، هفت مرد

و از طبرستان، هفت [نه؟] مرد

و از قم، هجده مرد

[و از قومن، دو مرد و از جرجان، دوازده مرد]

و از رقه «۱»، سیزده مرد

و از رافقه «۲»، دو مرد

و از حلب، سه مرد

و از سلمیه «۳»، پنج مرد

و از دمشق، دو مرد

و از فلسطین، یک مرد

و از بعلبک، یک مرد

و از طبریه، یک مرد

و از یافا، یک مرد

و از قبرس، یک مرد

و از بلیس، یک مرد

و از دمیاط، یک مرد

و از اسوان «۴»، یک مرد

و از فسطاط، چهار مرد

و از قیروان «۵»، دو مرد

- 
- (۱). رقه: شهری معروف در کنار نهر فرات.
- (۲). [رافقه: نام دو ناحیه است؛ یکی نزدیک فرات و دیگری از روستاهای بحرین. رک. معجم البلدان .
- (۳). سلمیه: شهرکی از توابع حماة.
- (۴). اسوان: یکی از شهرهای بزرگ در کنار صحرای مصر.



(۵). قیروان: از شهرهای بزرگ آفریقا [Kairouan] در شمال مرکزی تونس فعلی است. در لیبی نیز ناحیه‌ای صحرائی به این نام خوانده می‌شود. رک. فرهنگ معین .

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۷۹

و از کور کرمان، سه مرد

و از قزوین، دو مرد

و از همدان، چهار مرد

و از موقان «۱»، یک مرد

و از ید «۲»، یک مرد

و از خلط «۳»، یک مرد

و از جابروان، سه مرد

و از نسوی، یک مرد

و از سنجار «۴» چهار مرد

و از قالی قلا «۵»، یک مرد و از سمیسط «۶»، یک مرد

و از نصیبین «۷»، یک مرد

و از موصل، یک مرد

و از بارق «۸»، دو مرد

و از رهاء «۹»، یک مرد

و از حرّان «۱۰»، دو مرد

(۱). موقان: از شهرهای آذربایجان که روستاهای زیادی دارد.

(۲). [شاید بدو باشد].

(۳). خلط [- اخلط؟] شهری آباد و مشهور در اقلیم پنجم [از اقالیم هفت گانه به تقسیم جغرافی دانان قدیم .

(۴). سنجار شهری مشهور [در الجزیره (- بین النهرین)] که فاصله‌ی آن تا موصل [در عراق قدیم و فعلی سه روز راه است.

(۵). قالی قلا: یکی از شهرهای ارمنستان [در اقلیم پنجم قدیم ، از نواحی خلط.

(۶). سمیسط: یکی از شهرهای کرانه‌ی رود فرات.

(۷). نصیبین: یکی از شهرهای آباد جزیره [- بین النهرین عراق کنونی .

(۸). بارق: از نواحی کوفه در عراق.

(۹). رهاء: شهری بین موصل و شام.

(۱۰). حرّان: یکی از شهرهای بین موصل و شام و روم.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۰

و از باغه «۱»، یک مرد

و از قابس «۲»، یک مرد

و از صنعاء، دو مرد

[و از مازن یک مرد و از طرابلس، دو مرد و از قلزم «۳»، دو مرد]

و از قبه «۴»، یک مرد

و از وادی القری، یک مرد

و از خیبر، یک مرد

و از بدا «۵»، یک مرد

و از جار «۶»، یک مرد

و از کوفه، چهارده مرد

و از مدینه، دو مرد

و از ربذه، یک مرد

و از حیون، یک مرد

و از کوئی ربّا «۷»، یک مرد

و از طهنه، یک مرد

و از بیرم، یک مرد

و از اهواز، دو مرد

---

(۱). باغه: از شهرهای اندلس (- اسپانیا).

(۲). شهری بین طرابلس [در ساحل دریای مغرب (- مدیترانه) در لبنان کنونی و سفاقس.

(۳). قلزم: شهری بر کناره‌ی دریای یمن.

(۴). قبه: چشمه‌ای از بنی عبد القیس در بحرین؛ قبه: یکی از نواحی کوفه.

(۵). بدا: درّه‌ای نزدیک ایله در ساحل دریا و به قولی، در وادی القری و به قولی، وادی عذره در نزدیکی شام.

(۶). جار: قریه‌ای محاذی مدینه کنار دریا.

(۷). [زادگاه و زیارت‌گاه حضرت خلیل الرحمن علیه السلام].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۱

و از اصطخر «۱»، دو مرد

و از مولتان، یکی

و از دیبله، یکی

و از صیدائیل، یک مرد

و از مداین، هشت مرد

و از عکبرا «۲»، یک مرد

و از حلوان «۳»، دو مرد

و از بصره، سه مرد

و اصحاب کهف- که هفت مردند- و آن دو تاجری که از عانه «۴» به انطاکیه می‌روند با غلامشان- که سه تن می‌شوند-

و مسلمانانی که به روم پناهنده می‌شوند- که یازده تن‌اند-

و آن دو مرد که در سرندیب «۵» منزل می‌کنند  
 و از سمندر، چهار مرد  
 و آن که در سلاط از روی مرکبش ناپدید می‌شود  
 و از شیراز (یا این که فرمود: سیراف؛ تردید از مسعده است)، یک مرد  
 و آن دو که از درّه به سردانیه فرار می‌کنند دو مرد و آن که به طلب حق به جست‌وجو و گردش می‌پردازد و در صقلیه «۶» منزل  
 می‌گیرد از یخشب، یک مرد و آن که از عشیره‌اش فرار می‌کند یک مرد

(۱). اصطخر [- استخر]: شهری در استان فارس.

(۲). عکبرا: شهرکی از نواحی دجیل عراق.

(۳). حلوان: شهری بزرگ در مرز عراق که از بین رفته و به جای آن، سرپل ذهاب [- زهاب؟] بنا شده است.

(۴). عانه: شهری مشهور بین رقه و هیت [در عراق].

(۵). جزیره‌ی بزرگی در جنوبی‌ترین نقطه‌ی هند [- سیلان (Ceylon)].

(۶). صقلیه [- سیسیل از جزایر دریای مغرب مقابل آفریقا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۲

و آن یک مرد [از سرخس «۱»] که با کتاب خدا بر ناصبی محاجه کند.

این‌ها ۳۱۳ مردند، به شمار اهل بدر. خداوند در یک شب ایشان را در مکه جمع خواهد کرد و آن شب جمعه است. صبح آن شب، همه‌ی آن‌ها در مسجد الحرام خواهند بود. هیچ‌یک از آنان عقب نمی‌ماند. در کوچه‌های مکه پراکنده می‌شوند و در پی فراهم کردن منازلی برای خود می‌روند که اهل مکه آنان را ناشناس می‌بینند؛ چون کاروان خاصی را ندیده‌اند که از شهر معینی به قصد حج یا عمره یا تجارت آمده باشد.

لذا به یک‌دیگر می‌گویند: امروز ما گروهی را می‌بینیم که پیش‌تر ندیده‌ایم. اهل یک شهر نیستند و از بادیه‌نشینان هم نیستند. نه شتری دارند و نه مرکبی.

در همین حال که از وضع آن گروه به تردید افتاده‌اند، مردی از بنی مخزوم می‌آید؛ مردم را عقب می‌زند تا به نزد رئیسشان می‌رسد. می‌گوید: من دیشب خواب عجیبی دیده‌ام که از آن ترسان‌ام و دلم از آن می‌لرزد. رئیس به او می‌گوید: خوابت را تعریف کن. او این‌چنین بیان می‌کند: دیدم انبوهی آتش از آسمان کنده شد و آن‌قدر پایین آمد تا این که بر کعبه فرود آمد. در آن نگریستم. دیدم ملخ‌هایی است با بال‌های سبز، مانند چادر. مقدار زیادی دور کعبه طواف کردند. سپس به سوی مشرق و مغرب به پرواز درآمدند. به هر شهری رسیدند، آن را آتش زدند و هر دژی را ویران ساختند.

پس از این خواب، من دل‌پریش و ترسان از جای جستم و بیدار شدم.

مردم به او می‌گویند: همین‌ها را در خواب دیده‌ای؟ بیا نزد اقرع برویم تا خوابت را تعبیر کند. اقرع مردی از خاندان ثقیف است. نزد او می‌روند. آن مرد خوابش را تعریف می‌کند. اقرع پاسخ می‌دهد: خواب عجیبی دیده‌ای. البته دیشب یکی از لشکرهای خداوند بر شما وارد شده‌اند که نمی‌توانید آن‌ها را از خود برانید. مردم می‌گویند: امروز ما چیز عجیبی دیده‌ایم و ماجرای آن گروه را برای اقرع بیان می‌کنند.

سپس از نزد او بیرون می‌آیند و در صدد یورش بردن بر آن گروه برمی‌آیند؛ در حالی که خداوند دل‌هایشان را از رعب و ترس آنان پر کرده است.

(۱). سرخس: از شهرهای قدیمی خطه‌ی خراسان.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۳

وقتی برای انجام آن کار باهم مشورت می‌کنند، بعضی از آن‌ها به دیگران می‌گویند: در این کار عجله مکنید؛ زیرا که این گروه هنوز عمل ناشایستی نسبت به شما مرتکب نشده و خلافتی آشکار نکرده‌اند و شاید کسی از آنان به یکی از قبایل شما منسوب باشد. پس اگر شری از ایشان برایتان معلوم گشت، آن وقت شما دانید و آن‌ها.

از این گذشته، ما این گروه را اهل عبادت می‌بینیم و آثار خوبی را در چهره‌هایشان مشاهده می‌کنیم و ایشان در حرم خدای [تعالی] هستند که هرکس در آن داخل گشت، روا نیست به او آسیب رسد؛ مگر این که خلافتی از او صادر شود [و اینان کاری نکرده‌اند] که موجب جنگیدن با ایشان گردد.

در این جا، مخزومی - که رئیس و رهبر آنهاست - می‌گوید: ما ایمن نیستیم از این که اینان نیروی کمکی در پشت سر نداشته باشند که اگر به ایشان پیوندند، مقصودشان آشکار گردد و کارشان بالا بگیرد. پس حالا که هنوز شمارشان اندک و در دیار غربت‌اند، آنان را سرکوب کنید؛ پیش از آن که نیروی کمکی به آن‌ها برسد؛ چون این‌ها به مکه نیامده‌اند مگر برای این که در آتیه‌ی نزدیک رخ داد مهمی داشته باشند و من تعبیر خواب دوست شما را جز حق نمی‌دانم. بنابراین، تا می‌توانید شهرتان را از آنان خالی کنید. کسی از میان مردم می‌گوید: اگر کسانی که به اینان ملحق خواهند شد مانند همین‌ها باشند، ترسی از ایشان بر شما نیست؛ زیرا که نه اسلحه‌ای با خود دارند و نه مرکب‌های سواری و نه پناهگاه و دژی که به آن پناه برند. این‌ها جمعی غریب‌اند که چیره شدن بر آنان سهل و آسان است و اگر لشکری برای آنان آمد، به پا خواهید خاست و هم اینان و هم آنان را هم چون آب خوردنی که به تشنه لبی داده شود، همه را از پای درمی‌آورید.

پس (مردم مکه) پیوسته چنین حرف‌هایی را می‌زنند تا این که شب دامن خویش را بر مردم می‌گستراند. سپس خداوند خواب را بر گوش‌ها و چشم‌هایشان چیره می‌سازد و پس از جدا شدنشان از یک‌دیگر جمع نخواهند شد تا آن گاه که حضرت قائم علیه السّلام قیام فرماید [و یاران آن حضرت (چنان) با یک‌دیگر برخورد

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۴

می‌کنند که گویی از یک پدر و مادرند. شب (ها) از هم جدا می‌شوند و روز (ها) با هم‌اند و این است تأویل این آیه: (پس در کارهای نیک از هم پیشی گیرید؛ هر جا باشید، خداوند خواهد آوردتان.)»

ابو بصیر گوید: من گفتم: فدای شما شوم! آن روز، جز آن‌ها، هیچ مؤمنی بر روی زمین نیست؟ فرمود: «چرا؛ ولی این آن گروهی است که خداوند از میانشان حضرت قائم علیه السّلام را آشکار فرماید و آنان نجبا و قضات و حکام و فقهای در دین‌اند.

(آن حضرت) بر دل‌ها و پشت‌هایشان دست می‌کشد «۱». پس هیچ حکمی برایشان مشتبه نخواهد شد.»

[۱۷] عنه، قال أبو حسان سعید بن جناح: حدّثنا محمد بن مروان الکرخّی، قال: حدّثنا عبد الله بن داود الکوئی عن سماعة بن مهران، قال: [سأل أبو بصیر الصادق علیه السّلام عدّة أصحاب القائم علیه السّلام فأخبرهم بعدّتهم و مواضعهم، فلما كان العام القابل قال: عدت إليه فدخلت علیه فقلت: ما قصّة المرابط السّائح؟

قال: «هو رجل من إصبهان من أبناء دهاقینها، له عمود فيه سبعون منّا لا یقلّه غیره عند الخروج من بلده سیّاحاً فی الأرض و طلب الحقّ، فلا یخلو بمخالف إلّا أراح [منه ثمّ إنّه ینتهی إلى طاریند «۲» - و هو «۳» الحاکم بین أهل الإسلام و التّرك - فیصیب بها رجلاً من النّصاب یتناول أمير المؤمنین علیه السّلام، و یقیم بها حتّی یسری به.

و أمّا الطّوّاف لطلب الحقّ: فهو رجل من أهل یخشب قد كتب الحدیث و عرف الاختلاف بین النّاس، فلا یزال یطوف بالبلاد یطلب

(۱). [کنایه از اعمال قدرت الاهی در تربیت یاران].

(۲). در متن: الطازنید!

(۳). [در مأخذ: و هم!]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۵

صاحب الحق، فلا يزال كذلك حتى يأتيه الأمر وهو يسير من الموصل إلى الزها فيمضي حتى يوافي مكة.

و أما الهارب من عشيرته ببلخ: فرجل من أهل المعرفة فلا يزال يعلن أمره و يدعو الناس إليه و قومه و عشيرته، فلا يزال كذلك حتى يهرب منهم إلى الأهواز فيقيم في بعض قراها حتى يأتيه أمر الله فيهرب منهم.

و أمّا المحتجّ بكتاب الله على التّصاب من سرخس: فرجل عارف يلهمه الله معرفة القرآن، فلا يلقي أحدا من المخالفين إلّا حاجه فيثبت أمرنا في كتاب الله.

و أمّا المتخلّي بصقلية: فإنه رجل من أبناء الروم من قرية يقال لها قرية يسلم فينبو من الروم، و لا يزال يخرج إلى بلد الإسلام يجول بلدانها و ينتقل من قرية إلى قرية و من مقالة إلى مقالة حتى يمّن الله عليه بمعرفة (هذا) الأمر الذي أنتم عليه، فإذا عرف ذلك و أيقنه أيقن أصحابه، فدخل صقلية و عبد الله، حتى يسمع الصوت فيجيب.

و أمّا الهاربان إلى سردانية «۱» من الشعب رجلا: أحدهما من أهل [مدائن العراق و الآخر من جانا «۲»]، يخرجان إلى مكة فلا يزالان يتجران فيها و يعيشان حتى يصل متجرهما بقرية يقال لها: الشعب، فيصيران إليها و يقيمان بها حيناً من الدهر فإذا عرفهما أهل الشعب [آذوهما] و «۳» أفسدوا كثيرا من أمرهما،

(۱). [در متن: السروانية و در مأخذ: السردانية].

(۲). [در متن: حبايا. جباناً میان بغداد و انبار است. (معجم البلدان)]

(۳). [ظاهراً این و در نسخه‌ی اصل نبوده است و در نسخه‌ی متن می‌بایست در داخل قلب می آمده است].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۶

فيقول أحدهما لصاحبه: يا أخي إنّنا قد أودينا في بلادنا حتى فارقنا أهل مكة، ثم خرجنا إلى الشعب، و نحن نرى أنّ أهلها ثائرة علينا من أهل مكة و قد بلغوا ما ترى، فلو سرنا في البلاد حتى يأتي أمر الله من عدل أو فتح أو موت يريح.

فيهمان و يخرجان إلى برقة، ثم يتجهزان و يخرجان إلى سردانية، و لا يزالان بها إلى الليلة التي [يكون فيها أمر قائمنا عليه السلام].

و أمّا التّاجران الخارجان من عانة إلى أنطاكية: فهما رجلا يقال لأحدهما: مسلم و للآخر: سليم، و لهما غلام أعجمي يقال له: سلمونه، يخرجون جميعاً في رفقة من التّجار يريدون أنطاكية، فلا يزالون يسيرون في طريقهم حتى إذا كان بينهم و بين أنطاكية أميال، يسمعون الصوت فينصتون نحوه كأنهم لم يعرفوا شيئاً غير ما صاروا إليه من أمرهم ذلك الذي دعوا إليه، و يذهلون عن تجار [1] تهم، و يصبح القوم المذنبين كانوا معهم من رفاقهم و قد دخلوا أنطاكية فيفقدونهم فلا يزالون يطلبونهم فيرجعون و يسألون عنهم من يقفون من الناس، فلا يقفون لهم على أثر و لا يعلمون لهم خيراً، فيقول القوم بعضهم لبعض: هل تعرفون منازلهم؟ فيقول بعضهم: نعم. ثم يبيعون ما كان معهم من التجارة و يحملونها إلى أهاليهم (فيدفعون إليهم أمتعتهم و ما لهم و يخبرونهم خبرهم و يعزّي أهاليهم بهم) و يقسمون «۱» مواريتهم فلا يلبثون بعد ذلك إلّا ستّة أشهر حتى يوافون إلى أهاليهم على مقدّمة القائم عليه السلام فكأنهم لم يفارقوهم. و أمّا المستأمنة من المسلمين إلى الروم: فهم قوم ينالهم أذى شديد «۲» من جيرانهم و أهاليهم و من السّيلطان فلا يزال ذلك بهم حتى

أتوا ملك الروم فيقصدون عليه قصتهم و يخبرونه بما هم فيه من أذى قومهم و أهل ملتهم فيؤمنهم

(۱). [در مأخذ: يقتسمون.]

(۲). [در متن: شديدا.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۷

و يعطيهم أرضا من أرض قسطنطينية فلا يزالون بها حتى إذا كانت الليلة التي يسرى بهم فيها، و يصبح جيرانهم و أهل الأرض التي كانوا فيها فقد فقدوهم، فيسألون عنهم أهل البلاد فلا يحسون لهم أثرا و لا يسمعون لهم خيرا، و حينئذ يخبرون ملك الروم بأمرهم [و أنهم قد فقدوا، فيوجه في طلبهم و يستقصي آثارهم و أخبارهم فلا- يعود مخبر لهم بخبر، فيغتم طاغية الروم لذلك غمًا شديدا و يطالب جيرانهم [بهم و يحبسهم و يلزمهم إحضارهم و يقول: ما قدمتم على قوم آمنتهم و أوليتهم جميلا؟ و يوعدهم القتل إن لم يأتوا بهم و بخبرهم و إلى أين صاروا.

فلا يزال أهل مملكته في أذيته و مطالبه، ما بين معاقب و محبوس و مصلوب، حتى يسمع بما هم فيه راهب قد قرأ الكتب. فيقول لبعض من يحدثه حديثهم: إنه ما بقى في الأرض أحد يعلم علم هؤلاء [القوم غيرى و غير رجل من يهود بابل، فيسألونه عن أحوالهم فلا يخبر أحدا من الناس حتى يبلغ ذلك الطاغية، فيوجه في حمله إليه، فإذا أحضر قال له الملك: قد بلغنى ما قلت و قد ترى ما أنا فيه فأصدقنى إن كانوا مرتابين قتلت بهم من قتلهم و يخلص من سواهم من الهم «۱».

قال [الراهب: لا تعجل أيها الملك و لا تحزن على القوم فإنهم لن يقتلوا و لن يموتوا و لا حدث بهم حدث يكرهه الملك، و لا هم ممن يرتاب بأمرهم و نالتهم غيلة، و لكن هؤلاء قوم حملوا من أرض الملك إلى أرض مكة إلى ملك الأمم و هو الأعظم الذي لم تزل الأنبياء تبشّر به و تحدث عنه و تعد ظهوره و عدله و إحسانه، قال له الملك: و من أين لك هذا؟ قال: ما كنت أقول إلا حقا، و

(۱). در مأخذ: التهمة.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۸

إنه عندى فى كتاب قد أتى عليه [أكثر من خمس مائة سنة يتوارثه العلماء آخر عن أول. فيقول له الملك: فإن كان ما تقوله حقا و كنت فيه صادقا فأحضر الكتاب، فيمضى فى إحضاره و يوجه الملك معه نفرا من ثقافته، فلا يلبث حتى يأتيه بالكتاب فيقرأه فإذا فيه صفة القائم عليه السلام و اسمه و اسم أبيه و عدده من أصحابه و خروجهم و أنهم سيظهرون على بلاده.

فقال له الملك: ويحك! أين كنت عن إخبارى بهذا إلى اليوم؟ قال: لولا ما تخوفت أنه يدخل على الملك من الإثم فى قتل قوم أبرياء ما أخبرته بهذا العلم حتى يراه بعينه [و يشاهده بنفسه. قال: أو ترانى أراه؟ قال: نعم، لا- يحول الحول حتى تطأخيله أواسط بلادك «۱» و يكون هؤلاء القوم الأدلاء على مذهبكم. فيقول [له الملك: أفلا أوجه إليهم من يأتينى بخبر منهم أو أكتب إليهم كتابا؟ قال له الراهب: أنت صاحبه الذى تسلّم إليه و ستبته [و تموت فيصلّى عليك رجل من أصحابه.

و النازلون بسرنديب و سمندر «۲»: أربعة رجال من تجار أهل فارس، يخرجون عن تجاراتهم فيستوطنون سرنديب و سمندر «۳» حتى يسمعون الصوت و يمضون إليه.

و المفقود من مركبه بسلاط «۴»: رجل من يهود إصبهان، يخرج من سلاط «۵» قافلة فيها هو، فينما يسير فى البحر فى جوف الليل إذ نودى، فيخرج

(۱). در متن: خيله بلادك.

(۲ و ۳). [در متن: سمندار. در حدیث قبل توضیح داده شد.]

(۴ و ۵). [در متن: ساقطه. مانند حدیث قبل، بر اساس لغت‌نامه‌ی دهخدا و معجم البلدان تصحیح شد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۸۹

من المركب علی أرض أصلب من الحديد و أوطأ من الحریر، فیمضی الزّیان إلیه و ینظر فینادی: أدرکوا صاحبکم فقد غرق! فینادی «۱»: (لا توجل) لا بأس علیّ، إنی علی جدد. فیحال بینهم و بینه، و تطوی له الأرض فیوا فی القوم [حینئذ] (فی) مکة لا یتخلف منهم أحد.» (۲)

هم از اوست که گفت: ابو حسیان سعید بن جناح گفت: محمّد بن مروان کرخی حدیث‌مان داد، گفت: عبد الله بن داوود کوفی حدیث‌مان داد، از سماعة بن مهران، که گفت: ابو بصیر از امام صادق علیه السلام تعداد اصحاب حضرت قائم علیه السلام را پرسید. پس آن حضرت تعداد و جاهای آنان را برایش بیان فرمود. راوی گوید: چون سال بعد به محضرش شرفیاب شدم، به آن حضرت گفتم: جریان آن مرزبان جهان‌گرد چیست؟

فرمود: «او مردی از دهقان‌زادگان اصفهان است. گریزی دارد که وزن آن هفتاد من است. هنگامی که می‌خواهد از شهرش بیرون برود و در جست‌وجوی حق برآید، کسی جز او آن گرز را نمی‌تواند حمل کند. پس هیچ (دشمن) مخالفی را در خلوت نیابد، جز این که شرش را کم کند. سپس به طارند می‌رسد و او حاکم میان مسلمانان و اتراک خواهد بود. پس در آن‌جا یکی از ناصبیان را- که به امیر المؤمنین علیه السلام دشنام می‌دهد- به هلاکت می‌رساند و در همان‌جا می‌ماند تا این که شبانه [برای یاری حضرت قائم علیه السلام] برده می‌شود.

آن جوینده‌ی حق در بلاد، مردی از اهل یخشب است که حدیث را نگاشته و اختلاف آرای مردم را شناخته است. وی پیوسته در شهرها و سرزمین‌ها در پی کسب علم و دانش سفر می‌کند تا صاحب حق را بیابد و همواره چنین خواهد بود تا این که در حال رفتن از موصل به رها، بدو دستور می‌رسد و می‌رود تا به مکه وارد شود.

آن که از عشیره‌اش به بلخ گریخته است: مردی از اهل معرفت است که پیوسته

(۱). [در مأخذ: فینادیه الزّجل].

(۲). دلایل الإمامة: [۵۶۲-۵۶۶ ح (۵۲۷)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۰

امر خود را آشکار می‌سازد و مردم و قوم و خاندانش را به آن دعوت می‌کند تا این که از نزد ایشان گریخته به اهواز می‌رود. در یکی از روستاهای آن اقامت می‌کند تا امر خداوند به او می‌رسد و از آنان می‌گریزد.

آن استدلال‌کننده به کتاب خدا بر ناصبی از اهل سرخس: مرد عارفی است که خداوند شناخت قرآن را بدو الهام می‌کند و هریک از مخالفان را ببیند با او بحث و امر ما را از کتاب خداوند ثابت می‌کند.

آن سکنی‌گزیده در صقلیة: مردی از رومیان است از قریه‌ای که آن را "قریه‌ی یسلم" می‌نامند. از روم بیرون می‌رود و پیوسته در بلاد اسلامی در پی یافتن حق، از شهری به شهری و از روستایی به روستای دیگر و از مذهبی به مذهب دیگر می‌گذرد تا این که خداوند به شناخت (این) امر- که شما بر آن‌اید- بر او منت می‌گذارد و چون آن را شناخت و یقین کرد، اصحابش نیز یقین کنند. آن‌گاه به صقلیة داخل می‌شود و به عبادت خدای می‌پردازد تا وقتی که صدا (ی دعوت) را بشنود که اجابت می‌کند.

آن دو تن که از شعب به سردانیه می‌گریزند: یکی از آنان اهل [مدائن عراق است و دیگری از جانا. به سوی مکه خارج می‌شوند و پیوسته در آن‌جا به تجارت می‌پردازند تا آن‌گاه که گذارشان به جایی می‌افتد که آن را شعب می‌خوانند. پس به آن سوی روانه



می‌شوند و مدتی در آن‌جا به سر می‌برند و چون اهل شعب آن دو را بشناسند [آزارشان دهند] و بسیاری از کارهایشان را خراب کنند. پس یکی از ایشان به دیگری گوید: برادر، ما در شهر خودمان آزار دیدیم تا از اهل مکه جدا گشتیم. سپس به شعب آمدیم و حالا می‌بینیم اینان سخت‌تر از اهل مکه بر ما شوریده‌اند و کار را به این‌جا رسانده‌اند. پس خوب است در شهرها بگردیم تا قضای الهی فرا رسد؛ یا عدالت و فتح و پیروزی یا مرگ راحت‌کننده از این دنیا. آن‌گاه از آن‌جا می‌گریزند و به برقه می‌روند و سپس مهیا شده به سردانیه کوچ می‌کنند و در آن‌جا خواهند ماند تا آن شب که امر قائم ما علیه السلام فرا رسد.

آن دو تاجری که از عانه به انطاکیه روند: دو مردند که یکی از ایشان را مسلم خوانند و دیگری را سلیم و غلامی عجمی دارند به نام سلمونه. همگی با جمعی از

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۱

بازرگانان به قصد انطاکیه بیرون می‌روند و چون به چند فرسنگی آن می‌رسند، آن صدا را می‌شنوند. پس به جان و دل به آن گوش می‌سپارند؛ گویی جز آن‌چه بر آنان عرضه شده چیز دیگری را نمی‌شناسند و تجارت‌هایشان را فراموش می‌کنند. هم‌راهانشان صبح به انطاکیه داخل می‌شوند و ایشان را نمی‌یابند. پس به جست‌وجوی آنان می‌پردازند و از مردم راجع به ایشان می‌پرسند؛ ولی هیچ اثری نمی‌یابند و هیچ خبری به دست نمی‌آورند. آن‌گاه از هم می‌پرسند: کسی منزلشان را می‌داند؟ یکی از آنان می‌گوید: بله. سپس کالاهای تجارتي آن‌ها را می‌فروشند و به خانواده‌های ایشان می‌رسانند (متاع‌ها و اموالشان را می‌دهند و جریان مفقودشدنشان را می‌گویند و خاندانشان را تعزیت می‌دهند) و اموالشان را تقسیم می‌کنند؛ اما شش ماه بیش‌تر نمی‌گذرد که پیشاپیش سپاهیان حضرت قائم علیه السلام به نزد خاندان خود باز می‌گردند؛ گفتی جدایی در میانشان نبوده است.

پناهندگان مسلمان به روم: گروهی‌اند که از همسایگان و خویشاوندان و بستگان و از زمام‌دار آزار سختی به ایشان می‌رسد. همواره وضعشان چنین خواهد بود تا این‌که به نزد پادشاه روم می‌روند و داستان خویش را باز می‌گویند و آزارها و ناراحتی‌هایی را که از بستگان و هم‌کیشان خود می‌بینند بیان می‌کنند. پس او به آنان امان می‌دهد و قطعه زمینی از سرزمین قسطنطنیه در اختیارشان می‌گذارد. در آن‌جا به سر می‌برند تا آن‌گاه که آن شب فرا رسد که آنان را شبانه می‌برند. همسایگان و ساکنان سرزمینی که در آن بوده‌اند صبح می‌کنند در حالی که آن‌ها را نمی‌یابند. به جست‌وجوی ایشان می‌پردازند و هیچ اثر و خبری از آنان به دست نمی‌آورند. در این هنگام، ماجرای مفقود شدن ایشان را به پادشاه روم گزارش می‌دهند. پادشاه دستور پی‌گیری می‌دهد تا از آنان خبری به دست آید؛ ولی هیچ‌کس خبری از آن‌ها نمی‌آورد.

طاغوت روم از این قضیه به شدت غمناک می‌گردد و همسایگان آنان را مؤاخذه و زندانی می‌کند و به احضار ایشان ملزم می‌دارد و می‌گوید: با گروهی که من به آنان امان دادم و احسان کردم چه کردید؟ آن‌گاه آن‌ها را تهدید می‌کند که اگر ایشان را نیاورند و خبرشان را باز نگویند، آن‌ها را خواهد کشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۲

پیوسته مردمان اهل مملکت او در اذیت و مؤاخذه قرار می‌گیرند و تحت تعقیب و زندانی و اعدام می‌شوند تا این‌که داستان به گوش راهبی می‌رسد که کتاب‌های بسیار خوانده است. او به کسانی که واقعه را برایش شرح داده‌اند می‌گوید:

بر روی زمین، جز من و مردی از یهود بابل، هیچ‌کس نمانده است که قضیه‌ی اینان را بداند. (با این همه به) هر کس می‌پرسد: داستان آن‌ها چیست؟ جواب نمی‌دهد. خبر به طاغوت روم می‌رسد. وی فرمان احضار راهب را صادر می‌کند و چون راهب نزد پادشاه می‌رسد، پادشاه به او گوید: آن‌چه گفته‌ای به من رسیده است و تو می‌بینی که در چه وضعی هستیم. به من راست بگو تا کشندگانشان را به کیفر رسانم و بی‌گناهان از ناراحتی خلاص شوند.



[راهب گوید: ای پادشاه، عجله مکن و بر آن گروه غمگین مباش؛ زیرا کشته نشده و نمرده‌اند و حادثه‌ای که مایه‌ی ناراحتی شاه باشد بر آنان وارد نشده است. در مورد آن‌ها جای نگرانی نیست و سوء قصدی نسبت به ایشان پیش نیامده که شاه را ناخوش آید؛ جز آن که اینان گروهی‌اند که از سرزمین پادشاه به مکه برده شده‌اند؛ به نزد پادشاه امت‌ها که اوست بزرگ‌ترین زمام‌داری که همواره پیغمبران به او مژده می‌دادند و از او سخن می‌گفتند و ظهور و عدل و داد و احسانش را وعده می‌دادند.

پادشاه به او گوید: این را از کجا می‌گویی؟ گوید: جز حقیقت نگفته‌ام و به راستی که این مطلب نزد من در کتابی هست که [بیش از] پانصد سال بر آن گذشته است و علما یکی پس از دیگری آن را به ارث گرفته‌اند. پادشاه گوید: اگر آن چه گفתי حقیقت دارد و راست گفته‌ای، پس آن کتاب را حاضر کن. راهب می‌رود تا کتاب را بیاورد و پادشاه افراد مورد وثوقی با وی می‌فرستد. چیزی نمی‌گذرد که کتاب را برایش می‌آورد و آن را می‌خواند. در آن، وصف حضرت قائم علیه السّلام و نام آن حضرت و نام پدرش نوشته شده و تعداد یاران و (محلّ خروج) ایشان قید گردیده است و این که بر کشور او نیز چیره خواهند شد.

پادشاه به او گوید: ای وای! چرا تا به امروز این مطلب را به من نگفتی؟ گوید:

اگر بیم آن نبود که پادشاه دستش را به خون بی‌گناهان بیالاید، این حقیقت را برایش

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۳

نمی‌گفتم تا این که به چشم خود ببیند.

پادشاه می‌پرسد: آیا من او را خواهم دید؟ راهب گوید: آری، سال نمی‌گذرد تا این که اسب‌هایش در [دل کثورت نفوذ کنند و این افراد (که از این جا برده شده‌اند) بر مذهب شما دلالت کنند و شیوه‌ی شما را باز گویند. پادشاه [به او] گوید: آیا کسی را نفرستم که خبری از ایشان بیاورد یا نامه‌ای برایشان نویسم؟ راهب گوید: تو از اصحاب آن حضرت شوی که کار را به او واگذاری و تسلیم شوی و از او پیروی خواهی کرد [و تو می‌میری]. آن گاه مردی از اصحاب او بر تو نماز خواهد گزارد.

آنان که در سرندیب و سمندر فرود آیند: چهار مرد از بازرگانان اهل فارس‌اند که از تجارت‌هایشان بیرون می‌روند و در سرندیب و سمندر سکونت می‌کنند تا این که صدا را می‌شنوند و به سوی آن روان می‌گردند.

آن که از روی مرکبش در سلاطین ناپدید گردد: مردی از یهودیان اصفهان است.

او هم‌راه با کاروانی، از سلاطین بیرون می‌رود. در آن اثنا که در کشتی سوارند، در دل شب خوانده می‌شود. از مرکب بیرون می‌رود؛ (چنان که) بر قطعه زمینی از آهن سخت‌تر و از ابریشم نرم‌تر. ناخدا به سراغش می‌آید. چون او را میان آب می‌بیند، فریاد می‌زند: کمک کنید که دوست شما غرق شد؛ ولی آن مرد پاسخ می‌دهد: ترس؛ بر من باکی نیست. من بر روی زمین سختی هستم. پس میان او و ایشان جدایی می‌افتد و زمین برایش درنور دیده می‌شود که به دوستانش ملحق می‌گردد و هیچ کدام از ایشان تأخیر نخواهند کرد.»

[۱۸] عنه، قال: و بالإسناد الأوّل أنّ الصادق علیه السلام سمّی أصحاب القائم علیه السلام لأبی بصیر فیما بعد. فقال علیه السلام:

«أما الذی فی طاربند الشّرقیّ: بندار بن أحمد بن سبکة یدعی «۱» بازان و هو الشّیاح المرابط.

(۱). [در مأخذ: بندار بن أحمد بن سبکة تدعی.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۴

و من أهل الشّام، رجلین یقال لهما: إبراهیم بن الصّباح و یوسف بن جریا «۱»، فیوسف عطار من أهل دمشق، و إبراهیم قصاب من قریة صویقان «۲».

و من الصّامغان: أحمد بن عمر الخیاط من سکنه «۳» بزغ، و علی بن عبد الصّمد التّاجر من سکنه «۴» البهارین «۵».

و من أهل سیراف «۶» سلم الكوسج البزاز من سكنة «۷» الباغ، و خالد بن سعید بن کریم [الدهقان و الکلب الشاهد من دانشاه «۸»].  
و من مرورود: [جعفر الشاه الدقاق و جوز «۹» مولى الخصب.  
و من مرو، اثنا عشر رجلا و هم: بندار بن الخلیل العطار، و محمد بن عمر الصیدانی «۱۰»، و عریب بن عبد الله بن کامل، و «۱۱» مولى قحطبه، و سعد الزومى، و صالح بن الرخال، و معاذ بن هانى، و کردوس الأزدی، و دهیم بن جابر بن حمید، و طاشف بن علی القاجانى، و قرعان بن صوید «۱۲»، و جابر بن علی الأحمر، و جوشب ابن جریر.  
و من بیروت، تسعة رجال: زیاد بن عبد الرحمان بن جحدب، و العباس بن الفضل بن قارب، و إسحاق «۱۳» بن سلیمان الحنّاط، و علی بن خالد، و سلام «۱۴» بن سلیم ابن الفرات البزاز، و محمونه «۱۵» بن عبد الرحمان بن علی، و جریر بن رستم بن سعد

(۱). در مأخذ: صریا.

(۲). در مأخذ: سویقان.

(۳ و ۴). [در مأخذ: من سکه].

(۵). [در مأخذ: التجارین].

(۶). [در متن: السراف].

(۷). [در مأخذ: من سکه].

(۸). [در متن: الکلب الناهد من دانشاه].

(۹). [در مأخذ: جور].

(۱۰). [در مأخذ: صیدنانی].

(۱۱). [ظاهر این و زائد است].

(۱۲). [در مأخذ: سوید].

(۱۳). [در مأخذ: سحیق].

(۱۴). [در مأخذ: سلم].

(۱۵). [در مأخذ: محمویه].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۵

الکیشاتی «۱»، و حرب بن صالح، و عماره بن عمر «۲».

و من طوس، أربعة رجال: شهرد بن حمران، و موسى بن مهدی، و سلیمان ابن طلیعه «۳» (و) من الواد- و كان الواد موضع قبر الرضا عليه السلام- [و] علی بن السندی الصیرفی.

و من الفاریاب «۴»: شاهویه «۵» بن حمزه، و علی بن کلثوم من سکه «۶»، تدعى باب الجبل.

و من الطالقان، أربعة و عشرون رجلا: المعروف بابن الرازی الجبلی، و عبد الله بن عمیر، و إبراهیم بن عمرو، و سهل بن رزق الله، و جبرئیل الحداد، و علی ابن أبی علی الوراق، و عبادة بن جمهور، و محمد بن جیهاد «۷»، و زکریا بن حبسه «۸»، و بهرام بن سرح، و جمیل بن عامر بن خالد، و خالد و کثیر مولى جریر، و عبد الله بن قرط بن سلام، و فزاره بن بهرام، و معاذ بن سالم بن خلید «۹» التمار، و حمید بن إبراهیم بن جمعه القزاز «۱۰»، و عقبه بن وفنه «۱۱» بن الربیع، و حمزه بن العیاس بن جنادة من دار الرزق، و کائن بن جنید «۱۲» الصایغ، و علقمة بن مدرک، و مروان بن جمیل بن ورقاء «۱۳»، و ظهور مولى زراره بن إبراهیم و جمهور بن الحسین الرجاج، و ریاش ابن سعد بن نعیم.

- (۱). [در مأخذ: الکیسانی.]
- (۲). [در مأخذ: معمر.]
- (۳). [در مأخذ: طلیق.]
- (۴). [در متن: الغاریات.]
- (۵). [در متن: هو شاکر.]
- (۶). [در متن: من سکنه.]
- (۷). [در مأخذ: جیهار.]
- (۸). [در مأخذ: حبه.]
- (۹). [در مأخذ: جلید.]
- (۱۰). [در مأخذ: الغزال.]
- (۱۱). [در مأخذ: وفر.]
- (۱۲). [در مأخذ: حنید.]
- (۱۳). [در متن: دزقا.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۶

و من سجستان: الخلیل بن نصر من أهل زنج، و ترک بن شبنه، و إبراهيم بن علی.

و من غور، ثمانیه رجال: محج بن خزبوذ «۱»، و شاهد بن بندار، و داود بن جریر، و خالد بن عیسی، و زیاد بن صالح، و موسی بن داود، و عرف الطویل، و ابن کرد.

و من نیسابور، ثمانیه عشر رجلا: سمعان بن فاخر، و أبو لبابة بن مدرک، و إبراهيم بن یوسف القصیر، و مالک بن حرب بن سکین، و زرود بن سوکن، و یحیی ابن خالد، و معاذ بن جبرائیل، و أحمد بن عمر بن نغرة «۲»، و عیسی بن موسی السواق و یزید بن درست، و محمد بن حماد بن شیث «۳»، و جعفر بن طرخان، و علان ماهویه، و أبو مریم، و عمر «۴» بن عمیر بن مطرف، و بلیل بن وهائل «۵» بن هو مردیار.

و من هراة، اثنا عشر رجلا: سعید بن عثمان الوراق، و ما سحر بن عبد الله بن نبیل «۶»، و المعروف بغلام «۷» الکندی و سمعان القصاب، و هارون بن عمران، و صالح بن جریر، و المبارک «۸» بن معمر بن خالد، و عبد الأعلى بن إبراهيم بن عبده، و نزل بن حزم، و صالح بن هیشم، و آدم بن علی، و خالد القواس.

و من أهل بوسنج، أربعة رجال: ظاهر بن عمر «۹» بن طاهر المعروف بالأصلع، و طلحة بن طلحة السائح، و الحسن بن الحسن بن مسمار، و عمر بن

- (۱). [در متن: مجیح (مجیح؟) بن جربوز.]
- (۲). [در مأخذ: زفر.]
- (۳). [در مأخذ: شیت.]
- (۴). [در مأخذ: عمرو.]
- (۵). [در مأخذ: وهاید.]

(۶). [در مأخذ: نیل].

(۷). [در مأخذ: بعلام].

(۸). [در متن: المارک].

(۹). [در مأخذ: طاهر بن عمرو].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۷

عمرو «۱» بن هشام.

و من الرّیّ،: سبعة رجال: إسرائيل القطّان، و علی بن جعفر بن خزّاد «۲»، و عثمان بن علی بن درخت، و مسکان بن جبلة «۳» بن مقاتل، و کرد «۴» بن شیبان، و حمدان بن کز، و سلیمان بن الدّیلمی.

و من طبرستان، أربعة رجال: خوشاد «۵» بن کردم، و بهرام بن علی، و العباس بن هاشم، و عبد الله بن یحیی.

و من قم، ثمانية عشر رجلا: غسان بن محمّد [بن غسان، و علی بن أحمد بن مرّة «۶» بن نعیم بن یعقوب بن بلال، و عمران بن خالد بن کلب، و سهل بن علی بن صاعد، و عبد العظیم بن عبد الله بن الشّاه، و حسکة بن هاشم بن الدّایة، و الأخوص ابن محمّد بن إسماعیل بن نعیم بن ظریف «۷»، و لیل بن مالک بن سعد بن طلحة بن جعفر ابن أحمد بن جریر، و موسی بن عمران بن لاحق، و العباس بن زمر «۸» بن سلیم، و الحرید «۹» بن بشر ابن بشیر، و مروان بن علابة بن جریر المعروف بابن رأس الرّق، و الصّقر بن إسحاق بن إبراهيم، و کامل بن هشام.

و من قومس، رجلا: محمّد «۱۰» بن محمّد [بن أحمد] بن أبی الشّعب، و علاء بن حمویة بن صدقة من قرية الخرقان.

و من جرجان، اثنا عشر رجلا: أحمد بن هرقد «۱۱» بن عبد الله، و زرارة بن

(۱). [در مأخذ: عمرو بن عمرو].

(۲). [در متن: حواذر].

(۳). [در مأخذ: جبل].

(۴). در مأخذ: کردین.

(۵). [در مأخذ: حرشاد].

(۶). [در مأخذ: بزة].

(۷). [در مأخذ: طریف].

(۸). [در مأخذ: زفر].

(۹). [در مأخذ: الحوید].

(۱۰). [در مأخذ: محمود].

(۱۱). [در مأخذ: هارون].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۹۸

جعفر، و الحسین بن علی بن مطر، و حمید بن نافع، و محمّد بن خالد بن مرّ بن حوتة «۱»، و علاء «۲» بن حمید بن جعفر بن عبد «۳»، و إبراهيم بن إسحاق بن عمرو، و علی بن علقمة بن (عمرو) محمود و سلمان بن یعقوب، و العریان بن الخفّان الملقّب بحالروت، و شعبة بن علی، و موسی بن کردویه.

و من موقان، رجل: و هو عبید الله بن محمّد بن ماجور.

و من السند، رجلاً: شباب «٤» بن العباس بن محمد، و نظر «٥» بن منصور يعرف بنافش «٦».  
و من همدان، أربعة رجال: هارون بن عمران بن خالد، و طيفور بن محمد بن طيفور، و أبان بن محمد بن الصّحّاح و عتاب بن مالك بن جمهور.

و من جابروان، ثلاثة رجال: كرد بن حنيف، و عاصم بن خليل «٧» الخياط، و زياد بن رزين.

و من التوى، رجل: لقيط بن الفرات.

و من أهل الخلاط: وهب بن حرنيد «٨» بن سروين.

و من تفليس، خمسة رجال: جحد «٩» بن الزيت، و هانئ العطاردى، و جواد ابن بدر، و سليم بن وحيد، و الفضل بن عمير.

و من باب الأبواب: جعفر بن عبد الرحمن.

و من سنجار، أربعة رجال: عبيد الله بن زريق، و شحم «١٠» بن مطر، و هبة الله

(١). [در مأخذ: قره بن حويه].

(٢). [در مأخذ: علان]. سيمای حضرت مهدی در قرآن ١١٩

(٣). [در مأخذ: حميد].

(٤). [در مأخذ: سياب].

(٥). [در مأخذ: نصر].

(٦). [در مأخذ: بناقشت].

(٧). [در مأخذ: خليل].

(٨). [در مأخذ: خربند].

(٩). [در مأخذ: جحد].

(١٠). [در مأخذ: سحيم].

سيمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٩٩

[بن زريق بن صدقه، و هبل بن كامل.

و من قالى قلا: كردوس بن جابر.

و من سميساط: موسى بن زرقان.

و من نصيين، رجلاً: داود بن المحقّ، و حامد صاحب البوارى.

و من الموصل: رجل يقال له سليمان بن صبيح من القرية الحديثه.

و من تلّ موزن «١»، رجلاً: يقال لهما [بادصنا] بن سعد بن السّحير، و أحمد بن حميد بن سوار.

و من بلد: رجل يقال له بور بن زايده بن ثوران «٢».

و من الرّها: رجل يقال له كامل بن عفير.

و من حرّان: زكريّا السّعدى.

و من الرّقة «٣»، ثلاثة رجال: أحمد بن سليمان بن سليم، و نوفل بن عمر، و أشعث بن مالك «٤».

و من الرّافقه «٥»: عياض بن عاصم بن سمرة بن جحش، و مليح بن أسعد «٦».

و من حلب، أربعة رجال: يونس بن يوسف، و حميد بن قيس بن سحيم «٧» بن مدرّك بن على بن حرب بن صالح بن ميمون، و

مهدی بن هند بن عطارد، و مسلم بن هوار مرد.

و من دمشق، ثلاثة رجال: نوح بن جریر، و شعیب بن موسی، و حجر بن عبید «۸» الله الفزاری.

(۱). [در متن: یلمورق].

(۲). [در مأخذ: شروان].

(۳). [در متن: الترافعة].

(۴). [در متن: مال].

(۵). [در متن: الرابعة].

(۶). [در مأخذ: سعد].

(۷). [در متن: قیس و سهیم].

(۸). [در مأخذ: عبد].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۰

و من فلسطين: سويد بن يحيى.

و من بعلبك: المنزل بن عمران.

و من الطبرية: معاذ بن معاذ.

و من يافا: صالح بن هارون.

و من قومس «۱»: رباب بن جلد «۲»، و الجليل «۳» بن السيد.

و من تيس «۴»: يونس بن الصقر، و أحمد بن مسلم بن مسلم.

و من دمياط: علي بن زائدة.

و من أسوان «۵»: حماد بن جمهور.

و من الفسطاط، أربعة رجال: نصر بن (ال) حواس، و علي بن موسى الفزاري، و إبراهيم بن صفيرة «۶»، و يحيى بن نعيم.

و من القيروان: علي بن موسى بن الشيخ، و عنبر بن قرط.

و من باغة: شر حيل السعدى.

و من بليس «۷»: علي بن معاذ.

و من بالس: همّام «۸» بن الفرات.

و من صنعاء: الفياض بن ضرار بن ثروان، و ميسرة بن غندر بن المبارك.

و من مازن: عبد الكريم بن غندر.

(۱). [در مأخذ: قرمس].

(۲). [در مأخذ: الجلود].

(۳). [در مأخذ: الخليل].

(۴). [در متن: تئیس - تئیس: جزیره‌ای در آب‌های مصر؟].

(۵). [در متن: أسوار].

(۶). [در مأخذ: صفیر].

(۷). [در متن: تلبیس].

(۸). [در متن: حمام].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۱  
 و من طرابلس: ذو الثورین عبده «۱» بن علقمة.  
 و من أیلة «۲»، رجلان: یحیی بن بدیل، و حواشئ بن الفضل.  
 و من وادی القرى: الحرّ بن الذرقان «۳».  
 و من خیبر: رجل یقال له سلمان «۴» بن داود.  
 و من زیدار «۵»: طلحة بن سعید بن بهرام.  
 و من الجار: الحارث بن میمون.  
 و من المدینة، رجلان: حمزة بن طاهر، و شر حیل بن جمیل.  
 و من الرّبذة «۶»: حماد بن محمّد بن أبی نصر.  
 و من الکوفة، أربعة عشر رجلا: ربیعة بن علی بن صالح، [و] تمیم بن العباس «۷» ابن أسد، و العصرم «۸» بن عیسی، و مطرف بن  
 الکندی، و هارون بن صالح بن میثم، و وکایا بن سعد، و محمّد بن روایة، و الحروب «۹» بن عبد الله بن ساسان، و عودة «۱۰» الأعلم،  
 و خالد بن عبد القدّوس، و إبراهيم بن مسعود بن عبد الحمید، و بکیر «۱۱» بن سعد بن خالد، و أحمد بن ریحان بن حارث، و غرث  
 الأهدانی «۱۲».

و من القلزم: الرّحبة «۱۳» بن عمرو، و شیب بن عبد الله.

و من الحیره: بکر بن عبد الله بن عبد الواحد.

(۱). [در مأخذ: عبیده].

(۲). [در مأخذ: أبله].

(۳). [در مأخذ: الزّبرقان].

(۴). [در مأخذ: سلیمان].

(۵). [در مأخذ: ربدار].

(۶). [در متن: الرّیذه].

(۷). [در مأخذ: إلیاس].

(۸). [در مأخذ: العصرم].

(۹). [در مأخذ: الحرّ].

(۱۰). [در مأخذ: قوده].

(۱۱). [در مأخذ: بکر].

(۱۲). [در مأخذ: غوث الأعرابی].

(۱۳). [در مأخذ: المرجئه].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۲

و من كوئى ربّنا: حفص بن مروان.  
و من طهنة: الجيّاب «١» بن سعد، و صالح بن طيفور.  
و من الأهواز: عيسى بن تمام، و جعفر بن سعيد الضّرير، يعود بصيرا.  
و من الشّام «٢»: علقمة بن إبراهيم.  
و من إصطخر: المتوكل بن عبيد الله، و هشام بن فاخر.  
و من المولتان «٣»: حيدر بن إبراهيم.  
و من النّيل: شاكر بن عبده.  
و من قندايل «٤»: عمرو بن فروة.  
و من المدائن، ثمانية نفر: الأخوان الصّالحان «٥» محمّد و أحمد ابنا «٦» المنذر، و ميمون بن الحارث، و معاذ بن عليّ بن معروف بن عبد الله، و الحارس «٧» بن سعيد، و زهير بن طلحة، و نصر، و منصور.  
و من عكبرا: زائدة بن هبة.  
و من حلوان: ماهان بن كثير «٨»، و إبراهيم بن محمّد.  
و من البصرة: عبد الرّحمان بن الأعطف بن سعد، و أحمد بن مليح، و حمّاد بن جابر.  
و أصحاب الكهف: مكسلينا «٩» و أصحابه.  
و التّاجران الخارجان من أنطاكية: موسى بن عون، و سليمان بن حرّ، و

(١). [در مأخذ: الحباب].

(٢). [در متن: السّلم].

(٣). [در متن: موليان].

(٤). [در متن: قندايل].

(٥). [در متن و مأخذ: الأخوين الصّالحين].

(٦). [در متن و مأخذ: ابني].

(٧). [در مأخذ: الحرسى].

(٨). [در متن: كبترا].

(٩). [در متن: كمسكينا].

سيميای حضرت مهدي در قرآن، ص: ١٠٣

غلامهما الرّومى.

و المستأمنة إلى الرّوم، أحد عشر رجلا: صهيب بن العباس، و جعفر بن حلال، و ضرار بن سعيد، و حميد القدّوس التّازى «١»، و المنادى، و مالك بن خليد، و بكير «٢» بن الحرّ، و حبيب بن حنّان، و جابر بن سفيان.  
و التّازلان بسرنديب و هما: جعفر بن زكريّا، و دانيال بن داود.  
و من مندرا «٣»، أربعة رجال: حور بن طرّحان «٤»، و سعيد بن عليّ، و شاه بن بزرج «٥»، و حرّ بن جميل.  
و المفقود من مركبه بسلاط: اسمه المنذر بن زيد.  
و من سيراف - أو قيل: شيراز، الشّكّ من مسعدة -: الحسين بن علوان.



و الهاربان إلى سردانية: السرى بن الأغلِب، و زيادة الله بن رزق الله (عقبه).  
و المتخلى بصقلية: أبو داود الشعشاع.  
و الطواف لطلب الحق من يخشب و هو: عبد الله بن صاعد بن عقبه.  
و الهارب من بلخ من عشيرته: أوس بن محمد.  
و المحتج بكتاب الله على الناصب من سرخس: نجم بن عقبه بن داود.  
و من فرغانة: أزده بن الوابص.  
و من البرية «٦»: صخر بن عبد الصمد القبائلي «٧»، و يزيد بن فاجر «٨».

(١). [در مأخذ: القدوسی].

(٢). [در مأخذ: بكر].

(٣). [در مأخذ: سندرا].

(٤). [در مأخذ: خور بن طرخان].

(٥). [در متن: بزرح].

(٦). [در مأخذ: الترمذ].

(٧). [در مأخذ: القنابلی].

(٨). [در مأخذ: قادر].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۴

فذلك ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا بعدد أهل بدر. «١»

هم از اوست که گفته: و به همان سند اول روایت است که امام صادق علیه السلام اصحاب حضرت قائم علیه السلام را بعد از آن برای ابو بصیر نام برد و چنین فرمود:

«آن که در طار بند شرقی است: بندار بن احمد بن سبکه است که «بازان» خوانده می شود «٢» و اوست سیاح مرزبان.

و از اهل شام: دو مرد که ایشان را ابراهیم بن صباح و یوسف بن جریا گویند.

یوسف عطاری از اهل دمشق است و ابراهیم قصابی از روستای صویقان.

و از صامغان: احمد بن عمر خیاط از ساکنان «٣» بزغ.

و علی بن عبد الصمد تاجر از سکنه «٤» بحارین «٥».

و از اهل سیراف: سلم تنک ریش بزاز ساکن «٦» در باغ و خالد بن سعید بن کریم [دهقان و کلیب شاهد از دانشاه.

و از مرو رود: [جعفر شاه دقاق و جوز غلام (یا هم پیمان) خصیب.

و از مرو، دوازده تن که عبارت اند از: بندار بن خلیل عطار و محمد بن عمر صیدانی و عریب بن عبد الله بن کامل و «٧» غلام قحطبه و سعد رومی و صالح بن ریال و معاذ بن هانی و کردوس ازدی و دهیم بن جابر بن حمید و طاشف بن علی قاجانی و قرعان بن صوید و جابر بن علی احمر و جوشب بن جریر.

و از بیروت، نه مرد: زیاد بن عبد الرحمن بن جحدب و عباس بن فضل بن قارب و اسحاق بن سلیمان حنّاط و علی بن خالد و سلام بن سلیم بن فرات بزّاز و محمونه بن عبد الرحمن بن علی و جریر بن رستم بن سعد کیشاتی و حرب بن صالح و عماره بن عمر.

و از طوس، چهار مرد: شهرمد بن حرمان و موسی بن مهدی و سلیمان بن طلیعه- از

(۱). دلائل الإمامة: [۵۶۶-۵۷۵ (ح ۵۲۸)].

(۲). [یا بندار بن احمد از محلّه‌ای به نام بازان].

(۳ و ۴ و ۶). [یا از محلّه‌ی].

(۵). [یا محلّه‌ی (بازار) نجارها].

(۷). [چنان که گذشت این و زائد می‌نماید].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۵

وادی که جایگاه قبر امام رضا علیه السلام بود- [و] علی بن سندی صیرفی.

و از فاریاب: شاهویه بن حمزه و علی بن کلثوم از ساکنان «۱» جایی که باب الجبل (- دروازه‌ی کوه) خوانده می‌شود.

و از طالقان، بیست و چهار مرد: آن که معروف به ابن الرّازی جلی است و عبد الله بن عمیر و ابراهیم بن عمرو و سهل بن رزق الله و جبرئیل حدّاد و علی بن ابی علی و راق و عبادۀ بن جمهور و محمّد بن جیهاد و زکریّا بن حبسه و بهرام بن سرح و جمیل بن عامر بن خالد و خالد و کثیر غلام (یا هم‌پیمان قبیله‌ی) جریر و عبد الله بن قرط بن سلام و فزارة بن بهرام و معاذ بن سالم بن خلید خرمافروش و حمید بن ابراهیم بن جمعه‌ی قرّاز و عقبه بن وفنه بن ربیع و حمزه بن عتّاس بن جناده از دار الرّزق و کائن بن جنید زرگر و علقمه بن مدرک و مروان بن جمیل بن ورقا و ظهور هم‌پیمان زرارة بن ابراهیم و جمهور ابن الحسین زجاج و ریاش بن سعد بن نعیم.

و از سجستان: خلیل بن نصر از اهل زنگبار و ترک بن شبنه و ابراهیم بن علی.

و از غور «۲»، هشت مرد: محج بن خزبوذ و شاهد بن بندار و داوود بن جریر و خالد بن عیسی و زیاد بن صالح و موسی بن داوود و عرف طویل و ابن کرد.

و از نیشابور، هجده مرد: سمعان بن فاخر و ابو لبابه بن مدرک و ابراهیم بن یوسف قصیر و مالک بن حرب بن سکین و زرود بن سوکن و یحیی بن خالد و معاذ بن جبرائیل و احمد بن عمر بن نغره و عیسی بن موسای سواق و یزید بن درست و محمّد بن حمّاد بن شیث و جعفر بن طرخان و علّان ماهویه و ابو مریم و عمر بن عمیر بن مطرف و بلیل بن وهائل ابن هو مردیار.

و از هرات، دوازده مرد: سعید بن عثمان و راق و ماسحر بن عبد الله بن نبیل و کسی که به غلام کنندی معروف است و سمعان قصاب و هارون بن عمران و صالح بن جریر و مبارک بن معمر بن خالد و عبد الأعلى بن ابراهیم بن عبده و نزل بن حزم و صالح بن هشتم و

(۱). [یا از محلّه‌ی].

(۲). غور: سلسله جبال و شهری بین هرات و غزنه است. معجم البلدان.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۶

آدم بن علی و خالد قوّاس.

و از اهل بوسنج «۱» چهار مرد: ظاهر بن عمر بن طاهر معروف به اصلع و طلحه بن طلحه‌ی سائح و حسن بن حسن بن مسمار و عمر بن عمرو بن هشام.

و از ری، هفت مرد: اسرائیل قطنان و علی بن جعفر بن خزّاد و عثمان بن علی بن درخت و مسکان بن جبلة بن مقاتل و کرد بن شیبان و حمدان بن کر و سلیمان بن دیلمی.

و از طبرستان، چهار مرد: خوشاد بن کردم و بهرام بن علی و عبّاس بن هاشم و عبد الله بن یحیی.

و از قم، هجده مرد: غَسَّان بن محمّد [بن غَسَّان و علی بن احمد بن مرّه بن نعیم بن یعقوب بن بلال و عمران بن خالد بن کلیب و سهل بن علی بن صاعد و عبد العظیم بن عبد الله ابن شاه و حسکه بن هاشم بن دایه و اخوص بن محمّد بن اسماعیل بن نعیم بن ظریف و بلبل ابن مالک بن سعد بن طلحه بن جعفر بن احمد بن جریر و موسی بن عمران بن لاحق و عباس بن زمر بن سلیم و حرید بن بشر بن بشیر و مروان بن علابه بن جریر معروف به ابن رأس الرّزق و صقر بن اسحاق بن ابراهیم و کامل بن هشام.

و از قومس «۲»، دو مرد: محمّد بن محمّد [بن احمد] بن ابی الشّعب و علاء بن حمویّه بن صدقه از قریه‌ی خرقان.

و از گرگان، دوازده مرد: احمد بن هرقد بن عبد الله و زرارّه بن جعفر و حسین بن علی بن مطر و حمید بن نافع و محمّد بن خالد بن مرّ بن حوته و علاء بن حمید بن جعفر بن عبد و ابراهیم بن اسحاق بن عمرو و علی بن علقمه بن (عمرو) محمود و سلمان بن یعقوب و عریان بن خفّان ملقّب به حالروت و شعبه بن علی و موسی بن کردویه.

و از موقان: یک مرد و او عبید الله بن محمّد بن ماجور است.

و از سند دو مرد: شهاب بن عباس بن محمّد و نظر بن منصور معروف به نافشث.

و از همدان، چهار مرد: هارون بن عمران بن خالد و طیفور بن محمّد بن طیفور و

(۱). [بوسنج: از روستاهای اطراف ترمذ در ساحل آمودریا (جیحون). معجم البلدان].

(۲). [قومس (معزّب کومش، کومیشن): ناحیه‌ای وسیع در دامنه‌ی جنوبی کوه‌های طبرستان].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۷

ابان بن محمّد بن ضحاک و عتاب بن مالک بن جمهور.

و از جابروان، سه مرد: کرد بن حنیف و عاصم بن خلیل خیاط و زیاد بن رزین.

و از نوا، یک مرد: لقیط بن فرات.

و از اهل خلاط: وهب بن حرید بن سروین.

و از تفلیس، پنج مرد: جحد بن الرّیت و هانی عطاردی و جواد بن بدر و سلیم بن وحید و فضل بن عمیر.

و از باب الأبواب «۱»: جعفر بن عبد الرّحمان.

و از سنجار، چهار مرد: عبید الله بن زریق و شحم بن مطر و هبه الله [بن زریق بن صدقه و هبل بن کامل].

و از قالی قلا: کردوس بن جابر.

و از سمیساط: موسی بن زرقان.

و از نصیبین، دو مرد: داوود بن المحق و حامد صاحب البواری.

و از موصل: مردی که او را سلیمان بن صبیح گویند از روستای نو.

و از تلّ موزن «۲»، دو مرد، به نام‌های: [بادصنا] بن سعد بن سحیر و احمد بن حمید ابن سوّار.

و از بلد: مردی که او را بور بن زایدّه بن ثوران می‌خوانند.

و از رها: مردی که او را کامل بن عفیر می‌گویند.

و از حرّان: زکریای سعدی.

و از رقه «۳» سه مرد: احمد بن سلیمان بن سلیم و نوفل بن عمر و اشعث بن مالک.

و از رافقه «۴»: عیاض بن عاصم بن سمره بن جحش و ملیح بن اسعد.

(۱). [نام دیگر دریند.]

(۲). [تل موزن: شهری قدیمی میان رأس یمین و سروج (در ناحیه‌ی شمال غربی موصل در راه شام و روم نزدیک حرّان) گفته‌اند

که جالینوس حکیم در آن می‌زیسته است. (معجم البلدان)]

(۳). [رقّه: شهری در ساحل شرقی فرات. (معجم البلدان)]

(۴). [رافقه: شهری در همسایگی رقه کنار فرات. (معجم البلدان)]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۸

و از حلب، چهار مرد: یونس بن یوسف و حمید بن قیس بن سحیم بن مدرک بن علی بن حرب بن صالح بن میمون و مهدی بن هند بن عطار و مسلم بن هوار مرد.

و از دمشق، سه مرد: نوح بن جریر و شعیب بن موسی و حجر بن عبید الله فزاری.

و از فلسطین: سوید بن یحیی.

و از بعلبک: منزل بن عمران.

و از طبریه: معاذ بن معاذ.

و از یافا: صالح بن هارون.

و از قومس: ریاب بن جلد و جلیل بن سید.

و از تئیس: یونس بن الصقر و احمد بن مسلم بن مسلم.

و از دمیاط: علی بن زائده.

و از اسوان: حماد بن جمهور.

و از فسطاط «۱»، چهار مرد: نصر بن حوّاس و علی بن موسی فزاری و ابراهیم بن صفیره و یحیی بن نعیم.

و از قیروان: علی بن موسی بن الشّیخ و عنبره بن قرطه.

و از باغه: شر حیل سعدی.

و از بلیس «۲»: علی بن معاذ.

و از بالس «۳»: همّام بن فرات.

و از صنعاء: فیاض بن ضرار بن ثروان و میسرّه بن غندر بن مبارک.

و از مازن: عبد الکریم بن غندر.

و از طرابلس: ذو النورین عبده بن علقمه.

و از ایله، دو مرد: یحیی بن بدیل و حواشه بن الفضل.

(۱). [قاهره‌ی کنونی پیش تر فسطاط و عین شمس نامیده می‌شده است.]

(۲). [بلیس: از شهرهای مصر در راه شام. (معجم البلدان)]

(۳). [بالس: از شهرهای شام، بین حلب و رقه. (معجم البلدان)]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۰۹

و از وادی القری: حرّ بن ذرقان.

و از خیبر: مردی که او را سلمان بن داوود خوانند.

و از زیدار: طلحه بن سعید بن بهرام.  
 و از جار: حارث بن میمون.  
 و از مدینه، دو مرد: حمزه بن طاهر و شرحبیل بن جمیل.  
 و از ربذه: حماد بن محمد بن ابی نصر.  
 و از کوفه، چهارده مرد: ربیع بن علی بن صالح و تمیم بن عباس بن اسد و عصرم بن عیسی و مطرف بن عمر کندی و هارون بن صالح بن میثم و وکایا بن سعد و محمد ابن رویه و حروب بن عبد الله بن ساسان و عوده‌ی اعلم و خالد بن عبد القدوس و ابراهیم بن مسعود ابن عبد الحمید و بکیر بن سعد بن خالد و احمد بن ریحان بن حارث و غوث اهدانی.  
 و از قلم: رجب بن عمرو و شیب بن عبد الله.  
 و از حیره: بکر بن عبد الله بن عبد الواحد.  
 و از کوثری ربا: حفص بن مروان.  
 و از طهنه: جیب بن سعد و صالح بن طیفور.  
 و از اهواز: عیسی بن تمام و جعفر بن سعید نابینا که بینا خواهد شد.  
 و از شام: علقمه بن ابراهیم.  
 و از اصطخر: متوکل بن عبید الله و هشام بن فاخر.  
 و از ملتان: حیدر بن ابراهیم.  
 و از نیل: شاکر بن عبده.  
 و از قن‌داییل «۱»: عمرو بن فروه.  
 و از مداین، هشت نفر: دو برادر صالح محمد و احمد فرزندان منذر و میمون بن حارث و معاذ بن علی بن معروف بن عبد الله و حارس بن سعید و زهیر بن طلحه و نصر و منصور.  
 و از عکبر: زائده بن هبه.

---

(۱). [قن‌داییل و ملتان از نواحی سند هندوستان‌اند.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۰  
 و از حلوان: ماهان بن کثیر و ابراهیم بن محمد.  
 و از بصره: عبد الرحمان بن اعطف بن سعد و احمد بن ملیح و حماد بن جابر.  
 و اصحاب کهف: مکسلمینا و یاران‌ش.  
 و آن دو تاجر که از انطاکیه بیرون روند: موسی بن عون و سلیمان بن حر و غلام رومی ایشان.  
 و پناهندگان به روم، یازده مرد: صهیب بن عباس و جعفر بن حلال و ضرار بن سعید و حمید قدوس نازی و منادی و مالک بن خلید و بکیر بن حر و حبیب بن حنان و جابر بن سفیان.  
 و دو تن که در سرانندیب رحل اقامت افکنند: جعفر بن زکریا و دانیال بن داوود.  
 و از مندرا، چهار مرد: حور بن طراحان و سعید بن علی و شاه بن بزرگ و حر بن جمیل.  
 و آن که در سلاط از روی مرکبش ناپدید شود نامش منذر بن زید است.  
 و از سیراف «۱»- یا گفته‌اند: شیراز؛ تردید از مسعده است- حسین بن علوان.

و آن دو تن که به سردانیه گریزند: سرّی بن اغلب و زیاده الله بن رزق الله (عقبه).  
و آن که در صقلیه رحل اقامت افکند: ابو داوود شعاع.  
و آن پوینده برای یافتن حق از یخشب: عبد الله بن صاعد بن عقبه.  
و آن که از بلخ از عشیره اش می گریزد: اوس بن محمد.  
و آن که به وسیله ی کتاب خدا بر ناصبی احتجاج می کند از سرخس: نجم بن عقبه ابن داوود.  
و از فرغانه: از دجاه بن وابص.  
و از بزیه: صخر بن عبد الصمد قبایلی و یزید بن فاجر.  
که این ها ۳۱۳ تن اند؛ به شمار اهل بدر.»

(۱). سیراف: شهری بر کرانه ی دریاست که اردشیر آن جا را قصبه ی خود ساخته بود. از سیراف تا بصره هفت روز راه بوده است [در حال حاضر، آن را بندر طاهری می خوانند].  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۱  
[۱۹] عنه، قال: أخبرني أبو الحسين محمد بن هارون عن أبيه رضى الله عنه قال: حدثني محمد بن همام، قال: حدثني أحمد بن الحسين المعروف بابن أبي القاسم عن أبيه عن الحسين « ۱ » بن علي بن « ۲ » إبراهيم بن محمد، عن محمد بن حرمان، عن أبيه، عن يونس بن ظبيان، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فذكر أصحاب القائم عليه السلام فقال: « ثلاث مائة و ثلاثه عشر رجلا و كل واحد يرى نفسه في ثلاث مائة. » « ۳ »  
هم از اوست که گفت: ابو الحسين محمد بن هارون از پدرش رضى الله عنه خبرم داد. وی گفت: محمد بن همام حدیث ام داد، گفت: احمد بن الحسين معروف به ابن ابی القاسم، از پدرش، از حسین بن علی بن ابراهیم بن محمد، از محمد بن حرمان، از پدرش، از یونس بن ظبیان حدیث ام داد که گفت: در محضر امام ابو عبد الله صادق علیه السلام بودم. از اصحاب امام قائم علیه السلام سخن رفت و آن حضرت فرمود:  
« ۳۱۳ مرد (اند) و هریک خود را در ۳۰۰ تن می بیند.»

(۱). [در مأخذ: الحسن].

(۲). [در مأخذ: عن].

(۳). دلائل الإمامة: [۵۷۵ (ح ۵۲۹)]. شاید مقصود از جمله ی اخیر این باشد که هر کدام از آنان ۳۰۰ مرد جنگی زیر پرچم دارد یا نیروی ۳۰۰ تن را در خود می بیند. و الله العالم (مترجم).  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۲

### ۳ [سوره ی بقره آیه ی ۱۵۶]

وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ، وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ « ۱ »

(و البته شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم بود اموال و جان ها و ثمرات می آزمایم و شکیبایان را مژده ده).

[۲۰] محمد بن ابراهیم النعمانی المعروف بابن أبي زينب، قال: حدثنا محمد بن همام، قال حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدثنا (أحمد بن هلال، قال: حدثنا) الحسن بن محبوب عن علي بن رئاب، عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد

عليه السلام [أنه قال:

«إِنَّ قَدَامَ [قيام القائم عليه السلام علامات بلوى من الله للمؤمنين «٢»]. قلت: و ما هي؟  
قال: «ذَلِكَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ قَالَ: وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ مِنْ مَلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ، وَ الْجُوعِ بَغْلَاءِ أَسْعَارِهِمْ، وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ فساد التِّجَارَاتِ وَ قَلْبَهُ الْفَضْلُ فِيهَا، وَ الْأَنْفُسِ مَوْتِ ذَرِيْعٍ، وَ الثَّمَرَاتِ قَلْبَهُ رِيْعٌ مَا يَزْرَعُ وَ قَلْبَهُ بَرَكَةُ الثَّمَارِ، وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.»

(١). بقره (٢): ١٥٦.

(٢). [در مأخذ: تعالی لعباده المؤمنین.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ١١٣

ثم قال [لی]: «يا محمد هذا تأويله [إن الله عز وجل يقول: وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ].» (١)

محمد بن ابراهيم نعمانی معروف به ابن ابی زینب گوید: حدیث آورد ما را محمد بن همام، گوید: برایمان حدیث آورد عبد الله بن جعفر حمیری، گوید: حدیث گفت برای ما (احمد بن هلال، گوید: برایمان حدیث گفت) حسن بن محبوب از علی بن رثاب از محمد بن مسلم، از حضرت ابو عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام که فرمود:

«همانا قبل از [ظهور] حضرت قائم علیه السلام علامت‌هایی هست از سوی خداوند برای امتحان مؤمنان.» عرضه داشتیم: آن‌ها چیستند؟

فرمودند: «آن فرموده‌ی خدای - عز و جل - است: (و البته شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم‌بودی از اموال و جان‌ها و ثمرات می‌آزماییم و شکیبایان را مژده ده) فرمود: (و البته شما را می‌آزماییم) یعنی مؤمنان را (به چیزی از ترس) از فرمان‌روایان فلان‌خاندان در اواخر سلطنتشان (و گرسنگی) به گرانی نرخ‌هایشان (و کم‌بودی از اموال) فساد و تباهی تجارت‌ها و کمی سود آن‌ها (و جان‌ها) و مرگی زودرس (و ثمرات) کمی رشد گیاهان (کاهش کشاورزی) و کم شدن برکت میوه‌ها، (و شکیبایان را مژده ده) در آن هنگام به خروج قائم علیه السلام.»

سپس [به من فرمود: «ای محمد، این است تأویل آن. [همانا خدای - عز و جل - می‌فرماید]: (و تأویل آن را نمی‌داند جز خداوند و راسخان در علم).»

[٢١] عنه، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقده، قال: أخبرني «٢» أحمد بن يوسف بن يعقوب أبو الحسين «٣» الجعفي من كتابه، قال: حدثنا إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن أبي بصير. قال أبو عبد الله عليه السلام: «لا بد أن يكون قدام [قيام] القائم سنة تجوع فيها الناس، و يصيبهم

(١). كتاب الغيبة: ١٣٢ (باب ١٤، ح ٥).

(٢). در مأخذ: حدثنی.

(٣). در مأخذ: أبو الحسن.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ١١٤

خوف شديد من القتل، و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات، و إن ذلك في كتاب الله لبين. ثم تلا هذه الآية: «وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (١)

هم از اوست که گفت: خیر داد ما را احمد بن محمد بن سعید بن عقده، گفت:

خبرم داد احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسین جعفری از کتاب خود، گفت: برایمان حدیث آورد اسماعیل بن مهران، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش، از ابو بصیر که حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام فرمود:

«ناگزیر، پیش از (قیام) قائم سالی خواهد بود که مردم در آن گرسنگی کشند و ترس شدیدی از جهت کشتار به آنان رسد و در اموال و جانها و محصولات کمبودی حاصل گردد و البته این در کتاب خدا به روشنی آمده است.» سپس این آیه را تلاوت کرد: «(و البته شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمبودی از اموال و جانها و ثمرات می آزماییم و شکیبایان را مژده ده).»

[۲۲] و روی ابو جعفر محمد بن جریر الطبری فی مسند فاطمه علیها السلام قال:

أخبرني أبو الحسين محمد بن هارون، قال: حدثني «۲» أبي رضي الله عنه قال: حدثنا أبو علي محمد بن همام، قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدثنا أحمد بن هلال، قال: حدثني الحسن بن محبوب، عن علي بن رثاب، و أبي أيوب الخزاز، عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال:

«إن لقيام قائمنا علامات...» و ذكر الحديث. «۳»

نیز ابو جعفر محمد بن جریر طبری، در مسند فاطمه علیها السلام روایتی آورده است. وی گوید: خبرم داد ابو الحسین محمد بن هارون، گفت: برایم حدیث آورد پدرم رضی الله عنه،

(۱). کتاب الغیبه: [۲۵۰-۲۵۱ (باب ۱۴، ح ۶)].

(۲). [در مأخذ: حدیثنا].

(۳). دلائل الإمامة: [۴۸۳ (ح ۴۷۸)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۵

گفت: حدیث آورد ما را ابو علی محمد بن همام، گوید: حدیث کرد ما را عبد الله بن جعفر حمیری، گوید: حدیث آورد ما را احمد بن هلال، گفت: حسن بن محبوب حدیثام گفت، از علی بن رثاب و ابو ایوب خزاز محمد بن مسلم از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که فرمود:

«همانا قیام قائم ما را علامت‌هایی است...» و تا آخر حدیث را فرمود.

[۲۳] العیاشی یاسناده: عن الثمالی، قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله [عزّ و جلّ]: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ قال:

«ذلك جوع خاصّ، و جوع عامّ، فأما بالشّام فإنه عامّ، و أما الخاصّ بالكوفة يخصّ و لا يعمّ، و لكنّه يخصّ بالكوفة أعداء آل محمد عليه الصّلاة و السلام فيهلكهم الله بالجوع.

و أما الخوف فإنه عامّ بالشّام، و ذلك «۱» الخوف إذا قام القائم عليه السلام، و أما الجوع فقبل قيام القائم عليه السلام و ذلك قوله: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ «۲»

عیاشی به سند خود از ثمالی آورده است که گوید: از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای [عزّ و جلّ]: (و البته شما را به چیزی از ترس و گرسنگی می آزماییم) پرسیدم. فرمود: این یک گرسنگی خاصّ و یک گرسنگی عامّ است.

گرسنگی عام در شام خواهد بود و گرسنگی خاص در کوفه است که اختصاص می‌یابد و عمومیت ندارد؛ ولی در کوفه به دشمنان آل محمد علیه الصّلاة و السلام اختصاص خواهد یافت. پس خداوند آن‌ها را به گرسنگی هلاک خواهد کرد.

ترس در شام عامّ است و آن ترس، گاهی است که قائم علیه السلام به پا خیزد. گرسنگی نیز پیش از قیام قائم علیه السلام است و



همین است فرموده‌ی خداوند: (و البتّه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی می‌آزماییم).

(۱). در مأخذ: ذاک.

(۲). تفسیر عیاشی ۱: ۶۸ [بقره، ح ۱۲۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۶

#### ۴ [سوره‌ی آل عمران [آیه‌ی ۸۴]

وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿۱﴾

(و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم خداست و همه به سوی او بازگردانده شوند.)

[۲۴] العیاشی، یاسناده: عن رفاعه بن موسی، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

«وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» قال: - إذا قام القائم عليه السلام لا تبقى أرض إلا نودی فيها بشهادة أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم. «۲»

عیاشی به سند خود: از رفاعه بن موسی آورده گوید: شنیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

« (و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم خداست) - فرمود: - هر گاه قائم علیه السلام به پا خیزد، هیچ سرزمینی

باقی نماند مگر این که گواهی به لا إله إلا الله و محمدا رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم در آن ندا گردد.»

[۲۵] عنه، یاسناده: عن ابن بکیر قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن قوله: وَ

(۱). آل عمران (۳): ۸۴.

(۲). تفسیر العیاشی ۱: ۱۸۳ [آل عمران، ح ۸۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۷

لَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا قَالَ:

«أنزلت في القائم عليه السلام إذا خرج باليهود والنصارى والصّابئين والزنادقة و أهل الردّة و الكفّار في شرق الأرض و غربها فعرض

عليهم الإسلام، فمن أسلم طوعا أمره بالصّلاة و الزّكاة و ما يؤمر به المسلم و يجب لله عليه، و من لم يسلم ضرب عنقه، حتّى لا يبقى

في المشارق و المغارب أحد إلا وحدّ الله.»

قلت: جعلت فداك، إن الخلق أكثر من ذلك. فقال: «إن الله إذا أراد أمرا قلل الكثير و كثر القليل.» «۱»

و از او به سند خود از ابن بکیر «۲» است که گفت: از حضرت ابو الحسن علیه السلام «۳» درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (و هر که در

آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم خداست) پرسیدم؛ فرمود: «درباره‌ی قائم علیه السلام نازل شد. هر گاه به پا خیزد، اسلام

را بر یهود و نصاری و صابئیان و زنادقه و اهل ارتداد و کافران در شرق و غرب زمین، عرضه کند. پس هر آن که از روی فرمان‌بری

و دل‌خواه مسلمان شود، او را به نماز و زکات و سایر کارهایی که یک مسلمان باید انجام دهد و برای خداوند بر او واجب می‌شود

امر فرماید و هر که را اسلام نپذیرد، گردن می‌زند تا آن‌جا که در خاورها و باخترها هیچ کس نماند جز این که یکتایی خدا را

بپذیرد.»

عرضه داشتم: فدایتان کردم! خلاق بیش از آن‌اند! فرمود: «همانا اگر خداوند چیزی را بخواهد، بسیار را اندک و اندک را بسیار

گرداند.»

(۱). تفسیر العیاشی ۱: ۱۸۳ [- ۱۸۴ (آل عمران، ح ۸۲)].

(۲). [این کنیه معمولا به عبد الله بن بکیر بن اعیین بن سنسن - که گفته‌اند فطحی مذهب شد؛ اما ثقه شناخته شده است - اطلاق می‌شود. در این روایت، محتملا مراد عبد الله بن بکر (- بکیر؟) مرادی کوفی است که شیخ صدوق یک حدیث از امام هفتم علیه السلام را به روایت او نقل می‌کند (من لا یحضره الفقیه ۴:

۲۷۳ و شیخ طوسی در اصحاب امام صادق علیه السلام وی را یاد می‌کند (شماره ۴۱). رک. معجم رجال الحدیث ۱۰: ۱۲۲].

(۳). [امام موسی بن جعفر کاظم علیه السلام].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۸

[۲۶] و عنه بإسناده: عن عبد الأعلى الحلبي - عن أبي جعفر عليه السلام في حديث طويل يذكر فيه أمر القائم عليه السلام إذا خرج، قال:-

«و لا تبقى في الأرض قرية «۱» إلا نودي فيها بشهادة أن لا إله إلا الله [وحده لا شريك له و أن محمدا رسول الله و هو قوله: و له أسلم من في السماوات و الأرض طوعا و كرها و إليه يرجعون و لا يقبل صاحب هذا الأمر الجزية كما قبلها رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و هو قول الله: و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله «۲»]. «۳»

هم از اوست به سند خود از عبد الاعلاى حلبى از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام - در ضمن حدیثی طولانی که امر خروج حضرت قائم علیه السلام را آورده و فرموده است:-

«و روی زمین هیچ آبادی‌ای باقی نماند مگر آن که در آن گواهی دادن به این که خدایی جز الله نیست [یکتاست و هیچ شریک ندارد] و این که حضرت محمد فرستاده‌ی خداوند است بانگ زده شود و این است (معنی) فرموده‌ی خدای: (و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم خداست و همه به سوی او بازگردانده شوند) و صاحب این امر چونان رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم - که جزیه را می‌پذیرفت - آن را نمی‌پذیرد و این فرموده‌ی خداوند است که: (و با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه و فسادى بر جای نماند و همه‌ی دین از آن خداوند گردد).»

تمامی این حدیث - به خواست خداوند - در ذیل فرموده‌ی خدای متعال: و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله در سوره‌ی انفال خواهد آمد.

(۱). [در مأخذ: و لا تبقى أرض].

(۲). [انفال (۸): ۴۰].

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۶۰ [أنفال، ح ۴۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۱۹

## ۵ [سوره‌ی آل عمران [آیه‌ی ۲۰۱]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ «۱»

(ای کسانی که ایمان آورده‌اند! شکیبایی ورزید و یکدیگر را به صبر وادارید و بپوندید و خداترسی پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید.)

[۲۷] محمد بن ابراهیم النعمانی، فی کتاب الغیبه، قال: أخبرنا علی بن أحمد (البندنجی) عن عبید [الله بن موسی (العلوی العباسی)

عن هارون بن مسلم، عن القاسم بن عروه، عن بريد بن معاوية العجلي، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام في قوله [عز و جل]: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فَقَالَ:

«اصبروا على أداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا إمامكم (المنتظر)». «٢»

محمد بن ابراهيم نعمانی در کتاب غیبت گوید: خبرمان داد علی بن احمد (بندنیجی) از عیید [الله بن موسی (علوی عباسی)] از هارون بن مسلم، از قاسم بن عروه، از بريد بن معاوية عجلي، از حضرت ابو جعفر محمد بن علي باقر عليه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای [عز و جل]: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید) صبر کنید و یک‌دیگر را به صبر وادارید و پیوندید، فرمود:

(۱). آل عمران (۳): ۲۰۱.

(۲). کتاب الغیبة: [۱۹۹ (باب ۱۱، ح ۱۳)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۱۴۹

«بر ادای فرایض صبر کنید و با دشمنان پای‌داری کنید و با امامتان (که انتظارش دارید) پیوندید.» «(۱)»

[۲۸] و رواه الشيخ المفيد في الغيبة: بإسناده عن بريد بن معاوية العجلي عن أبي جعفر عليه السلام. «(۲)»

شیخ مفید هم این حدیث را در کتاب غیبت به سند خود از بريد بن معاوية عجلي از حضرت ابو جعفر امام باقر عليه السلام روایت کرده است.

در مورد این که این آیه درباره‌ی امامان علیهم السلام است، روایات بسیاری وجود دارد که در کتاب «البرهان» یاد گردیده است.

(۱). رابطه با امام علیه السلام یعنی: خود را به رشته‌ی ولایت او بستن و به خدمت و پیروی و یاری او کردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. برای توضیح بیشتر، به کتاب مکیال المکارم (ترجمه‌ی فارسی) جلد ۲، صفحه‌ی ۵۸۶ مراجعه کنید. (مترجم)

(۲). کتابی از شیخ مفید به نام غیبت یافت نشد. در الاختصاص شیخ مفید: ۱۴۲ چنین آمده است: «بر مصائبان صبر کنید و بر دینتان یک‌دیگر را به صبر وادارید و به جهت امامتان رابطه نمایید.» (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۱

## ۶ [سوره‌ی نساء] [آیه‌ی ۴۸]

يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا «(۱)»

(ای کسانی که بر ایشان کتاب (آسمانی) آمده، به آنچه (بر پیغمبر خاتم) فرستادیم - که تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌های شماست - ایمان آورید؛ پیش از آن که بر چهره‌هایی خط بطلان کشیم و آن‌ها را به پشت‌هایشان واژگون گردانیم).

[۲۹] محمد بن ابراهيم النعماني، في كتاب الغيبة (قال): حَدَّثَنَا «(۲)» محمد بن يعقوب الكليني أبو جعفر، قال: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ (يحيى بن) عمران، قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ «(۳)» مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، [قال]: وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ.

[قال]: وَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوصِلِيُّ، عَنْ أَبِي عَلِيِّ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ [أبي ناشر، عن أحمد بن هلال، عن الحسن بن

محبوب، قال: حَدَّثَنَا عمرو بن «(۴)» أَبِي الْمُقْدَامِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيُّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(۱). نساء (۴): ۴۸.

(۲). در مأخذ: أخبرنا.

(۳). در متن: عن أحمد بن.

(۴). در مأخذ: عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن.

(۵). [در مأخذ: و لا].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۲

أذكرها لك إن أدرتها:

أولها اختلاف (ولد فلان) [بنی العباس و ما أراك تدرك ذلك و لكن حدث به من بعدی، [و] مناد ینادی من السماء، و یجئکم الصوت من ناحیة دمشق بالفتح، و تخسف قریة من قرى الشام تسمى الجابیة، و تسقط طائفة من مسجد دمشق الأيمن، و مارقة تمرق من ناحیة الترك فیعقبها هرج الروم، و سيقبل إخوان الترك حتی ينزلوا الجزيرة، و سيقبل مارقة الروم حتی ينزلوا الرملة.

فتلك السنة- یا جابر- فیها اختلاف كثير فی كل أرض «۱» من ناحیة المغرب، فأول أرض تخرب أرض الشام، ثم یختلفون عند ذلك على ثلاث رايات، رایة الأصهب، و رایة الأبقع، و رایة السیفیانی، فیلتقى السیفیانی بالأبقع فیقتلون، فیقتله السیفیانی و من معه «۲»، ثم یقتل الأصهب، ثم لا یكون له همّة إلا الإقبال نحو العراق، و یمر جيشه بقریسیاء فیقتلون بها، فیقتل من الجبارین مئة ألف.

و یبعث السیفیانی جيشا إلى الكوفة و عدتھم سبعون ألفا فیصیبون من أهل الكوفة قتلا و صلبا و سیبا، فیینماهم «۳» كذلك إذ أقبلت رايات من نحو «۴» خراسان [و] تطوی المنازل طیًا حیثا [و] معهم نفر من أصحاب القائم علیه السلام، و «۵» یرج رجل من موالی أهل الكوفة فی ضعفاء فیقتله أمير جيش السیفیانی بین الحیره و الكوفة، و یبعث السیفیانی بعثا إلى المدینة فیفر «۶» المهدی علیه السلام منها إلى مكّة، فیبلغ جيش «۷» السیفیانی بأن المهدی علیه السلام قد خرج إلى مكّة، فیبعث جيشا على أثره

(۱). در متن: ناحیة.

(۲). در متن: من تبعه.

(۳). [در مأخذ: فیینماهم].

(۴). [در مأخذ: قبل].

(۵). در مأخذ: ثم.

(۶). در مأخذ: فینفر.

(۷). در مأخذ: أمير جيش.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۳

فلا یدرك حتی یدخل مكّة خائفا «۱» یرقب على سنّة موسى بن عمران علیه السلام.

قال: «و ینزل جيش «۲» السیفیانی الیاء فینادی مناد من السماء: یا بیداء أبیدی القوم! فیخسف بهم فلا یفلت منهم إلا ثلاثة نفر یحوّل الله وجوهم إلى أفتیتهم و هم من كلب، و فیهم نزلت هذه الآیة: یا أيّها الذین آمنوا بما نزلنا مُصدقا لما معكم من قبل أن نطمس وجوهاً فنردّها على أذبارها ... الآیة.»

قال: «و القائم علیه السلام یومئذ بمكّة قد أسند ظهره إلى البيت الحرام مستجیرا [به فینادی: یا أيّها الناس، إنا نستنصر الله فمن أجابنا

من النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ [محمّد] و نحن أولى النَّاسِ بِاللَّهِ و بمحمّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَمَ، فَمَنْ حَاجَنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مَنْ حَاجَنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مَنْ حَاجَنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مَنْ حَاجَنِي فِي مُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَمَ، وَ مَنْ حَاجَنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ.

أليس الله يقول في محكم كتابه: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ «٣»؟ فَإِنَّا بَقِيَّةُ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ].  
ألا و من حاجني في كتاب الله فأنا أولى الناس بكتاب الله، ألا و من حاجني في سنّة رسول الله فأنا أولى الناس بسنّة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَمَ، فَأُنشِدُ اللَّهَ مِنْ سَمْعِ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ، وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ [ب] حَقِّي فَإِن لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَمَ لَمَّا «٤» أَعْتَمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدْ أَخْفَنَا وَ ظَلَمْنَا وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا وَ بَغَى عَلَيْنَا

(١). [در متن: خائف].

(٢). در مأخذ: فینزل أمير جيش.

(٣). آل عمران (٣): ٣٤-٣٥.

(٤). در مأخذ: إلّا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ١٢٤

و دفعنا عن حقنا، و افتري أهل الباطل علينا، فالله الله فينا! لا تخذلونا و انصرونا ينصركم الله.

قال: «فيجمع الله له أصحابه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا [و] يجمعهم الله له على غير ميعاد قزعا كقزع الخريف، و هي - يا جابر - الآية التي ذكرها [الله في كتابه: أَيَنْ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فيبايعونه بين الزكن و المقام، و معه عهد من رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَمَ وَ قد توارث [ت] ه الأبناء عن الآباء.

و القائم - يا جابر - رجل من ولد الحسين، يصلح الله له أمره في ليلة فما أشكل على الناس من ذلك [يا جابر] فلا يشكل «١» عليهم و لادته من رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَمَ، و وراثته العلماء عالما بعد عالم، فإن أشكل هذا كله عليهم فإن الصوت من السماء لا يشكل عليهم إذا نودي باسمه و اسم أبيه [و أمه] «٢»

محمّد بن ابراهيم نعماني در كتاب غيبه: (گويد): حديث آورد ما را ابو جعفر محمّد بن يعقوب كليني گويد: براي من حديث گفت علي بن ابراهيم بن هاشم، از پدرش، او گويد: و حديث آورد مرا محمّد بن (يحيى بن) عمران. وي گويد: حديث آورد ما را احمد ابن محمّد بن عيسى، [و گفت]: و حديث ام گفت علي بن محمّد و غير او، همگی از سهل بن زياد، از حسن بن محبوب.

[گفت]: نیز حديث مان گفت عبد الواحد بن عبد الله موصلي، از ابو علي احمد بن محمّد بن [أبي] ناشر، از احمد بن هلال، از حسن بن محبوب. وي گويد: حديث مان گفت عمرو بن أبي المقدام، از جابر بن يزيد جعفي. او گفت:

(١). [در مأخذ: لا يشكلن].

(٢). كتاب الغيبة: [٢٧٩-٢٨٢ (باب ١٤، ح ٦٧)؛ گزیده‌ای از این حديث در صص ٥٠-٥١ گذشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ١٢٥

حضرت ابو جعفر محمّد بن علي باقر عليه السّلام فرمود: «ای جابر، خانه نشین باش. پس دست و پایی تکان مده تا نشانه‌هایی را که

برایت یاد می‌کنم ببینی؛ اگر آن‌ها را دریابی. اولین آن‌ها اختلاف (فرزندان فلان) [بنی العباس است و نمی‌بینم که آن زمان را درک کنی؛ ولی این را پس از من حدیث گوی، [و] منادی‌ای که از سوی آسمان ندا کند و بانگ پیروزی از جانب دمشق به شما رسد و یکی از آبادی‌های شام- که حایبه نام دارد- فرو می‌رود و بخشی از سمت راست مسجد دمشق فرو ریزد و گروهی از ترک‌ها شورش کنند و در پی آن، اوضاع روم آشفته شود و برادران ترک پیش روند تا این که در جزیره فرود آیند و شورشیان روم پیش‌روی کنند و در رمله منزل گیرند.

ای جابر، آن همان سال است که اختلاف بسیاری در هر زمین از ناحیه‌ی مغرب پدید خواهد آمد و نخستین سرزمینی که خراب می‌شود شام است. (سپس) در آن هنگام (به سه گروه تقسیم خواهند شد و) زیر سه پرچم خواهند رفت: پرچمی سرخ و سفید و پرچمی سیاه و سفید و پرچم سفیانی «۱». آن‌گاه سفیانی با پرچم‌دار سیاه و سفید برخورد می‌کند. آن‌ها با یک‌دیگر نبرد می‌کنند و او آن پرچم‌دار و تمام هم‌راهانش را به قتل می‌رساند. پس از آن، صاحب پرچم سرخ و سفید را می‌کشد و دیگر جز این هدفی نخواهد داشت که به سوی عراق پیش‌روی کند. لشکریانش از «قرقیسیا» می‌گذرند که صد هزار تن از جباران در آن‌جا کشته می‌شوند.

سفیانی لشکری به سوی کوفه می‌فرستد که تعداد آن‌ها ۷۰،۰۰۰ مرد جنگی است. آن‌ها به کشتن و دار زدن و اسیر کردن اهل کوفه می‌پردازند و در همین اثنا که سرگرم این فجایع‌اند، پرچم‌هایی از ناحیه‌ی خراسان پیش می‌آید که به سرعت منزل‌ها را پشت سر می‌گذارند. با ایشان چند تن از اصحاب حضرت قائم علیه‌السلام هم‌راهی می‌کنند و مردی از موالی اهل کوفه خروج می‌کند که فرمانده لشکر سفیانی او را بین حیره و کوفه به قتل می‌رساند. آن‌گاه سفیانی عده‌ای را به مدینه می‌فرستد. پس

(۱). همان‌طور که قبلاً- نیز اشاره کردیم، به‌طور یقین معلوم نیست منظور از «اصهب» و «ابقع»- که در حدیث آمده- صفت پرچم‌هاست یا معنی دیگری دارد. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۶

حضرت مهدی علیه‌السلام از آن‌جا به سوی مکه می‌شتابد. به فرمان‌ده لشکر سفیانی خبر می‌رسد که حضرت مهدی علیه‌السلام از مدینه خارج گردیده است. وی سپاهی در پی آن امام همام روانه می‌سازد که به او نمی‌رسد تا این که آن حضرت با هراس و هشیاری هم‌چون موسی بن عمران صلوات الله علیه به مکه داخل می‌شود.

امام باقر علیه‌السلام فرمود: «فرمان‌ده سپاهیان سفیانی در بیابان "بیداء" فرود می‌آید.

پس منادی‌ای از سوی آسمان بانگ می‌زند: ای بیداء! این قوم را نابود کن. زمین "بیداء" آن‌ها را در کام خود فرو می‌کشد و جز سه تن، کسی از آن‌ها جان سالم به در نمی‌برد.

خداوند صورت‌های آن سه را به پشت برمی‌گرداند. آنان از قبیله‌ی کلب‌اند و درباره‌ی آن‌ها این آیه نازل شده است: (ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده است، به آن‌چه ما نازل کردیم- که آن‌چه را نزد خود شماسست تصدیق می‌کند- ایمان آورید؛ پیش از آن که صورت‌هایی را تغییر دهیم و آن‌ها را به پشت برگردانیم) ...

امام علیه‌السلام فرمود: «و قائم آن روز در مکه است. او به بیت الله الحرام تکیه می‌زند و بدان پناهنده می‌شود و ندا می‌کند:

ای مردم! ما از خداوند و هر کس از مردم که دعوتمان را اجابت کند یاری می‌خواهیم. ما خاندان پیغمبر شماییم و سزاوارترین مردم به خداوند و حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه و اله و سلم. پس هر آن‌که درباره‌ی آدم با من گفت‌وگو دارد (بداند که) من از هر کس به آدم علیه‌السلام نزدیک‌ترم و هر آن‌که درباره‌ی نوح با من محاجه کند، من از همه‌ی مردم به نوح علیه‌السلام نزدیک‌ترم و هر کس درباره‌ی ابراهیم با من گفت‌وگو دارد، پس من از همه‌ی مردم به ابراهیم علیه‌السلام نزدیک‌ترم و هر آن‌که

درباره‌ی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بحث دارد، پس من از همه‌ی مردم بدان حضرت نزدیک‌ترم و هرکس درباره‌ی پیغمبران با من احتجاج دارد، من از همه‌ی مردم به پیغمبران سزاوارترم.

مگر نه این است که خداوند در آیات محکم کتاب خویش می‌فرماید: (همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد؛ ذرّیه‌ای که از یک‌دیگر پدید آمده‌اند و خداوند شنوا و داناست)؟ من بازمانده‌ای از آدم و ذخیره‌ای از نوح و برگزیده‌ای از ابراهیم و عصاره‌ای از رسول خاتم صلوات الله علیهم أجمعین ام.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۷

توجه کنید! هرکس درباره‌ی کتاب خدا با من مجاجه کند، من از همه‌ی مردم به کتاب خداوند نزدیک‌ترم. آگاه باشید، هر که در مورد سنت و سیرت رسول خدا با من بحث دارد، من از تمامی مردم به سنت و سیرت رسول الله نزدیک‌ترم. هرکس سختم را امروز شنید، او را به خدا سوگند می‌دهم که حاضرانتان به غایبان برسانند و شما را به حق خداوند و حق رسول او و به حق خود سوگند می‌دهم- و مرا بر شما حق خویشاوندی به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هست- که ما را یاری دهید و ظلم‌کنندگان به حق ما را از ما دور سازید که همانا ما (خاندان پیغمبر) ترسانیده شده‌ایم و بر ما ظلم گردیده است و از شهر و دیار و فرزندانمان آواره گشته‌ایم. به ما تعدی کرده و از حق خویش دورمان داشته‌اند و اهل باطل به ما تهمت زده‌اند. پس خدا را، خدا را درباره‌ی ما! تنها و بی‌یاورمان مگذارید. یاری‌مان کنید که خداوند یاری‌تان کند.»

آن حضرت فرمود: «آن‌گاه خداوند ۳۱۳ مرد اصحابش را برایش جمع خواهد ساخت که بی‌قرار قبلی، هم‌چون قطعه‌های ابر پائیزی آنان را گرد می‌آورد و این است- ای جابر- معنی آیه‌ای که خداوند می‌فرماید: (هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را جمع خواهد آورد. محققاً خدا بر هر چیز تواناست) پس در فاصله‌ی رکن و مقام با او بیعت می‌کنند و عهدنامه‌ای از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اله و سلم با اوست که فرزندان (پیغمبر) آن را از پدرانشان به ارث برده‌اند.

ای جابر! قائم علیه السلام مردی از فرزندان حسین است. خداوند کارش را یک شبه اصلاح می‌فرماید. پس [ای جابر] هرچه بر مردم مشکل شود، این که او از فرزندان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و وارث علماست، یکی پس از دیگری، بر آن‌ها مشکل و مشتبه نشود و اگر همه‌ی این‌ها بر آنان دشوار گردد، همانا آن صدای از سوی آسمان برایشان مشتبه نخواهد شد؛ آن‌گاه که وی را به نام خود و نام پدر [و مادر] بانگ زنند.»

[تکرار ۱۴] و رواه الشيخ المفيد في كتاب الاختصاص عن عمرو بن أبي المقدام: عن جابر الجعفي، قال: قال لي أبو جعفر عليه السلام:

«يا جابر، الزم الأرض و لا تحرك يدا و لا رجلا حتى تری علامات

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۸

أذكرها لك ... و ما أراك تدرک ذلك، و لكن حدث به بعدی ...» «۱»

این حدیث را شیخ مفید نیز در کتاب الاختصاص از عمرو بن ابی المقدام، از جابر جعفی روایت کرده است که گفت: حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام به من فرمود:

«ای جابر، خانه‌نشین باش و هیچ دست و پایی تکان مده تا این که نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم ببینی ... و من نمی‌بینم که تو به آن زمان برسی؛ ولی پس از من آن را حدیث گوی ...»

آن‌گاه روایت را تا پایان آورده است؛ اما در روایت شیخ مفید آمده است: «و جز سه [نفر]- که خداوند صورت‌هایشان را به پشت برمی‌گرداند- کسی از آنان جان سالم به در نبرد و آن‌ها از قبیله‌ی کلب‌اند و [این آیه درباره‌ی آنان نازل شده است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا] بر بنده‌مان یعنی قائم علیه السلام مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا.»



تمام این حدیث در سوره‌ی بقره ذیل آیه‌ی: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً ... گذشت.

(۱). الاختصاص: ۲۵۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۲۹

## ۷ [سوره‌ی نساء] [آیه‌ی ۶۰]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴿۱﴾

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیغمبر را اطاعت کنید و نیز اولی الامر از خودتان را.)

[۳۰] ابن بابویه، قال: حَدَّثَنَا غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ «۲» مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَارِثِ، [قال: حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمْرٍو، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ:

لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَمَنْ أُولُوا الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «هُمْ خُلَفَائِي - يَا جَابِرُ - وَأُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ [من بعدی . أولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن ثم الحسين، ثم علی بن الحسين، ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالبقر- و ستدرکه یا جابر فإذا لقیته فاقرأه منی السلام- ثم الصادق جعفر بن محمد، ثم موسی بن جعفر، ثم علی بن موسی، ثم محمد بن علی، ثم علی بن محمد، ثم الحسن بن علی، ثم سمی و کتبی حجة الله فی

(۱). نساء (۴): ۶۰.

(۲). در مأخذ: قال: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۰

أَرْضِهِ وَبَقِيَّتِهِ فِي عِبَادَةِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. ذَاكَ الْمَذَى يَفْتَحُ اللَّهُ - تَعَالَى ذَكَرَهُ - [على يديه مشارق الأرض [و مغاربها]، ذَاكَ الْمَذَى يَغِيبُ عَنِ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ.»

قال جابر: فقلت [له يا رسول الله فهل يقع لشيعته الانتفاع به في غيبته؟

فقال عليه الصلوة والسلام: «إي و الذي بعثني بالنبوة، إنهم يستضيئون بنوره، و ينتفعون بولايته في غيبته كانتفاع الناس بالشمس و إن تجللتها سحاب، يا جابر هذا من مكنون سر الله و مخزون علمه فاكتبه إلّا من «۱» أهله.» «۲»

ابن بابویه گوید: چندین نفر از اصحابمان برایمان حدیث آوردند، گفتند:

حدیث آورد برایمان محمد بن همّام از جعفر بن محمد بن مالک فزاری از حسن بن محمد ابن سماعه، از احمد بن الحارث [گوید:

حدیث آورد مرا] مفضل بن عمر از یونس بن ظبیان از جابر بن یزید جعفری، گوید: شنیدم جابر بن عبد الله انصاری می گفت:

هنگامی که خداوند - عزّ و جلّ - بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم این آیه را نازل کرد: (ای کسانی که ایمان آوردید، خدا را اطاعت کنید و پیغمبر را اطاعت کنید و نیز اولی الامر از خودتان را)، عرض کردم: یا رسول الله، خدا و رسولش را شناختیم.

اولی الامر - که خداوند اطاعتشان را به طاعت شما مقرون ساخته است - کیان‌اند؟



آن حضرت- که سلام و درود خدا بر او باد- فرمود: «ای جابر! آنان خلفای من و امامان

(۱). در مأخذ: عن.

(۲). کمال الدین ۱: ۲۵۳ [باب ۲۳، ح ۳]. از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود:

«به طور ویژه، منظور ماییم، خداوند امر فرموده است مردم از ما اطاعت کنند تا روز قیامت.» روایات در این مورد بسیار است. برای نمونه، نگاه کنید به: اصول کافی ۱، باب فرض طاعة الأئمة؛ تفسیر العیاشی ۱: ۲۴۹؛ تفسیر صافی: ۱۲۳ و کتاب‌های مهم دیگر. نیز دقت کنید که خداوند اطاعت چه کسانی را بی‌قید و شرط و در کنار اطاعت خود و رسولش واجب ساخته است؟ آیا جز معصوم کس دیگری می‌تواند باشد؟ (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۱

مسلمین پس از من‌اند. اولشان علی بن ابی طالب است، سپس حسن، سپس حسین، سپس علی بن الحسین، سپس محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو- ای جابر- او را درک خواهی کرد. پس هرگاه او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان. پس از او، صادق جعفر بن محمد، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی، سپس هم‌نام و هم‌کنیه‌ام حجت خدا در زمین و بقیة الله در میان بندگانش فرزند حسن بن علی، آن که خداوندی که یادش متعالی است [به دستان او] خاوران [و باختران زمین را فتح خواهد کرد؛ آن که از شیعیان و دوستانش غیبتی خواهد داشت که در زمان غیبتش، بر اعتقاد به امامتش ثابت نمی‌ماند مگر کسی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده باشد.]

جابر گوید: [به آن حضرت عرضه داشتیم: یا رسول الله، آیا شیعیانش را نفعی از او در زمان غیبت هست؟ فرمود: «آری؛ سوگند به آن که مرا به پیغمبری مبعوث ساخت، آن‌ها در عصر غیبت، به نور او روشنایی می‌گیرند و به ولایت او نفع می‌برند؛ هم‌چنان که مردم از نور خورشید سود می‌برند «۱»؛ گرچه ابری آن را بیوشاند. ای جابر، این از مکنون سرِ الاهی و مخزون علم اوست، آن را جز از اهلش مخفی مدار.»

(۱). تشبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به خورشید در چندین حدیث و دعا وارد شده است. در تشبیه امام عصر ارواحنا فداه به خورشید پشت ابر، نکته‌های بسیاری وجود دارد؛ از جمله:

الف: نور آفرینش و علم و هدایت از آن حضرت انتشار می‌یابد؛ هرچند از پشت پرده‌ی ابر و به‌طور غیر مستقیم باشد.

ب: همان‌طور که موقع ابری بودن آسمان، مردم لحظه شماری می‌کنند که ابر کنار رود تا از تابش خورشید بهره‌ی بیش‌تر ببرند، افراد بااخلاص نیز در زمان غیبت امام علیه السلام پیوسته ظهورش را انتظار دارند.

ج: خورشید پشت ابر هم‌احیانا برای بعضی از افراد نمایان می‌گردد؛ هم‌چنان که عده‌ای از سعادت‌مندان در دوران غیبت به دیدار آن حضرت شرفیاب می‌شوند.

برای آگاهی بیش‌تر، رک. بحار الأنوار ۵۲: ۹۴ (مترجم).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۲

## ۸ [سوره‌ی نساء] [آیه‌ی ۷۰]

(وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا «۱»)  
(و هر که خدا و رسول را اطاعت کند، پس آنان البته با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران- که خداوند نعمتش را بر ایشان

کامل گردانیده است - (محشور) خواهند بود و (اینان) چه نیکو هم‌راهانی‌اند!

[۳۱] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب للصادق علیه السلام قال:

قال: «التَّيِّبِينَ» رسول الله، (و الصَّيِّدِيَّيْنَ) علي، (و الشَّهَدَاءِ)، الحسن و الحسين، (و الصَّالِحِينَ) الأئمة، (و حسن أولئك رفيقا) القائم من آل محمد عليهم الصلاة و السلام. «۲»

علی بن ابراهیم در تفسیرش - که منسوب به امام صادق علیه السلام است - گوید:

فرمود: « (مراد از) (تبیین) رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است و (صدیقان) علی علیه السلام و (شهیدان) حسن و حسین و (صالحان) ائمه علیهم السلام و (هم‌راهان) قائم از آل محمد علیهم الصلاة و السلام.»

(۱). نساء (۴): ۷۰.

(۲). تفسیر قمی ۱: ۱۴۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۳

## ۹ [سوره نساء] [آیه ۷۸]

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ: كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ؟ فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ إِذَا فِرْقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ؟ «۱»

(آیا ندیدی کسانی را که به ایشان گفته شد: (فعلا) دست از جنگ بردارید و نماز به پا دارید و زکات دهید. پس چون فرمان جنگ برایشان نوشته [و ثبت شد، ناگهان گروهی از ایشان - به اندازه‌ای که از خدا می‌ترسند - یا بیش از آن از مردم (دشمنان خود) ترسیدند و گفتند: پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما فرض کردی؟ چه می‌شد که عمر ما را مهلت دهی و مرگ ما را تا زمانی نزدیک به تأخیر اندازی؟)

[۳۲] محمد بن یعقوب: عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن سنان، عن أبي الصَّباح بن عبد الحميد، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«و الله للذي صنعه الحسن بن علي عليهما السلام كان خيرا لهذه الأمة مما طلعت عليه الشمس، (ف) و الله لقد نزلت هذه الآية: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ؟، إنما هي طاعة الإمام و طلبوا القتال، فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ مع الحسين عليه السلام، قالوا: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ

(۱). نساء (۴): ۷۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۴

قَرِيبٍ نُجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ؟ «۱» أرادوا تأخير ذلك إلى القائم عليه السلام. «۲»

«محمد بن یعقوب: از محمد بن يحيى از احمد بن محمد، از ابن سنان، از ابو الصباح ابن عبد الحميد، از محمد بن مسلم، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت آورده است که آن حضرت فرمود:

«به خدا سوگند، کاری که حسن بن علی علیه السلام کرد برای این امت از آنچه خورشید بر آن می‌تابد بهتر بود. به خدا این آیه (درباره‌ی او) نازل شد: (آیا ندیدی کسانی را که به ایشان گفته شد: (فعلا) دست از جنگ بردارید و نماز به پا دارید و زکات دهید؟) همانا این اطاعت از امام است؛ (ولی) آن‌ها اصرار داشتند که فرمان جنگ به آنان داده شود. پس چون جنگ کردن در

رکاب امام حسین علیه السلام بر ایشان فرض شد، گفتند: (پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما فرض فرمودی؟ چه می شد که عمر ما را تا به هنگام اجل مهلت می دادی؟)

(اگر مهلت دهی) دعوت را اجابت و از رسولان پیروی می کنیم) منظورشان این بود که تا (قیام) حضرت قائم علیه السلام این حکم به تأخیر افتد.»

[۳۳] العیاشی، فی تفسیره بإسناده: عن إدريس مولى لعبد الله بن جعفر، عن أبي عبد الله عليه السلام فى تفسیر هذه الآية: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ

«مع الحسن و أقيموا الصلاة [و آتوا الزكاة]، فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ مع الحسين قالوا: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخْرَجْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ؟ إِلَى خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ مَعَهُمُ النَّصْرَ وَالظَّفَرَ، قَالَ اللَّهُ: قُلْ: مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى ... الآية.» [۳] عیاشی در تفسیرش به سند خود از ادريس - آزاده شدهی عبد الله بن جعفر - از

(۱). از دو آیه در سوره های نساء (۴): ۷۸ و ابراهیم (۱۴): ۴۵ برگرفته و تلفیق شده است.

(۲). روضه ی کافی: ۳۳۰ [ح ۵۰۶].

(۳). تفسیر العیاشی ۱: ۲۵۷ [- ۲۵۸ (نحل، ح ۱۹۵)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۵

حضرت ابی عبد الله صادق علیه السلام در تفسیر این آیه آورده است: (آیا ندیدی کسانی را که به ایشان گفته شد: (فعلا) دست از جنگ بردارید) فرمود:

«(مراد) با امام حسن علیه السلام (است) (و نماز به پا دارید و زکات دهید. پس چون فرمان جنگ برایشان نوشته [و ثبت شد] (یعنی) با امام حسین علیه السلام (گفتند: پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما فرض کردی؟ چه می شد که عمر ما را تا به هنگام اجل نزدیک مهلت می دادی؟) تا خروج حضرت قائم علیه السلام؛ زیرا که نصرت و پیروزی با آنان است. خداوند فرمود: (بگو: کالای دنیا اندک است و آخرت - برای کسی که تقوی پیشه کند - بهتر) ...»

[۳۴] عنه، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«وَاللَّهُ الَّذِي صَنَعَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَ خَيْرًا لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، وَاللَّهُ لَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ: كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ؟، إِنَّمَا هِيَ طَاعَةُ الْإِمَامِ فَطَلَبُوا الْقِتَالَ، فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ مع الحسين عليه السلام، قالوا: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخْرَجْنَا وَقَوْلُهُ: رَبَّنَا أَخْرَجْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِيبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَرَادُوا تَأْخِيرَ ذَلِكَ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» [۱]

هم از اوست، به سند خود از محمد بن مسلم، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام که فرمود:

«به خدا سوگند، کاری که حسن بن علی علیهما السلام کرد برای این امت از آن چه خورشید بر آن می تابد بهتر بود. به خدا قسم، درباره ی او این آیه نازل شد: (آیا ندیدی کسانی را که به ایشان گفته شد: (فعلا) دست از جنگ بردارید و نماز به پا دارید و زکات دهید؟) همانا این اطاعت از امام است. آنان اصرار داشتند که جنگ بر ایشان فرض گردد. (پس چون قتال (در راه خدا) برایشان نوشته شد) هم راه امام حسین علیه السلام، (گفتند:

(۱). همان: ۲۵۸ [نساء، ح ۱۹۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۶

پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما واجب ساختی؟ چه می‌شد که عمر ما را تا به هنگام اجل مهلت می‌دادی؟) و مرادشان از این سخن: (پروردگارا، تا اجلی نزدیک، (مهلت) ما را به تأخیر انداز تا دعوت تو را اجابت و از رسولان پیروی کنیم) به تأخیر افتادن آن حکم تا هنگام (قیام) امام قائم علیه السلام بود.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۷

## ۱۰ [سوره ی نساء] [آیه ۱۶۰]

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١﴾  
(و هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آن که به طور حتم پیش از مرگش، به وی (یعنی حضرت عیسی علیه السلام) «۲» ایمان خواهد آورد و روز قیامت، او بر آنان گواه خواهد بود.)

[۳۵] علی بن ابراهیم، قال: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ، عَنِ أَبِي حَمزَةَ، عَنِ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، قَالَ:

قال لي الحجاج: يا شهر آية «۳» في كتاب الله قد أعتنى، فقلت: أيها الأمير آية أيه هي؟ فقال: قوله: وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَمْرٌ بِالْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ، ثُمَّ أَرْمِقُهُ بَعِينِي فَمَا أَرَاهُ يَحْرُكُ شَفْتَيْهِ حَتَّى يَخْمَدَ! فقلت: أصلح الله الأمير! ليس على ما [ت] أولت، قال: كيف هو؟

قلت: «إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مَلَّةً، يَهُودِيٌّ وَ لَا غَيْرُهُ «۴» إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَصَلِّيَ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ.»

قال: ويحكك! أنى لك هذا و من أين جئت [به] ؟

(۱). نساء (۴): ۱۶۰.

(۲). [درباره‌ی مرجع‌های دو ضمیر در به و موته، اقوالی گفته‌اند. این روایت نشان می‌دهد که مرجع ضمیر نخستین حضرت مسیح علیه السلام است و دومی کتابی.]

(۳). در مأخذ: بَأَنَّ آيَةَ.

(۴). در مأخذ: لا نصراني.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۸

فقلت: حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

فقال: جئت بها و الله من عين صافية. «۱»

علی بن ابراهیم گوید: حدیث گفت مرا پدرم از قاسم بن محمد از سلیمان بن داوود منقری از ابو حمزه از شهر بن حوشب که گفت: حجاج به من گفت: ای شهر، آیه‌ای در کتاب خدا هست که در آن (معنی) درمانده‌ام. گفتم: ای امیر، کدام آیه است؟ گفت: (این) فرموده‌ی خداوند: (و هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آن که به طور حتم پیش از مرگ، به وی ایمان خواهد آورد). به خدا سوگند، من دستور می‌دهم یهودی و نصرانی را گردن می‌زنند. سپس چشم بر او می‌دوزم؛ اما نمی‌بینم لب‌هایش را حرکت دهد تا این که بی حرکت می‌گردد (و از دنیا می‌رود)!

گفتم: خداوند حال امیر را اصلاح فرماید! چنان که تأویل کرده‌ای نیست.

گفت: چگونه است؟

گفتم: «همانا عیسی علیه السلام پیش از روز قیامت به دنیا فرود می‌آید. پس اهل هیچ آیین، یهودی یا غیر آن، باقی نماند مگر

آن که پیش از مردنش «۲» به او ایمان آورد و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد.»  
گفت: زنهار! این را از کجا می‌گویی و از کجا آورده‌ای؟  
من گفتم: این را محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام برایم حدیث فرمود.  
گفت: به خدا سوگند، آن را از چشمه‌ی زلالی آورده‌ای.

(۱). تفسیر قمی ۱: ۱۵۸.

(۲). یعنی پیش از رحلت حضرت عیسی علیه السلام یا مرگ هر کدام از اهل کتاب. آنان هنگام مردنشان آن حضرت را می‌بینند و به او ایمان می‌آورند؛ ولی در آن حال، ایمان آن‌ها هیچ سودی ندارد و چون در آخر الزمان حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه ظهور کند و عیسی از آسمان فرود آید و پشت سر آن حضرت نماز بخواند، کسانی از اهل کتاب که زنده باشند به او ایمان آورند؛ هم‌چنان که مردگانشان ایمان آوردند (مترجم).  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۳۹

### ۱۱ [سوره‌ی مائده [آیه‌ی ۱۵]

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ «۱»

(و از کسانی که گفتند: ما ترسایان‌ایم، پیمان گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند). پس آنان بهره‌ای را از آن‌چه بدان اندریشان داده‌ایم فراموش کردند.)

[۳۶] محمّد بن یعقوب: عن علی بن ابراهیم، عن إسماعیل بن محمّد المکّی، عن علی بن الحسین «۲»، عن عمرو بن عثمان، عن الحسين بن خالد، عن من ذكره، عن أبي الزبّيع الشّامی قال: قال لی أبو عبد الله علیه السلام:  
«لا تشر من السودان أحدا، فإن كان فلا بدّ فمن التّوبة، فإنهم من الذين قال الله عزّ وجلّ: وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ [أما إنهم سیدکرون ذلك الحظّ، و سیخرج مع القائم علیه السلام منا عصابة منهم، و لا تنکحوا من الأکراد أحدا فإنهم جنس من الجنّ کشف عنهم الغطاء.» «۳»

محمّد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از اسماعیل بن محمّد مکی، از علی بن الحسین، از عمرو بن عثمان، از حسین بن خالد، از کسی که او را یاد کرد، از ابو الزبّيع

(۱). مائده (۵): ۱۵.

(۲). در متن: الحسن.

(۳). کافی ۵: ۳۵۲ [کتاب النکاح، باب من کره مناکحته من الأکراد ... ۲۸، ح ۲]. این حدیث در اصطلاح علم الحدیث، مرسل و ضعیف است و معنی بعضی از عبارات آن به خوبی روشن نیست.  
(مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۰

شامی روایت آورده است که گفت: حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام به من فرمود:

از سودان «۱» کسی را خریداری مکن و اگر ناگزیر شدی، از نوبه بگیر که ایشان از کسانی‌اند که خدای - عزّ و جلّ - فرموده است: (و از کسانی که گفتند: ما ترسایان‌ایم، پیمان گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند). پس آنان بهره‌ای را از آن‌چه بدان

اندرزشان داده‌ایم فراموش کردند). ایشان آن نصیب و بهره را به یاد خواهند آورد و با قائم از ما جمعی از ایشان خروج خواهند کرد.

از کردها نیز کسی را نکاح مکنید که آنان گونه‌ای از جن‌اند که پرده از (پیش) رویشان برداشته شده است.»

(۱). [یا: از سیاه‌پوستان].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۱

## ۱۲ [سوره مائده [آیه ۵۵]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ «۱»  
(ای کسانی که ایمان آورده‌اند، هر کدام از شما یان که از آیین خویش روی برتابد، (حق را باکی نیست) پس به زودی خداوند قومی را که دوست می‌دارد و آن‌ها نیز او را دوست می‌دارند و نسبت به مؤمنان فروتن و بر کافران سرفراز و مقتدرند، (به نصرت اسلام) خواهد آورد.)

[۳۷] محمد بن ابراهیم المعروف بابن ابي زينب التعماني، في كتاب الغيبة:

قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقده، قال: حدثنا علي بن الحسن «۲» بن فضال، قال: حدثنا محمد بن حمزة «۳» و محمد بن سعيد «۴»، قال «۵»: حدثنا حماد بن عثمان، عن سليمان بن هارون العجلي، قال: سمعت أبا عبد الله [عليه السلام] يقول: «إن صاحب هذا الأمر محفوظ له أصحابه، (و) لو ذهب الناس جميعاً أتى الله بأصحابه، و هم الذين قال الله [عز و جل]: فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ «۶» و هم الذين قال الله [عز و جل] فيهم: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ

(۱). مائده (۵): ۵۵.

(۲). در متن: الحسن بن علي.

(۳). در متن: عمرو.

(۴). در متن: الوليد.

(۵). در متن: قال.

(۶). أنعام (۶): ۹۰.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۲

بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ. «۱»

محمد بن ابراهیم معروف به ابن ابی زینب نعمانی در کتاب غیبت گوید: خبرمان داد احمد بن محمد بن سعید بن عقده، گوید: حدیث‌مان داد علی بن الحسن بن فضال (گفت:

حدیث‌مان آوردند محمد بن حمزه و محمد بن الولید) گفت: حدیث‌مان دادند محمد بن حمزه و محمد بن سعید، گفتند:

حدیث‌مان آورد حماد بن عثمان، از سلیمان بن هارون عجللی، گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام می‌فرمود:

«همانا یاران صاحب این امر برایش محفوظاند (و) اگر همه‌ی مردم از بین روند، خداوند یارانش را خواهد آورد و ایشانند که خداوند [عز و جل] (بدان‌ها اشاره) فرمود: (پس اگر این گروه به آن کفر ورزند، همانا ما قومی را که هرگز به آن کافر نشوند بر آن برگماریم) و ایشانند که خدای [عز و جل] درباره‌شان فرمود: (پس به زودی خداوند قومی را که دوست‌اش می‌دارد و آن‌ها نیز

خداوند را دوست می‌دارند و نسبت به مؤمنان فروتن و بر کافران سرفراز و مقتدرند (به نصرت اسلام) خواهد آورد.»

[۳۸] العیاشی، یاسناده: عن سلیمان بن هارون، قال: قلت له: إن بعض هؤلاء العجلیة «۲» يقول: إن «۳» سیف رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم عند عبد الله بن الحسن! ...

فقال: و الله ما رآه [هو] «۴» و لا- أبوه بواحدة من عینیه، إلا أن يكون رآه «۵» أبوه عند الحسين علیه السّلام و إن صاحب هذا الأمر محفوظ له، فلا تذهبنّ یمینا و لا شمالا، فإنّ الأمر- و الله- واضح، و الله لو أن أهل السماء و الأرض اجتمعوا علی أن یحوّلوا هذا الأمر من موضعه الّذی وضعه الله فیہ ما استطاعوا، و لو أن الناس

(۱). کتاب الغیبة: ۳۱۶ [باب ۲۱، ح ۱۲].

(۲). در مأخذ: العجلة.

(۳). در مأخذ: یزعمون أن [در نسخه‌ی بحار: یقولون: إن .

(۴). [از نسخه‌ی بحار. در مأخذ: هؤلاء].

(۵). [در مأخذ: آراه].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۳

کفروا جمیعا حتّی لا یبقی أحد، لجاؤ الله لهذا الأمر بأهل یكونون «۱» من أهله.»

ثم قال: «أما تسمع الله یقول: یا أئیها الذین آمنوا من یرتدّ منکم عن دینیه فسوف ینزل الله بقوم یحبّهم و یحبّونہ أدلّه علی المؤمنین أعزّه علی الکافرین ...؟- حتّی فرغ من الآیة- و قال فی آیه أخرى: فإن ینکفّر بها هؤلاء فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین ثم قال: «إن أهل هذه الآیة هم أهل تلك الآیة.» «۲»

عیاشی به سند خود از سلیمان بن هارون آورده است که گوید: به آن جناب عرضه داشتم: بعضی از این عجلیان «۳» می‌گویند که شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم نزد عبد الله بن حسن «۴» است!

فرمود: «به خدا سوگند، نه او و نه پدرش به هیچ یک از دو چشمش آن را ندیده است؛ مگر این که پدرش آن را نزد امام حسین علیه السّلام دیده باشد و البتّه برای صاحب این امر محفوظ است. پس مبدا به راست و چپ روی آوری که به خدا سوگند، امر روشن است.

به خدا قسم، اگر اهل آسمان و زمین هم دست شوند که این امر را از جایگاهی که خداوند آن را در آن (جایگاه) قرار داده است تغییر دهند، نخواهند توانست و اگر همه‌ی مردمان کفر ورزند تا جایی که هیچ کس باقی نماند، حتما خداوند برای این امر کسانی را خواهد آورد که از شایستگان آن باشند.»

(۱). [در متن: یكون].

(۲). تفسیر العیاشی ۱: ۳۲۶ [مانده، ح ۱۳۵].

(۳). عجلیه: پیروان هارون بن سعد [بن عقبه بن بشیر] عجلی [مقتول در ۱۴۵]. اینان گروهی از زیدیه بودند که مانند بتریه [پیروان ابو اسماعیل کثیر بن اسماعیل نواء (مقتول در ۱۶۹)]، به بعضی دشمنان اهل بیت علیهم السّلام نیز ارادت داشتند. (مترجم)

(۴). [عبد الله (چون نخستین کسی بود که از پدر حسنی و مادر حسینی زاده شد) محض لقب گرفت. پدرش نیز (که فرزند امام مجتبی علیه السّلام بود) شهرت مثنی یافت. هارون بن سعد یاد شده هم‌راه با ابراهیم فرزند این عبد الله بر حکومت منصور دوانیقی خروج کرد.]



سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۴

سپس فرمود: «آیا نمی شنوی که خداوند می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اند، هر کدام از شما که از آیین خویش روی برتابد، (حق را باکی نیست) پس به زودی خداوند قومی را که دوست می دارد و آن ها نیز خداوند را دوست می دارند و نسبت به مؤمنان فروتن و بر کافران سرفراز و مقتدرند (به نصرت اسلام) خواهد آورد...)» تا آخر آیه را تلاوت فرمود- و در آیه دیگری فرموده است: (پس اگر این قوم به آن کفر ورزند، همانا ما قومی را که هرگز به آن کافر نشوند بر آن برگماریم).»  
سپس آن حضرت فرمود: «[اهل این آیه همان اهل آن آیه اند].»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۵

### ۱۳ [سوره انعام آیه ۴۵]

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿۱﴾

(پس چون همه ی آن چه را (از نعمت های خداوند) به ایشان تذکر داده شده بود، فراموش کردند، درهای همه چیز را بر آنان گشودیم تا آن گاه که به آن چه به ایشان عطا شده بود شادمان و مغرور گشتند، به ناگاه آن ها را (به کیفر اعمالشان) گرفتار کردیم که در آن هنگام بی چاره و ناامید شدند.)

[۳۹] علی بن ابراهیم، قال: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ ابْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ﴿۲﴾: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ.

قال: «أَمَا قَوْلُهُ: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ يَعْنِي فَلَمَّا تَرَكَوا وِلَايَةَ عَلِيٍّ [أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ] - وَقَدْ أَمَرُوا بِهَا - فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ يَعْنِي دَوْلَتَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَمَا بَسَطَ لَهُمْ فِيهَا، وَأَمَا قَوْلُهُ: حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ يَعْنِي بِذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ، حَتَّىٰ كَانَتْ لَهُمْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ سُلْطَانٌ قَطُّ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ بَغْتَةً. فَنَزَلَ آخِرُ هَذِهِ الْآيَةِ ﴿۳﴾ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ [وَقَوْلُهُ: فَتَقَطَّعَ دَابِرُ]

(۱). أنعام (۶): ۴۵.

(۲). [در مأخذ: عزّ و جلّ].

(۳). در مأخذ: فنزلت بخره هذه الآية.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۶

الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ﴿۱﴾

علی بن ابراهیم گوید: حدیث مان داد جعفر بن احمد، گفت: حدیث مان آورد عبد الکریم بن عبد الرّحیم، از محمد بن علی، از محمد بن فضیل، از ابو حمزه. او گفت:

از حضرت ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) درباره ی فرموده ی خدای - تعالی - : (پس چون همه ی آن چه را به ایشان تذکر داده شده بود، فراموش کردند، درهای همه چیز را بر آنان گشودیم) پرسیدم.

فرمود: «این که فرموده است: (پس چون همه ی آن چه را به ایشان تذکر داده شده بود، فراموش کردند) یعنی: پس چون ولایت حضرت علی [امیر المؤمنین علیه السلام] را ترک گفتند- و حال آن که به آن مأمور شده بودند- (ابواب همه چیز را بر آن ها گشودیم) مراد دولتشان در دنیا است و آن چه برایشان در آن گسترده شده است و این که فرمود: (تا آن گاه که به آن چه عطا



شده بود شادمان و مغرور گشتند، به ناگاه آن‌ها را (به کیفر اعمالشان) گرفتار کردیم که در آن هنگام بی‌چاره و ناامید شدند (منظور از آن قیام حضرت قائم علیه السّلام است؛ به طوری که گفتی هیچ‌گاه سلطه و حکومتی بر ایشان نبوده است و این است که فرمود: (به ناگاه). پس آخر این آیه بر حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم نازل گشت: (پس دنباله‌ی قومی که ستم‌پیشه بودند کنده شد و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار عالمیان است).»

[۴۰] محمد بن الحسن الصّفّار، عن عبد الله بن عامر: عن أبي عبد الله البرقيّ، عن الحسن بن عثمان، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السّلام «۲» ...  
قال:

«... أما قوله: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ (یعنی فلَمَّا تَرَكَوْا وِلَايَةَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ أَمَرُوا بِهَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ) یعنی دولت‌هم  
«۳» فی الدّینا و

(۱). تفسیر قمی ۱: ۲۰۰.

(۲). [در مآخذ: قال: سألت أبا جعفر عليه السّلام].

(۳). [در مآخذ: مع دولت‌هم].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۷

ما بسط لهم «۱» فیها.

و أما قوله: حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ فَاذَا هُمْ مُبْلِسُونَ یعنی قیام القائم علیه السّلام. «۲»

محمد بن الحسن صفّار، از عبد الله بن عامر، از ابو عبد الله برقی، از حسن بن عثمان، از محمد بن فضیل، از ابو حمزه از حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السّلام آورده است که فرمود:

«... این که (خداوند) فرموده است: (پس چون همه‌ی آن‌چه را به ایشان تذکر داده شده بود، فراموش کردند) [یعنی: پس چون ولایت حضرت علی علیه السّلام را وا گذاشتند- با این که بدان مأمور بودند- درهای همه‌چیز را بر آنان گشودیم مراد دولتشان در دنیا است و آن‌چه در آن برایشان گسترده شده بود و این که فرمود: (تا آن‌گاه که به آن‌چه به آن‌ها عطا شده بود شادمان و مغرور گشتند، به ناگاه آن‌ها را [به کیفر اعمالشان گرفتار کردیم که در آن هنگام، بی‌چاره و ناامید شدند) مقصود هنگام قیام حضرت قائم علیه السّلام است.»

(۱). در مآخذ: إلیهم.

(۲). بصائر الدّرجات: ۷۷-۷۸ [ج ۲، باب التّوادر من الأبواب فی الولاية، ح ۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۸

## ۱۴ [سوره‌ی انعام] آیه‌ی ۹۰

فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ «۱»

(پس اگر این قوم به آن کفر ورزند، همانا ما قومی را بر آن بگماریم که هرگز به آن کافر نشوند).

قبلا در مورد این آیه سخن رفت. «۲»

(۱). أنعام (۶): ۹۰.

(۲). رک. آیهی دوازدهم.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۴۹

### ۱۵ [سورهی انعام] آیهی ۱۵۹

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ؟ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. قُلِ: انْتِظِرُوا، إِنَّا مُنْتَضِرُونَ ﴿۱﴾

(آیا) منکران) جز این انتظار کشند که فرشتگان بر آنان در آیند یا (امر و قضای) خداوند گارت فرا رسد یا برخی از دلایل و آیات خداوند گار تو آشکار گردد؟ روزی که بعضی از آیات خداوند گارت فرا رسد، ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمان خود کسب خیر و سعادت نکرده باشد سود نبخشد. بگو: شما منتظر (نتیجهی کارهای ناپسند خود) باشید که ما نیز منتظر (نتایج اعمال نیک خویش) ایم.

[۴۱] ابن بابویه، قال: حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قَالَ:

«الآيات [هم الأئمة، و الآيه المنتظرة القائم عليه السلام، فيومئذ لا ينفع نفسا

(۱). أنعام (۶): ۱۵۹.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۱۷۰

إيمانها لم تكن آمن من قبل قيامه بالسيف، و إن آمنت بمن تقدمه من آباءه عليه السلام.» (۱)

ابن بابویه گوید: پدرم رضی الله عنه برایم حدیث آورد، گفت: حدیث مان داد سعد بن عبد الله، گفت: حدیث مان آورد محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که دربارهی فرمودهی خدای - عزّ و جلّ - (روزی که بعضی از آیات پروردگارت فرا رسد، هیچ کس را ایمان نفع نبخشد در صورتی که از پیش ایمان نیاورده باشد)، فرمود:

«(آیات) همان امامانند و آیهی مورد انتظار قائم علیه السلام است. پس در آن روز کسانی را که پیش از قیام او به وسیلهی شمشیر ایمان نداشته‌اند، ایمان سودی نبخشد؛ هرچند به امامان دیگر از پدران او علیهم السلام ایمان داشته باشند.»

[۴۲] عنه، قال: حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظَفَّرِ الْعُلَوِيِّ السَّمَرَقَنْدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مَسْعُودٍ وَ حَيْدَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَعِيمِ السَّمَرَقَنْدِيِّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ، جَمِيعًا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شَجَاعٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا: «يعني خروج القائم عليه السلام المنتظر منّا.»

ثم قال: «يا أبا بصير! طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره! أولئك أولياء الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.» (۲)

(۱). کمال الدین ۲: ۳۳۶ [باب ۳۳، ح ۸].

(۲). همان: ۳۵۷ [باب ۳۳، ح ۵۴]. البتّه در زمان غیبت لازم است در انجام وظایف شرعی و

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۱

هم از اوست که گفت: حدیث مان داد مظفر بن جعفر بن مظفر علوی سمرقندی رضی الله عنه، گوید: حدیث مان آوردند محمد بن جعفر بن مسعود و حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی رحمه الله هردو از محمد بن مسعود عیاشی، گفت: حدیث ام آورد علی بن محمد بن شجاع از محمد بن عیسی، از یونس بن عبد الرحمان، از علی بن ابی حمزه، از ابو بصیر، گوید: حضرت جعفر بن محمد صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (روزی که بعضی از آیات پروردگارت فرا رسد، ایمان هیچ کس - در صورتی که از پیش ایمان نیاورده و یا در ایمان خود کسب خیر و سعادت نکرده باشد - او را نفع نبخشد)، فرمود:

«مراد (حق تعالی) خروج حضرت قائم علیه السلام آن مورد انتظار از ما (خاندان) است.»

سپس فرمود: «ای ابو بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در روزگار غیبت او، منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهورش، او را اطاعت کنند! آنان اولیای خدایند که هیچ ترسی بر ایشان نیست و نه اندوهگین شوند.»

دستورات الهی سعی و کوشش کرد و از گناه و معصیت پرهیز داشت تا وقتی روز موعود فرا رسید و خورشید عالم تاب امامت طلوع کرد، ایمان آدمی دستش را بگیرد و باور ناقصی نباشد که - خدای ناکرده - به حالش سودی نبخشد. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۲

## ۱۶ [سوره‌ی اعراف [آیه‌ی ۲]

المص «۱»

[۴۳] العیاشی، یاسناده عن خثیمه: عن ابي لیید المخزومی، قال: قال أبو جعفر علیه السلام:

«یا ابا لیید، إنّه یملک من ولد العباس اثنا عشر یقتل بعد الثامن منهم أربعة، فتصیب أحدهم الذبحة فتذبحه فئه قصيرة أعمارهم، قليلة مدّتهم، خبیثه سیرتهم:

منهم الفویسق الملقّب بالهادی و الناطق و الغاوی.

یا ابا لیید! إنّ فی حروف [القرآن المقطّعه لعلما جمّا، إنّ الله تبارک و تعالی أنزل: الم\* ذلک الکتاب «۲» فقام محمد صلی الله علیه و اله و سلم حتّى ظهر نوره و ثبتت «۳» کلمته و ولد یوم ولد و قد مضی من الألف السّابع مائة سنة و ثلاث سنین.»

ثمّ قال: «و تبیانہ فی کتاب الله فی الحروف المقطّعه إذا عدّتها من غیر تکرار، و لیس من حروف مقطّعه «۴» حرف ینقضی [ال] آیام إلّا و قائم من بنی هاشم عند انقضائه.»

ثمّ قال: «الألف واحد و اللّام ثلاثون، و المیم أربعون و الصّاد تسعون، فذلک مائة و إحدى و ستون، ثمّ کان بدؤ خروج الحسین بن علیّ علیهما السلام الم\*»

(۱). اعراف (۷): ۲.

(۲). بقره (۲): ۲-۳.

(۳). [در متن: ثبت.]

(۴). [در متن: حروف المقطعه].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۳

اللَّهُ «۱» فَلَمَّا بَلَغَ مَدَّتَهُ قَامَ قَائِمٌ وَوَلَدَ الْعَبَّاسَ عِنْدَ الْمَصِّ وَ يَقُومُ قَائِمًا عِنْدَ انْقِضَائِهَا بِالزَّاءِ، فَافْهَمْ ذَلِكَ وَعَهْ وَ اِكْتَمَهُ. «۲» عِيَّاشِي بِه سِنْدِ خُودِ اَزْ خَشِيمَةُ اَزْ اَبُو لَبِيدٍ مَخْزُومِي اَوْرَدَه اَسْتْ كِهْ كَفْتْ: حَضْرَتِ اَبُو جَعْفَرِ اِمَامِ بَاقِرِ عَلِيهِ السَّلَامِ فَرَمُودَنْدْ: «اِي اَبُو لَبِيدِ، هِمَانَا اَزْ فَرَزَنْدَانِ عَبَّاسِ دَوَازْدَه تَنْ زَمَامِ دَارِ مِي شُونَدْ كِهْ پَسِ اَزْ هَشْتَمِينِ اَن هَا، چَهَار تَنْ كَشْتَه خَوَاهَنْدْ شُدْ. يَكِي اَزْ ايشان را گروهی که عمرشان کوتاه و مدّت زمام‌داری‌شان اندک و شیوه‌شان پلید است سر می‌برند؛ از جمله‌ی آن‌ها: آن فاسق‌کی است که ملقّب به هادی است و ناطق و غاوی.

ای ابو لبید، همانا در حروف مقطعه [ی قرآن علم بسیاری هست. همانا خدای- تبارک و تعالی- الم\* ذَلِكُ الْكِتَابُ را نازل فرمود. پس حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلم به‌پا خاست تا این‌که نورش آشکار و سخنش در دل‌ها نشست. روز ولادت آن حضرت صد و سه سال از هزاره‌ی هفتم «۳» گذشته بود.»

سپس فرمود: «و نشانه‌ی این در کتاب خداوند در حروف مقطعه است؛ هر گاه آن‌ها را بدون تکرار شماره کنی، هیچ‌یک از حروف مقطعه نیست مگر این‌که چون مدّتش بگذرد، یکی از فرزندان هاشم پس از گذشت آن به‌پا خواهد خاست.»  
سپس فرمود: «الف، یک است و لام، سی و میم، چهل و صاد، نود. مجموع ۱۶۱ می‌شود. آن‌گاه آغاز خروج حسین بن علی علیه السّلام: الم\* الله بود و چون مدّتش به آخر

(۱). آل عمران (۳): ۲.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۳ [اعراف، ح ۳]. این حدیث مورد بحث و بررسی و توجیه و بیان علما و محققان قرار گرفته است که ذکر آن‌ها مایه‌ی ملال است و آن را از معضلات اخبار و اسرار پنهان شمرده‌اند. به کتاب بحار الأنوار علامه‌ی مجلسی و پاورقی تفسیر العیاشی و جلد دوم مکیال المکارم مراجعه شود. باید دانست در احادیث بسیاری وقت‌گذاری برای ظهور به شدت نهی شده است و نمی‌توان به امثال روایت فوق- که از لحاظ سند هم ضعیف است- اعتماد کرد. (مترجم)  
(۳). [ظاهراً مراد از زمان پیدایی حضرت ابو البشر آدم علیه السّلام بر روی زمین است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۴

رسید، قیام‌کننده از فرزندان عباس هنگام المص قیام کند و قائم ما هنگام منقضی شدن آن در الر\* به‌پا خواهد خاست. پس این را بفهم و خوب تدبّر و حفظ کن و آن را (از نااهلان) مخفی بدار.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۵

## ۱۷ [سوره‌ی اعراف [آیه‌ی ۵۴]

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ؟ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ ... «۱»

(آیا) کافران که منکر آیات خداوند و نتایج اعمالشان‌اند) جز تأویل آیات و تحقق یافتن روز موعود را انتظار کشند؟  
روزی که تأویل آیات فرا رسد ...

[۴۴] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السّلام «۲»: قال:

«فهو من الآيات التي تأويلها بعد تنزيلها». قال: «ذلك في القائم عليه السّلام، و يوم القيامة يُقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلِ أَي تَرْكُوهُ -: قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ، فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيُشَفَعُوا لَنَا؟» قال: «هذا يوم القيامة. ... أَوْ نُزِدُ فَنَعْمَلُ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ؟ قَدْ خَسِرُوا

(۱). اعراف (۷): ۵۴. دنباله‌ی آیه- که ترجمه‌ی آن بین پرائتز ضمن حدیث آمده- چنین است:  
يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ: قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ، فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ؟ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

(۲). [بخش اصلی تفسیر شیخ ابو الحسن علی بن ابراهیم بن ابی اسحاق هاشم قمی، روایاتی است که این محدث والامقام و ثقه‌ی جلیل القدر- که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام می‌زیست و تا سال ۳۰۷ زنده بود و ثقة الاسلام کلینی با یک واسطه از او و شیخ صدوق بی‌واسطه از فرزندش حدیث روایت می‌کند- با واسطه‌های اندک سندی، از امام ششم حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیات قرآن کریم گرد آورده و تنظیم کرده است. شاگردش ابو الفضل عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام (نواده‌ی حضرت امامزاده حمزه‌ی مدفون در شهرری) روایاتی از امام باقر علیه السلام نیز به مناسبت افزوده است (رک. مقدمه‌ی تفسیر قمی).]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۶

يَفْتَرُونَ « ۱ »

علی بن ابراهیم در تفسیر خود- که به امام صادق علیه السلام منسوب است- آورده است که آن حضرت فرمود:

«این از آیاتی است که تأویل آن‌ها بعد از تنزیلشان است.» (امام علیه السلام) فرمود:

«آن درباره‌ی حضرت قائم علیه السلام است و روز قیامت (آنان که از پیش آن را فراموش کرده‌اند) یعنی ترک گفته‌اند (گویند: همانا رسولان پروردگاران حق را برایمان بیان داشتند [ای کاش مخالفت نمی‌کردیم!] آیا (امروز) شفیعی داریم که به شفاعت ما برخیزند؟)» (امام علیه السلام) فرمود: «این روز قیامت است. (آنان گویند:) ای کاش بار دیگر به دنیا بازمی‌گشتیم تا غیر از کارهای زشتی که می‌کردیم، اعمال خوبی انجام دهیم. به‌راستی که کافران سرمایه‌ی وجود خود را از کف داده‌اند و آنچه در دنیا افترا می‌زدند از ایشان گم شد) یعنی باطل شد.»

(۱). تفسیر قمی ۱: ۲۳۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۷

## ۱۸ [سوره‌ی اعراف [آیه‌ی ۱۲۹]

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ: اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضْبِرُّوا، إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. « ۱ »

(موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بخواهید و صبر پیشه کنید؛ به‌درستی که زمین از آن خداوند است؛ آن را به هر کس از بندگانش که خواهد، به ارث دهد و سرانجام کار تنها از آن تقوی‌پیشگان است.)

[۴۵] محمد بن یعقوب، باسناده: عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن أبي خالد الكابلي، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«وجدنا في كتاب علي صلوات الله عليه: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثْنَا [اللَّهُ الْأَرْضَ، وَ نحن المتقون، وَ الْأَرْضَ كُلَّهَا لَنَا، فمن أحيى أرضاً من المسلمين فليعمرها، و ليؤدّ خراجها إلى الإمام من أهل بيتي، و له ما أكل منها.

[فإن تركها أو أخربها، وأخذها رجل من المسلمين من بعده، فعمّرها و أحياها، فهو أحقّ بها من الّذي تركها، يؤدّي خراجها إلى الإمام من أهل بيتي، و له ما يأكل منها] حتّى يظهر القائم عليه السّلام من أهل بيتي بالسّيف فيحويها و يمنعها و يخرجهم منها «۲» كما حواها رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم و منعها، إلّا ما كان في أيدي شيعتنا،

(۱). اعراف (۷): ۱۲۹.

(۲). [در متن: يمنعها منهم و يخرجهم].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۸

يقاطعهم على ما في أيديهم، و يترك الأرض في أيديهم. «۱»

محمّد بن يعقوب به سند خود از احمد بن محمد [بن عیسی، از ابن محبوب، از هشام بن سالم، از ابو خالد کابلی، از امام ابو جعفر باقر علیه السّلام آورده است که فرمود:

«در کتاب حضرت امیر صلوات الله عليه چنین یافتیم: (در این آیه) (موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید. به درستی که زمین از آن خداوند است؛ آن را به هر کس از بندگانش که خواهد به ارث دهد و سرانجام کار تنها از آن تقوی پیشگان است)، منظور من و خاندانم است که [خداوند] زمین را به ما واگذارده است و ماییم متّقیان و سراسر زمین از آن ماست. پس هر که از مسلمانان زمینی را احیا کرد باید که آن را معمور بدارد و خراج آن را به امامی که از اهل بیت من است پردازد و هر چه از آن برداشت کند، برای او خواهد بود.

[پس اگر آن را رها یا خراب کند و مسلمانی دیگر پس از اعراض او، آن را بگیرد و آباد و احیا کند، نسبت به آن زمین از کسی که آن را ترک گفته شایسته تر خواهد بود. وی خراجش را به امام از خاندان من پردازد و آنچه به دست می آورد از آن او خواهد بود] تا آن گاه که قائم از خاندانم علیه السّلام با شمشیر به پا خیزد. پس آن زمین ها را تصرف کند و نگاه دارد و آن ها را از آن اخراج کند- هم چنان که رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم زمین ها را تصرف فرمود و از نابودی بازداشت- مگر زمین هایی که در اختیار شیعیان ما باشد که (حضرت قائم علیه السّلام) با خود ایشان قرار گذارد و زمین را در دستشان وانهد.»

[۴۶] و رواه العیاشی فی تفسیره، باسناده، عن ابي خالد الكابلي عن ابي جعفر عليه السلام. «۲»

عیاشی نیز این را در تفسیر خود از ابو خالد کابلی از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام روایت کرده است.

(۱). کافی ۱: ۴۰۷- [۴۰۸] (باب أنّ الأرض كلّها للإمام عليه السلام ۱۰۵، ح ۱).

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۲۵ [اعراف، ح ۶۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۵۹

## ۱۹ [سورهی اعراف [آیهی ۱۵۸]

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ، فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ «۱»

(آنان که از رسول و پیامبر امی (حضرت محمّد صلّى الله عليه و اله و سلم) پیروی کنند که در تورات و انجیلی که نزد آنان است (نام و اوصافش را) نگاشته یابند (که آن رسول) آن ها را به معروف امر و از منکر نهی خواهد کرد و چیزهای پاکیزه را برایشان

حلال و پلیدی‌ها را حرام گردانند و بار سنگین و غل و زنجیرهایی که بر گردنشان بود از آن‌ها برگیرد، پس کسانی که بدو ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و یاری رساندند و از آن نوری که همراه وی نازل گشت پیروی کردند، آنان همان رستگاران‌اند.

[۴۷] محمّد بن یعقوب: عن عدّه من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبيدة الحداء، قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الاستطاعة و قول الناس.

(۱). اعراف (۷): ۱۵۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۰

قال- و تلا هذه الآية: وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ «۱»:- «يا أبا عبيدة، الناس مختلفون في إصابه القول و كلهم هالك».

قال: قلت: قوله: إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ قال عليه السلام: «هم شيعتنا و لرحمته خلقهم و هو قوله: وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ يقول [عزّ و جلّ]: لطاعة الإمام. الرّحمة التي يقول: وَ رَحِمَتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (۲) يقول: علم الإمام. و وسع علمه- الذي هو من علمه- كُلَّ شَيْءٍ، هو شيعتنا.» ثم قال: «فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ يَعْنِي وَلَا يَهْجُرُونَ الْإِمَامَ وَ طَاعَتَهُ.» ثم قال: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَعْنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ الْوَصِيِّ، وَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا قَامَ- وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْمُنْكَرِ مِنَ أَنْكَرِ فَضْلِ الْإِمَامِ وَ جِحْدِهِ، وَ يُجَلِّلُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ، وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ الْخَبَائِثَ قَوْلَ مَنْ خَالَفَ، وَ يَصْصَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ هِيَ الذُّنُوبُ الَّتِي كَانُوا فِيهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضْلَ الْإِمَامِ، وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ وَ الْأَغْلَالَ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أَمْرًا بِهِ مِنْ تَرْكِ فَضْلِ الْإِمَامِ. فَلَمَّا عَرَفُوا فَضْلَ الْإِمَامِ وَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْإِصْرَ: الذَّنْبُ وَ هِيَ الْأَصَارُ.

ثم نسبهم فقال: فَالَّذِينَ (۳) آمَنُوا بِهِ يَعْنِي بِالْإِمَامِ: وَ عَزَّوَهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا التَّوْرَ الَّتِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا، وَ الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ فَلَانَ وَ فَلَانَ، وَ الْعِبَادَةَ طَاعَةَ النَّاسِ لَهُمْ.

(۱). هود (۱۱): ۱۱۹- ۱۲۰.

(۲). اعراف (۷): ۱۵۷.

(۳). [در مأخذ: الذين].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۱

ثم قال: وَ أَنْبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ (مِنْ قَبْلِ ...) «۱».

ثم جزاهم فقال: لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ «۲» و الإمام يبشّرهم بقيام القائم عليه السلام و بظهوره و بقتل أعدائهم و بالنجاة في الآخرة و الورود على محمد صلى الله عليه و اله و سلم و الصادقين على الحوض. «۳»

محمّد بن یعقوب از عدّه‌ای از اصحابمان، از احمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر، از حماد ابن عثمان، از ابو عبیده حداء آورده که گفت: از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام درباره‌ی استطاعت «۴» و سخنان مردم (در این باب) پرسیدم. آن حضرت علیه السلام- درحالی که این آیه را تلاوت کرد: (مردم همواره (از لحاظ عقیده) مختلف «۵» خواهند بود مگر آن را که خداوند گار تو رحم فرماید و به راه حق هدایت کند) و برای همین آنان را آفرید)- فرمود:

«ای ابو عبیده، مردم در رسیدن به قول (حق) در اختلاف «۶» اند و همگی در معرض هلاکت‌اند.»

راوی گوید: عرضه داشتم: فرموده‌ی خداوند (مگر آن را که پروردگار تو رحم فرماید) (چه‌طور)؟ آن حضرت علیه السلام فرمود: «آنان شیعیان مابند و برای رحمت "خاص" خود ایشان را آفرید و همین است که فرمود: (و برای همین آنان را آفرید). خدای [عزّ



و جلّ می فرماید: برای اطاعت از امام.

آن رحمتی که فرمود: (و رحمت من همه چیز را فرا گرفته) علم امام است که از

(۱). زمر (۳۹): ۵۵.

(۲). یونس (۱۰): ۶۵.

(۳). کافی ۱: ۴۲۹ [کتاب الحجّه، باب فیه نکت و نتف ... ۱۰۸، ح ۸۳]. حدیث بدین صورت آمده است. نیمه‌ی نخست این آیه در

قرآن چنین است: وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى ... زمر (۳۹): ۱۸.

(۴). [در اصطلاح متکلمان، توان بخشیدن حق - تبارک و تعالی - به بندگان برای انجام واجبات و پرهیز از محرمات (آوردن

خوبی‌ها و وانهادن بدی‌ها). بزرگان شیعه در این باره کتاب‌هایی حامل همین نام داشته‌اند؛ از جمله أبو الحسن زراره بن أعین و أبو

محمد هشام بن الحکم و أبو أحمد محمد بن ابي عمیر. رک. الذریعه ۲: ۲۶-۲۷.]

(۵ و ۶). [یعنی در آمدوشد و در نتیجه ناآرامی و بی‌ثباتی اندیشه و ایمان.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۲

علم خداوند سرچشمه گرفته و (همه چیز را) فرا گرفته است. (مراد از همه چیز) شیعیان مایند.»

سپس (امام باقر علیه السّلام) فرمود: «(آن رحمت) را برای کسانی که پرهیز می‌کنند خواهم نوشت (یعنی آنان که) از ولایت و

اطاعت از غیر امام (می‌پرهیزند).» سپس فرمود:

«(منظور از "او" در "او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند) پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و وصی و قائم علیهما

السّلام است، (آنان را به معروف امر می‌کند) هر گاه به پا خیزد، (و از منکر بازشان می‌دارد) و منکر (کار) کسی است که برتری و

فضیلت امام را انکار و رد کند، (و چیزهای پاکیزه را برایشان حلال می‌سازد) (یعنی) گرفتن علم از اهل آن را (و پلیدی‌ها را بر آنان

حرام می‌دارد) (پلیدی‌ها) گفتار مخالفان (حق) است، (و بار سنگین را از گردنشان بر می‌گیرد) (یعنی) گناهایی که پیش از شناختن

فضیلت امام علیه السّلام در آن بودند (و غل و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود)، غل‌ها همان سخنانی است که در ترک فضیلت امام

بر زبان می‌رانند؛ در صورتی که به آن‌ها امر نشده بودند. پس چون فضل امام را شناختند، بارشان را از دوششان کنار گذاشت."

اصر "همان گناه است و گناهان بارهای سنگین‌اند.

آن‌گاه (خداوند) آنان را معرفی کرد و فرمود: (آنان که به او ایمان آوردند) یعنی به امام (و او را گرامی داشتند و یاری رساندند و

از آن نوری که هم‌راه وی نازل گشت پیروی کردند. آنان همان رستگاران‌اند) مراد کسانی‌اند که از عبادت جبت و طاغوت دوری

گزیدند. منظور از جبت و طاغوت فلان و فلان است و عبادت همان اطاعت مردم از ایشان است.

سپس فرمود: (و به درگاه خداوند گارتان بازگردید و تسلیم او شوید؛ (پیش از آن که) ...).

آن‌گاه ایشان را پاداش داده می‌فرماید: (برای آنان مزد گانی و بشارت در زندگی دنیا و آخرت خواهد بود.) امام آنان را به قیام

حضرت قائم علیه السّلام و ظهور او و کشته شدن دشمنانشان و نجات در آخرت و وارد شدن بر حضرت محمد صلی الله علیه و اله

و سلم و امامان راستین علیهم السّلام کنار حوض (کوثر) بشارت می‌دهد.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۳

## ۲۰ [سوره‌ی اعراف [آیه‌ی ۱۶۰]

وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿۱۰﴾



(و جماعتی از قوم موسی به (آیین) حق هدایت می‌کنند و به آن بازمی‌گردند).

[۴۸] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، فی کتابه، قال: حدّثنی أبو عبد الله الحسین بن عبد الله الحرّمی، قال: [حدّثنا أبو محمد هارون بن موسی، قال: حدّثنا أبو علی محمد بن همام، قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن مالک، قال: حدّثنا إسحاق بن محمد الصّیرفی، عن إسحاق «۲» بن ابراهیم الغزالی، قال: حدّثنی عمران الزّعفرانی، عن المفضّل بن عمر، قال:

قال أبو عبد الله عليه السّلام: «إذا ظهر القائم عليه السّلام من ظهر هذا البيت بعث الله معه سبعة و عشرين رجلا، منهم أربعة عشر رجلا من قوم موسی، و هم الذّین قال [الله تعالی]: وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدِلُونَ وَ أصحاب الكهف سبعة، و المقداد، و جابر الأنصاری، و مؤمن [آل فرعون، و یوشع بن نون وصی موسی.» «۳»

(۱). اعراف (۷): ۱۶۰.

(۲). در مأخذ: محمد.

(۳). دلائل الإمامة: [۴۶۳-۴۶۴ (ح ۴۴۴)]. چنان‌که می‌بینیم، مجموع افراد ۲۵ تن می‌شود و شاید هنگام چاپ از قلم افتاده باشد و در دو روایت بعدی تعداد کامل به دست می‌آید. [در نسخه‌ی تصحیح و تحقیق شده‌ی دلائل الإمامة، به جای سبعة، ثمانیه آمده است که باز هم مطابق نیست.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۴

ابو جعفر محمّد بن جریر طبری در کتاب خود گوید: برای من حدیث گفت ابو عبد الله حسین بن عبد الله حرّمی، گفت: [حدیث‌مان داد ابو محمد هارون بن موسی، گفت: حدیث‌مان داد ابو علی محمد بن همام، گفت: حدیث‌مان آورد جعفر بن محمد بن مالک، گفت: حدیث‌مان آورد اسحاق بن محمد صیرفی، از اسحاق بن ابراهیم غزالی، گفت: عمران زعفرانی برایم از مفضّل بن عمر حدیث آورد که گفت:

حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام فرمود: «هرگاه قائم علیه السّلام از پشت این بیت (- خانه‌ی کعبه) ظاهر شود، خداوند با او بیست و هفت مرد برخواهد انگیخت. در میان آن‌ها، چهارده تن از قوم موسی خواهند بود و ایشان‌اند که [خدای، تعالی (درباره‌شان) فرموده است: و جماعتی از قوم موسی به (آیین) حق هدایت می‌کنند و به آن باز می‌گردند و اصحاب کهف هفت تن و مقداد و جابر انصاری و مؤمن [آل فرعون و یوشع بن نون وصی موسی.»

[۴۹] ابن الفارسی، فی روضة الواعظین: قال الصادق علیه السّلام:

«یخرج للقائم علیه السّلام من ظهر الكعبة سبعة و عشرون رجلا، [خمسة عشر] من قوم موسی الذّین كانوا یهدون بالحقّ و به یعدلون، و سبعة من أصحاب الكهف، و یوشع بن نون، و سلمان، و أبو دجانة الأنصاری؛ و المقداد [بن الأسود] و مالک الأشر، فیکونون بین یدیه أنصارا و حکاما.» «۱»

ابن الفارسی در روضة الواعظین آورده است: امام صادق علیه السّلام فرمود:

«برای (یاری) حضرت قائم علیه السّلام، بیست و هفت مرد از پشت کعبه بیرون می‌آیند: [پانزده تن از قوم موسی؛ آنان‌که به حق هدایت می‌کردند و به آن باز می‌گشتند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابو دجانة انصاری و مقداد [بن الأسود] و مالک اشتر. پس در پیشگاه آن حضرت، یاران و حاکمانی خواهند بود.»

(۱). روضة الواعظین (چاپ سنگی، ۱۳۳۰): ۲۲۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۵

[۵۰] و الَّذِي رَوَاهُ الْعِيَّاشِيُّ، فِي تَفْسِيرِهِ: بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةَ وَعَشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، وَ سَبْعَةَ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يُوْشَعَ وَصِيَّ مُوسَى، وَ مُؤْمِنَ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ، وَ أَبَا دَجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ، وَ مَالِكَاً» (۱) «الْأَشْتَر.» (۲)

(۱). [در متن و مأخذ: مالک].

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۳۲ [اعراف، ح ۹۰]. این حدیث یکی از احادیث بسیاری است که درباره‌ی رجعت - که از معتقدات شیعه است - وارد شده است. «رجعت»، به معنی بازگشتن عده‌ای از نیکان و شماری از بدان به دنیا و دیدن قسمتی از پاداش یا کیفر اعمال به‌طور اجمال، مورد اتفاق نظر و از اصول اعتقادی شیعه‌ی امامیه است و عده‌ای از علمای بزرگوار ما کتاب‌های جداگانه‌ای در این باره تألیف کرده‌اند؛ از جمله: «اثبات الرجعة» علامه‌ی حلی و علامه‌ی مجلسی و حاج آقا جمال خوانساری و «الإيقاظ من الهجعة» شیخ حرّ عاملی را می‌توان نام برد.

در اثبات رجعت، گذشته از دلایل قوی و محکم معاد - که از اصول عقاید همه‌ی خداپرستان است - علمای بزرگ دلایل زیادی را در کتاب‌هایشان آورده‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف - آیات قرآن مجید که یا به‌طور نصّ و صریح بر آن دلالت دارند یا به کمک احادیث صحیح و مورد اعتمادی که از طریق خاندان عصمت علیهم السلام در تفسیر آن‌ها وارد شده است.

ب - احادیث بسیار و متواتری که از پیغمبر اکرم و خاندان گرامی‌شان صلوات الله علیهم اجمعین رسیده است؛ مانند حدیث فوق و نیز احادیث دیگری که در همین کتاب از نظر تان می‌گذرد.

ج - اجماع علمای شیعه‌ی امامیه بر این مطلب؛ چنان‌که شیخ صدوق در کتاب اعتقادات بیان فرموده است.

د - در بسیاری از دعاها و زیارت‌هایی که از سوی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام به ما رسیده و خواندن و تکرار آن‌ها تأکید گردیده است، اعتقاد به رجعت و اقرار به آن آمده و در کنار اقرار به توحید و نبوت و امامت و معاد یاد شده است و این بر کسی که اندک اطلاعی از آن‌ها داشته باشد پوشیده نیست.

(مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۶

آن‌چه عیاشی در تفسیر خود، به سند خود از مفضل بن عمر از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام روایت آورده این است که فرمودند:

«هرگاه قائم آل محمد علیه السلام به پا خیزد، از پشت کعبه بیست و هفت مرد را بیرون می‌آورد. پانزده تن از قوم موسی - هم آنان که به حق قضاوت کنند و به آن باز گردند - و هفت تن از اصحاب کهف و یوشع وصی حضرت موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابو دجانة‌ی انصاری و مالک اشتر را.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۷

## ۲۱ [سوره انفال] آیه ۴۰

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ «۱»

(و با آنان (کافران و معاندان) نبرد کنید تا این‌که هیچ فتنه و فساد بر جای نماند و تمام دین از آن خدا شود.)

[۵۱] محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم: عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن عمر بن اذینه، عن محمد بن مسلم، قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: قول الله عز ذكره «۲»:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ

فقال: «لم يجئ تأويل هذه الآية بعد، إن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم رخص لهم لحاجته و حاجه أصحابه فلو قد جاء تأويلها لم يقبل منهم، و لكنهم يقتلون حتى يوحّدوا الله «۳» عزّ و جلّ، و حتى لا يكون شرك.» «۴»

محمد بن یعقوب: از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابي عمير، از عمر بن اذینه، از محمد بن مسلم روایت می کند که گفت: به حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام عرضه داشتم:

(معنی) قول خداوند- عزّ ذکره- چیست که فرماید: (و با آنان نبرد کنید تا این که هیچ فتنه و فسادى بر جای نماند و تمام دین از آن خدا شود).

فرمود: «تأویل این آیه هنوز نیامده است. همانا رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم به خاطر نیاز خود و نیاز اصحابش، به ایشان رخصت داد. پس اگر تأویل این آیه فرا رسد (هیچ عذری در ایمان نیارودن) از آنان پذیرفته نیست؛ بلکه کشته خواهند شد تا به یگانگی

(۱). انفال (۸): ۴۰.

(۲). [در مأخذ: عزّ و جلّ].

(۳). در متن: حتى يوحّد الله.

(۴). روضه ی کافی: ۲۰۱ [ح ۲۴۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۸

خدای- عزّ و جلّ- بگروند و تا آن جا که هیچ شرکی نباشد.»

[۵۲] العیاشی، باسناده: عن زرارة، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

«سئل أبی «۱» عن قول الله: وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ «۲».

فقال: [إنه لم يجئ تأويل الآية، هذه و لو قد قام قائمنا عليه السلام بعد سیری من یدرکه ما يكون من تأويل هذه الآية، و ليبلغن دین محمد ما بلغ الليل حتى لا يكون شرك على ظهر الأرض كما قال الله.] «۳»

عیاشی به سند خود از زراره روایت کرده است که گفت: امام ابو جعفر باقر عليه السلام «۴» فرمود:

«از پدرم راجع به فرموده ی خداوند: (با مشرکان همه متفقاً نبرد کنید؛ هم چنان که آنان همگی با شما به جنگ می پردازند\* تا آن جا که هیچ گونه فتنه و فسادى نماند و همه آیین خداپرستی پیشه کنند) سؤال شد.

فرمود: [همانا] تأویل این آیه نیامده است و اگر قائم ما عليه السلام به پا خیزد، آن هنگام کسی که دورانش را درک کند آنچه را از تأویل این آیه رخ می دهد خواهد دید و همانا دین حضرت محمد صلى الله عليه و اله و سلم به هر کجا که شب رسد «۵» خواهد رسید تا آن جا که- همان طور که خداوند فرمود- هیچ شرکی بر پشت زمین بر جای نخواهد ماند.»

(۱). در متن: قال أبو جعفر عليه السلام: «سئل أبی؟» ...

(۲). [ترکیبی است از دو آیه؛ بخش نخست توبه (۹): ۳۶ و بخش دوم آیه ی مورد نظر سوره ی انفال].

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۵۶ [انفال، ح ۴۸].

(۴). در بعضی نسخه‌ها حدیث مزبور از امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ چنان‌که در متن عربی مشخص گردیده. (مترجم)

(۵). [کنایه از همه جای گیتی].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۶۹

[۵۳] الطبرسی، فی مجمع البیان: قال روی زراره و غیره عن أبی عبد الله علیه السلام [أنه قال: «لم یجئ تأویل هذه الآية و لو قد قام قائمنا بعد سیری من یدرک [ه ما یكون من تأویل هذه الآية، و لیبلغن دین محمد صلی الله علیه و اله و سلم ما بلغ اللیل حتی لا یكون شرک «۱» علی ظهر الأرض.» «۲»

و شیخ طبرسی در مجمع البیان گوید: زراره و غیر او روایت کرده‌اند که حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام فرمود: «هنوز تأویل این آیه نیامده است. اگر قائم ما به پا خیزد، هر کس آن زمان را درک کند، آن‌چه را از تأویل این آیه می‌شود خواهد دید. همانا دین حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم تا به هر جا که شب رسیده خواهد رسید؛ چندان‌که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد ماند.»

[۵۴] العیاشی، یاسناده: عن عبد الأعلى الحلبي، قال: قال أبو جعفر علیه السلام:

«یکون لصاحب هذا الأمر غیبه فی بعض [هذه الشعاب] - ثم أو ما یبده إلی ناحیه ذی طوی - «... حتی إذا کان قبل خروجه بلیتین انتهی المولی الذی یكون بین یدیه حتی یلقى بعض أصحابه فیقول: کم أنتم هاهنا؟ فیقولون: نحو من أربعین رجلاً، فیقول: کیف أنتم لو قد رأیتم صاحبکم؟ فیقولون: و الله لو یاوی

(۱). در مأخذ: مشرک.

(۲). تفسیر مجمع البیان ۴: ۴۶۶-۴۶۷. شاید مقصود از تعبیر به شب یکی از دو وجه باشد:

۱- همان‌طور که شب را آخر و نهایی است که با آمدن روز پایان می‌یابد و تاریکی‌اش از بین می‌رود و روشنایی روز جایش را می‌گیرد، دوران فرسودگی و به باطل آمیختگی آیین پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله و سلم نزد مردم به پایان می‌رسد و این هنگام قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

۲- دین حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و اله و سلم سراسر زمین را احاطه خواهد کرد؛ همان‌گونه که شب، به طبیعت، آن را فرا می‌گیرد؛ برخلاف روز؛ چرا که روشنایی روز ممکن است بر اثر موانع یا نبودن راه نفوذ و غیر این‌ها، در پاره‌ای از نقاط زمین داخل نشود.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۰

بنا الجبال لأویناها معه.

ثم یأتیهم من القابل «۱» فیقول [لهم: أشیروا إلی ذوی شأنکم «۲» و أخیارکم عشرة «۳»]، فیشیرون له [إلیهم، فینطلق بهم حتی یأتوا «۴» صاحبهم، و یعدهم إلی اللیلة الّتی تلیها.]

ثم قال أبو جعفر علیه السلام: «[و الله لکأنی أنظر إلیه و قد أسند ظهره إلی الحجر، ثم ینشد الله حقه، ثم یقول: یا أيها الناس من یحاجنی فی الله فأنا أولى [الناس بالله، و من یحاجنی فی آدم، فأنا أولى [الناس بآدم علیه السلام، یا أيها الناس من یحاجنی فی نوح، فأنا أولى بنوح علیه السلام، یا أيها الناس من یحاجنی فی إبراهیم، فأنا أولى بإبراهیم علیه السلام، یا أيها الناس من یحاجنی فی موسی، فأنا أولى بالناس بموسی علیه السلام، یا أيها الناس من یحاجنی فی عیسی، فأنا أولى بالناس بعیسی علیه السلام، یا أيها الناس من یحاجنی فی محمد، فأنا أولى بالناس بمحمد صلی الله علیه و اله و سلم، یا أيها الناس من یحاجنی فی کتاب الله، فأنا أولى الناس بکتاب الله.]

ثم ينتهي إلى المقام فيصلي عنده ركعتين ثم ينشد الله حقه.»

قال أبو جعفر عليه السلام: «هو- والله- المضطر في كتاب الله، وهو قول الله: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ و جبرئيل على الميزاب في صورة طائر أبيض، فيكون أول خلق الله يبايعه جبرئيل، و يبايعه الثلاث مائة و البضعة عشر رجلا.»

قال: قال أبو جعفر عليه السلام: «فمن ابتلى في المسير وافاه في تلك الساعة، و من لم يتل بالمسير فقد عن فراشه.»

(۱). در مأخذ: القابلة.

(۲). در مأخذ: أسنانكم.

(۳). در مأخذ: عشيرة.

(۴). [در متن و مأخذ: يأتون.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۱

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۱۹۹

ثم قال: «هو- والله- قول علي بن أبي طالب عليه السلام: "المفقودون عن فرشهم،" و هو قول الله: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الثَّلَاثَ مِائَةً وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا.»

قال: «هم- و الله- الأئمة المعدودة التي قال الله في كتابه: وَ لَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ- قال: - يجمعون في ساعة واحدة، قزع كقزع الخريف، فيصبح بمكة فيدعو الناس إلى كتاب الله و سننه نبيه صلى الله عليه و اله و سلم، فيجيبه نفر يسير، و يستعمل على مكة ثم يسير، فيبلغه أنه قد قتل عامله فيرجع إليهم فيقتل المقاتلة لا يزيد على ذلك شيئاً.» يعنى السبى.

«ثم ينطلق [ف] يدعو الناس إلى كتاب الله و سننه نبيه [عليه و آله السلام و الولاية لعلي بن أبي طالب عليه السلام، و البراءة من عدوه، و لا يسمى أحدا حتى ينتهي إلى البيداء، فيخرج إليه جيش السفينائي، فيأمر الله الأرض فتأخذهم «۱» من تحت أقدامهم، و هو قول الله: وَ لَوْ تَرَى إِذِ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، وَ قَالُوا: آمَنَّا بِهِ يَعْنِي بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ يَعْنِي بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... إلى آخر السورة. فلا- «۲» يبقى منهم إلما رجلاين يقال لهما: وتر و وتير من مراد، و جوههما في أقفيتهما يمشيان القهقري، يخبران الناس بما فعل «۳» بأصحابهما.

ثم يدخل المدينة فتغيب عنهم عند ذلك قريش، و هو قول علي بن أبي طالب عليه السلام: "و الله لو دت قريش أي [أن؟] عندها «۴» موقفا واحدا جزر جزور بكل ما ملكت و كل ما طلعت عليه الشمس أو غربت."

ثم يحدث حدثا، فإذا هو فعل ذلك قالت قريش: اخرجوا بنا إلى هذه

(۱). [در مأخذ: فيأخذهم.]

(۲). [در مأخذ: و لا.]

(۳). [در متن: قفل.]

(۴). در متن: لوددت أن عندنا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۲

الطاغية، فو الله [أن لو كان محمد صلى الله عليه و اله و سلم «۱» ما فعل و لو كان علويا ما فعل، و لو كان فاطميا ما فعل، فيمنحه الله أكتافهم فيقتل المقاتلة و يسبى الذرية.]

ثمَّ ينطلق حتَّى ينزل الشَّقره فيبلغه أنَّهم قد «٢» قتلوا عامله، فيرجع إليهم فيقتلهم مقتله ليس قتل الحرَّة إليها بشيء، ثمَّ ينطلق يدعو النَّاس إلى كتاب الله و سنَّة نبيِّه و الولاية لعلِّي بن أبي طالب عليه السَّلام و البراءة من عدوِّه، حتَّى إذا بلغ الثَّعلبيَّة قام إليه رجل من صلب أبيه- و هو من أشدَّ النَّاس ببدنه و أشجعهم بقلبه ما خلا صاحب هذا الأمر- فيقول: يا هذا! ما تصنع؟ فوالله إنَّك لتجفل النَّاس إجمال النَّعم! أفبعهد من رسول الله صلَّى الله عليه و اله و سلم أم بماذا؟! فيقول المولى الذي ولي البيعة: و الله، لتسكتنَّ أو لأضربنَّ الذي فيه عيناك، فيقول له القائم عليه السَّلام "اسكت يا فلان؛ إي و الله، إنَّ معي عهدا من رسول الله صلَّى الله عليه و اله و سلم، هات لي- يا فلان- العيبة و الطَّبقه و «٣» الزَّنفلجَه". فيأتيه بها فيقرِّبه العهد من رسول الله صلَّى الله عليه و اله و سلم، فيقول: جعلني الله فداك! أعطني رأسك أقبله، فيعطيه رأسه فيقبِّله بين عينيه، ثمَّ يقول: جعلني الله فداك! جدِّد لنا بيعة، فيجدِّد لهم بيعته.

قال أبو جعفر عليه السَّلام: «لكأني أنظر إليهم مصعدين من نجف الكوفة ثلاث مائة و بضعة عشر رجلا، كأنَّ قلوبهم زبر الحديد، جبرئيل عن يمينه، و ميكائيل عن يساره، يسير الرُّعب أمامه شهرا و خلفه شهرا، أمده الله بخمسة آلاف من الملائكة مسؤمين حتَّى إذا صعد التَّجف قال لأصحابه "تعبدوا ليلتكم هذه". فيبيتون بين راع و ساجد يتضرَّعون إلى الله، حتَّى إذا أصبح قال "خذوا بنا طريق التَّخيلة". و على الكوفة جند مجدِّد.»

(١). [در مأخذ: كان محمَّدًا.]

(٢). در متن: فيلقاهم حتَّى.

(٣). [در مأخذ: أو الطَّيبة أو.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ١٧٣

قلت: جند مجدِّد؟! قال: «إي و الله، حتَّى ينتهي إلى مسجد إبراهيم عليه السَّلام بالتَّخيلة فيصلِّي [فيه ركعتين فيخرج إليهم من كان بالكوفة من مرجئها «١» و غيرهم من جيش السَّفياني فيقول لأصحابه "استطردوا لهم". ثمَّ يقول "كزوا عليهم". قال أبو جعفر عليه السَّلام:

«و لا يجوز- و الله- الخندق منهم مخبر. ثمَّ يدخل الكوفة فلا يبقى مؤمن إلَّا كان فيها أو حنَّ إليها، و هو قول أمير المؤمنين [علی عليه السَّلام، ثمَّ يقول لأصحابه:

"سيروا إلى هذا «٢» الطَّاغية". فيدعوه إلى كتاب الله و سنَّة نبيِّه [صلَّى الله عليه و اله و سلم، فيعطيه السَّفياني من البيعة مسلما «٣»، فيقول له كلب- و هم أخواله-: ما هذا؟ ما صنعت؟

و الله ما نباعك على هذا أبدا، فيقول: ما أصنع؟ فيقولون: استقتله، فيستقتله «٤»، ثمَّ يقول له القائم عليه السَّلام "خذ حذرک فإني «٥» أذيت إليك و أنا مقاتلك". فيصبح فيقاتلهم «٦»، فيمنحه الله أكتافهم و يأتي «٧» السَّفياني أسيرا فينطلق به و يذبجه بيده.

ثمَّ يرسل جريده «٨» خيل إلى الرُّوم فيستحضرون بقيَّة بنی أميَّة، فإذا انتهوا إلى الرُّوم قالوا: أخرجوا إلينا أهل ملتنا عندكم، فيأبون و يقولون: و الله لا- نفع، فتقول الجريده: و الله لو أمرنا لقاتلناكم، ثمَّ ينطلقون إلى صاحبهم فيعرضون ذلك عليه، فيقول "انطلقوا فأخرجوا إليهم أصحابهم، فإنَّ هؤلاء قد أتوا بسُلطان عظيم، و هو قول الله: فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ\* لا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئَلُونَ - قال:- يعني

(١). [در متن: مرجئها.]

(٢). [در مأخذ: هذه.]

(٣). [در مأخذ: سلما.]

(۴). [در مأخذ: استقبله، فیستقبله].

(۵). [در مأخذ: فإنتی].

(۶). در متن: فیقتلهم.

(۷). در مأخذ: یاخذ [یؤخذ؟].

(۸). در متن: جرید.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۴

الكنوز التي كنتم تكتزون، قالوا: يا وئيلنا! إننا كنا ظالمين\* فما زالت تلك دعوهم حتى جعلناهم حصيداً حامدين لا يبقى منهم مخبر. ثم يرجع إلى الكوفة فيبعث الثلاث مائة و البضعة عشر رجلاً إلى الآفاق كلها، فيمسح بين أكتافهم و على صدورهم فلا يتعابون في قضاء، و لا تبقى في الأرض قرية «۱» إلا نودي فيها شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمداً رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم و هو قوله: و له أسلم من في السماوات و الأرض طوعاً و كرهاً و إليه يرجعون و لا يقبل صاحب هذا الأمر الجزية كما قبلها رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و هو قول الله: و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله «

قال أبو جعفر عليه السلام: «يقاتلون- و الله- حتى يوحد الله و لا- يشرك به شيئاً و حتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب و لا ينهار أحد، و يخرج الله من الأرض بذرهما، و ينزل من السماء قطرها، و يخرج الناس خراجهم على رقابهم إلى المهدي عليه السلام، و يوسع الله على شيعتنا، و لو لا ما ينجز لهم من السعادة لبغوا (فتنة). [فينا] صاحب هذا الأمر قد حكم ببعض الأحكام، و تكلم ببعض السنين إذ خرجت [خارجة] من المسجد يريدون الخروج عليه، فيقول لأصحابه: "انطلقوا". فيلحقونهم «۲» في التمارين فيأتون بهم أسرى ليأمر بهم فيذبحون، و هو آخر خارجة تخرج على قائم آل محمد عليه السلام.» «۳»

عیاشی به سند خود از عبد الاعلی حلی آورده است که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود:

«صاحب این امر را در یکی از این درّه‌ها غیبی خواهد بود.» آن گاه امام علیه السلام با

(۱). در مأخذ: لا تبقى أرض.

(۲). [در متن: فتلحقوا بهم].

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۵۶-۶۱ [انفال، ح ۴۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۵

دست به سوی ذی طوی اشاره فرمود. «... تا آن گاه که دو شب به خروج وی مانده، خدمت کار مخصوصش می آید و بعضی از اصحاب آن حضرت را می بیند و می پرسد:

شما در این جا چند نفرید؟ می گویند: حدود چهل مرد. می گوید: اگر صاحب خویش را ببینید، چگونه خواهید بود؟ گویند: به خدا سوگند، اگر فرمان دهد به سوی کوه‌ها روی آوریم (تا آن‌ها را بر کنیم)، در خدمت آن حضرت خواهیم بود.

فردای آن شب به نزدشان می آید و می گوید: از بزرگان و نیکان خود، ده تن را تعیین کنید. آن‌ها را برمی گزینند. پس او ایشان را با خود می برد تا این که به خدمت صاحبشان شرفیاب می شوند و برای فردای آن شب، با ایشان وعده می نهد.»

آن گاه حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمود: «[به خدا سوگند] گویا او را می بینم که به حجر تکیه داده است و خداوند را به حق خویش قسم می دهد. سپس می گوید: "ای مردم! هر کس درباره‌ی خداوند با من محاجّه کند، (بداند که) من از همه [ی مردم به خداوند سزاوارترم و هر کس درباره‌ی آدم با من محاجّه کند، پس من سزاوارترین مردم به آدم‌ام. ای مردم! هر آن که در مورد نوح با من بحث دارد، (بداند که) من از همه به نوح علیه السلام نزدیک‌ترم. ای مردم! هر کس درباره‌ی ابراهیم با من بحث دارد، من از



همه به ابراهیم علیه السّلام نزدیک‌ترم. ای مردم! هرکس درباره‌ی موسی با من گفت‌وگو دارد، من از تمامی مردم به موسی علیه السّلام نزدیک‌ترم. ای مردم! هرکس درباره‌ی عیسی با من محاجّه کند، (بداند که) من از همه‌ی مردم به عیسی علیه السّلام نزدیک‌ترم. ای مردم! هرکس درباره‌ی پیامبر خاتم با من بحث دارد، (بداند که) من از همه‌ی مردمان به حضرت خاتم الأنبیا صلی الله علیه و اله و سلم نزدیک‌ترم. ای مردم! هرکس درباره‌ی کتاب خدا با من بحث دارد، پس من از همه‌ی مردم به کتاب خدا سزاوارترم".

سپس به مقام تشریف می‌برد و در آن‌جا دو رکعت نماز می‌گزارد. آن‌گاه خداوند را به حقّ خویش می‌خواند. «آن‌گاه امام باقر علیه السّلام فرمود: «اوست- به خدا سوگند- همان مضطرّی که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: (یا کیست آن‌که به مضطرّ پاسخ دهد و بدی را از میان بردارد و شما را جانشینان روی زمین قرار دهد؟) در آن حال، جبرئیل به صورت پرنده‌ی سبیدی بر

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۶

ناودان (نشسته) است. پس نخستین خلق خدا که با او بیعت خواهد کرد، جبرئیل است و آن ۳۱۳ مرد با او بیعت می‌کنند.» (راوی) گوید: حضرت ابو جعفر باقر علیه السّلام فرمود: «پس هر آن‌که پیش از آن هنگام بیرون از خانه بوده است، در آن ساعت به آن حضرت خواهد رسید و هر آن‌که در سفر نبوده از بسترش ناپدید می‌شود.» سپس فرمود: «این است- به خدا سوگند- (معنای) فرموده‌ی علی بن ابی طالب علیه السّلام: "ناپدیدشدگان از روی بسترهایشان" و این است (معنی) قول خداوند: (پس به کارهای نیک سبقت و پیشی بگیرید. هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) اصحاب حضرت قائم علیه السّلام (مرادند)؛ آن سی صد و ده و چند مرد.»

(پس از آن) فرمود: «آن‌هایند- به خدا سوگند- آن ائمت معدوده‌ای که خداوند در کتابش فرموده است: (و اگر عذاب را از آنان تا هنگام معینی (و پدید آمدن شمار معدودی) به تعویق اندازیم).»

(سپس) فرمود: «در یک ساعت جمع خواهند شد؛ هم‌چون قطعه‌های ابر پاییزی. پس آن جناب در مکه صبح خواهد کرد. مردم را به کتاب خدا و سنّت پیغمبرش دعوت می‌فرماید که افراد کمی دعوتش را اجابت می‌کنند و بر مکه کسی را می‌گمارد. سپس از آن‌جا کوچ می‌کند. به او گزارش می‌رسد که عاملش را به قتل رسانیده‌اند. پس به سوی آنان بازمی‌گردد و کشتارکنندگان را می‌کشد و بر کشتن چیزی نمی‌افزاید.» (راوی توضیح می‌دهد: یعنی به اسارت کسی اقدام نمی‌کند.

«آن‌گاه ره‌سپار شده مردم را به کتاب خدا و سنّت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم و ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و بیزاری از دشمنش دعوت می‌کند؛ ولی کسی را نام نمی‌برد تا این‌که به بیداء برسد. ارتش سفیانی به مقابله با آن حضرت بیرون می‌آیند. پس خداوند به زمین امر می‌فرماید که آن‌ها را از زیر پاهایشان فرو گیرد و این است (معنی) قول خداوند: (و اگر کافران را ببینی- هنگامی که هراسان‌اند- پس هیچ‌از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و گویند: به او ایمان آوردیم) یعنی به قائم آل محمّد علیه السّلام ... تا آخر سوره. پس کسی از آن‌ها باقی نمی‌ماند مگر دو مرد که به آن‌ها

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۷

وتر و تیر گفته می‌شود؛ از قبیله‌ی مراد. صورت‌هایشان به پشت است که به عقب راه می‌روند. آن‌ها به مردم خبر می‌دهند که چه بر سر هم‌راهانشان آمد.

سپس آن حضرت به مدینه داخل می‌شود که در آن هنگام، قریش از سپاهیان امام علیه السّلام می‌گریزند و پنهان می‌گردند و این است معنی قول حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام که فرمود: "به خدا سوگند، (آن روز) قریشیان آرزو خواهند کرد که تمام اموال و دارایی‌هایشان و همه‌ی آن‌چه را خورشید بر آن می‌تابد بدهند و مخفیگاهی بگیرند که به قدر سر بریدن شتر در آن پنهان



سپس آن حضرت حادثه‌ای پدید می‌آورد. در این وقت، قریش گویند: بیایید تا بر این سرکش خروج کنیم که به خدا سوگند، اگر این از اولاد حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم بود، این کار را نمی‌کرد و اگر از فرزندان علی علیه السلام بود، این کار را نمی‌کرد و اگر از اولاد فاطمه علیها السلام بود، چنین عملی انجام نمی‌داد. آن‌گاه با آن حضرت می‌جنگند که خداوند او را بر آن‌ها پیروز می‌گرداند. او جنگ‌جویانشان را می‌کشد و ذریه‌شان را به اسارت درمی‌آورد.

بعد، از آن‌جا بیرون می‌رود تا این‌که در شقره «۲» فرود می‌آید. در آن‌جا خبر می‌رسد که آنان گماشته‌ی آن حضرت را در مدینه به قتل رسانده‌اند. پس برمی‌گردد و

(۱). [این کلام مولا علیه السلام با اندکی اختلاف در خطبه‌ی ۹۲ نهج البلاغه یافت می‌شود.

ابن ابی الحدید مواردی از پیش‌گویی‌های تحقق‌یافته‌ی این خطبه را باز شکافته و توضیح داده است (شرح نهج البلاغه ۷: ۴۷-۵۰). او این جمله را پیش‌گویی سخن مروان حمار در رویارویی با سپاه عبد الله بن علی عباسی در درگیری کنار رودخانه‌ی زاب (بین موصل و اربل) می‌داند. توضیح این‌که این رخ داد در سال ۱۳۲ بود که در پی آن، آخرین خلیفه‌ی اموی از سیاه‌جامگان برآشفته و فریب‌خورده‌ی بنی‌عباس شکست خورد و گریخت و چند ماهی پس از آن در بوسیر مصر به هلاکت رسید. شارح معتزلی آن‌گاه می‌افزاید: در این خطبه‌ی بسیار مشهور- که پس از جنگ نهروان الفا گردیده است- پیش‌گویی‌های دیگری نیز آمده است که آن را یاد می‌کند. اشاره‌ی دیگر آن حضرت به روزگار ظهور امام موعود حضرت مهدی علیه السلام است. نیز رک. بحار الأنوار ۳۴: ۱۱۶-۱۲۳.]

(۲). یکی از نقاط حجاز است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۸

نسبت به آنان چنان کشتاری می‌کند که واقعه‌ی حرّه «۱» در برابر آن ناچیز می‌نماید.

سپس درحالی‌که مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر او و ولایت علی بن ابی‌طالب و بیزاری از دشمنش فرامی‌خواند، از آن‌جا بیرون می‌رود تا به ثعلبیه «۲» می‌رسد. در آن‌جا مردی از بستگان نزدیک او- که از صلب پدرش است و به استثنای صاحب این امر، از همه‌ی مردمان نیرومندتر و پردل‌تر است- به‌پا می‌خیزد و به آن حضرت عرضه می‌دارد: ای مرد! چه می‌کنی؟ تو داری مردم را فراری می‌دهی! آیا این کارها به فرمان (و عهدنامه‌ای از) رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است یا دلیل دیگری دارد؟ خدمت‌کاری که متصدی امر بیعت است بر او بانگ می‌زند که: بر جای بنشین و گرنه سر از بدنت جدا می‌کنم؛ ولی حضرت قائم علیه السلام به او می‌فرماید: "فلانی، ساکت باش. آری، به خدا سوگند، عهدنامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم هم‌راه من است. فلانی، آن خرجین و بسته و جامه‌دان را برایم بیاور." آن را می‌آورد و عهدنامه‌ای را به نظر آن شخص می‌رساند.

در این موقع، آن مرد عرض می‌کند: خداوند مرا فدای شما گرداند! اجازه دهید بر سر مبارکتان بوسه زنم. آن حضرت اجازه می‌فرماید و آن مرد پیشانی حضرتش را می‌بوسد. سپس می‌گوید: خداوند مرا فدای شما سازد! بار دیگر از ما بیعت بگیرید و آن حضرت بیعت خود را تجدید می‌کند.

حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: «گویی آنان را می‌نگرم که بر فراز نجف کوفه بالا می‌آیند. سی صد و ده و چند مرد. انگار دل‌هایشان پاره‌های آهن است. جبرئیل از سوی راست، میکائیل از سمت چپ و رعب (در دل دشمنان) به مسافت یک ماه پیش

(۱). روز حرّه روز معروفی است که در آن، سپاهیان دژخیم یزید بن معاویه اهل مدینه را قتل عام و اموالشان را تاراج و غارت

کردند. در این واقعه- که در ماه ذی الحجّه الحرام سال ۶۳ هجری اتفاق افتاد- تعداد بسیاری از مهاجران و انصار کشته شدند. [حرّه واقم سنگستان شرقی مدینه بود. سپاه یاد شده، به فرماندهی مسلم (مسرف) بن عقبه‌ی مری، در آن اردو زدند و با مردم مدینه- که به دفاع به سوی آن‌ها شتافتند- سخت جنگیدند و بر آن‌ها پیروز آمدند.]

(۲). از منزلگاه‌های بین راه مکه تا کوفه است. (مترجم) [در متن: تغلیبه

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۷۹

رو و یک ماه پشت سر آن حضرت حرکت می‌کنند (۱). خداوند او را به وسیله‌ی ۵،۰۰۰ فرشته‌ی نشان‌دار مدد می‌دهد تا وقتی که به نجف می‌رسد، به اصحابش می‌فرماید:

"امشب را به عبادت بگذرانید." پس ایشان آن شب را با رکوع و سجود و تضرّع به درگاه خداوند به صبح می‌آورند. صبحگاهان حضرتش دستور می‌دهد: "راه نخيله را با ما پیش گیرید؛" درحالی که در کوفه ارتشی مجهّز (۲) هست. راوی پرسید: ارتشی مجهّز (۳)؟! فرمود: «آری، به خدا سوگند. پس آن حضرت به سوی نخيله روی می‌آرد. در نخيله به مسجد ابراهیم علیه السّلام می‌رسد. [آنجا] دو رکعت نماز می‌گزارد. در آن هنگام، سپاهیان سفیانی از مرجئه (۴) و غیر آن‌ها از کوفه خروج می‌کنند. آن حضرت به اصحاب خود فرمان می‌دهد: "بر آن‌ها حمله کنید." سپس فرماید: با آن‌ها بجنگید.»

امام باقر علیه السّلام فرمود: «به خدا سوگند که احدی از آنان از خندق نمی‌گذرد که خبر ببرد.

سپس آن حضرت داخل کوفه می‌شود. پس هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر این که در آنجا باشد یا شوق آن را در سر داشته باشد و این قول [مولا علی امیر المؤمنین علیه السّلام است. سپس به اصحاب خویش فرماید: "برای نابودی این طاغوت

(۱). مقصود این است که خداوند رعب و وحشت را به فاصله‌ی یک ماه پیش از رسیدن سپاه آن حضرت علیه السّلام و یک ماه پس از گذشتن آن‌ها، در دل دشمنانش قرار می‌دهد که از آن حضرت بیمناک و وحشت‌زده خواهند بود. (مترجم)

(۲ و ۳). یا: خندقی عمیق. (مترجم)

(۴). درباره‌ی مرجئه اختلاف است. گفته‌اند: آن‌ها فرقه‌ای از فرق اسلامی‌اند که معتقدند با وجود ایمان هیچ معصیتی ضرر ندارد؛ هم‌چنان که با وجود کفر، هیچ طاعتی سودبخش نیست. آنان را از این جهت مرجئه نامیده‌اند که معتقدند: خدای- تعالی- عذابشان را از گناهان به تأخیر انداخته است (- إرجاء) و از ابن قتیبه است که گفته: اینان کسانی‌اند که می‌گویند: ایمان قول بدون عمل است؛ چون که قول را مقدّم و عمل را مؤخّر می‌دانند. بعضی از مذهب‌شناسان گفته‌اند: مرجئه همان فرقه‌ی جبری‌اند که گویند: بنده را هیچ فعلی نیست و این که فعل به او نسبت داده می‌شود از روی مجاز است؛ چنان که گویند: رود جاری شد و آسیا چرخید. این که جبری‌ان را مرجئه نامیده‌اند از آن است که امر خداوند را به تأخیر می‌اندازند و گناهان کبیره را مرتکب می‌شوند. (مجمع البحرین ۱: ۱۷۷ ماده‌ی رجا)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۰

(مراد سفیانی است) بسیج شوید" و او را به کتاب خدا و سنّت پیامبرش [که درود خدا بر او باد] دعوت می‌کند. سفیانی ابتدا به تسلیم و صلح قول می‌دهد؛ ولی قبیله‌ی کلب- که دایی‌های او «۱» یند- بدو گویند: این چه کاری بود؟ به خدا قسم که ما هرگز بر این کار با تو بیعت نکنیم. می‌گوید: (پس) چه کنم؟ گویند: با او (یعنی با امام قائم علیه السّلام) جنگ کن.

پس او برای جنگیدن با آن حضرت می‌رود. امام علیه السّلام او را نصیحت می‌کند و می‌فرماید:

(از عاقبت کار خویش) بترس! من آن‌چه را شرط بلاغ بود به تو گفتم و (اگر نپذیری) با تو می‌جنگم.

فردای آن روز، امام علیه السّلام با آنان جنگ می‌کند و خداوند عالم او را بر آنان غالب می‌سازد. سفیانی اسیر می‌گردد و آن

حضرت به دست خود سر از پیکر وی جدا می‌کند.

پس از آن، قسمتی از سپاهیان سواره‌ی خود را به روم می‌فرستد که بازماندگان از بنی امیه را بجویند. چون ایشان به روم رسند، به اهل آن‌جا گویند: هم‌کیشان ما را- که نزد شمایند- بیاورید؛ ولی آن‌ها از این کار خودداری می‌ورزند و می‌گویند: به خدا چنین کاری نمی‌کنیم. سپاهیان گویند: به خدا، اگر فرمان بگیریم، با شما می‌جنگیم.

آن‌گاه به نزد صاحبشان بازمی‌گردند و داستان را به عرض می‌رسانند. آن حضرت فرماید: "بروید و با ایشان بجنگید تا بنی امیه را از ایشان بگیرید." بزرگ رومیان گوید: بروید بنی امیه را به دست ایشان بسپارید که با قدرت تمام آمده‌اند و این است (معنی) قول خداوند: (پس چون عذاب ما را احساس نمودند، از آن‌ها گریزان گشتند. نگریزید و به آن‌چه از خوش‌گذرانی‌ها و لذت‌ها و مساکن بوده‌اید بازگردید) «۲»- امام علیه السلام توضیح فرمودند: یعنی گنجینه‌هایی که انباشته می‌کردید (در آن هنگام ستم کاران) گفتند: ای وای بر ما که سخت ظالم و ستم کار بودیم! پس همواره این سخن بر زبانشان بود تا این که هم‌چون کشتزار دروشده‌ای آنان را خاموش کردیم (و به کام مرگ فرو بردیم) «۳» که هیچ خبردهنده‌ای از آنان باقی نماند. سپس آن حضرت به کوفه بازمی‌گردد و آن سی صد و ده و چند نفر را به تمامی

(۱). [یا خویشان مادری او].

(۲ و ۳). انبیاء (۲۱): ۱۳-۱۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۱

جاها می‌فرستد. میان شانه‌ها و بر روی سینه‌های ایشان دست می‌کشد؛ چنان که در هیچ حکمی در مانده و عاجز نمی‌شوند. هیچ آبادی‌ای بر پهنه‌ی زمین نماند مگر این که در آن بانگ شهادت به لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم بلند باشد و این است معنی قول خداوند: (و هر آن که در آسمان‌ها و زمین است- خواه و ناخواه- مطیع فرمان خداست و همه به سوی او بازگردانده خواهند شد.) «۱».

صاحب این امر جزیه نمی‌پذیرد؛ آن‌چنان که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم قبول (می) فرمود و این است که خداوند فرموده است: (و با کافران قتال کنید تا هیچ فتنه‌ای باقی نماند و آیین همه خداپرستی شود) «۲».

امام ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، جنگ خواهند کرد تا این که یکتاپرستی برقرار شود و هیچ‌گونه به او شرک نوزند و تا آن‌جا که حتی پیرزن ضعیف هم از مشرق به سوی مغرب سفر کند و کسی از او جلوگیری نمی‌کند و خداوند (در آن روزگار، تمامی) بذره‌های زمین را می‌رویاند و باران آسمان را (به‌طور کامل) فرو می‌ریزد و مردم خراجشان را بر دوش نهاده و به پیشگاه حضرت مهدی علیه السلام می‌برند و خداوند بر شیعیانمان وسعت می‌دهد؛ (به‌طوری که) اگر سعادت و نیک‌بختی آنان را در نیابد، طغیان می‌کنند. پس در همان حال که صاحب این امر بعضی از احکام را صادر فرماید و برخی از سنت‌ها را باز گوید، گروهی از مسجد بیرون روند و در پی خروج و سرکشی بر آن حضرت برآیند که حضرتش به اصحاب خود امر فرماید تا به مقابله‌ی آنان بروند. در (منطقه‌ی) خرمافروشان، به آنان می‌رسند. اسیرشان می‌کنند و به خدمت آن حضرت می‌برند. دستور می‌دهد آن‌ها را می‌کشند و این آخرین گروهی است که بر قائم آل محمد علیه السلام خروج می‌کند.»

(۱). آل عمران (۳): ۸۴.

(۲). انفال (۸): ۴۰.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۲

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿١﴾

(اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (و تمامی کیش‌ها چیرگی دهد و) آشکار سازد؛ هرچند مشرکان این امر را اکراه دارند.)

[۵۵] ابن بابویه، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ [مُحَمَّدِ] بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بصير، قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام في قول الله عزَّ وجلَّ: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فقال:

«و الله ما نزل تأويلها بعد، و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم عليه السلام، فإذا خرج القائم عليه السلام لم يبق كافر بالله [العظيم و لا مشرك بالإمامة] إلا كره خروجه، حتى [أن لو كان كافرا] أو مشركا [في بطن صحرة] [ل] قالت: يا مؤمن في بطنى كافر، فاكسرنى و اقتله.» [۲]

ابن بابویه گوید: حدیث‌مان داد محمد بن موسی بن المتوکل رضی الله عنه گوید:

حدیث‌مان داد علی بن الحسین سعد آبادی، از احمد بن ابی عبد الله برقی، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از علی بن ابی حمزه، از ابو بصیر که گفت:

(۱). توبه (۹): ۳۴.

(۲). کمال الدین ۲: ۶۷۰ [باب ۵۸، ح ۱۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۳

حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزَّ و جلَّ -:

(اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (و تمامی کیش‌ها) آشکار سازد؛ هرچند مشرکان این امر را اکراه دارند) فرمود:

«به خدا سوگند، تأویل آن هنوز نازل نشده است و تأویل آن نازل نخواهد شد تا این که قائم علیه السلام به پا خیزد. چون قائم علیه السلام خروج کند، هیچ کافر به خدای عظیم و هیچ مشرک به امامت باقی نماند مگر این که خروج او را نخواهد تا جایی که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی (مخفی) باشد، آن سنگ (به زبان آمده) خواهد گفت: ای مؤمن، در دل من کافری هست. مرا بشکن و او را به قتل رسان.»

[۵۶] العیاشی، یاسناده: عن سماعه، عن أبي عبد الله عليه السلام: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ قَالَ:

«إذا خرج القائم عليه السلام لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر إلا كره خروجه.» [۱]

عیاشی به سند خود از سماعه از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام آورده است که (درباره‌ی این آیه): (اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (و تمامی کیش‌ها) آشکار سازد؛ هرچند که مشرکان این امر را اکراه دارند) فرمود:

دارند) فرمود:

«هرگاه حضرت قائم علیه السلام به پا خیزد، هیچ شریک پنداری برای خداوند با عظمت و هیچ کافری باقی نماند مگر این که خروج او را نخواهد.»

[۵۷] مُحَمَّد بن العَبَّاس، قال: حَدَّثَنَا أَحْمَد بن هُوذَةَ، عن إِسْحَاق بن إِبرَاهِيم، عن عبدِ اللَّهِ بن حَمَّاد، عن أَبِي بصير، قال: سألت أبا عبدِ اللَّهِ عليه السَّلَام عن قولِ اللَّهِ عَزَّ و جَلَّ في كتابه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

فقال: «و الله ما نزل تأويلها بعد.»

(۱). تفسیر العیاشی ۲: ۸۷ [برائت، ح ۵۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۴

قلت: جعلت فداک! و متی ینزل تأویلها؟

قال: «حتی یقوم القائم علیه السلام إن شاء الله تعالی، فإذا خرج القائم علیه السلام لم یبق کافر أو «۱» مشرک إلا کره خروجه، حتی لو أن کافرا أو مشرکا فی بطن صخرة لقاتل الصخرة: یا مؤمن فی بطنی کافر أو مشرک، فاقتله، فیجیئه فیقتله.» «۲»

محمّد بن العَبَّاس گوید: حدیث مان داد احمد بن هُوذَةَ، از اسحاق بن ابراهیم، از عبد الله بن حمّاد، از ابو بصیر که گفت: از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عَزَّ و جَلَّ - در کتاب خود: (اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (و تمامی کیش‌ها) آشکار سازد؛ هرچند که مشرکان این امر را اکره دارند) پرسیدم.

فرمود: «به خدا سوگند، هنوز تأویل آن نازل نشده است.»

عرضه داشتم: فدایتان شوم! کی تأویل آن نازل می‌شود؟

فرمود: «تا آن گاه که قائم علیه السلام به خواست خداوند - تعالی - به پا خیزد. پس چون حضرت قائم علیه السلام خروج کند، هیچ کافر یا مشرکی نماند، مگر این که خروج آن حضرت را نمی‌خواهد تا جایی که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن، در دل من کافر یا مشرکی (پنهان) است؛ او را به قتل برسان. پس مؤمن می‌آید و او را می‌کشد.»

[۵۸] عنه: عن أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمد، عن صفوان بن يحيى، عن يعقوب بن شعيب، عن عمران بن ميثم، عن عباية بن ربيع، أنه سمع أمير المؤمنين عليه السلام يقول:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ أَظْهَرَ ذَلِكُ بَعْدَ؟ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا تَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا [و]

(۱). در مأخذ: و لا.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۶۸۸ [ح ۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۵

نودی فیها بشهادة أن لا إله إلا الله، و أن محمدا رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم بكرة و عشيا.» «۱»

هم از اوست که از احمد بن ادريس از عبد الله بن محمد، از صفوان بن يحيى، از يعقوب بن شعيب، از عمران بن ميثم، از عباية بن ربيعی روایت آورده که شنید حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود:

«(اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (و تمامی کیش‌ها) آشکار سازد؛ هرچند که مشرکان این امر را اکره دارند) آیا پس از آن (برای مشرکان و کافران) چیرگی و غلبه‌ای هست؟ نه، سوگند به آن که جانم به

دست اوست، تا آنجا که هیچ آبادی ای نماند مگر این که در آن به گواهی دادن به لا إله إلا الله و محمد رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم هر صبح و شام ندا گردد.»

[۵۹] عنه، قال: حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْمَقْرِيِّ، عَنْ نَعِيمِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ لَيْثٍ، عَنْ مَجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ قَالَ:

لا يكون ذلك حتى لا يبقى يهودي ولا نصراني ولا صاحب ملة إلا صار إلى «۲» الإسلام، حتى تأمن الشاة والذئب والبقره والأسد و الإنسان و الحيه [و] حتى لا تقرض الفأرة «۳» جرابا، و حتى توضع الجزية و يكسر الصليب و يقتل الخنزير و (هو) قوله تعالى: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ و ذلك يكون عند قيام القائم عليه السلام. «۴»

(۱). همان: ۶۸۹. [این روایت- با توجه به آن که آیهی مورد نظر ما عینا در سورهی صف (۶۱):

(۱۰) آمده است- در تفسیر سورهی صف به نقل از تفسیر عیاشی در مجمع البیان نیز آمده است؛ با این تفاوت که بعد از پرسش چنین است: قالوا: نعم. قال: «كَلَّا، فَوَالَّذِي... روشن است که تفسیر سورهی صف در متن چاپ شدهی در دسترس از تفسیر عیاشی یافت نمی شود؛ چه جزء دوم آن با سورهی كهف پایان می پذیرد.]

(۲). در مأخذ: دخل فی.

(۳). [در مأخذ: فأره].

(۴). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۶۸۹ [ح ۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۶

از اوست که گوید: حدیث مان داد یوسف بن یعقوب، از محمد بن ابی بکر مقری، از نعیم بن سلیمان، از لئث، از مجاهد، از ابن عباس که دربارهی فرمودهی خدای- عز و جل-: (تا او را بر همهی دین (و تمامی کیشها) آشکار سازد؛ هر چند که مشرکان این امر را اکراه دارند) گفت:

چنین نخواهد بود تا وقتی که یهودی و ترسایی و پیرو هیچ کیشی نماند مگر این که به اسلام گرایش یابد تا جایی که گوسفند و گرگ و گاو و شیر و آدمی زاد و مار (از گزند یکدیگر) در امان شوند [و] تا جایی که موش انبانی را نبود و تا آنجا که جزیه برداشته و صلیب شکسته شود و خوک کشته گردد و همین است که خدای- تعالی- فرماید: (تا او را بر همهی دین (و تمامی کیشها) آشکار سازد؛ هر چند مشرکان این امر را اکراه دارند) و این هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام خواهد بود.

[۶۰] محمد بن یعقوب، عن علی بن محمد: عن بعض أصحابنا، عن ابن محبوب، عن محمد بن الفضیل، عن أبي الحسن الماضي عليه السلام... قلت: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ قَالَ: «هُوَ أَمْرُ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ «۱» بِالْوِلَايَةِ لَوْصِيَّتِهِ، وَ الْوِلَايَةُ هِيَ دِينَ الْحَقِّ.» قلت: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ قَالَ:

«يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم عليه السلام.» «۲»

محمد بن یعقوب کلینی: از علی بن محمد، از برخی اصحابمان، از ابن محبوب، از محمد بن الفضیل، از حضرت ابو الحسن الماضي (امام کاظم علیه السلام) آورده است که: راوی گوید: عرضه داشتم: (اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد) (چه تفسیر دارد؟)

فرمود: «آن امر خداوند و رسول اوست به ولایت برای وصی اش و ولایت

- (۱). در مأخذ: هو الذی أمر رسوله.
- (۲). کافی ۱: ۴۳۲ [کتاب الحجّة، باب فيه نکت و نطف ... ۱۰۸، ح ۹۱].
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۷
- همان دین حقّ است.» عرض کردم: (تا او را بر همه‌ی دین (و تمامی کیش‌ها) آشکار سازد) (چه)؟ فرمود:
- «آن را هنگام قیام حضرت قائم علیه السّلام، بر همه‌ی ادیان آشکار می‌سازد.»
- [۶۱] أبو علی الطبرسی: قال أبو جعفر علیه السّلام: «إنّ ذلك [یکون عند خروج المهديّ من آل محمّد صلوات الله عليه، فلا يبقى أحد إلّا أقرّ بمحمّد صلّى الله عليه و اله و سلم.» «۱»
- ابو علی طبرسی گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام فرمودند:
- «همانا این جریان هنگام خروج مهدی از آل محمّد صلوات الله عليه خواهد بود.
- پس هیچ احدی باقی نماند مگر این که به حضرت ختمی مرتبت صلّى الله عليه و اله و سلم اقرار کند.»
- [۶۲] علی بن ابراهیم، فی تفسیره فی الآیة أنّها: نزلت فی القائم من آل محمّد علیه السّلام، و هو الّذی ذکرناه ممّا تأویله «۲» بعد تنزیله. «۳»
- علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه گوید:
- این آیه درباره‌ی قیام کننده از آل محمّد علیه السّلام نازل شده و این همان است که یاد آوردیم که تأویل آن‌ها پس از تنزیلشان است.
- [۶۳] العیاشی، بإسناده: عن أبي المقدم، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله:
- لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
- «یکون أن لا يبقى أحد إلّا أقرّ بمحمّد صلّى الله عليه و اله و سلم.» «۴»
- عیاشی به سند خود، از ابو المقدم از حضرت ابو جعفر (امام باقر علیه السّلام) درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (تا او را بر همه‌ی دین آشکار سازد؛ هر چند مشرکان این امر را اکراه دارند) آورده است:
- «چنین خواهد بود که کسی نماند جز آن که به حضرت خاتم صلّى الله عليه و اله و سلم اقرار آورد.»

(۱). تفسیر مجمع البیان ۵: ۴۵.

(۲). در متن: ذکرنا تأویله.

(۳). تفسیر قمی ۱: ۲۸۹.

(۴). تفسیر العیاشی ۲: ۸۷ [برائت، ح ۵۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۸

## ۲۳ [سوره‌ی توبه] [آیه‌ی ۳۴]

- وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ «۱»
- (و آنان را که طلا و نقره می‌اندوزند و در راه خداوند انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارت ده.)
- [۶۴] محمّد بن یعقوب: عن محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن معاذ بن كثير، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:



«موسّع علی شیعتنا أن ینفقوا ممّا فی أیدیهم بالمعروف، فإذا قام قائمنا علیہ السّلام حرّم علی کلّ ذی کنز کنزه حتّی یأتیه به فیستعین به علی عدوّه، و هو قول الله عزّ و جلّ فی کتابه: وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (۲)

محمّد بن یعقوب از محمّد بن یحیی، از احمد بن محمّد، از محمّد بن سنان، از معاذ ابن کثیر آورده است که گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام می فرمود:  
 «بر شیعیانمان این توسعه داده شده است که از آنچه در اختیار دارند به نیکی انفاق کنند. پس هرگاه قائم ما علیه السلام به پا خیزد، انباشتن ثروت را بر هر گنجینه داری تحریم خواهد کرد تا این که آن را بیاورد و حضرتش به وسیله ی آن بر دشمن خویش یاری جوید و این است (معنی) فرموده ی خدای - عزّ و جلّ - در کتاب خود که: (و آنان را که طلا و نقره می اندوزند و در راه خداوند انفاق نمی کنند به عذاب دردناکی بشارت ده).»

(۱). توبه (۹): ۳۵.

(۲). کافی ۴: ۶۱.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۸۹

[۶۵] العیاشی فی تفسیره، یاسناده: عن معاذ بن کثیر صاحب الأكيسه، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «موسّع علی شیعتنا...» و ذکر الحدیث إلی آخره. «۱»

عیاشی در تفسیرش به سند خود از معاذ بن کثیر صاحب الاکيسه روایت آورده که گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام می فرمود:

«بر شیعیانمان توسعه داده شده است...» و تا آخر حدیث را آورده است.

[۶۶] عنه، یاسناده: عن الحسين بن علوان، عن من ذکره عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«إنّ المؤمن «۲» إذا کان عنده من ذلك شیء ینفقه علی عیاله ما شاء، ثمّ إذا قام القائم علیه السّلام [ف] یحمل إلیه ما عنده ممّا «۳» بقی من ذلك یستعین به علی أمره، فقد أدی ما یجب علیه.» «۴»

هم از اوست که به سند خود از حسین بن علوان، از کسی که او را یاد کرد، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام آورده که فرمود:

«همانا اگر نزد مؤمن چیزی از آن (گنجینه) باشد، آنچه بخواهد برای خانواده ی خود مصرف می کند، سپس هرگاه حضرت قائم علیه السلام قیام کند، هرچه را از آن مال نزدش باقی مانده به پیشگاه آن حضرت تقدیم دارد که در راه پیش برد امر خود، از آن یاری جوید. چنین کسی آنچه را بر او واجب بوده انجام داده است.» «۵»

(۱). تفسیر العیاشی ۲: ۸۷ [برائت، ح ۵۴].

(۲). [در مأخذ: المؤمن].

(۳). [در مأخذ: فما].

(۴). تفسیر العیاشی ۲: ۸۷-۸۸ [برائت، ح ۵۵].

(۵). ظاهرا مقصود این است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور، حقوق خود را به طور کامل مطالبه خواهند کرد. (مترجم)



## ۲۴ [سوره ی توبه [آیه ۳۶]

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ﴿۱﴾

(همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند در کتاب خدا دوازده ماه است؛ (از) آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفرید. چهار ماه از آن‌ها حرام است. این است آیین استوار. پس در (مورد) آن‌ها بر خود ستم مکنید.)

[۶۷] محمد بن ابراهیم النعمانی، فی الغیبه، قال: أخبرنا علی بن الحسین، قال: حدّثنا محمد بن یحیی العطار، قال: حدّثنا محمد بن حسان «۲» الرّازی، عن محمد بن علی الكوفی، عن ابراهیم بن محمد بن یوسف، عن محمد بن عیسی، [عن عبد الرزاق عن محمد بن سنان، عن فضیل الرّشان، عن ابي حمزة الثمالی، قال:

كنت عند ابي جعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام ذات يوم، فلما تفرّق من كان عنده قال لی:

«یا ابا حمزة، من المحتوم الّذی لا- تبدیل له عند الله قیام قائمنا علیه السّلام، فمن شكّ فیما أقول لقی الله و هو به کافر، و هو له جاحد.»

ثم قال: «بابی أنت و أمی المسمی باسمی، و المکنی بکنیتی، السّابع من

(۱). توبه (۹): ۳۷.

(۲). [در متن: الحسن].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹۱

بعدی! بأبی من یملاً الأرض قسطاً و عدلاً «۱» كما ملئت ظلماً و جوراً!

ثم قال: «یا ابا حمزة، من أدركه فلم یسلم له ما سلم لمحمد و علی صلوات الله علیهما، فقد «۲» حرم [الله علیه الجنة و مأواه النار و بس مشوی الظالمین.»

و أوضح من هذا- بحمد الله- و أنور و أبین و أزهر لمن هداه الله و أحسن إلیه، قول الله عزّ و جلّ فی محکم کتابه: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ، فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ و معرفة الشُّهُور- المحرّم و صفر و ربیع و ما بعده و الحرم منها هی رجب و ذو العقده و ذو الحجّه و المحرّم- لا یكون دیناً قیماً، لأنّ اليهود و النصارى و المجوس و سایر الملل و الناس جميعاً من الموافقين و المخالفين يعرفون هذه الشُّهُور و یعدونها بأسمائها، و إنّما هم الأئمة [و] القوامون بدين الله عزّ و جلّ، و الحرم منها أمير المؤمنین علی علیه السلام الّذی اشتقّ [الله تعالی له اسماً من اسمه العلیّ، كما اشتقّ لرسول الله «۳» صلی الله علیه و اله و سلم اسماً من اسمه المحمود، و ثلاثه من ولده [أسماءهم علیّ: علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد. فصار لهذا «۴» الاسم المشتقّ من اسم الله جلّ و عزّ حرمة به، و صلوات الله علی محمد و آله المکرّمین المتحرّمین به «۵». «۶»

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: خبرمان داد علی بن الحسین، گفت: برایمان حدیث نمود محمد بن یحیی عطار، گفت: حدیثمان داد محمد بن الحسن رازی، از محمد بن علی کوفی، از ابراهیم بن محمد بن یوسف، از محمد بن عیسی،

(۱). [در مأخذ: عدلاً و قسطاً].

(۲). [در مأخذ: و قد.]

(۳). در مأخذ: لرسوله.

(۴). [در متن: هذا.]

(۵). در متن: المحترمين.

(۶). کتاب الغيبة: ۸۶ [– ۸۷ (باب ۴، ح ۱۷)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹۲

[از عبد الرزاق، از محمد بن سنان، از فضیل رسان، از ابو حمزه ثمالی که گفت: روزی در محضر امام ابو جعفر محمد بن علی باقر علیهما السلام بودم. وقتی کسانی که در محضر امام علیه السلام بودند همه رفتند، به من فرمود:

«ای ابو حمزه، از امور حتمی که نزد خداوند تبدیل ناپذیر است، قیام قائم علیه السلام است. پس هر کس در آنچه می گویم شک کند، در حالتی خداوند را ملاقات خواهد کرد که بدو کافر باشد.»

سپس فرمود: «پدر و مادرم فدای تو باد؛ ای نامیده شده به نام من و کنیه داده شده به کنیه‌ی من «ا»، ای هفتمین (امام) بعد از من! پدرم فدای کسی که زمین را بر از قسط و عدل خواهد ساخت؛ هم‌چنان که از ظلم و جور پر شده باشد!»

سپس فرمود: «ای ابو حمزه، هر کس او را درک کند و آنچه را برای محمد و علی صلوات الله علیهما تسلیم داشته است، نسبت به او تسلیم ندارد، به درستی که [خداوند] بهشت را بر وی تحریم خواهد کرد و جایگاهش آتش دوزخ است که منزلگاه بد ظالمان است.»

واضح‌تر از این - بحمد الله - و نورانی‌تر و روشن‌تر و آشکارتر برای کسی که خداوند هدایتش فرموده و به او احسان داشته است، فرموده‌ی خدای - عز و جل - در کتاب محکم خویش است: (همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند در کتاب خدا دوازده ماه است؛ (از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفرید. چهار ماه از آن‌ها حرام است. این است آیین استوار.

پس در (مورد) آن‌ها بر خود ستم مکنید.)

شناختن ماه‌ها - محرم و صفر و ربیع و ... و این که ماه‌های حرام: رجب و ذو القعدة و ذو الحجة و محرم‌اند - دین استوار نیست؛ زیرا که یهود و نصاری و مجوس و سایر ملل و همه‌ی مردم، موافقان و مخالفان، این ماه‌ها را می‌شناسند و آن‌ها را به اسم می‌شمارند! این‌ها همان امامان علیهم السلام و برپادارندگان دین خدای - عز و جل - اند و

(۱). بعضی از امامان یک کنیه و بعضی بیش‌تر داشته‌اند. کنیه‌ی امام باقر علیه السلام ابو جعفر است و مولایمان حضرت حجت - ارواحنا فداه - چندین کنیه دارند. از جمله، ابو جعفر که در چند روایت آمده است. در این باره نگاه کنید به: کمال الدین ۲: ۴۷۴ و دلائل الإمامة: ۲۷۱ و نجم ثاقب: ۳۴. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹۳

حرام از آنان، امیر المؤمنین علیه السلام است که خدای - تعالی - برایش اسمی از نام بلند خویش (علی) مشتق فرمود؛ هم‌چنان که برای رسول خود اسمی از نام پسندیده‌ی (محمود) خویش برگزید و سه تن از فرزندان او که نامشان علی است: علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد. پس این اسم - که از اسم خدای عز و جل مشتق شده - حرمتی گرفته است و درود خداوند بر محمد و آل گرامی او باد که به او حرمت یافته‌اند.

[۶۸] عنه، قال: أخبرنا سلامة بن محمد، قال: حدثنا أبو الحسن علي بن عمر المعروف بالحاجي، قال: حدثنا القاسم بن حمزة العلوي العباسي الرازي، قال: حدثنا جعفر بن محمد الحسنی، قال: حدثني «۱» عبيد بن كثير، قال: حدثنا أحمد «۲» بن موسى الأسدي، عن

داود بن كثير [الرَّقِيّ] قال: دخلت على أبي عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام بالمدينة، [ف] قال [لى]: «ما الذى أبطأ بك عنا يا داود؟» فقلت: حاجة عرضت بالكوفة.

فقال: «من خلّفت بها؟» [ف] قلت: جعلت فداك، خلّفت [بها] عمك زيدا، تركته راكبا على فرس متقلّدا مصحفا «۳» ينادى بأعلى صوته: سلونى سلونى؛ قبل أن تفقدونى! فبين جوانحى علم جمّ، قد عرفت الناسخ من المنسوخ، و المثنى و القرآن العظيم، و إنى العلم بين الله و بينكم!

فقال (عليه السلام) [لى]: «يا داود، لقد ذهبت بك المذاهب!» ثم نادى: «يا سماعه بن مهران، ائتنى بسلة الرطب.» [فأتاه بسلة فيها رطب فتناول منها رطبة فأكلها، و استخراج النواة من فيه، فغرسها فى الأرض، ففلقت و أنبتت و أطلعت و أغدقت، فضرب بيده إلى

(۱). در مأخذ: حدّثنا.

(۲). در مأخذ: أبو أحمد.

(۳). در مأخذ: سيفا.

سیمای حضرت مهدى در قرآن، ص: ۱۹۴

بسرّه من عذق فشققها و استخراج منها رقّا أبيض، ففضّه و دفعه إلى و قال:

«اقرأ فقرأته فإذا فيه سطران، [السطر] الأول: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، و الثانى: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ أمير المؤمنين على بن أبى طالب، الحسن ابن على، الحسين بن على، على بن الحسين، محمد بن على، جعفر بن محمد، موسى بن جعفر، على بن موسى، محمد بن على، على بن محمد، الحسن بن على، الخلف الحجّة.

ثم قال: «يا داود! أتدرى متى كتب هذا فى هذا؟» قلت: الله أعلم و رسوله و أنتم، قال: «قبل أن يخلق الله آدم بألفى عام.» «۱»

هم از اوست که گوید: خبرمان داد سلامه بن محمد، گفت: حدیث مان آورد ابو الحسن على بن عمر معروف به حاجى، گفت: حدیث مان داد قاسم بن حمزهى علوى عباسى رازى، گوید: حدیث مان داد جعفر بن محمد حسنى، گفت: حدیث ام آورد عبید ابن كثير، گوید: حدیث مان آورد احمد بن موسای اسدى، از داوود بن كثير [رقى] که گفت:

بر حضرت ابو عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام در شهر مدینه وارد شدم. آن حضرت [به من فرمود: «داوود، چرا در آمدن نزد ما دیر کردى؟» عرضه داشتیم: در کوفه کارى برايم پیش آمده بود. فرمود: «هنگامى که از کوفه بیرون آمدى، چه کسى را آنجا دیدى؟» عرض کردم: فدایتان گردم! عموى شما زید را دیدم که بر اسبى سوار بود و قرآنى با خود برداشته و با صدای بلند فریاد مى زد: از من پرسید! از من پرسید! پیش از آن که مرا از دست بدهید؛ زیرا که در سینه ام علم و دانش بسیارى نهفته است. من ناسخ را از منسوخ باز شناخته ام و مثنى و قرآن عظیم را دانسته ام و من ام آن علامت و نشانه ی بین خداوند و شماها.

امام صادق (عليه السلام) [به من فرمود: «داوود، دل به این و آن سپرده ای!» سپس صدا

(۱). کتاب الغيبة: ۸۷-۸۸ [باب ۴، ح ۱۸].

سیمای حضرت مهدى در قرآن، ص: ۱۹۵

زد: ای سماعه بن مهران! آن ظرف خرمای تازه را بیاور. [سماعه ظرفى که در آن خرمای تازه بود آورد] پس آن حضرت خرمایى از آن برگرفت و میل فرمود و هسته را از دهان بیرون آورد و در زمین کاشت. همان دم زمین شکافته شد و آن هسته رویید و

شکوفه داد و خرما شد. امام علیه السّلام دست زد و یکی از خرماهای نارس را از خوشه چید و آن را شکافت و از داخل آن پوست نازک سفیدی بیرون آورد. آن را باز کرد و به دست من داد و فرمود: «بخوان».

آن را خواندم. دیدم دو سطر نوشته است؛ [سطر] اول: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و دوم: (همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند در کتاب خدا دوازده ماه است؛ (از) آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفرید. چهار ماه از آن‌ها حرام است. این است آیین استوار. پس در (مورد) آن‌ها بر خود ستم مکنید): امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، الحسن بن علی، الحسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، الحسن بن علی، الخلف الحجّه. سپس فرمود: «ای داوود! آیا می‌دانی چه وقت این‌ها در این‌جا نوشته شده؟» عرض کردم: خداوند بهتر می‌داند و رسول او و شما. فرمود: «دو هزار سال پیش از آن‌که خداوند آدم را بیافریند.»

شیخ مفید نیز این دو خبر را در کتاب غیبت روایت کرده است.

[۶۹] و عنه، قال: أخبرنا سلامه بن محمد، قال: أخبرنا محمد بن الحسن ابن «۱» علی بن مهزیار، قال: أخبرنا «۲» أحمد بن محمد السّیاری، عن أحمد بن هلال و (قال): و حدّثنا «۳» علی بن محمد بن عبد الله الخبائنی، عن أحمد بن هلال، عن أمیة بن میمون الشّعیری، عن زیاد القندی، قال: سمعت أبا إبراهيم موسى بن جعفر [بن محمد] علیهم السّلام يقول:

(۱). [در مأخذ: الحسن بن.]

(۲). در مأخذ: حدّثنا.

(۳). در متن: أخبرنا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹۶

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ بَيْتًا مِنْ نُورٍ جَعَلَ قِوَا [ی] مَهْ أَرْبَعَهُ أَرْكَانَ، [كُتِبَ عَلَيْهَا] أَرْبَعَةُ أَسْمَاءَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ «۱»، ثُمَّ خَلَقَ مِنَ الْأَرْبَعَةِ أَرْبَعَةً، وَ مِنَ الْأَرْبَعَةِ أَرْبَعَةً، ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا.» [۲]

هم از اوست که گفت: سلامه بن محمد خبرمان داد. وی گفت: محمد بن الحسن ابن علی بن مهزیار به ما خبر داد، گفت: احمد بن محمد سیاری از احمد بن هلال خبرمان داد و نیز علی بن محمد بن عبد الله خبائنی حدیث‌مان داد، از احمد بن هلال، از امیة بن میمون شعیری، از زیاد قندی که گفت: شنیدم حضرت ابو ابراهیم موسی بن جعفر علیهم السّلام می‌فرمود:

«خدای - عَزَّ وَ جَلَّ - خانه‌ای از نور آفرید که پایه‌های آن را چهار رکن قرار داد.

(آن‌گاه) چهار اسم بر آن نوشت: سبحان الله و الحمد لله. سپس از آن چهار، چهار دیگر بیافرید و از آن چهار، چهار دیگر. پس از آن، خدای - عَزَّ وَ جَلَّ - فرمود: (همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند در کتاب خدا دوازده ماه است).»

[۷۰] الشّیخ الطّوسی، فی الغیبه - رواه بحذف الإسناد عن جابر الجعفی -:

قال:

سألت أبا جعفر علیه السّلام عن تأویل قول الله عزّ و جلّ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدّينُ الْقَيّمُ، فَلَا تَظَلّمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ فقال: - فتنفس سيدي الصّعاء ثم قال:

«يا جابر، أمّا السّنة فهو «۳» جدی رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم، و شهورها اثنا عشر شهرا فهو أمير المؤمنين عليه السّلام [و] إلى و إلى ابني جعفر و ابنه موسی و ابنه علی و ابنه محمد و ابنه علی و إلى ابنه الحسن و إلى ابنه محمد الهادي المهدي عليهم السّلام، اثنا عشر

(۱). در مأخذ: تبارک و سبحان و الحمد و الله.

(۲). کتاب الغیبة: ۸۸-۸۹ [باب ۴، ح ۱۹].

(۳). [در مأخذ: فهی].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹۷

إماما حجج الله على «۱» خلقه، و أمناؤه على وحيه و علمه، و الأربعة الحرم الذين هم الدين القيم، أربعة منهم يخرجون باسم واحد: علي أمير المؤمنين، و أبي علي بن الحسين، و علي بن موسى، و علي بن محمد عليهم السلام، فالإقرار بهؤلاء هو الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم أي: قولوا بهن «۲» جميعا تهتدوا. «۳»

شیخ طوسی در کتاب غیبت، همین (تفسیر) را با حذف سند از جابر جعفری روایت می کند که گفت:

از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام در مورد تأویل قول خدای - عزّ و جلّ-: (همانا شمار ماهها نزد خداوند در کتاب خدا دوازده ماه است؛ (از) آن روز که آسمانها و زمین را آفرید. چهار ماه از آنها حرام است. این است آیین استوار. پس در (مورد) آنها بر خود ستم نکنید) پرسیدم. - (جابر در ادامه) گوید: - آن حضرت آهی کشید. آن گاه فرمود:

«جابر، منظور از سال، جدم رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است و ماههای آن دوازده ماه است: (از) امیر المؤمنین علیه السلام تا به من و فرزندانم جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمد و پسرش علی و تا پسرش حسن و تا پسرش محمد هادی مهدی علیهم السلام است، دوازده امام حجت های خداوند بر آفریدگانش و امینان او بر وحی و علمش و آن چهار (ماه) حرام که همانها دین استوارند، چهار تن از ایشان اند که به یک اسم بر می آیند: حضرت علی امیر المؤمنین و پدرم علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد علیهم السلام. بنابراین اقرار به ایشان همان (دین استوار است. پس در مورد آنان بر خویشتن ستم نکنید) یعنی: به همه ی آنان معتقد باشید تا هدایت شوید.»

[۷۱] الشیخ شرف الدین النجفی، فی تأویل الآیات الباهرة فی العترة الطاهرة، عن المقلد بن غالب الحسنی رحمه الله: عن رجاله یاسناد متصل إلى عبد الله بن

(۱). در مأخذ: فی.

(۲). در مأخذ: بهم.

(۳). کتاب الغیبة: [۱۴۹ ح (۱۱۰)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۱۹۸

سنان الأسدی «۱»، عن جعفر بن محمد علیه السلام [قال:

«قال أبی - یعنی محمد الباقر علیه السلام - لجابر بن عبد الله: لی إلیک حاجة أخلو بک فیها، فلما خلا به قال: یا جابر، أخبرنی عن اللوح الذی رأیته عند أمی فاطمة الزهراء علیها السلام، فقال [جابر]: أشهد بالله، لقد دخلت علی سیدتی فاطمة الزهراء لأهنيها بولدها الحسين علیه السلام، فإذا بیدها لوح أخضر من زمردة خضراء فيه كتابه أنور من الشمس و أطيب رائحة من المسك الأذفر، فقلت: ما هذا (اللوح) یا بنت رسول الله، فقالت: هذا لوح أنزله الله - تعالی - علی أبی و قال لی:

"احفظیه، ففعلت، فإذا فيه اسم أبی و بعلی و اسم ابنی الأوصیاء من بعد ولدی الحسين. فسألته أن تدفعه إلیّ لأنسخه، ففعلت.

فقال له أبی علیه السلام: ما فعلت بنسختک؟ فقال: هی عندی، فقال: فهل لك أن تعارضنی علیها؟ قال: فمضى جابر إلى منزله فأتاه بقطعة جلد أحمر، فقال له:

انظر فی صحیفتک حتی أقرأها علیک، فكان فی صحیفته:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هذا كتاب من الله العزيز الحكيم «٢» أنزله الروح الأمين على محمد خاتم النبيين، يا محمد إنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ، ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ، فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ يا محمد، عظم أسمائي و اشكر نعمائي، و لا تجحد آلائي، و لا ترج سواي، و لا تخش غيري، فإنه من يرج «٣» سوائي و يخش غيري أعدبه عذابا لا أعدبه أحدا من العالمين.

(١). [عبد الله بن سنان بن طريف كوفي و برادرش محمد بن سنان از اصحاب امام ششم عليه السلام با پیوند «ولاء» به بنی هاشم منتسب می شدند؛ اسدی بودن ایشان در کتب رجال یافت نشد.]

(٢). در مأخذ: العليم.

(٣). [در متن و مأخذ: یرجو.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ١٩٩

یا محمد إني اصطفتك على الأنبياء،

و اصطفت وصيک [عليا] على الأوصياء،

جعلت الحسن عیة علمی بعد انقضاء مدّة أبيه،

و الحسين خير أولاد الأولين و الآخرين - فيه ثبتت الإمامة [و منه العقب -

و علی بن الحسين زين العابدين،

و الباقر العلم الداعي إلى سبیلی علی منهاج الحق،

و جعفر الصادق فی القول و العمل - تلبس من بعده فتنة صماء، فالويل كل الويل لمن كذب عتره نبی و خیره خلقی! -

و موسى كاظم الغیظ،

و علی الرضا - يقتله عفریت كافر يدفن بالمدينة التي بناها العبد الصالح إلى جنب شر خلق الله -

و محمد الهادي شبيه جدّه الميمون،

و علی الهادي «١» إلى سبیلی و الذاب عن حرمی و القائم فی رعيتی،

و الحسن الأغر يخرج منه ذو الاسمين خلف محمد يخرج في آخر الزمان و علی رأسه غمامة «٢» بيضاء تظله عن الشمس، و ينادي

مناد بلسان فصيح يسمعه الثقلان و من بين الخافقين: هذا المهدي من آل محمد، فيملا الأرض عدلا كما ملئت جورا. «٣»

(١). در مأخذ: الداعي.

(٢). [در مأخذ: عمامة.]

(٣). تأويل الآيات الظاهرة ١: [٢٠٤-٢٠٦].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٠٠

سیمای حضرت مهدی در قرآن ٢٢٩

شيخ شرف الدين نجفي، در كتاب تأويل الآيات الباهرة في العترة الطاهرة: از مقلد بن غالب حسنی رحمه الله از رجالش به سند

متصلي تا عبد الله بن سنان اسدی، از حضرت جعفر بن محمد امام صادق عليه السلام آورده است که [آن حضرت فرمود]:

«پدرم - یعنی امام محمد باقر عليه السلام - به جابر بن عبد الله فرمود: با تو کاری دارم که در خلوت آن را می گویم و چون جای

خلوتی با او ملاقات کرد، فرمود: جابر، مرا خبر ده از آن لوحی که نزد مادرم فاطمه زهرا عليها السلام مشاهده کردی؟ [جابر]

خدای را شاهد می‌گیرم که بر بانویم فاطمه‌ی زهرا وارد شدم تا او را به ولادت فرزندش حسین علیه السلام تهنیت بگویم. دیدم لوح سبزی از زمرد سبز به دست دارد که نوشته‌ای روشن‌تر از خورشید و خوش‌بوتر از مشک اذفر در آن است. عرضه داشتم:

ای دخت رسول خدا، این (لوح) چیست؟

فرمود: «این لوحی است که خدای - تعالی - آن را بر پدرم نازل فرمود و (پدرم) به من فرمود: آن را نگاه دار. من نگاه داشتم و دیدم که نام پدر و همسر و نام دو پسر و جانشینان پس از فرزندانم حسین در آن هست.

(جابر گفت: پس، از آن حضرت خواهش کردم که آن لوح را به من بدهد تا از رویش نسخه بردارم. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام لوح را به من داد که از روی آن نسخه‌ای نوشتم.»

(امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم به او گفت: نسخه‌ات را چه کردی؟ عرضه داشت: آن نسخه نزد من است. فرمود: آیا می‌خواهی آن را با نسخه‌ی من مقایسه کنی؟

جابر به منزل خود رفت و قطعه پوست سرخی آورد. (امام باقر علیه السلام) به او فرمود: در صفحه (ی نوشته) ات نگاه کن تا آن را بر تو (از بر) بخوانم. در صحیفه‌ی او چنین بود:

به نام خداوند بخشاینده‌ی مهربان. این نوشته‌ای است از (سوی) خدای عزیز حکیم. آن را روح الامین بر محمد خاتم پیغمبران نازل کرد. ای محمد (همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است، در کتاب خدا؛ روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید. از آن‌ها چهار ماه حرام است. آن است دین استوار و محکم. پس در (مورد) آن‌ها بر خویشان ظلم نکنید). ای محمد، اسم‌های مرا بزرگ شمار و نعمت‌هایم را سپاس گزار و بخشش‌های

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۱

مرا انکار مکن و به غیر من امید مدار و از غیر من بیمناک مباش که هر کس به جز من امید بندد و از غیر من بیمناک شود، او را عذابی کنم که هیچ کس از عالمیان را چنان عذاب نکرده باشم.

ای محمد، من تو را بر پیغمبران برگزیدم و جانشینت [علی را بر جانشینان برتری دادم. حسن را گنجینه‌ی علمم قرار دادم؛ پس از پایان یافتن مدّت پدرش و حسین را بهترین فرزندان اولین و آخرین. در او نسل امامت پای‌دار است و علی بن الحسین زینت عبادت‌کنندگان است و آن شکافنده‌ی دانش که به راه من بر شیوه‌ی حق دعوت می‌کند و جعفر، آن صادق راست‌گوی در گفتار و کردار. فتنه‌ی (کور و) گنگی پس از وی خواهد بود؛ وای بر کسی که عترت پیغمبرم و بهترین خلقم را تکذیب کند! آن‌گاه موسی فرو نشاننده‌ی خشم و غیظ و علی رضا. او را کافری می‌کشد و در آن شهری که بنده‌ی صالح «۱» بنا کرده در کنار بدترین خلق خدا مدفون خواهد شد و محمد هادی شبیه نیای خجسته‌اش و علی هادی به راه من و دفاع‌کننده از حریم من و قیام‌کننده در رعیت من و حسن تابنده‌رو. از صلب او، آن دارای دو اسم بازمانده‌ی محمد بیرون می‌آید. او در آخر الزمان خروج می‌کند؛ درحالی که ابر سپیدی بر سرش سایه می‌افکند و منادی - به زبان فصیحی که جنّ و انس و هر که ما بین مشرق و مغرب است آن را بشنوند - بانگ خواهد زد: این است مهدی از آل محمد! پس زمین را از عدل می‌آکند؛ هم‌چنان که از جور و ستم پر شده باشد.» (۲)

(۱). ذو القرنین. (مترجم)

(۲). روایات در مورد تعداد ائمه‌ی معصومین علیهم السلام - که دوازده تن‌اند، نه بیش‌تر و نه کم‌تر - بسیار زیاد است و در آثار شیعی و سنی آمده است و بعضی از علما کتاب‌های جداگانه‌ای در این باره نگاشته‌اند؛ مانند: «کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الاثنی عشر». نیز کتاب‌های زیادی در شرح حال و فضایل دوازده امام بر حق علیهم السلام تألیف گردیده است؛ از جمله: الفصول المهمّة از



ابن صباغ مالکی و ینابیع المودّة. کتاب‌های دیگری نیز از علمای سنی بر جای مانده است. (مترجم)  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۲

## ۲۵ [سوره ی توبه [آیه ۳۶]

وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً «۱»

(و همگان با مشرکان بجنگید؛ چنان که آن‌ها همگی با شما جنگ می‌کنند.)

[۷۲] العیاشی، باسناده: عن زرارة، قال أبو عبد الله عليه السلام:

«سئل أبي عن قول الله «۲»: (وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً، حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً «۳» وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَقَالَ:

لا، لم يجئ تأويل هذه الآية، و لو قد قام قائمنا بعد سیری من یدر که ما یرک ما یرک من تأویل هذه الآية، و لیلغَنَ دین محمد ما بلغ اللیل حَتَّى لَا یكون مشرک علی ظهر الأرض كما قال الله. «۴»

عیاشی به سند خود از زراره آورده است که گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«از پدرم توضیح این آیه را خواستند: (و همه با مشرکان بجنگید؛ هم چنان که آن‌ها همگی با شما جنگ می‌کنند تا این که هیچ گونه فتنه‌ای باقی نماند و تمام دین برای خداوند باشد). فرمود: هنوز تأویل این آیه نرسیده است و هر گاه در آینده قائم ما به پا خیزد،

(۱). توبه (۹): ۳۷.

(۲). در متن: قال أبو جعفر عليه السلام.

(۳). در متن: لا یكون مشرک. آیه‌ی یاد شده از دو آیه؛ توبه (۹): ۳۷ و انفال (۸): ۴۰، ممزوج شده است و این حدیث در ذیل شماره‌ی بیست و یکم گذشت.

(۴). تفسیر العیاشی ۲: ۵۶ [انفال، ح ۴۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۳

هر آن که زمان او را دریابد، آن چه را از پی تأویل این آیه خواهد بود، درک می‌کند و دین حضرت محمد تا هر کجا که شب سایه می‌افکند، خواهد رسید؛ آن سان که هیچ دو گانه پرستی بر روی زمین نخواهد ماند؛ هم چنان که خداوند فرموده است.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۴

## ۲۶ [سوره یونس [آیه ۲۱]

وَ یَقُولُونَ: لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِنْ رَبِّهِ؟ فَقُلْ: إِنَّمَا الْعِغْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا، إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ «۱»

(و کافران) گویند: چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: همانا غیب مخصوص خداوند است. پس منتظر باشید که من به هم‌راه شما از منتظران‌ام.)

[۷۳] ابن بابویه، قال: حدّثنا علی بن أحمد [بن محمد] الدقاق رضی الله عنه، قال: حدّثنا محمد بن أبی عبد الله الكوفی، قال: حدّثنا

موسی بن عمران النخعی، عن عمّه الحسین بن یزید، عن علی بن أبی حمزة، عن یحیی بن [أبی] القاسم، قال:

سألت الصادق علیه السلام عن قول الله عزّ و جلّ: الم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ «۲»، فقال:

«المتّقون شیعة علی علیه السّلام، و الغیب [ف] هو الحجة القائم «۳» و شاهد ذلك قول الله عزّ و جلّ: وَ یَقُولُونَ: لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَیْهِ آیَةٌ

مِنْ رَبِّهِ؟ فَقُلْ: إِنَّمَا الْعِغْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ «۴»



ابن بابویه گوید: حدیث‌مان داد علی بن احمد [بن محمد] دقاق رضی الله عنه، گوید:

(۱). یونس (۱۰): ۲۱.

(۲). بقره (۲): ۲-۴.

(۳). در مأخذ: الغائب.

(۴). کمال الدین ۲: ۳۴۰- [۳۴۱ (باب ۳۳، ح ۲۰)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۵

حدیث‌مان آورد احمد بن ابی عبد الله کوفی، گوید: حدیث‌مان داد موسی بن عمران نخعی، از عمویش حسین بن یزید، از علی بن ابی حمزه، از یحیی بن ابی القاسم که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای- عز و جل-: (ا ل م \* این کتاب- هیچ تردیدی در آن نیست- هدایتگر پروا پیشگان است \* کسانی که به غیب ایمان آورند) «۱» پرسیدم.

فرمود:

«پارسیان شیعیان علی علیه السلام اند و غیب همان حجت قائم است. گواه این (سخن) فرموده‌ی خدای- عز و جل- است: (و (کافران) گویند: چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: همانا غیب مخصوص خداوند است. پس منتظر باشید که من به همراه شما از منتظران ام.)»

(۱). البته غیب به خداوند و قیامت و غیر آن نیز تفسیر شده و در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مراد از غیب سه چیز است: ۱- قیام حضرت قائم علیه السلام، ۲- رجعت، ۳- قیامت.» [رک. تفسیر قمی، ذیل آیه‌های ۲۵-۲۸ سوره‌ی جن؛ ولی کمال ایمان و مصداق بارز و رکن اساسی ایمان به غیب:

اعتقاد به حجت قائم است؛ چون ایمان به خداوند و قیامت در مذاهب دیگر و حتی غیر مسلمان‌ها نیز هست. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۶

## ۲۷ [سوره‌ی یونس [آیه‌ی ۲۵]

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا، أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ، كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ «۱»

(تا آن‌گاه که زمین از خرمی و سبزی به خود زیور بندد و آرایش کند و مردمش خود را بر آن توانا پندارند، ناگهان فرمان ما، به شب یا روز، در رسد و آن همه زیور زمین را درو کنیم و چنان خشک گردد که گویی دیروز در آن هیچ نبوده است. این گونه نشانه‌ها (ی خویش) را برای اندیشمندان بیان می‌داریم.)

[۷۴] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، قال: أخبرني أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى، عن أبيه، قال: حدثنا أبو علي الحسن بن محمد «۲» النّهاندي، قال:

حدثنا محمد بن أحمد القاشاني، قال: حدثنا علي بن سيف، قال: حدثني أبي، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال:

«نزلت في بني فلان ثلاث آيات:

قوله عزّ و جلّ: حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا يَعْنِي الْقَائِمَ بِالسَّيْفِ فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن

(۱). یونس (۱۰): ۲۵.

(۲). [در متن: علی].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۷

لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ

و قوله عزّ و جلّ: فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ، فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «۱»- قال أبو عبد الله عليه السلام:- بالسيف.

و قوله عزّ و جلّ: فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَسِينَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِنِكُمْ، لَعَلَّكُمْ تُسْتَمْلُونَ «۲» یعنی القائم عليه السلام يسأل بني فلان عن كنوز بني أمية. «۳»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید: ابو الحسين محمد بن هارون بن موسی از پدرش برایم خبر گفت که: ابو علی حسن بن علی نهارندی حدیث مان داد، وی گفت:

محمد بن احمد کاشانی حدیث مان داد، گفت: علی بن سیف حدیث مان داد، گفت: پدرم از مفضل بن عمر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام برایم حدیث گفت که فرمود:

«در باره ی خاندان فلان، سه آیه نازل شده است:

- فرموده ی خدای - عزّ و جلّ - : (تا آن گاه که زمین از خرّمی و سبزی به خود زیور بندد و آرایش کند و مردمش خود را بر آن توانا پندارند، ناگهان فرمان ما، به شب یا روز، در رسد) یعنی حضرت قائم، با شمشیر (پس آن همه زیور زمین را درو کند و چنان خشک گردد که انگار دیروز در آن هیچ نبوده است).

- و فرموده ی خدای - عزّ و جلّ - : (درهای همه چیز را بر آنها گشودیم تا آن گاه که به آنچه عطا شدند شادمان و مغرور گشتند، به ناگاه آنها را (به کیفر اعمالشان) گرفتار کردیم و در آن هنگام خوار و نومید شدند. پس ریشه ی قومی که ستم کردند کنده شد و ستایش خدای را که پروردگار عالمیان است) - امام صادق علیه السلام فرمود:- به وسیله ی شمشیر (ریشه کن می شوند).

(۱). أنعام (۶): ۴۵-۴۶.

(۲). أنبیاء (۲۱): ۱۳-۱۴.

(۳). دلائل الإمامة: [۴۶۸-۴۶۹ (ح ۴۵۶)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۸

- و فرموده ی خدای - عزّ و جلّ - : (پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان گشتند. نگریزید و به آنچه از خوش گذرانی ها و لذت ها و مساکن بوده اید باز گردید تا شاید پرسش شوید) مراد آن است که قائم علیه السلام از خاندان فلان راجع به گنج های بنی امیه پرسش می کند.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۰۹

۲۸ [سوره ی یونس [آیه ی ۳۶]]

قُلْ: هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؟ قُلِ: اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ. أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ؟ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟ (۱)

(بگو (ای پیامبر): آیا هیچ کدام از شرکای شما (مشرکان) کسی را به راه حق هدایت می‌کنند؟ بگو: تنها خداست که به سوی حق هدایت می‌فرماید. آیا آن که خلق را به حق راهبری می‌کند به پیروی سزاوارتر است یا آن که هدایت نتواند کرد مگر آن که خود هدایت شود؟ شما را چه شده است؟ چگونه قضاوت می‌کنید؟!)

[۷۵] محمد بن یعقوب، عن أبي علي الأشعري: عن محمد بن عبد الجبار، عن ابن فضال و الحجاج، جميعا عن ثعلبة (بن ميمون)، عن عبد الرحمن بن مسلمة الجريري قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: يوبخونا و يكذبونا أنا نقول: [إن صيحتين تكونان، يقولون: من أين تعرف المحققة من المبطله إذا كانتا؟

قال: «فماذا تردون عليهم؟» قلت: ما نرد عليهم شيئا.

قال: «قولوا: يصدق بها إذا كانت من [كان يؤمن بها من قبل، إن الله عز و جل يقول: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ؟ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» (۲)

(۱). یونس (۱۰): ۳۶.

(۲). روضه‌ی کافی: ۲۰۸ [ح ۲۵۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۰

محمد بن یعقوب از ابو علی اشعری، از محمد بن عبد الجبار، از ابن فضال و حجاج روایت آورده که هر دو از ثعلبه (بن ميمون) از عبد الرحمن بن مسلمة جریری روایت کرده‌اند که گفت:

به حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم: (مخالفان) ما را نکوهش می‌کنند و دروغ گو می‌شمارند که می‌گوییم: دو صیحه خواهد بود. آن‌ها می‌گویند: از کجا معلوم می‌شود که کدام حقیقت است و کدام باطل؟

فرمود: «در پاسخ آن‌ها چه می‌گویید؟» عرض کردم: چیزی در رد آن‌ها نمی‌گوییم.

فرمود: «بگویید: کسی که پیش‌تر به آن ایمان داشته است آن را تصدیق خواهد کرد. همانا خدای - عز و جل - می‌فرماید: (آیا آن که خلق را به حق راهبری می‌کند، به پیروی سزاوارتر است یا آن که هدایت نتواند کرد مگر آن که خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده است؟ چگونه قضاوت می‌کنید؟!)

[۷۶] محمد بن ابراهیم النعمانی فی کتاب الغیبه، قال: آخرینا أحمد بن محمد ابن سعید قال: حدثني «(۱) علی بن الحسن التیملی، عن أبيه، عن محمد بن خالد، عن ثعلبة بن ميمون، عن عبد الرحمن بن مسلمة الجريري، قال:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن الناس يوبخونا ... و ذكر الحديث. (۲)

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد، گفت: حدیث‌ام داد علی بن الحسن تیملی، از پدرش، از محمد بن خالد، از ثعلبه بن ميمون، از عبد الرحمن بن مسلمة جریری که گفت: به حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم: مردم ما را سرزنش می‌کنند ... و همین حدیث را یاد کرده است.

[۷۷] محمد بن یعقوب، عن أبي علي الأشعري: عن محمد، عن ابن فضال و

(۱). در مأخذ: حدیثنا.

(۲). کتاب الغیبه: ۲۶۶ [باب ۱۴، ح ۳۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۱

الحجّال، عن داود بن فرقد، قال: سمع رجلا من العجلية هذا الحديث، قوله:

«ينادي مناد: "ألا إن فلان بن فلان و شيعته هم الفائزون" أول النهار، و ينادى آخر النهار: "ألا إن عثمان و شيعته هم الفائزون" قال: و ينادى أول النهار منادى آخر النهار».

فقال الرجل: فما يدرينا أيما الصادق «۱» من الكاذب؟ فقال: «يصدق [ه عليها] من كان يؤمن بها قبل أن ينادى. إن الله عزّ و جلّ يقول: أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ؟ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» «۲»

محمد بن يعقوب: از ابو علی اشعری، از محمد، از ابن فضال و حجّال از داوود بن فرقد روایت آورده که گفت: مردی از عجلیه «۳» این حدیث را شنید که: «منادی بانگ می‌زند: آگاه باشید که فلان فرزند فلان و شیعیانش رستگارانند. اول روز این ندا می‌شود و در آخر روز منادی ندا می‌دهد: آگاه باشید که عثمان و پیروانش رستگارانند [و همان صدای منادی اول روز است که در آخر روز به گوش می‌رسد].» پس آن مرد گفت:

چگونه بدانیم کدام راست گو و کدام دروغ گویند؟ در جواب گفت «۴»: «کسی که پیش از آن- که ندا شود- به آن ایمان داشته، آن را تصدیق خواهد کرد. خدای- عزّ و جلّ- می‌فرماید: (آن که خلق را به راه حق رهبری می‌کند، به پیروی سزاوارتر است یا آن که هدایت نتواند کرد مگر آن که خود هدایت شود؟ پس شما را چه می‌شود؟ چگونه قضاوت می‌کنید؟!»

[۷۸] ابن بابویه، قال: حدّثنا محمد بن الحسن [بن أحمد] بن الوليد [رضی الله عنه قال: حدّثنا الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن

(۱). در متن: أيّ الصادق.

(۲). روضه‌ی کافی: ۲۰۹ [ح ۲۵۳].

(۳). گویا مراد مردی از تبار عجل بن لجیم بن صعّب از بنی ربیعۀ بن نزار است که گروهی، از جمله هارون بن سعد بن عقبه (یاد شده در ص ۱۴۳) بدو نسب می‌رسانند.

(۴). ظاهرا پاسخ‌دهنده امام علیه السلام بوده‌اند.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۲

سويد، عن يحيى الحلبي، عن الحارث بن المغيرة البصري، عن ميمون البان، قال:

كنت عند أبي عبد الله «۱» عليه السلام في فسطاطه فرجع جانب الفسطاط فقال:

«إنّ أمرنا (لو) قد كان (لكان) أبين من هذه الشمس (المضيئة)». ثمّ قال:

«ينادي مناد من السّماء: "فلان بن فلان هو الإمام" باسمه، و ينادى إبليس لعنه الله من الأرض كما نادى برسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم ليلة العقبة.» «۲»

ابن بابویه گوید: محمد بن الحسن [بن احمد] بن الوليد [رضی الله عنه حدیث مان داد، گفت: حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از نضر بن سويد، از یحیای حلبی، از حارث بن مغیره‌ی بصری، از میمون البان «۳» حدیث مان داد، وی گوید:

در محضر امام ابو عبد الله صادق علیه السلام در خیمه‌ی آن حضرت بودم. امام علیه السلام گوشه‌ی خیمه را برداشت و فرمود: «همانا هرگاه امر ما واقع شود، از این خورشید درخشان روشن‌تر خواهد بود.» سپس فرمود: «منادی‌ای از سوی آسمان بانگ خواهد زد که: فلان فرزند فلان همان امام است- و او را نام می‌برد- و ابلیس که لعنت خدا بر او باد از زمین بانگ خواهد زد؛ چنان که شب عقبه در مورد رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم بانگ زد.»

[۷۹] عنه، قال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

«يُنَادِي مُنَادٌ (مِنَ السَّمَاءِ) بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» قُلْتُ: خَاصٌّ أَوْ عَامٌّ؟ قَالَ:

«عَامٌّ، يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ.» قُلْتُ: فَمَنْ يَخَالِفُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ نُوذِيَ بِاسْمِهِ؟

قَالَ: «لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ [فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ يَشْكُكُ النَّاسَ].» [۴]

(۱). در مأخذ: أبي جعفر.

(۲). کمال الدین ۲: ۶۵۰ [باب ۵۷، ح ۴].

(۳). [یا بیاع البان: غالیه فروش].

(۴). همان: ۶۵۰-۶۵۱ [باب ۵۷، ح ۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۳

از اوست که گوید: پدرم رضی الله عنه حدیث مان گفت: سعد بن عبد الله حدیث مان داد، وی گفت: محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن بشیر، از هشام بن سالم، از زراره، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام حدیث مان داد که آن حضرت فرمودند:

«منادی ای (از سوی آسمان) به نام حضرت قائم علیه السلام بانگ خواهد زد.» زراره گوید:

پرسیدم: خصوصی است یا عمومی؟ فرمود: «عمومی است. هر قومی آن را به زبان خویش می شنوند.» عرض کردم: پس چه کسی با حضرت قائم علیه السلام مخالفت خواهد کرد؟ در حالی که نام او ندا می شود؟ فرمود: «ابلیس آن ها را و نخواهد گذارد تا این که [در آخر شب ندا می کند و مردم را به شک می اندازد.]»

[۸۰] و عنه، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلِيَّةٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ أَبِيهِ،

عَنْ أَبِي الْمَغْرَا «۱»، عَنْ الْمُعَلِيِّ بْنِ خَنِيْسٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«صَوْتُ جِبْرِئِيلَ مِنَ السَّمَاءِ، وَ صَوْتُ إِبْلِيسَ مِنَ الْأَرْضِ، فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَخِيرَ أَنْ تَفْتَنُوا بِهِ.» [۲]

و از اوست که گفت: محمد بن علی ماجیلویه حدیث مان داد، از عمویش محمد بن ابی القاسم، از محمد بن علی کوفی، از پدرش،

از ابو المغرا، از معلی بن خنیس، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که فرمود:

«صدای جبرئیل از آسمان است و صدای ابلیس از زمین. پس شما از صدای اول پیروی کنید و مبادا که از صدای بعدی به فتنه در

افتید.»

احادیث درباره‌ی نداکنندگان به راستی زیاد است و ابن بابویه

(۱). [شاید ابو المعزی درست تر باشد. رک. تنقیح المقال، ج ۳، فصل الکنی، ص ۳۵. در هر صورت، این کنیه‌ی حمید بن مثنای

عجلی کوفی از اصحاب امام ششم علیه السلام است.]

(۲). کمال الدین ۲: ۶۵۲ [باب ۵۷، ح ۱۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۴

در آخر کتاب کمال الدین و تمام النعمه «۱»، و محمد بن ابراهیم نعمانی در آخر کتاب الغیبه، قسمتی از آن ها را آورده اند. بخشی

از این احادیث را تحت عنوان فرموده‌ی خدای - تعالی - : «إِنْ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ، فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ إِنْ بَخَوَّاهُمْ،

از آسمان آیتی بر ایشان فرود آوریم؛ پس بر آن گردن نهند.) از اوّل سوره‌ی شعراء خواهیم آورد؛ إن شاء الله تعالی.

(۱). [در متن، واژه‌ی الغیبه در این جا افزوده شده است که زائد است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۵

## ۲۹ [سوره‌ی هود] [آیه‌ی ۹]

وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ: مَا يَحْسِبُهُ؟ (۱)

(و اگر عذاب را تا هنگام معینی (فراهم آمدن افراد معدودی) به تأخیر اندازیم، گویند: چه چیزی عذاب را بازداشته است؟)

[۸۱] محمد بن ابراهیم النعمانی، قال: أخبرنا «۲» أحمد بن محمد بن سعید، قال:

حدّثنا حمید بن زیاد، قال: حدّثنا علی بن الصّیّاح، قال: حدّثنا [أبو علی الحسن بن محمد الحضرمی، قال: حدّثنا جعفر بن محمد، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن إسحاق بن عبد العزیز، عن أبي عبد الله عليه السّلام فی قوله [تعالی]: وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ، قال: «العذاب خروج القائم علیه السّلام و الأُمَّة المَعْدُودَةُ أهل «۳» بدر و أصحابه.» «۴»

محمد بن ابراهیم نعمانی گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد، وی گفت:

حمید بن زیاد حدیث‌مان داد، گفت: علی بن الصّیّاح حدیث‌مان داد که گفت: [ابو علی حسن بن محمد حضرمی حدیث‌مان داد، گفت: [جعفر بن محمد حدیث‌مان داد، از ابراهیم بن عبد الحمید، از اسحاق بن عبد العزیز، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام که

(۱). هود (۱۱): ۹.

(۲). [در مأخذ: حدّثنا.]

(۳). [در مأخذ: عدّه أهل. با توجّه به این می‌توان و أصحابه نیز خواند.]

(۴). کتاب الغیبه: ۲۴۱ [باب ۱۳، ح ۳۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۶

درباره‌ی قول خداوند (و اگر عذاب را تا هنگام معینی (فراهم آمدن افراد معدودی) به تأخیر اندازیم، گویند: چه چیزی عذاب را بازداشته است؟) فرمود: «عذاب، خروج حضرت قائم علیه السّلام است و امت معدوده اهل بدر و اصحاب او «۱» یند.»

[۸۲] علی بن ابراهیم، قال: أخبرنا أحمد بن إدريس، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن سعید، عن علی بن الحکم، عن سیف، عن حسان، عن هشام بن عمّار، عن أبيه- و كان من أصحاب علی علیه السّلام- عن علی صلوات الله علیه فی قوله [تعالی]: وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ: مَا يَحْسِبُهُ؟ قال:

«الأُمَّة المَعْدُودَةُ أصحاب القائم الثلاث مائة و البضعة عشر.» «۲»

علی بن ابراهیم گوید: احمد بن ادريس خبرمان داد، وی گفت: احمد بن محمد بن سعید حدیث‌مان داد، از علی بن حکم، از سیف، از حسان، از هشام بن عمّار، از پدرش- که از اصحاب امیر مؤمنان علیه السّلام بود- از حضرت امیر صلوات الله علیه درباره‌ی قول خدای [تعالی]: (و اگر عذاب را تا هنگام معینی (به دست افراد معدودی) تأخیر اندازیم، گویند: چه چیزی عذاب را بازداشته است؟) فرمود:

«امت معدوده اصحاب حضرت قائم علیه السّلام اند؛ آن سی صد و ده و اندی.»

[۸۳] محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم: عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن منصور بن یونس، عن إسماعیل بن جابر، عن أبی خالد، عن أبی جعفر «۳» علیه السلام فی قول الله عزّ و جلّ: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً «۴»، قال: «الخیرات: الولایة، و قوله تبارک و تعالی: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً یعنی أصحاب القائم علیه السلام الثلاث مائة و البضعة عشر رجلاً.» قال:

(۱). [یا اصحاب آن، یعنی بدریان.]

(۲). تفسیر قمی ۱: ۳۲۳.

(۳). در متن: أبی عبد الله.

(۴). بقره (۲): ۱۴۹.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۷

«و هم- و الله- الأمة المعدودة.» قال:- یجتمعون- و الله- فی ساعة واحدة قرع کفرع الخریف.» «۱»

محمد بن یعقوب، روایت کرده از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از اسماعیل بن جابر، از ابو خالد، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام که راجع به گفتار خدای- عزّ و جلّ-: (پس در کارهای نیک سبقت و پیشی گیرید. هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد). فرمود: «خیرات ولایت است و فرموده‌ی خدای- تبارک و تعالی-: (هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) یعنی اصحاب حضرت قائم علیه السلام، آن سی صد و ده و چند مرد.» فرمود: «آن‌ها اینند- به خدا سوگند- امت معدوده.» (آن‌گاه) فرمود: «به خدا سوگند، در یک ساعت جمع خواهند شد؛ پیاپی هم چون ابرهای پاییزی.»

[۸۴] علی بن ابراهیم، قال: حدّثنی أبی، عن ابن ابی عمیر، عن منصور بن یونس، عن أبی خالد الکابلی، قال أبو جعفر علیه السلام: «و الله لکأنی أنظر إلى القائم علیه السلام و قد أسند ظهره إلى الحجر، ثم ینشد الله حقّه، ثم یقول: یا أيها الناس من یحاجنی فی الله، فأنا أولى بالله، أيها الناس من یحاجنی فی آدم، فأنا أولى بآدم، (یا) أيها الناس من یحاجنی فی نوح، فأنا أولى بنوح، أيها الناس من یحاجنی فی ابراهیم، فأنا أولى بإبراهیم، أيها الناس من یحاجنی فی موسی، فأنا أولى بموسی، أيها الناس من یحاجنی فی عیسی، فأنا أولى (الناس) بعیسی، أيها الناس من یحاجنی فی رسول الله «۲»، فأنا أولى برسول الله صلوات الله علیهم أجمعین «۳»، أيها الناس من یحاجنی فی کتاب الله، فأنا أولى بکتاب الله، ثم ینتهی إلى المقام فیصلی عنده رکعتین ثم ینشد الله حقّه.»

(۱). روضه‌ی کافی: ۳۱۳ [ح ۴۸۷].

(۲). در مأخذ: فی محمد.

(۳). در مأخذ: بمحمد صلی الله علیه و آله.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۱۸

ثم قال أبو جعفر علیه السلام: «هو- و الله- [المضطرّ فی کتاب الله، فی قوله: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ «۱» فیکون أول من ینبأه جبرائیل، ثم الثلاث مائة و الثلاثة عشر رجلاً، فمن کان ابتلی بالمسیر و افاه، و من لم یتل بالمسیر فقد من «۲» فراشه و هو قول امیر المؤمنین علیه السلام: "هم المفقودون من «۳» فرشهم،" و ذلك قول الله عزّ و جلّ: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً- قال:- الخیرات الولایة.

و قال فی موضع آخر: وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ، و هم [و الله أصحاب القائم علیه السلام یجتمعون] و الله إلیه فی



ساعه واحده فاذا جاء إلى البيداء يخرج إليه جيش السفيناتي فيأمر الله الأرض فتأخذ أقدامهم، و هو قوله: وَ لَوْ تَرَى إِذِ فَرَعُوًّا فَلَا قُوَّةَ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، وَقَالُوا: آمَنَّا بِهِ يَعْنِي بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنْتَى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ؟ «٤» [إلى قوله: وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ [يعني أن لا يعذبوا كما فعل بأشياءهم من قبل «٥» يعني من كان قبلهم من المكذبين هلكوا... «٦»]

علی بن ابراهیم گوید: پدرم برایم حدیث گفت، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از ابو خالد کابلی که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویی - به خدا سوگند - قائم علیه السلام را می‌نگرم؛ درحالی که به حجر اسود تکیه زده است؛ سپس حق خویش را از خداوند می‌خواهد. آن گاه می‌گوید:

ای مردم، هرکس درباره‌ی خداوند با من محاجه کند، پس (بداند که) من نزدیک‌ترین افراد به خداوندم. ای مردم، هرکس درباره‌ی آدم با من محاجه کند، پس

(١). نمل (١٦): ٦٢.

(٢ و ٣). در مأخذ: عن.

(٤). سبأ (٣٤): ٥٢-٥٣.

(٥). سبأ (٣٤): ٥٥.

(٦). تفسیر قمی ٢: ٢٠٥.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢١٩

من نزدیک‌ترین کسان به آدم‌ام. ای مردم، هرکس درباره‌ی نوح با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین افراد به نوح‌ام. ای مردم! هرکس درباره‌ی ابراهیم با من محاجه کند، پس (بداند که) من نزدیک‌ترین اشخاص به ابراهیم‌ام. ای مردم! هرکس درباره‌ی موسی با من محاجه کند، پس من ام نزدیک‌ترین کسان به موسی. ای مردم! هر آن که درباره‌ی عیسی با من محاجه کند، پس من نزدیک‌ترین (مردمان) به عیسی‌ام. ای مردم! هرکس درباره‌ی رسول خدا با من محاجه نماید، پس من ام نزدیک‌ترین به رسول خدا صلوات الله عليهم اجمعین. ای مردم! هر آن که درباره‌ی کتاب خدا با من محاجه کند، پس من ام نزدیک‌ترین به کتاب خداوند. سپس به مقام ابراهیم خواهد رفت. دو رکعت نماز می‌گزارد و حقیش را از خداوند طلب می‌کند.

آن گاه حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود: «اوست - به خدا سوگند - [آن مضطری که در کتاب خدا یاد شده در فرموده‌ی او: (یا چه کسی دعای مضطر ناچار را به اجابت می‌رساند و شما را جان‌نشینان زمین قرار می‌دهد؟) پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است. سپس آن ٣١٣ مرد بیعت می‌کنند. پس هر کدام از ایشان پیش از آن هنگام از منزلش بیرون بوده باشد، به مقصد خواهد پیوست و هر کدام در گیر سفر نباشد، از بستر خوابش ناپدید خواهد شد و همین است فرموده‌ی امیر المؤمنین علیه السلام: "آنانند مفقودشدگان از خوابگاه‌هایشان" و آن فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - است:

(پس در کارهای نیک سبقت و پیشی گیرید. هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) - (امام علیه السلام) فرمود: - خیرات ولایت است.

(خداوند) در جای دیگر فرموده است: (و اگر عذاب را از آنان تا هنگام معینی (به دست افراد معدودی) به تعویق اندازیم ...) و ایشان اصحاب قائم علیه السلام‌اند، [به خدا سوگند] در یک ساعت نزد او جمع می‌شوند. پس چون به بیدار بیاید، لشکر سفیانی به سویش خروج کند، که خداوند امر فرماید زمین پاهایشان را فرو گیرد و این است (معنی) فرموده‌ی خداوند: (و اگر (ای رسول ما)



بینی کافران را هنگامی که هراسان‌اند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و گویند: به او ایمان آوردیم) یعنی به قائم از آل محمد علیهم السلام، (و با این همه دوری، کی توانند به آن مقام نایل شوند؟) [تا آنجا سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۰]

که فرموده است: [ ... و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی افتاد) مراد این است که (آرزویشان آن بود که) عذاب نشوند؛ (هم‌چنان که نسبت به هم‌کیشان آن‌ها پیش‌تر چنین شد) یعنی: تکذیب‌کنندگانی که پیش از ایشان بودند و هلاک گشتند.

[۸۵] العیاشی، یاسناده: عن أبان بن أسی مسافر، عن أبی عبد الله علیه السلام فی قول الله: وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ: «یعنی عده کعده بدر لیکولن: ما یحسبه؟ ألا یوم یأتیهم لیس مضرّوفاً عنهم قال: - العذاب.» «۱»

عیاشی به سند خود از ابان بن مسافر از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام آورده، درباره‌ی قول خداوند (و اگر عذاب را از آنان تا (دوران) افراد معدودی به تعویق اندازیم ...) که یعنی به شمار اهل بدر، (آن‌ها گویند: چه چیزی موجب تأخیر عذاب گشته است؟ آگاه باشند که چون آن هنگام فرا رسد، از آنان به هیچ‌وجه دور نخواهد شد) فرمود: « (یعنی) عذاب.»

[۸۶] عنه، یاسناده: عن عبد الأعلى الحلبي، قال: قال أبو جعفر علیه السلام:

«أصحاب القائم علیه السلام الثلاث مائة و البضعة عشر رجلا هم - و الله - الأئمة المعدودة التي قال فی کتابه: وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ - قال: - یجتمعون «۲» له فی ساعة واحدة قرعا كقزع الخریف.» «۳»

هم از اوست که به سند خود از عبد الأعلى حلبی آورده که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود:

«اصحاب حضرت قائم علیه السلام آن سی صد و ده و چند مردند. به خدا سوگند، امت

(۱). تفسیر العیاشی ۲: ۱۴۰ [هود، ح ۹].

(۲). در مأخذ: یجتمعون.

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۱۴۰-۱۴۱ [هود، ح ۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۱

معدوده‌ای که خداوند در کتاب خود فرموده است: (و اگر عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی به تأخیر اندازیم] همان‌هایند. (آن‌گاه، امام علیه السلام) فرمود: «در یک ساعت برایش جمع می‌شوند؛ هم‌چون ابرهای پاییزی.»

[۸۷] و عنه، یاسناده: عن الحسين، عن الخزاز «۱»، عن أبی عبد الله علیه السلام: وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ قال: «هو القائم و أصحابه.» «۲»

و از اوست به سند خود، از حسین، از خزاز، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام آورده است (که درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (و اگر عذاب را تا هنگام معینی (افراد معدودی) به تأخیر اندازیم) فرمود: «آن (کیفر) قائم است و یاران آن حضرت.»

[۸۸] أبو علی الطبرسی، فی مجمع البیان: قیل:

«إن الأئمة المعدودة هم أصحاب المهدي فی آخر الزمان ثلاث مائة و بضعة عشر رجلا كعده أهل بدر، یجتمعون فی ساعة واحدة كما یجتمع قزع الخریف.» قال: و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله علیه السلام. «۳»

ابو علی طبرسی در مجمع البیان گوید: گویند: «امت معدوده همان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان‌اند، سی صد و ده و چند مرد، هم‌چون تعداد اهل بدر.

آن‌ها در یک ساعت جمع می‌شوند؛ هم‌چنان که قطعه‌های ابر پاییزی جمع می‌شوند.» وی می‌افزاید: و این از حضرت ابو جعفر و حضرت ابو عبد الله علیهما السلام روایت گردیده است.

[۸۹] قال شرف الدین النجفی: و یؤیدہ ما رواہ محمد بن جمهور عن حماد

(۱). [در البرهان: الخزاز. چنان که محقق «البرهان» احتمال داده، ممکن است تصحیف حسین ابن حر باشد که از اصحاب امام ششم علیه السلام بوده است.]

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۱۴۱ [هود، ح ۹].

(۳). تفسیر مجمع البیان ۵: ۲۴۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۲

ابن عیسی عن حریر قال: روی بعض أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: وَ لَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ، قال:

«العذاب هو القائم عليه السلام و هو عذاب على أعدائه، و الأمة المَعْدُودَةُ هم الذين يقومون بعدد أهل بدر.» (۱)

شرف الدین نجفی گوید: و آنچه محمد بن جمهور از حماد بن عیسی از حریر گزارش کرده مؤید این است که گفت: بعضی از اصحابمان از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند درباره‌ی قول خدای - تعالی -: (و اگر عذاب را تا هنگام معینی (افراد معدودی) به تأخیر اندازیم) فرمود:

«عذاب همان حضرت قائم علیه السلام است. او بر دشمنانش عذاب است و امت معدوده آنان‌اند که با وی به پا خیزند؛ به عدد اهل بدر.»

[۹۰] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلى الصادق علیه السلام، فی قوله تعالى:

وَ لَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ، قال: قال:

«إن متعناهم في هذه الدنيا إلى خروج القائم عليه السلام فندهم و نعدبهم ليقولن: ما يحبسُهُ؟ أي يقولون: أما «۲» لا يقوم القائم (عليه السلام) و لا يخرج؟ على حد الاستهزاء، فقال الله: أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ «۳»

علی بن ابراهیم، در تفسیرش - که منسوب به امام صادق علیه السلام است - در مورد قول خدای تعالی: (و اگر عذاب را تا هنگام معینی (افراد معدودی) به تأخیر اندازیم) گوید: (امام علیه السلام) فرمود:

(۱). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۲۲۳ [ح ۳].

(۲). در متن: أن يقولوا أن. [در البرهان: آی: يقولون: أَلَا].

(۳). تفسیر قمی ۱: ۳۲۳.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۳

« (یعنی) اگر در این دنیا، آنان را تا خروج حضرت قائم علیه السلام بهره‌مند سازیم، پس از آن، آن‌ها را باز می‌گردانیم و عذاب‌شان می‌کنیم، (آن‌ها گویند: چه چیزی عذاب را باز داشته؟) یعنی از روی استهزا گویند: چرا حضرت قائم علیه السلام به پا نمی‌خیزد و خروج نمی‌کند؟ پس خداوند فرمود: (آگاه باشند روزی که عذاب فرا رسد، دیگر از آنان بازگردانده نخواهد شد و به آن‌چه استهزا می‌کردند گرفتار شوند).»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۴

قال: لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ! «۱»

(لوط) گفت: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان استواری در اختیارم بود!

[۹۱] العیاشی، یاسناده: عن صالح بن سعید، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله: لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ قال:

«قوة القائم عليه السلام، و الركن الشديد الثلاث مائة و ثلاثة عشر أصحابه.» «۲»

عیاشی، به سند خود، از صالح بن سعید، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام روایت کرده که درباره‌ی فرموده‌ی خداوند:

(ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیارم بود) فرمود:

« (یعنی) نیروی حضرت قائم علیه السلام و رکن شدید (- تکیه گاه استوار) ۳۱۳ تن یاران اویند.»

[۹۲] ابن بابویه، یاسناده: عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

«ما كان قول لوط عليه السلام لقومه: لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ إِلَّا تَمَنِّيَا لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، وَ لَا الرُّكْنَ «۳» إِلَّا

شِدَّةَ أَصْحَابِهِ، وَ إِنَّ الرُّجْلَ مِنْهُمْ لِيُعْطَى قُوَّةً

(۱). هود (۱۱): ۸۱.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۱۵۶-۱۵۷ [هود، ح ۵۵].

(۳). در مأخذ: لا ذکر.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۵

أربعين رجلا، و إن قلبه لأشد من زبر الحديد، و لو مروا بجبال الحديد لقلعوها «۱»، و لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عز و جل.»

«۲»

ابن بابویه، به سند خود از ابو بصیر آورده است که گوید: حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام فرمود:

«این که لوط به قومش گفت: (ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیارم بود) مقصودش جز این

نبود که نیروی قائم علیه السلام را آرزو کند و رکن شدید یاران آن حضرت اند «۳» که یک مرد از آنها قوت چهل مرد را دارد و

دلش از کوه آهنین محکم تر است و اگر به کوه‌های آهن بگذرند، آنها را از بین می‌برند و شمشیرهایشان را کنار نگذارند؛ مگر

وقتی که خداوند- عز و جل- راضی شده باشد.»

(۱). در متن: لتدكدكت.

(۲). کمال الدین ۲: ۶۷۳ [باب ۵۸، ح ۲۶].

(۳). ترجمه‌ی این بخش، بر اساس نسخه‌ی مأخذ چنین است: «و یاد نکرد؛ مگر صلابت و استقامت اصحاب او را...». (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۶

### ۳۱ [سوره‌ی یوسف [آیه‌ی ۱۱۱]]

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا «۱»

(تا آن گاه که رسولان (از پیروزی ظاهری بر کفار یا ایمان آوردن آنها) مأیوس شدند و دانستند (مردمان) به آنان دروغ گفته‌اند،

(در آن حال) یاری ما به سراغشان آمد.)

[۹۳] محمّد بن جریر الطبری «۲»، فی باب وجوب معرفه القائم علیه السّلام و أنّه لا بدّ أن یكون من کتابه مسند فاطمه علیها السّلام: یأسنا عن أبی علی النّهاندى، قال:

حدّثنا القاسانی (یعنی محمّد بن أحمد القاسانی) قال: حدّثنا محمّد بن سلیمان، قال: حدّثنا علی بن سیف، قال: حدّثنی أبی، عن المفضّل بن عمر، عن أبی عبد الله علیه السّلام، قال:

«جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السّلام فشكى إليه طول دولة الجور، فقال له أمير المؤمنين عليه السّلام: و الله لا يكون ما تأملون حتى يهلك المبطلون و يضمحلّ الجاهلون و يأمن المتّقون و قليل ما يكون حتى لا يكون لأحدكم موضع قدمه، و حتى تكونوا على النّاس أهون من الميتة عند صاحبها، فبینا أنتم كذلك إذ جاء نصر الله و الفتح، و هو قول ربّي عزّ و جلّ فی کتابه: حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا.» [۳]

(۱). یوسف (۱۲): ۱۱۱.

(۲). در متن: القمّی.

(۳). دلائل الإمامة: ۴۷۱ [ح ۴۶۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۷

محمّد بن جریر طبری، در باب وجوب معرفت قائم علیه السّلام و این که حتما خواهد آمد- که بخشی از کتاب «مسند فاطمه علیها السّلام (۱)» اوست- به سند خود از ابو علی نهاندى آورده که گفت: کاشانی (مرادش محمّد بن احمد کاشانی است) حدیث مان داد، گوید:

محمّد بن سلیمان برایمان حدیث آورد، وی گفت: علی بن سیف حدیث مان داد، وی گفت: پدرم از مفضّل بن عمر برایم حدیث گفت، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام که فرمود:

«مردی به محضر امام امیر المؤمنین علیه السّلام شرفیاب شد و از طولانی شدن دولت جور و ستم به آن حضرت شکوه برد. امیر المؤمنین علیه السّلام به او فرمود: به خدا سوگند، آنچه آرزوی را دارید نخواهد شد تا این که باطل جویان هلاک شوند و جاهلان از میان بروند و متّقیان- که اندک اند- در امان گردند و (این پس از آن است که کار سخت می شود) تا جایی که احدی از شما جای پای خود نخواهد یافت و تا آن جا که شما در نظر مردم از مردار در چشم صاحبش نیز بی ارزش تر خواهید شد و همان طور که شما در آن حال اید، ناگهان یاری خداوند و پیروزی بیاید و این است (معنی) فرموده ی پروردگار من- عزّ و جلّ- در کتابش: (تا آن گاه که رسولان (از پیروزی ظاهری بر کفار یا ایمان آوردن آنها) مأیوس شدند و دانستند (مردمان) به آنان دروغ گفته اند، (در آن حال) یاری ما به سراغشان آمد).»

(۱). [رک. توضیح ذیل صفحه ی ۶۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۲۸

## ۳۲ [سوره ی ابراهیم] آیه ی ۶

وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ «۱»

(و روزهای خداوند را به یادشان آور.)

[۹۴] ابن بابویه، قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن یحیی العطار رضی الله عنه، قال:

حدَّثنا سعد بن عبد الله، قال: حدَّثني يعقوب بن يزيد، عن محمد بن الحسن الميثمي، عن مثنى الحنّاط، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «أيام الله عزّ وجلّ ثلاثة: يوم يقوم القائم عليه السلام، و يوم الكثرة، و يوم القيامة.» (٢)

ابن بابويه گوید: احمد بن محمد بن يحيى عطار رضی الله عنه حدیث مان داد، وی گفت: سعد بن عبد الله حدیث مان داد، گفت: يعقوب بن يزيد حدیث مان داد، از محمد بن حسن ميثمی، از مثنای حنّاط که گفت: شنیدم حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام می فرمود:

«ایام (- روزهای) خدای - عزّ و جلّ - سه روز است: روزی که حضرت قائم عليه السلام قیام خواهد کرد و روز رجعت و روز قیامت.»

[٩٥] عنه، قال: حدَّثنا أبي رحمه الله قال: حدَّثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدَّثنا إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير، عن مثنى الحنّاط، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عليهما السلام قال:

«أيام الله عزّ وجلّ ثلاثة: يوم يقوم القائم، و يوم الكثرة، و يوم القيامة.» (٣)

(١). ابراهيم (١٤): ٦.

(٢). خصال: ١٠٨.

(٣). معاني الأخبار: ٣٦٥ - ٣٦٦.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٢٩

و از اوست که گوید: پدرم حدیث مان داد، وی گفت: عبد الله بن جعفر حمیری حدیث مان داد، گفت: ابراهيم بن هاشم، از محمد بن ابی عمیر، از مثنای حنّاط، از حضرت جعفر بن محمد، از پدر بزرگوارش امام باقر عليهما السلام حدیث مان داد که فرمود:

«روزهای خدای - عزّ و جلّ - سه روز است: روزی که امام قائم به پا خیزد، روز رجعت، روز قیامت.» (١)

[٩٦] سعد بن عبد الله: عن محمد بن الحسين بن أبي الخطّاب و يعقوب بن يزيد، عن أحمد بن الحسن الميثمي، عن محمد بن الحسين، عن أبان بن عثمان، عن مثنى (٢) الحنّاط، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

«أيام الله ثلاثة: يوم يقوم القائم و يوم الكثرة و يوم القيامة.» (٣)

سعد بن عبد الله از محمد بن الحسين بن ابی الخطّاب و (٤) يعقوب بن يزيد، از احمد بن حسن ميثمی، از محمد بن حسين، از ابان بن عثمان، از مثنای حنّاط آورده است که گفت:

شنیدم حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام می فرمود:

«ایام الله سه است: روزی که قائم به پا خیزد، روز رجعت، روز قیامت.»

(١). محدث جلیل شیخ حرّ عاملی درباره‌ی این حدیث گفته است: این حدیث گفته‌ی کسانی که رجعت را به خروج حضرت مهدی عليه السلام و رجوع دولت حقّه‌ی ائمه تأویل می کنند، با صراحت باطل می کند. از این هم صریح تر - إن شاء الله تعالی - خواهد آمد. گذشته از آنچه در معنی رجعت از علمای لغت گذشت، در سند حدیث نیز شخص مشکوک یا مورد طعنی وجود ندارد؛ چون «ابراهيم بن هاشم» و «مثنی [بن راشد یا عبد السلام یا ولید حنّاط (- گندم فروش) کوفی] را علمای رجال کاملاً مدح کرده‌اند، مذهبشان هم درست بوده است؛ بلکه دور از حقیقت نیست که پس از تحقیق بگوییم: به طور قطع مورد وثوق بوده‌اند. سایر رجال روایت نیز در اوج جلال و وثاقت و صحت مذهب و حدیث‌اند.

إيقاظ الهجعة، باب نهم، حدیث سوم (مترجم) [خلاصه‌ی سخن این که رجعت همان ظهور نیست .

(۲). [در متن: مثنی بن و در بحار ۵۳: ۶۳ (به نقل از مأخذ): موسی (بن سعدان).]

(۳). مختصر البصائر: ۱۸ (مترجم).

(۴). ظاهرا از این جا طریق دوم سند آغاز می شود و محمد بن الحسین آینه همان ابن ابی الخطاب یاد شده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۰

### ۳۳ [سوره ابراهیم آیه ۴۵]

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۲۵۹

قالوا: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ؟ «۱»

(گفتند: پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما فرض فرمودی؟

چه می شد اگر به ما تا هنگام اجل مهلت می دادی\* تا دعوت را اجابت و از رسولان پیروی می کردیم؟)

[۹۷] محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی: عن أحمد بن محمد، عن [محمد] ابن سنان، عن أبي الصباح بن عبد الحميد، عن محمد

بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«و الله [ل] الذي صنعه الحسن بن عليّ عليهما السلام كان خيرا لهذه الأمة مما طلعت عليه الشمس، (ف) و الله لقد نزلت هذه الآية: أ

لَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ: كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ إِنَّمَا هِيَ طَاعَةُ الْإِمَامِ، وَ طَلَبُوا الْقِتَالَ، فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ مَعَ

الحسين عليه السلام قالوا «(۲): رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ؟ أَرَادُوا تَأْخِيرَ ذَلِكَ

إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام.» «(۳)»

(۱). در نسخه‌ی خطی کتاب به همین صورت آمده است. تا *أَجَلٍ قَرِيبٍ* از آیه ۷۸ سوره نساء و بقیه از آیه ۴۵ سوره

ابراهیم.

(۲). در متن: قال.

(۳). روضه‌ی کافی: ۳۳۰ [ح ۵۰۶]. در متن حدیث - چنان که توضیح دادیم - از دو آیه در دو سوره استفاده شده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۱

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از [محمد] ابن سنان، از ابو الصباح بن عبد الحميد، از محمد بن مسلم، از

حضرت ابو جعفر امام باقر عليه السلام آورده که آن حضرت فرمود:

«به خدا سوگند، آن چه حسن بن علی علیهما السلام کرد، برای این امت، از هر چه خورشید بر آن می تابد بهتر بود. به خدا سوگند،

این آیه (درباره‌ی او) نازل شد: (آیا (با شگفتی) نمی نگری به آنان که به ایشان گفته شد: (فعلا) از جنگ دست نگه دارید و نماز

بر پای دارید و زکات دهید؟) همانا این اطاعت از امام است؛ ولی آن ها اصرار داشتند که فرمان جنگ به آنان داده شود. پس چون

جنگ کردن در رکاب امام حسین عليه السلام برایشان فرض شد، (گفتند: پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما فرض فرمودی؟ چه

می شد که به ما تا هنگام اجل مهلت می دادی\* تا دعوت را اجابت و از رسولان پیروی می کردیم؟) منظورشان این بود که تا قیام

حضرت قائم عليه السلام این حکم به تأخیر افتد.»

[۹۸] العیاشی، یاسناده: عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

«و الله الذي صنعه الحسن بن عليّ عليهما السلام كان خيرا لهذه الأمة مما طلعت عليه الشمس، و الله لفيه نزلت هذه الآية: أ لَمْ تَرِ إِلَى

الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ؟ إِنَّمَا هِيَ طَاعَةُ الْإِمَامِ، فَطَلَبُوا الْقِتَالَ، فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ

عليه السلام قالوا: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؟ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ؟  
و قوله: رَبَّنَا أَخَّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ، نُجِبُ دَعْوَتَكَ وَ نَتَّبِعُ الرُّسُلَ أَرَادُوا تَأْخِيرَ ذَلِكَ إِلَىٰ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. «۱»

(۱). تفسیر العیاشی ۱: ۲۵۸ [نساء، ح ۱۹۶؛ بخشی از آن نیز در ۲: ۲۳۵ (ابراهیم، ح ۴۸) آمده است .

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۲

عیاشی به سند خود، از محمد بن مسلم، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام آورده که فرمود:

«به خدا سوگند، آنچه را حسن بن علی علیهما السلام انجام داد، از آنچه خورشید بر آن طلوع کرده (یعنی از همه‌ی دنیا) برای این امت بهتر بود. به خدا قسم، درباره‌ی او این آیه نازل شد: (آیا نمی‌نگری کسانی را که به ایشان گفته شد: از جنگ (به‌طور موقت) دست نگه دارید و به وظیفه‌ی اقامه‌ی نماز و زکات پردازید) همانا این اطاعت از امام است و آنها اصرار داشتند که فرمان جنگ به آنان داده شود. پس چون قتال در رکاب امام حسین علیه السلام بر ایشان نوشته و واجب شد، (گفتند: پروردگارا، چرا حکم جنگ را بر ما فرض فرمودی؟ چه می‌شد که تأخیر می‌انداختی؟)

این که (از زبان ایشان) فرمود: (پروردگارا، تا به اجلی نزدیک) ما را به تأخیر انداز (تا دعوت تو را اجابت و از رسولان پیروی کنیم) منظورشان به تأخیر افتادن آن حکم تا هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام بود.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۳

### ۳۴ [سوره‌ی ابراهیم [آیه‌ی ۴۶]

وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ «۱»

(و در خانه‌های کسانی که بر خود ستم کردند مسکن گرفتید.)

[۹۹] العیاشی، یاسناده: عن سعد بن عمر، عن غیر واحد ممن حضر أبا عبد الله، و رجل یقول: قد ثبت دار صالح و دار عیسی بن علی ... ذکر دور العباسیین، فقال رجل: أراناها الله خرابا أو خربها بأیدینا، فقال له أبو عبد الله علیه السلام:

«لا تقل هكذا، بل یكون مساكن القائم و أصحابه، أما سمعت الله عزّ و جلّ یقول: وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ «۲»

عیاشی به سند خود: از سعد بن عمر، از چند نفر از کسانی که در محضر امام ابو عبد الله صادق علیه السلام شرفیاب بوده‌اند روایت آورده که: مردی در آن مجلس (با تأسّف) می‌گفت: خانه‌ی صالح و خانه‌ی عیسی بن علی بر جای مانده است و از خانه‌های عباسیان یاد کرد. مردی دیگر گفت: خداوند آن خانه‌ها را در حال خرابی به ما بنمایاند یا آنها را به دست ما خراب کند! حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام به او فرمود:

«چنین مگوی؛ این‌ها خانه‌های حضرت قائم و اصحابش خواهد شد. آیا نشنیده‌ای که خدای - عزّ و جلّ - فرماید: (و در منازل و مساکن کسانی که بر خود ستم کردند مسکن گرفتید)؟»

(۱). ابراهیم (۱۴): ۴۶.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۲۳۵ [ابراهیم، ح ۴۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۴

### ۳۵ [سوره‌ی ابراهیم [آیه‌ی ۴۷]



وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِتُرُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ «۱»

(هرچند مکر آن‌ها چنان باشد که کوه‌ها به سبب آن از بین بروند.)

[۱۰۰] العیاشی، بإسناده: عن جمیل بن درّاج، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

«وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِتُرُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ وَإِنْ مَكَرَ بَنِي الْعَبَّاسِ «۲» بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِتُرُولِ مِنْهُ قُلُوبِ الرِّجَالِ.» «۳»

عیاشی به سند خود از جمیل بن درّاج آورده است که گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

«(هرچند مکر آن‌ها چنان باشد که کوه‌ها به سبب آن از بین بروند) و به درستی که از مکر بنی العباس نسبت به قائم علیه السلام دل‌های مردان از جای کنده می‌شود.»

[۱۰۱] الشیخ، فی مجالسه: قال: أخبرنا الحسين بن إبراهيم القزويني، قال:

أخبرنا «۴» أبو عبد الله محمد بن وهبان، قال: حدّثنا أبو القاسم علي بن حبشي، قال:

حدّثنا أبو الفضل العباس بن محمد بن الحسين، قال: حدّثنا أبي، قال: حدّثنا صفوان ابن يحيى، عن الحسين بن أبي غندر، عن أبي بصير، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

(۱). ابراهیم (۱۴): ۴۷.

(۲). [در مأخذ: و إن كان مكر و العباس].

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۲۳۵ [ابراهیم، ح ۵۰].

(۴). در مأخذ: حدّثنا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۵

«اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِالطَّاعَةِ لِأُمَمَتِكُمْ، قُولُوا مَا يَقُولُونَ وَ اصْمَتُوا عَمَّا صَمْتُوا، فَإِنَّكُمْ فِي سُلْطَانٍ مِنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ إِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِتُرُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ يَعْنِي بِذَلِكَ وَلَدَ الْعَبَّاسِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ، فَإِنَّكُمْ فِي هِدْنَةٍ «۱» صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَ عَلَيْكُمْ بِحَجِّ هَذَا الْبَيْتِ فَأَدْمِنُوهُ، فَإِنَّ فِي إِدْمَانِكُمُ الْحَجِّ دَفْعَ مَكَارِهِ الدُّنْيَا عَنْكُمْ، وَ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» «۲»

شیخ طوسی در مجالس خود گوید: حسین بن ابراهیم قزوینی ما را خبر داد، گفت: ابو عبد الله محمد بن وهبان خبرمان داد، گفت: ابو القاسم علی بن حبشی حدیث‌مان داد، وی گفت: ابو الفضل عباس بن محمد بن حسین حدیث‌مان داد، وی گفت: پدرم برایمان حدیث آورد، گفت: صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی غندر، از ابو بصیر حدیث‌مان داد، گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام می‌فرمود:

«تقوی پیشه کنید (و از عذاب خدا بپرهیزید) و بر شما باد اطاعت از امامانتان! آن‌چه می‌گویند، شما نیز همان را بگوئید و از آن‌چه لب بستند، خاموش بمانید؛ زیرا که شماها (امروزه) تحت تسلط کسانی هستید که خدای - تعالی - فرموده است: (هر چند مکر آن‌ها چنان باشد که کوه‌ها به سبب آن از بین بروند) مراد خداوند، بنی عباس است «۳». پس خدا ترسی پیشه سازید که شما در حال هدنه (- دوره‌ی آرامش و تقیّه و احتیاط) اید. در اجتماعات آن‌ها (- مخالفان) نماز بگزارید و در مراسم (تشییع و تدفین) رفتگان‌شان شرکت کنید و امانت (ها) را به ایشان ادا کنید و بر شما باد که حجّ این خانه را انجام دهید و مداومت کنید؛ زیرا که در مداومت کردنتان به انجام حج، دفع ناملازمات دنیا و صحنه‌های هول‌انگیز روز قیامت از شما خواهد بود.»

(۱). در مأخذ: هذه.

(۲). امالی شیخ طوسی: ۶۷۸ [مجلس یوم الجمعة، ۳۰ رجب ۴۵۷، ح ۵].



(۳). [مترجم محترم این جمله را توضیح راوی از مراد امام علیه السلام دانسته‌اند. تغییر از ویراستاران است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۶

### ۳۶ [سوره‌ی حجر] [آیه‌ی ۳۹-۳۷]

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ\* قَالَ: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ\* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ «۱»

(ابلیس) گفت: خداوند گارا، پس مرا- تا روزی که خلائق برانگیخته شوند- مهلت ده. (خداوند) فرمود: البتّه تو از مهلت داده شد گانای؛ تا به روز و هنگام معین و معلوم.

[۱۰۲] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، قال: أخبرني أبو الحسن عليّ، قال:

حدّثني «۲» أبو جعفر، قال: حدّثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلويّ، قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسعود، عن أبيه، عن عليّ بن الحسن بن فضال، قال: حدّثني العباس بن عامر، عن وهب بن جميع مولى إسحاق بن عمار، قال: سألت أبا عبد الله عليه السّلام عن إبليس، قوله: رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ\* قَالَ: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ\* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ أَيَّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ:

«يا وهب أتحسب أنه يوم يبعث الله تعالى الناس؟ [لا] ولكن الله عزّ وجلّ أنظره إلى يوم يبعث الله عزّ وجلّ قائمنا، فإذا بعث الله عزّ وجلّ قائمنا فيأخذ بناصيته و يضرب عنقه فذلك يوم الوقت المعلوم.» «۳»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید: خیرم داد ابو الحسن علی گفت: ابو جعفر

(۱). حجر (۱۵): ۳۷-۳۹.

(۲). در مأخذ: حدّثنا.

(۳). دلائل الإمامة: ۴۵۳ [ح ۴۳۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۷

حدیثام داد، گفت: مظفر بن جعفر بن مظفر علوی حدیثمان داد، گفت: جعفر بن محمد بن مسعود از پدرش از علی بن الحسن بن فضال برایمان حدیث آورد، گفت:

حدیثام داد عباس بن عامر، از وهب بن جميع هم پیمان اسحاق بن عمار که گفت: از حضرت صادق علیه السلام درباره‌ی گفته‌ی ابلیس پرسیدم که: (پرورد گارا، پس مرا تا روزی که خلائق برانگیخته شوند مهلت ده. خداوند فرمود: البتّه تو از مهلت داده شد گانای تا به روز و هنگام معین و معلوم) آن چه روزی خواهد بود؟ فرمود:

«ای وهب، گمان می کنی آن روزی است که خداوند مردمان را برمی انگیزد؟! [خیر] خداوند او را تا روزی مهلت داد که خدای- عزّ وجلّ- قیام کننده‌ی ما را برانگیزد. (موی) پیشانی او را می گیرد و وی را گردن می زند. آن (روز) روز وقت معلوم است.»

[۱۰۳] و رواه العیاشی، یاسناده: عن وهب بن جميع مولى إسحاق بن عمار قال: سألت أبا عبد الله عليه السّلام عن [قول إبليس ... و ذکر الحدیث. «۱»]

این روایت را عیاشی نیز روایت کرده است، به سند خود: از وهب بن جميع هم پیمان اسحاق بن عمار که گفت: از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام راجع به [گفته‌ی ابلیس پرسیدم ... و حدیث را تا آخر یاد کرده است.

در این باره روایتی دیگر هم هست که: او را رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم خواهد کشت. این روایات در کتاب البرهان در تفسیر آیه‌ی فوق ذکر شده است. «۲»

- (۱). تفسیر العیاشی ۲: ۲۴۲ [حجر، ح ۱۴]، با اندکی تفاوت در آخر حدیث که در آن تصریح شده است: ابلیس را در حالی که بر زانوهایش راه می‌رود به مسجد کوفه می‌آورند و گردن می‌زنند (مترجم).
- (۲). ناگفته نماند که بین روایات فوق و روایت دیگری که مؤلف اشاره کرده است - مبنی بر این که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم ابلیس را خواهد کشت - منافاتی نیست؛ چون در روایات یاد شده نام قاتل ابلیس نیامده و گفته نشده است که چه کسی آن لعین را گردن خواهد زد و این در رجعت خواهد بود. (مترجم)
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۸

### ۳۷ [سوره ی حجر] [آیه ی ۸۸]

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿۱﴾

(ای پیامبر) و ما هفت آیت مثانی و قرآن عظیم را بر تو فرستاده‌ایم.

[۱۰۴] العیاشی، یاسناده: عن یونس بن عبد الرحمان، عن من ذكره رفعه، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله: وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ قال:

«إن ظاهرها الحمد، و باطنها ولد الولد، و السابع منها القائم عليه السلام.» (۲)

عیاشی به سند خود: از یونس بن عبد الرحمان، از کسی که یاد می‌کند به طور مرفوع آورده است که گفت: از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: (ای پیامبر) و ما هفت آیت مثانی و قرآن عظیم را بر تو فرستاده‌ایم پرسیدم. فرمود:

«ظاهر آن سوره‌ی حمد است و باطن آن فرزند فرزند و هفتمین آن‌ها حضرت قائم علیه السلام است.»

[۱۰۵] عنه، یاسناده: عن القاسم بن عروه، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله

(۱). حجر (۱۵): ۸۸.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۲۵۰ [حجر، ح ۳۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۳۹

عَزَّ وَجَلَّ: وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ قال:

«سبعة من الأئمة (۱) و القائم عليه السلام.» (۲)

و از اوست: به سند خود از قاسم بن عروه، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام که درباره‌ی قول خدای - عَزَّ وَجَلَّ - (ای پیامبر) و

ما هفت آیت مثانی و قرآن عظیم را بر تو فرستادیم) فرمود: «هفت تن از امامان و (امام) قائم علیه السلام.»

[۱۰۶] و عنه، یاسناده: قال حسان العابد (۳): سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله: وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ قال:

«ليس هكذا تنزيلها، إنما هي: وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي نحن هم وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ولد الولد.» (۴)

هم از اوست که به سند خود آورده گوید: حسان عابد گفت: از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام راجع به قول خداوند: (ای پیامبر) و ما هفت آیت مثانی و قرآن عظیم را بر تو فرستادیم) پرسیدم. فرمود:

«همانا تنزیل آیه چنین نیست؛ چنین است: (و ما هفت آیت مثانی بر تو فرستادیم) ما بیم آن مثانی، (و قرآن عظیم) فرزند فرزند است.»

است.»

[۱۰۷] و عنه، بإسناده: عن سماعة قال: قال أبو الحسن عليه السلام:

«وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ [قال: لم يعط الأنبياء إلا محمداً صلى الله عليه و اله و سلم، و هم السبعة الأئمة الذين يدور عليهم الفلك، و القرآن العظيم محمداً صلى الله عليه و اله و سلم. «۵»

(۱). در مأخذ: سبعة أئمة.

(۲). تفسير العياشي ۲: ۲۵۰ [حجر، ح ۳۹].

(۳). در مأخذ: العامري.

(۴). تفسير العياشي ۲: ۲۵۰ [حجر، ح ۳۸].

(۵). همان: ۲۵۱ [حجر، ح ۴۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۰

هم از اوست، به سند خود از سماعه آورده که گفت: حضرت ابو الحسن (امام رضا) «۱» علیه السلام فرمود:

« (ای پیامبر) و ما هفت آیت مثانی و قرآن عظیم را بر تو فرستادیم [فرمود]: به هیچ یک از پیغمبران جز حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم (سبع مثانی) نداده است و آنان هفت امامی اند که فلك به طفیل وجود ایشان در گردش است و قرآن عظیم حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم است. «۲»

(۱). [سماعة بن مهران كوفي حضرمي از اصحاب امام صادق و امام كاظم عليهما السلام بوده است.

بنابراین در این جا مراد ابو الحسن الأول امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است.]

(۲). تعبیر به هفت امام ممکن است به اعتبار نام های ایشان باشد. بنابراین، «مثانی» را می توان از باب «ثناء- مدح» گرفت و هم از باب «تثنی» از جهت هم تایی و ثانی قرآن بودن ایشان و هم چنین می شود کنایه از معصومین چهارده گانه دانست و احتمال دیگر این که: تعبیر «مثانی» به اعتبار آن است که امامان علیهم السلام نسبت به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم به حسب جهان بشری و نحوه آفرینش انسانی در مرتبه دوم اند؛ چنان که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مرتبه اول است؛ چون آن حضرت مادر امامان است یا احتمالات دیگر ... به تفسیر صافی: ۲۹۶ و ترجمه میکیال المکارم ۱: ۸۸ مراجعه کنید. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۱

## ۳۸ [سوره ی نحل [آیه ی ۲]

أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ! «۱»

(امر الاهی آمد. پس در آن شتاب نورزید. (ساحت) او از آن چه با وی انباز کنند منزّه و متعالی است!)

[۱۰۸] ابن بابویه، قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضی الله عنه، قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار، عن يعقوب

بن يزيد، عن محمّد بن أبي عمير، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

«أول من يبایع القائم عليه السلام جبرئیل، ينزل في صورة طير أبيض فيبایعه ثم يضع رجلا- على بيت الله الحرام و رجلا- على بيت

المقدس، ثم ينادی بصوت ذلق يسمع الخلائق «۲»: أتی أمر الله فلا تستعجلوه «۳»

ابن بابویه گوید: حدیث آورد ما را محمّد بن حسن بن احمد بن ولید رضی الله عنه، وی گفت: حدیث آورد ما را محمّد بن حسن

صفّار، از یعقوب بن یزید، از محمّد بن ابی عمیر، از ابان بن عثمان، از ابان بن تغلب که گفت: حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه

السَّلام فرمود:

«نخستین کسی که با قائم علیه السَّلام بیعت می کند جبرئیل است که به صورت پرنده‌ی سپیدی نازل می شود و با آن حضرت بیعت می کند. سپس یک پای بر بیت الله الحرام و

(۱). نحل (۱۶): ۲.

(۲). در مأخذ: طلق تسمعه الخلائق.

(۳). کمال الدین ۲: ۶۷۱ [باب ۵۸، ح ۱۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۲

پای دیگر بر بیت المقدس می گذارد. آن گاه با صدای فصیح بلیغی - که خلائق می شنوند - فریاد خواهد زد: (امر الاهی آمد! پس در آن شتاب نورزید!).»

[۱۰۹] و رواه العیاشی، یاسناده: عن أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله عليه السلام:

«إنَّ أوَّلَ من يبایع القائم عليه السَّلام جبرائیل عليه السَّلام، ينزل عليه فی صورة طیر أبيض فیبايعه...» و ساق الحديث إلى آخره. «۱»

و عیاشی آن را به سند خود از ابان بن تغلب، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السَّلام روایت کرده است که:

«نخستین کسی که با قائم علیه السَّلام بیعت می کند جبرائیل علیه السَّلام است که به صورت پرنده‌ی سپیدی بر آن حضرت فرود می آید. پس با امام علیه السَّلام بیعت کند...» و حدیث را تا به آخر آورده است.

آن گاه عیاشی در دنباله‌ی حدیث گفته است: در روایت دیگری از ابان از حضرت ابو جعفر باقر علیه السَّلام [مشابه همین حدیث آمده است.

[۱۱۰] محمّد بن إبراهیم النعمانی، فی الغیبه، قال: أخبرنا «۲» علی بن أحمد، عن عیید «۳» الله بن موسی [العلوی، عن علی بن الحسن

«۴»، عن علی بن حسیان، عن عبد الرّحمان بن کثیر، عن أبي عبد الله عليه السَّلام فی قول الله عزّ و جلّ: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ

[ف] قال:

«هو أمرنا أمر الله عزّ و جلّ فلا يستعجل به، يؤیّده «۵» [الله بثلاثة أجناد:

(۱). تفسیر العیاشی ۲: ۲۵۴ [نحل، ح ۳].

(۲). [در مأخذ: حدّثنا].

(۳). در متن: عبد.

(۴). [در متن: قال: حدّثنا علی بن الحسن].

(۵). [در مأخذ: ألا تستعجل به حتّی يؤیّده].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۳

الملائکة و المؤمنین و الرّعب، و خروجه کخروج رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم، و ذلك قوله عزّ و جلّ: «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ» «۱»

محمّد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: خیر داد ما را علی بن احمد، از عیید الله بن موسی [علوی، از علی بن الحسن، از علی بن حسیان، از عبد الرّحمان بن کثیر، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السَّلام که درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ -:

(امر الاهی آمد. پس در آن شتاب نورزید) فرمود:

«آن امر ماست (که) خداوند- عزّ و جلّ- فرموده است. پس در آن عجله نشود.

خداوند آن را با سه سپاه تأیید می‌فرماید: فرشتگان و مؤمنان و رعب. خروج آن حضرت نیز هم‌چون خروج رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم خواهد بود و آن فرموده‌ی خدای- عزّ و جلّ- است: (هم‌چنان که خداوند تو را به حق (و برای اعلاّی کلمه‌ی توحید) از خانه‌ات بیرون ساخت و گروهی از مؤمنان آن را ناپسند داشتند).

[۱۱۱] و رواه المفید، فی کتاب الغیبه یاسناده: عن عبد الرّحمان بن کثیر، عن أبی عبد الله علیه السلام.

این حدیث را شیخ مفید نیز در کتاب الغیبه، به سند خود از عبد الرّحمان بن کثیر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (۲)

[۱۱۲] أبو جعفر محمّد بن جریر الطبری، قال: أخبرنی أبو المفضل محمّد بن عبد الله، قال: أخبرنا محمّد بن همام، قال: أخبرنا جعفر بن محمّد بن مالک، قال:

حدّثنا علی بن یونس الخزاز، عن إسماعیل بن عمر بن (۳) أبان، عن أبيه، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: «إذا أراد الله قيام القائم [عليه السلام] بعث جبرائيل في صورة طائر أبيض، فيضع

(۱). کتاب الغیبه: [۲۴۳ (باب ۱۳، ح ۴۳)].

(۲). متأسفانه یافت نشد.

(۳). در متن: عن.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۴

إحدى رجله على الكعبة و الأخرى على بيت المقدس ثم ينادى بأعلى صوته:  
أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»

قال: «فيحضر القائم [عليه السلام] فيصلّى عند مقام إبراهيم عليه السلام ركعتين ثم ينصرف و حوالبه أصحابه و هم ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً، إنّ فيهم لمن يسرى من فراشه ليلاً فيخرج و معه الحجر فيلقيه فتعشب الأرض.» (۱)

ابو جعفر محمّد بن جریر طبری گوید: خبرم داد ابو المفضل محمّد بن عبد الله، گفت: محمّد بن همام خبرمان داد، گفت: جعفر بن محمّد بن مالک خبرمان داد، گفت:

علی بن یونس خزاز حدیث مان داد، از اسماعیل بن عمر بن ابان، از پدرش، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که فرمود: «هرگاه خداوند بخواهد که قائم [عليه السلام] قیام کند، جبرئیل را به شکل پرنده‌ی سپیدی می‌فرستد. او یک پای بر خانه‌ی کعبه و پای دیگر بر بیت المقدس می‌گذارد.

سپس با صدای بلند بانگ می‌زند: (امر الاهی آمد. پس در آن شتاب نورزید!).»

(امام صادق علیه السلام) فرمود: «آن‌گاه حضرت قائم [عليه السلام] حاضر می‌شود و در مقام ابراهیم، دو رکعت نماز می‌گذارد. سپس درحالی که اصحابش- که ۳۱۳ تن‌اند- در پیرامونش باشند، می‌رود. به درستی که در میان اصحاب او کسانی هستند که شبانه از بستر خود هجرت می‌کنند. پس بیرون می‌روند و با آنان سنگ (مخصوص) ی است که چون آن را افکنند، از زمین گیاه می‌روید.»

(۱). دلایل الإمامة: [۴۷۲ (ح ۴۶۴)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۵

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ، بَلَى وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١﴾  
 (و آنان) با تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد. بلی، البته وعده‌ای است که بر او حق است؛ ولیکن بیش تر مردمان نمی دانند.)

[۱۱۳] محمد بن یعقوب، یاسناده عن سهل: عن محمد، عن أبيه، عن أبي بصير، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام [قوله تبارك و تعالی: وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ، بَلَى وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ قال: فقال لي:

«يا أبا بصير ما تقول في هذه الآية؟» [قال قلت: إنَّ المشركين يزعمون و يحلفون لرسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلم أن الله لا يبعث الموتى. قال: فقال:

«تبا لمن قال هذا! [سلمهم:] هل كان المشركون يحلفون بالله أم باللآلئ و العزى؟» قال: قلت: جعلت فداك! فأوجدنيه، قال: فقال لي: «يا أبا بصير لو قد قام قائمنا بعث الله إليه قوما من شيعتنا قباع ﴿٢﴾ سيوفهم

(۱). نحل (۱۶): ۳۹.

(۲). [در حدیث آینده، این واژه قبایع خواهد آمد که جمع قبیعه است و ظاهرا درست تر است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۶

على عوانتهم فيبلغ ذلك قوما من شيعتنا لم يموتوا فيقولون: بعث فلان و فلان و فلان من قبورهم و هم مع القائم عليه السلام فيبلغ ﴿١﴾ ذلك قوما من عدونا، فيقولون: يا معشر الشيعة ما أكذبكم! هذه دولتكم و أنتم تقولون فيها الكذب؟! لا و الله ما عاش هؤلاء و لا يعيشون إلى يوم القيامة- قال:- فحكى الله قولهم [فقال: وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ] ﴿٢﴾  
 محمد بن یعقوب: به سند خود از سهل، از محمد، از پدرش، از ابو بصیر روایت کرده که گفت: به حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام عرضه داشتم: این که خداوند- تبارک و تعالی- می فرماید: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد. بلی، البته وعده‌ی الهی حق است؛ ولیکن بیش تر مردمان نمی دانند) منظور چیست؟ فرمود:

«ای ابو بصیر، در این باره، چه نظری داری؟» عرض کردم: مشرکان می پندارند و سوگند می خورند برای رسول اکرم صَلَّى الله عليه و اله و سلم که خداوند هرگز مردگان را زنده نخواهد کرد. آن حضرت فرمود ﴿٣﴾:

«نابود باد کسی که چنین سخنی می گوید. (از آن‌ها پرس که) آیا مشرکان به الله قسم می خوردند یا به لات و عزى؟» ابو بصیر می گوید: گفتم: فدایتان شوم! پس (معنی آیه را) برایم بیان فرماید. فرمود:

«ای ابو بصیر، هنگامی که قائم ما به پا خیزد، خداوند گروهی از شیعیان ما را برای او برانگیزد و زنده کند که بند شمشیرهاشان بر روی شان هاست ﴿٤﴾. چون این خبر

(۱). در متن: فبلغ.

(۲). روضه‌ی کافی: ۵۰ [- ۵۱ (ح ۱۴)].

(۳). در روایت عیاشی، امام علیه السلام از نظر عامه می پرسند و می فرمایند: «چه می گویند؟» بنابراین پاسخ شدید متوجه آن هاست و

ابو بصیر گفتار آن‌ها را نقل کرده است. (مترجم) [می‌توان تقول را غایب و فاعل آن را الناس یا ... دانست].

(۴). [کنایه از این که آماده‌ی پیکار و گوش به فرمان‌اند].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۷

به قومی از شیعیان ما که نمرده باشند برسد، به یک‌دیگر گویند: فلانی و فلانی و فلانی از قبرهایشان برانگیخته شدند و با قائم علیه السّلام‌اند. این سخن به گوش گروهی از دشمنان ما برسد. آن‌ها گویند: ای شیعیان! چه قدر دروغ گویند! این دولت و حکومت شماست و شما دروغ می‌گویید! نه و الله، این‌ها که شما می‌گویید زنده نشده‌اند و زنده نخواهند شد تا روز قیامت. این است که خداوند گفتار آن‌ها را حکایت کرده [و فرموده است: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد.)].

[۱۱۴] و رواه العیاشی، باسناده عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السّلام فی قوله: وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ قَالَ: «ما يقولون فيها؟» قلت: يزعمون أنّ المشركين كانوا يحلفون لرسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم أنّ الله لا يبعث الموتى. قال: «تبا لمن قال هذا! ويلهم! هل كان المشركون يحلفون بالله أم باللات و العزى؟» قلت: جعلت فداك، فأوجدنيه أعرفه، قال:

«لو قام قائمنا بعث الله إليه قوما من شيعتنا قبايع سيوفهم على عواتقهم فيبلغ (۱) ذلك قوما من شيعتنا لم يموتوا، فيقولون: بعث فلان و فلان من قبورهم مع القائم عليه السّلام، فيبلغ (۲) ذلك قوما من أعدائنا، فيقولون: يا معشر الشيعة ما أكذبكم! هذه دولتكم و أنتم تكذبون فيها؟! لا و الله ما عاشوا و لا يعيشون (۳)» إلى يوم القيامة، فحكي الله قولهم: وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ.... «(۴) عیاشی نیز آن را به سند خود از ابو بصیر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام روایت کرده که درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد.) فرمودند:

(۱ و ۲). در متن: فیبلغ.

(۳). [در مأخذ: لا تعیشوا].

(۴). تفسیر العیاشی ۲: ۲۵۹ [نحل، ح ۲۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۸

«درباره‌ی آن، چه می‌گویند؟» عرضه داشتم: می‌پندارند که مشرکان برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم سوگند یاد می‌کردند که خداوند مردگان را زنده نخواهد ساخت.

(امام صادق علیه السّلام) فرمود:

«نابود باد کسی که چنین چیزی بگوید! وای بر آن‌ها! آیا مشرکان به الله سوگند یاد می‌کردند یا به لات و عزى؟»

عرض کردم: فدایتان گردهم! پس آن را برایم روشن سازید تا بشناسم. فرمود:

«چون قائم ما علیه السّلام به پا خیزد، خداوند قومی از شیعیان ما را برخواهد انگیزد که بندهای شمشیرهایشان بر روی شانه‌هاست. این خبر به گروهی از شیعیانمان که نمرده‌اند می‌رسد. به یک‌دیگر گویند: فلانی و فلانی از قبرهایشان برانگیخته شدند و ایشان با حضرت قائم علیه السّلام‌اند. چون این سخن به گوش گروهی از دشمنانمان برسد، آن‌ها گویند: ای گروه شیعیان، شما چه قدر دروغ گویند! این دولت و حکومت شماست و شما دروغ می‌گویید! نه و الله، این‌ها- که شما می‌گویید- زنده نشده و زنده نخواهند شد تا روز قیامت. پس خداوند گفتار آن‌ها را حکایت فرمود که: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند...).»

[۱۱۵] عنه، باسناده: عن ابی عبد الله صالح بن میثم، قال: سألت أبا جعفر عليه السّلام عن قوله (۱): «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ



الْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا قَالَ:

«ذلک (حین یقول علی علیه السّلام: أنا أولى النّاس) بهذه الآیة: وَاقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللّهُ مَنْ يَمُوتُ، بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا [وَلَكِنَّ النَّاسَ لَا يَعْلَمُونَ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَيُعَلِّمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ] «(۲)»  
از اوست که به سند خود از ابو عبد الله صالح بن میثم روایت کرده که گفت: از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (و حال آن که هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم او شده است) پرسیدم. فرمود:

(۱). در مأخذ: قول الله تعالى.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۲۵۹ [نحل، ح ۲۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۴۹

«آن (هنگامی است که حضرت علی علیه السّلام فرماید: جایگاه من جایگاه شایسته‌ترین افراد) در این آیه است: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد. بلی، البتّه وعده‌ی الهی حقّ است؛ ولیکن بیش‌تر مردمان نمی‌دانند) تا برایشان آنچه را در آن اختلاف می‌کردند بیان سازد و تا کافران کاملاً به دروغ‌گویی خود پی‌برند.»

روایات در مورد فرموده‌ی خدای - تعالی - : «وَلَهُ أُسْمِيَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... نشان می‌دهد که این هنگام قیام حضرت قائم علیه السّلام خواهد بود.

[۱۱۶] و عنه، بإسناده، عن سيرين قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام إذ قال:

«ما يقول الناس في هذه الآیة: وَاقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللّهُ مَنْ يَمُوتُ؟» قال: يقولون: لا قیامة و لا بعث و لا نشور، فقال: «كذبوا و الله، إنّما ذلك إذا قام القائم عليه السّلام و كرّ معه المكرون، فقال أهل خلافكم: قد ظهرت دولتكم یا معشر الشّیعة، و هذا من كذبكم، تقولون «(۱)»: رجع فلان و فلان و فلان، لا و الله لا یبعث الله من یموت، ألا ترى أنّه قال «(۲)»: [إنّهم قالوا]: وَاقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ كان المشركون أشدّ تعظيماً باللّات و العزى من أن یقسموا بغيرها، فقال الله عزّ و جلّ: بلى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَيُعَلِّمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ. إنّما قولنا لشيءٍ إذا أردناه أن نقول له: كُنْ، فيكون «(۳)»  
از اوست، به سند خود، از سيرين آورده که گفت: در محضر امام ابو عبد الله صادق علیه السّلام شرفیاب بودم که آن حضرت پرسید:

(۱). [در متن: يقولون].

(۲). در مأخذ: أنّهم قالوا.

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۲۵۹ [- ۲۶۰] [نحل، ح ۲۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۰

«مردم درباره‌ی این آیه چه می‌گویند: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد؟)» (مخاطب) پاسخ داد:

می‌گویند: (سخن کافران این است): هیچ قیامتی و برانگیخته‌شدنی و پراکنده‌شدنی نیست. فرمود:

«به خدا سوگند، دروغ می‌گویند. همانا این وقتی است که قائم علیه السّلام به‌پا خیزد و آنان که اهل رجعت باشند، به خدمت آن حضرت بشتابند. مخالفان شما خواهند گفت: ای شیعیان! دولت شما آشکار شد و این از دروغ‌های شماست که می‌گویید: فلان و



فلان باز گشته‌اند. نه، قسم به خدا که خداوند کسی را که مرد، به این دنیا باز نخواهد آورد. آیا نمی‌نگری که او فرمود: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند)؟

تعظیم و احترام مشرکان به لالت و عزّی بیش از آن بود که به چیزی جز آن‌ها سوگند یاد کنند. پس خدای - عزّ و جلّ - فرمود: (بلی، البتّه وعده‌ی الاهی حقّ است تا برای آنان بیان سازد آنچه را در آن اختلاف می‌کنند و تا آنان که کفر ورزیده‌اند، بدانند که دروغ گو بوده‌اند. همانا هر گاه ما به امر نافذمان چیزی را اراده کنیم، گوییم: موجود باش؛ پس همان لحظه موجود خواهد شد).»

[۱۱۷] أبو جعفر محمّد بن جریر، قال: أخبرني أبو الحسن عليّ بن هبة الله «۱»، قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ، قال:

حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، قال: حدّثنا يعقوب بن يزيد، قال: حدّثنا محمّد بن أبي عمير، عن عمر بن أذينة، عن فضيل بن يسار، قال:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن خرج السفينائي ما تأمرني؟ قال:

«إذا كان ذلك كتبت إليك.»

قلت: أعلمني آية كتابك «۲».

(۱). در متن: عبد الله هبة الله.

(۲). در مأخذ: فكيف أعلم أنه كتابك.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۱

قال: «أكتب إليك بعلامه كذا و كذا» و قرأ آية من القرآن.

قال: [ف] قلت لفضيل: ما تلك الآية؟ قال: ما حدّثت بها أحدا غير بريد العجليّ. قال زرارة: أنا أحدّثك بها، هي: وَ أَقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ، بلى وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا قال: فسكت الفضيل و لم يقل: لا و لا: نعم. «۱»

ابو جعفر محمّد بن جریر گوید: ابو الحسن علی بن (عبد الله) هبة الله خبرم کرد، گفت: ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی حدیث مان داد، وی گفت:

پدرم از سعد بن عبد الله حدیث مان داد، گفت: یعقوب بن یزید برایمان حدیث آورد، گفت: محمّد بن ابی عمیر، از عمر بن اذینه، از فضیل بن یسار حدیث مان داد که گفت:

به حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام عرضه داشتم: اگر سفینائی خروج کرد، به من چه دستور می‌فرمایید؟ فرمود:

«هر گاه چنین شد، برایت خواهم نوشت.»

عرض کردم: نشانه‌ی نامه را برایم بفرمایید.

فرمود: «فلان علامت و فلان نشانه را برایت خواهم نوشت» و آیه‌ای از قرآن خواند.

راوی گوید: پس از آن به فضیل گفتم: آن آیه چیست؟ گفت: آن را جز به بريد عجلي به هیچ کس نگفتم؛ ولی زراره به من گفت: من برایت می‌گویم آن آیه کدام است. آیه‌ی: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد. بلی، البتّه وعده‌ی الاهی حقّ است) گوید: (وقتی برای فضیل آیه را خواندم) فضیل ساکت ماند و آری و نه نگفت.

[۱۱۸] العیاشی، یاسناده: عن الفضیل، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: آية «۲» كتابك؟ قال:

(۱). [دلائل الإمامة: ۴۶۵ (ح ۴۴۹)].

(۲). در مأخذ: أعلمنی آیه.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۲

«أكتب بعلامه كذا و كذا» و قرأ آیه من القرآن.

قلت لفضيل: و ما تلك الآية؟ قال: ما حدثت بها أحدا غير برید، قال زرارة: أنا أحدثك بها: وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ... إلى آخر الآية، قال:

فسكت الفضيل و لم يقل: لا و لا: نعم. «۱»

عیاشی به سند خود از فضیل آورده است که گفت: به حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام عرضه داشتم: نشان نامه‌ی شما چیست؟ فرمود: «فلان علامت را خواهم نوشت» و آیه‌ای از قرآن خواند.

راوی گوید: به فضیل گفتم: آن آیه چیست؟ گفت: آن را جز به برید نگفتم.

زراره گفت: من برایت می‌گویم: (و آنان با مبالغه و تأکید، به خداوند سوگند یاد کنند ... تا آخر آیه) گوید: فضیل ساکت ماند و آری و نه نگفت.

(۱). تفسیر العیاشی ۲: ۲۶۰ [نحل، ح ۲۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۳

#### ۴۰ [سوره‌ی نحل [آیه‌ی ۴۶]]

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ؟ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ؟ «۱»

(آیا کسانی که با انجام زشتی‌ها نیرنگ زده‌اند، ایمن‌اند از این که خداوند آنان را در زمین فرو برد یا عذاب او- از آن‌جا که پی نبرند- به سراغشان بیاید؟)

[۱۱۹] العیاشی، یاسنده: عن إبراهيم بن عمر، عن سمع أبا جعفر عليه السلام يقول:

«إنَّ عهد نبي الله صار عند علي بن الحسين عليه السلام، ثم صار عند محمد بن علي عليه السلام ثم يفعل الله ما يشاء، فالزم هؤلاء، فإذا خرج رجل منهم معه ثلاث مائة رجل و معه راية رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم عامدا إلى المدينة حتى يمر بالبيداء فيقول: هذا مكان القوم الذين خسف بهم، و هي الآية التي قال الله عز و جل: أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ؟ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ؟\* أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ؟ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ «۲»

عیاشی، به سند خود: از ابراهیم بن عمر، از کسی که شنیده بود حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام می‌فرماید: «به درستی که پیمان پیغمبر خدا نزد علی بن الحسین علیه السلام سپرده شد.

سپس به محمد بن علی (خود آن حضرت علیه السلام) رسید و پس از این، خداوند آن‌چه را بخواهد انجام می‌دهد. پس همیشه با اینان باش و چون مردی از ایشان خروج کرد که

(۱). نحل (۱۶): ۴۶.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۲۶۱ [نحل، ح ۳۴].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۴

۳۰۰ مرد هم‌راهی‌اش می‌کردند و پرچم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را با خود داشت (بدو پیوند). او به سوی مدینه روان شود و چون از بیابان «بیداء» بگذرد، بگوید: این جای کسانی است که به زمین فرو خواهند شد و این است آیه‌ای که خدای -عزّ و جلّ- فرموده: (آیا کسانی که با انجام زشتی‌ها نیرنگ زده‌اند، ایمن‌اند از این که خداوند آنان را بر زمین فرو برد یا عذاب او از آن‌جا که پی نبرند به سراغشان بیاید؟\* یا آن‌که هنگام آمد و شدشان به ناگاه ایشان را بگیرد؟ آنان توان مقابله با قدرت حق را ندارند.)»

[۱۲۰] عنه، یاسناده، عن جابر الجعفی، عن أبي جعفر عليه السلام في حديث طويل قال له:

«... و إِيَّاكَ وَ شَدَّاذَ «۱» من آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ لآلَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيَّ رَايَةً وَ لغيرهم رَايَاتُ «۲»، فالزَّمْ هؤُلاءِ أَبَدًا، وَ إِيَّاكَ وَ من ذَكَرْتَ لَكَ فَإِذَا خَرَجَ رَجُلٌ مِنْهُمْ مَعَهُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ عَامِدًا إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمْرَ بِالْبِيدَاءِ حَتَّى يَقُولَ: هَذَا مَكَانُ الْقَوْمِ الَّذِينَ يَخْسِفُ بِهِمْ وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: أَمْأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ؟\* أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ؟ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ «۳»

از اوست: به سند خود از جابر جعفی آورده است که حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به او فرمودند:

«و مبادا که با تک‌روانی از آل محمد علیهم السلام که خروج کنند «۴»، هم‌راهی کنی؛ زیرا

(۱). [در متن: شداد (کذا). چنان‌که در آیه‌ی ۱۴۹ سوره‌ی بقره گذشت، و الشَّدَّاذُ درست‌تر است.]

(۲). در متن: «فَإِنَّ لآلَ مُحَمَّدٍ عَلِيَّ رَايَةً وَ لغيرهم عَلِيَّ رَايَةً...».

(۳). تفسیر العیاشی ۱: ۶۵ [بقره، ح ۱۱۷].

(۴). به عنوان برپایی عدل و داد و تشکیل دولت حق. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۵

که آل محمد و علی پرچمی (و دولتی خاص) دارند و دیگران به پرچم‌هایی وابسته می‌شوند (دیگران هم دولت‌هایی دارند) ... پس همیشه با اینان (- امامان بر حق از آل محمد علیهم السلام) باش و از آن‌هایی که برایت یاد کردم جدا بپرهیز و هرگاه مردی از ایشان که سی صد و اندی نفر با وی بود و پرچم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را همراه داشت به پا خاست تا عازم مدینه شود (با او هم‌راهی کن) و چون از بیابان "بیداء" بگذرد می‌گوید:

این‌جا جای کسانی است که به زمین فرو خواهند رفت و این است (معنی) آیه‌ای که خدای -عزّ و جلّ- فرموده: (آیا کسانی که با انجام زشتی‌ها توطئه کرده‌اند، ایمن‌اند از این که خداوند آنان را در زمین فرو برد یا عذاب او از آن‌جا که پی نبرند به سراغشان بیاید؟\* یا آن‌که هنگام آمد و شدشان به ناگاه آن‌ها را بگیرد؟ آنان توان مقابله با قدرت حق را ندارند.)»

[۱۲۱] و عنه، یاسناده: عن ابن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام، سئل عن قول الله عزّ و جلّ: أَمْأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ؟، قال:

«هم أعداء الله و هم يمسخون و يقدفون و يسيحون في الأرض.» «۱»

هم از اوست، به سندش: از ابن سنان، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام آمده است که از آن حضرت راجع به قول خدای -عزّ و جلّ-: (آیا کسانی که با انجام زشتی‌ها توطئه کرده‌اند، ایمن‌اند از این که خداوند آنان را در زمین فرو برد؟) سؤال شد. (امام علیه السلام) در پاسخ فرمود:

«آنان دشمنان خدایند و آن‌ها مسخ و (به دوردست) پرتاب می‌گردند و در زمین آواره می‌شوند.»

(۱). تفسیر العیاشی ۲: ۲۶۱ [نحل، ح ۳۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۶

## ۴۱ [سوره‌ی اسراء] [آیه‌ی ۷-۵]

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا\* فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا\* ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿۱﴾  
(و به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) خبر دادیم که البته شما دو بار در زمین تباهی خواهید کرد و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای خواهید داشت\* پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد، بندگان سخت جنگ‌جوی خویش را بر شما برانگیزیم تا آن‌جا که درون خانه‌هایتان را نیز جست‌وجو کنند و این وعده انجام شدنی (و قطعی) است\* سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و به وسیله‌ی اموال و فرزندان مدد رسانیم و شمار (افراد) تان را بیش‌تر سازیم).

[۱۲۲] محمّد بن یعقوب، عن عدّه من أصحابنا: عن سهل بن زیاد، عن محمّد بن الحسن بن شّمون، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصمّ، عن عبد الله بن القاسم البطل، عن أبي عبد الله عليه السّلام في قوله تعالى: وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ قَالَ:

«قتل عليّ بن أبي طالب و طعن الحسن عليهما السّلام، و لتعلنّ علوًّا كبيراً- قال:-

(۱). اسراء (۱۷): ۵-۷.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۷

قتل الحسين عليه السّلام، فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا فَإِذَا جَاءَ نصر دم الحسين عليه السّلام، بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ قوم يبعثهم الله قبل خروج القائم عليه السّلام فلا يدعون وترا لآل محمّد إلّا أخذوه، وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا خروج القائم عليه السّلام، ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ خروج الحسين عليه السّلام في سبعين من أصحابه- عليهم [ال] بيض المذهب لكلّ بيضه و جهان- المؤدّون إلى الناس أنّ هذا الحسين عليه السّلام قد خرج [حتى لا يشكّ المؤمنون] فيه و أنّه ليس بدجال و لا شيطان و الحجّة القائم عليه السّلام بين أظهركم ﴿۱﴾ فإذا استقرت المعرفة في قلوب المؤمنين أنّه الحسين عليه السّلام جاء الحجّة الموت، فيكون الذي يغشله و يكفنه و يحنّطه و يلحده في حفرته الحسين [بن عليّ عليهما السّلام و لا يلي الوصي إلّا الوصي. «۲»

محمّد بن يعقوب، از عدّه‌ای از راویان شیعی: از سهل بن زیاد، از محمّد بن الحسن بن شّمون، از عبد الله بن عبد الرحمن اصمّ، از عبد الله بن القاسم بطل، از حضرت ابو عبد الله صادق عليه السّلام روایت آورده که آن حضرت درباره‌ی قول خدای- تعالی:- (و به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) خبر دادیم که البته شما دوبار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد) فرمود:

«یکی کشتن علیّ بن ابی طالب علیه السّلام و دوم ضربت زدن به امام حسن علیه السّلام است «۳»، (و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای خواهید داشت) فرمود: کشته شدن امام حسین علیه السّلام است (پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد) (یعنی) پس چون موعد یاری گرفتن و خون‌خواهی برای حسین علیه السّلام فرا رسد (بندگان سخت جنگ‌جوی خویش را بر شما برانگیزیم تا آن‌جا که درون خانه‌هایتان را نیز جست‌وجو کنند.) (آنان) قومی‌اند که خداوند

(۱). [در مأخذ: أظهرهم.]

(۲). روضه‌ی کافی: ۲۰۶ [ح ۲۵۰].

(۳). در ساباط مداین به امام حسن علیه السلام ضربه‌ای وارد شد که بر اثر آن، مدتی بستری بودند.

(مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۸

آنان را پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام برمی‌انگیزد که هیچ (مسئول) خونی از آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم باقی نگذارند جز این که او را بکشند (و این وعده انجام‌شدنی و قطعی) است) یعنی، آمدن حضرت قائم علیه السلام. (سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم) خروج امام حسین علیه السلام با هفتاد تن از اصحابش (در زمان رجعت)؛ درحالی که کلاه‌خودهای زرین دوروبر سر دارند و اعلام کنندگانی به مردم برسانند: این حسین است که خارج شده است؛ تا آن‌جا که مؤمنان درباره‌ی او هیچ شک و تردید نکنند و بدانند که او دجال و شیطان نیست و این در حالی است که حجّت قائم علیه السلام در میان شماست.

چون معرفت به این که حضرتش همان امام حسین علیه السلام است در دل‌های شیعیان استقرار یافت، حضرت حجّت را مرگ فرا می‌رسد و کسی که آن جناب را غسل می‌دهد و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد، همان حسین [بن علی علیهما السلام خواهد بود و جز وصی و امام، هیچ کس متصدی (کار کفن و دفن) وصی نشود].

[۱۲۳] أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، فی کامل الزیارات، قال: حدّثنی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، قال: حدّثنی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان الحنّاط، عن عبد الله بن [ال] قاسم الحضرمی، عن صالح بن سهل، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله عزّ و جلّ: وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ قَالَ:

«قتل أمير المؤمنين عليه السلام و طعن الحسن بن علی علیهما السلام»

وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا قَالَ: «قتل الحسين بن علی علیهما السلام.»

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا قَالَ: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام.»

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِيَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ: «قوما بیعتهم الله قبل القائم علیه السلام لا یدعون و ترا لآل محمد إلاً أخذوه، وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا.» [۱]

(۱). کامل الزیارات: ۶۰-۶۱ [باب ۱۸، ح ۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۵۹

ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب کامل الزیارات گوید: محمد بن جعفر قرشی رزازی حدیث‌ام داد، گفت: محمد بن حسین بن ابی الخطاب حدیث‌ام گفت، از موسی بن سعدان حنّاط، از عبد الله بن قاسم حضرمی، از صالح بن سهل، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - (و به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) خبر دادیم که البته شما دو بار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد) فرمود: «کشتن امیر المؤمنین علیه السلام و ضربت زدن حسن بن علی علیه السلام (مراد است).»

(و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای خواهید داشت) فرمود: «کشتن حسین بن علی علیهما السلام است.»

(پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد) فرمود: «هرگاه وقت پیروزی و نصرت حسین علیه السلام فرا رسید.»

(بندگان سخت جنگ‌جوی خویش را بر شما برانگیزیم تا آن‌جا که درون خانه‌هایتان را نیز جست‌وجو کنند): «قومی را خداوند پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام برانگیزد که هیچ مسئول خونی از آل محمد را وانگذارند مگر این که او را بگیرند (و این وعده انجام‌شدنی است).»

[۱۲۴] عنه، قال: حدّثنی محمد بن جعفر الکوفی الرزازی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان [عن عبد الله

بن القاسم الحضرمي، عن صالح بن سهل، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله تبارك و تعالی: وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ قَالَ:

«قتل علي عليه السلام و طعن الحسن عليه السلام»

وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا قَالَ: «قتل الحسين عليه السلام.» (۱)

از اوست که گفت: محمد بن جعفر کوفی رزاز حدیث ام داد، از محمد بن

(۱). همان: ۶۲ [باب ۱۸، ح ۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۲۹۹

الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان [از عبد الله بن قاسم حضرمی، از صالح بن سهل، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند- تبارک و تعالی-: (و به بنی اسرائیل در کتاب [تورات خبر دادیم که البته شما دوبار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد) فرمود: «کشتن حضرت علی علیه السلام و ضربت زدن به امام حسن علیه السلام (مراد است).»

(و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای خواهید داشت) فرمود: «کشتن امام حسین علیه السلام.» (۱)

[۱۲۵] العیاشی، باسناده: عن صالح بن سهل، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله:

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ «قتل علي و طعن الحسن عليهما السلام.

وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا قتل الحسين،

فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دِمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ،

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَدْعُونَ وَتَرَا لَالَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا حَرْقَهُ،

وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا قِيَامِ «۲» الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ،

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَآمَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا خُرُوجِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْكَرَّةِ فِي سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ الَّذِينَ قَتَلُوا مَعَهُ عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ الْمَذْهَبُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجِهَانٍ، الْمُؤَدَّى إِلَى النَّاسِ أَنَّ الْحُسَيْنَ قَدْ خَرَجَ فِي

(۱). [چنین برمی آید که مؤلف عالی مقام این حدیث را به مناسبت روایت پیشین و به تداعی آورده است؛ چه از موضوع کتاب خارج است. گفتنی است که با تطبیق سند و متن، در حقیقت این روایت بخشی از نخستین است؛ نه غیر آن. شاید مرحوم ابن قولویه به هنگام تنظیم یادداشت‌ها از این که ۷ شماره پیش‌تر، متن کامل‌تر حدیث را آورده است غافل گردیده است.]

(۲). در مأخذ: قبل قیام.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۱

أصحابه حتى لا يشك فيهم المؤمنون و أنه ليس بدجال و لا شيطان، الإمام «۱» الذي بين أظهر الناس يومئذ فإذا استقر عند المؤمن أنه الحسين عليه السلام لا يشكون فيه و بلغ عن الحسين الحجية القائم عليهما السلام بين [أظهر] الناس و صدقه المؤمنون بذلك جاء الحجية الموت، فيكون الذي غسله و كفنه و حنطه «۲» و إيلاجه حفرته «۳» الحسين و لا يلي الوصي إلا الوصي.

و زاد إبراهيم [في حديثه: ثم يملكهم الحسين حتى يقع حاجباه على عينيه.] «۴»

عیاشی: به سند خود از صالح بن سهل از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام روایت آورده است که در توضیح فرموده‌ی

خداوند: (و به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که البته شما دو بار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد) می‌فرماید:

« (مراد) کشتن حضرت علی و ضربت خوردن حضرت حسن علیهما السلام (است)،

(و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای خواهید داشت) کشته شدن حضرت حسین علیه السلام،

(پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد) پس چون وقت یاری گرفتن و ظفر یافتن خون حسین علیه السلام فرا رسد،

(بندگان سخت جنگ‌جوی خویش را بر شما برانگیزیم تا آن‌جا که درون خانه‌هایتان را نیز جست‌وجو کنند) (ایشان) گروهی‌اند که

خداوند آنان را پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام برمی‌انگیزد که هیچ جنایت‌کاری نسبت به آل محمد صلی الله علیه و اله و

سلم را وانگذارند مگر این‌که او را بسوزانند،

(۱). [در متن: إِلَّا أَنْ الْإِمَامِ].

(۲). [در بحار الأنوار ۵۱: ۵۶، یلی غسله و کفنه و حنوطه آمده است که درست‌تر می‌نماید.]

(۳). در متن: فی حفرته.

(۴). تفسیر العیاشی ۲: ۲۸۱ [إسراء، ح ۲۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۲

(و این وعده‌ی حتمی خواهد بود) قیام حضرت قائم علیه السلام است.

(سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و به وسیله‌ی اموال و فرزندان مدد رسانیم و شمار (افراد) تان را بیش‌تر سازیم) خروج

امام حسین علیه السلام در رجعت با هفتاد مرد از اصحابش - که با او کشته شدند - درحالی که کلاه‌خودهای زرینی بر سر دارند که

دو روست و به مردم ابلاغ خواهد شد که حسین با اصحاب خود (از بستر شهادت) بیرون آمد تا آن‌جا که مؤمنان درباره‌اش هیچ

شکّ نکنند و (بدانند) که او دجال و شیطان نیست و امام آن زمان در میان مردم است. پس چون در دل مؤمن اعتقاد به این‌که او

حسین علیه السلام است استقرار یافت درباره‌ی او شکّ نکنند و به حدّی این عقیده رسوخ می‌یابد که حسین را حجّت قائم به امر

امامت دانند و مؤمنان آن حضرت را چنین تصدیق کنند. در این هنگام، مرگ حضرت حجّت علیه السلام فرا رسد. پس امام حسین

علیه السلام عهده‌دار غسل و کفن و حنوط او می‌شود و او را در آرامگاهش به خاک می‌سپارد که غسل و کفن وصی را جز وصی

عهده‌دار نشود.

ابراهیم (یکی از راویان) [در حدیثش افزوده است: «سپس امام حسین علیه السلام زمام امورشان را به دست می‌گیرد (و آن‌قدر

می‌زید) تا آن‌جا که ابروهایش بر روی چشم‌هایش می‌افتد.» (۱)]

(۱). ممکن است این شبهه برای بعضی پیش‌آید که آیات مورد بحث، درباره‌ی بنی اسرائیل است و به وقایع کربلا یا حوادث دیگر

این اّمت مربوط نیست؛ ولی باید دانست:

الف- چنان‌که در مقدمه گفتیم، آیات قرآن، ظاهری دارند و باطنی. شاید این معنی - که در احادیث فوق آمده است - مربوط به

باطن آیات باشد؛ شاید هم یکی از «باطن‌ها».

ب- ممکن است «بنی اسرائیل» در این آیه کنایه از همین اّمت باشد؛ از جهت شباهت‌هایی که دو اّمت باهم دارند.

ج- شاید مقصود این باشد: همان‌طور که در بنی اسرائیل آن حوادث روی داد، در این اّمت نیز نظایر آن پدیدار شد؛ چنان‌که در

احادیث بسیاری این نکته آمده است که همه‌ی آن‌چه در امم پیشین واقع شده است در این اّمت نیز - طابق النعل بالنعل - واقع خواهد

شد. (مترجم)



سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۳

[۱۲۶] عنه، بإسناده: عن حمران، عن أبي جعفر عليه السلام [قال: كان يقرأ «۱»]:

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ ثُمَّ قَالَ:

«هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ أَلَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ.» [۲]

از اوست که به سند خود: از حمران، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آورده که [گوید:]: آن حضرت (این آیه را) تلاوت می فرمود: (بندگان سخت جنگجوی خویش را بر شما خواهیم برانگیخت) سپس فرمود: «او قائم علیه السلام است و اصحاب او که سخت نیرومند و جنگجویند.»

[۱۲۷] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، فی مسند فاطمة علیهما السلام، قال: روی أبو عبد الله محمد بن سهل الجلودی، قال: حدّثنا أبو الخیر «۳» أحمد بن محمد بن جعفر الطائی «۴» الکوفی فی مسجد أبي إبراهيم موسى بن جعفر علیهما السلام، قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن یحیی الحارثی، قال: حدّثنا علی بن إبراهيم بن مهزیار الأهوازی، قال:

خرجت فی بعض السنین حاجًا إذ دخلت المدینة و أقمت بها آیاما أسأل و أستبحث عن صاحب الزّمان علیه السلام، فما عرفت له خبرا و لا وقعت لی علیه عین. فاغتمت غمًا شدیدًا و خشیت أن یفوتنی ما أمّلته من طلب صاحب الزّمان علیه السلام، فخرجت حتی أتیت مکة فقضیت حجّتی و أقمت «۵» بها أسبوعًا کلّ ذلك أطلب.

(۱). در متن: یقول.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۲۸۱ [إسراء، ح ۲۱].

(۳). در متن: أبو الحسین.

(۴). در متن: الطّاری.

(۵). در مأخذ: اعتمرت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۴

فبینا أنا أفکر إذ انکشف لی باب الکعبه فإذا أنا بإنسان كأنه غصن بان مّترر ببرده مّتشح بأخری قد کشف عطف برده علی عاتقه، فارتاح قلبی و بادرت لقصده، فانتنی علی «۱» و قال: من أين الرّجل؟ قلت: من العراق. قال: من أی العراق؟ قلت: من الأهواز.

فقال: أتعرف ابن الخصب «۲»؟ قلت: نعم، قال: رحمه الله! فما كان أطول ليله و أعظم «۳» نيله، و أغزر دمعته!

قال: فابن «۴» المهزیار؟ قلت: أنا هو.

قال: حیاک الله بالسلام أبا الحسن! ثم صافحنی و عانقنی و قال: یا أبا الحسن ما فعلت العلامة التي بینک و بین الماضي أبي محمد نصر الله وجهه؟

قلت: معی، و أدخلت یدی إلى جیبی و أخرجت خاتما علیه «محمّد و علی»، فلما قرأه استعبر حتی بلّ طمره الّمدی [كان علی یده، و قال: یرحمک الله أبا محمّد! إنک زین الأمیة، شرفک الله بالإمامة و توجّک بتاج العلم و المعرفة، فإنّا إلیکم صائرون، ثم صافحنی و عانقنی، ثم قال: ما الّذی ترید یا أبا الحسن؟ قلت:

الإمام المحجوب عن العالم،

قال: و ما هو محجوب عنکم و لكن حجه سوء أعمالکم، قم (سر) إلى رحلک و کن علی أهبة من لقائه، (ف) إذا انحطّ الجوزاء و أزهرت نجوم السماء فها أنا لك بین الرّکن و الصّفا.



فطابت نفسى و تيقنت أن الله فضّلنى، فما زلت أرقب الوقت حتى حان و خرجت إلى مطيتى [و استويت على رحلى و استويت على ظهرها.

(۱). در مأخذ: إلى.

(۲). در مأخذ: الخصيبى.

(۳). در مأخذ: أكثر.

(۴). [در متن: فأين.]

سیمای حضرت مهدى در قرآن، ص: ۲۶۵

فإذا أنا بصاحبى ينادى: إلى يا أبا الحسن! فخرجت فلحقت به، فحيتانى بالسلام و قال: سر بنا يا أخ، فما زال يهبط واديا و يرقى ذروة جبل إلى أن علقنا على الطائف، فقال: يا أبا الحسن انزل بنا نصلّى باقى صلاة الليل، فنزل فصلّى بنا الفجر ركعتين، قلت: فالركعتين الأوليين «۱»؟ قال: هما من صلاة الليل و أوتر فيهما و القنوت، و كلّ صلاة جائزة «۲»، و قال: سر بنا يا أخ.

فلم يزل يهبط [بى واديا و يرقى ذروة جبل حتى أشرفنا على واد عظيم مثل الكافور، فأمدّ عيني فإذا بيت من الشعر يتوقّد نورا، قال: [المح هل ترى شيئا؟ قلت: أرى بيتا من الشعر، فقال: الأمل و الحظ «۳» فى الوادى.

و أتبع الأثر حتى إذا صرنا بوسط الوادى نزل عن راحلته و خلاها و نزلت من مطيتى و قال لى: دعها، قلت: فإن تاهت؟ قال: إن هذا واد لا يدخله إلّا مؤمن و لا يخرج منه إلّا مؤمن، ثم سبقنى و دخل الخباء و خرج إلى مسرعا و قال: أبشر فقد أذن لك بالدخول. فدخلت فإذا بيت «۴» يسطع من جانبه النور، فسلمت عليه بالإمامة، فقال: «يا أبا الحسن كئنا نتوقعك ليلا و نهارا، فما الذى أبطأ بك علينا؟» قلت: يا سيدى لم أجد من يدلنى إلى الآن، قال لى: «لم تجد أحدا يدلّك؟!» ثم نكت بإصبعه فى الأرض ثم قال: «لا- و لكنكم كثرتم الأموال، و تجبرتم على ضعفاء المؤمنين، و قطعتم الرّحم الذى بينكم، فأى عذر لكم [الآن؟]» فقلت: التوبة، (و التوبة! الإقالة، الإقالة!

(۱). [در متن: الأولتين.]

(۲). [در مأخذ: و القنوت فى كلّ صلاة جائزة.]

(۳). [در مأخذ: و انحط.]

(۴). در مأخذ: البيت.

سیمای حضرت مهدى در قرآن، ص: ۲۶۶

[ثم قال: «يا ابن المهزيار لو لا استغفار بعضكم لبعض لهلك من عليها إلّا خواصّ الشيعة التى تشبه أقوالهم أفعالهم.»

ثم قال: «يا ابن المهزيار- و مدّ يده- ألا أتبتك بالخبر؟ إنه إذا قعد الصبى و تحرّك المغربى و سار العمانيّ و بويح السيفيانى يأذن لى الله «۱» فأخرج بين الصفا و المروة فى ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا سواء، فأجىء إلى الكوفة و أهدم مسجدها و أبنيه على بنائه الأول و أهدم ما حوله من بناء الجابرة و أحجّ بالناس حجّة الإسلام و أجىء إلى يثرب فأهدم الحجره و أخرج من بها و هما طريان فأمر بهما تجاه البقيع و أمر بخشبتين يصلبان عليهما فتورق من تحتهما، فيفتتن الناس بهما أشدّ من الفتنة الأولى، فينادى مناد من السماء: يا سماء أيبدى و يا أرض خدى، فيومئذ لا يبقى على وجه الأرض إلّا مؤمن قد أخلص قلبه للإيمان.»

قلت: يا سيدى ما يكون بعد ذلك؟ قال:

«الكرة الكرة، الزجعة الزجعة.» ثم تلا هذه الآية: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. «۲»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری، در مسند فاطمه علیها السلام گفته است: ابو عبد الله محمد بن سهل جلودی روایت کرد، وی گفت: ابو الخیر احمد بن محمد بن جعفر طائی کوفی در مسجد حضرت ابو ابراهیم موسی بن جعفر علیهما السلام حدیث مان داد، وی گفت:

محمد بن حسن بن یحیی حارثی حدیث مان داد، گفت: علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی حدیث مان داد که گفت:

(۱). [در متن: یؤذن لی الله و در مأخذ: یأذن لولی الله].

(۲). [دلائل الإمامة: ۵۳۹-۵۴۲ (ح ۵۲۲)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۷

در یکی از سالها، به قصد حج، بیرون آمدم که به شهر مدینه وارد شدم. چند روز در آن اقامت کردم تا حضرت صاحب الزمان علیه السلام را جست و جو کنم؛ ولی نه خبری از آن حضرت به دستم رسید و نه دیده‌ام بدو روشن گردید. لذا به شدت اندوهگین شدم و از این که مبادا به آرزویم نرسم، بیمناک گشتم. پس، از مدینه به مکه رفتم و حج به جای آوردم و یک هفته در آنجا اقامت گزیدم. تمام این مدت در جست و جو بودم.

در همین حال که به فکر فرورفته بودم، ناگاه در کعبه برایم آشکار شد. شخصی را دیدم مانند شاخه‌ی درخت بان «۱»، بردی به کمر بسته و برد دیگر از زیر بغل بر روی گردن افکنده بود. دلم به دیدن او قرار گرفت و به سوبش شتافتم. او نیز متوجه من شد و گفت: اهل کجایی؟ گفتم: از عراق.

گفت: کدام شهر آن؟ گفتم: اهواز. گفت: ابن الخصیب را می‌شناسی؟ گفتم:

آری. «۲»

گفت: خداوند رحمت‌اش کند که شب‌های درازی به عبادت می‌گذرانند و چه قدر اشک چشمش روان بود! گفت: ابن المهزیار را چه؟ گفتم: خودم‌ام.

گفت: سلام خداوند بر تو باد، ای ابو الحسن! آن‌گاه مرا به گرمی در آغوش گرفت و گفت: ای ابو الحسن، آن نشانی که بین تو و امام ابو محمد - که خدا چهره‌اش را تابنده کند - بود چه کردی؟ گفتم: هم‌راه دارم و دست بردم و انگشتری را که بر آن نام محمد و علی نقش بسته بود از جیب بیرون آوردم. چون بر آن نظر کرد، گریست تا آنجا که آستین روی دستش تر شد و گفت: ای ابو محمد، خدایات رحمت کند که به

(۱). درخت بان تنه‌ای راست و نرم دارد و از تخم آن روغنی خوش‌بو می‌گیرند. (مترجم) [در فارسی، بانک یا بانک یا غالیه گفته‌اند. رک. لغت‌نامه‌ی دهخدا]

(۲). به نظر می‌رسد در این‌جا افتادگی باشد و دنباله‌ی سخن ابن مهزیار - چنان‌که در روایت شیخ صدوق [کمال الدین ۲: ۴۴۵-۴۵۳ (باب ۴۳، ح ۱۹)] دیده می‌شود - چنین باشد: او از دنیا رفته است. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۸

راستی زینت امت‌ای! خداوند به امامت تو را شرافت بخشید و تاج علم و معرفت بر تو عنایت فرمود. ما به سوی شما ره‌سپاریم. سپس (بار دیگر) با من دست داد و در آغوش‌ام گرفت.

آن‌گاه گفت: ای ابو الحسن، چه می‌خواهی؟ گفتم: خواسته‌ام (دیدار) امامی است که از عالم نپنهان است. گفت: او از شما پنهان نشده؛ کارهای بد شما او را مخفی داشته است. (اینک) برخیز و به سوی مرکب خود برو و آماده‌ی دیدارش باش. چون جوزا از

نظرها غایب شد و ستارگان آسمان درخشان گشتند، من بین رکن و صفا منتظر توام.

خوش دل و شادمان شدم و یقین دانستم که خداوند این فضیلت را به من داده است. پس لحظه شماری می کردم تا وقت معین فرا رسید. به سوی مرکبم رفتم و بر آن سوار شدم که ناگاه صدای آن دوست را شنیدم که می گفت: ای ابو الحسن، به سوی من آی. به نزد او شتافتم. بر من سلام کرد و گفت: بیا برویم برادر.

از پست و بلندی ها گذشتیم تا بر طائف مشرف شدیم. به من گفت: ای ابو الحسن، فرود آی تا بقیه نمازهای شب را به جای آوریم. پس فرود آمد و (در آخر) نماز واجب صبح را با او (به جماعت) خواندم. گفتم: پس آن دو رکعت اول چه طور؟ گفت: آن دو رکعت از نمازهای شب است. آن ها و نیز قنوت را کوتاه بخوان و نیز همه نمازهای مستحبی را (می توان کوتاه تر خواند). آن گاه گفت: برادر، برویم.

پیوسته در فراز و نشیب ها می رفتیم تا بر دشت بزرگی مشرف شدیم که هم چون کافور (سفید) بود. در آن چشم گرداندم. به ناگاه چادری - که از موی بافته شده بود - دیدم که نور از آن می درخشید. به من گفت: [خوب نگاه کن آیا چیزی می بینی؟ گفتم: چادری از موی می بینم. گفت: همه امید و سعادت در همین دشت است «۱»]. در پی او رفتم تا به میان دشت رسیدیم. از مرکبش پیاده شد و آن را واگذارد.

(۱). [اگر ضبط نسخه‌ی مأخذ درست باشد، ترجمه چنین است: همه امید (این جاست).

(این را گفت) و در دشت سرازیر شد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۶۹

من نیز از مرکب پیاده شدم. به من گفت: آن را رها کن. گفتم: اگر گم شود، چه طور؟

گفت: این سرزمینی است که جز مؤمن در آن داخل نشود و جز مؤمن از آن بیرون نرود. سپس پیش از من وارد چادر شد و به سرعت بیرون آمد و گفت: مژدهات باد که اجازه‌ی ورود به تو داده شد! داخل شدم. دیدم نور از گوشه‌ی آن جایگاه بالا می رود. بر آن جناب به امامت سلام کردم. به من فرمود: «ای ابو الحسن، ما شب و روز انتظار داشتیم بیایی. چه باعث شد که دیر آمدی؟» عرض کردم: آقای من، کسی را تاکنون نیافته بودم که مرا راهنمایی کند. به من فرمود: «کسی را نیافتی که راهنمایی ات کند؟!» سپس انگشت خود را بر زمین زد و فرمود:

«نه؛ شما مال انباشتید و بر مؤمنان ناتوان ستم کاری کردید و پیوند خویشی را که در میانتان بود قطع کردید. پس [اینک چه عذری دارید؟] عرضه داشتیم: توبه، توبه! در گذرید، در گذرید!

[سپس فرمود:] «پسر مهزیار، اگر استغفار شما برای یک دگر نبود، جز خواص شیعه - که سخنانشان شبیه افعالشان است - هر که روی زمین است هلاک می شد.»

سپس فرمود: «ای فرزند مهزیار - و دستش را دراز کرد - آیا تو را از خبر آگاه نسازم؟ هرگاه کودک بنشیند و مغربی حرکت کند و یمانی راه بیفتد و با سفیانی بیعت شود، خداوند به من اجازه‌ی قیام خواهد داد. پس بین صفا و مروه با ۳۱۳ مرد خروج می کنم. آن گاه به کوفه می آیم و اتاق (مسجد) را ویران و بر اساس بنای نخستین، آن را می سازم و همه‌ی ساختمان‌های جباران پیرامون آن را نیز ویران می کنم و با مردم حج اسلام به جای می آورم و به یثرب (مدینه) می روم. پس حجره را خراب می کنم و آن چه را در آن است، آن دو را، تازه بیرون می آورم و دستور می دهم در سمت بقیع بر دو چوب خشک به دارشان آویزند. آن دو چوب خشک از زیر آن ها برگ می دهند.

آن گاه مردم به فتنه‌ای شدیدتر از فتنه‌ی اول «۱» دچار می گردند که آوازدهنده‌ای از سوی آسمان بانگ می زند: ای آسمان، اینان را

نابود گردان و ای زمین [این‌ها را] بگیر.

(۱). [شاید مراد آزمون بزرگ سقیفه است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۰

سپس بر روی زمین باقی نمی‌ماند جز مؤمنی که دلش را برای ایمان خالص کرده باشد.»

عرضه داشتیم: ای آقای من، پس از آن چه می‌شود؟ فرمود: «بازگشت، بازگشت، رجعت، رجعت.» سپس این آیه را تلاوت کرد:

(سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و به وسیله‌ی اموال و فرزندان مدد کنیم و شمار (افراد) تان را بیش‌تر سازیم).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۱

## ۴۲ [سوره‌ی اسراء] [آیه‌ی ۹]

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٩﴾

(امید است پروردگارتان باز بر شما مهربانی کند و اگر باز گردید، (ما نیز به کار کیفر شما) برمی‌گردیم و جهنم را زندان کافران

قرار داده‌ایم.)

[۱۲۸] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام قال:

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ أَي يَنْصِرْكُمْ عَلَىٰ عِدْوِكُمْ، ثُمَّ خَاطَبَ بَنِي أُمَيَّةَ فَقَالَ: وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا يَعْنِي عُدْتُمْ بِالسَّفِيَانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ

آل مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا أَي حَبَسَا يَحْصِرُونَ فِيهَا.» [۲]

علی بن ابراهیم: در تفسیرش - که منسوب به امام صادق علیه السلام است - گوید:

«(امید است پروردگارتان باز بر شما مهربانی کند) یعنی، شما را بر دشمنان پیروز فرماید. سپس به بنی امیه خطاب کرد و فرمود: (و

اگر (به عصیان و گناه) باز گردید، (ما هم به عقوبت شما) برمی‌گردیم) یعنی اگر به وسیله‌ی سفیانی باز گردید، ما به وسیله‌ی قائم از

آل محمد علیه السلام باز می‌گردیم، (و جهنم را زندان کافران قرار دهیم) یعنی زندانی که در آن محصور بمانند.»

(۱). اسراء (۱۷): ۹.

(۲). تفسیر قمی ۱: ۴۰۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۲

## ۴۳ [سوره‌ی اسراء] [آیه‌ی ۳۴]

وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ، إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا ﴿٣٤﴾

(و هر آن که مظلوم کشته شود، البته که ما برای ولی او تسلط (و حق قصاص) قرار داده‌ایم. پس در کشتن اسراف نکند که او یاری

شده است.)

[۱۲۹] أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، فی کامل الزیارات، قال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

الصِّفَّارِ، عَنِ الْعِيَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ رَجُلٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ «٢» قَوْلِهِ تَعَالَى: وَمَنْ قُتِلَ

مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا قَالَ:

«ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بَدْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُسْرِفًا، وَقَوْلُهُ: فَلَا يُسْرِفُ فِي

الْقَتْلِ (أى) لم يكن ليصنع شيئاً فيكون مسرفاً (٣). ثم قال أبو عبد الله عليه السلام: «يقتل - و الله - ذرارى قتله الحسين عليه السلام لفعال (٤) آبائهم.» (٥)

ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه در کتاب کامل الزیارات گوید: محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن صفار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از

(١). إسرائ (١٧): ٣٤.

(٢). در مأخذ: فى.

(٣). در مأخذ: يكون سرفا.

(٤). در مأخذ: بفعال.

(٥). کامل الزیارات: ٦١-٦٢ [باب ١٨، ح ٥].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٧٣

مردی برایم حدیث آورد که گفت: از حضرت امام ابو عبد الله صادق علیه السلام راجع به فرموده‌ی خدای - تعالی - (و هر آن که مظلوم کشته شود، البته که ما برای ولی او تسلط (و حق قصاص) قرار دادیم. پس در کشتن اسراف نکند که او یاری شده است) پرسیدم. فرمود:

«آن (یاری شده) قائم آل محمد علیهم السلام است. خروج می کند و به (انتقام) خون حسین علیه السلام، (دشمنان را) می کشد. پس اگر اهل زمین را به قتل رساند، مسرف نخواهد بود و این که فرموده: (پس در کشتن اسراف نکند) یعنی، کاری انجام نمی دهد که به سبب آن اسراف کرده باشد.» سپس حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، ذراری و نوادگان کشتگان حسین علیه السلام را به سبب کارهای بدشان به قتل می رساند.»

[١٣٠] ابن بابویه، قال: حدّثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنه، قال: حدّثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبيه، عن عبد السلام بن صالح الهروي قال:

قلت لأبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام: يا ابن رسول الله، ما تقول في حديث روى عن الصادق عليه السلام أنه قال: «إذا قام (١) القائم عليه السلام قتل ذرارى قتله الحسين عليه السلام بفعال آبائهم.»؟ فقال عليه السلام: «هو كذلك.»

فقلت: فقول الله عزّ وجلّ: «و لا تزرّ وازرّة و زرّ أحرى، ما معناه؟ فقال:

«صدق الله في جميع أقواله و لكن ذرارى قتله الحسين يرضون بفعال آبائهم و يفتخرون بها، و من رضى شيئاً [كان كمن أتاه، و لو أنّ رجلاً قتل في المشرق فرضى بقتله رجل في المغرب لكان الراضى عند الله عزّ وجلّ شريك القتال، فإنما يقتلهم القائم عليه السلام - إذا خرج - لرضاهم بفعال آبائهم.»

قال: فقلت له: بأيّ شيء يبدأ القائم منكم [إذا قام؟ قال: «يبدأ بنى شيبه»

(١). در مأخذ: خرج.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٧٤

فيقطع أيديهم لأنهم سراق بيت الله عزّ وجلّ.» (١)

ابن بابویه گوید: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنه حدیث مان داد، گفت:

علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از عبد السلام بن صالح هروی حدیث مان داد که گفت: به حضرت ابو الحسن علی بن موسی

الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: یا ابن رسول الله، چه می‌فرمایید درباره‌ی حدیثی که از امام صادق علیه السَّلَامُ روایت شده که فرمود: «هرگاه قائم علیه السَّلَامُ قیام کند، نوادگان قاتلان حسین علیه السَّلَامُ را به خاطر کارهای پدرانشان به قتل خواهد رساند.» فرمود: «همین‌طور است.»

عرض کردم: پس قول خدای - عَزَّ وَجَلَّ - (و هیچ‌کسی بار دیگری را بر دوش نمی‌گیرد) به چه معناست؟ فرمود: «خداوند در تمامی اقوالش راست گفته است؛ ولی ذراری کشندگان امام حسین به کرده‌ی پدرانشان راضی‌اند و به آن جنایت‌ها افتخار می‌کنند و هرکس به کاری راضی باشد، هم‌چون کسی است که آن را انجام داده است و اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدنش راضی باشد، آن‌که رضا داده نزد خدای - عَزَّ وَجَلَّ - شریک قاتل خواهد بود. پس، تنها بدین جهت وقتی حضرت قائم علیه السَّلَامُ خروج کند آن‌ها را می‌کشد که از کردار پدرانشان راضی‌اند.»

(راوی) گوید: به آن حضرت عرض کردم: هرگاه قائم از شما به‌پا خیزد، اول چه کار می‌کند؟ فرمود: «از بنی شیبه آغاز می‌فرماید و دست‌هایشان را قطع می‌کند؛ چون آن‌ها دزدان بیت‌الله - عَزَّ وَجَلَّ - اند.»

[۱۳۱] مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحٍ، عَنِ الْحَجَّالِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ قَالَ: «نَزَلَتْ فِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَوْ قُتِلَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِهٖ مَا كَانَ سِرْفًا» (۲)، «(۳)»

(۱). عیون أخبار الرضا علیه السلام [۱: ۵۵۸-۵۵۹ (باب ۲۸، ح ۵)].

(۲). [در متن: مسرفاً].

(۳). روضه‌ی کافی: ۲۵۵ [ح ۳۶۴].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۵

محمّد بن یعقوب: از علی بن محمد بن صالح، از حجّال، از یکی از دوستانش، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السَّلَامُ. راوی گوید: از آن امام راجع به قول خدای - عَزَّ وَجَلَّ -:

(و هر آن‌که مظلوم کشته شود، البته که ما برای ولی او، تسلط (و حقّ قصاص) قرار دادیم. پس در کشتن اسراف نکنند) پرسیدم. فرمود:

«(این آیه) درباره‌ی امام حسین علیه السَّلَامُ نازل شد. اگر به خاطر آن حضرت، همه‌ی اهل زمین کشته شوند، زیاده‌روی نخواهد بود.»

[۱۳۲] عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ: عَنْ عَثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ، إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا قَالَ: «نَزَلَتْ فِي الْقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۱)

علی بن ابراهیم، از پدرش: از عثمان بن سعید، از مفضل بن صالح، از جابر، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السَّلَامُ نقل است که درباره‌ی قول خدای - عَزَّ وَجَلَّ - (و هر آن‌که مظلوم کشته شود، البته که ما برای ولی او تسلط (و حقّ قصاص) قرار دادیم. پس در کشتن اسراف نکنند که او یاری شده است) فرمود: «درباره‌ی کشته شدن حسین علیه السَّلَامُ نازل گشت.»

[۱۳۳] الْعِيَّاشِيُّ، بِإِسْنَادِهِ: عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ، إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا قَالَ:

«هو الحسين بن علي عليه السلام قتل مظلوما و نحن أولياؤه و القائم منا إذا قام» (۲) «طلب بنار الحسين عليه السلام فيقتل حتى يقال: قد أسرف في القتل.» [و] قال:

«المسمى المقتول» (۳) الحسين عليه السلام، و وليه القائم عليه السلام، و الإسراف في القتل أن يقتل

(۱). در نسخه‌ی موجود از تفسیر قمی این حدیث یافت نشد. [تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۲۸۰]

(۲). [در مأخذ: قام منّا].

(۳). [در البرهان (۳: ۵۲۹) و بحار الأنوار (۴۴: ۲۱۸): و قال: در نور الثقلين (۳: ۱۶۳): و قال النبي: «المقتول»].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۶

غیر قاتله، إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَصِرَ رَجُلٌ «(۱) من آل الرسول» (۲) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا. «(۳)

عیاشی، به سند خود: از سلّام بن المستنیر، از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام روایت است که درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (و هر آن که مظلوم کشته شود، البته که ما برای ولی او تسلط (و حق قصاص) قرار دادیم. پس در کشتن اسراف نکنند که او یاری شده است) فرمود: «او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ما یمیم اولیای او و قائم از ماست. چون به پا خیزد، برای حسین علیه السلام خون خواهی کند. پس آن قدر می کشد تا این که گویند: در کشتن اسراف کرد!»

[نیز] فرمود: «آن که مقتول نامیده شده حسین علیه السلام است و ولی او قائم علیه السلام است و اسراف در قتل آن است که غیر قاتلش را بکشد، (که او منصور و مؤید است) که همانا دنیا به پایان نرسد تا این که مردی از آل رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ پیروز گردد که زمین را از قسط و عدل آکنده سازد؛ هم چنان که از جور و ظلم پر شده باشد.»

[۱۳۴] عنه، بإسناده: عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«نزلت هذه الآية في الحسين عليه السلام: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُشْرِفُ فِي الْقَتْلِ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ.» إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا  
قال: «الحسين عليه السلام.» (۴)

از اوست که به سند خود از جابر، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آورده است که فرمود:

«این آیه درباره‌ی حسین علیه السلام نازل گشت: (و هر آن که مظلوم کشته شود، البته که ما برای ولی او تسلط (و حق قصاص) قرار دادیم. پس (قاتل حسین) در کشتن اسراف نکند.»

(او یاری شده است) فرمود: «(یعنی) حسین علیه السلام (منصور است).»

(۱). [در مأخذ: برجل].

(۲). در مأخذ: رسول الله.

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۲۹۰ [إسراء، ح ۶۷].

(۴). همان [إسراء، ح ۶۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۷

[۱۳۵] و عنه، بإسناده: عن حمران، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قلت له: يا ابن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ زعم ولد الحسن عليه السلام أنّ القائم منهم و أنّهم أصحاب الأمر، و يزعم ولد [ابن الحنفية مثل ذلك]. فقال:

«رحم الله عمي الحسن عليه السلام! لقد غمد [الحسن عليه السلام أربعين ألف سيف حين أصيب أمير المؤمنين عليه السلام، و أسلمها إلى معاوية، و محمد بن عليّ سبعين ألف سيف قاتله» (۱)، لو خطر عليهم خطر ما خرجوا منها حتى يموتوا جميعا، و خرج الحسين صلوات الله عليه فعرض نفسه على الله في سبعين رجلا، من أحقّ بدمه منّا؟



نحن - و الله - أصحاب الأمر، و فينا القائم عليه السلام، و منا السّفاح و المنصور، و قد قال الله: وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً نحن أولياء الحسين بن عليّ عليهما السلام و علي دینه. «۲»

هم از اوست که به سند خود از حمران آورده است که گوید: به حضرت امام باقر علیه السّلام عرضه داشتم: ای زاده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم، فرزندان امام حسن علیه السّلام چنین پنداشته‌اند که قائم از ایشان است و صاحبان این امر آن‌هایند. فرزندان [پسر] حنّیه «۳» نیز مانند همین را می‌پندارند. فرمود:

«رحمت خداوند بر عمویم امام حسن علیه السّلام باد! هنگامی که حضرت

(۱). وصف شمشیر است و کنایه از شمشیرداران (مترجم). [در این صورت ه برای مبالغه است.]

(۲). همان: ۲۹۱ [إسراء، ح ۶۹].

(۳). [ابو القاسم محمد بن علی بن ابی طالب علیه السّلام، برادر کهنتر حضرت مجتبی و امام سید الشهداء علیهما السلام از بانویی به نام خوله دخت جعفر بن قیس از دودمان حنیفه بن لجم بود. آن جناب فرزندان چندی داشت؛ از جمله ابو هاشم عبد الله (- ۹۸/۹۹) پیشوای کیسانیه و جعفر (قتیل حرّه) و علی. عمده‌ی نسل او از عبد الله بن جعفر است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۸

امیر المؤمنین علیه السّلام ضربت خورد، [امام حسن علیه السّلام چهل هزار شمشیر را در نیام کرد «۱» و آن «۲» را به معاویه تسلیم کرد و محمّد بن علی «۳» هفتاد هزار شمشیر را به نیام برد که اگر خطری بر ایشان (شمشیرداران) وارد می‌شد، تا پای مرگ پای‌داری می‌کردند؛ امّا امام حسین صلوات الله علیه با هفتاد مرد خروج کرد و خود را بر خداوند عرضه داشت. چه کسی به خون‌خواهی او شایسته‌تر از ماست؟

ماییم - به خدا سوگند - صاحبان امر و در میان ماست قائم علیه السّلام و سفّاح و منصور «۴» از مایند و همانا خداوند فرموده است: (و هر آن که مظلوم کشته شود، پس البتّه که ما برای ولیّ او تسلّط (و حقّ قصاص) قرار دادیم) ماییم اولیای حسین بن علی علیهما السلام و اولیای دین او.

[۱۳۶] شرف الدین النّجفی، قال: روی بعض الثّقات بإسناده «۵»، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سألته عن قول الله عزّ و جلّ: وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ قال:

«نزلت في الحسين عليه السلام، لو قتل وليه أهل الأرض [به ما كان مسرفاً، و وليه القائم عليه السلام]. «۶»

شرف الدین نجفی گوید: یکی از راویان مورد وثوق به سند خود روایت کرده است از یکی از اصحابمان، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام که راوی گوید:

از آن حضرت راجع به فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (و هر آن که مظلوم کشته

(۱). [و از کشته شدن مسلمانان جلوگیری کرد.]

(۲). [حکومت.]

(۳). منظور خود آن حضرت است.

(۴). ظاهراً مقصود از سفّاح در این قبیل روایات امیر المؤمنین علیه السلام و مقصود از منصور امام حسین علیه السلام و این مربوط به رجعت است. (مترجم) [برای نمونه، رک. بحار الأنوار ۵۳: ۱۰۱ (ح ۱۳۲) و ۱۰۴ (ح ۱۳۰)]

(۵). در مأخذ: کما روی الرجال الثّقات بإسنادهم.



(۶). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۲۸۰ [ح ۱۰] و حلیة الأبرار ۲: ۶۷۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۷۹

شود، پس البتّه که ما برای ولیّ او تسلّط (و حقّ قصاص) قرار دادیم. پس در کشتن اسراف نکنند که او یاری شده است) پرسیدم. فرمود:

« (این آیه) درباره‌ی امام حسین علیه السّلام نازل گشت. اگر ولیّ او همه‌ی اهل زمین را (به خاطر او) بکشد، مسرف نخواهد بود و ولیّ او حضرت قائم علیه السّلام است. »  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۰

#### ۴۴ [سوره‌ی اسراء] [آیه‌ی ۸۲]

وَقُلْ: جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿۱﴾

(و بگو: حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محو شدنی است.)

[۱۳۷] محمّد بن یعقوب، عن علی بن محمد: عن العباس، عن الحسن ابن عبد الرّحمان، عن عاصم بن حمید، عن أبی حمزه، عن أبی جعفر علیه السّلام فی قوله عزّ و جلّ: وَقُلْ: جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، (إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) قال: «إذا قام القائم علیه السّلام ذهب «۲» دولة الباطل.» «۳»

محمّد بن یعقوب از علی بن محمد، از علی بن العباس، از حسن بن عبد الرّحمان، از عاصم بن حمید، از ابو حمزه، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام روایت آورده که درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ -: (و بگو: حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محو شدنی است) فرمود:

«هرگاه قائم علیه السّلام به پا خیزد، دولت باطل از میان خواهد رفت (و زایل خواهد گشت).» «۴»

(۱). اسراء (۱۷): ۸۲.

(۲). [در متن: ذهب].

(۳). روضه‌ی کافی: ۲۸۷ [ح ۴۳۲].

(۴). مرحوم علامه‌ی مجلسی فرموده است: با توجه به تفسیر امام علیه السّلام، تعبیر به فعل ماضی برای تأکید وقوع و حتمی بودن آن است؛ یعنی، با ظهور آن حضرت، دولت باطل به یقین از بین خواهد رفت. (مرآة العقول ۲۶: ۳۱۰ - مترجم)  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۱

#### ۴۵ [سوره‌ی مریم] [آیه‌ی ۳۸]

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ! ﴿۱﴾

(حزب‌ها در میان خود اختلاف ورزیدند. پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ!)

[۱۳۸] العیاشی، یاسنده: عن جابر الجعفی، عن أبی جعفر علیه السّلام یقول:

«الزم الأرض، لا تحرک «۲» یدک و لا رجلک أبدا حتّی تری علامات أذکرها لک فی سنّه.

و تری منادیا ینادی بدمشق، و خسف بقریه من قراها، و تسقط «۳» طائفة من مسجدها، فإذا رأیت التّرك جازوها «۴»، فأقبلت التّرك حتّی نزلت الجزیره، و أقبلت الزّوم حتّی نزلت الرّملة، و هی سنّه اختلاف فی کلّ أرض من أرض العرب، و أن أهل الشّام یختلفون

عند ذلك على ثلاث رايات، الأصهب، والأبقع، والسيفياني، مع بني ذنب الحمار مضر، ومع السيفياني أخواله كلب «٥»، فيظهر السيفياني ومن معه على بني ذنب الحمار، حتى يقتلوا قتلا لم يقتله شيء قط، ويحضر رجل بدمشق فيقتل هو ومن معه قتلا [لم يقتله شيء قط] و هو من بني

(١). مريم (١٩): ٣٨.

(٢). [در مأخذ: لا تحرّك].

(٣). [در مأخذ: يسقط].

(٤). [در متن: جاوزها].

(٥). [در مأخذ: من كلب].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٨٢

ذنب الحمار، و هي الآية التي يقول الله تبارك و تعالی: فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ! «١» عیاشی، به سند خود از جابر جعفی، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خانه نشین باش و ابدا دست و پای مزین (و حرکتی ممکن) تا نشانه هایی را که برایت یاد می کنم در یک سال ببینی: [...] و بانگ زنده ای را بنگری که در دمشق ندا کند و فرو رفتنی در یکی از آبادی های آن و قسمتی از مسجد آن فرو خواهد ریخت. پس هر گاه دیدی ترک ها از آن گذشتند و پیش روی کردند تا این که در جزیره فرود آمدند و رومیان پیش آمدند تا این که در رمله فرود آیند (نشانه این هاست) و آن سالی است که در هریک از سرزمین های عرب اختلاف خواهد بود.

اهل شام در آن هنگام بر سه پرچم اختلاف کنند (و سه گروه خواهند شد):

اصهب و ابقع و سفیانی که با بنی ذنب الحمار از قبیله ی مضر اختلاف می کنند.

هم راهان سفیانی دایی هایش «٢» (قبیله ی) کلب خواهند بود. پس سفیانی و هم دستانش بر بنی ذنب الحمار پیروز خواهند شد و چنان کشته شوند که هیچ کشته به مانند آن نبوده است و مردی که از بنی ذنب الحمار است به دمشق می آید. پس او و هم راهانش به طوری کشته شوند که کسی را آن طور نکشته باشند و این است (معنی) آیه ای که خداوند- تبارک و تعالی- می فرماید: (حزب ها در میان خود اختلاف ورزند. پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ!) «...»

این حدیث بلند است و تمامی آن در ذیل فرموده ی خدای- تعالی-: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا از سوره ی بقره گذشت. این آیه درباره ی حضرت قائم علیه السلام و اصحابش

(١). تفسیر العیاشی ١: ٦٤. [رک. پاورقی ص ٥٧]

(٢). [خویشان مادری اش].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٨٣

نازل شده است. حدیثی در مورد این آیه تحت عنوان فرموده ی خدای- تعالی-: إِنَّ نَشَأَ نُنزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ از سوره ی شعرا خواهد آمد؛ إن شاء الله تعالی. «١»

(١). حدیث یاد شده ذیل آیه ی دوم گذشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٨٤

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ، فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا» (۱)

تا آن گاه که وعده‌ی (عذاب) را به چشم خود ببینند که یا (به کشته شدن و) عذاب دنیا است یا فرا رسیدن ساعت (و عذاب قیامت).

به زودی خواهند دانست که کدام یک (از مؤمنان و کافران) جایگاه بدتر و سپاه ضعیف‌تر دارد.

[۱۳۹] محمّد بن یعقوب: عن محمّد بن یحیی، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن عبد الرحمن، عن علی بن ابی حمزه، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السّلام فی قول الله عزّ و جلّ: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا: أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا؟ (۲) قال:

«كان رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم دعا قريشا إلى ولايتنا فنفروا و أنكروا. ف قال الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا من قريش لِلَّذِينَ آمَنُوا و الَّذِينَ أَقْرُوا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ و لنا أهل البيت: أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا؟ تعبيراً منهم، فقال الله عزّ و جلّ ردّاً عليهم: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ مِنَ الْأُمَمِ السَّالِفَةِ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئِيًّا (۳)». قلت: قوله: مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا؟.

(۱). مریم (۱۹): ۷۶.

(۲). مریم (۱۹): ۷۴.

(۳). مریم (۱۹): ۷۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۵

قال: «كلّهم كانوا في الضلالة لا يؤمنون بولاية أمير المؤمنين عليه السّلام و لا بولايتنا فكانوا ضالّين مضلّين، فيمدّ لهم في ضلالتهم و طغيانهم حتّى يموتوا فيصيرهم [الله شرّاً مكاناً و أضعف جنداً].»

قلت: قوله: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ، فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا؟ قال: «أما قوله: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فهو خروج القائم عليه السّلام و هو السّاعة، فسيعلمون ذلك اليوم و ما نزل بهم من الله على يدي وليه (۱)»، فذلك قوله: مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا يعني عند القائم و أضعف جنداً. قلت: قوله: وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى قال: «يزيدهم ذلك اليوم هدى باتّباعهم القائم عليه السّلام حيث لا يجحدونه و لا ينكرونه.»

قلت: قوله: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۲)؟ قال: «إلّا من دان الله بولاية أمير المؤمنين و الأئمة من ولده (۳) عليهم السّلام فهو العهد عند الله.»

قلت: قوله: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۴)؟ قال: «ولاية أمير المؤمنين عليه السّلام هي الودّ الذي قال الله تعالى.»

قلت: فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (۵)؟ قال:

«إنّما يسّره الله على لسانه حين أقام أمير المؤمنين عليه السّلام علماً، فبشّر به المؤمنين و انذر به الكافرين و هم الذين ذكرهم الله في كتابه لُدًّا أي كفّاراً.» (۶)

محمّد بن یعقوب: از محمّد بن یحیی، از سلمة بن الخطاب، از حسین بن عبد الرحمن، از علی بن ابی حمزه، از ابو بصیر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام

(۱). در مأخذ: قائمه.

(۲). مریم (۱۹): ۸۸.

(۳). در مأخذ: بعده.

(۴). مریم (۱۹): ۹۷.

(۵). مریم (۱۹): ۹۸.

(۶). کافی ۱: ۴۳۱-۴۳۲ [کتاب الحجّة، باب فیه نکت و نتف ... ۱۰۸، ح ۹۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۶

روایت آورده که درباره‌ی قول خدای- تعالی-: (و چون آیات و نشانه‌های ما به روشنی بر آنان خوانده می‌شود، کسانی که کفر ورزیدند به آنان که ایمان آورده‌اند گویند: کدام یک از دو گروه (ما و شما) مقام بهتر و جایگاه خوب‌تری دارد؟) آن حضرت فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم قریش را به ولایت ما دعوت کرد؛ ولی آن‌ها دوری گزیدند و آن را منکر شدند، (پس کسانی که کفر ورزیدند) از قریش (به آنان که ایمان آورده بودند) و کسانی که به امیر المؤمنین و ما اهل البیت اقرار داشتند، گفتند: (کدام یک از دو گروه مقام بهتر و جایگاه خوب‌تری دارد؟) این سخن را از روی سرزنش به مؤمنان گفتند. پس خداوند- عزّ و جلّ- در ردّ آن‌ها فرمود: (پیش از ایشان چه نسل‌هایی را) از امت‌های گذشته (هلاک کرده‌ایم که آن نسل‌ها اثاث و زندگانی جالب‌تر و بهتری داشتند!).»

عرضه داشتم: این که خداوند فرمود: (هر کس به راه ضلالت رفت، خدای رحمان او را مهلت و تمکّن می‌دهد؟) فرمود: «همه‌ی آنان در مسیر گم‌راهی بودند؛ نه ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام را باور داشتند و نه ولایت ما را گردن نهادند. پس آنان گم‌راهان و گم‌راه‌کنندگان بودند. پس (خدا) ایشان را در ضلالت و سرکشی‌شان مهلت می‌دهد تا هنگامی که بمیرند. سپس [خداوند] آن‌ها را به وضع بدتر و سپاه ضعیف‌تری منتقل فرماید.»

عرض کردم: این که خداوند فرمود: (تا آن‌گاه که وعده‌ی (عذاب) را به چشم خود ببینند که یا (به کشته شدن و کیفر و) عذاب دنیاست و یا فرا رسیدن ساعت (و عذاب قیامت)).

به زودی خواهند دانست که کدام یک (از مؤمنان و کافران) جایگاهش بدتر و سپاهش ضعیف‌تر است) فرمود: «این که فرماید: (تا آن‌گاه که وعده‌ی (عذاب) را به چشم خود ببینند) آن خروج حضرت قائم علیه السّلام و همان ساعت است. در آن روز خواهند دانست و آن‌چه از سوی خداوند به دست و لئیش فرود می‌آید و همین است که فرمود: (کدام یک جایگاهش بدتر است) یعنی: نزد حضرت قائم علیه السّلام (... و سپاهش ضعیف‌تر).»

گفتم: این که فرماید: (و خداوند آنان را که راه را یافته‌اند، رهنمونی افزایش)؟ فرمود:

«در آن روز، به خاطر پیروی‌شان از حضرت قائم علیه السّلام هدایت روی هدایت می‌افزاید؛ زیرا که او را رد نکنند و انکار ندارند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۷

عرضه داشتم: این که خداوند فرمود: (در آن روز مالک شفاعت نباشد مگر کسی که نزد خدای رحمان عهدی گرفته باشد؟) فرمود: «(یعنی) مگر کسی که با ولایت امیر المؤمنین و امامان از فرزندان‌شان علیهم السّلام خدای را دین‌داری کرده باشد که عهد نزد خداوند همین است.»

عرض کردم: این که فرموده: (همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای خوب و شایسته کرده‌اند خدای رحمان برایشان محبت و دوستی (عمیقی) قرار خواهد داد؟) فرمود: «ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام همان مودّت و دوستی‌ای است که خدای- تعالی-

فرموده است.»

عرضه داشتیم: (همانا ما حقایق این قرآن را تنها به زبان تو آسان و روان ساختیم تا به وسیله‌ی آن متقیان را مژدگانی و گروه سرسخت را هشدار دهی) (چه طور؟) فرمود:

«البته خداوند آن را بر زبان او آسان داشت؛ هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام را به راهنمایی نصب فرمود. پس مؤمنان را مژده داد و کافران را از (مخالفت) آن بر حذر داشت و اینان همان‌ها هستند که خداوند آنان را در کتاب خود به عنوان لدا (- سرسختان) یعنی کافران یاد کرده است.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۸

#### ۴۷ [سوره‌ی طه [آیه‌ی ۱۱۱]]

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١﴾

(خداوند آن‌چه را بر خلیق گذشته و آن‌چه را در آینده بر آنان خواهد آمد می‌داند و ایشان را بر او احاطه (و آگاهی) نیست.)

[۱۴۰] علی بن ابراهیم: فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام قال: قال:

«ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ما مضى من أخبار الأنبياء و ما خَلْفَهُمْ من أخبار القائم عليه السلام.» [۲]

علی بن ابراهیم: در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است گوید:

(آن حضرت) فرمود:

«(آن‌چه بر آنان گذشته) آن‌چه از اخبار و جریان‌های پیغمبران گذشته است، (و آن‌چه در آینده بر آنان خواهد آمد) از اخبار حضرت قائم علیه السلام.»

(۱). طه (۲۰): ۱۱۱.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۸۹

#### ۴۸ [سوره‌ی طه [آیه‌ی ۱۱۶]]

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَكَمْ نَجِدُ لَهُ عَزْمًا ﴿١﴾

(و به راستی که ما از پیش به آدم سفارشی کردیم. پس او فراموش کرد و برایش عزم و تصمیم پای‌داری نیافتیم.)

[۱۴۱] محمد بن یعقوب، عن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن جعفر بن محمد بن عبيد الله، عن محمد بن عيسى القمي،

عن محمد بن سليمان، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ:

«وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ (من) كلمات في محمد و علي [و فاطمة] و الحسن و الحسين و الأئمة عليهم السلام من ذرّيتهم - فَنَسَىٰ

(و لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا) هكذا - و الله - نزلت على محمد صلى الله عليه و اله و سلم.» [۲]

محمد بن يعقوب، از حسين بن محمد، از معلى بن محمد، از جعفر بن محمد بن عبيد الله، از محمد بن عيسى قمی، از محمد بن

سليمان، از عبد الله بن سنان، از حضرت ابو عبد الله امام صادق عليه السلام روايت آورده که آن حضرت درباره‌ی قول خدای - عزّ

و جلّ -:

(و به راستی که ما از پیش به آدم سفارشی کردیم) فرمود:

«کلماتی درباره‌ی حضرات محمّد و علی و [فاطمه و حسن و حسین و امامان از نسل ایشان علیهم السّلام (پس او فراموش کرد و برایش عزم و تصمیم پای‌داری نیافتیم) به خدا سوگند، این چنین بر حضرت خاتم صلی الله علیه و اله و سلم نازل گشت.»

(۱). طه (۲۰): ۱۱۶.

(۲). کافی ۱: ۴۱۶ [کتاب الحجّه، باب فيه نکت و نتف ... ۱۰۸، ح ۲۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۰

[۱۴۲] عنه، عن عدّه من أصحابنا: عن أحمد بن محمّد، عن علی بن الحکم، عن مفضّل بن صالح، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السّلام في قول الله عزّ و جلّ: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا قَالَ:

«عهدنا إليه في محمّد والأئمّة من بعده عليهم السّلام فترك و لم يكن له عزم أنّهم هكذا، وإنما سمى ألوا العزم ألى العزم، لأنّه عهد إليهم في محمّد والأوصياء من بعده عليهم السّلام و المهديّ و سيرته، و أجمع عزمهم على أنّ ذلك كذلك و الإقرار به.» (۱)

از اوست، از عدّه‌ای از اصحابمان: از احمد بن محمّد، از علی بن الحکم، از مفضّل بن صالح، از جابر، از حضرت امام ابو جعفر باقر عليه السّلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (و به راستی که ما از پیش به آدم سفارشی کردیم. پس او فراموش کرد و برایش عزم و تصمیم پای‌داری نیافتیم) روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«(یعنی) درباره‌ی حضرت رسول و امامان پس از آن حضرت علیهم السّلام به او سفارش و عهد دادیم. پس او ترک کرد و بر این پای‌دار نشد که ایشان چنان‌اند. پیغمبران اولو العزم از این رو بدین نام نامیده شدند که خداوند درباره‌ی حضرت محمّد صلی الله علیه و اله و سلم و اوصیای بعد از او و (به‌خصوص) حضرت مهدی و شیوه‌ی او به ایشان سفارش فرمود و همگی عزمشان کاملاً بر این تعلق گرفت که مطلب چنان است و به آن اقرار کردند.»

[۱۴۳] و رواه ابن ابراهیم: عن أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمّد، عن علی بن الحکم، عن المفضّل بن صالح، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السّلام مثله. (۲)

(علی) بن ابراهیم نیز آن را از احمد بن ادريس، از احمد بن محمّد، از علی بن الحکم، از مفضّل بن صالح، از جابر، از حضرت ابو جعفر باقر عليه السّلام مانند همین را روایت کرده است.

(۱). کافی ۱: ۴۱۶ [کتاب الحجّه، باب فيه نکت و نتف ... ۱۰۸، ح ۲۲].

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۹.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۱

[۱۴۴] و رواه ابن بابویه، عن أبيه: عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن علی بن الحکم، عن المفضّل بن صالح، عن جابر بن يزيد، عن أبي جعفر عليه السّلام في قول الله عزّ و جلّ: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ ... و ذكر الحديث إلى آخره.» (۱)

ابن بابویه نیز آن را روایت کرده است، از پدرش، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمّد بن عيسى، از علی بن الحکم، از مفضّل بن صالح، از جابر بن يزيد، از حضرت ابو جعفر باقر عليه السّلام راجع به فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (و به راستی که ما به آدم سفارش کردیم ...) و حدیث را تا آخرش یاد کرده است.

[۱۴۵] الشّیخ المفید، یاسناده: عن حمّان بن أعین، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السّلام قال:

«أخذ الله الميثاق على التّبيين و قال: ألتست برّبکم؟ قالوا: بلی.

و إنّ هذا محمّدا رسولی و أنّ علینا أمير المؤمنین و الأوصياء من بعده علیهم السّلام و لاه أمری و خزّان علمی و أنّ المهديّ عليه السّلام

أنتصر به لديني و أظهر به دولتي و أنتقم به من أعدائي و أعبد به طوعا و كرها، قالوا: أقرنا ربنا و شهدنا. و لم يجحد آدم و لم يقتر، فثبتت العزيمة لهؤلاء الخمسة في المهدي عليه السلام، و لم يكن لآدم عزيمة على الإقرار، و هو قول الله تبارك و تعالي: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا.» (٢)

(١). علل الشرايع ١: ١٢٢ [باب ١٠١، ح ١].

(٢). این حدیث در کتب موجود از شیخ مفید یافت نشد؛ اما با اختلاف‌هایی جزئی در بصائر الدرجات: ٧٠ [ج ٢، باب ٧، ح ٢] نقل شده است [در کافی ٢: ٨ (کتاب ایمان و الکفر، باب آخر منه، ح ١) نیز شبیه این روایت آمده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٩٢

شیخ مفید، به سند خود از حرمان بن اعین، از ابو حمزه، از امام ابو جعفر باقر علیه السلام آورده که آن حضرت فرمود: «خداوند از پیغمبران پیمان گرفت و فرمود: آیا من خداوند گارتان نیستم؟

گفتند: چرا و این که این محمد رسول من است و این که علی امیر المؤمنین است و جانشینان پس از او علیهم السلام والیان امر من و گنجوران علم من اند و این که مهدی علیه السلام کسی است که به وسیله‌ی او برای دینم یاری می‌گیرم و دولتتم را به او آشکار می‌سازم و به او از دشمنانم انتقام می‌گیرم و به او، به میل یا کراهت، عبادت می‌شوم.

(پیامبران) گفتند: پروردگارا، اقرار کردیم و شهادت دادیم؛ ولی آدم نه انکار کرد و نه اقرار. پس منصب اولوالعزمی برای آن پنج تن، از جهت مهدی علیه السلام ثابت شد و آدم را عزمی بر اقرار به آن نبود و این است (معنی) قول خدای - تبارک و تعالی: (و به راستی که ما از پیش به آدم سفارشی کردیم. پس او فراموش کرد و برایش عزم و تصمیم پای‌داری نیافتیم).

[١٤٦] ابن شهر آشوب: عن الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ قَالَ:

«كَلِمَاتٍ فِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ، كَذَا نَزَلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.» (١) ابن شهر آشوب از امام باقر علیه السلام در مورد فرموده‌ی خدای - تعالی: (و به راستی که ما از پیش به آدم سفارشی کردیم) آورده است که فرمود:

«كَلِمَاتِي دَرِبَارِهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ وَ أَمَامَانُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ ذُرِّيَّتِي أَشْيَانِ، إِنَّ جَنِينَ بَرِ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَازِلٌ غَشْت.»

(١). در کتب موجود از ابن شهر آشوب نیافتیم. [در بحار الأنوار ٤٣: ٣٢، به نقل از مناقب آل ابی طالب و با مختصری تفاوت آمده است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٢٩٣

## ٤٩ [سوره‌ی طه [آیه‌ی ١٣٦]]

فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصَّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَى (١)

(پس به زودی خواهید دانست که کدام یک اهل راه راست‌ایم (ما یا شما) و چه کسی هدایت شده است.)

[١٤٧] محمد بن العباس بن الماهیار، فی تفسیره فیما نزل فی أهل البيت عليهم السلام قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

إِسْمَاعِيلَ الْعَلَوِيِّ، عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ:

«سَأَلْتُ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصَّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَى قَالَ:



الضُّرَّاطِ [السُّوَى] هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ الْهُدَى مِنْ اِهْتَدَى إِلَى طَاعَتِهِ، وَ مِثْلَهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ اِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اِهْتَدَى قَالَ: - إِلَى وَايْتِنَا.» (۲)

محمّد بن عبّاس بن ماهیار، در تفسیر خود- در آن چه درباره‌ی اهل بیت علیهم السّلام فرود آمده است (۳)- گوید: حدیث مان داد محمّد بن همّام، از محمّد بن اسماعیل علوی، از

(۱). طه (۲۰): ۱۳۶.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۳۲۳ [ح ۲۶].

(۳). [کتاب شیخ ابو عبد الله محمّد بن عبّاس بن علی بن مروان بن ماهیار بزّاز معروف به ابن جحّام (زنده در ۳۲۸) راوی بسیار ثقه، «تأویل ما نزل من القرآن فی أهل البيت» نام دارد. (نوابغ الرّواة، از سری طبقات أعلام الشّیعة، ص ۲۷۵).]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۴

عیسی بن داوود نجّار، از حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السّلام که فرمود:

«از پدرم درباره‌ی فرموده‌ی خدای- عزّ و جلّ-: (پس به زودی خواهید دانست که کدام یک اهل راه راست ایم (ما یا شما) و چه کسی هدایت شده است) پرسیدم. فرمود:

راه [میانه همان حضرت قائم علیه السّلام است و هدایت آن است که کسی به طاعت او ره‌نمون گردد و مانند این است در کتاب خدای- عزّ و جلّ-: (و به راستی که من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، بسیار آمرزنده‌ام)- فرمود:- (یعنی) به سوی ولایت ما (هدایت شود).»

در بسیاری از روایات آمده است که این آیه درباره‌ی امامان و ولایت ایشان علیهم السّلام است. این روایات در کتاب البرهان یاد شده‌اند.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۵

## ۵۰ [سوره‌ی انبیاء] [آیه‌ی ۱۶-۱۲]

«وَ كَمْ قَصَبٍ مِّنَّا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ اَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ \* فَلَمَّا اَحْسَبُوا بِاَسِنَا اِذَا هُمْ مِنْهَا يَزْكُضُونَ \* لَا تَرْكُضُوا وَ اَرْجِعُوا اِلَى مَا اُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ، لَعَلَّكُمْ تَشْتَلُونَ \* قَالُوا: يَا وَيْلَنَا! اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ \* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ.» (۱)

(چه بسیار آبادی‌ها (ی مردمان مقتدری) که ستم کار بودند و ما آنان را درهم شکسته هلاک کردیم و به جای آن‌ها قوم دیگری آفریدیم! \* پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان گشتند \* نگریزید و بازگردید به سوی آن چه در آن در خوش گذرانی و آسایش بوده‌اید و به خانه‌های خود رو آورید تا شاید پرسش شوید \* گویند: ای وای بر ما که ستمگر بودیم و پیوسته این سخن را گویند تا این که درو شده و خاموش و بی‌جان‌شان کنیم.)

[۱۴۸] محمّد بن یعقوب: عن علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن ابن فضّال، عن ثعلبیه بن میمون، عن بدر بن [ال] خلیل الأسدی، قال: سمعت ابا جعفر علیه السّلام یقول فی قول الله عزّ و جلّ: «فَلَمَّا اَحْسَبُوا بِاَسِنَا اِذَا هُمْ مِنْهَا يَزْكُضُونَ \* لَا تَرْكُضُوا وَ اَرْجِعُوا اِلَى مَا اُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ، لَعَلَّكُمْ تَشْتَلُونَ» قال:

«اِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ بَعَثَ اِلَى بَنِي اُمَيَّةَ بِالشَّامِ [ف] هَرَبُوا اِلَى الرُّومِ، فَيَقُولُ

(۱). انبیاء (۲۱): ۱۶-۱۲.



سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۶

لهم الزوم: لا ندخلنكم حتى تنتصروا، فيعلقون في أعناقهم الصلبان فيدخلونهم، فإذا نزل بحضرتهم أصحاب القائم (عليه السلام) طلبوا الأمان و الصلح فيقول أصحاب القائم: لا نفعل حتى تدفءوا إلينا من قبلكم [منا] - قال: - فيدفعونهم إليهم، فذلك قوله: لا تزكضوا و ارجعوا إلى ما أترقتم فيه و مساكنكم لعلكم تسئلون قال: - يسألونهم « ۱ » الكنوز و هم « ۲ » أعلم بها، - قال: - فيقولون: يا ويلنا إنا كنا ظالمين\* فما زالت تلك دعوهم حتى جعلناهم حصيلاً خامدين بالسيف (و هو سعيد بن عبد الملك الأموي صاحب نهر سعيد بالرحبة). « ۳ »

محمّد بن يعقوب: از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن فضال، از ثعلبه بن میمون، از بدر بن خلیل اسدی روایت کرده که گفت: شنیدم حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام در مورد قول خدای - عزّ و جلّ - : (پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان گشتند\* نگریزید و باز گردید به سوی آنچه در آن در خوش گذرانی و آسایش بوده‌اید و به خانه‌های خود رو آورید تا شاید پرسش شوید) فرمود:

«هرگاه حضرت قائم علیه السلام به پا خیزد و به سراغ بنی امیه در شام بفرستد، به سوی روم بگریزند. پس رومیان به آنان گویند: ما به شما راه نمی‌دهیم مگر این که به آیین نصرانیت بگروید. آن‌گاه آن‌ها صلیب‌ها به گردنشان می‌آویزند و رومیان آن‌ها را راه می‌دهند و چون یاران حضرت قائم علیه السلام به سوی روم روند، آن‌ها امان خواهند و تقاضای صلح کنند. یاران امام قائم علیه السلام گویند: ما صلح نمی‌کنیم مگر این که افرادی را که از ما به شما پناهنده شده‌اند به ما تسلیم کنید.»  
حضرت باقر علیه السلام فرمود: «پس آنان را به ایشان تسلیم خواهند کرد و این است

(۱). [در مآخذ: يسألهم].

(۲). [در مآخذ: هو].

(۳). روضه‌ی کافی: ۵۱- ۵۲ [ح ۱۵]. جمله‌ی آخر در تمامی نسخه‌های مآخذ نیامده است و بر فرض صحّت نسخه‌هایی که این جمله در آن‌ها ضبط شده، ظاهراً مقصود رهبر فراریان به سوی روم است. (مترجم) [ترجمه‌ی جمله: مراد (از دروشده‌ی بی‌جان گردیده) سعید بن عبد الملك (بن مروان) اموی است که آبادکننده‌ی ناحیه‌ی نهر سعید در رجب (معجم البلدان: بصره) بود.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۷

(بیان) فرمایش خداوند: (نگریزید و باز گردید به سوی آنچه در آن در خوش گذرانی و آسایش بوده‌اید و به خانه‌های خود رو آورید تا شاید پرسش شوید).»

(امام علیه السلام در توضیح) فرمودند: «از (محلّ) گنج‌های ایشان بپرسند؛ با این که خود بهتر می‌دانند. در این هنگام است که گویند: (ای وای بر ما که ستمگر بودیم! پیوسته این سخن را گویند تا این که درو شده و خاموش و بی‌جان‌شان سازیم) (یعنی) با شمشیر.»

[۱۴۹] محمّد بن العتّاس، قال: حدّثنا علی بن عبد الله بن أسد، عن إبراهيم ابن محمّد الثقفی، عن إسماعیل بن بشّار، عن علی بن جعفر الحضرمی، عن جابر، قال:

سألت أبا جعفر عليه السلام في قول الله عزّ و جلّ: فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ قال: «ذلك عند قيام القائم عليه السلام.» « ۱ »  
محمّد بن عبّاس گوید: علی بن عبد الله بن اسد، از ابراهیم بن محمّد ثقفی، از اسماعیل بن بشّار، از علی بن جعفر حضرمی، از جابر حدیث‌مان داد که گفت:

از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - : (پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان

گشتند) سؤال کردم. امام باقر علیه السلام فرمود:

«این به هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام است.»

[۱۵۰] عنه، قال: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنْ مَنْصُورٍ «۲»، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَلَمَّا أَحْسُوا بِأَسْنَانِنَا قَالَ: «خروج ۳» القائم عليه السلام. «إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ قَالَ:

(۱). تأويل الآيات الظاهرة ۱: ۳۲۶ [ح ۶].

(۲). [در متن: عن يونس بن منصور. احتمالاً درست يونس بن يعقوب از منصور بن حازم باشد.]

(۳). [در مأخذ: و ذلك عند قيام.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۸

«الكنوز التي كانوا يكتنون، قالوا: يا ويلنا إنا كنا ظالمين\* فما زالت تلك دعوهم حتى جعلناهم حصيداً بالسيف - خامدين لا تبقى (۱) منهم عين تطرف.» (۲)

از اوست که گوید: حسین بن احمد حدیث مان داد، از محمد بن عیسی، از یونس، از منصور، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام که درباره‌ی قول خدای - عز و جل - : (پس چون عذاب ما را احساس کردند) فرمود:

«خروج قائم علیه السلام است.» (از آن گریزان گشتند) فرمود:

«گنجینه‌هایی که ذخیره می کرده‌اند، (گفتند: ای وای بر ما که ستمگر بودیم و پیوسته این سخن را گویند تا این که - با شمشیر - درو شده و خاموش و بی‌جانسان سازیم)؛ (چنان که) هیچ چشمی از آنان نگرنده باقی نماند.»

[تکرار ۵۴] العیاشی، یاسناده: عن عبد الأعلى الحلبي، قال: قال أبو جعفر عليه السلام (في حديث يذكر فيه خروج القائم عليه السلام قال في الحديث):

«... لكأني أنظر إليهم (يعني القائم عليه السلام و أصحابه) مصعدين من نجف الكوفة ثلاث ماءة و بضعة عشر رجلا كأن قلوبهم زبر (۳) الحديد، جبرئيل عن يمينه و ميكائيل عن يساره، يسير الرعب أمامه شهرا و خلفه شهرا، أمده الله بخمسة آلاف من الملائكة مسومين، حتى إذا صعد النجف قال لأصحابه:

"تعبدوا ليلتكم هذه". فبيبتون بين راعع و ساجد يتضرعون إلى الله حتى إذا أصبح قال: "خذوا بنا طريق النخيلة،" و على الكوفة جند مجند.

قلت: جند مجند؟! قال: «إي و الله، حتى ينتهي إلى مسجد إبراهيم عليه السلام بالنخيلة فيصلي [فيه ركعتين فيخرج إليه من كان بالكوفة من مرجئها و غيرهم

(۱). [در مأخذ: بقی.]

(۲). تأويل الآيات الظاهرة ۱: ۳۲۶ [ح ۷].

(۳). در متن: فی قلوبهم زبر.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۲۹۹

من جيش السفينائي، فيقول لأصحابه "استطردوا لهم". ثم يقول "كزوا عليهم."

قال أبو جعفر عليه السلام: «ولا يجوز - و الله - الخندق منهم مخبر. ثم يدخل الكوفة و لا يبقى (۱) مؤمن إلا كان فيها أو حن إليها، و

هو قول أمير المؤمنين [علی علیه السلام، ثم يقول لأصحابه: "سيروا إلى هذه الطاغية". فیدعوه إلى كتاب الله و سنّه نبیّه صلی الله علیه و اله و سلم فیعطیه السّفیانئی من البیعة مسلماً «۲»، فیکول له کلب- و هم أخواله-: [ما] هذا؟ ما صنعت؟ و الله ما نبایعک علی هذا أبدا، فیکول: ما أصنع؟ فیکولون: استقبله فیستقبله، ثم ینزل له القائم علیه السلام "خذ حذرک فإنتی أدیت إلیک و أنا مقاتلک". فیصبح فیکاتلهم فیمنحه الله أکتافهم، و یأتی السّفیانئی «۳» أسیرا فینطلق به و یدبجه بیده.

ثم یرسل جریده خیل إلى الزوم فیستحذرون «۴» بقیة بنی أمیة، فإذا انتهوا إلى الزوم قالوا: أخرجوا إلینا أهل ملتنا عندکم، فیابون و یقولون: و الله لا نفع، فتقول «۵» الجریده: و الله لو أمرنا لقاتلناکم، ثم ینطلقون إلى صاحبهم فیعرضون ذلک علیه فیکول: "انطلقوا فأخرجوا إلیهم أصحابهم فإن هؤلاء قد أتوا بسلطان [عظیم] و هو قول الله: فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ\* لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْتَلُونَ قال:- یعنی الكنوز الّتی کنتم تکتزون، قالوا: یا وِیلنا! إِنَّا کُنَّا ظَالِمِينَ\* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِدِينَ لَا یَبْقَى مِنْهُمْ مَخْبِرٌ... «۶»

(۱). [در مأخذ: فلا یبقی.]

(۲). [در مأخذ: سلما.]

(۳). [در مأخذ: یأخذ السّفیانئی.]

(۴). [در مأخذ: فیستحضرون.]

(۵). [در مأخذ: فیکول.]

(۶). تفسیر العیاشی ۲: ۵۹-۶۰ [انفال، ح ۴۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۳۲۹

عیاشی به سند خود از عبد الاعلی حلی آورده است که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام در حدیثی- که در آن خروج امام قائم علیه السلام را یاد کرد- چنین فرمود:

«... گویی آنان (یعنی قائم علیه السلام و اصحابش) را می بینم که بر فراز نجف کوفه «۱» بالا می آیند؛ سی صد و ده و چند مرد. انگار دل هایشان پاره های آهن است. جبرئیل از سوی راست، میکائیل از سمت چپ و رعب به مسافت یک ماه پیش رو و یک ماه پشت سر آن حضرت حرکت می کنند. خداوند او را به وسیله پنج هزار فرشته ی نشان دار مدد می دهد تا وقتی به نجف می رسد، به اصحابش می فرماید: "امشب را به عبادت بگذرانید". پس ایشان آن شب را با رکوع و سجود و تضرع به درگاه خداوند به صبح می آورند. صبحگاهان حضرتش دستور می دهد: "راه نخيله را پیش گیرید؛" در حالی که در کوفه ارتشی مجهز هست." راوی پرسید: ارتشی مجهز؟! فرمود:

«آری، به خدا سوگند، پس آن حضرت به سوی نخيله توجه می کند. در نخيله به مسجد ابراهیم علیه السلام می رسد. در آن جا، دو رکعت نماز می گزارد. در آن هنگام، سپاهیان سفیانی، از مرجئه و غیر آنها، از کوفه خروج می کنند. آن حضرت به اصحاب خود فرمان می دهد: "بر آنها حمله کنید". سپس فرماید: "با آنها بجنگید.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، احدی از آنان از خندق نمی گذرد که خبر ببرد. سپس آن حضرت داخل کوفه می شود. پس هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر این که در آن جا باشد یا شوق آن را در سر داشته باشد و این قول امیر المؤمنین علیه السلام است. سپس به اصحاب خویش فرماید: "برای (نابودی) این طاغوت (مراد سفیانی است) بسیج شوید" و او را به کتاب خدا و سنت

(۱). [نجف در آغاز ناحیه‌ای بوده است پشت شهر کوفه. مولای متقیان سلام الله علیه را پس از شهادت در آن منطقه‌ی مجاور محلّ زندگی و مرکز خلافت مخفیانه به خاک سپردند. چندین دهه بعد، با شناخته شدن تربت پاک حضرتش، آن ناحیه قبله‌ی اهل دل شد و نجف اشرف اندک‌اندک به شهری تبدیل گشت که کوفه تحت الشعاع آن افتاد. پس اگر امروزه کوفه از توابع نجف است، در آن روزگار به عکس بود.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۱

سفیانی ابتدا به تسلیم و صلح قول می دهد؛ ولی قبیله‌ی کلب- که دایی‌های «۱» اویند- بدو گویند: این چه کاری بود؟ به خدا سوگند که ما به هیچ وجه بر این کار با تو بیعت نمی کنیم. او می گوید: (پس) چه کنم؟ گویند: با وی (یعنی امام قائم علیه السلام) بجنگ.

پس او برای جنگیدن با آن حضرت می رود. حضرتش او را نصیحت می کند و می فرماید ("از عاقبت کار) بترس! من آنچه شرط بلاغ است به تو گفتم و (اینک که نمی پذیری) با تو می جنگم".

فردای آن روز، امام علیه السلام با آنان می جنگد و خداوند عالم او را بر آنان غالب می سازد. سفیانی اسیر می گردد و آن حضرت به دست خود سر از پیکر او جدا می کند.

بعد از آن، قسمتی از سپاهیان سواره‌ی خود را به روم می فرستد که بازماندگان از بنی امیه را بجویند. چون ایشان به روم رسند، به اهل آن جا گویند: هم کیشان ما را- که نزد شمایند- بیاورید؛ ولی آن‌ها از این کار خودداری می ورزند و می گویند: به خدا چنین کاری نمی کنیم. سپاهیان گویند: به خدا، اگر مأمور بودیم، با شما می جنگیم.

آن گاه به نزد صاحبشان بازمی گردند و جریان را به عرض می رسانند. آن حضرت فرماید "بروید با ایشان بجنگید تا بنی امیه را از ایشان بگیریید". بزرگ رومیان گوید:

بروید بنی امیه را به دست ایشان بسپارید که با قدرت تمام آمده‌اند و این است (معنی) قول خداوند: (پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان گشتند. نگریزید و باز گردید به سوی آنچه در آن در خوش گذرانی‌ها و آسایش بوده‌اید و به خانه‌های خود رو آورید تا شاید پرسش شوید)- امام علیه السلام توضیح فرمودند:- (به) گنجینه‌هایی که انباشته می کردید! (گویند: ای وای بر ما که ستمگر بودیم و پیوسته این سخن را گویند تا این که درو شده و خاموش و بی جان‌شان سازیم) که هیچ خبر دهنده‌ای از آنان باقی نماند...

این حدیث طولانی است. تمام آن در ذیل فرموده‌ی خدای- تعالی-: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً از سوره‌ی انفال گذشت.

(۱). [یا خویشاوندان مادری.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۲

## ۵۱ [سوره‌ی انبیاء] [آیه‌ی ۱۰۶]

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱)

(و به راستی که ما پس از نوشتن در ذکر (تورات یا کتاب‌های آسمانی)، در زبور نیز نگاشتیم که البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.)

[۱۵۱] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السّلام فی معنی الآیة، قال:

«الکتب کلّها ذکر «۲»».

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ قال: «القائم عليه السّلام و أصحابه.» «۳»

علی بن ابراهیم در تفسیرش - که منسوب به امام صادق علیه السّلام است - در معنی این آیه گوید: فرمود:

«تمام کتاب‌ها (ی آسمانی) ذکر است.»

(البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد) فرمود: «حضرت قائم علیه السّلام و اصحاب اویند.»

[۱۵۲] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا أحمد بن محمّد، عن أحمد بن الحسن،

(۱). انبیاء (۲۱): ۱۰۶.

(۲). در متن: ذکر الله.

(۳). تفسیر قمی ۲: ۷۷.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۳

[عن أبيه،] عن الحسين «۱» بن محمّد بن عبد الله بن الحسن، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السّلام، قال:

«قوله عزّ و جلّ: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ هم أصحاب المهدیّ عليه السّلام [فی آخر الزّمان.» «۲»

محمّد بن العباس گوید: احمد بن احمد بن احمد بن حسن، [از پدرش،] از حسین بن محمّد بن عبد الله بن حسن، از پدرش، از

حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السّلام برایمان حدیث گفت که آن حضرت فرمود:

«این که خدای - عزّ و جلّ - فرموده است: (البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد) آنان اصحاب حضرت مهدی علیه

السّلام در آخر الزّمان اند.»

[۱۵۳] الطّبرسی: قال أبو جعفر عليه السّلام: «هم أصحاب المهدیّ عليه السّلام فی آخر الزّمان.» «۳»

طبرسی آورده است: حضرت ابو جعفر باقر علیه السّلام فرمود: «آنان اصحاب حضرت مهدی علیه السّلام در آخر الزّمان اند.»

از جمله معنی آیه نیز آمده است: آنان آل محمّد علیهم السّلام اند و روایت در این باره در کتاب البرهان یاد شده است. «۴»

(۱). [در مأخذ: حسین.]

(۲). تأویل الآیات الظّاهرة [۱: ۳۳۲، ح ۲۲].

(۳). تفسیر مجمع البیان ۷: ۱۲۰.

(۴). صالحان افراد شایسته‌اند که تمامی گفتار و کردار آنان بر مبنای عقل و علم تحقّق می‌یابد که مصداق کامل آن، حضرت مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشّریف و اصحاب ایشان اند. نیز رک.

دایرة المعارف تشیّع ۱۰: ۲۵۲-۲۵۳، مقاله‌ی صالح. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۴

## ۵۲ [سوره‌ی حج [آیه‌ی ۴۰]

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ «۱»

(به کسانی که مورد نبرد قرار می‌گیرند، اجازه‌ی جنگ داده شده است؛ به خاطر این که ستم‌دیده‌اند و خداوند بر یاری آنان

تواناست).

[۱۵۴] محمد بن العباس، قال: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَكِّيَّ «(۲)»، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنْ مِثْنَى «(۳)» الْحَنَاطِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» قَالَ: «هِيَ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابِهِ.» «(۴)»

محمد بن العباس گوید: حسین بن احمد مکی، از محمد بن عیسی، از یونس، از مثنای حنط، از عبد الله بن عجلان، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام حدیث مان داد که آن حضرت درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عز و جل - : (به کسانی که مورد نبرد قرار می‌گیرند، اجازه‌ی جنگ داده‌ایم؛ به خاطر این که ستم‌دیده‌اند و خداوند بر یاری آنان تواناست) فرمودند:

« [این آیه درباره‌ی حضرت قائم علیه السلام و اصحاب اوست. »

[۱۵۵] علی بن ابراهیم، قال: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ ابْنِ أَبِي عمير، عن

(۱). حج (۲۲): ۴۰.

(۲). در مأخذ: المالکی.

(۳). [در مأخذ: المثنی].

(۴). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۳۳۸-۳۳۹.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۵

ابن مسکان، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» قَالَ: «الْعَامَّةُ (۱)» يَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُخْرِجَتْهُ قَرِيشٌ مِنْ مَكَّةَ، وَإِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ «(۲)» عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ بَدْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ قَوْلُهُ: نَحْنُ أَوْلِيَاءُ (كَمْ فِي) الدَّمِّ وَطَلَبُ «(۳)» الدِّيَةِ.» «(۴)»

علی بن ابراهیم گوید: پدرم از ابن ابی عمیر، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام برایم حدیث گفت که آن حضرت درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (به کسانی که مورد نبرد قرار می‌گیرند، اجازه‌ی جنگ داده‌اند؛ به خاطر این که ستم‌دیده‌اند و خداوند بر یاری آنان تواناست) فرمود:

«سَيِّئَانِ مِي گويند: این آیه درباره‌ی پیغمبر صلی الله عليه و اله و سلم نازل شد؛ هنگامی که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند و حال آن که او قائم علیه السلام است که چون به پا خیزد، برای حسین علیه السلام خون‌خواهی کند و این است فرمایش او که ما اولیای خون و خون‌خواهان ایم.»

نیز روایت شده که آیه‌ی مزبور درباره‌ی آل محمد علیهم السلام و درباره‌ی حضرت علی و حسن و حسین علیهم السلام است. این روایات در کتاب البرهان یاد شده‌اند.

(۱). در متن: إِنَّ الْعَامَّةَ.

(۲). در مأخذ: هِيَ لِلْقَائِمِ.

(۳). در مأخذ: طَلَّابِ.

(۴). تفسیر قمی ۲: ۸۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۶

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۱)»  
 (کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پای دارند و زکات (به مستحقان) بخشند و به معروف امر و از منکر نهی کنند و عاقبت کارها به دست خداوند است).

[۱۵۶] محمد بن العباس، قال: حدَّثنا محمد بن الحسين بن حميد، عن جعفر ابن عبد الله (الكوفي)، عن كثير بن عيش، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل: الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ قال:

«هذه [الآية] لآل محمد، المهدي عليه السلام وأصحابه، يملّكهم الله مشارق الأرض ومغاربها ويظهر الدين، ويميت الله عز وجل به وأصحابه البدع والباطل كما أمات السيفهه الحق حتى لا يرى أثر من الظلم، ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر ولله عاقبة الأمور.» (۲)

محمد بن العباس گوید: محمد بن الحسين بن حميد، از جعفر بن عبد الله (کوفی)، از كثير بن عيش، از ابو الجارود از امام ابو جعفر باقر عليه السلام برايمان حديث آورد که

(۱). حج (۲۲): ۴۲.

(۲). تأويل الآيات الظاهرة ۱: ۳۴۳-۳۴۴.

سيمای حضرت مهدي در قرآن، ص: ۳۰۷

آن حضرت درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عز و جل - : (کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پای دارند و زکات (به مستحقان) بخشند و به معروف امر و از منکر نهی کنند و عاقبت کارها به دست خداوند است) فرمود:

«این [آیه برای آل محمد است؛ مهدي عليه السلام و اصحاب او. خداوند متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف آنها درآورد و دین را آشکار سازد و خداوند متعال به وسیله‌ی او و یارانش بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد، هم‌چنان که سفیهان، حق را میرانده باشند تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود (و آخر کارها به دست خداست).»

[۱۵۷] علی بن ابراهیم، قال: فی روایة أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام [في قوله]: الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ:

«فهذه (۱) [الآية] لآل محمد عليهم السلام إلى آخر الآية، و المهدي وأصحابه يملّكهم الله مشارق الأرض ومغاربها ويظهر الدين و يميت الله به و أصحابه البدع و الباطل كما أمات السيفهه (۲) الحق حتى لا يرى أثر الظلم (۳) (و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر).» (۴)

علی بن ابراهیم گوید: در روایت ابو الجارود است از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام [درباره‌ی قول خداوند]: (کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پای دارند و زکات (به مستحقان) بخشند) که (فرمودند):  
 «این [آیه برای آل محمد عليهم السلام است تا آخر آیه (۵) و خداوند حضرت مهدي و

(۱). [در مأخذ: و هذه.]

(۲). [در مأخذ: السفه.]

(۳). [در مأخذ: أثر للظلم.]

(۴ و ۵). تفسیر قمی ۲: ۸۷. در بحار الأنوار ۵۱: ۴۷ و کنز الدقائق ۹: ۱۱۰، لآل محمد عليهم السلام إلى آخر الأئمة عليهم السلام آمده است که مؤید نادرست بودن کلمه‌ی الآیه در نسخه‌ی مطبوع تفسیر قمی است (مترجم).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۸

اصحابش را بر مشرق‌ها و مغرب‌های زمین مالک و مسلط خواهد ساخت و دین را آشکار و غالب خواهد فرمود و خداوند به (دست) او و اصحابش، بدعت‌ها و باطل را از بین خواهد برد؛ چنان‌که سفیهان حق را میرانده باشند تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود (و به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند).

نیز در روایتی که در کتاب البرهان ذکر گردیده آمده که این آیه درباره‌ی آل محمد عليهم السلام است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۰۹

## ۵۴ [سورہی حج [آیهی ۶۱]

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿۱﴾

(این است که هر آن که به همان کیفر شدن کیفر کند، سپس مورد تعدی قرار گیرد، خداوند او را یاری می‌کند. همانا خداوند بس آمرزنده و بسیار بخشاینده است.)

[۱۵۸] علی بن ابراهیم، فی تفسیره: فهو رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم لَمَّا أُخْرِجَتْهُ قَرِيشٌ مِنْ مَكَّةَ وَ هَرَبَ مِنْهُمْ إِلَى الْغَارِ وَ طَلَبُوهُ لِيَقْتُلُوهُ فَعَاقَبَهُمُ اللَّهُ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَتَبَةَ وَ شَيْبَةَ وَ الْوَلِيدَ وَ أَبُو جَهْلٍ وَ حَنْظَلَةَ بْنَ أَبِي سَفْيَانَ وَ غَيْرَهُمْ، فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ هَلَهُ وَ سَلَّمَ طَلَبَ بَدْمَائِهِمْ، فَقَتَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آلَ مُحَمَّدٍ بَغْيًا وَ عَدْوَانًا، وَ هُوَ قَوْلُ يَزِيدٍ حِينَ تَمَثَّلَ بِهَذَا الشَّعْرِ:

ليت أشياخي ببدر شهدوا جزع الخرج من وقع الأسل

لأهلوا و استهلوا فرحائم قالوا: يا يزيد لاتشل

لست من خندق إن لم أنتقم من بني أحمد ما كان فعل

قد قتلنا القرم من ساداتهم و عدلناه ببدر فاعتدل

و قال الشاعر في مثل ذلك (شعرا):

و كذاك الشيخ أوصاني به فاتبعته الشيخ فيما قد سأل

(۱). حج (۲۲): ۶۱.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۰

و قال يزيد أيضا (شعرا):

نقول «۱» و الرأس مطروح نقله «۲»: يا ليت أشياخنا الماضين بالحضر «۳»

حتى يقيسوا قياسا لا يقاس به أيام بدر لكان الوزن بالقدر

فقال الله تبارك و تعالی: و مَنْ عَاقَبَ يَعْنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ هَلَهُ وَ سَلَّمَ، بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ يَعْنِي حُسَيْنًا أَرَادُوا أَنْ يَقْتُلُوهُ ثُمَّ

بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ يَعْنِي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ وَلَدِهِ. «۴»

علی بن ابراهیم در تفسیرش گوید: او رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم است. هنگامی که قریش آن حضرت را از مکه بیرون (و آواره) کردند و آن حضرت از (دست) آنان، به سوی غار گریخت و آن‌ها به جست‌وجویش پرداختند تا حضرتش را بکشند. پس خداوند آن‌ها را روز بدر عقوبت کرد که عتبه و شیبه و ولید و ابو جهل و حنظله بن ابی سفیان و ...



کشته شدند و پس از رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، آن نابه‌کاران به خون‌خواهی مقتولان خود پرداختند و امام حسین علیه السلام و آل محمد را از راه ظلم و تعدی کشتند و این است (معنی) قول یزید که به این شعر متمثل شد:

- ای کاش بزرگان قوم من - که در بدر کشته شدند - هم اکنون بودند و ناله و اندوه خزر جیان را از فرود آمدن شمشیرها و نیزه‌ها (بر پیکر پیشوایانشان) شاهد می‌شدند!

- (آن‌گاه) از شادی و خوش‌حالی به هم تبریک گفته سپس فریاد برمی‌آوردند که: ای یزید، دستت بریده مباد!

- از تیره‌ی خندف نیستم اگر از فرزندان احمد - به خاطر آن‌چه او کرد - انتقام نکشم.

- ما از بزرگان این گروه، مهتر را کشتیم و با بدر آن را هم‌تا و برابر ساختیم.

شاعر (دیگر) همانند این معنی را (از زبان یزید پلید) گفته است:

- و این گونه شیخ (- خلیفه) به من توصیه کرد. پس آن‌چه را او خواسته بود، به جای آوردم!

نیز یزید چنین (شعری) گفت:

(۱). [در مأخذ: یقول].

(۲). [در مأخذ: یقلبه].

(۳). [در مأخذ: بالخضر].

(۴). تفسیر قمی ۲: ۸۷.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۱

- درحالی که این سر افتاده است و ما آن را زیرو رو می‌کنیم، چنین می‌گوییم: ای کاش بزرگان پیشین ما هم اکنون حاضر بودند!

- تا مقایسه می‌کردند؛ مقایسه‌ای بی‌نظیر بین این جریان با روزهای بدر که وزن آن برابر می‌شد!

پس خدای - تبارک و تعالی - فرمود: (و هر کس عقوبت کند) یعنی: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، (همان‌گونه که عقوبت دیده) مقصود هنگامی است که خواستند امام حسین علیه السلام را بکشند (سپس بر او ستم شد، خداوند او را یاری می‌کند) یعنی: به وسیله‌ی قائم علیه السلام از فرزندان او.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۲

## ۵۵ [سوره‌ی مؤمنون آیه‌ی ۱۰۲]

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ «۱»

(پس چون در صور دمیده شود، در آن روز، هیچ نسبی میان آنان نیست و پرس‌وجو نکنند.)

[۱۵۹] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، قال: أخبرني أبو الحسين، عن أبيه، عن ابن همام، قال: حدثنا سعدان بن مسلم، عن جهم بن أبي جهمة، قال: سمعت أبا الحسن موسى عليه السلام يقول:

«إنَّ الله تبارك و تعالی خلق الأرواح قبل الأجساد «۲» بألفی عام، ثم خلق الأبدان بعد ذلك، فما تعارف منها في السِّماء تعارف في الأرض، و ما تناكر منها في السِّماء تناكر في الأرض.

فإذا قام القائم عليه السلام و رث الأخ في الدِّين و لم يورث الأخ في الولادة، و ذلك قول الله عزَّ و جلَّ في كتابه: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ «۳»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید: ابو الحسین از پدرش از ابن همام برایم خبر داد که گفت: سعدان بن مسلم از جهم بن ابی

(۱). مؤمنون (۲۳): ۱۰۲.

(۲). در مأخذ: الأبدان.

(۳). دلائل الإمامة: ۴۸۴-۴۸۵ [ح ۴۸۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۳

حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام می فرمود:

«خدای- تبارک و تعالی- ارواح را ۲۰۰۰ سال پیش تر از آفرینش کالبدها آفرید. بعد از آن، بدن‌ها را خلق فرمود. پس هر کدام از آن‌ها در آسمان باهم آشنا شده‌اند، در زمین باهم آشنا شوند و هر کدام در آسمان ناآشنا بوده‌اند، در زمین نیز ناشناس خواهند ماند. چون قائم علیه السّلام به پا خیزد، برادر دینی را ارث خواهد داد و برادرانی را که (از یک پدر و مادر) متولد شده‌اند، ارث نمی‌دهد» (۱) و این است قول خدای- عزّ و جلّ- در کتاب خود: (همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند) (پس چون در صور دمیده شود، در آن روز، هیچ نسبی بین آنان نیست و پرسیده نشوند).

(۱). یعنی هرگاه از جهت عقیده باهم مخالف باشند. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۴

## ۵۶ [سوره‌ی نور] [آیه‌ی ۳۶]

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱)

(خداوند نور (هادی) آسمان‌ها و زمین است. نور او به چراغدانی ماند که در آن چراغی (تابناک) باشد. آن چراغ در میان شیشه‌ای و آن شیشه هم چون ستاره‌ی درخشانی تلالو کند. از درخت مبارک زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته گردد. (از بس که روغن آن صاف و شفاف است) نزدیک است که روغن آن پرتوافشانی کند؛ هرچند آتشی به آن نرسد. نوری است مافوق نور دیگر و خداوند هر که را خواهد به نور خویش هدایت فرماید و خداوند برای مردم این مثل‌ها را می‌زند و خداوند به همه چیز داناست.)

[۱۶۰] روی عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: دخلت إلى مسجد الكوفة و أمير المؤمنين صلوات الله و سلامه عليه يكتب بإصبعه و يتبسم، فقلت له: يا أمير المؤمنين ما الذي يضحكك؟ فقال:

(۱). نور (۲۴): ۳۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۵

«عجبت لمن يقرأ هذه الآية و لم يعرفها حق معرفتها.» فقلت له: و أي آية يا أمير المؤمنين؟ فقال:

«قوله تعالى: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، زَيْتُونَةٌ جَعْفَرُ بْنُ

محمّد، لا- شَرْقِيَّةِ موسى بن جعفر و لا- غَرْبِيَّةِ عَلِيِّ بن موسى [الرّضا] يَكَادُ زَيْتُهَا يُضْتَىٰ بِمُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ شُهُ نَارُ عَلِيٍّ بن مُحَمَّدِ نُورُ عَلِيٍّ نُورِ الحَسَنِ بن عَلِيٍّ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ القَائِمِ المَهْدِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ، وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

از جابر بن عبد الله انصاری روایت است که گوید: به مسجد کوفه داخل شدم.

دیدم حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه با انگشت چیزی می نویسد و تبسم می کند. عرضه داشتیم: یا امیر المؤمنین! چه چیز موجب خنده‌ی شما شده است؟ فرمود:

«در شگفت‌ام از کسی که این آیه را می خواند؛ ولی آن‌طور که شایسته است به معنی آن معرفت ندارد.» عرض کردم: کدام آیه، یا امیر المؤمنین؟ فرمود:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ مُشْكَاةٍ: حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم است، فیها مِصْبَاحٌ مِصْبَاحٌ: من‌ام، فی زُجَاجٍ زُجَاجِهِ: حسن و حسین‌اند، کَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ وَ او عَلِيٌّ بن الحَسَنِ است، يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ مُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ است، زَيْتُونَةُ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدِ است، لا شَرْقِيَّةِ موسى بن جعفر است، وَ لا غَرْبِيَّةِ عَلِيٍّ بن موسى [الرّضا] است، يَكَادُ زَيْتُهَا يُضْتَىٰ بِمُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ است، وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّ شُهُ نَارُ عَلِيٍّ بن مُحَمَّدِ است، نُورُ عَلِيٍّ نُورِ حَسَنِ بن عَلِيٍّ است، يَهْدِي (۱). درباره‌ی این حدیث، مؤلف رحمه الله به مدرک و سندی اشاره نکرده است [هم‌چنین در دو اثر دیگر خود (غایه المرام: ۳۱۷؛ اللوامع التوراتية: ۲۴۷) نیز آن را آورده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۶

اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ قائم مهدی است که درود بر آنان باد، وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

روایات بسیاری که در کتاب «البرهان» یاد گردیده است، نشان می‌دهد که این آیه درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۱۷

## ۵۷ [سوره‌ی نور] [آیه‌ی ۵۶]

وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ «(۱)»

(خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که به‌طور حتم (در ظهور امام قائم علیه السلام) در زمین به ایشان خلافت دهد؛ چنان‌که کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند به خلافت رسانید و البته آیینی را که برای ایشان پسندیده است توان و اقتدار خواهد داد و بی‌گمان، هراس ایشان را به ایمنی مبدل خواهد ساخت تا مرا عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک من نگردانند و هر آن‌که بعد از آن (وعده) کافر شود، چنین کسانی تبه‌کارند.)

[۱۶۱] محمد بن ابراهیم النعمانی، فی الغیبه، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن سعید بن عقده، قال: حدّثنی «(۲)» أحمد بن یوسف بن یعقوب الجعفی [أبو الحسن من کتابه، قال: حدّثنا إسماعیل بن مهران «(۳)»، قال: حدّثنا الحسن بن علی بن «(۴)» أبی حمزه، عن أبیه و وهیب، عن أبی بصیر، عن أبی عبد الله علیه السلام فی [معنی قوله [عزّ و جلّ]:

(۱). نور (۲۴): ۵۶.

(۲). در مأخذ: حدّثنا.

(۳). در متن: مروان.

وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا قَالَ: «القائم و أصحابه (۱)» (۲)

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: احمد بن محمد بن سعید بن عقده حدیث مان داد و گفت: حدیث ام داد احمد بن یوسف بن یعقوب جعفری از کتاب خود، گفت: برایمان حدیث کرد اسماعیل بن مروان، گفت: علی بن ابی حمزه از پدرش و او از وهیب، از ابو بصیر، از امام ابو عبد الله صادق علیه السلام برایمان حدیث گفت که آن حضرت در [معنی فرموده‌ی خدا: (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که به طور حتم (در ظهور امام قائم علیه السلام) بر روی زمین به ایشان خلافت دهد؛ چنان که کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند به خلافت رسانید و البته آیینشان را که برای ایشان پسندیده است توان و اقتدار خواهد داد و به طور حتم بیم و هراس آنان را به ایمنی بدل خواهد ساخت تا مرا عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک من نگردانند.) فرمود:

«درباره‌ی حضرت قائم علیه السلام و اصحاب او (نازل گشته) است.»

[۱۶۲] محمد بن العباس: عن الحسين بن «۳» محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن عبد الله بن سنان، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَالَ: «نزلت في علي بن أبي طالب والأئمة من ولده عليهم السلام، ولَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ قَالَ: - عني

(۱). در مأخذ: نزلت في القائم و أصحابه.

(۲). کتاب الغیبه: ۲۴۰ [باب ۱۳، ح ۳۵].

(۳). در مأخذ: روی الحسين بن.

به ظهور القائم علیه السلام» (۱)

محمد بن العباس از حسین بن محمد، از معلى بن محمد، از وشاء، از عبد الله بن سنان روایت آورده که گوید: از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عز و جل - : (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که به طور حتم (در ظهور امام قائم علیه السلام) در زمین به ایشان خلافت دهد؛ چنان که کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند به خلافت رسانید) پرسیدم. فرمود:

«درباره‌ی علی بن ابی طالب و امامان از فرزندان او علیهم السلام نازل گشت.»

(درباره‌ی آیه‌ی) (و البته آیینی را که برای ایشان پسندیده است توان و اقتدار خواهد داد و بی گمان، بیم و هراس ایشان را به ایمنی مبدل خواهد ساخت تا مرا عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک من نگردانند.)، فرمود:

«منظور از آن، ظهور حضرت قائم علیه السلام است.»

[۱۶۳] عنه، قال: حدَّثنا علي بن عبد الله، عن إبراهيم بن محمد الثَّقَفِيِّ، عن الحسن بن الحسين، عن سفيان بن إبراهيم، عن عمر «۲» بن هاشم، عن إسحاق بن عبد الله، عن «۳» علي بن الحسين عليه السلام في قول الله عز وجل: فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا

أَنْتُمْ تَنْطُقُونَ قَالَ:

«قوله: إِنَّهُ لَحَقٌّ [هو] قِيَامُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ نَزَلَتْ (هَذِهِ الْآيَةُ): وَعِيدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ

(۱). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۳۶۸-۳۶۹. [مصحح تأویل الآيات و به تبع آن محقق این کتاب توضیح داده‌اند که در نسخه خطی مأخذ آغاز سند چنین است: محمد بن یعقوب؛ اما روایت در کافی یافت نشده است. هم‌چنین خود مؤلف در البرهان نیز به همین سند آورده است. آنچه هست در کافی (۱: ۱۹۳-۱۹۴) سند و بخشی از روایت هست.]

(۲). در مأخذ: عمرو.

(۳). در مأخذ: بن.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۰

قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا. «۱»

نیز از اوست که گفت: علی بن عبد الله، از ابراهیم بن محمد ثقفی، از حسن بن الحسین، از سفیان بن ابراهیم، از عمر بن هاشم، از اسحاق بن عبد الله، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت می‌کند که درباره‌ی سخن خدای - عز و جل -: (به پروردگار آسمان و زمین سوگند که این مطلب حق است؛ هم‌چنان که (با یک‌دیگر) سخن می‌گویید) فرمودند:

«این که فرمود: (همانا آن حق است) قیام حضرت قائم علیه السلام است و در همان باره (این آیه) نازل شد: (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که به‌طور حتم (در ظهور امام قائم علیه السلام) در زمین خلافت دهد؛ چنان که کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند به خلافت رسانید و البته آیینی را که برای ایشان پسندیده است توان و اقتدار خواهد داد و بی‌گمان، بیم و هراس ایشان را به ایمنی مبدل خواهد ساخت.)»

[۱۶۴] ابن بابویه «۲»، قال: حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلَبِ «۳» الشَّيبَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مَزَاهِمٍ مَوْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى بْنِ خَاقَانَ الْمُقَرَّرِيُّ بِبَغْدَادَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الشَّافِعِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمَّادِ بْنِ مَاهَانَ «۴» الدَّبَّابُ أَبُو جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَارِثُ بْنُ نَبْهَانَ «۵»، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْتَةُ بْنُ يَقْطَانَ «۶»، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، عَنْ مَكْحُولٍ وَ

(۱). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۶۱۵ [ح ۴].

(۲). [این روایت - چنان که در نشانی پایان خواهد آمد - از کفایة الأثر شیخ ابو القاسم علی بن محمد بن علی خزّاز قمی رازی (دانشمند سده‌ی چهارم) است. وی از شاگردان شیخ صدوق بود و بخش عمده‌ای از روایات این کتاب را از آن عالم بزرگ نقل می‌کند. سید هاشم بحرانی در اثر دیگر خود، البرهان، نیز همین حدیث را به ترتیب فوق (بی‌ذکر نام خزّاز) آورده است. روشن نیست که آیا خود آن را در آثار ابن بابویه یافته است یا در یادداشت خویش، به جای خزّاز، ابن بابویه نوشته است.]

(۳). [در البرهان: عبد المطلب.]

(۴). [در متن: هامان.]

(۵). [در متن: تبهان.]

(۶). [در کفایة الأثر: عیسی بن یقطان.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۱

عن وائله بن الأسقع أبي قرصافه «١»، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال:

دخل جندل «٢» بن جنادة اليهودي من خيبر «٣» على رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم فقال:

يا محمد «٤» أخبرني عما ليس لله و عما ليس عند الله و عما لا يعلمه الله؟

فقال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «أما ما ليس لله، فليس لله شريك، و أما ما ليس عند الله فليس عند الله ظلم للعباد، و أما ما لا يعلمه الله، فذلك قولكم - يا معشر اليهود - إن «٥» عزيزا ابن الله و الله لا يعلم له ولدا.»

فقال جندل «٦»: أشهد أن لا إله إلا الله و أنك (محمد) رسول الله حقا، ثم قال: يا رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم) إنني رأيت البارحة في النوم موسى بن عمران عليه السلام فقال لي: «يا جندل «٧» أسلم على يد محمد و استمسك بالأوصياء من بعده.» فقد «٨» أسلمت و رزقتي «٩» الله ذلك، فأخبرني عن الأوصياء «١٠» بعدك لأتمسك بهم؟

فقال: «يا جابر «١١» أوصيائي من بعدى بعدد نقيب بني إسرائيل.»

فقال: يا رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم إنهم كانوا اثني عشر، هكذا وجدنا (هم) في التوراة، قال: «نعم، الأئمة بعدى اثنا عشر.» فقال: يا رسول الله كلهم في زمن واحد؟

قال: «لا ولكن «١٢» خلف بعد خلف، و إنك لن تدرك «١٣» منهم إلا ثلاثة» قال:

(١). [در متن: وائله بن الأصقع بن قرصاب؛ در كفاية الأثر: وائله بن الأشفع؛ در البرهان: وائله بن الأسقع بن أبي قرصافه.]

(٢). [در كفاية الأثر: جندب.]

(٣). [در برهان: حبير.]

(٤). [در متن: يا رسول الله.]

(٥). [در مأخذ: أنه.]

(٦ و ٧ و ١١). [در كفاية الأثر: جندب.]

(٨). [در متن: فقلت:..]

(٩). [در كفاية الأثر: فرزقني.]

(١٠). [در كفاية الأثر و البرهان: بالأوصياء.]

(١٢). [در كفاية الأثر: و لكنهم.]

(١٣). [در كفاية الأثر: فإنك لا تدرك.]

سيمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٣٢٢

فسمهم لي يا رسول الله. قال: نعم إنك تدرك سيد الأوصياء [و وارث الأنبياء و] أبا الأئمة علي بن «١» أبي طالب عليه السلام، [بعدي ثم ابناه الحسن و الحسين «٢» (عليهما السلام)، فاستمسك بهم من بعدى و لا يغرنك جهل الجاهلين، فإذا كانت وقت «٣» ولادة ابنه علي بن الحسين سيد العابدين عليه السلام يقضى الله عليك «٤» و يكون آخر زادك من الدنيا شربة من لبن تشربه.»

فقال: يا رسول الله هكذا وجدت في التوراة: إلبا يقظوا شبرا «٥» و شبيرا، فلم أعرف أسماءهم «٦»، فكم بعد الحسين من الأوصياء و ما أسماؤهم «٧»؟

فقال: «تسعة من صلب الحسين و المهدي منهم، فإذا انقضت مدة الحسين (عليه السلام) قام بالأمر من بعده «٨» علي ابنه «٩» و يلقب بزین «١٠» العابدين (عليه السلام)، فإذا انقضت مدة علي قام بالأمر من بعده «١١» محمد [ابنه (و) يدعى بالباقر (عليه السلام)، فإذا انقضت مدة محمد قام بالأمر بعده ابنه جعفر يدعى بالصادق (عليه السلام)، فإذا انقضت مدة جعفر قام بالأمر بعده ابنه موسى (و)

يدعى بالكاظم (عليه السلام)، ثم إذا انقضت «١٢» مدّة موسى قام بالأمر من بعده عليّ ابنه «١٣» يدعى بالرّضا (عليه السلام)، فإذا انقضت مدّة عليّ قام بالأمر بعده محمّد ابنه يدعى بالزّكيّ (عليه السلام)، فإذا انقضت مدّة محمّد قام بالأمر بعده ابنه عليّ «١٤» يدعى بالتّقيّ (عليه السلام)، فإذا انقضت مدّة عليّ قام بالأمر من

(١). [در متن، بعد از ثلاثه: أولهم سيّد الأوصياء بعدى أبو الأئمة عليّ بن.]

(٢). [در كفاية الأثر و البرهان: ابنه الحسن ثمّ الحسين.]

(٣). [در متن: اوقت.]

(٤). [در كفاية الأثر: عليه.]

(٥). [در كفاية الأثر: نقطه شبيرا؛ در البرهان: يقطو شبيرا.]

(٦). [در كفاية الأثر: أساميهم.]

(٧). [در كفاية الأثر و البرهان: أساميهم.]

(٨ و ١١). [در مأخذ: بعده.]

(٩). [در كفاية الأثر: ابنه عليّ.]

(١٠). [در متن: زين.]

(١٢). [در كفاية الأثر: انتهت.]

(١٣). [در كفاية الأثر: بعده ابنه عليّ.]

(١٤). [در كفاية الأثر: عليّ ابنه.]

سيماى حضرت مهدى در قرآن، ص: ٣٢٣

بعده ابنه الحسن «١» يدعى بالأمين (عليه السلام)، ثمّ يغيب عنهم إمامهم.

قال: يا رسول الله، هو الحسن يغيب عنهم؟ قال: «لا، و لكن ابنه [الحجّة].»

قال: يا رسول الله، فما اسمه؟ قال: «لا يسمّى حتى يظهر «٢»».

قال جنّدل «٣»: يا رسول الله [قد] وجدنا ذكرهم فى التّوراة و قد بشرنا موسى بن عمران (عليه السلام) بك و بالأوصياء [بعدك من ذرّيّتك، ثمّ تلا- رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ يَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.

فقال جنّدل «٤»: يا رسول الله فما خوفهم؟ قال:

«يا جنّدل «٥» فى زمن كلّ واحد منهم سلطان يعيره «٦» و يؤذيه فإذا عجلّ الله خروج قائمنا يملأ الأرض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما.» ثمّ قال صلى الله عليه و اله و سلم:

«طوبى للصّابرين فى غيبته! طوبى للمتقين على محبّتهم «٧»! أولئك (من) وصفهم الله فى كتابه فقال «٨»: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ثُمَّ «٩»

قال: أولئك حزّب الله، ألا إنّ حزّب الله همّ المفلحون «١٠»».

قال ابن الأسقع «١١»: ثمّ عاش جنّدل «١٢» إلى أيام الحسين (بن عليّ) عليه السلام ثمّ

(١). [در كفاية الأثر: بعد الحسن ابنه.]

(٢). [در كفاية الأثر: يظهره الله.]



(۳ و ۴ و ۵ و ۱۲). [در کفایه الأثر: جندب].

(۶). [در کفایه الأثر و البرهان: یعتریه].

(۷). [در کفایه الأثر و البرهان: محجتهم].

(۸). [در کفایه الأثر: و قال].

(۹). [در کفایه الأثر و البرهان: و].

(۱۰). [در متن: الغالبون].

(۱۱). [در کفایه الأثر: الأسقع؛ در متن: الأصقع].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۴

خرج إلى الطائف، فحدّثني نعيم (بن) [أبي قيس قال: دخلت (عليه) بالطائف و هو عليل ثمّ [إنه دعا بشربه من لبن [فشربه فقال «۱»: هكذا عهد إليّ «۲» رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم أن يكون «۳» آخر زادي من الدنيا شربه من لبن، ثمّ مات [رحمه الله و دفن بالطائف بالموضع المعروف بالكورا [ء] (رحمه الله). «۴»

ابن بابويه گوید: حدیث مان داد ابو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب شیبانی رحمه الله گوید: ابو مزاحم موسی بن عبد الله بن یحیی بن خاقان مقری در بغداد حدیث مان داد، وی گفت: ابو بکر محمد بن عبد الله بن ابراهیم شافعی حدیث مان داد، گفت: ابو جعفر محمد ابن حماد بن ماهان دباغ حدیث مان داد، گوید: عیسی بن ابراهیم حدیث مان داد، گفت: حارث بن نهران حدیث مان داد، او گفت: عتبه بن یقظان، از ابو سعید، از مکحول، از ابو قرصافه وائله بن الأسقع، از جابر بن عبد الله انصاری حدیث مان داد، که جابر گفت:

جندل بن جناده [ی یهودی از (اهالی) خیبر به محضر رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم شرفیاب شد و عرضه داشت: ای محمد صلّى الله عليه و اله و سلم، مرا خبر ده از آن چه برای خداوند نیست و از آن چه نزد خداوند نیست و از آن چه خداوند نمی داند؟ رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم فرمود: «آن چه برای خداوند نیست: خداوند را شریکی نیست و اما آن چه نزد خداوند نیست: نزد خداوند ظلمی نسبت به بندگان نیست و امّا آن چه خداوند نمی داند: آن گفتار (و ادّعی) شما یهودیان است که عزیر پسر خداست و خداوند برای خود فرزندی نمی داند.» پس جندل عرض کرد: گواهی می دهم که هیچ خدایی جز الله نیست و تو، به حقّ، رسول خدایی. آن گاه گفت: ای رسول خدا! من دیشب موسی بن عمران علیه السلام را در خواب دیدم که به من فرمود: ای جندل، به دست حضرت محمد صلّى الله عليه و اله و سلم مسلمان شو و به جانشینان بعد از او دست بیاویز. پس من مسلمان شدم و خداوند این نعمت را به من روزی فرمود. اکنون مرا از جانشینان بعد از خویش خبر ده تا به دامان ایشان چنگ زنم.

(۱). [در کفایه الأثر و البرهان: و قال].

(۲). [در متن: لی].

(۳). [در کفایه الأثر: أنه يكون].

(۴). کفایه الأثر: ۵۶-۶۱؛ البرهان ۳: ۱۴۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۵

رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم فرمود: «ای جندل، اوصیای من پس از من به شمار نقیبان بنی اسرائیل اند.» عرضه داشت: چنان که در تورات یافته‌ام، آن‌ها دوازده تن بوده‌اند.  
رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم فرمود:



«آری، امامان بعد از من دوازده تن اند.» عرضه داشت: ای رسول خدا، آیا همگی آنها در یک زمان خواهند بود؟ فرمود: «نه، ولی جانشینی پس از جانشین دیگر (خواهند بود) که البته تو جز سه تن از آنها را درک نخواهی کرد.» عرضه داشت: پس ای رسول خدا، نامشان را برایم بگویید. فرمود:

«آری، به درستی که تو سید اوصیا [و وارث پیغمبران] پدر امامان علی بن ابی طالب علیه السلام را بعد از من خواهی دید؛ سپس فرزندش حسن، سپس حسین را. به آنها متمسک شو و نادانی جاهلان تو را نفریب! پس چون هنگام ولادت فرزندش علی بن الحسین زین العابدین شود، خداوند عمر تو را به سر خواهد آورد و آخرین برخورداریت از دنیا جرعه‌ای شیر خواهد بود.»  
جندل عرضه داشت: ای رسول خدا، هم‌چنین در تورات یافتیم: «الیا یقظوا شبرا و شبریا» ولی نام‌هایشان را نشناختم. بعد از حسین، چند وصی هست و نامشان چیست؟

رسول خدا فرمود: «نه تن از فرزندان حسین اند و مهدی از آنهاست که چون مدّت حسین (علیه السلام) سپری گشت، بعد از او، پسرش علی امر امامت را به عهده می‌گیرد.

لقبش زین العابدین (علیه السلام) است و چون مدّت علی سپری شد، امر امامت را بعد از او [پسرش محمد به عهده می‌گیرد که باقر (علیه السلام) خوانده می‌شود و چون دوران محمّد پایان می‌یابد، بعد از او جعفر - که صادق (علیه السلام) خوانده می‌شود - مسؤولیت امامت را به دوش می‌کشد. پس هنگامی که دوران جعفر تمام می‌گردد، بعد از او موسی - که کاظم (علیه السلام) خوانده می‌شود - این امر را بر عهده می‌گیرد. سپس چون مدّت موسی منقضی شود، پس از او پسرش علی این امر را به عهده می‌گیرد که رضا (علیه السلام) خوانده می‌شود و هرگاه که دوران علی سپری گردد، بعد از او فرزندش محمد به امر امامت قیام کند که سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۶

زکی (علیه السلام) خوانده می‌شود. پس چون مدّت محمّد منقضی شود، امر امامت را بعد از وی پسرش علی - که نقی (علیه السلام) خوانده می‌شود - خواهد داشت و چون مدّت علی به سر آید، امامت را بعد از او حسن پسرش خواهد داشت که امین علیه السلام خوانده می‌شود. سپس امام مردم از آنها غایب خواهد گشت.»

جندل عرضه داشت: ای رسول خدا، حسن است که از آنها غایب خواهد شد؟

فرمود: «نه؛ فرزندش حجّت.» گفت: یا رسول الله! پس اسم او چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: «نام برده نمی‌شود تا این که خداوند او را آشکار گرداند.»

جندل عرض کرد: ای رسول خدا، ما یاد آنها را در تورات یافته‌ایم و البته موسی بن عمران به تو و جانشینان بعد از تو از خاندانت به ما مژده داده است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم این آیه را تلاوت کرد: (خداوند کسانی را از شما که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند وعده داده است که البته آنها را در زمین جای‌گزین خواهد ساخت؛ هم‌چنان که آنان را که پیش از ایشان بودند به خلافت رسانید و به راستی که دینشان را که برایشان پسندیده مکتب خواهد داد و پس از ترسشان، به جای آن، امتیث‌شان خواهد بخشید).

جندل عرض کرد: ای رسول خدا! ترس آنها چیست؟ فرمود:

«ای جندل، در زمان هریک از آنان، حاکمی هست که متعرض او شود و اذیت‌اش کند. پس هرگاه خداوند خروج قائم ما را تعجیل فرماید، زمین را پر از قسط و عدل سازد؛ هم‌چنان که از ستم و ظلم آکنده باشد.» سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: «خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او! خوشا به حال کسانی که بر شیوهی آنان پای‌دار مانند! آنهایند که خداوند در کتابش آنان را وصف کرده و فرموده است:

(و آنان که به غیب ایمان دارند) سپس فرموده است: (آنها حزب خدایند. توجه کنید که البته حزب خداوند رستگارانند).» ابن‌الأسقع [روایت‌کننده‌ی این خبر از جابر بن عبد‌الله گوید: پس جندل تا زمان حضرت حسین بن علی علیه‌السلام زندگی کرد. آن‌گاه به طائف رفت. نعیم (بن) [ابی قیس برایم گفت که: در طائف بر او وارد شدم؛ درحالی که بیمار بود. شیر درخواست کرد. سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۷]

آن را آشامید و گفت: این چنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم به من وعده فرمود که آخرین توشه‌ام از دنیا آشامیدنی شیر باشد. آن‌گاه درگذشت. خدای- تعالی- رحمتش کند. او در طائف- در جایی که به کوراء معروف است- دفن شد. [۱۶۵] أبو علی الطبرسی: اختلف فی الآیة- ... و ذکر الأقوال، إلی أن قال:- و المروئی عن أهل البيت علیهم السّلام أنّها فی المهدی [من آل محمّد] علیهم السّلام.

ثم قال: و روی العیاشی یاسناده عن علی بن الحسین علیهما السّلام أنّه قرأ الآیة [و قال: «هم- و الله- شیعتنا أهل البيت، یفعل [الله ذلك بهم علی يد (۱) رجل منّا و هو مهدی هذه الأمة، و هو الذی قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم: لو لم یبق من الدّنيا إلّا یوم واحد لطوّل الله ذلك الیوم حتّی یأتی (۲) رجل من عترتی اسمه اسمی یملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً.]] ثم قال الطبرسی: و روی مثل ذلك عن أبی جعفر و أبی عبد الله علیهما السّلام. (۳)

شیخ ابو علی طبرسی گوید: درباره‌ی این آیه اختلاف است- ... آن‌گاه اقوال را ذکر کرده تا آن‌جا که گفته است:- و آنچه از اهل البيت علیهم السّلام روایت شده آن است که: درباره‌ی مهدی [از آل محمّد] علیهم السّلام است.

وی افزوده است: و عیاشی به سند خود از حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام روایت آورده که آن حضرت این آیه را تلاوت کرد [و فرمود]:

«آن‌ها- به خدا سوگند- شیعیان ما اهل‌البيت‌اند. [خداوند] این کار را به دست مردی از ما انجام خواهد داد و اوست مهدی این امت و هم اوست که رسول

(۱). در مأخذ: یدی.

(۲). در مأخذ: یلی.

(۳). تفسیر مجمع‌البیان ۷: ۲۶۷. [روایتی را که امین‌الإسلام قدس سرّه از عیاشی رحمه‌الله نقل می‌کند- با توجه به این که تفسیر العیاشی تا پایان سوره‌ی کهف به دست آمده و چاپ شده است- در جای خود نمی‌توان یافت. ظاهراً مرحوم طبرسی به نسخه‌ای کامل‌تر دسترسی داشته است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۸

خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم (درباره‌اش) فرمود: اگر جز یک روز از دنیا باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد ساخت تا مردی از عترت من- که هم‌نام من است- بیاید. او زمین را پر از عدل و قسط می‌کند؛ هم‌چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.»

سپس طبرسی گوید: و مانند همین معنی از امام ابو جعفر باقر و امام ابو عبد الله صادق علیهما السّلام نیز روایت شده است.

در کتاب البرهان روایات بیش‌تری در این باره آمده است؛ مبنی بر این که این آیه در مورد امامان علیهم السّلام نازل گشته است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۲۹

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١﴾

(بلکه این کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند، آتش دوزخ مهیا ساختیم.)  
 [۱۶۶] محمد بن ابراهیم النعمانی فی کتاب الغیبه، قال: حدّثنا «۲» عبد الواحد ابن عبد الله، قال: أخبرنا «۳» محمد بن جعفر القرشي، قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن عمر بن مروان «۴» الكلبي [عن ابن سنان، عن أبي الصّامت، «۵» قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام: «اللَّيْلُ اثْنَا عَشْرَةَ سَاعَةً، [و النَّهَارُ اثْنَا عَشْرَةَ سَاعَةً] وَ الشَّهْرُ اثْنَا عَشْرَ شَهْرًا، وَ الْأُمَّةُ اثْنَا عَشْرَ إِمَامًا، وَ النَّقَبَاءُ اثْنَا عَشْرَ نَقِيبًا، وَ إِنِّ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاعَةٌ مِنْ اثْنِي عَشْرَةَ سَاعَةً، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا.» «۶»  
 محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب غیبت گوید: عبد الواحد بن عبد الله حدیث مان داد، گفت: محمد بن جعفر قرشی به ما خبر داد، وی گفت: محمد بن الحسين بن

(۱). فرقان (۲۵): ۱۲.

(۲). [در مأخذ: أخبرنا].

(۳). در مأخذ: حدّثنا.

(۴). در مأخذ: أبان.

(۵). [در مأخذ: أبي السائب].

(۶). کتاب الغیبه: [۸۵ (باب ۴، ح ۱۵)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۳۵۹

ابی الخطاب، از عمر بن مروان کلبی، از ابو الصّامت حدیث مان داد که گفت: حضرت ابو عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام فرمود:

«شب دوازده ساعت است [و روز دوازده ساعت و ماهها دوازده تاینند و امامان دوازده تن اند و نقیبان «۱» دوازده و به راستی که علی علیه السلام ساعتی از دوازده ساعت است و آن قول خدای - عزّ و جلّ - است: (بلکه این کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند، آتش دوزخ مهیا ساختیم).»

[۱۶۷] عنه، قال: أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله بن يونس الموصلي، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن رباح «۲» الزهري، قال: حدّثنا أحمد بن علي الحميري، قال: حدّثني «۳» الحسن بن أيوب، عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، عن المفضل بن عمر، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: [ما معنى قول الله عزّ و جلّ: بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا؟] قال لي: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّيِّئَةَ اثْنِي عَشْرَ شَهْرًا وَ جَعَلَ اللَّيْلُ اثْنَتِي عَشْرَةَ سَاعَةً، [وَ جَعَلَ النَّهَارُ اثْنَتِي عَشْرَةَ سَاعَةً] وَ مَنَا اثْنَا عَشْرَ مَحَدَّثًا، وَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (سَاعَةً) مِنْ تِلْكَ السَّاعَاتِ.» «۴»

از اوست که گوید: عبد الواحد بن عبد الله بن يونس موصلي خبرمان داد، گفت:

احمد بن محمد بن رباح زهري برايمان حدیث آورد، وی گفت: احمد بن علي حميري حدیثمان داد، وی گفت: حسن بن أيوب حدیثام داد، از عبد الكريم بن عمرو خثعمي، از مفضل بن عمر که گفت:

(۱). نقیب: سرپرست و مهتر قوم را گویند و کسی که افراد گروه را به خوبی می‌شناسد.

(مترجم)

(۲). [در متن: ریاح].

(۳). در مأخذ: حدّثنا.

(۴). کتاب الغیبة: [۸۴ (باب ۴، ح ۱۳)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۱

به حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام عرض کردم: [معنی قول خدای- عزّ و جلّ-: (بلکه این کافران آن ساعت را تکذیب

کردند و ما برای کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند، آتش دوزخ مهیّا ساختیم) چیست؟ آن حضرت به من فرمود:

«همانا خداوند سال را دوازده ماه آفرید و شب را دوازده ساعت قرار داد [و روز را دوازده ساعت قرار داد] و از ما دوازده محدّث

هست و امیر المؤمنین علیه السّلام ساعتی از آن ساعت هاست.»

[۱۶۸] علیّ بن ابراهیم، قال: حدّثنا أحمد بن علیّ، قال: حدّثنی الحسین بن أحمد، عن أحمد بن هلال، عن عمر الكلبيّ، عن أبي

الصّامت، قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام:

«إنّ اللیل والنهار اثنتا عشرة ساعة، وإنّ علیّ بن ابي طالب عليه السّلام أشرف ساعة من اثنتی عشرة ساعة و هو قول الله تعالى: بَلْ

كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا.» [۱]

علیّ بن ابراهیم گوید: احمد بن علی حدیث مان داد گفت: حسین بن احمد، از احمد بن هلال، از عمر کلبی، از ابو الصّیامت

حدیث ام داد که گفت: حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام فرمود:

«همانا شب و روز دوازده ساعت است و البتّه علیّ بن ابي طالب عليه السّلام بهترین ساعت از دوازده ساعت است و اوست (مراد در)

قول خدای- تعالی-: (بلکه این کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند، آتش دوزخ

مهیّا ساختیم).»

(۱). تفسیر قمی ۲: ۱۱۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۲

## ۵۹ [سوره ی فرقان [آیه ۲۷]

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا [۱]

(فرمان‌روایی حق در آن روز، از آن (خداوند) رحمان است و آن روز بر کافران سخت خواهد بود.)

[۱۶۹] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن علیّ، عن أبيه الحسن (بن) [عن أبيه علیّ بن أسباط، قال: روی أصحابنا فی

قول الله عزّ و جلّ:

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ قَالَ:

«إنّ الملك للرحمان اليوم و قبل اليوم و بعد اليوم، و لكن إذا قام القائم عليه السّلام لم يعبد إلّا الله عزّ و جلّ [بالطاعة].» [۲]

محمّد بن العباس گوید: محمّد بن الحسن بن علی حدیث مان داد، از پدرش حسن (بن) [از پدرش علیّ بن اسباط که گفت:

اصحابمان روایت کرده‌اند درباره‌ی قول خدای- عزّ و جلّ-: (فرمان‌روایی حق در آن روز از آن خداوند رحمان است) که فرمود

«۳»:

«همانا فرمان روایی امروز و پیش از امروز و بعد از امروز از آن خدای رحمان است؛ ولی چون قائم علیه السّلام به پا خیزد، جز خدای - عزّ و جلّ - [به فرمان برداری عبادت نخواهد شد.»

(۱). فرقان (۲۵): ۲۷.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۳۷۲-۳۷۳.

(۳). [با توجه به آن که ابو الحسن علی بن اسباط بن سالم کوفی (رجال نجاشی) از سه امام، حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السّلام، حدیث روایت کرده است (معجم رجال الحدیث ۱۱: ۲۶۳)، گوینده‌ی این سخن یکی از آن سه امام تواند بود.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۳

### ۶۰ [سوره‌ی شعراء] [آیه‌ی ۴]

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿١﴾

(اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هاشان برای آن به حالت خضوع ماند.)

[۱۷۰] محمّد بن یعقوب: عن محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن أبي أيوب الخزاز، عن عمر بن حنظلة، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

«خمس علامات قبل قيام القائم عليه السلام: الصّيحة، و السفينان، و الخسف، و قتل النفس الزّكية و اليماني.»

فقلت: جعلت فداك! إن خرج أهل «٢» بيتك قبل هذه العلامات، أنخرج معه؟ قال: «لا.» (قال: فلما كان من الغد تلوت هذه الآية: إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ فقلت له: أهي الصّيحة؟ فقال: «أما لو كانت خضعت أعناق أعداء الله عزّ و جلّ.» «٣»

محمّد بن يعقوب: از محمّد بن يحيى، از احمد بن محمد بن عيسى، از علي بن الحكم، از ابو ايوب خزاز از عمر بن حنظله آورده است که گفت: شنيدم حضرت امام ابو عبد الله

(۱). شعراء (۲۶): ۵.

(۲). در مأخذ: [فإن خرج أحد من أهل.]

(۳). روضه‌ی کافی: ۳۱۰ [ح ۴۸۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۴

صادق علیه السلام می‌فرمود:

«پنج علامت پیش از قیام قائم علیه السّلام هست: صیحه (- بانگ آسمانی و شورش) سفینانی و فرورفتگی (زمین در بیداء) و کشته شدن نفس زکيه و (قیام) یمانی.»

راوی گوید: عرضه داشتم: فدایتان کردم! پس اگر [کسی از] خاندان شما پیش از این نشانه‌ها خروج کند، آیا با وی خروج کنیم؟ فرمود: «نه.»

گوید: چون فردای آن روز شد، این آیه را تلاوت کردم: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هاشان برای آن به حالت خضوع ماند) پس به آن حضرت عرض کردم: آیا (منظور از آیت) همان صیحه است؟ فرمود:

«همانا اگر انجام گیرد، گردن‌های دشمنان خدای- عز و جل- تسلیم و خاضع خواهد شد.» (۱)

[۱۷۱] علی بن ابراهیم، عن ابيه: عن ابن أبي عمير، عن هشام، عن أبي عبد الله عليه السلام [قال:

«تخضع رقابهم- یعنی بنی امیه- و هی الصیحه من السماء باسم صاحب الأمر علیه السلام.» (۲)

علی بن ابراهیم از پدرش: از ابن ابی عمیر، از هشام، از حضرت امام ابو عبد الله صادق علیه السلام روایت آورده که [آن حضرت فرمود]:

«گردن‌هایشان- مراد آن حضرت بنی امیه‌اند- خاضع خواهد شد و آن صیحه از سوی آسمان به نام صاحب الامر علیه السلام است.»

[۱۷۲] محمد بن ابراهیم النعمانی، فی الغیبه: قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعید، قال: حدّثنا علی بن الحسن، عن ابيه، عن أحمد

بن عمر الحلبي، عن الحسين

(۱). [به نظر می‌رسد که بیان امام علیه السلام تأیید ضمنی برداشت راوی، عمر بن حنظله، است.]

(۲). تفسیر قمی ۲: ۱۱۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۵

ابن موسی، عن فضیل بن محمد مولى محمد بن راشد الحلبي (۱)، عن أبي عبد الله عليه السلام [أنه قال:

«أما إنَّ النداء [من السماء] باسم القائم عليه السلام في كتاب الله ليبن.» فقلت: [ف] أين هو، أصلحك الله؟ فقال:

«في طسم\* تلك آيات الكتاب المبين قوله: إنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ قال:- إذا أصبحوا سمعوا

الصوت (۲) و كأنما على رؤوسهم الطير.» (۳)

محمد بن ابراهیم نعمانی گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد و گفت:

حدیث‌مان داد علی بن الحسن از پدرش، از احمد بن عمر حلبی، از حسین بن موسی، از فضیل بن محمد هم‌پیمان محمد بن راشد

حلبی، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام که فرمود:

«اما ندا [از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام همانا در کتاب خداوند آشکار است.» عرضه داشتم: پس این در کجا (ی قرآن)

است؛ اصلحك الله؟ (۴) فرمودند: «در

(۱). [در مأخذ: البجلي].

(۲). [در مأخذ: سمعوا الصوت أصبحوا.]

(۳). کتاب الغیبه: ۲۶۳ [باب ۱۴، ح ۲۳].

(۴). جمله‌ی اصلحك الله- که ظاهر آن دعا درباره‌ی امام است و می‌توان آن را چنین ترجمه کرد: خداوند شما را اصلاح کند!-

در نگاه اول سنگین است و تصوّر می‌شود که بعضی از راویان از روی کمی معرفت این جمله را در مورد امامان علیهم السلام به

کار می‌برده‌اند؛ ولی از حدیثی که در کتاب علل الشرایع شیخ صدوق [۱: ۲۰۵-۲۰۶ (باب ۱۵۶، ح ۳)] آمده، می‌توان نتیجه گرفت

که این جمله کنایه از اقرار به امامت است؛ گویی راوی عرضه می‌دارد: ای کسی که خداوند تو را امام قرار داده است [یا: خداوند

شما را پیشوایی دهد (و حق را به شما بازگرداند)]؛ چون در حدیث مزبور در تأویل آیه‌ی ... وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ... امام صادق

علیه السلام فرموده: «اگر امام حسین می‌گفت: و اصلح لی ذرّیّتی- ذرّیّه‌ام را اصلاح فرما، تمام فرزندان او تا قیامت امام می‌شدند؛

ولیکن امامت را به نه تن از ذرّیّه‌اش اختصاص داد.» (رک. العبقري الحسان ۲ [بخش دوم- بساط پنجم: ۴۱-] ۴۲- مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۶

(سوره‌ی) (ط س م\* این آیات روشن کتاب خداست) «۱»، این فرموده‌ی خداوند: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هاشان برای آن به حالت خضوع ماند.) «حضرتش فرمود: «چون صبح کنند صدا را بشنوند؛ درحالی که انگار پرندگان بر روی سر آنان باشد.»

[۱۷۳] عنه، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا علي بن الحسن التيملي، قال: حدثنا عمرو بن عثمان، عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن سنان قال:

كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فسمعت رجلا من همدان يقول [له: إن هؤلاء العامة يعيروننا ويقولون [لنا]: إنكم تزعمون أن مناديا ينادي [من السماء] باسم صاحب هذا الأمر، و كان متكئا فغضب و جلس ثم قال:

«لا ترووه عني و ارووه عن أبي و لا حرج عليكم في ذلك، أشهد أنني [قد] سمعت أبي عليه السلام يقول: و الله إن ذلك في كتاب الله عز و جل لبين حيث يقول:

إِنْ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ و لا يبقى «۲» في الأرض يومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبته [لها] فيؤمن أهل الأرض إذا سمعوا الصوت من السماء: ألا إن الحق في علي بن أبي طالب عليه السلام و شيعته.

[قال: فإذا كان من الغد صعد إبليس في الهواء حتى يتواري عن أهل الأرض ثم ينادي: ألا إن الحق في عثمان بن عفان] و شيعته فإنه قتل مظلوما فاطلبوا بدمه.»

قال عليه السلام: «فيثبت الله الَّذِينَ آمَنُوا بالقول الثابت على الحق، و هو النداء الأول و يرتاب يومئذ الَّذِينَ في قلوبهم مرض، و المرض - و الله - عداوتنا، فعند

(۱). [یعنی سوره‌ی فرقان.]

(۲). [در مآخذ: فلا بقی.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۷

ذلك يتبرؤون منا و يتناولونا و يقولون «۱»: إن المنادي الأول سحر من سحر أهل هذا البيت.» ثم تلا أبو عبد الله عليه السلام [قول الله عز و جل: و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا: سحر مুষمر.] «۲»

از اوست که گفت: خبرمان داد احمد بن محمد بن سعيد، گوید: حدیث‌مان داد علی بن الحسن تیملی، گوید: حدیث‌ام داد عمرو بن عثمان، از حسن بن محبوب، از عبد الله بن سنان که گفت: در محضر امام ابو عبد الله صادق علیه السلام بودم که شنیدم شخصی از همدان می‌گفت: این سنیان ما را سرزنش می‌کنند و به ما می‌گویند: شما می‌پندارید که آوازدهنده‌ای از آسمان به نام صاحب این امر بانگ خواهد زد. آن حضرت تکیه داده بود. خشمگین شد و (راست) نشست. سپس فرمود:

«این سخن را از من نقل نکنید و از پدرم نقل کنید که هیچ اشکالی برای شما نخواهد داشت. من شهادت می‌دهم که از پدرم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: و الله، این مطلب در کتاب خدا کاملا روشن است که می‌فرماید: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هاشان برای آن به حالت خضوع ماند) پس آن روز احدی در زمین باقی نمی‌ماند؛ مگر این که در مقابل آن نشانه گردن کج کند و همه‌ی اهل زمین وقتی بشنوند صدایی از آسمان بلند است که "آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست، ایمان می‌آورند.

چون فردای آن روز شود، ابلیس به آسمان رود تا جایی که از چشم زمینیان مخفی گردد. آن گاه بانگ برآورد که: توجه کنید! حق با عثمان بن عفان و شیعیان او است؛ زیرا که او مظلوم کشته شد. خونس را مطالبه کنید.» حضرتش فرمود:

«پس در آن هنگام، خداوند مؤمنان را با قول ثابت بر حق استوار می‌سازد که همان ندای اول است؛ ولی آن‌ها که در دلشان مرض



هست- که مرض به خدا قسم دشمنی ماست- در شک می افتند. در آن هنگام از ما دوری جویند و به ما اهانت

(۱). [در مأخذ: فقولون].

(۲). کتاب الغیبه: ۲۶۰-۲۶۱ [باب ۱۴، ح ۱۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۸

می کنند و می گویند: منادی اول سحری بود از سحرهای این خاندان.»

سپس حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کرد: (و اگر (کافران) آیتی بینند، باز اعراض کنند و گویند که این سحری کامل است) «۱».

[۱۷۴] و عنه، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا محمد بن المفضل بن إبراهيم و سعدان بن إسحاق بن سعيد و أحمد بن الحسين بن عبد الملك و محمد بن أحمد بن الحسن القطواني، جميعا عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن سنان، مثله سواء بلفظه. «۲»

و از اوست که گوید: احمد بن محمد بن سعيد خبرمان داد، گفت: محمد بن المفضل بن ابراهیم و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین بن عبد الملك و محمد بن احمد بن حسن قطوانی همگی از حسن بن محبوب از عبد الله بن سنان مانند همین حدیث را به همین عبارت آورده اند.

[۱۷۵] و عنه، قال: أخبرنا «۳» أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا القاسم ابن محمد بن الحسن «۴» بن حازم، قال: حدثنا عبيس بن هشام الناشرى، عن عبد الله بن جبلة، عن عبد الصمد بن بشير، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام و قد سأله عمارة الهمداني فقال له :

أصلحك الله! إن الناس «۵» يعيروننا و يقولون: إنكم تزعمون أنه سيكون صوت من السماء. فقال له:

(۱). قمر (۵۴): ۳.

(۲). کتاب الغیبه: ۲۶۱ [باب ۱۴، در ادامه ی حدیث ۱۹].

(۳). [در مأخذ: حدّثنا].

(۴). [در متن: الحسين].

(۵). [در مأخذ: ناسا].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۳۹

«لا- ترووه «۱» عنى و ارووه «۲» عن أبى، كان أبى يقول: هو فى كتاب الله: إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين فيؤمن أهل الأرض جميعا للصوت [الأول، فإذا كان من الغد صعد «۳» إبليس اللعين حتى يتوارى [من الأرض فى جو السماء ثم ينادى: ألا إن عثمان قتل مظلوما فاطلبوا بدمه، فيرجع من أراد الله عزّ و جلّ به شرّاً «۴» و يقولون: هذا سحر الشّيعه و حتى يتناولونا و يقولون: هو من سحرهم، و هو قول الله عزّ و جلّ: و إن يروا آية يُعرضوا و يقولوا: سحرٌ مُستمرٌّ. «۵»

هم از اوست که گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد، وی گفت: قاسم بن محمد بن حسن بن حازم حدیث مان داد، گفت: عیسی بن هشام ناشری حدیث مان داد، از عبد الله بن جبلة، از عبد الصمد بن بشیر، از حضرت ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق علیه السلام در جواب عماره ی همدانی که پرسیده بود: أصلحك الله «۶»! مردم (مخالف) ما را سرزنش می کنند و می گویند: شماها می پندارید صدایی از آسمان خواهد بود؟



آن حضرت فرمود: «آن را از من نقل مکنید؛ از پدرم نقل کنید. پدرم چنین می‌فرمود: این در کتاب خداست: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند) پس اهل زمین همگی نسبت به صدا [ی اول ایمان می‌آورند و چون فردای آن روز شود، ابلیس لعین به آسمان رود تا این که [از (چشم) زمینیان مخفی گردد. سپس بانگ می‌زند: آگاه باشید که عثمان مظلوم کشته شد. پس برایش خون خواهی کنید. آن گاه هر کس که خداوند- عزّ و جلّ- شری برایش خواسته، (از اعتقاد صحیح) برگردد و گویند: این جادوی شیعه است و نسبت به ما نیز بدگویی

(۱). [در مأخذ: لا ترو.]

(۲). [در مأخذ: و اروه.]

(۳). [در متن: صوّت.]

(۴). [در مأخذ: سوءا.]

(۵). کتاب الغیبة: ۲۶۱-۲۶۲ [باب ۱۴، ح ۲۰].

(۶). [رک. توضیح پاورقی ص ۳۳۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۰

می‌کنند و گویند: از جادوهای این خاندان است و همین است (معنی) فرموده‌ی خدای- عزّ و جلّ-: (و اگر (کافران) آیتی بینند، باز اعراض کنند و گویند: (این) سحری پی‌درپی است.)»

[۱۷۶] و عنه، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدّثنا محمد بن المفضل بن إبراهيم بن قيس، قال: حدّثنا الحسن بن علي بن فضال، قال: حدّثنا ثعلبة بن ميمون، عن معمر بن يحيى، عن داود الدجاجي، عن أبي جعفر محمد بن عليّ عليهما السلام، قال: «سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن قول الله عزّ و جلّ «۱»: فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ «۲» فقال: انتظروا الفرج في «۳» ثلاث، فقيل: [يا أمير المؤمنين و ما [هنّ؟

فقال: اختلاف أهل الشام بينهم، و الزّيات السود من خراسان و الفرعة في شهر رمضان، فقيل: و ما [الفرعة في شهر رمضان؟ فقال: أو ما سمعتم قول الله عزّ و جلّ [في القرآن: إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ هي آية تخرج «۴» الفتاه من خدرها و توقظ النائم و تفرع اليقظان.» «۵»

و از اوست که گوید: خبرمان داد احمد بن محمد بن سعيد و گفت: محمد بن المفضل بن ابراهيم بن قيس حديث مان داد، او گفت: حسن بن عليّ بن فضال حديث مان داد، گفت: ثعلبة بن ميمون، از معمر بن يحيى، از داوود دجاجي از حضرت ابو جعفر محمد بن علي باقر عليهما السلام حديث مان داد که آن حضرت فرمود:

«از امير المؤمنين عليه السلام راجع به قول خدای- عزّ و جلّ-: (پس طوايف مردم از پيش خود اختلاف کردند) سؤال شد. فرمود: فرج را در سه چیز منتظر باشید.

عرض کردند: [يا امير المؤمنين آن [سه چیست؟ فرمود: اختلاف اهل شام بين

(۱). [در مأخذ: قوله تعالى.]

(۲). مريم (۱۹): ۳۸.

(۳). در مأخذ: من.

(۴). در متن: هي أن تخرج.

(۵). کتاب الغیبة: ۲۵۱-۲۵۲ [باب ۱۴، ح ۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۱

خود و پرچم‌های سیاه از سوی خراسان و آن ترس که در ماه رمضان خواهد بود.

عرض شد: آن ترس در ماه رمضان چیست؟ فرمود: آیا قول خدای - عزّ و جلّ - را [در قرآن نشنیده‌اند که (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند)؟ این آیتی است که دوشیزه را از سرپرده‌اش بیرون می‌کشد و خواب را بیدار و بیدار را ترسان می‌سازد.]

[۱۷۷] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا أحمد بن الحسن بن علی، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه، عن محمّد بن إسماعيل، عن حنّان بن سدیر، عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

سألته عن قول الله عزّ و جلّ: إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ قال: «نزلت في قائم آل محمّد عليه السلام ينادي باسمه من السماء.» «۱»

محمّد بن العباس گوید: احمد بن الحسن بن علی حدیث‌مان داد، وی گفت: پدرم برایمان حدیث گفت، از پدرش، از محمّد بن اسماعیل، از حنّان بن سدیر، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السّلام که راوی گوید: از آن جناب راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - : (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند) پرسیدم. فرمود:

«درباره‌ی قائم آل محمّد علیه السلام نازل شد. اسم او از آسمان اعلان خواهد شد.»

[۱۷۸] عنه، قال: حدّثنا علی بن عبد الله بن أسد، عن إبراهيم بن محمّد، عن أحمد بن معمر «۲» الأسدی، عن محمّد بن فضیل، عن الكلبي، عن أبي صالح «۳»، عن ابن عباس في قوله عزّ و جلّ: إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ قال:

(۱). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۳۸۶، ح ۲.

(۲). در متن: ابراهیم بن محمّد بن معمر.

(۳). [در متن: صباح].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۲

«هی «۱» نزلت فینا و فی بنی امیة [تکون لنا دولة تذلّ أعناقهم لنا بعد صعوبه و [هوان بعد عزّ.] «۲»

از اوست که گفت: علی بن عبد الله بن اسد حدیث‌مان داد، از ابراهیم بن محمّد، از احمد بن معمر اسدی، از محمّد بن فضیل، از کلّبی، از ابو صباح، از ابن عباس درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - : (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند) فرمود:

«این درباره‌ی ما و راجع به بنی امیة نازل شده است. برای ما دولتی خواهد بود که گردن‌هایشان را خاضع و خوار می‌سازد؛ پس از سختی و گردن‌کشی آن‌ها و پس از عزّت، آن‌ها را به پستی می‌کشاند.»

[۱۷۹] و عنه، قال: حدّثنا الحسين بن أحمد «۳»، عن محمّد بن عیسی، عن یونس، عن بعض أصحابنا، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: سألته عن قول الله عزّ و جلّ:

إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ قال: «تخضع لها رقاب بنی امیة» قال: «ذلك بارز عند زوال «۴» الشمس» قال: «و ذلك علی بن أبي طالب عليه السلام يبرز عن «۵» زوال الشمس و تركد «۶» الشمس علی رؤوس الناس ساعة حتّى يبرز وجهه و يعرف الناس حسبه و نسبه.»

ثم قال: «إن بني أمية ليختبي (۷) الرجل منهم إلى جنب شجرة فتقول: خلفي رجل من بني أمية فاقتلوه.» (۸)

(۱). در مأخذ: هذه.

(۲). تأويل الآيات الظاهرة ۱: ۳۸۶، ح ۱.

(۳). در متن: محمد.

(۴). [در متن: بارز].

(۵). [در مأخذ: عند].

(۶). [در مأخذ: تركت].

(۷). [در مأخذ: ليختبأ].

(۸). تأويل الآيات الظاهرة ۱: ۳۸۶-۳۸۷، ح ۳.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۳

هم از اوست که گوید: حسین بن محمد حدیث مان داد، از محمد بن عیسی، از یونس، از بعض اصحابمان، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام که راوی گوید: از آن جناب راجع به قول خدای- عز و جل-: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند) پرسیدم. فرمود:

«گردن‌های بنی امیه برای آن فرو آید.» حضرتش افزود: «آن آیت از خورشید آشکار می‌گردد.» فرمود: «و او علی بن ابی طالب علیه السلام است که هنگام زوال خورشید و تابش آفتاب ساعتی بالای سر مردم آشکار شود تا آنجا که چهره‌اش ظاهر گردد و مردم حسب و نسبش را بشناسند.»

سپس فرمود: «همانا بنی امیه کارشان به جایی می‌رسد که هر یک از آنان پشت درختی نهان شود، آن درخت گوید: پشت من مردی از بنی امیه هست؛ او را بکشید.»

[۱۸۰] و عنه، قال: حدّثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن یونس، قال: حدّثنا صفوان بن یحیی، عن أبي عثمان، عن معلى بن خنيس، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«قال أمير المؤمنين عليه السلام: انتظروا الفرج في ثلاث. قيل: و ما هي «۱»؟ قال:

اختلاف أهل الشام بينهم، و الزيات السود من خراسان، و الفزعة في شهر رمضان، فقيل له: و ما الفزعة في شهر رمضان؟ قال: أما سمعتم قول الله عز و جل في القرآن: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ - قال: - إنه تخرج الفتاة من خدرها، و يستيقظ النائم، و يفرع اليقظان.» (۲)

هم از اوست که گفت: حسین بن احمد حدیث مان داد، از محمد بن عیسی، از یونس، که گفت: صفوان بن یحیی حدیث مان داد، از ابو عثمان، از معلى بن خنيس، از

(۱). [در مأخذ: هن].

(۲). تأويل الآيات الظاهرة ۱: ۳۸۷، ح ۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۴

حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام که فرمود:

«حضرت امير المؤمنين عليه السلام فرمود: فرج را در (ظاهر شدن) سه چیز بخواهید.

عرض شد: آن‌ها چیستند؟ فرمود:

اختلاف اهل شام در میان خود و پرچم‌های سیاه از خراسان و (آیت) ترسناک در ماه رمضان. گفته شد: آن (آیت) ترسناک در ماه رمضان چیست؟ فرمود: آیا قول خدای - عزّ و جلّ - در قرآن را نشنیده‌اید که: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند) فرمود: (این آیت) دوشیزه را از سر پرده‌اش بیرون می‌کشد و شخص خوابیده بیدار می‌شود و بیدار به هراس می‌افتد.»

[۱۸۱] و روی بالاسناد «۱» عن أبي الورد، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً قَالَ: «التَّيْدَاءُ [من السماء] باسم رجل و اسم أیه.» «۲»

به‌طور مسند، از ابو الورد از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام روایت شده که درباره‌ی قول خداوند: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم) فرمود: «ندا [از آسمان به نام مردی است و نام پدرش.»

(۱). [ظاهر عبارت چنین است که این حدیث نیز از مأخذ قبل آمده است؛ اما چنان‌که نویسنده در البرهان آورده است، از کتاب دیگری است.]

(۲). [الرجعه، سید محمد مؤمن حسینی استرآبادی (خطی): ۵۲؛ به نقل البرهان، ذیل آیه.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۵

## ۶۱ [سوره‌ی شعراء] [آیه‌ی ۲۰۷-۲۰۶]

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ \* ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ \* مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ؟ «۱»

(ای رسول ما) آیا دیده‌ای که اگر چندین سال هم ایشان را بهره‌مند سازیم، سپس آن وعده داده شده به آنان رسد، آن‌چه (از دنیا) برخوردار بوده‌اند، هیچ سودی‌شان نبخشد و عذابی از آن‌ها دور ندارد؟)

[۱۸۲] محمد بن العباس، قال: حدّثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن صفوان [بن يحيى]، عن أبي عثمان، عن معلى بن خنيس، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله «۲» عزّ و جلّ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ \* ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ...؟ قال: «خروج القائم عليه السلام.»

ما أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ قال: «هم بنو أمية الذين متّعوا بدنياهم «۳».» «۴»

محمد بن العباس گوید: حسین بن احمد از محمد بن عیسی، از یونس، از صفوان [بن یحیی]، از ابو عثمان، از معلی بن خنیس، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام حدیث‌مان داد که آن حضرت درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - که فرمود: ((ای رسول ما))

(۱). شعراء (۲۶): ۲۰۶-۲۰۸.

(۲). [در مأخذ: قول الله.]

(۳). در مأخذ: فی دنیاهم.

(۴). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۳۹۲-۳۹۳، ح ۱۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۶

آیا دیده‌ای که اگر چندین سال هم آنان را بهره‌مند سازیم، سپس آن وعده داده شده به آنان رسد؟) فرمود: «خروج قائم علیه

السلام.»

(در توضیح) (آن چه از دنیا) برخوردار بوده‌اند هیچ سودی به آنان نبخشد و عذابی از آن‌ها دور ندارد) فرمود: «آن‌ها بنی امیه‌اند که به دنیای خویش بهره‌مند بوده‌اند.»  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۷

## ۶۲ [سوره‌ی شعراء] [آیه‌ی ۲۲۸]

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿۱﴾

(و آنان که ظلم و ستم کردند، به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشت‌گاه (و دوزخی) باز آیند).

[۱۸۳] ابن بابویه، قال: حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی الله عنه، قال:

حدّثنا علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن علی بن معبد، عن الحسین بن خالد، عن علی ابن موسی الرضا علیه السلام، عن اَبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

«قال رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلم: من أحبَّ أن يتمسك بدینی و یركب سفینه النجاء بعدی، فلیقتد بعلی بن اَبی طالب علیه السلام و لیعاد عدوّه و لیوال ولّیه، فإنّه (خلیفتی و) وصیّی و خلیفتی علی امتی فی حیاتی و بعد وفاتی، و هو امیر «۲» کلّ مسلم، و امیر کلّ مؤمن بعدی، قوله قولی، و أمره امری، و نهیه نهیّ، و تابعه تابعی، و ناصره ناصری، و خاذله خاذلی.

ثمّ قال صَلَّى الله عليه و اله و سلم: من فارق علیا بعدی لم یرنی و لم أره یوم القیامه، و من خالف علیا حرّم الله علیه الجنه و جعل مأواه النار [و بس المصیر]، و من خذل علیا خذله الله یوم یرض علیه و من نصر علیا نصره الله یوم یلقاه، و لقنه حجّته عند المنازله «۳».

(۱). شعراء (۲۶): ۲۲۸.

(۲). در مأخذ: امام.

(۳). در مأخذ: المسائله.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۸

ثمّ قال صلوات الله علیه و آله: (و) الحسن و الحسین إماما امتی بعد اَبیهما، و سیدا شباب أهل الجنه، و أمهما سیده نساء العالمین، و اَبوهما سید الوصیین، و من ولد الحسین تسعه أئمّه تاسعهم القائم علیه السلام من ولدی، طاعتهم طاعتی و معصیتهم معصیتی، إلی الله أشکو المنکرین لفضلهم و المضیعین لحقّهم «۱» بعدی، و کفی بالله ولّیا، و کفی بالله نصیرا «۲» لعترتی و أئمّه امتی و منتقما من الجاحدین لحقّهم، و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ «۳»

ابن بابویه گوید: محمد بن علی ماجیلویه رضی الله عنه حدیث‌ام داد، گفت:

علی بن ابراهیم، از پدرش، از علی بن معبد، از حسین بن خالد، از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام حدیث‌مان داد، که آن حضرت فرمود:

«رسول خدا صَلَّى الله علیه و اله و سلم فرمودند: هر کس دوست می‌دارد به دین من دست یازد و پس از من بر کشتی نجات قرار گیرد، باید که به علی بن اَبی طالب علیه السلام اقتدا کند و با دشمنش دشمنی و با دوست او دوستی نماید؛ زیرا که او (خلیفه‌ی من) (و) وصی من و جانشین من بر امتم در زندگانی‌ام و پس از وفات من است. اوست امیر هر مسلمان و امیر هر مؤمن بعد از من؛ گفته‌اش گفته‌ی من و امرش امر من و نهی او نهی من است.»

پیرو او پیرو من و یاری کننده‌اش یاور من و خوار کننده‌اش خوار کننده‌ی من است.

سپس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس بعد از من از علی جدا شود، روز قیامت مرا نخواهد دید. من نیز او را نخواهم دید و هر که با علی مخالفت نماید، خداوند بهشت را بر وی حرام فرماید و عاقبتش را جهنم قرار دهد [و بد جایگاهی است و هر آن که علی را یاری ندهد، خداوند او را یاری ندهد؛ روزی که بر خداوند عرضه شود و هر کس علی را نصرت دهد، خداوند او را نصرت فرماید؛ روزی که او را ملاقات کند و به هنگام سؤال و جواب، (برهان و) دلیلش را به وی تلقین فرماید.

(۱). در مأخذ: لحرمتهم.

(۲). در مأخذ: ولینا و ناصرنا.

(۳). کمال الدین ۱: ۲۶۰ [۲۶۱ - (باب ۲۴، ح ۶)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۴۹

آن گاه حضرتش صلوات الله علیه و آله فرمود: حسن و حسین دو امام امت من بعد از پدرشان‌اند و دو سید و سرور جوانان اهل بهشت‌اند و مادرشان بهترین بانوان عالمیان است و پدرشان سید اوصیاست و از فرزندان حسین، نه امام خواهد بود که نهمینشان آن به‌پا خیزنده از فرزندان من است که درود خدا بر او باد. اطاعتشان، اطاعت از من و معصیتشان معصیت من است. من به خداوند شکوه می‌برم از منکران فضیلت ایشان و تضييع کنندگان حق آنان پس از من و خداوند بس است که ولی و یاور عترت من و امامان امتم باشد و از منکران حق ایشان انتقام کشد (و آنان که ظلم و ستم کردند، به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشت گاه (و دوزخی) باز آیند).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۰

## ۶۳ [سوره‌ی نمل] آیه‌ی ۶۳

أَمْ مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ «۱»

(یا کیست (جز خداوند) آن که دعای مضطر را به اجابت رساند و رنج و غم را برطرف سازد و شما را جانشینان زمین قرار دهد؟) [۱۸۴] محمّد بن العباس: عن حمید بن زیاد، عن الحسن «۲» بن محمّد بن سماعه، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن ابي عبد الله عليه السلام قال:

«إِنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ «۳» وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَيَدْعُو «۴» وَيَتَضَرَّعُ حَتَّى يَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَمْ مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ؟ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ «۵»

محمّد بن العباس: از حمید بن زیاد، از حسن بن محمّد بن سماعه، از ابراهیم بن

(۱). نمل (۲۷): ۶۳.

(۲). [در متن: الحسين].

(۳). در مأخذ: الكعبة.

(۴). [در مأخذ: فیدعو].

(۵). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۴۰۲-۴۰۳، ح ۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۱

عبد الحمید، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام آورده است که فرمودند:

«هرگاه قائم علیه السلام خروج کند، به مسجد الحرام داخل می‌گردد. پس روی به قبله به مقام پشت می‌کند. سپس دو رکعت نماز می‌گزارد. آن‌گاه به پا می‌خیزد و می‌گوید:

ای مردم! من نزدیک‌ترین مردمان به آدم علیه السلام ام. ای مردم! من نزدیک‌ترین مردمان به ابراهیم علیه السلام ام. ای مردم! من نزدیک‌ترین مردمان به اسماعیل علیه السلام ام. ای مردم! من نزدیک‌ترین مردمان به محمد صلی الله علیه و اله و سلم ام.

سپس دست‌هایش را به سوی آسمان برمی‌دارد و دعا و تضرع می‌کند تا این‌که به رو درمی‌افتد و این است (معنی) فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (یا کیست آن‌که دعای مضطرّ «۱» را به اجابت رساند و رنج و غم را برطرف سازد و شما را جان‌نشینان زمین قرار دهد؟ آیا خدایی جز خدای یکتا هست؟! اندکی از شما متذکر این حقیقت می‌شوید!).»

[۱۸۵] عنه: بالإسناد عن (إبراهيم) بن عبد الحميد، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عزّ و جلّ: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا؟ قال:

«هذه (الآية) نزلت في القائم (من آل محمد عليهم السلام) إذا خرج تعمّم و صلّى عند المقام و تضرّع إلى ربّه فلا تردّ له رايه [أبدا].»  
«۲»

از اوست: به سند خود از (ابراهیم) بن عبد الحمید، از محمد بن مسلم، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - : (یا کیست آن‌که دعای مضطرّ را به اجابت رساند؟) فرمود:

«این (آیه) درباره‌ی قائم از آل محمد علیهم السلام نازل شده است. هرگاه که خروج کند،

(۱). مضطر: حاجتمند و ضرر رسیده را گویند و به مجاز درمانده و چاره از دست داده‌ای است که راهی جز خداوند برایش نیست. این واژه از القاب حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ چنان‌که در دعای ندبه می‌خوانیم: أَيْنَ الْمَضْطَرُّ الَّذِي يَجَاب إِذَا دَعَا؟ كجاست آن مضطر (- حاجت‌خواه صدمه دیده) که هرگاه دعا کند، اجابت گردد؟ (مترجم)

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۴۰۳، ح ۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۲

دستار بر سر بندد و در کنار مقام (ابراهیم) نماز گزارد و به درگاه پروردگارش تضرع نماید. پس هیچ پرچمی از او (شکست خورده) بازنگردد.»

[۱۸۶] عَلِيٌّ بن إبراهيم قال: حدّثني أبي عن الحسن بن عليّ بن فضال، عن صالح بن عقبه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«نزلت في القائم من آل محمد عليهم السلام [و] هو - و الله - المضطرّ إذا صلّى في المقام ركعتين و دعا الله «۱» فأجابته و يكشف السوء و يجعله خليفة في الأرض.»

و هذا ممّا ذكرنا أنّ تأويله بعد تنزيهه. «۲»

علی بن ابراهیم گوید: پدرم مرا حدیث داد از حسن بن علی بن فضال، از صالح بن عقبه، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام که فرمود:

«(این آیه) درباره‌ی قائم از آل محمد علیهم السلام نازل شد «۳». اوست - به خدا سوگند - آن مضطرّ؛ هنگامی که در مقام (ابراهیم)

دو رکعت نماز گزارد و خداوند را بخواند. پس (حق) او را اجابت می‌فرماید و ناپسند را (از وی) برطرف می‌سازد و او را در زمین خلیفه قرار می‌دهد.»

این از جمله اموری است که یاد کردیم که تأویلش بعد از تنزیل است.

[۱۸۷] محمد بن ابراهیم النعمانی، قال: أخبرنا «۴» أحمد بن محمد بن سعيد، قال:

حدّثني محمد بن عليّ التيمي، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، و حدّثني غير واحد عن منصور بن يونس (بن) بزرج، عن إسماعيل بن جابر، عن أبي جعفر محمد بن عليّ عليهما السلام أنّه قال:

«يكون لصاحب هذا الأمر غيبه في بعض هذه الشعاب- و أوماً بيده إلى

(۱). [در متن: إلى الله].

(۲). تفسیر قمی ۲: ۱۲۹.

(۳). یعنی: مصداق کامل و تحقق آشکار آیهی کریمه آن حضرت علیه السلام است. (مترجم)

(۴). [در مأخذ: حدّثنا].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۳

ناحیه ذی طوی- حتّی إذا کان قبل خروجه انتهى «۱» المولى الذى [کان معه حتّی یلقى بعض أصحابه فيقول: كيف «۲» أنتم هاهنا؟ فيقولون: نحو من أربعين رجلا، فيقول: كيف أنتم إذا «۳» رأيتم صاحبكم؟ فيقولون: والله لو نادى «۴» الجبال لنا ويناها معه، ثم يأتيهم من القابلة فيقول «۵»: أشيروا إلى رؤسائكم [أو خياركم عشرة، فيشيرون له إليهم، فينطلق بهم حتّی یلقوا صاحبهم و يعدهم الليلة التي تليها.»

ثم قال أبو جعفر عليه السلام: «و الله لكأنّي أنظر إليه و قد أسند ظهره إلى الحجر فينشد الله حقّه، ثم يقول: يا أيها الناس من يحاجني في الله فأنا أولى الناس بالله، (يا) أيها الناس من يحاجني في آدم فأنا أولى الناس بآدم عليه السلام، أيها الناس من يحاجني في نوح فأنا أولى الناس بنوح عليه السلام، أيها الناس من يحاجني في إبراهيم فأنا أولى الناس بإبراهيم عليه السلام، أيها الناس من يحاجني في موسى فأنا أولى الناس بموسى عليه السلام، أيها الناس من يحاجني في عيسى «۶» فأنا أولى الناس بعيسى عليه السلام، أيها الناس من يحاجني في محمد صلى الله عليه و اله و سلم فأنا أولى الناس بمحمد [صلى الله عليه و اله و سلم، أيها الناس من يحاجني في كتاب الله فأنا أولى الناس بكتاب الله، ثم ينتهي إلى المقام فيصلّي عنده ركعتين و ينشد الله حقّه.»

ثم قال أبو جعفر عليه السلام: «و هو- و الله- المضطرّ الذى يقول الله [فيه: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ فيه نزلت [و له. «۷»

(۱). در مأخذ: أتى.

(۲). در مأخذ: كم.

(۳). در مأخذ: لو.

(۴). [در مأخذ: ناوی].

(۵). [در مأخذ: و يقول].

(۶). در متن: بعيسى.

(۷). کتاب الغيبة: ۱۸۱-۱۸۲ [باب ۱۰، ح ۳۰].



سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۴

محمّد بن ابراهیم نعمانی گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد. گفت: محمد ابن علی تیملی از محمد بن اسماعیل بن بزیر حدیثام داد و نیز چندین نفر از منصور بن یونس بن بزرج حدیثام دادند، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابو جعفر محمد بن علی باقر علیهما السلام که فرمود:

«صاحب این امر در یکی از این درّه‌ها- و با دست به سوی ذی طوی اشاره کرد- غیبتی خواهد داشت تا هنگامی که خروجش نزدیک باشد. خدمت کار مخصوصش می آید تا بعضی از اصحاب آن حضرت را ملاقات کند. می گوید: شما در این جا چند نفرید؟ می گویند: حدود چهل مرد. می گوید: اگر صاحبتان را ببینید، چه خواهید کرد؟ گویند: به خدا سوگند، اگر (ما را) به از جای کردن کوه‌ها فراخواند، با او هم‌راهی کنیم. سپس فردای آن روز (سال بعد؟) به نزدشان می آید و می گوید: از بزرگان و نیکانتان ده نفر را برگزینید. پس ده تن را انتخاب می کنند و او آنان را هم‌راه خود می برد تا این که صاحبشان را می بینند و آن‌ها را به شب بعد وعده می دهد.»

سپس حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند گویی او (قائم علیه السلام) را می بینم که به حجر اسود تکیه داده از خداوند حَقّش را مطالبه می کند. سپس می گوید:

ای مردم! هرکس درباره‌ی خداوند با من گفت و گو دارد، پس من ام اولی به خداوند. ای مردم! هرکس درباره‌ی آدم با من محاجّه دارد، پس من ام نزدیک‌ترین کسان به آدم علیه السلام. ای مردم! هرکس درباره‌ی نوح با من محاجّه دارد، پس من ام نزدیک‌ترین افراد به نوح علیه السلام. ای مردم! هرکس درباره‌ی ابراهیم با من بحث دارد، پس من ام نزدیک‌ترین کسان به ابراهیم علیه السلام. ای مردم! هرکس درباره‌ی موسی با من بحث دارد، پس من ام نزدیک‌ترین کسان به موسی علیه السلام. ای مردم! هرکس راجع به عیسی با من محاجّه دارد، پس من ام نزدیک‌ترین مردمان به عیسی علیه السلام. ای مردم! هرکس درباره‌ی حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم با من محاجّه کند، پس من ام نزدیک‌ترین افراد به محمد. ای مردم، هرکس درباره‌ی کتاب خدا با من محاجّه نماید، پس من ام نزدیک‌ترین مردمان به کتاب خدا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۵

آن‌گاه به سوی مقام ابراهیم می‌رود و در آن‌جا دو رکعت نماز می‌گزارد و حقّ خود را از خداوند می‌طلبد.»

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: «او اوست- به خدا سوگند- آن مضطرّی که خداوند [درباره‌اش می‌فرماید: (یا کیست آن که دعای مضطرّ را به اجابت رساند و رنج و غم را برطرف سازد و شما را جانشینان زمین قرار دهد؟)».

[۱۸۸] علی بن ابراهیم، قال: حدّثنی اُبی، عن ابن اُبی عمیر، عن منصور ابن یونس، عن اُبی خالد الکابلی، قال: قال ابو جعفر علیه السلام:

«و الله لکأنی أنظر إلى القائم علیه السلام و قد أسند ظهره إلى الحجر، ثم ینشد الله حقّه، ثم یقول: یا أيّها النّاس، من یحاجّنی فی الله فأنا أولى بالله، أيّها النّاس، من یحاجّنی فی آدم فأنا أولى بآدم (علیه السلام)، (یا) أيّها النّاس، من یحاجّنی فی نوح فأنا أولى بنوح (علیه السلام)، أيّها النّاس، من یحاجّنی فی ابراهیم فأنا أولى بابراهیم (علیه السلام)، (یا) أيّها النّاس، من یحاجّنی فی موسی فأنا أولى بموسى (علیه السلام)، أيّها النّاس، من یحاجّنی فی عیسی فأنا أولى بعیسی (علیه السلام)، أيّها النّاس، من یحاجّنی فی رسول الله (۱) فأنا أولى برسول الله (۲) صلی الله علیه و اله و سلم، أيّها النّاس، من یحاجّنی فی کتاب الله فأنا أولى بکتاب الله، ثم ینتهی إلى المقام فیصلی رکعتین و ینشد الله حقّه.»

ثم قال أبو جعفر علیه السلام: «هو- و الله- [المضطرّ فی کتاب الله فی قوله: أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ یُكْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ فیکون أوّل من ینبأه جبریل (۳) ثمّ الثّلاث مائة و الثّلاثة عشر رجلا فمن کان ابتلی بالمسیر وافی (۴) و من لم یتل

بالمسیر فقد من فراشه، و هو قول أمير المؤمنين عليه السلام<sup>۱۱</sup>: هم

(۱). در مأخذ: فی محمد.

(۲). در مأخذ: من محمد.

(۳). [در مأخذ: جبرئیل].

(۴). در مأخذ: و افاه.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۶

المفقودون من «۱» فرشه، [و] ذلك قول الله: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً [قال: -] الخيرات: الولاية. وقال في موضع آخر: وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ وَهُمْ [و الله أصحاب القائم عليه السلام يجتمعون] و الله إليه في ساعة واحدة.

فإذا جاء إلى البيداء يخرج إليه جيش السيفياني ف يأمر الله الأرض فتأخذ أقدامهم، و هو قوله: وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، وَقَالُوا: آمَنَّا بِهِ عِنْدَ الْقَائِمِ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَافُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ؟ [إلى قوله: وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ] يعني أَلَا يَعْدَبُوا كَمَا فَعَلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ يعني من كان قبلهم من المكذبين هلكوا. «۲»

علی بن ابراهیم گوید: پدرم حدیثام داد، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از ابو خالد کابلی که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند، گویی به قائم علیه السلام نگاه می کنم که به حجر (اسود) تکیه زده است. سپس از خداوند حَقَّش را می خواهد. آن گاه می گوید: ای مردم! هر کس درباره ی خداوند با من محاجه کند، من به خداوند سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی آدم با من گفت و گو دارد، پس (بداند که) من به آدم علیه السلام سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی نوح با من محاجه دارد، پس من به نوح علیه السلام سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی ابراهیم با من محاجه نماید، پس من به ابراهیم علیه السلام سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی موسی با من گفت و گو دارد، پس من به موسی علیه السلام سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی عیسی با من محاجه دارد، پس من به عیسی علیه السلام سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی رسول خدا با من محاجه دارد، پس من به رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

(۱). در مأخذ: عن.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۲۰۵ [ذیل آیه ی ۵۲ سوره ی سبأ].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۷

سزاوارترم. ای مردم! هر کس درباره ی کتاب خدا با من بحث دارد، پس من به کتاب خدا نزدیکترم. سپس (حضرت قائم علیه السلام) به مقام (ابراهیم) می رود و دو رکعت نماز می گزارد و حَقَّش را از خداوند خواستار می شود.»

آن گاه حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود: «اوست - به خدا سوگند - [آن مضطری که در کتاب خداست در فرموده ی او: (یا کیست آن که دعای مضطر را به اجابت رساند و رنج و غم را برطرف سازد و شما را جانشینان زمین قرار دهد؟) پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ مرد که هر کدامشان پیش از آن هنگام بیرون از منزل بوده به مقصد (به خدمت آن حضرت) خواهد رفت و هر کس در سفر نباشد از بستر خوابش ربوده خواهد شد و این است قول امیر المؤمنین علیه السلام:

"آنان‌اند مفقودشدگان از روی خوابگاه‌هایشان" و آن فرموده‌ی خداوند است: (پس به کارهای نیک سبقت و پیشی گیرید. هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) [ (امام علیه السلام) فرمود: خیرات ولایت است. (خداوند) در جای دیگر فرموده است: (و اگر عذاب را تا به امت معدوده (افراد معینی) به تعویق اندازیم ... ) آنها [به خدا سوگند] اصحاب قائم علیه السلام‌اند؛ [به خدا سوگند] در یک ساعت، جمع خواهند شد. پس چون به بیدار بیاید، لشکر سفیانی در برابر آن حضرت خارج گردد. خداوند به زمین امر می‌فرماید که پاهایشان را فروگیرد و این است (معنی) قول او: (و ای رسول ما) اگر کافران را بنگری هنگامی که هراسان‌اند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نگردد و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و گویند: به او ایمان آوردیم؛ یعنی به قائم از آل محمد علیهم السلام، (و با این همه دوری، کی توانند به آن مقام نایل شوند؟ ...) [تا آن‌جا که فرماید: (و میان ایشان و آرزویشان جدایی افتاد) یعنی (آرزو داشتند که) عذاب نشوند؛ (هم‌چنان که نسبت به هم کیشان آن‌ها پیش‌تر چنین شد) یعنی تکذیب‌کنندگانی که پیش از ایشان بودند و هلاک گشتند.]]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۸

## ۶۴ [سوره‌ی قصص [آیه‌ی ۶]

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿١﴾  
 (و ما اراده داریم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.)  
 [۱۸۹] محمد بن الحسن الشیبانی، فی کشف البیان، قال: روی عن الباقر و الصادق علیهما السلام:  
 «أن فرعون و هامان هاهنا شخصان من جبابرة قريش يحييهما الله تعالى عند قيام القائم من آل محمد عليه السلام في آخر الزمان فينتقم منهما بما أسلفا.» (۲)  
 محمد بن حسن شیبانی در کتاب کشف البیان گوید: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که:  
 «فرعون و هامان در این‌جا «۳» دو نفر از جباران قریش‌اند. خداوند - تعالی - آن دو را هنگام قیام قائم آل محمد علیه السلام در آخر الزمان زنده خواهد ساخت و به خاطر آن‌چه در گذشته مرتکب شده‌اند، از آن‌ها انتقام خواهد ستاند.»  
 روایات در مورد این که آیه‌ی فوق درباره‌ی امامان از

(۱). قصص (۲۸): ۶.

(۲). [نهج البیان - (کشف البیان) ۳: ۲۲۱، به نقل البرهان ۴: ۲۵۴].

(۳). یعنی در آیه‌ی بعد که می‌فرماید: وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ و تا این که به فرعون و هامان و سپاهیان‌شان آن‌چه را بیم داشتند، نشان دهیم.)

البته ضمائر آیات - که همه مضارع است و بر آینده دلالت دارد - شایان دقت است. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۵۹

آل محمد علیهم السلام نازل شده بسیار است که در کتاب «البرهان» یاد گردیده است.

[۱۹۰] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، فی مسند فاطمة علیها السلام، قال: أخبرنا أبو المفضل، قال: حدّثنی علی بن الحسن «(۱) المنقری الکوفی، قال: حدّثنی أحمد بن زید الدّهان، عن مکحول «(۲) بن إبراهیم، عن رستم «(۳) بن عبد الله بن خالد المخزومی، عن سلیمان الأعمش، عن محمد بن خلف الطاهری «(۴)، عن زاذان، عن سلمان، قال:

قال لي رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلم: «إِنَّ الله تبارك و تعالی لم یبعث نبیا و لا رسولا إِلَّا جعل له اثني عشر نقيبا.» فقلت: يا رسول الله (صَلَّى الله عليه و اله و سلم) لقد عرفت هذا من أهل الكتابين، فقال «يا سلمان هل علمت من نقبائي و من الاثنا عشر الذين اختارهم الله للأمة من بعدی؟» فقلت: الله و رسوله أعلم. فقال:

«يا سلمان خلقتني الله من صفوة نوره و دعاني فأطعته و خلق من نوري عليا عليه السَّلام و دعاه فأطاعه و خلق (مَنِّي و) من نور علي فاطمة عليها السَّلام فدعاها «٥» فأطاعته، و خلق مَنِّي و من علي و فاطمة الحسن عليه السَّلام فدعاها «٦» فأطاعه و خلق مَنِّي و من علي و فاطمة الحسين عليه السَّلام فدعاها فأطاعه.

ثم سَمَّانا بخمسة أسماء من أسمائه، فالله المحمود و أنا محمَّد، و الله العليُّ فهذا «٧» علي، و الله الفاطر فهذه «٨» فاطمة، و الله الإحسان «٩» و هذا الحسن، و الله المحسن و هذا الحسين. ثم خلق مَنَّا و من نور الحسين تسعة أئمة فدعاهم

(١). [در متن: الحسين].

(٢). در متن: محول [محوّل؟].

(٣). در متن: رشم.

(٤). [در مأخذ: الطَّاطري].

(٥ و ٦). [در مأخذ: و دعاها].

(٧). [در مأخذ: و هذا].

(٨). [در مأخذ: و هذه].

(٩). در مأخذ: ذو الإحسان.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٣٦٠

سیمای حضرت مهدی در قرآن ٣٩٩

فأطاعوه قبل أن خلق الله «١» سماء مبيته و (لا) أرضا مدحيه و لا ملكا و لا بشرا (دوننا) [و كنا] نورا نسيح الله و نسمع له و نطيع.» قال سلمان: فقلت: يا رسول الله (صَلَّى الله عليه و اله و سلم) بأبي أنت و أمي! فما لمن عرف هؤلاء؟ فقال: «يا سلمان! من عرفهم حق معرفتهم و اقتدى بهم و والى وليهم و تبرأ من عدوهم فهو- و الله- منّا، يرد حيث نرد و يسكن حيث نسكن.»

فقلت: يا رسول الله (صَلَّى الله عليه و اله و سلم) فهل يمكن «٢» إيمان بهم بغير معرفة بأسمائهم و أنسابهم؟ فقال: «لا يا سلمان.»

فقلت: يا رسول الله فأني لي بهم و قد عرفت إلى الحسين عليه السَّلام؟ قال:

«ثم سيد العابدين علي بن الحسين عليه السَّلام، ثم ابنه محمد بن علي عليه السَّلام باقر علم الأولين و الآخرين من النبيين و المرسلين، ثم [ابنه جعفر بن محمد لسان الله الصادق عليه السَّلام، ثم [ابنه موسى بن جعفر (عليه السَّلام) الكاظم غيظه في (سبيل) الله عز و جل، ثم [ابنه علي بن موسى الرضا «٣» لأمر الله (عليه السَّلام)، ثم [ابنه محمد بن علي (عليه السَّلام) المختار من خلق الله، ثم [ابنه علي بن محمد الهادي إلى الله، ثم [ابنه الحسن بن علي (عليه السَّلام) الصَّامت الأمين لسر الله، ثم ابنه محمد بن الحسن الهادي المهدي الناطق القائم بحق الله (عليه السَّلام).»

ثم قال (صَلَّى الله عليه و اله و سلم): «يا سلمان إنك مدركه و من كان مثلك و من تولاه بحقيقته المعرفة.»

قال سلمان: فشكرت الله كثيرا ثم قلت: يا رسول الله و إنِّي مؤجل إلى عهده؟ قال:

(١). در مأخذ: يخلق.

(۲). [در مأخذ: و هل يكون.]

(۳). [در مأخذ: الرضى.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۱

«یا سلمان اقرأ: فإذا جاء وعيد أولاهما بعثنا عليكم عبداً لنا أولى بأسٍ شديدٍ فجاؤا خلال الديارِ وكان وعداً مفعولاً، ثم ردّنا لكم الكفرة عليهم و أميدناكم بأموالٍ و بينين و جعلناكم أكثر نفيراً» (۱) قال سلمان: فاشتد بكائي و شوقي، ثم قلت: يا رسول الله، أبعهد منك؟ فقال:

«إي و الله الذي أرسل محمداً بالحق مني و من علي و فاطمة و الحسن و الحسين و التسعة، و كل من هو منا [و معنا] و مضام فينا. إي و الله يا سلمان، ليحضرن إبليس و جنوده و كل من محض الإيمان محضاً و محض الكفر محضاً، حتى يؤخذ بالقصاص و الأوتار و لا يظلم ربك أحداً، و يحقق تأويل هذه الآية:

و تُريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثين، و نمكن لهم في الأرض و نرى فوعون و هامان و جؤودهما منهم ما كانوا يحذرون»

قال سلمان: فقلت من بين يدي رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم و ما يبالي سلمان متى لقي الموت أو الموت لقيه. (۲)

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب مسند فاطمه عليها السلام گوید: ابو المفضل به ما خبر داد، گفت: علی بن الحسین منقری کوفی حدیثام داد، وی گفت: احمد بن زید دهیان، از مکحول بن ابراهیم، از رستم بن عبد الله بن خالد مخزومی، از سلیمان اعمش، از محمد بن خلف طاهری، از زاذان، از سلمان حدیثام داد که گفت:

رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم به من فرمود: «خداوند- تبارک و تعالی- هیچ پیغمبر و رسولی را مبعوث نفرمود؛ مگر این که دوازده نقیب برایش قرار داد.» عرض کردم: یا رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم)، این را از اهل دو کتاب «۳» دانسته بودم.

(۱). اسراء (۱۷): ۶-۷.

(۲). دلائل الإمامة: [۴۴۷-۴۵۰، ح ۴۲۴].

(۳). تورات و انجیل (مترجم). [در نسخه‌ای دیگر، اهل الکنایس (- اهل کلیسا یا کنشت، ترسایان و یهودیان) آمده است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۲

فرمود: «ای سلمان، آیا دانسته‌ای که نقبای من کیان‌اند و آن دوازده تنی که خداوند آنان را برای امت پس از من برگزیده چه کسانی‌اند؟» عرضه داشتم: خدا و رسولش دانانند.

فرمود: «ای سلمان، خداوند مرا از برگزیده‌ی نورش آفرید و دعوت‌ام کرد. پس او را اطاعت کردم و از نور من علی علیه السلام را آفرید و دعوت‌اش فرمود. پس علی او را اطاعت کرد و (از من) و از نور علی، فاطمه علیها السلام را خلق و او را دعوت فرمود که از او اطاعت کرد و از من و از علی و فاطمه، حسن علیه السلام را آفرید. پس فراخواندش که دعوت خداوند را پذیرفت و از من و از علی و فاطمه، حسین علیه السلام را آفرید و او را فراخواند که دعوت او را اطاعت کرد.

سپس ما را به پنج اسم از نام‌های خود نامید: خداوند محمود است و من محمد و خداوند علی است و این هم علی بن ابی طالب و خداوند فاطر است و این فاطمه و خداوند احسان است و این حسن و خداوند محسن و این هم حسین است. آن‌گاه از ما و از نور حسین، نه امام آفرید و ایشان را دعوت فرمود که اطاعت‌اش کردند. پیش از آن که خداوند آسمانی بنا کرده و زمینی گسترانیده باشد و فرشته‌ای یا بشری را (غیر از ما) خلق کند، نوری بودیم و خدای را تسبیح می‌گفتیم و از او می‌شنیدیم و اطاعت می‌نمودیم.» سلمان گوید: عرضه داشتم: ای رسول خدا (صلى الله عليه و اله و سلم)، پدر و مادرم فدایتان باد! کسی که ایشان را بشناسد، چه

پاداشی خواهد داشت؟ فرمود:

«ای سلمان، هر کس آنان را به راستی بشناسد و ایشان را الگوی خود قرار دهد و دوستانشان را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزاری جوید، چنین کسی - به خدا سوگند - از ما خواهد بود. هر کجا وارد شویم، او نیز وارد خواهد شد و هر جا مسکن کنیم، او هم سکنی یابد.»

عرض کردم: ای رسول خدا، آیا می‌توان بدون شناختن نام‌ها و نسب‌هایشان به آنان ایمان داشت؟ فرمود: «نه، ای سلمان.» عرضه داشتیم: یا رسول الله، چگونه به شناخت ایشان دست یابم درحالی که تا حسین علیه السلام را شناخته‌ام؟ فرمود:

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۳

«پس از او، سید العابدین علی بن الحسین (علیه السلام) است؛ سپس پسرش محمد بن علی (علیه السلام)، شکافنده‌ی علم اولین و آخرین از پیغمبران و رسولان؛ سپس [پسرش جعفر بن محمد (علیه السلام)]، زبان راست گوی خداوند؛ سپس [پسرش موسی بن جعفر (علیه السلام)]، آن فرونشاندن‌دهی خشم خود در راه خداوند - عزّ و جلّ -؛ سپس [پسرش علی بن موسی، آن راضی به امر خدا (علیه السلام)]؛ سپس [پسرش محمد بن علی (علیه السلام)]، آن برگزیده‌ی خلق خداوند؛ سپس [پسرش علی بن محمد، آن هدایت کننده به سوی خداوند؛ سپس حسن بن علی (علیه السلام)]، آن صامت امین سرّ خداوند؛ سپس پسرش محمد بن الحسن هادی مهدی (علیه السلام)، آن بیانگر و به‌پادارنده‌ی حقّ خدا.»

آن‌گاه (رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: «ای سلمان، تو او را درک خواهی کرد و هر کس مانند تو باشد و نیز هر که با معرفت راستین از او پیروی کند، او را درک خواهد کرد.»

سلمان گوید: پس خدای را (بسیار) شکر کردم. سپس گفتم: یا رسول الله، آیا من تا عهد و زمان او خواهم بود؟ فرمود:

«ای سلمان، بخوان: (پس چون هنگام (انتقام) اول فرا رسد، بندگان سخت جنگجوی خویش را بر شما برانگیزیم تا درون خانه‌هایتان را نیز جست‌وجو کنند و این وعده حتماً تحقق خواهد یافت. سپس بار دیگر شما را بر آنها مسلط گردانیم و به وسیله‌ی مال و فرزند مدد رسانیم و تعدادتان را افزایش دهیم).» سلمان گوید: در این هنگام، گریه و اشتیاقم شدت یافت. آن‌گاه عرض کردم: یا رسول الله، آیا این جریان در زمان شما خواهد بود؟ فرمود:

«آری، سوگند به خداوندی که مرا به حق فرستاد، در روزگار من و علی و فاطمه و حسن و حسین و آن نه (معصوم دیگر) و هر کسی که از ماست [و با ما] و در راه ما ستم دیده است.

آری، به خدا قسم - ای سلمان - ابلیس و لشکریانش گردآورده می‌شوند و تمامی آنان که ایمانشان ناب بوده و نیز همه‌ی کافران خالص آورده شوند تا از یک‌دیگر قصاص کشند و خون‌خواهی کنند و خداوندگار تو بر احدی ظلم نمی‌کند و تأویل این سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۴

آیه تحقق می‌یابد که: (و می‌خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و ایشان را در زمین مکنّت و توان بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را می‌ترسیدند نشان دهیم).» سلمان گوید: پس، از محضر رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم برخاستم؛ درحالی که اهمّیت نمی‌دهم کی به آغوش مرگ روم یا مرگ مرا در کام خود برکشد. «(۱)»

(۱). شیخ طوسی نیز به سند خود از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در مورد فرموده‌ی خدای - تعالی - : وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ فرمود:

«ایشان آل محمدند. خداوند مهدی ایشان را پس از تلاش (و رنج) شان برانگیزد. پس آنان را عزت دهد و دشمنشان را خوار گرداند.» الغیبه: ۱۱۳ [ح ۱۴۳] (مترجم)  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۵

## ۶۵ [سوره‌ی روم [آیه‌ی ۶-۲]

الم \* غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ \* فِي بَضْعِ سِنِينَ. لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ  
بِنَصْرِ اللَّهِ ... «۱»

(ال م) \* رومیان مغلوب شدند؛ در نزدیکی سرزمین (شما) و آن‌ها پس از مغلوب شدن فعلی، به زودی غالب خواهند شد\* (این پیروزی) در سالی چند خواهد بود. همه‌ی امور جهان، چه قبل و چه بعد از این، همه به دست خداست و آن روز مؤمنان به نصرت و یاری خداوند (نسبت به ایشان) شاد و خرسند شوند.

[۱۹۱] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا الحسن بن محمّد بن جمهور القمّي، عن أبيه، عن جعفر بن بشير الوشاء، عن ابن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سألته عن تفسير: الم \* غَلَبَتِ الرُّومُ قال: «هم بنو أمية و إنما أنزلها الله عزّ و جلّ: الم \* غَلَبَتِ الرُّومُ بنو أمية- فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ \* فِي بَضْعِ سِنِينَ. لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ عند قيام القائم عليه السلام.» «۲»

(۱). روم (۳۰): ۲-۶. ظاهر این آیات برای بیان مغلوب شدن روم در مقابل ایرانیان است در جنگی که در حوالی جزیره العرب و شام واقع شد و پس از چند سالی، باز رومیان بر پارسیان غالب گردیدند و بیان این امور، پیش از وقوع یکی از معجزات قرآن بود. حدیث فوق بیان مصداقی دیگر و تفسیری «بطنی» از قرآن است. (مترجم)

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۱: ۴۳۴، ح ۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۶

محمّد بن العباس گوید: حسن بن محمّد بن جمهور قمی حدیث‌مان داد، از پدرش، از جعفر بن بشیر و شاء، از ابن مسکان، از ابو بصیر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام، ابو بصیر گوید:

از آن حضرت راجع به تفسیر (ال م) \* رومیان مغلوب شدند) پرسیدم. فرمود:

«آنان بنی امیه‌اند و خدای- عزّ و جلّ- این آیه را چنین نازل فرمود: (ال م) \* رومیان مغلوب شدند؛ در نزدیکی سرزمین (شما) و آن‌ها پس از شکست فعلی، به زودی پیروز خواهند شد\* (این پیروزی) در سالی چند خواهد بود. همه‌ی امور جهان، چه پیش و چه بعد از این، همه به دست خداست و آن روز مؤمنان به نصرت و یاری خداوند (نسبت به ایشان) خرسند شوند) (یعنی) هنگام قیام قائم علیه السلام.»

[۱۹۲] أبو جعفر محمّد بن جریر الطبری، فی مسند فاطمه، قال: حدّثنی أبو المفضل محمّد بن عبد الله، قال: حدّثنا محمّد بن همام،

قال: حدّثنا جعفر بن محمّد ابن مالک، قال: حدّثنا إسحاق بن محمّد بن سمیع، عن محمّد بن الولید، عن یونس بن یعقوب، عن أبي

عبد الله الصادق عليه السلام فی قول الله عزّ و جلّ: وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ قال: «فی قبورهم بقیام القائم علیه السلام.» «۱»

ابو جعفر محمّد بن جریر طبری در کتاب مسند فاطمه گوید: ابو المفضل محمّد بن عبد الله حدیث‌مان داد، گفت: محمّد بن همام

حدیث‌مان گفت، که جعفر بن محمّد بن مالک حدیث‌مان داد، گفت: اسحاق بن محمّد بن سمیع، از محمّد بن الولید، از یونس بن

یعقوب، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام درباره‌ی قول خدای- عزّ و جلّ-: (در آن روز مؤمنان به نصرت و یاری خداوند



خرسند خواهند شد) فرمود: «در آرامگاه‌شان، به قیام قائم علیه السّلام (شاد می‌شوند).»

(۱). دلائل الإمامة: ۴۶۴-۴۶۵ [ح ۴۴۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۷

## ۶۶ [سوره‌ی سجده آیه‌ی ۲۲]

وَلَنذِيقَنَّهٗم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١﴾

(و به درستی که ما از عذاب نزدیک‌تر (کوچک‌تر) غیر از عذاب بزرگ‌تر، آنان را بپشانیم تا مگر (به سوی خدا) باز گردند.)

[۱۹۳] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا علی بن حاتم، عن حسن بن محمّد بن «۲» عبد الواحد، عن حفص بن «۳» عمر بن سالم، عن محمّد بن حسین بن «۴» عجلان، عن مفضل بن عمر، قال: سألت أبا عبد الله عليه السّلام عن قول الله عزّ وجلّ: وَلَنذِيقَنَّهٗم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ قال:

«الأذنى عذاب السفر. و الأکبر المهدى بالسيف.» «۵»

محمّد بن العباس گوید: علی بن حاتم از حسن بن محمّد، از عبد الواحد بن حفص، از عمر بن سالم، از محمّد بن حسین بن عجلان، از مفضل بن عمر حدیث‌مان داد که گفت:

(۱). سجده (۳۲): ۲۲.

(۲). در متن: عن.

(۳). در متن: بن حفص.

(۴). [چنان‌که محققان تأویل آیات، در پاورقی احتمال داده‌اند، ممکن است در این جا محمّد بن حسین بن عجلان درست باشد؛ چه محمّد بن حسین بن عجلان نامی در کتب رجال شناخته نشده است.]

(۵). تأویل آیات الظّاهرة ۲: ۴۴۴، ح ۶ و در آن چنین آمده است: «الأذنى: غلاء السّعر» یعنی:

عذاب ادنی، گرانی نرخ‌هاست. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۸

از حضرت امام ابو عبد الله صادق علیه السّلام راجع به فرموده‌ی خداوند- عزّ وجلّ-: (و به درستی که ما از عذاب کوچک‌تر (نزدیک‌تر) غیر از عذاب بزرگ‌تر، آنان را بپشانیم) پرسیدم. آن حضرت فرمود:

«عذاب ادنی: عذاب سفر است و عذاب اکبر (قیام) مهدی علیه السّلام است با شمشیر.»

[۱۹۴] محمّد بن الحسن الشیبانی، فی کشف البیان، قال: روى عن جعفر الصادق عليه السّلام فى معنى الآية:

«أنّ الأذنى القحط و الجذب و الأكبر خروج القائم المهدى عليه السّلام بالسيف فى آخر الزّمان.» «۱»

محمّد بن حسن شیبانی در کتاب کشف البیان گوید: از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام در معنی این آیه، روایت است که:

«عذاب ادنی، قحطی و خشک‌سالی است و عذاب اکبر خروج مهدی قائم علیه السّلام با شمشیر در آخر الزّمان.»

(۱). [نهج البیان (- کشف البیان) ۳: ۲۳۲؛ به نقل البرهان ۴: ۴۰۱ (ذیل آیه).]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۶۹



قُلْ: يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١﴾

( ای رسول ما) بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که (پیش‌تر) کفر ورزیده‌اند سودی به حالشان نخواهد داشت و مهلت داده نخواهند شد.

[۱۹۵] محمّد بن یعقوب، قال: حدّثنا الحسين بن عامر، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمّد بن سنان، عن ابن درّاج، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في قول الله عزّ وجلّ: قُلْ: يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ قال: «يوم الفتح يوم تفتح الدنيا على القائم لا ينفع أحدا تقرب بالإيمان ما لم يكن قبل ذلك مؤمنا و بعد هذا «۲» الفتح موقنا، فذلك الذي ينفعه إيمانه و يعظّم الله عنده قدره و شأنه «۳» و يزخرف له يوم (القيامة و) البعث جناحه «۴» و تحجب عنه نيرانه، و هذا أجر الموالين لأمر المؤمنين و لذريّته «۵» الطيبين عليهم السلام.» «۶»

(۱). سجده (۳۲): ۳۰.

(۲). [در مأخذ: بهذا].

(۳). [در مأخذ: يعظّم عند الله قدره و شأنه].

(۴). [در مأخذ: تزخرّف ... جناحه].

(۵). [در مأخذ: ذريّته].

(۶). این حدیث در کتب شیخ کلینی- قدّس سرّه- یافت نشد و در تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۴۴۵ با همین سند و متن به نقل از محمّد بن العباس آمده است. [با توجه به این که مؤلف این روایت را در سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۰

محمّد بن یعقوب گوید: حسین بن عامر، از محمّد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمّد بن سنان، از ابن درّاج حدیث‌مان داد که گفت:

شیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خدای- عزّ و جلّ-: ( ای رسول ما) بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که (پیش‌تر) کفر ورزیده‌اند سودی به حالشان نخواهد داشت و مهلت داده نخواهند شد) فرمود:

«روز پیروزی روزی است که دنیا بر روی حضرت قائم علیه السلام گشوده می‌شود. ایمان کسی که پیش از آن هنگام مؤمن نبوده و بعد از این فتح، به یقین نرسیده باشد، نفعی به حالش نخواهد داشت؛ ولی برای هر که پیش از آن ایمان داشته و منتظر ظهورش بوده است سودمند خواهد بود و خداوند مقام و شأنش را نزد امام قائم علیه السلام بزرگ خواهد ساخت و روز (قیامت و) رستاخیز، بهشتش را برای او زینت خواهد کرد و آتشش را از وی محجوب خواهد فرمود و این است پاداش دوستان و اهل ولایت امیر المؤمنین و ذریّه‌ی پاک آن حضرت علیهم السلام.»

البرهان از محمّد بن العباس (بن علی بن مروان معروف به ابن الجحام) نویسنده‌ی مهم‌ترین منبع تأویل الآيات یعنی تأویل ما نزل من القرآن فی أهل البيت عليهم السلام آورده است، به نظر می‌رسد خود در این نقل، اشتباه لفظی مرتکب شده و به جای العباس، یعقوب گفته باشد.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۱

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ. سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١﴾

(و ما میان ایشان و قریه‌هایی که آن‌ها را برکت داده‌ایم، قریه‌های آشکاری قرار دادیم؛ با فاصله‌های کوتاه و نزدیک به هم (و گفتیم:) در میان آن‌ها، شب‌ها و روزها با ایمنی مسافرت کنید).

[۱۹۶] ابن بابویه، باسناده عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث في معنى الآية قال:

«يا أبا بكير «٢» سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ فقال:- مع قائمنا أهل البيت عليهم السلام.» «٣»

ابن بابویه به سند خود از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی در معنی آیه آورده است که فرمود: «ای ابو بکیر (در میان آن‌ها در شب‌ها و روزها با ایمنی مسافرت کنید).» آن‌گاه امام علیه السلام فرمود: «با قائم ما اهل البيت عليهم السلام.»

[۱۹۷] الشَّيْخ الطُّوسِي، في الغيبة، قال: روى محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن محمد بن صالح الهمداني، قال: كتبت إلى صاحب الزمان عليه السلام: إن أهل بيتي يؤذونني «٤» و يقزعوني بالحديث الذي روى عن

(۱). سبأ (۳۴): ۱۹.

(۲). [در مأخذ: أبا بكر].

(۳). [علل الشرايع ۱: ۹۱، باب ۸۱ ح ۵].

(۴). در مأخذ: يؤذونني.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۲

آبائک علیهم السلام أنهم قالوا: «خدّامنا و قوّامنا شرار خلق الله.» فکتب:

«و يحکم! ما تقرؤون ما قال الله تعالى: وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً؟! فنحن - و الله - القرى التي بارک (الله) فيها و أنتم القرى الظاهرة.» «١»

شیخ طوسی در کتاب غیبت گوید: محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از محمد بن صالح همدانی «٢» روایت کرد که گفت: به حضرت صاحب الزمان علیه السلام نوشتم که: خاندانم مرا - به آن حدیثی که از پدران شما علیهم السلام روایت شده که ایشان فرموده‌اند:

«خدمت گزاران و کار گزاران ما بدترین خلق خدایند» - می آزارند و سرزنش می کنند.

حضرتش علیه السلام در جواب نوشت:

«وای بر شما! مگر نمی‌خوانید آنچه را خدای - عزّ و جلّ - فرموده است: (و ما میان ایشان و قریه‌هایی که آن‌ها را برکت داده‌ایم، قریه‌های آشکاری قرار دادیم)؟! ماییم - به خدا سوگند - آن قریه‌هایی که خداوند در آن‌ها برکت نهاده و شما قریه‌های آشکار.»

[۱۹۸] و رواه ابن بابویه فی غیبتہ، قال: حدّثنا أبی و محمد بن الحسن، قال:

حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن محمد بن صالح الهمداني، عن صاحب الزمان عليه السلام ... الحديث إلى آخره. «٣»

نیز ابن بابویه در غیبت خود آن را روایت کرده است: پدرم و محمد بن الحسن

(۱). کتاب الغيبة: ۲۰۹ [ح ۲۹۵].

(۲). [همدانی (و ایرانی تبار) بودن محمد بن صالح بن محمد یا همدانی (و عرب یمنی) بودن وی در بیش‌تر کتب (حدیث و رجال)

روشن نشده است؛ امّا به قرائنی (از جمله روایت ابو العباس حمیری از او) وجه اوّل درست‌تر می‌نماید. نیز رک. مجمع الرجال

قهپایی (- کوه پایه‌ای) ۷: ۱۹۲ (الفائده الثالثه من الخاتمه).]

(۳). کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۴۸۳، با اختلاف جزئی.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۳

حدیث‌مان دادند، گفتند: عبد الله بن جعفر حمیری حدیث‌مان داد، از محمد بن صالح همدانی، از صاحب الزمان علیه السلام ... و حدیث را تا آخرش آورده است.

این تفسیر برای این آیه به این معنی از امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام نیز روایت گردیده و همه در کتاب البرهان یاد شده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۴

## ۶۹ [سوره ی سبأ] [آیه ۵۵-۵۲]

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ \* وَقَالُوا: آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاقُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ؟ \* وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَفْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ \* وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ، إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ «۱»

(و اگر آنان را ببینی که هراسان‌اند، پس دیگر، هیچ (از عذاب آن‌ها) فروگذار نگردهد و از جای نزدیکی گرفته شوند\* و گویند: به آن ایمان آوردیم و با این همه دوری، کی به آن (مقام) توانند رسید؟\* و حال آن‌که از پیش به آن کفر ورزیده‌اند و از جایی دور به (رسول ما و حقایق) غیب تیر (های تهمت) پرتاب می‌کردند\* و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد؛ چنان‌که نسبت به هم کیشان آن‌ها- که همانند اینان در شک و گمان بودند- پیش‌تر چنین شد.)

[۱۹۹] محمّد بن ابراهیم النعمانی فی الغیبه، عن علی بن أحمد: عن عبید الله «۲» ابن موسی [العلوی (بن العباس)، عن عبد الله بن محمّد، قال: حدّثنا محمّد بن خالد، عن الحسن بن المبارک، عن أبی إسحاق الهمدانی، عن الحارث [الهمدانی، عن (علی) امیر المؤمنین علیه السلام [أنه قال:

(۱). سبأ (۳۴): ۵۲-۵۵.

(۲). در متن: عبد الله.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۵

«المهدی أقبل جعد، بخده خال، یكون مبدأه من قبل المشرق، فإذا «۱» كان ذلك خرج السفیانی فیملك قدر حمل امرأة تسعة أشهر، یخرج بالشام فینقاد «۲» له [أهل الشام إلّا طوائف [من ال] مقيمين على الحقّ یعصمهم الله عن «۳» الخروج معه، و یأتی المدینه بجیش جرّار حتّی إذا انتهى إلى بیداء المدینه خسف [الله به، و ذلك قول الله عزّ و جلّ فی كتابه: وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ]. «۴»

محمّد بن ابراهیم نعمانی در کتاب غیبت از علی بن احمد، از عبد الله بن موسی (بن العباس) [علوی از عبد الله بن محمّد که گفت: حدیث‌مان داد محمّد بن خالد، از حسن بن مبارک، از ابو اسحاق همدانی، از حارث [همدانی از حضرت (علی) امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود:

«حضرت مهدی دارای چشمانی خمار و موهایی پیچیده است و در گونه‌اش خالی هست. آغاز کارش از سوی خاور خواهد بود. پس چون چنین شود، سفیانی خروج می‌کند که به مقدار بارداری یک زن، نه ماه، حکومت خواهد یافت. او در شام خروج می‌کند. اهل شام به فرمان او سر خواهند نهاد؛ جز گروه‌هایی که بر حق پایدار مانده‌اند. خداوند ایشان را از خروج با وی محفوظ می‌دارد. او

با لشکر جزاری به مدینه می‌آید تا هنگامی که به بیداء مدینه رسد [خداوند او را] به زمین فرو خواهد برد [و این است فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - در کتابش (و اگر آنان را ببینی که هراسان‌اند، پس دیگر، هیچ (از عذاب آن‌ها) فروگذار نگرده و از جای نزدیکی گرفته شوند).»

[۲۰۰] علی بن ابراهیم قال: حدّثنی اَبی، عن ابن اَبی عمیر، عن منصور بن یونس، عن اَبی خالد الکابلی، قال: قال اَبو جعفر علیه السّلام:

(۱). در مأخذ: و إذا.

(۲). در متن: فبقاد.

(۳). در مأخذ: من.

(۴). کتاب الغیبة: ۳۰۴-۳۰۵ [باب ۱۸، ح ۱۴].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۶

«و الله لکأنی أنظر إلى القائم علیه السّلام و قد أسند ظهره إلى الحجر ثم ینشد الله حقّه، ثم یقول: یا أيّها النّاس، من یحاجنی فی الله فأنا أولى بالله، أيّها النّاس، من یحاجنی فی آدم (علیه السّلام) فأنا أولى بآدم، أيّها النّاس، من یحاجنی فی نوح فأنا أولى بنوح (علیه السّلام)، أيّها النّاس، من یحاجنی فی ابراهیم فأنا أولى بإبراهیم (علیه السّلام)، أيّها النّاس، من یحاجنی فی موسی فأنا أولى بموسی (علیه السّلام)، أيّها النّاس، من یحاجنی فی عیسی فأنا أولى بعیسی (علیه السّلام)، أيّها النّاس، من یحاجنی فی رسول الله «۱» فأنا أولى برسول الله «۲» صلّی الله علیه و اله و سلم، أيّها النّاس، من یحاجنی فی کتاب الله فأنا أولى بکتاب الله، ثم ینتهی إلى المقام فیصلّی رکعتین و ینشد الله حقّه.»

ثم قال أبو جعفر علیه السّلام: «هو - و الله - [المضطرّ فی کتاب الله فی قوله: أَمَّنْ یُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ یَكْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؟ فیکون أول من یبایعه جبرائیل «۳» ثمّ الثلاث مائة و الثلاثة عشر رجلا، فمن كان ابتلی بالمسیر وافی «۴» و من لم یتل بالمسیر فقد عن فراشه، و هو قول أمير المؤمنین علیه السّلام "هم المفقودون عن فرشهم" و ذلك قول الله: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا - قال: - الخیرات: الولاية.»

و قال فی موضع آخر: وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ وَ هُمْ [و الله أصحاب القائم علیه السّلام یجتمعون] و الله إلیه فی ساعة واحدة.

فإذا جاء إلى البیداء یرج إلیه جيش السّیفانی فیأمر الله الأرض فتأخذ أقدامهم، و هو قوله: وَ لَوْ تَرَى إِذِ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، وَ قَالُوا: آمَنَّا بِهِ یعنی بالقائم من آل محمّد علیهم السّلام، وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَافُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ؟ إلی

(۱). در مأخذ: فی محمّد.

(۲). در مأخذ: من محمّد.

(۳). [در مأخذ: جبرئیل].

(۴). در مأخذ: و افاه.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۷

قوله: وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ [یعنی أن لا یعدّوا کما فعل بأشیاعهم] من قَبْلِ یعنی من كان قبلهم من المکذّبین هلکوا. «۱» علی بن ابراهیم گوید: پدرم حدیث‌ام داد، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از ابو خالد کابلی که گفت: حضرت ابو جعفر امام

باقر علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند، گویی قائم علیه السلام را می‌نگرم که به حجر تکیه کرده سپس حق خویش از خداوند می‌خواهد. آن‌گاه می‌گوید: ای مردم! هرکس درباره‌ی خداوند با من محاجّه نماید، (بداند که) من به خداوند سزاوارترم. ای مردم! هرکس درباره‌ی آدم با من محاجّه کند، من نزدیک‌ترین کسان به آدم‌ام. ای مردم! هرکس در مورد نوح با من محاجّه نماید، من نزدیک‌ترین کسان به نوح‌ام. ای مردم! هرکس درباره‌ی ابراهیم با من گفت‌وگو دارد، پس من از همه به ابراهیم نزدیک‌ترم. ای مردم! هرکس درباره‌ی موسی با من محاجّه نماید، پس من ام نزدیک‌ترین کسان به موسی. ای مردم! هرکس درباره‌ی عیسی با من محاجّه کند، پس من ام نزدیک‌ترین افراد به عیسی. ای مردم! هرکس درباره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم با من محاجّه کند، پس من ام نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم. ای مردم! هرکس درباره‌ی کتاب خدا با من محاجّه نماید، پس من ام نزدیک‌ترین کسان به کتاب خداوند. سپس به مقام (ابراهیم) می‌رود و دو رکعت نماز می‌گزارد و حقش را از خداوند طلب می‌کند.»

آن‌گاه حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود: «اوست - به خدا سوگند - [آن مضطری که در کتاب خدا یاد شده است در فرموده‌ی او: (یا چه کسی دعای درمانده را به اجابت می‌رساند و اندوه را یک‌سو می‌زند و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد؟) پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ مرد (بیعت کنند) و هر کدام از ایشان پیش از آن هنگام بیرون از خانه بوده به مقصد (به آن حضرت) خواهد پیوست و هر کدام در سفر نبوده از بستر خوابش مفقود خواهد شد و همین است معنی فرموده‌ی امیر المؤمنین علیه السلام: "آن‌اند مفقودشدگان از خوابگاه‌هایشان" و آن قول

(۱). تفسیر قمی ۲: ۲۰۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۸

خداوند است: (پس به کارهای نیک سبقت بگیرید. هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد)

[امام] فرمود: خیرات ولایت است.

(خداوند) در جای دیگر فرموده است: (و اگر عذاب را تا هنگام معینی (افراد معدودی) به تعویق اندازیم ...)

ایشان [به خدا قسم اصحاب قائم علیه السلام اند؛ [به خدا سوگند] در یک ساعت نزد او جمع می‌شوند.

پس چون به بیدار بیاید، لشکر سفیانی به سوی خروج کند. خداوند امر می‌فرماید تا زمین پاهایشان را فروگیرد و این است (معنی) فرموده‌ی خداوند: (و اگر (ای رسول ما) ببینی کافران را هنگامی که هراسان‌اند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و گویند: به او ایمان آوردیم)؛ یعنی به قائم از آل محمد علیهم السلام، (و با این همه دوری، کی توانند به آن مقام نایل شوند؟ ...) تا آن‌جا که فرموده: (و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد) [یعنی: این که [آرزو داشتند] عذاب نشوند (هم‌چنان که نسبت به هم‌کیشان آن‌ها پیش‌تر چنین شد) یعنی تکذیب‌کنندگانی که پیش از ایشان بودند و هلاک گشتند.]

[۲۰۱] ثم قال علی بن ابراهیم: فی روایة ابي الجارود، عن ابي جعفر عليه السلام فی قوله: وَ لَوْ تَرَىٰ اِذْ فَرَعُوا [قال: «من الصّوت، و ذلك الصّوت من السماء»

(و فی قوله): «وَ اُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ قال: «من تحت اقدمهم خسف بهم.» (۱)

سپس علی بن ابراهیم گوید: در روایت ابو الجارود از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: (و اگر (کافران را) ببینی که هراسان‌اند) [فرمود]:

«از صدا (می ترسند) و آن صدا از سوی آسمان است.» (و درباره‌ی فرموده‌ی

(۱). تفسیر قمی ۲: ۲۰۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۷۹

حق): (و از جای نزدیکی گرفته شوند) فرمود: «از زیر پاهایشان به زمین فرو برده می شوند.»

[۲۰۲] ثم قال: أخبرنا الحسين بن محمد، عن المعلی بن محمد [عن محمد] ابن جمهور، عن ابن محبوب، عن أبي حمزة، قال: سألت

أبا جعفر عليه السلام عن قوله: وَأَنِّي لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ قَالَ:

«إِنَّهُمْ طَلَبُوا الْهَدْيَ مِنْ حَيْثُ لَا يَنَالُ وَقَدْ كَانَ لَهُمْ مَبْذُولًا مِنْ حَيْثُ يَنَالُ» (۱) «(۲)»

سپس گوید: حسین بن محمد خبرمان داد، از معلی بن محمد [از محمد] بن جمهور، از ابن محبوب، از ابو حمزه که گفت:

از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام راجع به قول خداوند: (با این همه دوری کی توانند به آن مقام نایل شوند؟) پرسیدم. آن

حضرت در جواب فرمودند:

«اینان هدایت را از راهی که به دست نمی آید جست و جو کردند و حال آن که از راه در دسترس برایشان فراهم می شد.»

[۲۰۳] العیاشی، یاسناده: عن عبد الأعلى الحلبي، قال: قال أبو جعفر عليه السلام:

«يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غِيْبَةٌ...» و ذکر حدیثا طویلا یتضمّن غیبیه صاحب الامر علیه السلام و ظهوره، الی أن قال علیه السلام:

«يَدْعُو النَّاسَ (یعنی القائم علیه السلام) الی کتاب الله و سنّته نبیه علیه و آله السّلام و الولاية لعلي بن أبي طالب عليه السلام و البرائة

من عدوّه، و لا یسمی أحدا حتّی ینتهی الی البیداء فیخرج الیه جيش السّیفانی فیأمر الله الأرض فیأخذهم من تحت أقدامهم، و هو

قول الله (عزّ و جلّ): «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ

(۱). [در متن: یناله.]

(۲). تفسیر قمی ۲: ۲۰۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۰

قَرِيبٍ، وَقَالُوا: آمَنَّا بِهِ يَعْنِي بَقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ يَعْنِي بَقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ...

إلى آخر السّورة. فلا «(۱)» بقیی منهم إلّا رجلا ن یقال لهما: وتر و وتیر من مراد، و جوههما فی أفقیتهما یمشیان القهقری، (ف) یخبران

النّاس بما فعل بأصحابهما.» (۲)

عیاشی به سند خود از عبد الاعلی حلبي آورده است که گوید: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمود: «البته صاحب این امر را غیبی

خواهد بود ...» و سخنی طولانی بیان داشت که متضمّن غیبت و ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام است تا آن جا که فرمود:

«پس، مردم را به کتاب خدا و سنّت پیغمبرش علیه و آله السّلام و ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنش دعوت می کند

(یعنی حضرت قائم علیه السلام)؛ ولی کسی (از دشمنان) را نام نمی برد تا آن گاه که به بیداء رسد. سپاهیان سفیانی به سویش خروج

کنند. پس خداوند به زمین امر خواهد کرد که از زیر پاهایشان آن ها را فرو گیرد و همین است (تعبیر) قول خدای - عزّ و جلّ -: (و

اگر (ای رسول ما) بینی کافران را هنگامی که هراسان اند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند

و گویند: به او ایمان آوردیم) یعنی (گویند): به قائم آل محمد علیه السلام (ایمان آوردیم) (و حال آن که از پیش کفر ورزیده اند)

یعنی به قائم آل محمد علیهم السلام ... تا آخر سوره.

پس کسی از آنان باقی نمی ماند مگر دو مرد به نام وتر و وتیر از قبیله‌ی مراد که صورت هایشان در پشت گردن هایشان خواهد بود و

به پشت راه می‌روند و آنچه را بر سر یارانشان آید به مردم خبر می‌دهند.»  
این حدیث طولانی است که در ذیل فرموده‌ی خداوند: وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ از سوره‌ی انفال گذشت.  
(۳)

(۱). [در مأخذ: ولا].

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۵۶-۵۷ [انفال، ح ۴۹].

(۳). حدیث فوق [به شماره‌ی ۵۴] در ذیل آیه‌ی بیست و یکم همین کتاب گذشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۱

[۲۰۴] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن علی بن الصّباح المدائنی، عن الحسن بن محمّد بن شعیب، عن موسی بن عمر بن یزید، عن ابن ابي عمیر، عن منصور بن یونس، عن إسماعیل بن جابر، عن ابي خالد الکابلی، عن ابي جعفر علیه السّلام قال: «یخرج القائم علیه السّلام فیسیر حتّی یمرّ بمَرَّ (۱) فیبلغه أنّ عامله [قد] قتل، فیرجع إلیهم فیقتل المقاتله و لا یزید علی ذلك شیئا. ثم ینطلق فیدعو النّاس حتّی ینتهی إلی البیداء، فیخرج جيش السّیفیانی (۲) فیأمر الله عزّ و جلّ: الأرض أن تأخذ بأقدامهم، و هو قوله عزّ و جلّ: وَ لَوْ تَرَى إِذِ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ\* وَ قَالُوا: آمَنَّا بِهِ یعنی بقیام القائم علیه السّلام وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ یعنی بقیام القائم علیه السّلام (۳) من آل محمّد علیهم السّلام وَ یَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ\* وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ. إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ\* (۴)»

محمّد بن العباس گوید: محمّد بن الحسن بن علی بن صباح مدائنی حدیث‌مان داد، از حسن بن محمّد بن شعیب، از موسی بن عمر بن یزید، از ابن ابي عمیر، از منصور بن یونس، از اسماعیل بن جابر، از ابو خالد کابلی، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السّلام که فرمود:

«حضرت قائم علیه السّلام خروج می‌کند و به سیر خود ادامه می‌دهد تا این که از مَرّ می‌گذرد. به او خبر می‌رسد که کارگزارش کشته شده است. پس به سوی آنان بازمی‌گردد. جنگ‌جویان را می‌کشد و چیزی بر آن نمی‌افزاید.

(۱). [بمَرّ نیز خوانده می‌شود. مَرّ (مَرّ ظهران) ناحیه‌ای در نزدیکی مکه است و مَرّ نیز وادی‌ای در اضم در راه مکه به یمامه. رک.

معجم البلدان ۱: ۱۰۴ و ۱۰۶ و ۵: ۲۱۴].

(۲). در مأخذ: جيشان للسّیفیانی.

(۳). [در مأخذ: قائم].

(۴). تأویل الآيات الظّاهرة ۲: ۴۷۸ [ح ۱۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۲

سپس در مسیر خود، مردم را (به حق) دعوت می‌کند تا این که به بیداء می‌رسد.

پس لشکر سفیانی به مقابله با آن حضرت بیرون می‌آیند. خدای- عزّ و جلّ- به زمین امر فرماید که آن‌ها را از پای‌ها فرو گیرد و همین است قول خدای- عزّ و جلّ-: (و اگر آنان را ببینی که هراسان‌اند، پس دیگر هیچ از عذاب آن‌ها فوت و زایل نشود و از جای نزدیکی گرفته شوند\* و گویند: به آن ایمان آوردیم) یعنی به قیام حضرت قائم علیه السّلام (و حال آن که از پیش به آن کفر ورزیده‌اند) یعنی به قیام قائم از آل محمّد علیه السّلام، (و از دوردست به (رسول ما و حقایق) غیب، تیر (های تهمت) پرتاب می‌کردند\* و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد؛ چنان که نسبت به هم کیشان آن‌ها- که همانند اینان در شکّ و گمان



بودند - پیش تر چنین شد.)»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۳

## ۷۰ [سوره صافات آیه ۸۴]

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿١﴾

(و به راستی که از جمله‌ی شیعیان او، ابراهیم است.)

[۲۰۵] الشَّيْخُ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ «٢» [رحمه الله: عن محمّد بن وهبان، عن أبي جعفر محمد بن عليّ بن رحيم، عن العباس بن محمد، قال: حدّثني أبي، عن الحسن بن [عليّ بن أبي حمزة] قال: حدّثني أبي، عن أبي بصير يحيى بن أبي القاسم، قال: سألت جابر بن يزيد الجعفيّ جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن تفسير هذه الآية: وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ فقال عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ لَمَّا خَلَقَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَشَفَ لَهُ عَنْ بَصَرِهِ، فَنَظَرَ فَرَأَى نُورًا إِلَى جَنْبِ الْعَرْشِ، فَقَالَ: إِلَهِي مَا هَذَا النَّورُ؟ فَقِيلَ لَهُ: هَذَا نُورُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، وَرَأَى نُورًا إِلَى جَنْبِهِ، فَقَالَ: إِلَهِي وَ مَا هَذَا النَّورُ؟ فَقِيلَ لَهُ: هَذَا نُورُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نَاصِرِ دِينِي، وَرَأَى إِلَى جَنْبِهِمَا «٣» ثَلَاثَةَ أَنْوَارٍ، فَقَالَ: إِلَهِي (و) مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقِيلَ لَهُ: هَذِهِ فَاطِمَةُ «٤» (عَلَيْهَا السَّلَامُ) - فَطَمَتْ مَحَبَّيْهَا مِنَ النَّارِ - وَنُورٌ وَلَدِيهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ).

[و رأی تسعة أنوار قد حفّوا بهم، فقال: إلهي و ما هذه الأنوار التسعة «٥»؟]

(۱). صافات (۳۷): ۸۴.

(۲). [در متن: الحسن].

(۳). [در مأخذ: جنبهم].

(۴). در مأخذ: هذا نور فاطمة.

(۵). [در متن: إلهي و أرى تسعة أنوار قد حفّوا بهم].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۴

قيل: يا إبراهيم هؤلاء الأئمة من ولد عليّ و فاطمة، فقال إبراهيم: إلهي بحق هؤلاء الخمسة إلّا (ما) عرفنتي من التسعة.

فقال «١»: يا إبراهيم أولهم عليّ بن الحسين و ابنه محمّد و ابنه جعفر و ابنه موسى و ابنه عليّ و ابنه محمّد و ابنه عليّ و ابنه الحسن و الحجّة القائم ابنه عليهم السلام.

فقال إبراهيم عليه السلام: إلهي و سيدي، أرى أنوارا قد أحدقوا بهم لا يحصى عددهم إلّا أنت «٢»! قيل: يا إبراهيم هؤلاء [شيعتهم] شيعة أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام، فقال إبراهيم: و بما «٣» تعرف شيعته؟ قال: بصلاة إحدى و خمسين، و الجهر بسم الله الرحمن الرحيم، و القنوت قبل الرّكوع، و التّختم باليمين، فعند ذلك قال إبراهيم: اللهم اجعلني من شيعة أمير المؤمنين. قال: فأخبر الله في كتابه فقال: وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ «٤»

شيخ محمد بن الحسن، از محمد بن وهبان، از ابو جعفر محمد بن عليّ بن رحيم، از عباس بن محمد، روایت آورده است که گفت: پدرم برایم حدیث گفت از حسن بن [عليّ بن ابی حمزه، از ابو بصیر يحيى بن ابی القاسم که گفت: جابر بن يزيد جعفی از امام جعفر بن محمد صادق عليه السلام راجع به تفسیر این آیه پرسید: (و به راستی که از جمله‌ی شیعیان او، ابراهیم است). آن حضرت عليه السلام فرمود:



«همانا هنگامی که خداوند سبحان ابراهیم علیه السّلام را آفرید، پرده از روی چشمش برگرفت. ابراهیم نگریست و نوری در کنار عرش دید. عرضه داشت: الاها، این نور چیست؟ (از درگاه حق) به او گفته شد: این نور محمّد (صلی الله علیه و اله و سلم) برگزیده‌ی آفریدگان من است. آن گاه نوری (دیگر) در کنار آن دید. پرسید: خدایا، این نور چیست؟ (از سوی

(۱). [در مأخذ: قیل.]

(۲). [در مأخذ: لا یحصی عدد هم.]

(۳). [در مأخذ: بم.]

(۴). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۴۹۶-۴۹۷ [و به نقل از آن، البرهان، ذیل آیه .

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۵

خداوند) به او گفته شد: این نور علی بن ابی طالب علیه السّلام، یاور دین من است. در کنار آن دو نور، سه نور دیگر دید. پرسید: خدایا، این نورها چیست؟ پاسخ آمد: این فاطمه علیها السّلام است- که دوستانش را از آتش بازمی‌دارم- و نور دو پسرش حسن و حسین (علیهم السلام).

[ (ابراهیم) هم چنین، نه نور (دیگر) گرداگرد آن‌ها دید. ] این بود که گفت:

بارالها، نه نور (دیگر) هم می‌بینم که پیرامون آنان را گرفته‌اند. گفته شد: ای ابراهیم، اینان، امامان از فرزندان علی و فاطمه‌اند.

ابراهیم عرضه داشت: بار خدایا، به حقّ این پنج تن تو را سوگند می‌دهم که به من بشناسانی آن نه تن کیان‌اند. (خداوند) فرمود: ای ابراهیم، اولی‌نشان علی بن الحسین است و پسرش محمّد و پسرش جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمّد و پسرش علی و پسرش حسن و حجت قائم پسر اوست علیهم السلام.

پس ابراهیم علیه السّلام گفت: ای معبود و سرور من، نورهایی را می‌بینم حلقه زده پیرامونشان که شماره‌ی آن‌ها را جز تو کسی نمی‌داند. گفته شد: ای ابراهیم، اینان شیعیان امیر اهل ایمان علی بن ابی طالب علیه السلام‌اند.

ابراهیم گفت: شیعیان او به چه (نشانه‌هایی) شناخته می‌شوند؟ (خداوند) فرمود: به (خواندن) پنجاه و یک رکعت نماز و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحيم و قنوت گرفتن پیش از رکوع و انگشتی به دست راست کردن «۱».

در این هنگام ابراهیم گفت: بار خدایا، مرا از شیعیان امیر المؤمنین قرار ده.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن گاه خداوند این را در کتاب خود خبر داد که فرمود:

(و به راستی که از جمله‌ی شیعیان او، ابراهیم است).»

(۱). [این‌ها نشانه‌های عبادی است که از ویژگی‌های پیروان خاندان خداست تا از دیگر گروه‌ها باز شناخته شوند. صفات والای اخلاقی و ویژگی‌های بلند درونی را در روایات دیگر، به فراخور حال، فرموده‌اند؛ از جمله: راست‌گویی، امانت‌داری، وعده‌شناسی، مستمندانوازی و ... شیخ صدوق (۳۰۶-۳۸۱) گزیده‌ای مسند و معتبر از این احادیث عمیق به نام صفات الشیعة فراهم آورده است. گذشته از روایت دیگری از خطبه‌ی معروف همّام، احادیث شماره‌های ۱، ۲، ۱۲-۱۴، ۱۸-۲۵، ۲۸، ۳۴، ۳۷، ۳۹-۴۵، ۵۲-۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۶ در کتاب پراج یاد شده شایان تأمل بسیار است.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۶

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۱)

(و همانا پس از این هنگام، (راستی و حقیقت) این خبر مهم را خواهید دانست.)

[۲۰۶] مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ: عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ، [عَنْ أَبِي حَمْزَةَ]

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ «۲» عَزَّ وَجَلَّ...: وَ لَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ قَالَ:

«عند خروج القائم عليه السلام.» (۳)

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: از عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ از عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ [از ابو حمزه از حضرت ابو جعفر

باقر عليه السلام روایت آورده است که درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عَزَّ وَجَلَّ - (و همانا پس از این هنگام، (راستی و حقیقت) این

خبر مهم را خواهید دانست) فرمودند:

«هنگام قیام قائم عليه السلام.» (۴)

(۱). ص (۳۸): ۸۹.

(۲). [در مأخذ: فی قوله.]

(۳). روضه‌ی کافی: ۲۸۷ [ح ۴۳۲].

(۴). مقصود از خبری که حقیقت و شأن و عظمت آن در زمان ظهور حضرت قائم عليه السلام بر همگان آشکار خواهد شد، ولایت

حضرت امیر المؤمنین عليه السلام است؛ چنان که در قسمت دیگری از حدیث فوق - که مرحوم مؤلف نیاورده است - این معنی بیان

شده و نیز در چندین حدیث در تفسیر و تأویل (نبا، نبا عظیم و ...) این نکته آمده است. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۷

## ۷۲ [سوره‌ی زمر] [آیه‌ی ۷۰]

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا (۱)

(و زمین به نور خداوند گارش روشنی یافت.)

[۲۰۷] عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «۲»، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ «۳»، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ، قَالَ:

حَدَّثَنَا مِيَا ح «۴» الْمَدَائِنِيُّ، قَالَ:

حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمْرِو أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قَوْلِهِ: وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا قَالَ:

«رَبُّ الْأَرْضِ يَعْنِي إِمَامَ الْأَرْضِ.» قُلْتُ: فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ:

«إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نَوْرِ الْقَمَرِ وَ يَجْتَرِؤُونَ «۵» بِنُورِ الْإِمَامِ.» «۶»

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ گويد: حدیث‌مان داد مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، گفت: حدیث‌مان داد جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وی گفت: حدیث‌مان آورد

قَاسِمُ بْنُ رَبِيعٍ، گفت: حدیث‌مان گفت مِيَا ح مدائینی، گفت: حدیث‌مان داد مُفَضَّلُ بْنُ عَمْرِو که شنید حضرت ابی عبد الله امام صادق

عليه السلام

(۱). زمر (۳۹): ۷۰.

(۲). [مراد مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ اسدي کوفي است (رک. معجم رجال الحديث ۱۴: ۲۷۲)؛ اما در نسخه‌ی مأخذ افزوده‌ی

عليه السلام آمده است!]

(۳). [مراد ابو عبد الله جعفر بن محمد بن مالک بن عیسای فزاری کوفی است. (رک. رجال نجاشی و معجم الحدیث ۴: ۱۱۷)]

(۴). [در متن: صیاح و در مأخذ (و نیز تأویل الآیات و نور الثقلین): صباح و در البرهان: صیاح.

به استناد رجال نجاشی و معجم رجال الحدیث ۱۸: ۲۹۲ و ۱۹: ۹۳ اصلاح شد.]

(۵). [در متن و مأخذ: یجتزون.]

(۶). تفسیر قمی ۲: ۲۵۳.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۸

درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (و زمین به نور خداوند گارش روشنی یافت) می‌فرمود:

«خداوندگار زمین یعنی امام زمین.» عرض کردم: هرگاه ظهور کند چه می‌شود؟ فرمود: «در آن صورت، مردم از نور آفتاب و نور

ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام اکتفا می‌کنند.»

[۲۰۸] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، قال: أخبرني أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى، قال: حدّثني أبي، قال: حدّثنا أبو علي

محمد بن همام، قال:

حدّثنا أبو عبد الله جعفر بن «۱» محمد الحميري، قال: حدّثنا أحمد بن ميثم، قال:

حدّثنا سليمان بن صالح، قال: حدّثنا أبو الهيثم القصاب، عن المفضل بن عمر الجعفي، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

«إنّ قائمنا إذا قام أشرفت الأرض بنور ربّها واستغنى العباد عن ضوء الشمس و صار الليل و النهار واحدا «۲» [و ذهب الظلمة] و عاش

الرجل في زمانه ألف سنة يولد له في كلّ سنة غلام لا يولد له جارية، يكسوه الثوب فيطول عليه كلما طال، و يكون «۳» عليه أي لون

شاء.» «۴»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید: خبرم داد ابو الحسين محمد بن هارون بن موسى، گفت: پدرم برایم حدیث آورد و گفت:

حدیث‌مان داد ابو علی محمد بن همام، گفت: حدیث‌مان داد ابو عبد الله جعفر بن محمد حمیری، گوید: حدیث‌مان داد احمد بن

میثم، گفت: برایمان حدیث آورد سلیمان بن صالح، وی گفت: ابو الهیثم قصاب برایمان از مفضل بن عمر جعفی حدیث آورد که

گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

(۱). [در متن: عبد الله بن جعفر بن ... که ظاهرا درست است.]

(۲). [در متن: واحد.]

(۳). در مأخذ: يتلون.

(۴). دلائل الإمامة: ۴۵۴ [ح ۴۳۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۸۹

«همانا هرگاه قائم ما به پا خیزد، زمین به نور پروردگارش روشنی یابد و مردم از روشنایی خورشید بی‌نیاز گردند و شب و روز یکی

خواهد شد [و تاریکی از میان خواهد رفت و (بسا که) مرد در زمان او هزار سال عمر کند؛ هر سال برایش یک پسر متولد شود و

دختر متولد نگردد. جامه‌ای به قامت خود او بر او پوشیده شود که هر چه قدش بلندتر گردد، لباس هم بزرگ‌تر شود و به هر رنگی

که بخواهد درآید.»

[۲۰۹] و رواه أبو جعفر أيضا: قال: حدّثني أبو عبد الله الحرّمي «۱»، عن أبي محمد، عن ابن همام ... و ساق الحدیث إلى آخره. «۲»

(۱). [در متن: الخرقی.]

(۲). دلایل الإمامة: ۴۸۶ [ح ۴۸۳]؛ ارشاد شیخ مفید ۲: ۳۸۱، باب ۴۰، فصل سوم، بدین مضمون.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۰

### ۷۳ [سورهی فصلت [آیهی ۱۸]

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ ﴿۱﴾

(و اما قوم ثمود را، پس راهنمایی و هدایت کردیم؛ ولی آنان کوری را بر هدایت ترجیح دادند و گمراهی را برگزیدند.)

[۲۱۰] شرف الدین النجفی، قال: روی «۲» علی بن محمد، عن ابی جمیل، عن الحلبي، و رواه [أيضا] علی بن الحكم، عن أبان بن

عثمان، عن الفضل بن العباس، عن أبی عبد الله عليه السلام، قال:

«... قوله: كَذَبَتْ ثَمُودٌ بِطَغْوَاهَا (۳) - قال: - ثمود رهط من الشيعة، فإن الله سبحانه يقول: وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى

الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ فهو (۴) السيف إذا قام القائم عليه السلام.» (۵)

شرف الدین نجفی گوید: علی بن محمد، از ابو جمیل، از حلبی روایت کرده [و نیز] آن را علی بن حکم، از ابان بن عثمان، از فضل

بن العباس، از حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«... این که (خداوند) می فرماید: (قوم ثمود از روی سرکشی (حقایق وحی را) تکذیب کردند) - فرمود: - (تأویل) ثمود گروهی از

شیعه است که خداوند سبحان

(۱). فصلت (۴۱): ۱۸.

(۲). [در مأخذ: ... ما رواه.]

(۳). الشمس (۹۱): ۱۲.

(۴). [در مأخذ: و هو.]

(۵). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۸۰۴ [ح ۱، ذیل سورهی شمس .

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۱

فرماید: (و اما قوم ثمود را راهنمایی و هدایت کردیم؛ ولی آنان کوری را بر هدایت ترجیح دادند و گمراهی را برگزیدند. پس

صاعقهی عذاب خواری آنان را گرفت) و این عقوبت شمشیر است؛ آن گاه که حضرت قائم عليه السلام به پا خیزد.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۲

### ۷۴ [سورهی فصلت [آیهی ۱۷]

لِنُدَيِّقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿۱﴾

(تا عذاب خواری را در زندگی دنیا به ایشان بچشانیم.)

[۲۱۱] محمد بن ابراهیم النعمانی فی الغیبة، قال: أخبرنا «۲» أحمد بن محمد بن سعید، قال: حدثنا علی بن الحسن التيملي، عن علی

بن مهران «۳»، عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن مختار «۴»، عن أبی بصير، قال:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قوله «۵» عزّ وجلّ: عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ما هو [عذاب خزی الدنيا]؟ فقال:

«و أيّ خزی أخزی - یا أبا بصير - من أن يكون الرجل في بيته و حجّله على خوانه «۶» وسط عياله، إذ «۷» شقّ أهله الجيوب عليه و

صرخوا، فيقول الناس:

ما هذا؟ فيقال: مسخ فلان الساعة؟! فقلت: قبل قيام القائم عليه السلام أو بعده؟ فقال «٨»:

«لا، بل قبله.» «٩»

محمد بن ابراهيم نعمانی در کتاب غیبت گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان

(۱). فضلت (۴۱): ۱۷. [روشن است که این آیه از نظر ترتیب پیش از آیهی پیشین است.]

(۲). [در مأخذ: حدّثنا.]

(۳). در مأخذ: مهزیار.

(۴). [در مأخذ: المختار.]

(۵). در مأخذ: قول الله.

(۶). در مأخذ: حجاله و علی إخوانه.

(۷). در متن: آن.

(۸). [در مأخذ: قال.]

(۹). کتاب الغیبة: ۲۶۹ [باب ۱۴، ح ۴۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۳

داد، گفت: علی بن الحسن تیملی حدیث مان داد، از علی بن مهران، از حماد بن عیسی، از حسین بن مختار، از ابو بصیر که گفت: به حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: این که خدای - عزّ و جلّ - فرموده است: (عذاب خواری در زندگی دنیا) مقصود چیست؟ فرمود:

«ای ابو بصیر، کدام خواری از این بدتر که مرد در خانه و آشیانه‌اش در کنار سفره و میان زن و فرزند خود نشسته باشد که ناگهان خاندان او گریبان چاک زنند و فریاد برکشند. مردم بپرسند: این سر و صدا چیست؟ در جواب گفته شود: هم‌اینک فلانی مسخ شد (و از صورت آدمیان برگشت)؟»

راوی گوید: عرضه داشتم: این پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام خواهد بود یا بعد از آن؟ فرمود: «نه، قبل از آن خواهد بود.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۴

## ۷۵ [سوره‌ی فصلت [آیه‌ی ۵۴]

سُئِرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ «١»

(به زودی آیات و نشانه‌های خویش را در جهان هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حقّ است.)

[۲۱۲] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مالک، عن القاسم بن إسماعيل الأنباري، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن إبراهيم «٢»، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عزّ و جلّ: سُنُّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ [قال:

«في الأفاق انتقاص الأطراف عليهم، و في أنفسهم بالمسخ حتى يتبين لهم أنه الحقّ أي أنه القائم عليه السلام.» «٣»

محمّد بن العباس گوید: جعفر بن محمّد بن مالک حدیث مان داد، از قاسم بن اسماعیل انباری، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش، از ابراهیم، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - تعالی - : (به زودی آیات و نشانه‌های

(۱). فَصَّلَتْ (۴۱): ۵۴.

(۲). [احتمالاً ابراهیم بن عبد الحمید کوفی أنماطی است. رک. معجم الحديث ۱۱: ۲۲۸ و مجمع الزجال قهپایی ۱: ۵۲-۵۳].

(۳). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۵۴۱ [ح ۱۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۵

خویش را در جهان هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است [فرمود:

«نشانه‌ی خداوندی در آفاق و جهان هستی، تنگ شدن و کاسته شدن وسایل زندگی بر آنان است و در جانشان، مسخ شدن است تا

این که برای ایشان معلوم شود که آن حق است یعنی آن که او قائم علیه السلام است.»

[۲۱۳] محمد بن ابراهیم النعمانی، قال: أخبرنا «۱» أحمد بن محمد بن سعيد، قال:

حدثني «۲» أحمد بن يوسف بن يعقوب بن يعقوب من كتابه، قال: حدثنا إسماعيل بن مهران، قال:

حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه و وهيب، عن أبي بصير، قال: سئل أبو جعفر [الباقر] عليه السلام عن تفسير قول الله عزَّ و

جلّ: سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ فقال عليه السلام:

«يريهم في أنفسهم المسخ و يريهم في الآفاق انتقاص الآفاق عليهم فيرون قدرة الله في أنفسهم و في الآفاق، و قوله حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ

الْحَقُّ يعني بذلك خروج القائم عليه السلام (و) هو الحق من الله عزَّ و جلّ، يراه هذا الخلق لا بد منه.» [۳]

محمد بن ابراهیم نعمانی گوید: احمد بن محمد بن سعيد به ما حدیث داد، وی گفت: احمد بن یوسف بن یعقوب از کتاب خود

برایم حدیث کرد، گفت: اسماعیل بن مهران حدیث مان داد، گفت: حسن بن علی بن ابی حمزه از پدرش و وهیب برایمان حدیث

گفت، از ابو بصیر که گفت: از حضرت ابو جعفر [امام باقر] علیه السلام راجع به تفسیر فرموده‌ی خدای - عزَّ و جلّ -: (به زودی

آیات و نشانه‌های خویش را در جهان هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است)

سؤال شد.

آن حضرت علیه السلام فرمود:

«در جانشان، مسخ شدن را نشان‌شان خواهد داد و در جهان هستی، کاسته شدن و

(۱ و ۲). در مأخذ: حدّثنا.

(۳). کتاب الغيبة: ۲۶۹ [باب ۱۴، ح ۴۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۶

تنگ گردیدن آن را که قدرت خداوند را در خودشان و در جهان هستی می‌بینند و این که فرموده است: (تا برایشان روشن گردد

که او حق است) مقصود خداوند از آن خروج حضرت قائم علیه السلام است و اوست حق از سوی خدای - عزَّ و جلّ - (آمده) که به

ناچار خلق او را خواهند دید.»

[۲۱۴] محمد بن یعقوب (عن عدّه من أصحابنا): عن سهل بن زياد، عن ابن فضال، عن ثعلبة بن ميمون، عن الطيّار، عن أبي عبد الله

عليه السلام في قول الله عزَّ و جلّ: سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قال: «خسف و مسخ و قذف.»

قال: قلت: حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ (أَنَّهُ الْحَقُّ) قال: «دع [ذا]، ذاك قيام القائم عليه السلام.» [۱]

محمد بن یعقوب (از عدّه‌ای از اصحابمان): از سهل بن زیاد، از ابن فضال، از ثعلبة بن ميمون، از طیار، از حضرت ابی عبد الله

صادق علیه السلام که درباره‌ی قول خدای - عزَّ و جلّ -: (به زودی آیات و نشانه‌های خویش را در جهان هستی و در جان خودشان

به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حقّ است) فرمود: «فرورفتگی و مسخ و پرتاب.»  
گوید: عرض کردم: (تا برایشان روشن گردد که او حقّ است) فرمود: «[این را] واگذار! آن، قیام حضرت قائم علیه السلام است.»

(۱). روضه‌ی کافی: ۱۶۶ [ح ۱۸۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۷

## ۷۶ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۳-۲]

حم\* عسق «۱»

[۲۱۵] علی بن ابراهیم، قال: حدّثنا أحمد بن علی و أحمد بن إدريس، قال:

حدّثنا محمد بن أحمد العلوی، عن العمرکی، عن محمد بن جمهور، قال: حدّثنا سلیمان بن سماعه، عن عبد الله بن القاسم، عن یحیی بن میسرّه «۲» الخثعمی، عن أبي جعفر علیه السلام قال: سمعته يقول:

«حم عسق عدد «۳» سنی القائم علیه السلام، و ق «۴» جبل محیط بالدّنيا من زمرد أخضر فخره السماء من ذلك الجبل، و علم کل شیء فی عسق «۵»

علی بن ابراهیم گوید: حدیث‌مان دادند احمد بن علی و احمد بن ادريس، گفتند:

حدیث‌مان داد محمد بن احمد علوی، از عمرکی، از محمد بن جمهور، گفت: حدیث‌مان آورد سلیمان بن سماعه، از عبد الله بن القاسم، از یحیی بن میسرّه خثعمی، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام. راوی گوید: شنیدم آن حضرت می‌فرمود:

(۱). شوری (۴۲): ۲-۳. حروف مقطعه- که ۲۹ سوره‌ی قرآن با آنها آغاز می‌گردد- از رموز و اسرار قرآن مجید است. هرچند بعضی از اشارت‌ها و دلالت‌های این حروف در روایات و اقوال مفسّران آمده و گوشه‌هایی از معارف نهفته در آنها بیان گردیده است، هنوز هزار نکته‌ی باریک‌تر از مو در این آیات الاهی هست که جز خداوند و راسخان در علم، کسی بر آنها واقف نیست. این حدیث و حدیث بعد نمونه‌ای است از بیان بعضی از نکات موجود در این آیات. (مترجم)

(۲). در مأخذ: مسیره.

(۳). [در مأخذ: أعداد].

(۴). در مأخذ: قاف.

(۵). تفسیر قمی ۲: ۲۶۷- [۲۶۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۸

«(حامیم عین سین قاف) شمار سالیان حضرت قائم علیه السلام است و قاف کوهی است از زمرد سبز که بر دنیا احاطه دارد و سبزی آسمان از آن کوه است و علم همه‌چیز در (عین سین قاف) است.»

[۲۱۶] محمد بن العباس: بحذف الإسناد یرفعه إلی محمد بن جمهور، عن السکونی، عن أبي جعفر علیه السلام، قال:

«(حامیم حتم، و عین عذاب و سین سنون کسنی «۱» یوسف، و قاف قذف [و خسف و مسخ یکون فی آخر الزّمان بالسّیفانی و أصحابه و ناس من کلب ثلاثون] ألف یخرجون معه، و ذلك حين یخرج القائم علیه السلام بمکّه و هو مهدی هذه الأُمَّة.» «۲»  
محمد بن العباس: به حذف سند به‌طور مرفوع از محمد بن جمهور از سکونی از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت آورده است که فرمود:

"حامیم" (رمز) حتم و "عین عذاب و "سین" قحطسالی ای است هم چون قحطسالی زمان یوسف علیه السّلام و "قاف" سنگ باران [و فرورفتنی در زمین و مسخ شدنی است که در آخر الزّمان برای سفیانی و یاران او و مردمانی از قبیله‌ی کلب-سی هزار [هزار] تن که با وی خروج می‌کنند- خواهد بود و آن هنگامی است که حضرت قائم علیه السّلام در مکه قیام می‌کند و اوست مهدی این امت.]

(۱). [در متن: کسین.]

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۵۴۲ [ح ۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۳۹۹

## ۷۷ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۱۹]

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ ﴿١﴾

(کسانی که به آن (ساعت) ایمان ندارند (از روی تمسخر) تقاضای شتاب در آن می‌کنند؛ ولی آنان که ایمان دارند از آن سخت ترسانند و می‌دانند که آن (حادثه) حقیقت دارد.)

[۲۱۷] أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، فی مسند فاطمه علیهما السّلام قال: حدّثنی أبو الحسن الأنباری، قال: حدّثنا أبو الحسن علی بن الحسن الجصاص، قال:

حدّثنی أبو عبد الله محمد بن یحیی التمیمی، قال: حدّثنی الحسن بن علی الزّیبری العلوی، قال: حدّثنی محمد بن علی الأعمش المصری، قال: حدّثنی إبراهیم بن یحیی الجوانی، «۲» قال: حدّثنی المفضل بن عمر، قال: قال لی «۳» جعفر بن محمد علیهما السّلام: «یا مفضل، کیف یقرأ أهل العراق هذه الآیة؟» قلت: یا سیدی و آی آیه؟

(۱). شوری (۴۲): ۱۹.

(۲). [با فرض آن که به شخصی به نام جوان منسوب باشد (الأنساب سمعانی ۱: ۴۴۶) و اگر از روستای جوائیه (نزدیک مدینه‌ی منوره) باشد، جوانی خوانده می‌شود (معجم البلدان ۲: ۱۷۵).]

(۳). [در مأخذ: الصادق.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۴۴۹

قال: «قول الله تعالى: يستعجل بها الذين آمنوا بها والذين لا يؤمنون مشفقون منها.» فقلت: يا سیدی لیس کذا نقرأ! «۲»

[فقال:] «فكيف «۳» تقرأ؟» فقلت: «۴»: يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ فقال [لی: «ويحك! أتدري ما هي؟» فقلت: الله ورسوله و ابن رسوله أعلم.

فقال: «ما هي - و الله - «۵» إلبا قیام القائم علیه السّلام، فكيف «۶» يستعجل به من لا يؤمن به؟ و الله ما يستعجل به إلبا المؤمنون، و لكنهم حرّفوها حسدا لكم، فاعلم ذلك يا مفضل.» «۷»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در مسند فاطمه علیها السّلام گوید: ابو الحسن انباری حدیثام داد، وی گفت: ابو الحسن علی بن حسن جصاص حدیثمان داد، گوید:



ابو عبد الله محمد بن یحیی تمیمی حدیث‌ام داد، وی گفت: حسن بن علی زبیری علوی حدیث‌ام داد، گفت: محمد بن علی اعلم مصری برایم حدیث گفت: ابراهیم بن یحیی جوانی برایم حدیث آورد، گفت: مفضل بن عمر حدیث‌ام داد که: حضرت جعفر بن محمد (امام صادق) علیهما السلام به من فرمود: «مفضل، اهل عراق این آیه را چگونه می‌خوانند؟» عرضه داشتیم: آقای من، کدام آیه را؟ فرمود: «قول خدای - تعالی - (آنان که به آن ساعت ایمان دارند تعجیل در ظهور آن را می‌خواهند؛ ولی آنان که ایمان ندارند از آن روز سخت ترسان‌اند).»

عرض کردم: سرور من، چنین نمی‌خوانیم. [فرمود:] «پس چگونه خوانده می‌شود؟» گفتم: (آنان که به آن ساعت ایمان ندارند تقاضای تعجیل در ظهور آن می‌کنند؛ ولی

(۱). [در مأخذ: و يستعجل.]

(۲). [در متن: کیف کذا تقرأ؟.]

(۳). [در مأخذ: کیف.]

(۴). [در متن: فقال.]

(۵). [در مأخذ: و الله ما هی.]

(۶). [در مأخذ: و کیف.]

(۷). دلایل الإمامة: ۴۵۰-۴۵۱ [ح ۴۲۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۱

آنان که ایمان دارند از آن روز سخت ترسان‌اند و می‌دانند که آن روز حقیقت دارد).

فرمود: «خدا بیامرزد! می‌دانی که (معنی) این (آیه) چیست؟» عرض کردم: خدا و رسول خدا و فرزند رسول او بهتر می‌دانند.

فرمود: «به خدا سوگند، جز قیام حضرت قائم علیه السلام نیست. چگونه کسی که به آن ایمان ندارد، عجله می‌کند؟ به خدا سوگند،

جز مؤمنان نسبت به آن عجله نکنند؛ ولی این را از روی حسد نسبت به شما، تحریف کردند. پس این را بدان، ای مفضل.»

حدیثی راجع به این آیه ذیل آیه‌ای که در سوره‌ی محمد [صلی الله علیه و اله و سلم است، به خواست خداوند - تعالی - خواهد آمد.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۲

## ۷۸ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۲۱-۲۰]

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ \* مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿۱﴾

(خداوند به بندگان خود لطف بسیار دارد. به هر کس بخواهد روزی می‌دهد و (بر هر چیز) توانای مطلق و مقتدر غالب است. هر

آن که حاصل کشت آخرت را می‌خواهد، ما بذری را که کاشته است می‌افزاییم (و آن را به‌طور کامل حاصل می‌دهیم) و هر کس

فقط حاصل کشت دنیا را بخواهد، از آن سهمی به او می‌دهیم؛ ولی دیگر در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت).

[۲۱۸] محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی: عن سلمة «۲» بن الخطاب، عن الحسن «۳» بن عبد الرحمن، عن علی بن ابی حمزة،

عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام، قال:

قلت: اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ؟ قال: «ولاية أمير المؤمنين عليه السلام.»

قلت: مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ؟ قال: «معرفة أمير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام.»

(۱). شوری (۴۲): ۲۰-۲۱.

(۲). [در متن: مسلمة.]

(۳). در مأخذ: الحسين.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۳

نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ قَالَ: «نزیده منها.» قال: «يستوفى نصيبه من دولتهم.»

وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ قَالَ:

«ليس له في دولة الحقّ مع القائم عليه السلام نصيب.» (۱)

محمد بن يعقوب، از محمد بن يحيى، از سلمة بن الخطاب، از حسن بن عبد الرحمن، از علي بن ابي حمزة، از ابو بصير، از حضرت ابي عبد الله صادق عليه السلام آورده که راوی گوید:

پرسیدم: (خداوند به بندگانش لطف بسیار دارد. هر که را بخواهد روزی می دهد) (چه توضیحی دارد)؟ فرمود: «یعنی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام (را روزی می دهد).»

گفتم: (هر کس حاصل کشت آخرت را می خواهد)؟ فرمود: «معرفة امیر المؤمنین و امامان علیهم السلام.»

(در کشتش می افزاییم)؟ فرمود: «بر معرفتش می افزاییم.» فرمود: «تا بهره اش را از دولت امامان علیهم السلام دریافت دارد.»

(و هر کس فقط حاصل کشت دنیا را بخواهد، از آن سهمی به او می دهیم؛ ولی دیگر در آخرت بهره ای نخواهد داشت)؟ فرمود:

«در دولت حق، با حضرت قائم علیه السلام نصیب و بهره ای برایش نخواهد بود.»

(۱). کافی ۱: ۴۳۵-۴۳۶ [کتاب الحجّة، باب فيه نکت و ننف ... ۱۰۸، ح ۹۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۴

## ۷۹ [سوره ی شوری آیه ۲۲]

وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ «۱»

(و اگر کلمه ی فصل (دستور تأخیر عذاب) نبود، هر آینه میان ایشان حکم (نابودی) می شد و همانا ستمگران عذاب دردناکی دارند.)

[۲۱۹] محمّد بن يعقوب، عن عليّ بن محمد: عن عليّ بن العباس، عن الحسن بن عبد الرحمن، عن عاصم بن حميد، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

أما قوله [عزّ و جلّ]: وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ: «لولا ما تقدّم فيهم من الله عزّ و جلّ ما أبقى القائم عليه السلام منهم أحدا «۲»، «۳»»

محمّد بن يعقوب از عليّ بن محمد، از عليّ بن العباس، از حسن بن عبد الرحمن، از عاصم بن حميد، از ابو حمزه، از حضرت ابو جعفر امام باقر عليه السلام روایت آورده است که درباره ی فرموده ی خداوند: (و اگر کلمه ی فصل (دستور تأخیر عذاب) نبود، هر آینه میان ایشان حکم و قضاوت می شد و همانا برای ستمگران عذاب دردناکی [مهیا] است) چنین فرمود: «اگر نبود آن چه پیش تر از سوی خدای - عزّ و جلّ - درباره ی آنها صدور یافته، هر آینه حضرت قائم علیه السلام یک نفر از ایشان را هم باقی

(۱). شوری (۴۲): ۲۲.

(۲). در مأخذ: واحدا.

(۳). روضه‌ی کافی: ۲۸۷ [ح ۴۳۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۵

## ۸۰ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۲۵]

أَمْ يَقُولُونَ: افترى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؟ فَإِنَّ يَشَاءُ اللَّهُ يَخْتِمَ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ... «۱»

(... آیا (جاهلان) گویند: او (رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم) بر خداوند دروغ بسته است (که محبت و پیروی از خاندانش را بر امت واجب کرده؟! چنین نیست. هرگز رسولی نتواند بر خدای دروغ بندد که) اگر خدا خواهد، بر قلب تو مهر زند و باطل را از بین برد و حق را به کلمات خود پایدار و برقرار سازد ...)

[۲۲۰] علی بن ابراهیم، قال: حدثني أبي، عن ابن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن مسلم، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول في قول الله (عزّ و جلّ):

قُلْ: لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى «يعني في أهل بيته.»

قال: «جاءت الأنصار إلى رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم فقالوا: إنا قد آوينا و نصرنا فخذ طائفه من أموالنا [ف] استعن بها على ما نابك، فأنزل الله (تعالى): قُلْ: لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا يعني على النبوة إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى أي «۲» في أهل بيته.»  
ثم قال: «ألا ترى أن الرجل يكون له صديق و في [نفس ذلك] الرّجل شيء على أهل بيته فلا يسلم صدره، فأراد الله أن لا يكون في نفس رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم شيء على أمته «۳» ففرض عليهم المودة [في القربى] فإن أخذوا أخذوا

(۱). شوری (۴۲): ۲۵.

(۲). [در مأخذ: یعنی.]

(۳). در مأخذ: أهل بيته.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۶

مفروضا، و إن ترکوا ترکوا مفروضا.

قال عليه السلام: «فانصرفوا من عنده، و بعضهم يقول: عرضنا عليه أموالنا فقال:

قاتلوا عن أهل بيتي [من بعدى]، و قالت طائفة: ما قال هذا رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و جحدوه و قالوا كما حكى الله (تعالى): أَمْ يَقُولُونَ: افترى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؟ فقال الله:

فَإِنَّ يَشَاءُ اللَّهُ يَخْتِمَ عَلَى قَلْبِكَ قال: لو افتريت، و يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ يعني يبطله و يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ يعني [بالتبى و] بالأئمة و القائم من آل محمد عليهم السلام، إِنَّهُ عَلَيْهِمْ بِذَاتِ الصُّدُورِ. ثم قال: وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَغْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ إِلَى قَوْلِهِ: وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ يعني الذين قالوا ما قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، ثم قال: وَ الْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ. «۱»

علی بن ابراهیم گوید: پدرم برایم حدیث گفت، از ابن ابی نجران، از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم که گفت: شنیدم حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - (بگو (ای رسول ما): از شما اجر رسالت جز این نخواهم که به خاندانم

مودّت داشته باشید) فرمود:

«مراد حق اهل بیت آن حضرت است.» (آن گاه امام علیه السّلام) فرمود: «انصار به حضور رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلم آمدند و عرضه داشتند: ما (شما را) پناه دادیم و یاری کردیم.

پس بخشی از اموالمان را بگیر و در نیازهای خود صرف کن. خدای - تعالی - این آیه را نازل کرد: (بگو: از شما اجر نخواهم) یعنی در برابر نبوّت (مگر مودّت با خاندانم) مراد اهل بیت آن حضرت بود.»

سپس فرمود: «نمی بینی که اگر مرد دوستی داشته باشد و در [دل آن مرد] نسبت به خاندانش چیزی باشد، دلش آرام نخواهد یافت؟ پس خداوند خواست که در دل رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلم نسبت به امتش چیزی نباشد. این بود که مودّت در مورد نزدیکان

(۱). تفسیر قمی ۲: ۲۷۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۷

را بر ایشان واجب کرد که اگر آن را انجام دهند، فرمانی را به جای آورده باشند و اگر واگذارند، فریضه‌ای را ترک گفته‌اند.» امام باقر علیه السّلام افزود: «پس (انصار) از خدمت آن حضرت بیرون رفتند؛ در حالی که بعضی از آنان می گفتند: ما اموالمان را عرضه داشتیم و او در جواب گفت: به دفاع از خاندان من [پس از من جنگ کنید و گروهی دیگر گفتند: رسول خدا چنین نگفت و این را انکار کردند و چنان گفتند که خدای - تعالی - از آن‌ها حکایت کرده است: (بلکه گویند: او بر خداوند دروغ بسته است) که خداوند فرمود: (اگر خدا خواهد، بر قلب تو مهر زند) فرمود: یعنی: اگر افترا بندی (و باطل را می زداید) یعنی: ابطال می کند (و حق را به کلمات خود پایدار و برقرار می سازد) یعنی: به وسیله‌ی [پیغمبر و] امامان و قائم از آل محمّد علیهم السّلام (کلمات خویش را برقرار می سازد)، (همانا او به اسرار دل‌ها کاملاً آگاه است).

سپس خداوند فرمود: (و اوست خدایی که توبه‌ی بندگانش را می پذیرد و از گناهان می گذرد) تا آن جا که فرمود: (و از فضل خود بر آنان می افزاید) منظور آنان‌اند که مانند گفته‌ی رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلم را گفتند (و از فرموده‌ی آن حضرت پیروی کردند). سپس فرمود: (ولی برای کافران عذاب سختی خواهد بود).

روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی وارد شده مبنی بر این که این آیه درباره‌ی مودّت اهل البیت علیهم السّلام نازل گشته است. این روایات بی کم و کاست در کتاب «البرهان» ذکر شده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۸

## ۸۱ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۴۲]

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱﴾

(و هر آن که پس از ظلمی که بر او رفته دادخواهی کند، پس بر چنین کسانی هیچ راهی (به اعتراض) نیست.)

[۲۲۱] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا علی بن عبد الله، عن ابراهیم بن محمّد، عن علی بن هلال الأحمسی «۲»، عن الحسن بن وهب، عن جابر الجعفی، عن ابي جعفر علیه السلام فی قوله عزّ و جلّ: وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ قال:

«ذلک القائم علیه السلام. إذا قام انتصر من بنی أمیّه و من المکذّبین و التّصاب.» «۳»

محمّد بن العباس گوید: علی بن عبد الله، از ابراهیم بن محمّد، از علی بن هلال احمسی، از حسن بن وهب، از جابر جعفی، از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السّلام برایمان حدیث گفت که آن حضرت درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (و هر آن که

پس از ظلمی که بر او رفته انتقام‌جویی کند، پس بر چنین کسانی هیچ راهی (به اعتراض) نیست) فرمود:  
 «آن (دادخواه) حضرت قائم علیه السلام است. هر گاه به پا خیزد، از بنی امیه و تکذیب‌کنندگان و ناصبیان انتقام خواهد گرفت.»

(۱). شوری (۴۲): ۴۲.

(۲). [در متن: الأحمسی].

(۳). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۵۴۹-۵۵۰ [ح ۱۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۰۹

[۲۲۲] علی بن ابراهیم، قال: أخبرنا «۱» جعفر بن أحمد «۲» قال: حدّثنا عبد الكريم بن عبد الرحيم، عن محمد بن علي، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول:

«وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ يَعْنِي الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابَهُ، فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ وَالْقَائِمُ إِذَا قَامَ انْتَصَرَ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ وَ النَّصِيَابِ هُوَ وَ أَصْحَابَهُ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ [تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلُمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ. أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ «۳»] «۴»

علی بن ابراهیم گوید: خبرمان داد جعفر بن احمد، گفت: حدیث‌مان داد عبد‌الکریم بن عبد‌الرحیم، از محمد بن علی، از محمد بن فضیل، از ابو حمزه ثمالی، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام. (ابو حمزه) گوید: شنیدم آن حضرت می‌فرمود:

«(و هر آن که پس از ظلمی که بر او رفته دادخواهی کند) مراد قائم علیه السلام و اصحاب اویند، (پس بر چنین کسانی هیچ گونه مؤاخذه و گناهی نیست) و چون قائم علیه السلام به پا خیزد، به همراه سپاهیان از بنی امیه و از تکذیب‌کنندگان و ناصبیان انتقام خواهند گرفت و این است (معنی) فرموده‌ی خداوند [تبارک و تعالی: (تنها راه مؤاخذه) بر کسانی است که بر مردم ظلم می‌کنند و در زمین به ناحق تباهی می‌جویند. آنان کیفر دردناکی خواهند داشت).»

(۱). در مأخذ: حدّثنا.

(۲). در متن: أحمد بن جعفر.

(۳). شوری (۴۲): ۴۳.

(۴). تفسیر قمی ۲: ۲۷۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۰

## ۸۲ [سوره‌ی شوری [آیه‌ی ۴۵]

وَ تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ «۱»

(و آن (ستمگر) ان را می‌بینی که با خواری به سوی آن (آتش دوزخ) می‌برندشان و از گوشه‌ی چشم بر آن می‌نگرند.)

[۲۲۳] محمد بن العباس، قال: حدّثنا أحمد بن القاسم «۲»، عن أحمد بن محمد الشَّيْرِي «۳»، عن البرقي، عن محمد بن أسلم «۴»، عن

أيوب البزاز، عن عمرو بن شمر، عن جابر «۵»، عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

«قوله عزّ و جلّ: خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ يَعْنِي الْقَائِمَ «۶» عَلَيْهِ السَّلَامُ.» «۷»

محمد بن العباس گوید: حدیث‌مان داد احمد بن محمد بن محمد بن القاسم، از احمد بن محمد یساری، از برقی، از محمد بن أسلم، از ایوب

بزاز، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام که فرمود:

«فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (درحالی که از ذلّت و خواری فروتن و سر به زیرند از گوشه‌ی چشم بر او نگاه می کنند) یعنی: (به سوی) حضرت قائم علیه السّلام.»

(۱). شوری (۴۲): ۴۶.

(۲). [در متن: محمّد القاسم].

(۳). [در متن: الیساری].

(۴). [در متن: مسلم].

(۵). [در مأخذ: جابر بن یزید].

(۶). در مأخذ: إلی القائم.

(۷). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۵۵۰ [ح ۲۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۱

### ۸۳ [سوره‌ی زخرف [آیه‌ی ۲۹]

وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١﴾

(و این (خدایپرستی و امامت خلق) را در تبار خویش سخنی ماندگار گذاشت تا شاید (به سوی خدای یکتا) بازگردند.)  
[۲۲۴] [الخزّاز] «۲» عن محمّد بن عبد الله الشّيبانيّ رحمه الله، قال: حدّثنا أبو عبد الله جعفر بن محمّد بن جعفر (بن) الحسن العلويّ، قال: حدّثني أبو نصر أحمد بن عبد المنعم الصّيدأويّ، قال: حدّثني «۳» عمرو بن شمر الجعفيّ «۴»، عن جابر بن يزيد الجعفيّ، عن أبي جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليهما السّلام، قال: قلت له: يا ابن رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم، إنّ قوما يقولون: إنّ الله تبارك و تعالی جعل الأئمة «۵» في عقب ولد الحسن دون الحسين «۶»، قال:

«كذبوا و الله! أو لم يسمعوا (أنّ) الله تعالی ذكره يقول: وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ فهل جعلها إلّا في عقب الحسين (عليه السّلام)؟»  
ثمّ قال «۷» عليه السّلام: «يا جابر إنّ الأئمة هم الذين نصّ (عليهم) رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم

(۱). زخرف (۴۳): ۲۹.

(۲). [در متن، ابن بابویه آمده است که درست نیست. این خطا در البرهان نیز دیده می شود].

(۳). [در مأخذ: حدّثنا].

(۴). [در متن: الجعفيّ].

(۵). [در مأخذ: الإمامة].

(۶). [در مأخذ: عقب الحسين و الحسين].

(۷). [در متن: فقال].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۲

بالإمامة و هم [الأئمة] الذين قال رسول الله: لما أسرى بي إلى السّماء وجدت أسماءهم «۱» مكتوبة على ساق العرش بالتّور اثنا عشر اسما منهم عليّ و سبطاه و عليّ و محمّد و جعفر و موسى و عليّ و محمّد و عليّ و الحسن و الحجّة القائم عليهم السّلام فهذه الأئمة من أهل بيت الصّفوة و الطّهاره، و الله ما يدّعيه أحد غيرنا إلّا حشره الله (تبارك و) تعالی مع إبليس و جنوده.»

ثم تنفّس عليه السّلام فقال: «لا رعى (٢) الله (حقّ) هذه الأُمَّة! فإنّها لم ترع حقّ نبيّها.

[أما] والله لو تركوا الحقّ على أهله لما اختلف في الله [تعالى اثنان].

ثم أنشأ عليه السّلام يقول:

«إنّ اليهود لحبّهم لنبیهم آمنوا بوائق حادث الأزمان (٣)

(و ذووا الصّليب بحبّ عیسی أصبحوا یمشون رهوا فی قرى نجران)

و المؤمنون بحبّ (٤) آل محمّد یرمون فی الآفاق بالنّیران»

قلت: یا سیّدی ألیس هذا الأمر لکم؟ قال: «نعم» قلت: فلم قعدتم عن حقّکم و دعواکم و قد قال الله تبارک و تعالی: وَ جَاهِدُوا فِی

اللّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ [قال: (٥)] فما بال أمير المؤمنین علیه السّلام قعد عن حقّه؟ (٦) قال:

فقال علیه السّلام: (٧) «حيث لم يجد ناصرا، ألم (٨) تسمع الله يقول فی قصّة لوط علیه السّلام:

قال: لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٌ شَدِيدٌ و يقول حکایه (٩) «٦» عن نوح علیه السّلام:

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتِصِرْ و يقول فی قصّة موسى علیه السّلام: [رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ

(١). [در مأخذ: أسامیهم].

(٢). [در مأخذ: دعی].

(٣). [در مأخذ: حادثات الأمان].

(٤). [در مأخذ: لحبّ].

(٥). [در مأخذ: أولم].

(٦). فی حکایه.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤١٣

إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَأَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ فَإِذَا كَانَ النَّبِيُّ هَكَذَا، فَالْوَصَى أَعْدِر.

یا جابر، مثل الإمام مثل الكعبة، تؤتی و لا تأتي (١) «٢»

[خزّاز قمی از محمّد بن عبد الله شیبانی رحمه الله گوید: ابو عبد الله جعفر بن محمّد بن جعفر بن حسن علوی حدیث مان داد، وی

گفت: ابو نصر احمد بن عبد المنعم صیداوی حدیثام داد، وی گفت: عمرو بن شمر جعفری از جابر بن یزید جعفری حدیثام داد از

حضرت ابو جعفر محمّد بن علی باقر علیهما السّلام که گوید:

به آن حضرت عرضه داشتیم: ای زادهی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم، گروهی می گویند:

خدای - تبارک و تعالی - امامان را در اعقاب فرزندان امام حسن قرار داد نه امام حسین؟ فرمود: «به خدا سوگند، آن‌ها دروغ

می گویند. آیا نشنیده‌اند که خدای - تعالی ذکره - می فرماید: (و این (خداپرستی و امامت) را کلمه‌ی باقی در ذرّیه‌ی خویش قرار

داد) آیا آن (- امامت) را جز در خاندان حسین علیه السّلام قرار داد؟»

آن گاه امام باقر علیه السّلام فرمود: «ای جابر، به راستی که امامان آن‌ها یند که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بر امامتشان نصّ

فرموده و همان‌ها یند که رسول خدا فرمود: هنگامی که به آسمان برده شدم، نام‌هایشان را یافتم که با نور بر ساق عرش نوشته شده

بود. دوازده اسم از آن‌ها این بود: علی و دو سبط او و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و حجّت قائم

علیهم السّلام. پس اینان ائمّه‌ی از اهل بیت برگزیده و پاکیزه‌اند. به خدا سوگند، کسی غیر از ما آن (- مقام امامت) را ادّعا نکند

مگر این که خداوند - تبارک و تعالی - او را با ابلیس و لشکریانش برانگیزد.»

سپس امام باقر علیه السّلام آهی کشید. آن گاه فرمود: «خداوند حقّ این امت را رعایت نکند که آن‌ها حقّ پیغمبرشان را پاس نداشتند. به خدا سوگند، اگر حق را بر اهلش وا می‌گذاشتند، دو نفر درباره‌ی خداوند اختلاف نمی‌کردند (و هیچ کس کافر نمی‌ماند).»

(۱). [در مأخذ: إذ یؤتی و لا یأتی.]

(۲). کفایه الأثر: ۲۴۶-۲۴۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۴

آن گاه حضرتش علیه السّلام چنین انشا فرمود:

«- همانا قوم یهود از جهت محبتشان نسبت به پیغمبرشان، از حوادث ناگوار زمانه ایمن شدند؛

- و صلیبیان (- ترسایان) به سبب دوست داشتن حضرت عیسی علیه السّلام با کمال آسودگی خاطر در آبادی‌های نجران آمدو شد دارند؛

- ولی مؤمنان به (جرم) محبت آل محمد علیهم السّلام در اطراف و اکناف عالم به آتش می‌سوزند!»

جابر گوید: عرضه داشتم: آقای من، آیا این امر، حقّ شما نیست؟ فرمود: «چرا». عرض کردم: پس چرا از گرفتن حقّ خود کنار نشستید و از دعوی آن دست برداشتید؟ در حالی که خداوند- تبارک و تعالی- فرموده است: (و در راه خداوند، حقّ جهاد او را بگزارید. او شما را برگزید)؟ چرا امیر المؤمنین علیه السّلام از مطالبه‌ی حقّ خود کنار نشست؟

فرمود: «چون یاوری برای خود نیافت. آیا نشنیده‌ای که خداوند در قصه‌ی لوط علیه السّلام فرماید: (لوط به قومش گفت: ای کاش قدرت داشتم تا شما را از کارهای زشت بازدارم یا این که پشت و پناه محکمی بود که بدان پناه می‌بردم!) و نیز به حکایت از نوح علیه السّلام، فرماید: (او خداوند گارش را خواند: که همانا من مغلوب‌ام؛ پس تو مرا یاری فرمای) و در جریان موسی علیه السّلام (از زبان او) فرمود: (پروردگارا، من جز خود و برادرم (هارون) در اختیار ندارم. پس تو میان ما و قوم فاسق و زیان‌کار جدایی افکن). پس آن گاه که حال پیغمبران چنین بوده است، عذر وصی پیغمبر موجه‌تر و قوی‌تر است.

جابر! امام به سان کعبه است که مردم باید به سویش روند؛ کعبه به سوی کسی نمی‌رود!»

[۲۲۵] عنه، قال: حدّثنا أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عبد الله الجوهري، قال:

حدّثنا عبد الصّمد بن علی بن محمد بن مکرّم، قال: حدّثنا الطّیالسی أبو الولید «۱»، عن أبي زياد «۲» عبد الله بن ذکوان، عن أبيه، عن الأعرج، عن أبي هريرة، قال: سألت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم عن قوله عزّ و جلّ: وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ

(۱). [در مأخذ: أبوالمند].

(۲). [در مأخذ: أبي الزّیاد].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۵

قال صلى الله عليه و اله و سلم: «جعل الأئمة «۱» في عقب الحسين عليه السّلام يخرج من صلبه تسعة من الأئمة و منهم مهدى هذه الأئمة، ثم قال صلى الله عليه و اله و سلم: «لو أنّ رجلاً ضعن بين الرّكن و المقام ثمّ لقي الله مبغضاً لأهل بيتي دخل النار.» «۲» از اوست که گوید: ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله جوهری حدیث‌مان داد، گفت: عبد الصّمد بن علی بن محمد بن مکرّم حدیث‌مان گفت که: ابو الولید طیالسی، از ابو زیاد عبد الله بن ذکوان، از پدرش، از اعرج، از ابو هریره حدیث‌مان داد که گفت: از رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم درباره‌ی قول خدای- عزّ و جلّ-: (و این (خداپرستی و امامت) را کلمه‌ی باقی در نزد خودش



قرار داد) پرسیدم.

آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خداوند امامان را در اعقاب حسین قرار داد. از صلب او نه تن از امامان را بیرون خواهد آورد و از آن‌هاست مهدی این امت.» سپس فرمود:

«اگر مردی پیوسته بین رکن و مقام (برای عبادت) در حال رفت و آمد باشد، آن‌گاه با کینه‌ی خاندان من خداوند را ملاقات کند، داخل آتش می‌شود.»

[۲۲۶] و عنه «۳»، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ «۴» الْكَلِينِيُّ [رَضِيَ اللهُ عَنْهُ] قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ [الْكَلِينِيُّ] قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ [ع] قَالَ:

حَدَّثَنِي «۵» إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيِّ الْقَزْوِينِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدِ الْحَنَاطِ «۶»، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ، عَنْ ثَابِتِ الثَّمَالِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ [بْنِ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ] أَنَّهُ قَالَ: «فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ «۷» وَ

(۱). [در مأخذ: الإمامة].

(۲). كفاية الأثر: ۸۶-۸۷.

(۳). [مراد محمد بن يعقوب كليني است].

(۴). [در مأخذ: عصام].

(۵). [در مأخذ: حدّثنا].

(۶). [در مأخذ: الخياط].

(۷). انفال (۸): ۷۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۶

فینا نزلت هذه الآية: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ وَالإمامة في عقب الحسين بن علي بن أبي طالب [عليه السلام] إلى يوم القيامة، فإن للغائب «۱» منا غيبتين إحداهما أطول من الأخرى، أما الأولى فستة أيام أو ستة أشهر أو ست «۲» سنين، و أما الأخرى فيطول أمدها حتى يرجع عن هذا الأمر أكثر من يقول به، فلا يثبت عليه إلا من قوى يقينه و صحّت معرفته و لم يجد في نفسه حرجا ممّا قضينا و سلّم لنا أهل البيت. «۳»

هم از اوست که گوید: محمد بن [محمد بن عاصم کلینی] رضی الله عنه حدیث‌مان داد، گفت: محمد بن یعقوب [کلینی] حدیث‌مان داد، گفت: قاسم بن العلاء حدیث‌مان داد، گفت: اسماعیل بن علی قزوینی حدیث‌مان داد، گفت: علی بن اسماعیل، از عاصم بن حمید حنّاط، از محمد بن قیس، از ثابت ثمالی، از حضرت علی بن الحسین [بن علی بن ابی طالب علیهم السلام] حدیث‌مان داد که آن حضرت فرمود:

«درباره‌ی ما این آیه نازل شد: (و برخی از خویشاوندان نسبی در کتاب خدا از برخی دیگر سزاوارترند.) و درباره‌ی ما این آیه نازل شد: (و آن را در آیندگان، سخنی ماندگار نهاد) و امامت در بازماندگان حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است تا روز قیامت که همانا غایب از ما را دو غیب خواهد بود؛ یکی طولانی‌تر از دیگری. نخستین شش روز یا شش ماه و یا شش سال است و دومی آن قدر مدّتش طول خواهد کشید تا این که بیش‌تر گروندگان از این امر بخواهند گشت. پس بر آن (اعتقاد به امامت) هیچ کس ثابت نمی‌ماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و از آن‌چه ما بخواهیم، چیزی در دل احساس نکند و نسبت به ما اهل بیت تسلیم باشد.»

روایات درباره‌ی امامت و این که آن در نسل امام حسین علیه السلام است بسیار آمده که در کتاب البرهان یاد گردیده است.

(۱). [در مأخذ: و إن للقائم].

(۲). [در مأخذ: سته].

(۳). کمال الدین ۲: ۳۲۳-۳۲۴ [باب ۳۱، ح ۸].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۷

## ۸۴ [سوره‌ی زخرف [آیه‌ی ۶۷]

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ؟ (۱)

(آیا جز آن ساعت را انتظار می‌کشند که به ناگاه ایشان را فرا رسد؛ درحالی که بی‌خبر و غافل باشند؟)

[۲۲۷] محمد بن العباس، قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أُسْدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَشَّارٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ

الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيُنٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً؟ قَالَ:

«هِيَ سَاعَةُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً.» (۲)

محمد بن العباس گوید: علی بن عبد الله بن اسد، از ابراهیم بن محمد، از اسماعیل ابن بشار، از علی بن جعفر حضرمی، از زراره بن

اعین برایمان حدیث آورد که گفت:

از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام راجع به فرموده‌ی خدای - عَزَّ وَجَلَّ - (آیا جز آن ساعت را انتظار می‌کشند که به ناگاه

ایشان را فرا رسد؟) سؤال کردم. آن حضرت فرمود:

«آن ساعت (هنگام) حضرت قائم علیه السلام است که به ناگاه (خبر ظهور و قیامت) به آنان می‌رسد.»

(۱). زخرف (۴۳): ۶۷.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۵۷۱.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۸

## ۸۵ [سوره‌ی دخان [آیه‌ی ۵-۲]

حَمِّمٌ \* وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ، إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ \* فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۱)

(حامیم (۲) \* سوگند به آن کتاب روشن \* همانا ما آن را در شب مبارکی نازل ساختیم تا خلق را (از عذاب آخرت) بیم (و هشدار)

دهیم. در آن شب، هر امری براساس حکمت تعیین و ممتاز می‌شود.)

[۲۲۸] علی بن ابراهیم، قال: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: حَمِّمٌ \* وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ يَعْنِي الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فِيهَا

إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ جَمَلَةً وَاحِدَةً ثُمَّ نَزَلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ عَلَى النَّبِيِّ (۳) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي طُولِ [ثَلَاثٍ وَ] عَشْرِينَ سَنَةً.

فِيهَا يُفْرَقُ (يعني) فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَيْ يَقْدَرُ اللَّهُ كُلَّ أَمْرٍ مِنَ الْحَقِّ وَ [مِنَ الْبَاطِلِ وَ مَا يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ، وَ لَهُ فِيهَا (۴)

الْبَدَاءُ وَ الْمَشِيئَةُ، يَقْدَمُ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخَّرُ مَا يَشَاءُ مِنَ الْأَجَالِ وَ الْأَرْزَاقِ وَ الْبَلَايَا [وَ الْأَعْرَاضِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ يَزِيدُ فِيهَا مَا يَشَاءُ وَ يَنْقُصُ مَا

يَشَاءُ.

(۱). دخان (۴۴): ۲-۵.

(۲). روایت شده که معنی آن: قسم به حمید و مجید، دو نام مقدس خداوند است (مترجم).

(۳). در مأخذ: رسول الله.

(۴). در مأخذ: فیه.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۱۹

و یلقیه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَلْقِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى يَنْتَهِيَ ذَلِكَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَشْرَطُ «۱» لَهُ مَا فِيهِ الْبَدَاءُ وَ الْمَشِيئَةُ وَ التَّقْدِيمُ وَ التَّأْخِيرُ. «۲»]

علی بن ابراهیم گوید: پدرم از ابن ابی عمیر، از عبد الله بن مسکان، از ابو جعفر باقر و ابو عبد الله صادق و ابو الحسن کاظم علیهم السلام برایم چنین حدیث گفت:

«ح م\* سوگند به کتاب روشن\* همانا ما نازل کردیم (یعنی قرآن را) (نازل کردیم) (در شب مبارکی تا خلق را) (از عذاب آخرت) بترسانیم و هشدار دهیم) و آن شب قدر است. خداوند در آن شب قرآن را یکجا به بیت المعمور نازل فرمود. سپس از بیت المعمور بر پیغمبر (رسول خدا) صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در طول بیست [و سه سال (به تدریج) نازل گشت. (در آن شب) یعنی در شب قدر، (هر امری با حکمت تعیین اندازه می شود) یعنی خداوند هر امری را از حق و [از] باطل و آنچه در آن سال می شود همه را تقدیر می فرماید و بدا و مشیت (در آنها) برایش هست. آنچه را بخواهد، اجلها و روزیها و ابتلائات [و عوارض و بیماریها را، پس و پیش می کند و آنچه بخواهد در آنها می افزاید و آنچه بخواهد از آنها می کاهد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن (مقدرات) را به امیر المؤمنین علیه السلام القا می فرماید و امیر المؤمنین به امامان علیهم السلام تا کار به حضرت صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد و آنچه در آن بدا و مشیت و تقدیم و تأخیر هست، برای او (به طور) مشروط بیان می گردد.»

(۱). [در مأخذ: یشرط.].

(۲). تفسیر قمی ۲: ۲۹۰.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۰

## ۸۶ [سوره ی جائیه آیه ی ۱۵]

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ ... «۱»

(به کسانی که ایمان آورده اند بگو از (جور و ستم) کسانی که به ایام الله امیدوار نیستند، درگذرند ...)

[۲۲۹] روی عن ابی عبد الله علیه السلام [أنه قال:

«أَيَّامَ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ، وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.» «۲»]

از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

«روزهای مورد امید و آرزو سه (روز) اند: روز قیام حضرت قائم علیه السلام و روز رجعت و روز قیامت.»

در مورد این که ایام الله - تعالی - به این معنی است در ذیل فرموده ی خدای - تعالی - در سوره ی ابراهیم علیه السلام: وَ ذَكَّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ ... روایت های مسندی گذشت.

(۱). جائیه (۴۵): ۱۵.

(۲). مؤلف رحمه الله این روایت را به کتاب یا مؤلفی نسبت نداده است. (در تأویل الآیات الظاهرة ۲:

۵۷۶ [ح ۳]، به همین صورت آمده است - مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۱

## ۸۷ [سوره ی محمد صلی الله علیه و اله و سلم] آیه ۱۹

فَهَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا، فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ؟ (۱)

(آیا ناگروندگان) جز این انتظار دارند که آن ساعت به ناگاه آنان را فرا رسد؟! نشانه‌های آن که (هم‌اینک) آمده است و پس از آمدن آن، دیگر تذکرشان چه سودی به حالشان دارد؟)

[۲۳۰] الحسین بن حمدان الخصیبی «۲»، قال: حَدَّثَنَا «۳» مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ وَعَلِيُّ بْنُ

(۱). مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (۴۷): ۱۹.

(۲). [ابو عبد الله حسین بن حمدان بن خصیب جنبلانی (- جنبلانی) دانشمند مصری الأصل مشهور به خصیبی (یا حضینی یا حضینی؟ وجه نخست، با توجه به نام نیای وی، درست‌تر می‌نماید) پیشوای علویان شناخته می‌شود. وی را آثار چندی است که نام‌بردارترین آن‌ها الهدایه (یا الهدایه الکبری) است. (رجال النجاشی، أعيان الشيعة، [ال] فوائد الرضوية، معجم رجال الحديث، رجال طوسی، الأعلام، طبقات أعلام الشيعة، رجال المجلسی، مجمع الرجال قهپایی ۷: ۶۳، معجم المؤلفین، الذریعة ۲۵: ۱۶۴، لسان المیزان ۲: ۲۷۹، لغت‌نامه‌ی دهخدا و العلویون بین الأسطورة و الحقیقه) وی در ربیع الأول ۳۵۸ درگذشت. باید دانست ابو علی حسین بن حمدان بن حمدون تغلبی (- ۳۰۶) عموی حارث بن سعید بن حمدان، ابو فراس شاعر نامی شیعی (۳۲۰-۳۵۷) شخصیت دیگری است که تقریباً نیم قرن پیش‌تر می‌زیسته است.

به استناد تحقیقات مبسوط و ارزشمند نویسنده‌ی معاصر (سوری؟) هاشم عثمان در العلویون بین الأسطورة و الحقیقه (مؤسسه الأعلمی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق) و مطالعات دیگر، علویان نام دیگر گروهی از شیعیان عرب تبار است که به ستم تاریخ، قرن‌ها مزوی داشته شده‌اند و باورهای اصلی آن‌ها همان باورهای شیعی بوده است. این گروه هم‌اینک عمده در سوریه می‌زیند. متأسیفانه مورخان و ملل و نحل‌نویسان نیز هم‌آوا با ستمگران حاکم بر تاریخ آنان را با برچسب‌هایی گوناگون و متناقض معرفی کرده و کم‌تر به ایشان فرصت دفاع و معرفی خویش داده‌اند. با مراجعه به متون رجالی و تاریخی حتی این گمان نیز پیش می‌آید که نکند بزرگانی چون نجاشی و حتی مجلسی - رضوان الله علیهما - هم تنها با اعتماد به دیگر نقل‌ها بزرگ ایشان خصیبی نام برده را ضعیف یا کثر اعتقاد (- فاسد العقیده) خوانده‌اند!

ضمن یادکرد سه نسخه‌ی خطی از این اثر تاریخی (دو تا یاد شده در فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه‌ی عمومی آیه الله مرعشی ۸: ۱۵۳ و ۲۰: ۲۱۰ به شماره‌های ۲۹۷۳ و ۷۸۷۴ و یکی موجود در کتاب‌خانه‌ی آستان قدس به شماره‌ی عمومی ۶۴۹۲ که تصویر آن را دانشمند محقق استاد دکتر غلام حسین تاجری نسب در اختیار نهادند) و اشاره به چاپ غیر منقح و پر غلط آن (مؤسسه البلاغ - بیروت، ۱۴۰۶ ق)، گفتنی است که (تنها؟) نسخه‌ی چاپی با نسخه‌ی یاد شده‌ی آستان قدس (که در شمارش نخست عدد اوراق آن در آغاز و انجام کتاب ۲۹۴ ثبت شده؛ اما با افتادگی‌های مشخص در اواسط کتاب، گویا ۴۷ برگ آن هم‌اینک مفقود است!) هیچ‌گونه تطابق ندارد. محقق بی‌نام و نشان و ناشر نسخه‌ی مطبوع، علی‌رغم افزودن چند سند مفید مذهبی - سیاسی معاصر به

مقدمه، سنت حسنه و عقلایی معرفتی نسخه (ها) ی خطی مبنا را ضروری ندانسته و هم‌چون دیگر کتاب‌های چاپی لبنان عزیز، بیش‌تر به کیفیت و زیبایی جلد کتاب پرداخته‌اند.

عرضه‌ی درخور این میراث کهن شیعی - که با قدمتی پیش از نهج البلاغه‌ی شریف، به روزگار آغاز غیبت کبری بازمی‌گردد - با جمع‌آوری نسخ یاد شده و نسخه‌های بی‌گمان موجود دیگر و مراجعه به مآخذ فراوانی که راقم سطور برخی از آن‌ها را - که خود مراجعه کرده و دیده است - به اشاره یاد کرد، همتی مردانه می‌طلبد تا گوشه‌ای دیگر از زوایای تاریخ مظلوم تشیع روشن گردد. [۳]. [در مآخذ: حدیثی].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۲

عبد الله الحسینیان، عن ابي شعيب محمد بن نصير «۱»، عن عمر بن الوان، عن محمد بن الفضل، عن المفضل بن عمر «۲»، قال: سألت سيدي ابا عبد الله الصادق عليه السلام (: هل

(۱). [در متن: بصير. مراد محمد بن نصير نمیری است].

(۲). [در مآخذ: پس از نصير: عن ابن الفرات، عن محمد بن المفضل. این سند در نسخه‌ی خطی کتاب‌خانه‌ی آستان قدس (ورق شماره‌ی ۲۱۹) با اختلافاتی چند آمده است].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۳

للمأمول المنتظر المهدي عليه السلام وقت مؤقت تعلمه الناس؟ (ف) قال:

«حاش لله أن يؤقت له وقتا [أو توقت شيعتنا]! قال: قلت: [يا] مولاي، و لم ذلك؟ قال:

«لأنه [هو] الساعة التي قال الله تعالى: يسئلونك عن الساعة: أيان مرساها؟ [و قوله: قل: إنما علمها عند ربّي، لا يجليها لوقتها إلا هو، ثقلت في السماوات والأرض لا تأتيكم إلا بغتة. يسئلونك كأنك خفي عنها، قل: إنما علمها عند الله ولكن أكثر الناس لا يعلمون «۱»] قوله: و «۲» عنده علم الساعة و لم يقل عن أحد «۳» دونه، و قوله: فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة؟ فقد جاء أشراطها، فأنى لهم إذا جاءتهم ذكراهم؟

و قوله: اقتربت الساعة و انشق القمر «۴» و قوله: و ما يُدريك لعل الساعة قريب «۵» \* يسئلتعجل بها الذين لا يؤمنون بها و الذين آمنوا مشفقون منها و يعلمون أنها «۶» الحق. ألا إن الذين يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد «۷».

قلت: يا مولاي [و] ما معنی يمارون؟ قال:

«يقولون: متى ولد؟ و من رآه؟ و أين هو؟ [و أين يكون و متى يظهر؟

كل ذلك استعجالا لأمره و شكّا في قضائه و قدرته، أولئك الذين خسروا أنفسهم «۸» في الدنيا و الآخرة و إن للكافرين لشرّ مآب.»

(۱). اعراف (۷): ۱۸۸.

(۲). [در مآخذ: و قوله].

(۳). [در مآخذ: أحد].

(۴). قمر (۵۴): ۲.

(۵). [در مآخذ: تكون قريبا].

(۶). [در متن: أنه].

(۷). شوری (۴۲): ۱۸ - ۱۹.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۴

قال المفضل: يا مولاي فلا توقّت له وقتا «۱»؟ قال:

«يا مفضل لا توقّت ف (إن) من وقت لمهدينا وقتا فقد شارك الله في علمه و ادّعى أنّه أظهره «۲» على علمه و سرّه ...» «۳»

حسین بن حمدان خصیبی گوید: محمد بن اسماعیل و علی بن عبد الله حسنی حدیث مان دادند، از ابو شعیب محمد بن نصیر، از عمر بن الوان، از محمد بن الفضل، از مفضل بن عمر که گفت: از آقایم حضرت ابی عبد الله صادق علیه السلام پرسیدم: (آیا آن امید منتظر مهدی علیه السلام وقت معینی دارد که مردم آن را بدانند؟) فرمود:

«حاشا که خداوند وقتی برای آن تعیین فرماید (یا شیعیان ما چنین کنند!)» گوید: عرضه داشتم: برای چه، [ای مولای من؟] فرمود: «زیرا که او [همان ساعت است که خدای - تعالی - فرموده: (از تو می پرسند هنگام ساعت را که چه وقت خواهد بود؟)] [و] (در دنباله‌ی آن) [فرمود: (بگو: البتّه علم آن نزد پروردگار من است. کسی جز او آن ساعت را روشن و ظاهر نتواند کرد. شأن و عظمت) آن ساعت در آسمان‌ها و زمین بسی سنگین است. جز به‌طور ناگهانی شما را نیاید. از تو می پرسند؛ گویی که تو کاملاً بدان آگاه‌ای. بگو: علم آن ساعت فقط نزد خداوند است؛ ولیکن بیش تر مردم (این حقیقت را) نمی دانند] و فرموده است: (و علم ساعت نزد اوست) و فرموده است که نزد کس دیگری جز اوست و نیز فرموده است: ([پس آیا ناگروندگان) جز این انتظار دارند که آن ساعت به ناگاه آنان را فرا رسد؟! نشانه‌های آن که (هم‌اینک) آمده است و پس از آمدن آن، دیگر تذکرشان چه سودی به حالشان دارد؟]

هم چنین فرموده است: (آن ساعت نزدیک آمد و ماه شکافته شد) و فرموده است:

(و تو چه دانی؟ شاید که آن ساعت نزدیک باشد. آنان که به ساعت ایمان ندارند (از روی تمسخر) تقاضای زودتر شدن آن را دارند و (اما) آنان که ایمان آورده‌اند از آن ساعت سخت

(۱). [در مأخذ: و لا یوقّت له وقت.]

(۲). [در مأخذ: یظهره.]

(۳). الهدایه (نسخه‌ی خطی). الهدایه الکبری [چاپ مؤسسه‌ی البلاغ، بیروت، ۱۴۰۶ ق : ۳۹۲-۳۹۳، با افزوده‌ی بسیار در دنباله‌ی حدیث.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۵

بیمناک‌اند و می دانند که آن هنگام (آمدنی و) حقیقت است. هان! آنان که درباره‌ی ساعت جدال کنند در گم‌راهی دوری هستند.)»

عرض کردم: ای مولای من، مراد از «یمارون- جدال می کنند» چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«می گویند: (موعود) کی متولّد شده و چه کسی او را دیده و در کجاست و کی ظاهر می شود؟ تمام این‌ها از روی شتاب در امر خداوند و شک در قضای الاهی است.

آنان در دنیا و آخرت خود را زیان کرده‌اند و پایان بد از آن کافران است.»

مفضل گوید: عرضه داشتم: ای مولای من، پس وقتی برای آن تعیین نمی کنید؟

فرمود: «ای مفضل، برای آن وقتی مگذار که هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و (به ناحق) مدّعی شده که خدای - تعالی - او را از اسرار خویش آگاه ساخته است.»

## ۸۸ [سوره ی فتح [آیه ۲۶]

... لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱﴾

(اگر (آن عناصر کفر و ایمان) از هم جدا می شدند، همانا گروه کافر از ایشان را به عذابی دردناک کیفر می دادیم.)

[۲۳۱] ابن بابویه، قال: حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظْفَرِ الْعُلَوِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ، قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَوْ «۲» قَالَ لَهُ رَجُلٌ - : أَصْلَحَكَ اللَّهُ، أَلَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوِيًّا فِي دِينِ اللَّهِ [عَزَّ وَجَلَّ] ؟ قَالَ: «بَلَى».

فَقَالَ: [ف] كَيْفَ ظَهَرَ عَلَيْهِ الْقَوْمُ، وَ كَيْفَ لَمْ يَدْفَعَهُمْ، وَ مَا مَنَعَهُ «۳» مِنْ ذَلِكَ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنَعْتَهُ».

قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ آيَةٍ [هِيَ] ؟

قَالَ: «قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا إِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَائِعِ مُؤْمِنُونَ فِي أَصْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ وَ مُنَافِقِينَ، فَلَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَقْتُلِ الْآبَاءَ حَتَّى تَخْرُجَ «۴» الْوَدَائِعِ، فَلَمَّا خَرَجَتْ الْوَدَائِعِ ظَهَرَ عَلِيٌّ مِنْ ظَهْرِ فَقَاتَلَهُ، وَ كَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّى تَظْهَرَ وَدَائِعِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا

(۱). فتح (۴۸): ۲۶.

(۲). [در متن: و.]

(۳). در مأخذ: يمنع.

(۴). [در مأخذ: يخرج.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۷

ظهرت، ظهر علی من ظهر «۱» فقتله. «۲»

ابن بابویه گوید: مظفر بن جعفر بن مظفر علوی رحمه الله برایمان حدیث آورد، وی گفت: جعفر بن محمد بن مسعود، از پدرش، از علی بن محمد، از احمد بن محمد، از حسن بن محبوب، از ابراهیم کرخی برایمان حدیث آورد که گفت: به حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام عرضه داشتم (یا مردی به آن حضرت عرضه داشت):

أصلحك الله «۳»، آیا حضرت علی علیه السلام در دین خدای [عز و جل قوی (و ثابت) نبود؟ فرمود: «چرا».

عرض کردم: پس چگونه قوم بر او چیره شدند و چگونه آنها را نراند؟ چه چیز آن حضرت را از این کار باز داشت؟

امام علیه السلام فرمود: «آیه ای در کتاب خدای - عز و جل - آن حضرت را باز داشت.» راوی گوید: عرض کردم: کدامین آیه؟ فرمود: «قول خدای - عز و جل - : (اگر (آن عناصر کفر و ایمان) از هم جدا می شدند، همانا افراد کافر از ایشان را به عذابی دردناک معذب می ساختیم). خدای - عز و جل - سپرده های مؤمنی در اصلا ب افراد کافر و منافق داشت.

پس علی علیه السلام پدران را نمی کشت تا این که آن ودیعه ها بیرون آیند و چون آن ودایع بیرون آمدند، آن حضرت به کشتن آنان اقدام کرد و همین طور قائم ما اهل بیت ابد.

ظاهر نخواهد شد تا این که سپرده‌های خدای - عز و جل - بیرون آیند و چون ظاهر گردند، آن حضرت نیز آشکار خواهد شد و (مخالفان را) خواهد کشت.

[۲۳۲] علی بن ابراهیم، قال: حدَّثنا أحمد بن علی، قال: حدَّثنا الحسين بن عبد الله السَّعِدِيُّ، قال: حدَّثنا الحسن بن موسى الخشاب، عن عبد الله بن الحسن «۴» عن بعض أصحابه، عن فلان الكرخي قال:

(۱). در مأخذ: يظهر.

(۲). کمال الدین ۲: [۶۴۱-۶۴۲، باب ۵۴، ح دوم ذیل قصه‌ی بلوهر و بوذاسف .

(۳). [رک. توضیح ذیل ص ۳۳۵].

(۴). در مأخذ: الحسين.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۸

قال رجل لأبي عبد الله عليه السلام: ألم يكن علي عليه السلام قويا في بدنه، قويا في أمر «۱» الله؟ قال [له أبو عبد الله عليه السلام: «بلى». قال له: فما منعه أن يدفع أو يمتنع؟

قال عليه السلام: «[قد] سألت فافهم الجواب، منع عليا من ذلك آية من كتاب الله.» فقال: و أي آية؟ فقرا:

«لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً إِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ ودائع مؤمنون «۲» في أصلاب قوم كافرين و منافقين، فلم يكن علي عليه السلام ليقتل الآباء حتى تخرج «۳» الودائع، فلما خرج ظهر علي من ظهر و قتله.

و كذلك قائمنا أهل البيت لن «۴» يظهر أبدا حتى تخرج ودايع الله، فإذا خرجت، ظهر «۵» علي من ظهر «۶» فيقتله.» «۷»

علی بن ابراهیم گوید: احمد بن علی حدیث مان داد، وی گفت: حسین بن عبد الله سعدي حدیث مان داد و گفت: حسن بن موسی خشاب حدیث مان داد، از عبد الله بن الحسن، از یکی از اصحابش، از فلان کرخی، که گفت: مردی به حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام عرضه داشت: آیا حضرت علی علیه السلام از لحاظ بدن نیرومند و در کار خداوند قوی نبود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «چرا.» آن مرد عرض کرد: پس آن حضرت را چه بازداشت از این که (از حقش) دفاع یا (از غضب حقش) جلوگیری کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «سؤال کردی؛ پس جواب را بفهم. یک آیه از کتاب خدا، حضرت علی علیه السلام را از این کار بازداشت.» پرسید: کدام آیه؟ حضرتش این آیه را خواند: «(اگر) آن عناصر کفر و ایمان) از هم جدا می شدند، همانا افراد کافر از ایشان را به عذابی دردناک معذب می ساختیم). همانا خداوند را سپرده‌های مؤمنی بود در اصلاب

(۱). در متن: بأمر.

(۲). [در متن: مؤمنین].

(۳). [در مأخذ: یخرج].

(۴). در مأخذ: لم.

(۵ و ۶). [در مأخذ: يظهر].

(۷). تفسیر قمی ۲: ۳۱۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۲۹

قومی کافر و منافق. امیر مؤمنان علیه السلام پدران را نمی کشت تا این که آن سپرده‌ها بیرون آیند و چون بیرون آمدند، به قتال منحرفان پرداخت.



همین طور است قائم ما اهل البیت که هیچ گاه ظاهر نخواهد شد تا این که ودایع و سپرده‌های الاهی بیرون آیند. پس چون خارج شدند، بر آن که باید چیره گردد و (دشمن را) به قتل رساند.»  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۰

## ۸۹ [سوره ی فتح [آیه ی ۲۸]

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ... «۱»  
(اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (ادیان) مسلط (و غالب) گرداند ...)  
[۲۳۳] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام قال:  
«هو الإمام الذي يظهره على الدين كله فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.» و هذا مما ذكرنا أن تأويله بعد تنزيله. «۲»  
علی بن ابراهیم در تفسیرش - که به امام صادق علیه السلام منسوب است - گوید:  
«او امامی است که خداوند بر همه‌ی دین چیره‌اش می‌دارد. پس زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ هم‌چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.» و این از آن (آیاتی) است - که یاد آوردیم - که تأویل آن بعد از تنزیلش خواهد بود.  
روایات بسیاری در معنی آن چه یاد کردیم، پیش تر در تفسیر فرموده‌ی خدای - تعالی - : هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ از سوره‌ی براءت گذشت.

(۱). فتح (۴۸): ۲۹.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۱۷.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۱

## ۹۰ [سوره ی ق [آیه ی ۴۳ - ۴۲]

وَ اسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ \* يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ. ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ «۱»  
(و آن روز که منادی حق از جای نزدیکی ندا خواهد کرد، گوش فرادار؛ روزی که آن صیحه را به حق بشنوند. آن هنگام روز خروج است.)

[۲۳۴] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام، قال: قال:

«ينادي المنادي باسم القائم و اسم «۲» أبيه عليهما السلام.»

قوله: يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ قال:

«صيحته «۳» القائم عليه السلام من السماء، (و) ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ «۴»

علی بن ابراهیم در تفسیرش - که به امام صادق علیه السلام منسوب است - گوید:

(آن حضرت) فرمود:

«منادی حضرت قائم را به نام و نام پدر «۵» ندا می‌کند.»

این که فرماید: (روزی که آن صیحه را به حق بشنوند، آن هنگام روز خروج است).

فرمود: «این بانگ (به نام) قائم علیه السلام از سوی آسمان است (و) (آن روز خروج است).»

(۱). ق (۵۰): ۴۲-۴۳.

(۲). [در متن: صیحه القائم و اسم].

(۳). در متن: باسم.

(۴). تفسیر قمی ۲: ۳۲۷.

(۵). [یعنی به روشنی معرفی می کند].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۲

## ۹۱ [سوره ی ذاریات (آیه ۲۳)]

فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ ﴿۱﴾

(به خداوندگار آسمان و زمین سوگند که این سخن حق است؛ هم چنان که (شما با یکدیگر) سخن می گوید.)

[۲۳۵] محمد بن العباس رحمه الله، قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَفِيَانَ «۲»

بِإِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ قَالَ:

«قوله: إِنَّهُ لَحَقُّ [هو] قِيَامُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَفِيهِ نَزَلَتْ: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.» «۳»

محمد بن العباس رحمه الله گوید: علی بن عبد الله، از ابراهیم بن محمد ثقفی، از حسن بن حسین، از سفیان بن ابراهیم، از عمرو بن هاشم، از اسحاق بن عبد الله، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام حدیث مان داد، راجع به قول خدای - عز و جل -: (به پروردگار آسمان و زمین سوگند که این مطلب حق است؛ هم چنان که (با یکدیگر) سخن می گوید) آن حضرت فرمود:

(۱). ذاریات (۵۱): ۲۴.

(۲). [در متن: سفین].

(۳). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۶۱۵ [ح ۴].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۳

«این که (خداوند) فرمود: (این حق است) مراد قیام حضرت قائم علیه السلام است و در همان مورد این آیه نازل شد: (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، وعده فرموده است که به طور حتم (در ظهور امام قائم علیه السلام) بر روی زمین خلافت دهد؛ چنان که کسانی را که قبل از ایشان بوده اند به خلافت رسانید و البته دینی را که برای ایشان پسندیده است توان و اقتدار خواهد داد و بی گمان، بیم و هراس ایشان را به ایمنی مبدل خواهد ساخت).»

[۲۳۶] الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ، فِي الْغَيْبَةِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْمُحَمَّدِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ تَمَّامٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ

مُحَمَّدِ الْقَطَعِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَاتِمِ الْبِرَّازِ «۱»، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِرْوَانَ، عَنِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْعَبَّاسِ، فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ\* فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ قَالَ:

قِيَامُ الْقَائِمِ «۲» عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَمِثْلُهُ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ:

أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ. «۳»

شیخ طوسی در کتاب الغیبه گوید: شریف ابو محمد محمدی رحمه الله خبرمان داد، از محمد بن علی بن تمام، از حسین بن محمد

قطعی، از علی بن احمد بن حاتم بزّاز، از محمّد بن مروان، از کلبی، از ابو صالح، از عبد الله بن عباس که درباره‌ی قول خدای - تعالی - (و روزی شما با همه‌ی وعده‌ها که به شما داده‌اند در آسمان است\* به خداوندگار آسمان و زمین سوگند که این حقّ است؛ هم‌چنان که (شما با یک‌دیگر) سخن می‌گویید) گفت:

(این حق) قیام قائم علیه السّلام است و (این آیه نیز) هم‌چون آن است: (هرکجا باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد) گوید: اصحاب حضرت قائم علیه السّلام را خداوند در یک روز جمع می‌فرماید.

(۱). [در متن: البزّاز].

(۲). در متن: القائم.

(۳). کتاب الغیبه: [۱۷۵-۱۷۶ (ح ۱۳۲)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۴

[۲۳۷] عنه، قال: روی ابراهیم بن سلمه «۱»، عن أحمد بن مالک الفزّاری، عن حیدر بن محمّد الفزّاری، عن عبّاد بن یعقوب، عن نصر بن مزاحم، عن محمّد بن مروان، عن الکلبی، عن أبي صالح، عن ابن عباس، فی قوله تعالی: وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ قال: هو خروج (القائم) [المهدی علیه السّلام]. «۲»

از اوست که گوید: ابراهیم بن سلمه، از احمد بن مالک فزّاری، از حیدر بن محمّد فزّاری، از عبّاد بن یعقوب، از نصر بن مزاحم، از محمّد بن مروان، از کلبی، از ابو صالح از ابن عباس روایت کرد که درباره‌ی فرموده‌ی خدای - تعالی - (و روزی شما - با همه‌ی وعده‌ها که به شما دادند - در آسمان است) گفت:

آن خروج (قائم) [مهدی علیه السّلام] است.

(۱). در مأخذ: مسلمة.

(۲). کتاب الغیبه: [۱۷۵ (ح ۱۳۰)].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۵

## ۹۲ [سوره‌ی طور] [آیه‌ی ۵-۲]

وَ الطُّورِ\* وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ\* فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ «۱»

(سوگند به طور\* و کتابی نگاشته\* در صحیفه‌ای گشوده شده.)

[۲۳۸] أبو جعفر محمّد بن جریر الطّبری، قال: عن أبي الحسين محمّد بن هارون، عن أبيه هارون بن موسى، قال: حدّثنا أبو علی، عن جعفر بن مالک «۲»، قال: حدّثنا محمّد بن سماعه الصّیرفی، عن المفضّل بن عیسی، عن محمّد بن علی الهمدانی، عن أبي عبد الله علیه السّلام [قال:

«اللّیلۃ الّتی یقوم فیها قائم آل محمّد علیه السّلام ینزل رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم و امیر المؤمنین علیه السّلام و جبرائیل علیه السّلام علی حراء فیقول له جبرائیل: "أجب،" فیخرج رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم رقاً من حجرة إزاره «۳» فیدفعه إلی علی علیه السّلام فیقول [له: "اكتب:

بسم الله الرحمن الرحيم، [هذا] عهد من الله و من رسوله و من علی بن أبي طالب لفلان بن فلان "باسمه و اسم أبيه، و ذلك قول الله عزّ و جلّ فی کتابه: وَ الطُّورِ\* وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ\* فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ وَ هو الكتاب الّذی کتبه علی بن أبي طالب علیه السّلام، و الرّقّ

المنشور الذي أخرجه رسول الله صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلم من حجة إزاره «٤».

(١). طور (٥٢): ٢-٤.

(٢). [در مأخذ: محمد].

(٣ و ٤). [در متن: أزاره].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤٣٦

قلت: وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ «١» رسول الله صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلم؟ قال:

«نعم، المملی رسول الله [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ] وَ الْكَاتِبِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام.» «٢»

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید: از ابو الحسین محمد بن هارون، از پدرش هارون بن موسی است که گفت: ابو علی حدیث مان داد، از جعفر بن مالک، او گفت:

محمد بن سماعه صیرفی حدیث مان داد، از مفضل بن عیسی، از محمد بن علی همدانی، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام [که فرمود:

«آن شب که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام می کند، رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و جبرائیل علیه السلام بر فراز حراء «٣» فرود می آیند. پس جبرائیل به او گوید:

"اجابت کن". آن گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلم صحیفه ای را از آستین جامه ی خویش «٤» بیرون می آورد و آن را به علی علیه السلام می دهد و [بدو] فرماید: "بنویس: به نام خداوند بخشاینده ی مهربان، [این عهدنامه ی است از خداوند و از رسول او و از علی بن ابی طالب برای فلان فرزند فلان "به نام او و نام پدرش، و این است (معنی) قول خدای - عزّ و جلّ - در کتابش: (سو گند به طور\* و سو گند به کتاب نوشته ی مسطور\* در صحیفه ی گشوده شده) و این نامه ی است که علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته و صحیفه ی گشاده شده همان است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلم آن را از آستین جامه اش بیرون آورد." گفتیم: (سو گند به بیت المعمور)، او رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلم است؟ فرمود:

«آری، املاکننده رسول خداست و نویسنده علی علیه السلام.»

این صورت حدیث است که فعلا از نسخه ی کتاب مسند

(١). [در مأخذ: أهو].

(٢). دلائل الإمامة: [٤٧٨، ح ٤٦٩].

(٣). [حرا - حراء] کوهی است در کنار مکه ی مکرمه که غار مشهور آن به همین نام خوانده می شود.

(٤). [ترجمه ی حجة إزاره که دو جا آمده است؛ اما مترجم هردو را از متن أزاره خوانده و تنها ترجمه ی دومی را آورده اند. إزار پوشاننده ی پا یا نیمه ی پایین پیراهن است و حجه جای بستن کمر. کیسه ی هم راه را به کمر بند لباس می آویزند. بنابراین بند کمر نیز می توان ترجمه کرد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤٣٧

فاطمه علیها السلام تألیف ابو جعفر محمد بن جریر طبری آوردم. او این حدیث را در باب معرفت و جوب قائم علیه السلام و این که حتما خواهد بود آورده است و ابتدای حدیث چنان است که در این نسخه می بینید و الله أعلم. باری، مقصود از نقل حدیث حاصل است.

### ۹۳ [سوره قمر] [آیه ۲]

اَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿۱﴾

(آن ساعت نزدیک آمد و ماه شکافته شد.)

حدیث در این باره از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در بیان فرموده‌ی خدای - تعالی - : فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا از سوره‌ی محمد صلی الله علیه و اله و سلم گذشت. «۲»

(۱). قمر (۵۴): ۲.

(۲). حدیث یاد شده در ذیل آیه‌ی هشتاد و هفتم گذشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۳۹

### ۹۴ [سوره قمر] [آیه ۳]

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿۱﴾

(و چون آیتی را ببینند، روی برمی‌تابند و می‌گویند: (این) جادویی پی‌درپی است.)

[تکرار ۱۷۵] محمد بن ابراهیم النعمانی فی الغیبه، قال: أخبرنا «۲» أحمد بن محمد بن سعید، قال: حدّثنا القاسم «۳» بن محمد بن الحسن «۴» بن حازم، قال: حدّثنا عیسی بن هشام النّاشری، عن عبد الله بن جبلة، عن عبد الصّمد بن بشیر، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام، و قد سأله عمارة الهمدانی فقال له:

أصلحك الله! إنّ الناس «۵» یعیروننا و یقولون: إنکم تزعمون أنّه سیکون صوت من السماء. فقال له:

«لا- ترو عنی و اروه عن ابي، كان ابي يقول: هو فی کتاب الله إنّ نَسْأُ نُنَزَّلُ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ «۶» فیؤمن أهل الأرض جميعا للصوت [الأول، فإذا كان من الغد صعد إبليس اللعين حتّى يتوارى [من الأرض فی جو السماء ثمّ ینادی: ألا إنّ عثمان قتل مظلوما فاطلبوا بدمه، فیرجع من أراد الله عزّ و جلّ به شرّاً «۷» و یقولون: هذا سحر الشّیعة و حتّى یتناولونا و

(۱). قمر (۵۴): ۳.

(۲). [در مأخذ: حدّثنا.]

(۳). [در متن: القسم.]

(۴). [در متن: الحسين.]

(۵). [در مأخذ: ناسا.]

(۶). شعراء (۲۶): ۵.

(۷). در مأخذ: سوء.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۰

یقولون: هو من سحرهم، و هو قول الله عزّ و جلّ: وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ. «۱»

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد، گفت: حدیث‌مان داد قاسم بن محمد بن

حسن بن حازم، گفت: حدیث مان داد عیسی ابن هشام ناشری، از عبد الله بن جبلة، از عبد الصمد بن بشیر، از حضرت امام ابو عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام که عماره‌ی همدانی از آن حضرت سؤال کرده و عرضه داشته بود:

أصلحك الله «۲»! مردمان (غیر شیعی) ما را سرزنش می‌کنند و می‌گویند: شما می‌پندارید که آوازدهنده‌ای از آسمان (به نام صاحب این امر) بانگ خواهد زد؟

آن حضرت علیه السلام به او فرمود:

«(آری، این را) از من روایت مکن و از پدرم روایت کن. پدرم می‌فرمود: این در کتاب خداوند هست: (اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند) پس همه‌ی اهل زمین برای صدا [ی اول ایمان آورند. پس چون فردای آن روز شود، ابلیس لعین [از زمین فاصله می‌گیرد تا در دل آسمان مخفی می‌گردد. سپس فریاد می‌زند: توجه کنید که عثمان مظلوم کشته شد. پس برایش خون‌خواهی کنید. آن‌گاه هر که خدای- عز و جل- برایش شری خواسته، برمی‌گردد و (مردمان) گویند: این جادوگری شیعیان است و تا حدی که به ما نیز بد خواهند گفت و گویند: این از جادوهای آن‌هاست و این است (معنی) فرموده‌ی خدای- عز و جل-: (و چون آیتی را ببینند، روی برمی‌تابند و می‌گویند: (این) جادویی پی‌درپی است)».

[۲۳۹] عنه، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا علي بن الحسن التيملي، قال: حدثني «۳» عمرو بن عثمان، عن الحسن

بن محبوب، عن عبد الله بن سنان، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فسمعت رجلا من همدان يقول [له: إن

(۱). كتاب الغيبة: ۲۶۱-۲۶۲ [باب ۱۴، ح ۲۰].

(۲). رك. توضیح پاورقی ص ۳۳۵.

(۳). [در مأخذ: حدثنا].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۱

هؤلاء العامة يعيروننا و يقولون لنا: إنكم تزعمون أن مناديا ينادي من السماء باسم صاحب هذا الأمر، و كان عليه السلام متكئا فغضب و جلس، ثم قال:

«لا ترووه عني و ارووه عن أبي، و لا حرج عليكم في ذلك، أشهد أنني [قد] سمعت أبي عليه السلام يقول: و الله إن ذلك في كتاب الله عز و جل لبين حيث يقول:

إِنْ نَشَأَ نَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ فَلَ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَ ذَلَّتْ رِقَبَتَهُ [لها] فيؤمن أهل الأرض إذا سمعوا الصوت من السماء: ألا إن الحق في علي بن أبي طالب عليه السلام و شيعته.

قال: فإذا كان من الغد صعد إبليس في الهواء حتى يتوارى عن أهل الأرض، ثم ينادي: ألا إن الحق في عثمان بن عفان [و شيعته فإنه قتل مظلوما فاطلبوا بدمه- قال عليه السلام:- ف يُجِبُّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ «۱» على الحق و هو النداء الأول، و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض و المرض- و الله- عداوتنا، فعند ذلك يبرؤون «۲» منا [و] يتناولونا و يقولون «۳»: إن المنادي الأول سحر من [سحر] أهل هذا البيت.»

ثم تلا أبو عبد الله عليه السلام قول الله عز و جل: وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ. «۴»

از اوست که گفت: خبرمان داد احمد بن محمد بن سعيد گوید: حدیث مان داد علی بن حسن تیملی، گوید: حدیث ام داد عمرو بن عثمان، از حسن بن محبوب، از عبد الله ابن سنان که گفت: در محضر امام ابو عبد الله صادق علیه السلام بودم که شنیدم شخصی از همدان

همدان

(۱). [ابراهیم (۱۴): ۲۸].

(۲). در مأخذ: یتبرؤون.

(۳). [در مأخذ: فیقولون].

(۴). کتاب الغیبه: ۲۶۰-۲۶۱ [باب ۱۴، ح ۱۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۲

می گفت: این ستیان ما را سرزنش می کنند و به ما می گویند: شما می پندارید که آوازدهنده‌ای از آسمان به نام صاحب این امر بانگ خواهد زد. آن حضرت تکیه داده بود. خشمگین شد و (راست) نشست. سپس فرمود:

«این (سخن) را از من نقل نکنید و از پدرم نقل کنید که هیچ اشکالی برای شما نخواهد داشت. من شهادت می دهم که از پدرم علیه السلام شنیدم که می فرمود: به خدا سوگند، این مطلب در کتاب خدای - عزّ و جلّ - کاملاً روشن است که می فرماید: (و اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم که گردن‌هایشان برای آن به حالت خضوع ماند). پس آن روز، احدی در زمین باقی نمی ماند مگر این که در مقابل آن نشانه گردن نهد و همه‌ی اهل زمین - وقتی بشنوند صدایی از آسمان بلند است که: آگاه باشید! حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست - ایمان می آورند.

(پدرم امام باقر علیه السلام) فرمود: چون فردای آن روز شود، ابلیس به آسمان رود تا جایی که از چشم زمینیان مخفی گردد. آن گاه بانگ برآورد که: توجه کنید! حق با عثمان بن عفّان [و هواداران وی است؛ زیرا او مظلوم کشته شد. (کیفر) خونش را مطالبه کنید!]

(امام علیه السلام) فرمود:

«پس در آن هنگام، (خداوند مؤمنان را با قول ثابت - بر حق - استوار می سازد) این همان ندای اولّ است؛ ولی (آن‌ها که در دلشان مرض هست) - که مرض، به خدا قسم، دشمنی ماست - آن روز، به شک می افتند. در آن هنگام، از ما دوری می جویند و به ما اهانت می کنند و می گویند: منادی اولّ سحری بود از سحرهای این خاندان!»

سپس حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کرد: (و چون آیه‌ای را ببینند، روی برمی تابند و می گویند: (این) جادویی پی در پی است).

[۲۴۰] و عنه، قال: أخبرنا «۱» أحمد بن محمد بن سعید، قال: حدّثنا محمد بن

(۱). در مأخذ: و حدّثنا.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۳

المفضّل بن ابراهیم، و سعدان بن إسحاق بن سعید، و أحمد بن الحسين بن عبد الملك، و محمّد بن أحمد بن الحسن القطوانی جميعاً، عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن سنان مثله سواء بلفظه. «۱»

هم از اوست که گفت: خبرمان داد احمد بن محمّد بن سعید گفت: حدیث‌مان دادند محمّد بن المفضّل بن ابراهیم و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین بن عبد الملك و محمّد بن احمد بن حسن قطوانی، همگی از حسن بن محبوب، از عبد الله بن سنان ... مثل همین حدیث را با همین الفاظ آورده است.

(۱). کتاب الغیبه: [۲۶۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۴

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ «۱»

(مجرمان از چهره‌هاشان شناخته گردند. پس، از (موی) پیشانی و پاها گرفته می‌شوند.)

[۲۴۱] محمّد بن ابراهیم النعمانی، قال: أخبرنا «۲» علی بن أحمد، قال: أخبرنا «۳» عبد الله بن موسى، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه، عن محمد بن سليمان الديلمي، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ قال:

«الله يعرفهم، ولكن نزلت في القائم عليه السلام، يعرفهم بسيماهم فيخبطهم بالسيف هو و أصحابه خطبا.» «۵»

محمّد بن ابراهیم نعمانی گوید: علی بن احمد خبرمان داد و گفت: عبد الله بن موسى از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش، از محمد بن سليمان ديلمی، از ابو بصير، از حضرت ابو عبد الله امام صادق عليه السلام برای ما خبر آورد که آن حضرت دربارهی قول خدای - تعالی -: (مجرمان از چهره‌هایشان شناخته شوند) فرمود:

«خداوند آن‌ها را می‌شناسد؛ ولی این آیه دربارهی قائم عليه السلام نازل شده و اوست

(۱). الزحمان (۵۵): ۴۲.

(۲ و ۳). [در مأخذ: حدّثنا].

(۴). در مأخذ: عیید.

(۵). کتاب الغیبة: ۲۴۲ [باب ۱۳، ح ۳۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۵

که آن‌ها را به چهره‌هایشان می‌شناسد. آن‌گاه او و اصحابش آن‌ها را از دم شمشیر می‌گذرانند.»

[۲۴۲] محمد بن الحسن الصفّار: عن ابراهیم بن هاشم، عن سليمان الديلمي «۱»، عن معاوية الدهني، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله تبارك و تعالى: يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ فقال: «يا معاوية ما يقولون في هذا؟» قلت:

يزعمون أنّ الله تبارك و تعالى يعرف المجرمين بسيماهم في القيامة فيأمر بهم فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم فيلقون في النار.

فقال عليه السلام لي: «و كيف يحتاج [الجبار] تبارك و تعالى إلى معرفة خلق أنشأهم و هو خلقهم؟!» فقلت: جعلت فداك، و ما ذاك

«؟» قال: «لو قام قائمنا عليه السلام أعطاه الله السيماء فيأمر بالكافر فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم ثمّ تخبط «۳» بالسيف خطبا.» «۴»

و قرأ أبو عبد الله «۵» عليه السلام: «هذه جهنّم التي كنتما بها تكذبان، تصليانها لا تموتان «۶» [فيها] و لا تحيان.» «۷»

محمّد بن حسن صفّار: از ابراهیم بن هاشم از سليمان ديلمی، از معاوية دهنی، از حضرت امام ابو عبد الله صادق عليه السلام روایت آورده که راجع به فرمودهی خداوند - تبارك و تعالى -: (مجرمان از چهره‌هاشان شناخته گردند. پس، از (موی) پیشانی و

پاها گرفته می‌شوند) فرمود:

(۱). در متن، این افزوده هست: أو عن سلمان.

(۲). در مأخذ: ذلك.

(۳). [در مأخذ: يخبط].

(۴). بصائر الدرّجات: ۳۵۹ [ج ۷، باب ۱۷، ح ۱۷].



(۵). [در مأخذ: و روی عن أبي عبد الله.]

(۶). [در مأخذ: اصلها فلا تموتان.]

(۷). تفسیر مجمع البیان ۹: ۳۳۹. در متن حدیث چنین آمده و ظاهراً این کلام از امام علیه السّلام و متضمّن معنی دو آیه از قرآن کریم است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۶

«ای معاویه، در این باره چه می گویند؟» عرضه داشتم: می پندارند که خداوند- تبارک و تعالی- در قیامت، مجرمان را به چهره هاشان می شناساند. پس امر می شود از پیشانی و پاهایشان آنان را می گیرند و به آتش درمی افکنند.

امام صادق علیه السّلام فرمود: «چگونه خداوند- تبارک و تعالی- به شناختن خلایقی که آن‌ها را آفریده است نیاز دارد؟» گفتم: فدایتان شوم، پس (معنی) این چیست؟

فرمود: «هرگاه قائم ما علیه السّلام به پا خیزد، خداوند شناخت چهره‌ها را به آن حضرت عطا فرماید. پس امر می کند کافران را از (موی) پیشانی‌ها و پاهایشان بگیرند؛ سپس از دم شمشیر بگذرانند.»

آن‌گاه حضرت ابو عبد الله صادق علیه السّلام چنین خواند:

«این جهنّم است که شما آن را تکذیب می کردید. به آن می رسید. نه می میرید و نه زنده می مانید.»

[۲۴۳] الشّیخ المفید فی الاختصاص: عن ابراهیم بن هاشم، عن محمّد بن سلیمان، عن أبیه، سلیمان «۱» [الدّیلمی، عن معاویة بن عمّار [الدّهنی، عن أبی عبد الله علیه السّلام فی قول الله [تعالی]: يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ [ف] قال [عليه السّلام]: «يا معاوية ما يقولون في هذا؟» قلت: يزعمون أنّ الله تبارك و تعالی يعرف المجرمين بسيماهم في القيامة فيأمر بهم فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم فيلقون في النار.

فقال (عليه السّلام) لي: «و كيف يحتاج الجيّار تبارك و تعالی إلى معرفة الخلق بسيماهم و هو خلقهم؟» قلت: فما ذاك، جعلت فداك؟ فقال: «ذلك لو قام قائمنا (عليه السّلام) أعطاه الله سيما أعدائنا «۲» فيأمر بالكافر فيؤخذ بالنواصي و الأقدام، ثمّ يخطب بالسيف خبطاً.» «۳»

(۱). در متن: عن سلیمان.

(۲). در مأخذ: السّیما.

(۳). الاختصاص: ۳۰۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۷

شیخ مفید در کتاب اختصاص از ابراهیم بن هاشم، از محمّد بن سلیمان، از پدرش، از سلیمان [دیلمی، از معاویة بن عمّار [دهنی، از حضرت امام ابو عبد الله صادق علیه السّلام روایت آورده که درباره‌ی قول خداوند: (مجرمان از چهره هایشان شناخته شوند. پس، از (موی) پیشانی و پاها گرفته می شوند) فرمود:

«ای معاویه، در این باره چه می گویند؟» راوی گوید: من عرض کردم: چنین پندارند که خداوند- تبارک و تعالی- در قیامت، مجرمان را به چهره هایشان می شناسد. پس امر می شود از پیشانی و پاهایشان آنان را بگیرند و ایشان را به آتش دوزخ درافکنند.

آن حضرت فرمود:

«چگونه (خداوند) جبار- تبارک و تعالی- به شناختن خلایقی که آن‌ها را خود آفریده است نیاز دارد؟» عرضه داشتم: فدای شما کردم، پس (معنی) آن چیست؟

فرمود:

«هرگاه قائم ما علیه السّلام به پا خیزد، خداوند شناخت چهره‌ی دشمنانمان را به آن حضرت عطا فرماید. پس امر می‌کند کافران را از (موی) پیشانی‌ها و پاهایشان بگیرند؛ سپس از دم شمشیر بگذرانند.»

[۲۴۴] عنه، بإسناده: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عزّ وجلّ:

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ قَالَ:

«[الله سبحانه و تعالی يعرفهم و لكن هذه نزلت في القائم عليه السلام هو يعرفهم بسيماهم فيخبطهم بالسيف هو و أصحابه خطأ.]» (۱)  
از اوست که به سند خود از ابو بصیر، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السّلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - :  
(مجرمان از چهره‌هایشان شناخته شوند. پس، از

(۱). این حدیث در کتبی که از شیخ مفید در دسترس هست، یافت نشد. [کتاب الغیبه: ۲۴۲ (باب ۱۳، ح ۳۹).]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۸

(موی) پیشانی و پاها گرفته می‌شوند) فرمود:

«خداوند - سبحانه و تعالی - آنان را می‌شناسد؛ ولی این آیه درباره‌ی حضرت قائم علیه السّلام نازل گردیده که او آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسد. پس او و اصحابش آنها را از دم شمشیر می‌گذرانند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۴۹

## ۹۶ [سوره‌ی حدید] [آیه‌ی ۱۷]

... وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ «(۱)»

(... و هم چون کسانی نباشند که از پیش، کتاب آسمانی بر ایشان آمد؛ پس دوران طولانی (فترت) بر آنها گذشت و دل‌هایشان سختی گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند!)

[۲۴۵] ابن بابویه، قال: أخبرني علي بن حاتم فيما كتب إلي، قال [ : حَدَّثَنَا ] حميد بن زياد [ عن الحسن بن علي « ۲ » بن سماعه ] عن

أحمد بن الحسن الميثمي، عن سماعه و غيره، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«نزلت هذه الآية في القائم عليه السلام: وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ

«(۳)»

ابن بابویه گوید: علی بن حاتم - ضمن نوشتاری که برایم نوشت - خبرم داد و گفت:

حمید بن زیاد [از حسن بن علی بن سماعه از احمد بن حسن میثمی از سماعه و غیر او و حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام روایت کرد که آن حضرت فرمود:

«این آیه در مورد امام قائم علیه السّلام نازل شد: (و هم چون کسانی نباشند که از پیش، کتاب آسمانی برایشان آمد؛ پس دوران طولانی (فترت) بر آنها گذشت و دل‌هایشان سختی گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند).»

(۱). حدید (۵۷): ۱۷.

(۲). [ظاهراً به جای علی، محمد درست است.]

(۳). کمال الدین ۲: ۶۶۸ [باب ۵۸، ح ۱۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۴۹۹

[۲۴۶] مُحَمَّد بن إبراهيم التَّعْمَانِي، قال: حَدَّثَنَا «۱» مُحَمَّد بن هَمَّام، قال: حَدَّثَنَا حميد بن زياد الكوفي، قال: حَدَّثَنَا الحسن بن مُحَمَّد بن سماعه، قال: حَدَّثَنَا أحمد بن الحسن الميثمي، عن رجل من أصحاب أبي عبد الله جعفر بن مُحَمَّد عليهما السلام [أنه قال: سمعته يقول:

«نزلت هذه الآية التي في سورة الحديد ... وَلَا يَكُونُوا «۲» كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمِدُّ فَفَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ فِي أَهْلِ زَمَانِ الْغَيْبَةِ، ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (اعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «۳» وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّ الْأَمِدَّ «۴» أَمِدُ الْغَيْبَةِ. «۵»

محمّد بن ابراهيم نعمانی گوید: محمّد بن همّام حدیث مان داد، گفت: حمید بن زیاد کوفی حدیث مان داد، گفت: حسن بن محمّد بن سماعه حدیث مان داد، گفت:

احمد بن حسن ميثمی از مردی از اصحاب حضرت ابو عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام حدیث مان داد که گفت: شنیدم آن حضرت می فرمود:

«این آیه که در سوره‌ی حديد است: (... و هم چون کسانی نباشند که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد، پس دوران طولانی (فترت) بر آن‌ها گذشت و دل‌هاشان سختی گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند) درباره‌ی اهل زمان غیبت نازل شده است. سپس خدای - عزّ و جلّ - فرموده است: (بدانید که) البتّه خداوند زمین را پس از مردن زنده خواهد کرد. ما آیات قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا مگر تعقل کنید) و آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا این امد (- مدت) دوران غیبت است.»

[۲۴۷] الشَّيْخُ الْمُفِيدُ، يَأْسِنَادُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ: عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ

(۱). [در مأخذ: روی عنهم عليهم السلام ما حدّثنا به.]

(۲). [در متن و مأخذ: تكونوا.]

(۳). [حدید (۵۷): ۱۸.]

(۴). در مأخذ: إنّما الأمد.

(۵). کتاب الغيبة: ۲۴ [مقدمه المؤلف .

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۱

أبي عبد الله عليه السلام، قال: سمعته يقول:

«نزلت هذه الآية: وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمِدُّ فَتَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ جَارٍ فِي زَمَانِ الْغَيْبَةِ وَ أَيَّامِهَا دُونَ غَيْرِهِمْ، وَ الْأَمِدُّ أَمِدُ الْغَيْبَةِ. «۱»

شیخ مفید به سند خود از محمّد بن همّام از مردی از اصحاب حضرت ابی عبد الله صادق علیه السلام روایت نموده که گفت: شنیدم آن حضرت می فرمود:

«این آیه نازل شد: (و هم چون کسانی نباشند که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد.

پس دوران طولانی (فترت) بر آن‌ها گذشت). پس تأویل این آیه در زمان و روزگار غیبت جاری است؛ نه در غیر آن‌ها و امد، مدت غیبت است.»

(۱). این حدیث در کتبی که از شیخ مفید- قدس سره- در دسترس هست، یافت نشد. [سید شرف الدین حسینی نیز آن را در تأویل الآیات الظاهرة ۲: ۶۶۲ به نقل از شیخ مفید آورده است. با توجه به این که در البرهان ۵: ۲۸۸ (ذیل آیه) نیز از شیخ مفید است، محتمل است که مؤلف بزرگوار در هر دو کتاب خویش، آن را از تأویل الآیات آورده باشد. احتمال بعدی این است که مراد هردو نویسنده‌ی دانشمند، شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی است و او را مفید خوانده‌اند یا ... لازم به ذکر است که دو نسخه‌ی یاد شده نسبت به متن فوق، اندکی فزونی دارد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۲

## ۹۷ [سوره‌ی حدید] [آیه‌ی ۱۸]

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ﴿۱﴾

(بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن آن، زنده خواهد کرد.)

[۲۴۸] ابن بابویه، قال: أخبرني علي بن حاتم فيما كتب إلي، قال: حدثنا حميد بن زياد [عن الحسن بن علي «۲» بن سماعه]، عن أحمد بن الحسن الميثمي، عن الحسن بن محبوب، عن مؤمن الطاق، عن سلام بن المستنير، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

قال (عليه السلام): «يحيى (۳) الله عزّ وجلّ بالقائم عليه السلام (الأرض) بعد موتها [بموتها] كفر أهلها و الكافر ميت.» «۴»

ابن بابویه گوید: علی بن حاتم- در ضمن آن چه برایم نوشت- خبرم داد و گفت:

حمید بن زیاد [از حسن بن علی بن سماعه از احمد بن الحسن ميثمي، از حسن بن محبوب، از مؤمن الطاق، از سلام بن المستنير، از حضرت ابو جعفر امام باقر عليه السلام حدیث مان داد که آن حضرت راجع به قول خدای- عزّ و جلّ- (بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن آن زنده خواهد کرد) فرمود:

«خدای- عزّ و جلّ- (زمین را) (پس از مردن آن) به وسیله‌ی حضرت قائم عليه السلام زنده می کند. [مردن زمین به کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است.]»

(۱). حدید (۵۷): ۱۸.

(۲). [ظاهراً به جای علی، محمد درست است.]

(۳). در مأخذ: یحییها.

(۴). کمال الدین ۲: ۶۶۸ [باب ۵۸، ح ۱۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۳

[۲۴۹] محمد بن العباس: عن حميد بن زياد، عن الحسن بن محمد بن سماعه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي جعفر الأحول، عن سلام بن المستنير، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عزّ وجلّ: اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا:

«يعنى بموتها كفر أهلها و الكافر ميت، فيحييها الله بالقائم عليه السلام فيعدل فيها فيحيى الأرض و يحيى أهلها «۱» بعد موتهم.» «۲»

محمد بن العباس: از حمید بن زیاد، از حسن بن محمد بن سماعه، از حسن بن محبوب، از ابو جعفر احول، از سلام بن مستنير، از حضرت امام ابو جعفر باقر عليه السلام آورده که آن حضرت راجع به فرموده‌ی خدای- عزّ و جلّ- (بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن آن زنده خواهد کرد) فرمودند:

«منظور از مردن زمین کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است. پس خداوند آن را به (ظهور) حضرت قائم عليه السلام زنده

خواهد کرد که در زمین عدالت می‌نماید. پس زمین را زنده می‌سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می‌گرداند.»

[۲۵۰] الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ، قال: روى إبراهيم بن سلمة، عن أحمد بن مالك الفزاري، عن حيدر بن محمد الفزاري، عن عباد بن يعقوب، عن نصر بن مزاحم، عن محمد بن مروان [عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عباس في قوله (تعالى):  
اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا:

يعنى يصلح الأرض بقائم آل محمد عليه السَّلام بَعْدَ مَوْتِهَا «۳» يعنى بعد «۴» جور أهل مملكتها «۵». قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ (عليه السَّلام) لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «۶»

(۱). [در مأخذ: فتحى الأرض و يحيى أهلها].

(۲). تأويل الآيات الظاهرة ۲: ۶۶۳ [ح ۱۵].

(۳). [در مأخذ: من بعد موتها].

(۴). در مأخذ: من بعد.

(۵). در متن: هلكتها.

(۶). كتاب الغيبة: ۱۱۰ [۱۷۵ (ح ۱۳۰)].

سيمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۴

شيخ طوسى گوید: ابراهيم بن سلمه، از احمد بن مالك فزارى، از حيدر بن محمد فزارى، از عباد بن يعقوب، از نصر بن مزاحم، از محمد بن مروان [، از] كلبي، از ابو صالح، از ابن عباس در مورد فرموده‌ی خداى - تعالى -: (بدانيد كه البته خداوند زمين را پس از مردن آن، زنده خواهد كرد) روايت آورده است كه گفت:

يعنى زمين را به قائم آل محمد عليه السَّلام اصلاح مى‌فرمايد. (پس از مردن آن) يعنى:

پس از جور و ستم اهل مملكت آن. (به تحقيق كه ما آيات (قدرت خود) را - به قائم آل محمد عليه السَّلام - براى شما بيان كرديم؛ (شاید كه تعقل كنيد).

[۲۵۱] محمد بن يعقوب: عن أحمد بن مهران، عن محمد بن علي، عن موسى بن سعدان، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبي إبراهيم عليه السلام فى قول الله عزّ و جلّ:

يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قال:

«ليس يحييها بالقطر، و لكن يبعث الله (عزّ و جلّ) رجالا فيحيون العدل فتحيى الأرض لإحياء العدل، و لإقامه الحدّ [لله (فيها) أنفع فى الأرض من القطر أربعين صباحا. «۱»]

محمد بن يعقوب: از احمد بن مهران، از محمد بن علي، از موسى بن سعدان از عبد الرحمن بن الحجاج از حضرت ابو ابراهيم موسى بن جعفر عليه السَّلام در مورد قول خداى - عزّ و جلّ -: (خداوند زمين را پس از مردن آن، زنده خواهد كرد) روايت کرده كه فرمود:

«نه به وسيله‌ی باران؛ بلکه خداوند - عزّ و جلّ - مردانى بر مى‌انگيزد. پس به خاطر برپايى و زنده شدن عدالت، زمين احيا مى‌گردد و همانا به پا داشتن حد [و رعايت مرز احكام الاهى در آن از چهل روز بارش سودمندتر است.»

[۲۵۲] عنه: عن محمد بن أحمد بن الصلت، عن عبد الله بن الصلت، عن

(۱). كافي ۷: ۱۷۴ [كتاب الحدود، باب التحدید ۱، ح ۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۵

یونس بن «۱» المفضّل بن صالح، عن محمّد الحلبی، أنه سأل أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ (عليه السلام): «العدل بعد الجور.» «۲»

از اوست: از محمّد بن احمد بن الصّلت، از عبد الله بن الصّلت، از یونس بن المفضّل ابن صالح، از محمّد حلبی، که از حضرت امام ابو عبد الله صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (بدانید که البتّه خداوند زمین را پس از مردن آن زنده خواهد کرد) سؤال کرد. حضرتش در پاسخ فرمود:  
«یعنی به وسیله‌ی عدالت پس از جور و ستم.»

(۱). [در مأخذ: عن.]

(۲). روضه‌ی کافی: ۲۶۷ [ح ۳۹۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۶

### ۹۸ [سوره‌ی ممتحنه [آیه‌ی ۱۴]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ «۱»  
(ای کسانی که ایمان آورده‌اند، هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آن‌ها از جهان آخرت ناامیدند؛ هم‌چنان که کافران از اهل قبور نومیدند.)

[۲۵۳] محمّد بن العباس (قال): حدّثنا علی بن عبد الله، عن إبراهيم بن محمّد الثّقفی، قال: سمعت محمّد بن صالح بن مسعود، قال: حدّثني أبو «۲» الجارود زياد بن المنذر، عن من سمع علياً عليه السلام يقول:

«العجب كلّ العجب بين جمادى و رجب!» فقام رجل فقال: يا أمير المؤمنين ما هذا العجب الذي لا تزال تعجب منه؟ فقال:  
«ثكلتك أمك!» و أیّ العجب «۳» أعجب من أموات يضربون كلّ عدوّ لله و لرسوله و لأهل بيته؟ ... و ذلك تأويل هذه الآية: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ فإذا اشتدّ القتل قلتم: مات و «۴» هلك، و «۵» أیّ واد سلك، و ذلك تأويل هذه الآية: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ

(۱). ممتحنه (۶۰): ۱۴.

(۲). [در متن: أبی.]

(۳). در مأخذ: عجب.

(۴ و ۵). [در مأخذ: أو.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۷

نَفِيرًا «۱». «۲»

محمّد بن العباس گوید: علی بن عبد الله، از ابراهیم بن محمّد ثقفی حدیث مان داد.

وی گفت: شنیدم محمّد بن صالح بن مسعود گفت: ابو الجارود زیاد بن المنذر از کسی برایم حدیث گفت که شنیده بود امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«عجب و همه‌ی عجب بین جمادى و رجب است!»

مردی به پا خاست و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین، این چه شگفتی است که شما پیوسته از آن در تعجب‌اید؟ فرمود: «مادرت در عزایت بگریه! کدام شگفتی از این عجیب‌تر که مردگانی همه‌ی دشمنان خدا و رسول او و اهل بیتش را بزنند؟ ... و این است تأویل این آیه: (ای کسانی که ایمان آورده‌اند، هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آن‌ها از جهان آخرت مأیوس و ناامیدند؛ هم‌چنان که کافران از اهل قبور نومیدند) هنگامی که کشتار شدت یابد گویند: او مرده و هلاک گشته و به کدام وادی رفته است و همان است تأویل این آیه: (سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و به وسیله‌ی اموال و فرزندان مدد رسانیم و تعداد (افراد) تان را بیش‌تر سازیم).»

(۱). إسرائ (۱۷): ۷.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۶۸۴ [ح ۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۸

### ۹۹ [سوره‌ی صف [آیه‌ی ۹]

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٩﴾

(می‌خواهند نور خدا را با (دم) دهان‌هاشان خاموش سازند و خداوند تمام‌کننده‌ی نور خود است؛ هرچند کافران را ناخوش آید.)  
[۲۵۴] محمّد بن یعقوب: عن علی بن محمّد، عن بعض أصحابنا، عن ابن محبوب، عن محمّد بن الفضیل، عن أبي الحسن الماضي عليه السلام قال:

سألته عن قول الله عزّ وجلّ: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ قال (عليه السلام):

«يريدون ليطفئوا ولاية أمير المؤمنين عليه السلام بأفواههم.»

قلت: وَاللَّهِ مُتِمُّ نُورِهِ قال: «وَاللَّهِ مَتَمَّ الْإِمَامَةَ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَأَمَّا تُوًّا ﴿٢﴾ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ﴿٣﴾ فَالنُّورُ هُوَ الْإِمَامُ.

قلت: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ ﴿٤﴾ قال (عليه السلام): «هُوَ [الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ (محمّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بِالْوَلَايَةِ لَوْصِيَّتِهِ، وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينِ الْحَقِّ.»

قلت: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ﴿٥﴾ قال: «يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ (عليه السلام)» - قال: - يَقُولُ اللَّهُ: وَاللَّهِ مُتِمُّ نُورِهِ بِوَلَايَةِ ﴿٦﴾ الْقَائِمِ وَلَوْ كَرِهَ

(۱). صف (۶۱): ۹.

(۲). [در متن و مأخذ: الَّذِينَ آمَنُوا.]

(۳). [تغابن (۶۴): ۹.]

(۴ و ۵). [صف (۶۱): ۱۰.]

(۶). در مأخذ: وولاية.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۵۹

الْكَافِرُونَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ.

قلت: هذا تنزيل؟ قال: «نعم، أمّا هذا الحرف فتزليل، و أمّا غيره فتأويل.» ﴿١﴾

محمّد بن یعقوب، از علی بن محمّد، از بعض اصحابمان، از ابن محبوب، از محمّد ابن فضیل از حضرت ابو الحسن ماضی (امام

کاظم) علیه السلام آورده گوید:

درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (می‌خواهند نور خدا را با (دم) دهان‌هاشان خاموش سازند) پرسیدم. آن حضرت علیه السلام فرمود:

«می‌خواهند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را با دهان‌هاشان خاموش کنند.»

عرض کردم: (و خداوند تمام‌کننده‌ی نور خود است)؟ فرمود: «خداوند تمام‌کننده‌ی امامت است. به دلیل فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (به خداوند و رسول او و نوری که نازل ساختیم ایمان آورید)، پس نور همان امام است.»  
عرضه داشتم: (اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد)؟ فرمود:  
«(یعنی) اوست خدایی که رسول خویش را به ولایت و صییش امر فرمود و ولایت همان دین حق است.»  
گفتم: (تا بر همه‌ی دین غالب گرداند) (چه‌طور)؟ فرمود:

«(یعنی) آن را بر تمامی ادیان، هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام غالب سازد. - (امام علیه السلام در توضیح) فرمودند: - خداوند فرماید: (و خدا تمام‌کننده‌ی نور خود است) (یعنی) ولایت قائم علیه السلام را به مرحله‌ی تمام می‌رساند؛ (و هرچند کافران را ناخوش آید) (یعنی) هرچند کافران به ولایت علی علیه السلام اکراه دارند.»  
عرضه داشتم: این تنزیل است؟ فرمود: «آری؛ این حرف تنزیل است و غیر آن تأویل.»  
[۲۵۵] عَلِيٌّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ، فِي تَفْسِيرِهِ، قَالَ: وَ (أَمَّا) قَوْلُهُ: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ

(۱). کافی ۱: ۴۳۲ [کتاب الحجّه، باب فيه نكت و نطف ... ۱۰۸، ح ۹۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۰

اللَّهُ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ (قال): قال:

«القائم (۱) من آل محمد علیه السلام [حتی إذا خرج يظهره الله على الدين كله حتى لا يعبد غير الله، و هو قوله (صلى الله عليه و اله و سلم): يملأ الأرض قسطا و عدلا، كما ملئت جورا و ظلما «۲»، «۳»]

علی بن ابراهیم در تفسیرش گوید: و (أما) فرموده‌ی خداوند: (می‌خواهند نور خدا را با (دم) دهان‌هاشان خاموش سازند و خداوند تمام‌کننده‌ی نور خود است) (گوید):  
فرمود:

«(نور تمام) قیام‌کننده از آل محمد علیه السلام است. هرگاه به پا خیزد، خداوند او را بر همه‌ی دین (ادیان) چیره می‌سازد تا آنجا که جز خداوند پرستیده نشود و همین است (معنی) فرموده‌ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم: او (حضرت قائم علیه السلام) زمین را از قسط و عدل آکنده خواهد ساخت؛ هم‌چنان که از جور و ظلم پر شده باشد.»

(۱). [در مأخذ: بالقائم].

(۲). در مأخذ: ظلما و جورا.

(۳). تفسیر قمی ۲: ۳۶۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۱

۱۰۰ [سوره‌ی صف [آیه‌ی ۹]



هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿١﴾

(اوست خداوندی که رسول خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین غلبه دهد؛ هرچند که مشرکان ناخوش دارند.)

[۲۵۶] محمد بن العباس: حدَّثنا أحمد بن هودة «٢»، عن إسحاق بن إبراهيم «٣»، عن عبد الله بن حماد، عن أبي بصير، قال:

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قوله «٤» عزّ وجلّ في كتابه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

فقال (عليه السلام): «و الله ما نزل تأويلها بعد.» قلت: جعلت فداك! ومتى ينزل تأويلها؟ قال:

«حتّى «٥» يقوم القائم (عليه السلام) - إن شاء الله تعالى - فإذا خرج القائم لم يبق كافر أو «٦» مشرك إلّا كره خروجه، حتّى لو أنّ

كافرا أو مشركا في بطن صخرة لقاتل الصخرة: يا مؤمن! في بطنى كافر أو مشرك، فاقتله. قال: فيجيئه فيقتله.» «٧»

(١). صف (٦١): ١٠.

(٢). در متن: هودة.

(٣). [در مأخذ: إبراهيم بن إسحاق].

(٤). در مأخذ: قول الله.

(٥). [در مأخذ: حين].

(٦). در مأخذ: ولا.

(٧). تأويل الآيات الظاهرة ٢: ٦٨٨ [ح ٧].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤٦٢

محمد بن العباس گوید: حدیث مان داد احمد بن هودة، از اسحاق بن ابراهیم، از عبد الله بن حماد، از ابو بصیر که گفت:

از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - در کتابش: (اوست خداوندی که رسول

خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی دین (- ادیان) غلبه دهد؛ هرچند که مشرکان اکراه دارند) پرسیدم.

فرمود: «به خدا سوگند، هنوز تأویلش نازل نشده است.» عرضه داشتم: فدایتان شوم! کی تأویل آن نازل می‌شود؟ فرمود:

«تا آن‌گاه که قائم علیه السلام به خواست خدای - تعالی - به پا خیزد. پس چون حضرت قائم علیه السلام خروج کند، هیچ کافر یا

مشرکی نماند مگر این که خروج آن حضرت را خوش ندارد؛ به طوری که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی پنهان باشد، هر آینه آن

سنگ خواهد گفت: ای مؤمن، در دل من کافر یا مشرکی هست؛ تو او را بکش. پس (مؤمن) می‌آید و او را به قتل می‌رساند.»

[۲۵۷] الحسین بن حمدان الخصیبی، قال: حدَّثني محمد بن إسماعيل و علي بن عبد الله الحسّين عن أبي شعيب محمد بن نصير «١»،

عن عمر بن الوان، عن محمد بن الفضل، عن المفضل بن عمر، «٢» عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام - في حديث

طويل يذكر فيه أمر القائم عليه السلام - قال المفضل: يا مولاي فكيف بدو ظهوره عليه السلام؟

قال: «يا مفضل يظهر في شبهة ليستبين «٣» أمره، و يعلو ذكره، و ينادى

(١). [در متن: عن محمد بن بصير].

(٢). [بخش دیگری از همین روایت بلند در آیه‌ی شماره‌ی ٨٧ گذشت. برای دیدن توضیحی درباره‌ی سند آن، به آیه‌ی یاد شده

مراجعه فرمایید. ادامه‌ی این حدیث، به دلیل اختلاف‌هایی چند با دو نسخه‌ی چاپی و خطی یاد شده، تنها براساس تصحیح مترجم

محترم عرضه می شود.]

(۳). [در متن: فی سنه الستین.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۳

باسمه و کنیت و نسبه، و یكثر ذكره فی أفواه المحققین و المبطلین لیلزمهم الحجیة بمعرفتهم به، علی أننا قصصنا ذلك و دللنا علیه و نسبناه و سَمیناه و کَیناه و قلنا:

سمى جدّه رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم و کتبه لثلاً تقول الناس: ما عرفنا اسماً و لا کنیه و لا نسباً، فوالله ليحقق الإفصاح به و باسمه و کنیته علی ألسنتهم حتّى لیسّمیه بعضهم لبعض، کلّ ذلك للزوم الحجّة علیهم، و يظهره كما وعده جدّه رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم فی قول الله عزّ و جلّ: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ قَالَ: - هُوَ قَوْلُهُ: وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ

فوالله يا مفضل ليفقد الملل و الأديان و الآراء و الاختلاف و يكون الدين كله لله كما قال تعالى: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ «(۱)» «(۲)»

حسین بن حمدان خصیبی گوید: محمّد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبد الله حسنی از ابو شعیب محمّد بن نصیر حدیث ام گفتند، از عمر بن الوان، از محمّد بن الفضل، از مفضل بن عمر، از حضرت ابو عبد الله جعفر بن محمّد صادق علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی - که در آن جریان حضرت قائم علیه السلام را یاد می کند - مفضل (به امام صادق علیه السلام) عرضه داشت: ای مولای من، سرآغاز ظهور او علیه السلام چگونه خواهد بود؟

فرمود: «مفضل، او درحالی که مورد شبهه است (و آرای مختلفی درباره اش ابراز می شود) آشکار خواهد شد تا خود (بهترین دلیل و روشن ترین حجت) بیان امرش باشد و یادش بلند گردد و نام و کنیه و نسبش ندا شود و یادش بر زبان همه - خواه اهل حق یا اهل باطل - زیاد برده شود تا به سبب شناخت آن جناب، حجت بر

(۱). آل عمران (۳): ۸۶.

(۲). الهدایة: ۳۹۳-۳۹۴، با مختصر تفاوت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۴

ایشان تمام گردد؛ با توجه به این که ما برایت بیان کردیم و وی را نشان دادیم و به نسب و نام و کنیه معرفی کردیم و گفتیم که او هم نام جدّش رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم و هم کنیه ای اوست تا مبادا مردم بگویند: نه اسمی (از او) شناخته ایم و نه کنیه ای و نه نسبی.

به خدا قسم، چنان به روشنی، او و نام کنیه اش زبان زد آنان خواهد شد که وی را برای یکدیگر نام برند. تمام اینها بدان خاطر است که حجت بر آنان تمام و گریبان گیرشان شود و خداوند او را ظاهر خواهد ساخت؛ هم چنان که جدّش رسول خدا صلّى الله عليه و اله و سلم وعده فرموده، در قول خدای - عزّ و جلّ -: (اوست خداوندی که رسول خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ی دین (- ادیان) غلبه دهد؛ هر چند که مشرکان اکراه دارند) فرمود: این همان (معنی) قول خداوند است: (و با آنان نبرد کنید تا این که هیچ فتنه و فساد بر جای نماند و تمام دین از آن خدا شود).

پس - به خدا قسم - ای مفضل، آیینها و ادیان و آرا و اختلافها، همه از بین خواهد رفت و همه ی دین از آن خدا خواهد شد؛ چنان که خدای - تعالی - فرموده است:

(همانا دین نزد خداوند، اسلام است) (و هر آن که غیر از اسلام دینی برگیرد، به هیچ وجه، از وی پذیرفته نیست و در آخرت از

زیان کاران خواهد بود.»

روایات بسیاری در این باره هست که این دو آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ تَا آخِرَ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ درباره‌ی حضرت قائم علیه السّلام است. پاره‌ای از این روایات در مورد هر دو آیه گذشت؛ اوّلی در سوره‌ی براءت و دومی در سوره‌ی انفال. «۱»

(۱). آیه‌ی اوّل در شماره‌ی ۲۲ و آیه‌ی دوم در شماره‌ی ۲۱ همین کتاب آمده‌اند.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۵

### ۱۰۱ [سوره‌ی ملک [آیه‌ی ۳۱]

قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ؟ «۱»

(به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارایی برایتان آورد؟)

[۲۵۸] (ابن بابویه) قال: أخبرنا محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني، قال:

حدّثنا محمد بن الحسين بن حفص الخثعمي «۲» الكوفي، قال: حدّثنا عبّاد بن يعقوب، قال: حدّثنا عليّ بن هاشم، عن محمد بن عبد الله، عن أبي عبيدة بن محمد بن عمّار، عن أبيه، عن جدّه عمّار، قال:

كنت مع رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم في بعض غزواته و قتل عليّ عليه السّلام أصحاب الألوية و فرّق جمعهم و قتل عمرو بن عبد الله الجمحي و قتل شيبه بن نافع، أتيت رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم فقلت له: يا رسول الله [صلّى الله عليك ، إنّ عليّ قد جاهد في الله حقّ جهاده، فقال:

«لأنّه منّي و أنا منه (و إنّه) وارث علمي و قاضی دینی و منجز وعدي و الخليفة (من) بعدي، و لولاه لم يعرف المؤمن المحض (بعدي)، حربه حربي و حربي حرب الله، و سلمه سلمی و سلمی سلم الله، ألا إنّه أبو سبّطي، و الأئمة من صلبه يخرج الله تعالی الأئمة الرّاشدين و منهم مهدی هذه الأئمة.»

(۱). ملك (۶۷): ۳۱.

(۲). [در مأخذ: الخثعمی.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۶

فقلت: بأبي [أنت و أمي يا رسول الله، من «۱» هذا المهديّ عليه السّلام؟

فقال «۲» (صلّى الله عليه و اله و سلم): «يا عمّار، إنّ الله تبارك [و تعالی عهد إليّ أنّه يخرج من صلب الحسين (عليه السّلام) أئمة تسعة، و التاسع من ولده يغيب عنهم، و ذلك قوله عزّ و جلّ: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ؟ تكون «۳» له غيبة طويّلة يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون، فإذا كان في آخر الزّمان يخرج فيملاً الدّنيا قسطاً و عدلاً [كما ملئت جوراً و ظلماً] و يقاتل على التّأويل كما قاتلت على التّنزيل، و هو سمّي «۴» و أشبه النّاس بي.

يا عمّار! ستكون بعدي فتنة فإذا كان ذلك فاتبع عليّ (عليه السّلام) و اصحبه «۵» فإنّه مع الحقّ و الحقّ معه، يا عمّار! إنك ستقاتل بعدي مع عليّ صنفين: النّاكثين و القاسطين، ثمّ تقتلك الفئة الباغية.»

قال «۶»: يا رسول الله، أليس ذلك على رضی الله و رضاك؟ قال: «نعم على رضی الله و رضای، و يكون آخر زادك من الدّنيا شربة

من لبن تشربه.»

فلما كان يوم صفين خرج عمار بن ياسر إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال له: يا أبا رسول الله [صلى الله عليه و اله و سلم ، أتأذن لي في القتال؟ فقال «(٧) (عليه السلام): «مهلا، رحمك الله!»

فلما كان بعد ساعة أعاد عليه الكلام فأجابه بمثله، فأعاد عليه ثالثا فبكى أمير المؤمنين [علينا] عليه السلام، فنظر إليه عمار فقال: يا أمير المؤمنين إنه اليوم الذي وصفه لي رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، فنزل أمير المؤمنين [عليه السلام] عن بغلته و عاتق عمار «(٨) و ودّعه، ثم قال:

(١). [در مأخذ: ما.]

(٢). [در مأخذ: قال.]

(٣). [در مأخذ: يكون.]

(٤). [در مأخذ: سمى.]

(٥). [در مأخذ: حزبه.]

(٦). [در مأخذ: قلت.]

(٧). [در مأخذ: قال.]

(٨). [در مأخذ: عمارا.]

سیمیای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۷

«يا أبا اليقظان جزاك [الله عن الله و] عن نبيك (و عني) خيرا، فنعم الأخ كنت و نعم الصاحب كنت.» ثم بكى عليه السلام و بكى عمار، ثم قال: و الله - يا أمير المؤمنين - ما تبعتك إلا ببصيرة فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم يقول يوم خيبر: «يا عمار، ستكون بعدى فتنة، فإذا كان ذلك فاتبع عليا و حزبه فإنه مع الحق و الحق معه و ستقاتل بعدى الناكثين و القاسطين.» فجزاك الله - يا أمير المؤمنين - عن الإسلام أفضل الجزاء فلقد أديت و أبلغت و نصحت، ثم ركب و ركب أمير المؤمنين عليه السلام. ثم برز إلى القتال، ثم دعا بشربة من ماء، فقيل [له ما معنا ماء؟ فقام إليه رجل من الأنصار و سقاه «(١) شربة من لبن فشربه، ثم قال: هكذا عهد إلى رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم أن يكون آخر زادي من الدنيا شربة لبن «(٢)»، ثم حمل على القوم فقتل ثمانية عشر نفسا، فخرج إليه رجلان من أهل الشام فطعناه و قتل رحمه الله.

فلما كان في الليل طاف أمير المؤمنين عليه السلام في القتلى و وجد عمارا ملقى بين القتلى فجعل رأسه على فخذه ثم بكى عليه «(٣) و أنشأ يقول:

«(ألا أيها الموت الذي ليس تاركى أرحنى فقد أفنيت كل خليل)

أيا «(٤) موت كم هذا التفرق عنوة؟ فلست تبقى خلّة لخليل «(٥)

أراك بصيرا «(٦) بالذين نجّهم «(٧) كأنك تمضي نحوهم بدليل.» «(٨)

(١). [در مأخذ: فاسقاه.]

(٢). [در مأخذ: شربة من اللبن.]

(٣). [در مأخذ: عليه السلام.]

(٤). [در مأخذ: يا.]

(٥). [در مأخذ: للخليل خليل.]

(۶). [در مأخذ: نصیرا].

(۷). [در مأخذ: أحبهم].

(۸). این خبر در آثار شیخ صدوق رحمه الله یافت نشد و در کفایه الأثر: ۱۲۰-۱۲۴ آمده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۸

ابن بابویه گوید: محمد بن عبد الله بن مطلب شیبانی خبرمان داد، گفت: محمد بن حسین بن حفص خثعمی کوفی حدیث مان داد، گفت: عباد بن یعقوب برایمان حدیث آورد، گفت: علی بن هاشم، از محمد بن عبد الله، از ابو عبیده بن محمد بن عمار، از پدرش، از جدش عمار برایمان حدیث آورد که گفت:

با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم در یکی از غزوات هم‌راه بودم و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پرچم‌داران را به هلاکت رساند و جمعیتشان را پراکند و عمرو بن عبد الله جمحی و شیبیه بن نافع را کشت. به حضور رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم رسیدم و عرضه داشتم: یا رسول الله، همانا علی علیه السلام در راه خداوند، حق جهاد را ادا کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:

«آخر او از من است و من از اویم و اوست وارث علم من و پرداخت کننده‌ی قرض‌هایم و اجراکننده‌ی وعده‌ام و جانشین پس از من و اگر او نبود، مؤمن خالص پس از من شناخته نمی‌شد. جنگ با او جنگ با من است و جنگ با من جنگ با خداست و مسالمت با او مسالمت با من است و مسالمت با من مسالمت با خداوند است.»

بدانید که او پدر دو سبط من است و امامان از صلب اویند. خدای- تعالی- امامان ارشادکننده و از جمله‌ی آنها مهدی این امت را (از او) متولد خواهد ساخت.»

عرضه داشتم: پدر و مادرم فدایتان باد، ای رسول خدا! این مهدی علیه السلام کیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: «عمار، خداوند- تبارک و تعالی- به من عهد کرده است که از صلب حسین نه امام بیرون آورد و نهمین آنها از نظر مردم غایب می‌شود و همین است که خداوند- عزّ و جلّ- فرماید: (به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟».

او غیبتی طولانی خواهد داشت که گروهی از عقیده‌شان برمی‌گردند و عده‌ی دیگری ثابت‌قدم می‌مانند. پس هرگاه آخر زمان شود، خروج می‌کند و دنیا را از قسط و عدل پر می‌سازد؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده باشد. او برپایه‌ی تأویل مقاتله می‌کند؛ همان‌طور که من بر مبنای تنزیل جهاد کردم و او هم‌نام و شبیه‌ترین مردم به من است.

عمار! پس از من به زودی فتنه‌ای خواهد بود. هرگاه فتنه پیش آمد، از علی

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۶۹

پیروی کن و مصاحب او باش که او با حق است و حق با اوست. عمار! تو پس از من در کنار علی با دو گروه ناکثین و قاسطین پیکار خواهی کرد. سپس گروه ستم‌کار تو را خواهد کشت.» عمار پرسید: یا رسول الله، این کشته شدن به رضای خداوند و رضای شما (از من) خواهد بود؟ فرمود:

«آری، با رضای خدا و رضای من است و آخرین توشه‌ی تو از دنیا جرعه شیری است که خواهی آشامید.»

چون روز صفین فرا رسید، عمار بن یاسر به حضور امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و عرضه داشت: ای برادر رسول خدا [صلی الله علیه و اله و سلم آیا به من اجازه‌ی جنگ می‌دهید؟

حضرتش فرمود:

«صبر کن، خدایات رحمت کند!» ساعتی بعد، باز سخنش را تکرار کرد و آن حضرت همان پاسخ را داد. بار سوم نیز کلام خود را

باز گفت. پس حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام گریست. عمّار به آن حضرت روی کرد و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین، این همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم آن را برایم توصیف فرمود.  
امیر مؤمنان علیه السّلام از مرکب خود پیاده شد و دست در گردن عمّار افکند و با او وداع کرد.  
سپس فرمود:

«ای ابو الیقظان، خداوند از سوی پیغمبرت و از سوی من به تو جزای خیر دهد که تو خوب برادر و خوب دوستی بودی!» آن گاه گریه کرد. عمّار نیز گریست و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین، به خدا سوگند، جز از روی بینش از تو پیروی نکردم؛ زیرا به یاد دارم که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم روز خیبر فرمود:

«عمّار، پس از من فتنه‌ای خواهد بود. پس چون آن فتنه پیش آید، تو از علی و از حزب او پیروی کن که او با حق است و حق با او و به زودی بعد از من با ناکثین و قاسطین جنگ خواهی کرد.» یا امیر المؤمنین، خداوند از جهت اسلام به تو بهترین جزا و پاداش را دهد که به راستی حق را رساندی و ابلاغ فرمودی و خیر خواهی نمودی. آن گاه (به قصد رفتن به میدان) سوار مرکب شد. امیر مؤمنان علیه السّلام نیز سوار شد.

سپس به میدان نبرد رفت و بعد (از قتال با دشمنان حق) آب طلب کرد. گفتند:

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۰

این جا آبی نیست. مردی از انصار به پا خاست و ظرف شیری به عمّار داد. عمّار شیر را آشامید. آن گاه گفت: پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به من فرمود که آخرین توشه‌ام از دنیا مقداری شیر خواهد بود. سپس بر دشمنان حمله کرد و هجده تن را به هلاکت رساند. پس دو تن از اهل شام به جنگ او آمدند و ضربتی بر روی زدند و کشته شد. رحمت خدا بر او باد!  
شب هنگام امیر المؤمنین علیه السّلام در میان مقتولان می گشت. عمّار را در بین کشتگان یافت. سر او را به دامن گرفت و گریست و چنین سرود:

«(هان ای مرگ، که مرا وانخواهی گذاشت، راحت‌ام کن (و مرا بگیر) که همه‌ی دوستانم را از میان بردی.)

– ای مرگ، تا کی این جدایی‌ها را بر ما تحمیل می کنی؟ تو که هیچ دوستی برای هیچ دوست برجای نمی گذاری!

– چنین‌ات می بینم: کسانی را که ما دوست می داریم، خوب می شناسی (و نشانه می گیری)! انگار که با راه‌نمایی به سوی آن‌ها روی می آوری.»

[۲۵۹] عنه، قال: حدّثنا اَبی رحمه الله «۱» قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عیسی، عن موسی بن القاسم، عن «۲» معاویة بن [وهب الجلی و اَبی قتاده علی بن محمد بن حفص، عن علی بن جعفر، عن أخیه موسی بن جعفر علیهما السّلام، قال: قلت (له): [ما] تأویل قول الله عزّ و جلّ: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؟ فقال (علیه السّلام):  
«إذا فقدتم إمامکم فلم تروه فماذا تصنعون؟» «۳»

از اوست که گوید: پدرم رحمه الله حدیث‌مان داد، او گفت: سعد بن عبد الله حدیث‌مان داد، گفت: احمد بن محمد بن عیسی حدیث‌مان داد، از موسی بن القاسم، از معاویة بن [وهب جلی و ابو قتاده علی بن محمد بن حفص، از علی بن جعفر، از برادرش موسی بن

(۱). [در مأخذ: رضی الله عنه.]

(۲). [در متن: بن.]

(۳). کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۳۶۰ [باب ۳۴، ح ۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۱

جعفر علیهما السّلام که گوید: (به آن حضرت) عرضه داشتم: تأویل قول خدای - عزّ و جلّ - : (به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) چیست؟ حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود:

«(یعنی) هرگاه امامتان را نیابید و او را نبینید، چه خواهید کرد؟»

[۲۶۰] علی بن ابراهیم، قال: حدّثنا محمّد بن جعفر، قال: حدّثنا محمّد بن أحمد، عن القاسم بن العلاء «۱» قال: حدّثنا إسماعیل بن علی الفزازی، عن محمد بن جمهور، عن فضالة بن أيوب، قال: سئل الرضا عليه السّلام عن قول الله عزّ و جلّ: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ؟

فقال عليه السّلام: «مأؤکم أبوابکم ای الأئمة علیهم السّلام و الأئمة أبواب الله بينه و بین خلقه فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ یعنی بعلم الإمام.» «۲»

علی بن ابراهیم گوید: محمّد بن جعفر حدیث مان داد، وی گفت: محمّد بن احمد حدیث مان داد، از قاسم بن علا- که گفت: اسماعیل بن علی فزازی از محمد بن جمهور، از فضاله بن ایوب حدیث مان داد که گفت: حضرت امام رضا علیه السّلام راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - : (به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) سؤال شد.

آن حضرت علیه السّلام فرمود: «مأؤکم به معنی أبوابکم است؛ یعنی امامان، که ابواب (- دروازه‌های) خداوندی میان او و خلق اویند (پس کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) یعنی علم امام را.»

[۲۶۱] محمّد بن یعقوب: عن علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن موسى بن القاسم بن معاوية البجلي، عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عليهما السّلام في قول الله عزّ و جلّ: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ؟ قال:

(۱). در مأخذ: محمّد.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۷۹.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۲

«إذا غاب عنكم إمامكم فمن يأتيكم بإمام جديد؟» «۱»

محمّد بن یعقوب از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از موسی بن القاسم بن معاویة البجلی، از علی بن جعفر، از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام آورده که راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - : (به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) فرمود:

«(یعنی) هرگاه امامتان از نظرتان غایب شود، چه کسی امام جدیدی برایتان خواهد آورد؟»

[۲۶۲] محمّد بن ابراهیم التّعمانی، قال: أخبرنا «۲» محمّد بن همام رحمه الله، قال: حدّثنا أحمد بن مابنداذ «۳»، قال: حدّثنا أحمد بن هلال، عن موسى بن القاسم، عن «۴» معاوية البجلي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليهما السّلام، قال: قلت له: ما تأویل هذه الآية: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ؟ فقال «۵»:

«إن «۶» فقدتم إمامكم، فلم تروه فماذا تصنعون «۷»؟» «۸»

محمّد بن ابراهیم نعمانی گوید: محمّد بن همام رحمه الله خبر مان داد، وی گفت: احمد بن مابنداذ حدیث مان داد، گوید: احمد بن هلال حدیث مان داد، از موسی بن قاسم بن معاویة البجلی، از علی بن جعفر، از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام. وی



گوید:

به آن حضرت عرضه داشتیم: تأویل این آیه چیست که: ((به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) فرمود: «(یعنی) اگر امامتان را نیابید و او را نبینید، چه خواهید کرد؟»

(۱). کافی ۱: ۳۳۹-۳۴۰ [کتاب الحجّة، باب فی الغیبة ۸۰، ح ۱۴].

(۲). [در مأخذ: حدّثنا].

(۳). [در متن: بندار].

(۴). [در متن: بن].

(۵). [در مأخذ: قال].

(۶). [در مأخذ: إذ].

(۷). در مأخذ: فمن یأتیکم یا امام جدید.

(۸). کتاب الغیبة: ۱۷۶ [باب ۱۰، ح ۱۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۳

[۲۶۳] محمّد بن العباس: عن أحمد بن القاسم، عن أحمد بن محمد بن سیار، عن محمد بن خالد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عزّ وجلّ: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؟ قال (عليه السلام): «إن غاب إمامكم فمن يأتیکم یا امام جدید؟» (۱)

محمّد بن العباس از احمد بن القاسم، از احمد بن محمد بن سیار، از محمد بن خالد، از نضر بن سويد، از يحيى حلبي، از حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام راجع به قول خدای- عزّ وجلّ-: ((به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) فرمود:

«هرگاه امامتان غایب شود، چه کسی امام جدیدی برایتان خواهد آورد؟»

[۲۶۴] المفید، یاسناده عن علی بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليهما السلام، قال: قلت له: ما تأویل هذه الآية: قُلْ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؟ فقال (عليه السلام): «تأويله: إن فقدتم إمامكم فمن يأتیکم یا امام جدید؟» (۲)

(۱). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۷۰۸-۷۰۹ [ح ۱۵].

(۲). این حدیث در کتاب‌های در دسترس شیخ مفید یافت نشد [تأویل الآيات الظاهرة ۲].

۷۰۸، ح ۱۳]. تشبیه امام عليه السلام به آب برای چند وجه است:

یک- این که زندگی انسان به وجود آب بستگی دارد و اگر آب نباشد، نمی‌تواند زندگی جسمانی خود را ادامه دهد. به همین سان، زندگی جسمانی و روحانی انسان، هر دو، به وجود امام عليه السلام بستگی دارد و دلیل آن، این فرموده است که: «لولا الحجّة لساخت الأرض بأهلها: اگر حجّت نباشد، زمین اهل خود را فرو می‌برد» و روایات دیگر ...

دو- همان‌طور که آب از مواهب خدای- تبارک و تعالی- است و دست بشر هیچ‌گونه نقشی در ایجاد آن ندارد، امام نیز از نعمت‌هایی است که خداوند آن را بر انسان تفضّل فرموده و آدمی را در تعیین و نصب او هیچ‌گونه دخالت و اثری نیست؛ چنان‌که دلایل محکم آن در جای خود بیان گردیده است.

سه- آب ماده‌ای است که انسان به وسیله‌ی آن پلیدی‌های جسمانی و نجاست‌های ظاهری-



سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۴

شیخ مفید به سند خود از علی بن جعفر، از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام آورده که راوی گوید: به آن حضرت عرضه داشتم: تأویل این آیه چیست: (به کافران) بگو: اگر آب شما (که مایه‌ی حیات است) همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟) آن حضرت علیه السلام فرمود: «تأویل این است: اگر امامتان را نیافتید، پس چه کسی امام جدیدی برایتان خواهد آورد؟»

خویش را می‌شوید و پاک می‌کند و امام همان است که انسان از طریق او پروردگارش را می‌شناسد و احکام قرآن و شریعتش را می‌آموزد و بدین وسیله از پلیدی‌ها و رذایل شرک و جهل تطهیر و رها می‌گردد. چهار- آبی که در دل زمین موجود است، نقش عمده‌ای در ثبات و پیش‌روی آن دارد و بر مبنای نظام دقیق و برنامه‌ی معینی در حرکت زمین مؤثر است. امام علیه السلام نیز- که انسان‌ها، بلکه تمامی موجودات، از او استفاده می‌کنند- چنین است؛ گرچه پشت ابرهای غیب مخفی باشد؛ زیرا که او واسطه‌ی نزول فیض از سوی خالق متعال به تمامی مخلوقات است؛ طبق دلایل ثابت در جای خود.

پنج- همان‌طور که در موقع فقدان آب، آدمی به جست‌وجوی آن برمی‌خیزد و چاه‌ها حفر می‌کند و...- چون زندگی جسمانی او بدان وابسته است- همین‌طور لازم است به جست‌وجوی امام برخیزد و برای تقرب به ساحت او و شرف‌یابی به دیدار او و استفاده از محضر مقدّسش و فراهم‌سازی زمینه برای حکومتش و اقامه‌ی عدل و داد در زمین تلاش کند که زندگی سعادت‌مندانه و خوش و راحت، بی‌قسط و عدل میسر نیست.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۵

## ۱۰۲ [سوره‌ی معارج [آیه‌ی ۵-۲]

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ \* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ \* مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ «۱»

(پرسنده‌ای از کیفری شدنی جو یا شد\* (او بداند که) آن (کیفر) از کافران دفع نشود\* که از سوی خداوند مالک آسمان‌هاست.)

[۲۶۵] علی بن ابراهیم، قال: سئل أبو جعفر عليه السلام عن معنى هذا، فقال:

«نار تخرج من المغرب و ملك يسوقها من خلفها حتى تأتي دار [بنی سعد بن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لبنى أمية إلا أحرقتها و أهلها و لا تدع دارا فيها و تر لآل محمّد إلا أحرقتها و ذلك المهدى عليه السلام.» «۲»

علی بن ابراهیم گوید: از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام درباره‌ی معنی این آیه سؤال شد. آن حضرت فرمودند:

«آتشی است که از سوی مغرب برمی‌آید و پادشاهی از پشت‌سر آن را پیش می‌راند تا این که به خانه‌ی بنی سعد بن همام نزد مسجدشان برسد. پس خانه‌ای برای بنی امیه باقی نمی‌گذارد، مگر این که آن را و اهل آن را می‌سوزاند و خانه‌ای که در آن خونی از آل محمّد علیهم السلام (ستمگری نسبت به آل محمّد علیهم السلام) باشد، رها نمی‌سازد، مگر این که آن را می‌سوزاند و او مهدی علیه السلام است.»

[۲۶۶] محمّد بن ابراهیم النعمانی: عن محمّد بن همام، قال: حدّثنا جعفر بن

(۱). معارج (۷۰): ۲-۴.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۸۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۶

محمّد بن مالک، قال: حدّثنی «۱» محمّد بن الحسین بن أبی الخطّاب، عن الحسن بن علی، عن صالح بن سهل، عن أبی عبد الله [جعفر بن محمّد علیهما السلام فی قول الله عزّ و جلّ «۲»:

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ قَالَ:

«تأويلها فيما يجيء «۳» عذاب يرتفع «۴» فی الثّویّه، یعنی نارا تنتهی «۵» إلی [الکناسه] کناسه بنی أسد حتّی تمرّ بثقیف لا تدع وترا لآل محمّد علیهم السلام إلّا أحرقتة و ذلك قبل خروج القائم [علیه السلام]، «۶»

محمّد بن ابراهیم نعمانی از محمّد بن هدیام روایت کرده است: حدیث مان داد جعفر بن محمّد بن مالک، گفت: حدیث مان داد محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن علی، از صالح بن سهل، از حضرت امام ابو عبد الله [جعفر بن محمّد علیهما السلام که درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - (پرسنده‌ای از کیفری شدنی جو یا شد) فرمود:

«تأویل آن خواهد آمد. عذاب (یعنی آتشی) در ثویّه «۷» بلند می‌شود تا این که به [کناسه کناسه‌ی بنی اسد می‌رسد تا جایی که به (خانه‌های قبیله‌ی) ثقیف بگذرد؛ هیچ خونی (ستمگری) نسبت به آل محمّد علیهم السلام را برجای نمی‌گذارد، مگر این که آن را بسوزاند و آن پیش از خروج قائم علیه السلام است.»

[۲۶۷] عنه، قال: أخبرنا «۸» أبو سلیمان أحمد بن هوذّه، قال: حدّثنا إبراهیم بن إسحاق النّهانديّ، (قال: حدّثنا) عبد الله بن «۹» حمّاد الأنصاريّ، عن عمرو بن شمر، عن جابر، قال: قال أبو جعفر علیه السلام: «كيف يقرؤون «۱۰» هذه السّورة؟» (قال:)

(۱ و ۸). در مأخذ: حدّثنا.

(۲). در مأخذ: قوله تعالی.

(۳). در مأخذ: يأتي.

(۴). [در مأخذ: يقع].

(۵). [در مأخذ: حتّی ينتهی].

(۶). کتاب الغیبه: ۲۷۲ [باب ۱۴، ح ۴۸].

(۷). [ناحیه‌ای است نزدیک (یا داخل) شهر کوفه].

(۹). در مأخذ: عن عبد الله بن.

(۱۰). [در مأخذ: تقرؤون].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۷

قلت: و أی «۱» سورة؟ قال: «[سورة] سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ»

فقال (علیه السلام): «لیس هو سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ (و) إِنَّمَا هو: سال سیل (بعذاب واقع)، و هذه «۲» نار تقع بالثّویّه، ثمّ تمضی إلی کناسه بنی أسد [ثمّ تمضی إلی ثقیف فلا تدع وترا لآل محمّد (علیهم السلام) إلّا أحرقتة، «۳»

از اوست که گوید: ابو سلیمان احمد بن هوذّه خبرمان داد گفت: ابراهیم بن اسحاق نهانندی برایمان حدیث گفت که: عبد الله بن حمّاد انصاری از عمرو بن شمر، از جابر برایمان حدیث گفت که: حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: «این سوره را

چگونه می‌خوانند؟» راوی گوید: عرض کردم: کدامین سوره را؟ فرمود: «[سوره‌ی سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ»

پس آن حضرت (که درود خدا بر او باد) ادامه داد:

«این سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ نیست؛ بلکه سال سیل (بعذاب واقع) است «۴» و این آتشی است که در ثویّه واقع خواهد شد. سپس به

کناسه‌ی بنی اسد می‌رود.

[آن‌گاه به سمت ثقیف روی آور می‌گردد]. پس هیچ (ستمگر و ام‌دار) خونی نسبت به آل محمّد (علیهم السّلام) برجای نخواهد گذاشت؛ مگر این که او را خواهد سوزاند.»

(۱). در مأخذ: آیه.

(۲). در مأخذ: هی.

(۳). کتاب الغیبة: ۲۷۲-۲۷۳ [باب ۱۴، ح ۴۹].

(۴). یعنی: سیلی از یک عذاب حتمی الوقوع روان گشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۸

### ۱۰۳ [سوره‌ی معارج [آیه‌ی ۲۷]

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيْنَ الدِّينِ «۱»

(و آنان که روز پاداش را راست می‌دانند).

[۲۶۸] محمّد بن یعقوب، (عن محمّد بن یحیی) عن علی بن محمّد: عن علی بن العباس، عن الحسن بن عبد الرّحمان، عن عاصم بن

حمید، عن أبی حمزة، عن أبی جعفر علیه السّلام ... فی قوله [عزّ و جلّ]: وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيْنَ الدِّينِ قَالَ:

«بخروج القائم علیه السّلام.» «۲»

محمّد بن یعقوب: (از محمّد بن یحیی) از علی بن محمّد، از علی بن العباس، از حسن بن عبد الرّحمان، از عاصم بن حمید، از ابو

حمزه، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام ... درباره‌ی فرموده‌ی خدای [عزّ و جلّ]: (و آنان که روز پاداش را راست می‌دانند)

فرمود:

«(روز) خروج حضرت قائم علیه السّلام را.»

(۱). معارج (۷۰): ۲۷.

(۲). روضه‌ی کافی: ۲۸۷ [ح ۴۳۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۷۹

### ۱۰۴ [سوره‌ی معارج [آیه‌ی ۴۴]

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ، ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ «۱»

(در حالی که (آن روز فرا رسد که) چشم‌هایشان (به خواری) فرو افتاده و ذلت آنان را فرا گرفته است. آن همان روز است که

(رسولان از سوی خداوند) به آنان وعده می‌داده‌اند).

[۲۶۹] شرف الدین النجفی: بالإسناد عن سلیمان بن خالد، عن ابن سماعه، عن عبد الله بن القاسم، عن یحیی بن میسر «۲»، عن أبی

جعفر علیه السّلام فی قوله عزّ و جلّ:

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ، ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ قَالَ:

«یعنی یوم خروج القائم علیه السّلام.» «۳»

شرف الدین نجفی به طور مسند از سلیمان بن خالد، از ابن سماعه، از عبد الله بن قاسم، از یحیی بن میسر، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آورده است که درباره‌ی قول خدای - عز و جل - : (در حالی که (آن روز فرا رسد که) چشم‌هایشان به خواری فرو افتاده و ذلت آنان را فرا گرفته است. آن همان روز است که (رسولان از سوی خداوند) به آنان وعده داده‌اند) فرمود: «مراد (حق تعالی) روز خروج حضرت قائم علیه السلام است.»

(۱). معارج (۷۰): ۴۵.

(۲). [راوی اخیر در مأخذ (به استناد بحار الأنوار که ظاهراً از نسخه‌ی دیگری از مأخذ برگرفته است) به دو نفر تفکیک شده است: عن محمد بن یحیی، عن میسر (یا میسر). شباهت نیمه‌ی دوم سند این حدیث و حدیث تفسیر قمی ذیل آیه‌ی ۷۶ قابل توجه است؛ اما علی‌رغم دقت و جست‌وجو، نام راوی اخیر کاملاً روشن نشد.]

(۳). تأویل الآیات الظاهرة ۲: ۷۲۶ [ح ۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۰

### ۱۰۵ [سوره‌ی جن [آیه‌ی ۲۴]

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ، فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَّ أَقْلُ عَدَدًا «۱»

(تا آن‌گاه که (عذاب) موعود خود را (به چشم) ببینند، خواهند دانست که کدام یک (شما یا ایشان) یاران ضعیف‌تر و افراد کم‌تر دارد.)

[۲۷۰] محمّد بن یعقوب، عن علی بن محمّد: عن بعض أصحابنا، عن ابن محبوب، عن محمد بن الفضیل، عن أبي الحسن الماضي عليه السلام، قال: ... قلت: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ، فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَّ أَقْلُ عَدَدًا؟ [قال: «۲»] «يعنى بذلك القائم عليه السلام و أنصاره.» «۳»

محمّد بن یعقوب، از علی بن محمد، از یکی از شیعیان، از ابن محبوب، از محمد ابن فضیل، از ابو الحسن ماضی (امام کاظم) علیه السلام آورده است که راوی گوید: ... عرضه داشتم: (آن‌گاه که عذاب موعود خود را به چشم ببینند، خواهند دانست که کدام یک (شما یا ایشان) یاران ضعیف‌تر و افراد کم‌تر دارد) [فرمود: «منظور از آن، حضرت قائم علیه السلام و یاران اویند.»]

(۱). جن (۷۲): ۲۵.

(۲). [با توجه به صدر روایت، ظاهراً کلمه‌ی «قال» از زبان راوی افتاده است که افزوده می‌شود.]

(۳). کافی ۱: ۴۳۴ [کتاب الحجّة، باب فيه نکت و نتف ... ۱۰۸، ح ۹۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۱

[۲۷۱] علی بن ابراهیم، فی تفسیره فی قوله: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

قال عليه السلام: «القائم و أمير المؤمنين عليهما السلام في الرجعة.»

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَّ أَقْلُ عَدَدًا قال: «هو قول أمير المؤمنين عليه السلام لزرّفر: و الله- يا ابن صهاك- لو لا عهد من رسول الله و عهد «۱» من الله سبق لعلمت أننا أضعف ناصرا و أقلّ عددا.»

قال: «فلما أخبرهم رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم ما يكون من الرجعة قالوا: متى يكون هذا؟ قال [الله: قُلْ يا محمد-: إن أدري

أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمْدًا؟ «(۲)» «(۳)»

علی بن ابراهیم در تفسیر خود درباره‌ی فرموده‌ی خداوند: (تا آن گاه که عذاب موعود خود را به چشم ببینند) گوید: آن حضرت فرمودند:

«(مقصود) قائم و امیر المؤمنین علیهما السلام در دوران رجعت‌اند.»

(خواهند دانست که کدام یک (شما یا ایشان) یاران‌شان ضعیف‌تر و افرادشان کم‌تر است) گوید: حضرتش فرمود: «این فرموده‌ی امیر المؤمنین علیه السلام است به زفر: به خدا سوگند- ای زاده‌ی صهاک- اگر عهده‌ی از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم و عهده‌ی از خداوند صدور نیافته بود، هر آینه می‌دانستی کدام یک از ما یاران ناتوان‌تر و کم‌یاورتر است.»

(امام علیه السلام) فرمود: «پس هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم آن چه را در رجعت واقع می‌شود به آنان خبر داد، گفتند: این چه وقت تحقّق می‌یابد؟ [خداوند] فرمود: (بگو- ای محمد-: (نمی‌دانم آیا آن (عذاب) که وعده می‌شوید نزدیک است یا خداوندگار من مدّتی (طولانی) برای آن قرار می‌دهد).»

(۱). در مأخذ: کتاب.

(۲). جن (۷۲): ۲۶.

(۳). تفسیر قمی ۲: ۳۹۱.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۲

## ۱۰۶ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۱۱-۹]

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ \* فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ \* عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ «(۱)»

(پس آن گاه که در صور دمیده شود\* پس آن روز بسیار روز دشواری است\* بر کافران هیچ آسودگی در آن نیست.)

[۲۷۲] محمّد بن یعقوب، عن أبي عليّ الأشعريّ: عن محمّد بن حسان، عن محمّد بن عليّ، عن عبد الله بن القاسم، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عزّ و جلّ: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، قال:

«إِنَّ مَنَا إِمَامًا مَظْفَرًا مُسْتَمَرًّا «(۲)» فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «(۳)» إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نَكْتَهُ فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى.» «(۴)»

محمّد بن یعقوب از ابو علی اشعری، از محمّد بن حسان، از محمّد بن علی، از عبد الله بن قاسم، از مفضل بن عمر، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام آورده است که درباره‌ی قول خدای- عزّ و جلّ-: (پس آن گاه که در آن صور دمیده شود) فرمود:

«همانا از ما (خاندان وحی) امام پیروز پنهانی خواهد بود که چون خدای- عزّ و جلّ- بخواهد امر او را ظاهر سازد، به دل او نکته‌ای اندازد. پس ظاهر شود و به اذن خدای- تعالی- قیام کند.»

(۱). مدّثر (۷۴): ۹-۱۱.

(۲). [در مأخذ: مستطرا].

(۳). در مأخذ: عزّ ذکره.

(۴). کافی ۱: ۳۴۳ [کتاب الحجّه، باب فی الغیبه ۸۰ ح ۳۰].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۳

[۲۷۳] الشیخ المفید: عن محمّد بن یعقوب یاسناده، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّهُ سئل عن قول الله عزّ و

جَلَّ: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ قَالَ:

«إِنَّ مَنَا إِمَامًا يَكُونُ مُسْتَرًّا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةً فَتَنْهَضُ «١» وَ قَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. «٢»

شیخ مفید از محمد بن یعقوب به سند خود از مفضل بن عمر از حضرت ابی عبد الله صادق علیه السلام آورده که گوید: از آن حضرت راجع به قول خدای - عز و جل -:

(پس آن گاه که در آن صور دمیده شود) سؤال شد. فرمود:

«همانا از ما خاندان، امامی هست که مخفی خواهد شد و چون خداوند اراده کند که امر او را ظاهر گرداند، در دلش نکته‌ای می‌افکند که به فرمان خدای - عز و جل - به پا می‌خیزد «٣»».

[٢٧٤] و فی حدیث آخر عنه علیه السلام قال:

«إِذَا نُقِرَ فِي أُذُنِ الْإِمَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُذُنٌ لَهُ فِي الْقِيَامِ. «٤»

و در حدیث دیگری از آن حضرت علیه السلام است که فرمود:

«هر گاه در گوش قائم علیه السلام دمیده شود، اذن قیامش تحقق یابد.»

[٢٧٥] و روی: عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید، عن ابی جعفر علیه السلام قال:

قوله عز و جل: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ قَالَ:

«النَّاقُورُ هُوَ النَّدَاءُ مِنَ السَّمَاءِ: أَلَا إِنَّ وَلِيَكُمْ فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ!»

(١). [در مأخذ: فظهر].

(٢). در کتب موجود از شیخ مفید - قدس سره - یافت نشد؛ امّا در غیبت نعمانی: ١٨٧ آمده است. [برای دیدن منابع دیگر این روایت، رک. تأویل الآيات الظاهرة ٢: ٧٣٢].

(٣). [یا امر خدای را به پای دارد].

(٤). به مأخذ آن اشاره نشده و در تأویل الآيات الظاهرة ٢: ٧٣٢ به همین نحو آمده است.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٤٨٤

ینادی به جبرائیل علیه السلام فی ثلاث ساعات من ذلك [اليوم]. فذلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسَىٰ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ یعنی بالكافرين المرجئه الذين كفروا بنعمة الله و بولاية علي بن ابي طالب عليه السلام «١»

و روایت شده: از عمرو بن شمر، از جابر بن یزید، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام که درباره‌ی قول خدای - عز و جل - (پس آن گاه که در آن صور دمیده شود) فرمود:

«ناقور همان ندا از سوی آسمان است که: هان! ولی شما، فلانی فرزند فلانی، همان قائم به حق است! جبرئیل علیه السلام در سه ساعت از آن [روز]، این را ندا می‌کند. (آن روز بسیار سخت روزی است بر کافران که هیچ آسودگی برایشان نیست.) منظور از "کافران" مرجه‌اند که به نعمت خداوند و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام کفر ورزیده‌اند.»

[٢٧٦] ابن بابویه، قال: حدّثنی «٢» ابی و محمّد بن الحسن رضی الله عنهما، قال:

حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن سعدان بن مسلم «٣» عن عبد الله بن القاسم، عن المفضل بن عمر، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن تفسير جابر، [ف] قال عليه السلام:

«لا تحدّث به السفلة «٤» فيذيعوه، أما تقرأ في كتاب الله عز و جل: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ؟ إِنَّ مَنَا إِمَامًا (يكون) مستترا فإذا أراد الله عز و جل إظهار أمره نكت في قلبه نكتة فظهر و أمر بأمر الله [عز و جل]. «٥»

ابن بابویه گوید: حدیث‌ام دادند پدرم و محمد بن حسن رضی الله عنهما گفتند:  
حدیث‌مان داد عبد الله بن جعفر حمیری، گوید: حدیث‌مان داد محمد بن حسین بن

(۱). این حدیث را نیز مؤلف رحمه الله به کتاب یا مؤلفی نسبت نداده و در تأویل الآیات الظاهرة: ۷۳۲-۷۳۳ به همین صورت آمده است.

(۲). در مأخذ: حدّثنا.

(۳). در مأخذ: موسی بن سعدان.

(۴). در مأخذ: السّفل.

(۵). کمال الدین ۲: ۳۴۹ [باب ۳۳، ح ۴۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۵

ابی الخطاب، از سعدان بن مسلم از عبد الله بن القاسم، از مفضل بن عمر که گفت: از امام ابو عبد الله صادق علیه السلام راجع به تفسیر جابر پرسیدم. فرمود:

«آن را برای افراد پست بیان مکن که پخش‌اش خواهند کرد. آیا در کتاب خدای - عزّ و جلّ - نخوانده‌ای: (پس آن گاه که در آن صور دمیده شود)؟ همانا امامی از ما پنهان خواهد شد. هر گاه خدای - عزّ و جلّ - اراده کند تا امرش را اظهار فرماید، در دل او نکته‌ای افکند. پس او به امر خدای [عزّ و جلّ آشکار گردد و حکومت کند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۶

## ۱۰۷ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۱۲]

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿۱﴾

(آن را که تنها (ی‌اش) آفریدم، به من واگذار.)

[۲۷۷] شرف الدین النجفی، قال: جاء فی تفسیر أهل البيت عليهم السلام: رواه الرجال عن عمرو بن شمر، عن جابر [بن یزید] عن أبي

جعفر عليه السلام فی قوله عزّ و جلّ:

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا قَالَ:

«یعنی بهذه الآیة إبليس اللّعين، خلقه وحيدا من غير أب و لا أمّ، و قوله:

وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا یعنی هذه الدّولة إلى يوم الوقت المعلوم يوم يقوم القائم عليه السلام.»

وَ بَيْنَ شُهُودًا وَ مَهْدَتْ لَهُ تَمَهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ. كَلَّا! إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا يقول: «معاندا للأئمة عليهم السلام يدعو إلى غير سبيلها و يصدّ النَّاس عنها و هي آيات الله.» ﴿۲﴾

شرف الدین نجفی گوید: در تفسیر اهل البيت عليهم السلام آمده و رجال (حدیث) آن را از عمرو بن شمر، از جابر [بن یزید] روایت کرده‌اند، از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام که درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - : (آن را که تنها (ی‌اش) آفریدم، به من واگذار) فرمود:

«منظور از این آیه، ابليس لعین است که (خدای توانا) بی‌پدر و مادر او را آفرید و این که فرمود: (و برای او ثروت و مال فراوان قرار دادم) مراد این دولت (و

(۱). مدّثر (۷۴): ۱۲.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۷۳۴ [ح ۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۷

سلطه‌ی شیطانی وی) است تا روز وقت معلوم؛ روزی که قائم علیه السّلام قیام کند (و پسران آماده به خدمت به او دادم\* و زمینه‌های اقتدار و مکنّت برایش فراهم آوردم\* آن‌گاه طمع دارد که (با وجود کفران نعمت‌ها و جنایت‌هایش) باز هم بر او بیفزایم!\* هرگز که او با آیات ما عناد و دشمنی دارد) می‌فرماید: «او با عنادورزی و مخالفت با امامان علیهم السّلام، به غیر راه ایشان دعوت می‌کند و مردم را از آن بازمی‌دارد و ایشان آیات الله‌اند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۸

### ۱۰۸ [سوره‌ی مدّثر] [آیه‌ی ۲۱-۲۰]

فَقْتِلْ كَيْفَ قَدَرًا\* ثُمَّ قَتِلْ كَيْفَ قَدَرًا! «۱»

(پس او کشته باد که چه فکر غلطی کرد! باز هم کشته باد که چه اندیشه‌ی نادرستی کرد!)

[۲۷۸] علی بن ابراهیم، قال: حدّثنا أبو العباس، قال: حدّثنا یحیی بن زکریّا، عن علی بن حسان، عن عمّه عبد الرّحمان بن کثیر، عن ابي عبد الله عليه السلام في قوله:

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا قَالَ: «الوحيد ولد الزنا و هو زفر.»

وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا قَالَ: «أجل ممدود «۲»»

وَ بَيَّنَّ شُهُودًا قَالَ: «أصحابه الذين شهدوا أنّ رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم لا يورث، وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ملكه الذى ملكه مهّده له «۳»»

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ\* كَلَّا! إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عِنِيدًا قَالَ: «لولاية أمير المؤمنين عليه السّلام جاحدا معاندا «۴» لرسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم [فيها]، سَأَزْهِقُهُ صِيْعُودًا\* إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ [فَكَر] فيما أمر به من الولاية و قدّر إن «۵» مضى رسول الله [أن لا يسلم لأمر المؤمنين عليه السلام البيعة التي بايعه (بها) على عهد رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلم.»

فَقْتِلْ كَيْفَ قَدَرًا! [ثُمَّ قَتِلْ كَيْفَ قَدَرًا] قال: «عذاب بعد عذاب يعذب به

(۱). مدّثر (۷۴): ۲۰-۲۱.

(۲). در مأخذ: أجلا إلى مدّة.

(۳). در متن: ملكه الذى ملكك ملكته مهّده له.

(۴). در مأخذ: عاندا.

(۵). در متن: قد رأى.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۸۹

القائم عليه السلام. ثُمَّ نَظَرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ «۱» صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ هِ وَ سَلَّمَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ مِمَّا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ أَذْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ فَقَالَ: إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ- قال: - (إنّ) زفر (قال):

(إنّ) النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ هِ وَ سَلَّمَ سِحْرَ النَّاسِ لِعَلِّي «۲» عَلَيْهِ السَّلَام. إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ أَيْ لَيْسَ بِوَحْيِ «۳» مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، سَأُضْلِيهِ سَقَرٌ... إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فِيهِ نَزَلَتْ. «۴»



علی بن ابراهیم گوید: ابو العباس حدیث‌مان داد، وی گفت: یحیی بن زکریا حدیث‌مان داد، از علی بن حسان، از عمویش عبد الرحمان بن کثیر، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: (آن را که تنها (یش) آفریدم، به من واگذار) فرمود:

«و حید (در این جا، آن) ناپاک‌زاده است و او "زفر" است.»

و برایش مالی فراوان و دراز قرار دادم) فرمود: «(یعنی) اجل ممدود (و بلند تا مدتی).»

(و پسران آماده به خدمت) فرمود: «هم‌پالکی‌های او که گواهی دادند رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم ارث بر جای نمی‌گذارد! (و زمینه‌های قدرت و حکومت را برایش فراهم آوردم) (یعنی) آن ملکی را که بدو داده بود برای وی آماده ساخت.»

(سپس (با آن همه ظلم و جنایت) طمع دارد که (نعمت‌هایم را) بر او بیفزایم! هرگز، که او با آیات ما عناد می‌ورزید) فرمود: «ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را منکر بود و در مورد آن با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم عناد ورزید، (به زودی او را به آتش دوزخ درافکنیم)\* او با خود اندیشید و نقشه‌ای طرح کرد) در مورد ولایت که به آن مأمور شده بود، فکر کرد و چنین نقشه کشید که: چون رسول خدا از دنیا رحلت کرد، نسبت به بیعتی که با امیر المؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم انجام داده بود وفادار نماند و کار خلافت را تسلیم آن حضرت ننماید.»

(پس او کشته باد که چه فکر غلطی کرد!)\* باز هم کشته باد که چه اندیشه‌ی نادرستی

(۱). در مأخذ: النبی.

(۲). در مأخذ: بعلی.

(۳). [در مأخذ: هو و حیا].

(۴). تفسیر قمی ۲: ۳۹۵.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۰

کرد!) فرمود: «عذابی پس از عذاب دیگر که حضرت قائم علیه السلام او را عذاب خواهد کرد.

(سپس نگرست) به رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام پس (روی ترش کرد و چهره در هم کشید) از جهت دستوری که به او داده شده بود. (سپس روی برتافت و کبر ورزید)، (آن گاه گفت: این جز جادویی نیست که بازگو می‌شود) - فرمود: - (یعنی) زفر گفت:

پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم مردم را برای (پیروی از) علی علیه السلام جادو کرده است (این جز قول و گفتار بشر نیست) (یعنی (او گفت): این وحی از سوی خدای - عز و جل - نیست (او را به آتش سقر درخواهم افکند) ... تا آخر آیه درباره‌ی او نازل شد.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۱

## ۱۰۹ [سوره‌ی مدثر] [آیه‌ی ۳۱]

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَزْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ: مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا؟ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ، وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ «۱»

(و ما خازنان دوزخ را جز فرشتگانی (ویژه‌ی عذاب) و شمار آنان را جز برای آزمایش و محنت کافران قرار ندادیم تا آن که اهل کتاب یقین بدانند و ایمان کسانی که ایمان دارند فرونی یابد و مؤمنان و اهل کتاب دو دل نشوند و تا آنان که در دل‌هایشان مرضی

هست و کافران بگویند: خداوند از این مثل چه خواسته است؟ این گونه، خداوند هر که را خواهد، در گمراهی واگذارد و هر که را مشیتش تعلق گیرد، هدایت فرماید و سپاهیان خداوند گارت را جزوی کسی نمی‌داند و این آیات جز یادآوری برای بشر نیست.) [۲۷۹] شرف الدین النجفی، فی الحدیث السابق: عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام ... قال: ... قوله تعالى: وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا

(۱). مدثر (۷۴): ۳۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۲

مَلَائِكَةً قَالَ: «فالنار هو القائم عليه السلام الذى [قد] أثار ضوؤه و خروجه لأهل المشرق و المغرب «۱»، و الملائكة هم الذين يملكون علم آل محمد صلوات الله عليهم.» و قوله: وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يعنى المرجئه.» و قوله: لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ قَالَ [عليه السلام]: «هم الشيعة و هم أهل الكتاب و هم الذين أوتوا الكتاب و الحكم «۲» و النبوة.» و قوله: وَ يَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَزَاتَبَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ أَى لَا يَشْكُ الشَّيْعَةَ فِى شَىءٍ مِنْ أَمْرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. و قوله: وَ لَيَقُولَ الَّذِينَ فِى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَعْنِى بِذَلِكَ الشَّيْعَةَ وَ ضَعْفَاءُهَا ... وَ الْكَافِرُونَ: مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ: كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِى مَنْ يَشَاءُ فَالْمُؤْمِنُ يَسْلَمُ وَ الْكَافِرُ يَشْكُ. و قوله: وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ فَجُنُودَ رَبِّكَ هُمُ الشَّيْعَةُ وَ هُمُ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِى الْأَرْضِ، وَ قَوْلُهُ: وَ مَا هِىَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ \* لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ [قال: «يعنى اليوم قبل خروج القائم عليه السلام، من شاء قبل الحق و تقدّم إليه و من شاء تأخر عنه»]. و قوله: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ قَالَ: «هم أطفال المؤمنين، قال الله تبارك و تعالى: وَ اتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ «۳» - قال: - يعنى أنهم [آمنوا] بالميثاق.»

(۱). [در مأخذ: الشرق و الغرب.]

(۲). [در مأخذ: الحكمة.]

(۳). طور (۵۲): ۲۲.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۳

و قوله: وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بيوم (الدين) خروج القائم عليه السلام.» و قوله: فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ؟ قَالَ: «يعنى بالتذكرة ولاية أمير المؤمنين عليه الصلاة و السلام.» [و قوله: كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ قَالَ: «يعنى كأنهم حمر و حش فرّت من الأسد حين رأته، و كذلك المرجئه «۱» إذا سمعت بفضل آل محمد عليهم السلام نفرت عن الحق.»] و قوله: بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صِيحْفًا مُشْرَبًا قَالَ: «يريد كل رجل من المخالفين [أن ينزل عليهم «۲» كتاب من السماء.»

ثم قال الله تعالى: كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ [قال: «هى دولة القائم عليه السلام.»

ثم قال تعالى بعد أن عرفهم التذكرة [أنها] (هى) الولاية: كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ \* وَ مَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ، هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«فالتقوى فى هذا الموضع (هو) النبى صلى الله عليه و اله و سلم و المغفرة أمير المؤمنين عليه السلام.» «۳»

شرف الدین نجفی - در حدیثی که سابقاً «۴» آوردیم - از عمرو بن شمر، از جابر، از امام ابو جعفر باقر علیه السّلام آورده که آن حضرت درباره‌ی قول خدای - تعالی - : (و ما خازنان دوزخ را جز فرشتگانی (مخصوص برای عذاب) قرار ندادیم) فرمود: « (مراد از) آتش، حضرت قائم علیه السّلام است؛ آن که پرتو نور و خروجش اهل مشرق و مغرب را روشن سازد و ملائکه همان‌هایند که علم آل محمّد صلوات الله علیهم را در دست دارند.»

این که فرموده است: (و شمار آنان را جز برای آزمایش و محنت کافران قرار ندادیم)

(۱). [در مأخذ: و کذا أعداء آل محمّد].

(۲). در مأخذ: علیه.

(۳). تأویل الآیات الظّاهرة ۲: ۷۳۵-۷۳۶.

(۴). [ذیل آیه‌ی ۱۰۷].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۴

(امام علیه السّلام) فرمود: « (خداوند) مرجه را می‌فرماید.»

این که فرموده است: (تا آن که اهل کتاب یقین بدانند) (حضرتش) فرمود: «آنان شیعیان‌اند و آن‌هایند که کتاب و حکم و نبوت به ایشان داده شد.»

فرموده‌ی خدای: (و ایمان کسانی که ایمان دارند، فزونی یابد و در دل اهل کتاب تردیدی واقع نگردد) یعنی: تا مبدا شیعیان در چیزی از امر حضرت قائم علیه السّلام شک کنند.

این که فرمود: (و تا آنان که در دل‌هایشان مرضی هست بگویند) منظور از آن شیعیان و ضعفای ایشان است (و (نیز) کافران (بگویند): خداوند از این مثل چه خواسته است؟) آن‌گاه خدای - عزّ و جلّ - به آنان فرمود: (هم‌چنین خداوند هر که را خواهد، به حالت گم‌راهی واگذارد و هر که را مشیتش تعلق گیرد، رهبری و هدایت فرماید) پس مؤمن تسلیم می‌شود و کافر شک می‌کند.

این که خداوند فرمود: (و سپاهیان خداوند گارت را جز خود او کسی نمی‌داند) سپاهیان خداوند گارت همان شیعیان‌اند. آنان گواهان خداوند در زمین‌اند و این که فرمود: (و این آیات جز پند و تذکری برای بشر نیست\* تا هر که خواهد، (در ایمان خود) پیش رود یا عقب بماند)، [حضرتش فرمود: «یعنی روز پیش از خروج حضرت قائم علیه السّلام، هر که خواهد حق را بپذیرد و به سوی آن روی آورد و هر که خواهد از آن عقب بیفتد»]

این که فرمود: (هر کس در گرو عملی است که انجام داده، مگر یاران سوی راست) فرمود: «آنان کودکان مؤمنان‌اند. خدای - تبارک و تعالی - فرماید: (و فرزندانشان در ایمان به آن‌ها ملحق شدند) فرمود: آنان به پیمان [ایمان آوردند].»

و فرموده‌ی خداوند: (و همانا ما روز پاداش را تکذیب می‌کردیم) امام علیه السّلام فرمود:

« (این روز) روز خروج حضرت قائم علیه السّلام است.»

این که فرمود: (پس ایشان را چه می‌شود که از یادآوری اعراض می‌کنند؟) فرمود:

«منظور از "یادآوری" ولایت امیر المؤمنین علیه الصّیلة و السّلام است.» [این که فرمود:] (انگار آن‌ها خران‌گیزی‌اند که از یک شیر زیان فرار می‌کنند) فرمود: « (می‌گوید) گویی آنان خرانی وحشی‌اند که وقتی شیر را ببینند، از او بگریزند و مرجه چنین‌اند که وقتی فضیلت آل محمّد علیهم السّلام را بشنوند، از حق می‌گریزند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۵

سپس خدای - تعالی - فرمود: (بلکه هر کدام از آنان می‌خواهد صحیفه‌ای از سوی آسمان بر او باز آید) فرمود: «هریک از مخالفان

می‌خواهد که بر آنان نوشته‌ای از آسمان نازل شود.» آن‌گاه خدای - تعالی - فرمود: (هرگز چنین نشود؛ بلکه از آخرت نمی‌ترسند)، فرمود: «این دولت حضرت قائم علیه السلام است.»

سپس خدای متعال - پس از آن که به آنان شناساند که "یادآوری" همان ولایت است - فرمود: (هرگز چنان که پندارند نیست و این یادآوری است. پس هر آن که خواهد متذکر شود\* و تذکر نیابند مگر این که خدا خواهد که اوست شایسته‌ی پروا و سزاوار آمرزش).

امام علیه السلام فرمود: «تقوی (- پروا)، در این جا، پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم است (که باید از مخالفت او پروا داشت) و مغفرت (- آمرزش)، امیر المؤمنین علیه السلام.»  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۶

### ۱۱۰ [سوره‌ی تکویر] [آیه‌ی ۱۶-۱۵]

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُوسِ «۱»

(به آن ستارگان بازآینده و رونده‌های پنهان شونده سوگند نمی‌خورم.)

[۲۸۰] محمّد بن یعقوب، عن عدّه من أصحابنا: عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن الحسن، عن عمر بن یزید، عن الحسن بن الزبیر الهمدانی، قال: حدّثنا محمّد بن إسحاق، عن أسید بن ثعلبه، عن أمّ هانی، قالت: [لقيت أبا جعفر محمّد بن عليّ عليهما السلام فسألته عن هذه الآية: فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُوسِ قال عليه السلام:

«الخنس إمام يخنس في زمانه عند انقطاع من علمه عند الناس سنة ستين و مئتين، ثم يبدو كالشهاب الثاقب «۲» في ظلمة الليل، فإن أدركت ذلك قرّت عينك.» «۳»

محمّد بن یعقوب از عدّه‌ای از یاران ما: از سعد بن عبد الله، از احمد بن الحسن، از عمر بن یزید، از حسن بن ربیع همدانی روایت آورده است که گفت: محمّد بن اسحاق از اسید بن ثعلبه، از امّ هانی حدیث‌مان داد که گفت:

امام ابو جعفر محمّد بن علیّ باقر علیهما السلام را دیدار کردم و درباره‌ی این آیه: (به آن ستارگان بازآینده و رونده‌های پنهان شونده سوگند نمی‌خورم) از آن حضرت پرسیدم. فرمود:

(۱). تکویر (۸۱): ۱۶-۱۷.

(۲). در مأخذ: الواقف.

(۳). کافی ۱: ۳۴۱ [کتاب الحجّه، باب فی الغیبه ۸۰ ح ۲۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۷

«خنس، امامی است که در زمان خودش، هنگامی که اطلاع مردم از او قطع می‌گردد، در سال ۲۶۰ پنهان می‌شود. سپس هم‌چون ستاره‌ی نافذ در تاریکی شب آشکار می‌گردد. اگر آن دوران را درک کنی، دیده‌ات روشن می‌شود.»

[۲۸۱] عنه: عن علیّ بن محمّد، عن جعفر بن محمّد، عن موسی بن جعفر البغدادی، عن وهب «۱» بن شاذان، عن الحسن «۲» بن ابی الزبیر «۳»، عن محمّد بن إسحاق، عن أمّ هانی، قالت: سألت أبا جعفر محمّد بن عليّ عليهما السلام عن قول الله عزّ و جلّ: فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُوسِ قالت: فقال:

«إمام يخنس سنة ستين و مئتين ثمّ يظهر كالشهاب يتوقّد في الليلة الظلماء، و إذا «۴» أدركت زمانه قرّت عينك.» «۵»

از اوست: از علیّ بن محمّد، از جعفر بن محمّد، از موسی بن جعفر بغدادی، از وهب بن شاذان، از حسن بن ابی الزبیر، از محمّد بن

اسحاق، از امّ هانی که گفت: از حضرت ابو جعفر محمّد بن علی علیهما السّلام راجع به فرموده‌ی خداوند - عزّ و جلّ - (به آن ستارگان بازآینده و رونده‌های پنهان شونده سوگند نمی‌خورم) پرسیدم. گوید: آن حضرت فرمودند: «امامی است که در سال ۲۶۰ پنهان خواهد شد. سپس هم‌چون ستاره‌ای که در شب تار درخشان شود، ظاهر می‌گردد و اگر زمان او را دریابی، دیده‌ات روشن شود.»

[۲۸۲] محمّد بن ابراهیم النعمانی، فی الغیبه، قال: أخبرنا سلامه بن محمّد، قال: حدّثنا علی بن «۶» داود، قال: حدّثنا أحمد بن الحسن، عن عمران بن الحجاج، عن

(۱). [در متن: وهیب].

(۲). [در متن: الحسین].

(۳). [به نظر می‌رسد این شخص همان حسن بن ربیع همدانی (یاد شده در حدیث پیش) است و یکی از ضبطها درست است. متأسفانه با مراجعه به کتب رجال، روشن نشد.]

(۴). در مأخذ: فإن.

(۵). کافی ۱: ۳۴۱ [کتاب الحجّة، باب فی الغیبه ۸۰، ح ۲۲].

(۶). [در متن: أحمد بن علی بن].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۸

عبد الرّحمان بن اّبی نجران، عن محمّد بن اّبی عمیر، عن محمّد بن إسحاق، عن أسید ابن ثعلبه، عن أمّ هانی، قالت: قلت لأبی جعفر محمّد بن علیّ الباقر علیه السّلام: ما معنی قول الله عزّ و جلّ: فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ فقال لی: «یا أمّ هانی! إمام یخنس نفسه حتّی ینقطع عن النّاس علمه سنّه ستّین و متّین ثمّ یبدو کالشّهاب الواقّد فی اللّیلة الظّلماء، فإن أدركت ذلك الزّمان قرّت عینک.» «۱»

محمّد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: سلامه بن محمّد خیرمان داد، گفت: علیّ بن داوود حدیث‌مان داد، گفت: احمد بن حسن، از عمران بن حجاج، از عبد الرّحمان بن اّبی نجران، از محمّد بن اّبی عمیر، از محمّد بن اسحاق، از اسید بن ثعلبه، از امّ هانی حدیث‌مان داد که گفت: به حضرت ابو جعفر امام محمّد بن علی باقر علیه السّلام عرضه داشتم: معنی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - (سوگند به آن ستارگان) چیست؟ به من فرمود:

«ای امّ هانی! امامی است که در سال ۲۶۰، خود را پنهان می‌سازد تا آن‌جا که مردم از احوال او بی‌اطلاع می‌مانند. آن‌گاه به‌سان ستاره‌ی تابناک در شب تار آشکار می‌گردد. اگر آن زمان را درک کنی، دیده‌ات روشن خواهد گشت.»

[۲۸۳] محمّد بن العباس، قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مالک، عن محمّد بن إسماعیل بن السّیّمان، عن موسی بن جعفر بن وهب، عن وهب بن شاذان، عن الحسن بن الرّبیع، عن محمّد بن إسحاق، قال: حدّثنی أمّ هانی، قالت: سألت أبا جعفر علیه السّلام عن قول الله عزّ و جلّ: فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُسِ فقال: «یا أمّ هانی! إمام یخنس نفسه سنّه ستّین و متّین ثمّ یظهر کالشّهاب

(۱). کتاب الغیبه: ۱۴۹ [باب ۱۰، ح ۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۴۹۹

الثّاقب فی اللّیلة الظّلماء، فإن أدركت زمانه قرّت عینک یا أمّ هانی.» «۱»

محمد بن العباس گوید: جعفر بن محمد بن مالک حدیث‌مان داد، از محمد بن اسماعیل بن السّمان، از موسی بن جعفر بن وهب، از وهب بن شاذان، از حسن بن ربیع، از محمد بن اسحاق، که گفت: امّ هانی برایم حدیث آورد، وی گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السّلام راجع به معنی قول خداوند- عزّ و جلّ-: (به آن ستارگان باز آینده و رونده‌های پنهان شونده سوگند نمی‌خورم) پرسیدم. آن حضرت فرمودند:

«ای امّ هانی! امامی است که در سال ۲۶۰، خود را پنهان خواهد ساخت. سپس همانند ستاره‌ی درخشان در شب تاریک آشکار خواهد گشت. پس اگر زمان او را دریابی، دیده‌ات روشنی خواهد یافت، ای امّ هانی.»  
سال ۲۶۰ همان سال وفات امام ابو محمد حسن بن علی عسکری پدر امام قائم علیهما السّلام است.

(۱). تأویل الآیات الظّاهرة ۲: ۷۶۹-۷۷۰.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۰

### ۱۱۱ [سوره‌ی انشقاق [آیه‌ی ۱۹]

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۵۴۹

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١﴾

(البته احوال گوناگون و حوادث مختلفی خواهید یافت.)

[۲۸۴] ابن بابویه، قال: حدّثنا المظفّر بن جعفر بن المظفّر العلوی [السّمّرقندی رضی الله عنه قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن مسعود و حیدر بن محمد السّمّرقندی جمیعاً، قال: حدّثنا محمد بن مسعود، قال: حدّثنا جبرئیل بن أحمد، عن موسی بن جعفر البغدادی، قال: حدّثنی الحسن بن محمد الصّیرفی، عن حنّان ابن سدیر، عن أبیه، عن أبی عبد الله علیه السّلام قال:

«إنّ للقائم منّا غیبةً یطول أمدها.»

فقلت له: و لم ذاک یا ابن رسول الله؟

قال علیه السّلام: «لأنّ الله عزّ و جلّ أبی إلّا أن یجرى فیہ سنن «۲» الأنبیاء علیهم السّلام فی غیباتهم و إنّه لا بدّ له- یا سدیر- من استیفاء مدد غیباتهم، قال الله عزّ و جلّ:

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ أی علی سنن من کان قبلکم.» «۳»

ابن بابویه گوید: مظفّر بن جعفر بن مظفّر علوی [سمرقندی رضی الله عنه حدیث‌مان داد، وی گفت: جعفر بن محمد بن مسعود و حیدر بن محمد سمرقندی هر دو برایمان حدیث گفتند که: محمد بن مسعود برایمان حدیث آورد و گفت: جبریل بن

(۱). انشقاق (۸۴): ۲۰.

(۲). [در مأخذ: تجری فیہ سنن.]

(۳). کمال الدین ۲: ۴۸۰-۴۸۱ [باب ۴۴، ح ۶].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۱

احمد از موسی بن جعفر بغدادی حدیث‌مان داد، وی گفت: حسن بن محمد صیرفی، از حنّان بن سدیر، از پدرش، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السّلام برایم حدیث گفت که فرمود:

«قائم ما (علیه السّلام) را غیبتی است که مدّت آن به طول می‌انجامد.»

عرضه داشتیم: چرا، یا ابن رسول الله؟

فرمود: «زیرا که خداوند - عزّ و جلّ - می‌خواهد سنّت‌های پیغمبران را در غیبت‌هایشان بر او نیز جاری سازد و ناگزیر است - ای سدید - که مدّت‌های غیبت آنان را پایان برد. خداوند - تعالی - می‌فرماید: (البته که شما احوال گوناگون و حوادث مختلف خواهید یافت)؛ یعنی، به شیوه‌ی آنانی که پیش از شما بوده‌اند.»  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۲

## ۱۱۲ [سوره‌ی بروج [آیه‌ی ۲]

وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿۱﴾

(سوگند به آسمان که برج‌ها (و کاخ‌های با عظمت) دارد.)

[۲۸۵] المفید، فی کتاب الاختصاص: عن محمّد بن علی بن بابویه، قال:

حدّثنا محمّد بن موسی بن المتوکل، عن محمّد بن ابی عبد الله الکوفی، عن موسی بن عمران، عن عمّه الحسین بن یزید، عن علی بن سالم عن ابیه، عن سالم بن دینار، عن سعد بن ظریف، عن الأصبغ بن نباته، قال: سمعت ابن عباس یقول: قال رسول الله صلّی الله علیه و اله و سلم: «ذکر الله عزّ و جلّ عبادۀ، و ذکرى عبادۀ، و ذکر علی عبادۀ، و ذکر الأئمّة من ولده عبادۀ، و الذی بعثنی بالنبوّة و جعلنی خیر البریّة، إنّ وصیّی لأفضل الأوصیاء و إنّهُ لحجّۀ الله علی عبادۀ و خلیفته علی خلقه، و من ولده الأئمّة الهداء بعدی، بهم یحبس الله العذاب عن أهل الأرض، و بهم یمسک السّماء أن تقع علی الأرض إلّا یاذنه و بهم یمسک الجبال أن تمید بهم، و بهم یسقى خلقه الغیث، و بهم یشرف التّبات. أولئک أولیاء الله حقّاً و خلفاؤه» ۲ صدقا، عدّتهم عدّة الشّهور و هی اثنا عشر شهرا، و عدّتهم عدّة نقباء موسی بن عمران. ثمّ تلا علیه الصّلاة و السلام هذه الآیة: وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ثمّ قال: «أتقدّر -

(۱). بروج (۸۵): ۲.

(۲). در مأخذ: خلفائی.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۳

یا ابن عباس - أنّ الله یقسم بالسّماء ذات البروج و یعنی به السّماء و بروجها؟! قلت: یا رسول الله فما ذاک؟ قال: «أما السّماء فأنا، و أمّا البروج فالأئمّة بعدی أولهم علیّ و آخرهم المهدی صلوات الله علیهم أجمعین.» (۱)  
شیخ مفید در کتاب الاختصاص از محمّد بن علی بن بابویه آورده که گوید:

محمّد بن موسی بن متوکل از محمّد بن ابی عبد الله کوفی، از موسی بن عمران، از عمویش حسین بن یزید، از علی بن سالم، از پدرش، از سالم بن دینار، از سعد بن ظریف، از اصبغ بن نباته حدیث‌مان داد که گفت: شنیدم ابن عباس می‌گفت: رسول خدا صلّی الله علیه و اله و سلم فرمود: «ذکر خداوند - عزّ و جلّ - عبادت است و یاد من عبادت است و یاد علی عبادت است و یاد امامان از فرزندان عبادت است. سوگند به آن که مرا به نبوت برانگیخت و بهترین مخلوقات قرار داد، وصی من برترین اوصیای خداست و همانا او حجّت خداوند بر بندگانش و خلیفه‌ی او بر خلق است و از فرزندان امامان هدایتگر بعد از من‌اند. بدیشان، خداوند عذاب را از اهل زمین می‌راند و به سبب آنان، آسمان را - از این که بر زمین افتد - نگاه می‌دارد؛ جز به اذن او و به (میمنت وجود) آنان، کوه‌ها را نگاه می‌دارد که به حرکت درآیند و به (واسطه‌ی) ایشان، بر آفریدگان خویش باران می‌بارد و به (خاطر) آنان، گیاه می‌رویاند. ایشان‌اند به حق، اولیای خداوند و خلفای راستین من، شمار ایشان همان تعداد ماه‌هاست که دوازده



ماه است و به شمار نقبای موسی بن عمران.»

سپس (پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم) این آیه را تلاوت فرمود: (سوگند به آسمان که برجها (و کاخهای با عظمت) دارد) آن گاه افزود: «ابن عباس! آیا چنین می‌پنداری که خداوند به آسمان دارای برجها سوگند یاد کند و منظورش همان آسمان و برج‌های آن باشد؟! عرض کردم: یا رسول الله، پس (معنی آن) چیست؟ فرمود: «آسمان من ام و برجها امامان بعد از من اند. اولینشان علی و آخرینشان مهدی است. صلوات الله علیهم اجمعین.»

(۱). الاختصاص: ۲۲۳-۲۲۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۴

### ۱۱۳ [سوره طارق [آیه ۱۷-۱۶]

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا\* وَأَكِيدُ كَيْدًا\* فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤِيدًا\* (۱)

(البته آنان (دشمنان اسلام)- هرچه بتوانند- کید و مکر می‌کنند\* و من هم (در مقابل آنان) کید خواهم کرد\* پس تو (ای رسول ما) کافران را مهلت ده؛ مهلت کمی.)

[۲۸۶] علی بن ابراهیم، قال: حدَّثنا جعفر بن أحمد، عن عبد الله «۲» بن موسى، عن الحسن بن عليّ، [عن ابن أبي حمزة (عن أبيه)، عن أبي بصير في قوله: فما لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا ناصِرٍ قال عليه السّلام: «ما [له قُوَّةٌ يقوى بها على خالقه ولا ناصر من الله ينصره إن أراد به سوء.»

قلت: إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا\* (وَأَكِيدُ كَيْدًا) قال: «كادوا رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و كادوا عليا عليه السّلام و كادوا فاطمة عليها السّلام، فقال [الله: يا محمّد، إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا\* وَأَكِيدُ كَيْدًا\* فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ يا محمّد- أَمْهَلُهُمْ رُؤِيدًا لوقت بعث القائم عليه السّلام فينتقم لي من الجابرة «۳» و الطّواغيت من قريش و بنى أمية و سائر النّاس.» «۴»

علی بن ابراهیم گوید: جعفر بن احمد حدیث مان داد، از عبد الله بن موسی، از حسن بن علی، [از ابن ابی حمزه (از پدرش) از ابو بصیر، روایت می‌کند که درباره‌ی

(۱). طارق (۸۶): ۱۶-۱۸.

(۲). در مأخذ: عبید الله.

(۳). در مأخذ: الجبارین.

(۴). تفسیر قمی ۲: ۴۱۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۵

فرموده‌ی خداوند: (پس او را (در آن روز) قوت و توانی در خود و یاوری بر جان نیست) (حضرت صادق علیه السّلام) فرمود:

«او را قدرتی نیست که به وسیله‌ی آن بر خالقش نیرو گیرد و هیچ یاوری از سوی خداوند ندارد تا اگر خداوند اراده فرماید او را عذاب کند، یاری‌اش رساند.»

(ابو بصیر گوید:) عرضه داشتم: (آنان هرچه بتوانند کید و مکر کنند (و من هم کید خواهم کرد)) چه؟ فرمود:

«با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم کید نمودند و با حضرت امیر علیه السّلام کید کردند و نسبت به فاطمه عليها السّلام کید و مکر آوردند. پس (خداوند) فرمود: (ای محمّد، آنان هرچه بتوانند کید و مکر می‌کنند و من هم (در مقابل آنان) کید خواهم کرد.»



پس تو- ای محمد- کافران را مهلت ده؛ مهلت کمی) تا وقت برانگیختن قائم علیه السلام که برای من، از جباران و طاغوت‌های قریش و بنی امیه و سایر مردم انتقام خواهد گرفت.»  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۶

### ۱۱۴ [سوره‌ی غاشیه [آیه‌ی ۶-۲]

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ؟\* وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ\* عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ\* تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً ﴿١﴾

(آیا حدیث آن (عقوبت) فراگیر به تو رسید؟\* چهره‌هایی در آن روز، ترسیده (و خوار) است\* کوشیده و رنج کشیده\* به آتش سوزانی می‌رسد.)

[۲۸۷] محمد بن یعقوب، (عن جماعة) عن سهل: عن محمد، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال:

قلت: هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ؟ قال عليه السلام: «يغشاكم» (۲) القائم عليه السلام بالسيف.»

قال: قلت: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ؟ قال: «خاشعَةٌ» (۳) لا تطيق الامتناع.»

قال: قلت: عَامِلَةٌ؟ قال: «عملت بغير ما أنزل الله.»

قال: قلت: نَاصِبَةٌ؟ قال: «نصبت غير ولاة الإمام» (۴).»

قال: قلت: تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً؟ قال: «تصلي نار الحرب في الدنيا على عهد القائم عليه السلام، و في الآخرة نار جهنم.» (۵)

محمد بن یعقوب، (از جمعی) از سهل، از محمد، از پدرش، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام روایت آورده است که راوی گوید:

(۱). غاشیه (۸۸): ۲-۵.

(۲). در مأخذ: یغشاهم.

(۳). [در مأخذ: خاضعاً].

(۴). [در مأخذ: الأمر].

(۵). روضه‌ی کافی: ۵۰ [ح ۱۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۷

عرض کردم: (معنی) (آیا حدیث آن (عقوبت) فراگیر به تو رسید؟) (چیست)؟

آن حضرت علیه السلام فرمود: «حضرت قائم علیه السلام شما را با شمشیر فرا گیرد.»

گوید: عرضه داشتم: (چهره‌هایی در آن روز ترسیده و خوار است)؟ فرمود:

«خوارند که توان رد کردن (عذاب و عقوبت) را ندارند.»

راوی گوید: عرض کردم: عَامِلَةٌ (چه معنی دارد)؟ فرمود: «(کسانی که) به غیر آن‌چه خداوند نازل فرمود عمل کردند.»

گوید: عرضه داشتم: نَاصِبَةٌ؟ فرمود: «(آن‌ها که غیر از والیان امام علیه السلام را نصب کردند.»

گوید: عرض کردم: (به آتش سوزانی می‌رسند)؟ فرمود: «به آتش جنگ در دنیا، در عهد حضرت قائم علیه السلام، دچار می‌شوند

و در آخرت به آتش دوزخ می‌افتند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۸

## ۱۱۵ [سوره‌ی فجر] [آیه‌ی ۵-۲]

وَ الْفَجْرِ\* وَ لَيَالٍ عَشْرٍ\* وَ الشَّفَعِ\* وَ الْوَتْرِ\* وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿١﴾

(سوگند به فجر (سپیده‌دم که جهان روی روشنایی می‌بیند)\* و به شب‌های ده‌گانه\* و به جفت و به فرد\* و به شب؛ آن‌گاه که ادامه یابد (تا به روز روشن برسد).)

[۲۸۸] شرف الدین النجفی، قال: روی بالإسناد مرفوعاً عن عمرو بن شمر، عن جابر بن يزيد الجعفی، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قوله عزّ وجلّ: وَ الْفَجْرِ هو القائم عليه السلام، وَ لَيَالٍ عَشْرٍ الأئمة عليهم السلام من الحسن إلى الحسن، وَ الشَّفَعِ أمير المؤمنين و فاطمة عليهما السلام، وَ الْوَتْرِ هو الله وحده لا شريك له، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ هي دولة حنتر فهي تسرى إلى دولة «٢» القائم عليه السلام.» (٣)

شرف الدین نجفی گوید: به سند مرفوع، از عمرو بن شمر از جابر بن یزید جعفی، از حضرت ابو عبد الله امام صادق عليه السلام روایت آمده است که فرمودند: « (در) فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ -: وَ الْفَجْرِ فجر همان قائم عليه السلام است. لَيَالٍ عَشْرٍ امامان عليهم السلام از حسن (مجتبی) تا حسن (عسکری) اند. وَ الشَّفَعِ امیر المؤمنین و فاطمه علیهما السلام اند. وَ الْوَتْرِ همان خداوند یکتاست که هیچ شریک ندارد. وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ منظور دولت حنتر است که تا دولت حضرت قائم عليه السلام ادامه دارد.»

(۱). فجر (۸۹): ۲-۵.

(۲). در مأخذ: قیام.

(۳). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۷۹۲ [ح ۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۰۹

## ۱۱۶ [سوره‌ی شمس] [آیه‌ی ۶-۲]

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا\* وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاها\* وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا\* وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿١﴾

(سوگند به خورشید و هنگام اوج درخشندگی‌اش\* و سوگند به ماه که در پی آن تابان است\* و سوگند به روز که تاریکی را می‌زداید و جهان را روشن می‌سازد\* و به شب؛ گاهی که عالم را در پرده‌ی سیاهی برکشد.)

[۲۸۹] محمّد بن العباس: [فی المعنی عن محمّد بن القاسم، عن جعفر بن عبد الله، عن محمّد بن عبد الله، عن محمّد بن عبد الرحمن] «٢»، عن أبي جعفر القمّي، عن محمّد بن عمر، عن سليمان الديلمي، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال:

سألته عن قول الله عزّ وجلّ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا، قال:

«الشمس رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم أوضح للناس دينهم.»

قلت: وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاها؟ قال: «ذاك أمير المؤمنين عليه السلام تلا رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم.»

قلت: وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا؟ قال: «ذاك الإمام من ذرّية فاطمة نسل رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، فيجلى ظلام الجور و الظلم، فحكى الله سبحانه عنه فقال: وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا يعني به القائم عليه السلام.»

(۱). شمس (۹۱): ۲-۵.

(۲). در مأخذ، دو راوی اخیر جابه‌جایند.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۰

قلت: وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا قَالَ: «ذَلِكَ أُمَّةُ الْجُورِ الَّذِينَ اسْتَبَدُّوا بِالْأُمُورِ دُونَ آلِ الرَّسُولِ (صلوات الله عليهم أجمعين) و جلسوا مجلسا كان آل الرسول (۱) أولى به منهم، فغشوا دين الله بالجور و الظلم، فحكى الله سبحانه فعلهم فقال: وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا.» (۲) محمّد بن العباس: [در معنی آیات از محمّد بن القاسم، از جعفر بن عبد الله، از محمّد بن عبد الله، از محمّد بن عبد الرحمن، از ابو جعفر قمی، از محمّد بن عمر، از سلیمان دیلمی، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام روایت آورده که گفت: از آن حضرت، راجع به فرمایش خدای - عزّ و جلّ - (سوگند به خورشید و هنگام اوج درخشندگی اش) پرسیدم. فرمود: «خورشید، رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است. (آن حضرت) برای مردم دینشان را واضح و روشن ساخت.» عرض کردم: (و سوگند به ماه که در پی آن تابان است) فرمود: «او امیر المؤمنین است که در پی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است.»

گفتم: (و سوگند به روز که تاریکی را می‌زداید و جهان را روشن می‌سازد) فرمود:

«آن امام از ذریه‌ی فاطمه نسل رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم است که تاریکی جور و ظلم را می‌زداید. پس خداوند سبحان از او حکایت آورد و فرمود: (و سوگند به روز که تاریکی را می‌زداید و جهان را روشن می‌سازد) منظور از آن، حضرت قائم علیه السلام است.»

پرسیدم: (و سوگند به شب گاهی که عالم را در پرده‌ی سیاهی برکشد)؟ فرمود: «آن امامان جور و ستم‌اند که به استبداد خود جدای از خاندان رسول (صلوات الله عليهم أجمعين) زمام امور را به دست گرفتند و به مسندی تکیه زدند که آل پیامبر از آن‌ها نسبت به آن شایسته‌تر بودند. پس دین خدای را با ستم پوشاندند که خدای سبحان کار آنان را حکایت کرد و فرمود: (و سوگند به شب؛ گاهی که عالم را در پرده‌ی سیاهی برکشد).»

(۱). [در مأخذ: آل محمّد].

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۸۰۵ [ح ۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۱

[۲۹۰] شرف الدین النجفی، قال: روی «۱» علی بن محمّد، عن أبي جميله، عن الحلبي، و رواه [أيضا] علي بن الحكم، عن أبان بن عثمان، عن الفضل بن العباس، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال:

«وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا الشَّمْسُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضُحَاهَا قِيَامُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ قَالَ: وَ أَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحَىٰ وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا الْحَسَنُ وَ الْحَسِينِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا هُوَ قِيَامُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا حَبْرٌ وَ دَوْلَتُهُ قَدْ غَشِيَ عَلَيْهِ الْحَقُّ.»

و أما قوله: وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا قَالَ: «هُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، هُوَ السَّمَاءُ الَّذِي يَسْمُو إِلَيْهِ الْخَلْقُ (۲) فِي الْعِلْمِ.»

و قوله: وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّاهَا قَالَ: «الْأَرْضُ الشَّيْئَةُ.»

وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا قَالَ: «هُوَ الْمُؤْمِنُ الْمَسْتَوِيُّ عَلَى الْخَلْقِ (۳).»

و قوله: فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَالَ: «عَرَفْتُ (۴) الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا.»

قَدْ أفلَحَ مَنْ زَكَّاهَا قَالَ: «قَدْ أفلَحَتْ نَفْسٌ زَكَّاهَا اللَّهُ، وَ قَدْ خَابَتْ مَنْ دَسَّاهَا اللَّهُ.»

قوله: كَذَبَتْ تَمُودُ بِطَعْوَاهَا قَالَ: «تَمُودُ رَهْطٌ مِنَ الشَّيْئَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَقُولُ: وَ أَمَّا تَمُودٌ فَهَدَيْنَاهُمْ فَأَسْتَجَبُوا لِعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ

فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةٌ الْعَذَابِ الْهُونِ فَهُوَ (۵) السَّيْفُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

(۱). در مأخذ: ما رواه.

(۲). [در مأخذ: الخلف].

(۳). در مأخذ: المستور و هو علی الحق.

(۴). در مأخذ: عرّفه.

(۵). [در مأخذ: و هو].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۲

و قوله: فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ [هو النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا قَالَ:

«النَّاقَةُ الْإِمَامُ الَّذِي فَهَمَ عَنْ اللَّهِ [و فَهَمَ عَنْ رَسُولِهِ، وَسُقْيَاهَا أَيْ عِنْدَهُ مُسْتَقَى الْعِلْم.»

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا قَالَ: «فِي الرَّجْعَةِ.»

و لَا يَخَافُ عُقْبَاهَا قَالَ: «لَا يَخَافُ مِنْ مِثْلِهَا إِذَا رَجَعَ.» «۱»

شرف الدین نجفی گوید: علی بن محمد، از ابو جمیل روایت کرده، از حلبی و [نیز] این حدیث را علی بن حکم روایت کرده، از

ابان بن عثمان، از فضل بن العباس، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام که فرمود:

« (در) (سوگند به خورشید و هنگام اوج درخشندگی اش)، شمس امیر المؤمنین علیه السلام است و هنگام اوج درخشندگی اش قیام

حضرت قائم علیه السلام است؛ زیرا که خدای سبحان فرموده: (و این که مردم هنگام اوج درخشندگی خورشید جمع شوند)، (و

سوگند به ماه که در پی آن تابان است) حسن و حسین علیهما السلام اند، (و سوگند به روز که تاریکی را می زداید) قیام حضرت

قائم علیه السلام است. (و سوگند به شب، گاهی که عالم را در پرده سیاهی برکشد) حبر و دولت اوست و این درحالی است که

حق پوشیده خواهد بود.»

این که فرموده است: (و سوگند به آسمان بلند و آن که این کاخ رفیع را بنا نهاد) (امام علیه السلام) فرمود: «او حضرت محمد صلی

الله علیه و آله و سلم است. اوست آسمانی که خلاق در علم و دانش به سوی او بالا می روند.

این که می فرماید: (و سوگند به زمین و آن که آن را گستراند) فرمود: «ارض، شیعیان اند.»

(و سوگند به نفس و آن که او را مستقیم بیافرید) فرمود: «او مؤمن است که آفرینش معتدلی دارد.»

این که فرموده: (و به او شرّ و خیرش را الهام کرد) فرمود: «حق را از باطل

(۱). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۸۰۳-۸۰۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۳

بازشناخت و این است که فرموده: (و سوگند به نفس و آن که او را مستقیم بیافرید).»

(درباره‌ی) (به راستی هر که آن را پاک دارد، رستگار است) فرمود: «نفسی که خداوند آن را پاکیزه گرداند، البته رستگار شده و

هر که را به پلیدی انداخت، زیان کار گشته است.»

و این که فرموده: (قوم ثمود از روی سرکشی (حقایق وحی را) تکذیب کردند) فرمود: «ثمود گروهی از شیعه‌اند که خداوند سبحان

فرماید: (و اما قوم ثمود را هدایت کردیم. پس آنان کوری و گمراهی را بر هدایت برگزیدند. پس صاعقه‌ی عذاب خواری آنان را

گرفت) و این عقوبت شمشیر است؛ هر گاه حضرت قائم علیه السلام به پا خیزد و این که فرموده:

(پس رسول خدا به آنان فرمود) [او پیغمبر اکرم است].»

(این ناقه‌ی خداوند است و آبخخور آن) فرمود: «ناقه (اشاره به) امام است که از سوی خداوند [و پیامبرش] فهمانیده است. (و آبخخور آن) یعنی: آبخخور علم نزد اوست.»  
(پس او را تکذیب کردند و ناقه را پی کردند که خداوند هم به کیفر گناهانشان، هلاک‌شان ساخت) فرمود: «(این) در رجعت است.»

(از پایان کار بیم ندارد) فرمود: «در صورتی که تکرار شود، از چنین چیزی پروا ندارد.»  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۴

## ۱۱۷ [سوره‌ی لیل [آیه‌ی ۲-۳]

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿١﴾

(سوگند به شب؛ آن‌گاه که (همه‌جا را در پرده‌ی سیاه) بپوشاند\* و سوگند به روز؛ هنگامی که جهان را روشن سازد).  
[۲۹۱] علی بن ابراهیم، قال: أخبرنا أحمد بن إدريس، قال: حدثنا محمد بن عبد الجبار، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم، قال:

سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله [عزّ و جلّ]: وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ قال:

«اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِي «٢»، غَشَى «٣» أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ لَهُ عَلَيْهِ، وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصْبِرُ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقُضَى.»

قال: [قلت]: «٤» وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ قال: «النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ غَلَبَتْ دَوْلَتُهُ الْبَاطِلَ، وَ الْقُرْآنُ ضَرْبٌ فِيهِ الْأَمْثَالُ لِلنَّاسِ وَ خَاطَبَ [اللَّهُ نَبِيَّهُ] بِهِ وَ نَحْنُ، فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرُنَا.» «٥»

علی بن ابراهیم گوید: احمد بن ادريس خبرمان داد، وی گفت: محمد بن عبد الجبار حدیث‌مان داد، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از محمد بن مسلم که گفت:

از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام راجع به قول خدای [عزّ و جلّ]: (سوگند به شب

(۱). لیل (۹۲): ۲-۳.

(۲). در مأخذ: فلان.

(۳). در متن: یغشی.

(۴). [به سیاق کلام، باید این افزوده باشد].

(۵). تفسیر قمی ۲: ۴۲۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۵

آن‌گاه که (همه‌جا را در پرده‌ی سیاه) بپوشاند) پرسیدم. فرمود: «لیل (- شب) در این‌جا دومی است که پرده‌ی سیاهش را در دولتش که برایش فراهم آمد بر امیر المؤمنین علیه السلام قرار داد. امیر المؤمنین در دولت آن‌ها صبر می‌کند تا وقتی که به پایان رسد.»  
[راوی گوید: [پرسیدم: (و سوگند به روز؛ هنگامی که جهان را روشن سازد)?

امام علیه السلام فرمود: «نهار (- روز) همان قائم از ما اهل بیت علیه السلام است که هرگاه به پا خیزد، دولت او بر باطل غالب شود و در قرآن مثل‌هایی برای مردم آورده شده و خداوند آن را به پیغمبرش و ما خطاب فرموده است که جز ما کسی آن را نمی‌داند.»

[۲۹۲] شرف الدین النجفی، فی معنی السوره قال: جاء مرفوعاً عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید، عن أبي عبد الله عليه السلام فی

قوله «۱»: وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى قَالَ:

«دوله إبليس (لعنه الله) إلى يوم القيامة و هو يوم قيام القائم عليه السلام، وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى و هو القائم عليه السلام إذا قام، و قوله: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى أعطى نفسه الحقَّ وَ اتقى الباطل، فَسَيُسِّرُهُ لِلْيُسْرَى أَى الْجَنَّةِ وَ أَمَّا مَنْ بَخَلَ [وَ اسْتَعْنَى يَعْنَى بِنَفْسِهِ عَنِ الْحَقِّ وَ اسْتَعْنَى بِالْبَاطِلِ عَنِ الْحَقِّ وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى بولايه على بن أبى طالب و الأئمة من بعده صلوات الله عليهم فَسَيُسِّرُهُ لِلْعُسْرَى يَعْنَى النَّارَ. و أَمَّا قَوْلُهُ: إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَى يَعْنَى أَنْ عَلَيْنَا هُوَ الْهُدَى، وَ إِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ «۲» وَ الْأُولَى فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَطَّى قَالَ: - [هو] القائم عليه السلام إذا قام بالغضب فيقتل من كل ألف تسع مائة و تسعة و تسعين، لا يصيلاها إلا الأَشَقَى قَالَ: - هو عدو آل محمد عليهم السلام، وَ سَيَجْبِئُهَا الْأَتْقَى قَالَ: - ذاك أمير المؤمنين عليه السلام و شيعته.» «۳»

(۱). در مأخذ: قول الله عز و جل.

(۲). در مأخذ: إن له الآخرة.

(۳). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۸۰۷-۸۰۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۶

شرف الدین نجفی در معنی این سوره گوید: به طور مرفوع، از عمرو بن شمر، از جابر بن یزید، از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام روایت آمده است که درباره‌ی قول خدای - عز و جل - : (و سوگند به شب؛ آن گاه که همه جا را در پرده‌ی سیاه) پوشاند) فرمود:

« (مراد) دولت ابلیس (لعنه الله) است تا روز قیامت و آن روز قیام حضرت قائم علیه السلام است «۱». (و سوگند به روز؛ هنگامی که جهان را روشن سازد) او قائم علیه السلام است؛ آن گاه که به پا خیزد و این که فرمود: (و اما کسی که بخشید و تقوی پیشه کرد) (یعنی) خود را به حق سپرد و از باطل پرهیز کرد، (ما البتة کار او را به آسانی خواهیم رسانید) یعنی به بهشت. (و اما آن که بخل ورزید) یعنی از تسلیم خود به حق بخل نمود و به جای حق، به باطل قناعت کرد، (و نیکی را دروغ دانست) یعنی ولایت علی بن ابی طالب و امامان بعد از او - علیهم السلام - را، (زمینه‌ی رهسپار شدن به سختی را پیش رویش می‌نهیم) (سختی) یعنی آتش دوزخ. این که فرموده است: (همانا هدایت بر عهده‌ی ماست) مراد این است که علی علیه السلام همان هدایت است، (و همانا ملک آخرت و دنیا از آن ماست).

(من شما را از آتش شعله‌ور ترسانیدم) - فرمود: - [او] حضرت قائم علیه السلام است؛

(۱). از مهم‌ترین ویژگی‌های بارز شب، تاریکی آن است و از مهم‌ترین خصوصیات روز روشنایی و درخشندگی آن. برای هر چیز ناخوش آیندی، به طور کلی، کلمه‌ی ظلمت (- تاریکی) را به کار می‌برند؛ مانند: جهل و شرک و فسق. هم‌چنین برای همه‌ی امور خوش آیند و محبوب، از قبیل علم و توحید و ایمان، واژه‌ی نور اطلاق می‌گردد و چون امام ظاهر آشکار، منبع و سرچشمه‌ی انوار هدایت و خیرات است، وقتی حکومت ظاهری اش نباشد و مردم نتوانند از آثار آن بهره‌مند شوند، دنیا بر آنان به سان شب تاریک می‌شود و تاریکی‌های مشکلات و ناراحتی‌ها ایشان را می‌پوشاند و با ظهور امام علیه السلام، تمام آثار کجی‌ها و مفسدات از بین می‌رود. گویی امام صادق علیه السلام از همین جهت، عدم حکومت ظاهری امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السلام را به منزله‌ی شب تاریک دانسته‌اند که در آن نشانه‌های دین مقدس از بین رفته و هواهای نفسانی و گمراه‌کننده بر مسلمین سایه افکننده است و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به روز روشن تشبیه فرموده‌اند که هر گاه فرا رسد، تاریکی و تیرگی شب را با نور و ضیای خود می‌زداید.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۷

هرگاه با غضب به پا خیزد. پس از هر هزار تن [از مخالفان ۹۹۹ تن را می کشد.  
(به آن (آتش) گرفتار نشود، مگر شقی ترین خلق) - فرمود: - او دشمن آل محمد علیهم السلام است.  
(و متقی ترین مردم از آن دور خواهد بود) - فرمود: - او امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان اویند.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۸

## ۱۱۸ [سوره ی قدر] [آیه ۶]

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۱﴾

(سلام و رحمتی پیوسته تا هنگام طلوع فجر.)

[۲۹۳] محمد بن العباس: عن أحمد بن هود، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد الله بن حماد، عن أبي يحيى الصنعاني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول:

«قال لي أبي محمد عليه السلام: قرأ علي بن أبي طالب عليه السلام إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و عنده الحسن و الحسين عليهما السلام فقال له الحسين عليه السلام: يا أبتاه، كأن بها من فيك حلاوة، فقال له: يا ابن رسول الله [و ابني إني أعلم فيها ما لا تعلم، إنها لما أنزلت ﴿۲﴾ بعث إلي جدك رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم فقرأها علي ثم ضرب علي كتفي الأيمن و قال: يا أخي و وصيي و ولي ﴿۳﴾ أمتي بعدى و حرب أعدائي إلى يوم يعثون، هذه السورة لك من بعدى و ولديك ﴿۴﴾ من بعدك، إن جبرئيل أخى عليه السلام من الملائكة حدثت إلي أحداث أمتي في سنتها (و الله) و إنه ليحدث ذلك إليك كأحداث النبوة و لها نور ساطع في قلبك و قلوب أوصيائك إلى مطلع فجر القائم عليه السلام.» ﴿۵﴾

(۱). قدر (۹۷): ۶.

(۲). در مأخذ: نزلت.

(۳). در متن: و لئبي على.

(۴). در مأخذ: لولدك.

(۵). تأويل الآيات الظاهرة ۲: ۸۲۰ - ۸۲۱.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۱۹

محمد بن العباس از احمد بن هود، از ابراهيم بن اسحاق، از عبد الله بن حماد، از ابو يحيى صنعاني، از حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام آورده که راوی گوید: شنیدم آن حضرت می فرمود:

«پدرم، حضرت محمد (باقر) عليه السلام، به من فرمود: حضرت علي بن ابی طالب عليه السلام - در حالی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام نزدش بودند - سوره ی إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را خواند. امام حسین به آن جناب عرضه داشت: ای پدر، گویی از دهان شما شیرینی دیگری دارد. امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود:

ای فرزند رسول خدا و فرزند من، من در این سوره چیزها می دانم که تو نمی دانی. هنگامی که این سوره نازل شد، جدت رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم در پی من فرستاد. پس آن را بر من خواند. بر شانه ی راست من زد و فرمود:

ای برادر و جانشین و ولی من بر اتمم بعد از من و ای جنگ (بر) دشمنانم تا روزی که برانگیخته شوند، این سوره برای توست پس از من و برای دو فرزندت بعد از تو. همانا جبرئیل، برادرم از فرشتگان، حوادث و کارهای اتمم را در این سالشان به اطلاع من

رسانید. به خدا سوگند، این جریان اطلاع دادن از حوادث و کارها برای تو نیز خواهد بود؛ هم چون خبر گرفتن نبوت و برای آن نور درخشانی است در دل تو و دل‌های اوصیای تو تا طلوع فجر حضرت قائم علیه السلام.»

[۲۹۴] شرف الدین النجفی: عن محمد بن جمهور، عن موسی بن بکر، عن زرارة، عن حمران، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما يفرق في ليلة القدر، هل هو ما يقدر [الله (سبحانه و تعالی) فيها؟ قال عليه السلام: «لا- توصف قدرة الله [إلّا أنه قال: فيها يُفرقُ كُلُّ أمرٍ حَكِيمٍ فكيف يكون حكيما إلّا ما فرّق، و لا توصف «۱» قدرة الله سبحانه لأنه يحدث ما يشاء.

(۱). [در متن: یوصف.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۰

و أما قوله لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يعني فاطمة عليها السلام و قوله (تعالی):

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالرُّوحُ رُوحُ الْقُدُسِ وَ هِيَ «۱» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ يَقُولُ: مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ يعني حتى يقوم القائم عليه السلام. «۲»

شرف الدین نجفی از محمد بن جمهور، از موسی بن بکر، از زراره، از حمران آورده که گفت: از حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام پرسیدم که در شب قدر، چه ممتاز و پراکنده می‌شود؟ آیا همان است که خدای- سبحانه- و تعالی- در آن تقدیر می‌کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«قدرت خداوند توصیف نمی‌شود [جز آن که او فرموده است: (در آن شب، هر امری با حکمت ممتاز و جدا می‌شود) پس چگونه امری با حکمت خواهد بود مگر آن چه او ممتاز ساخته است؟] و قدرت خداوند سبحان وصف‌ناپذیر است؛ زیرا او آن چه را بخواهد پدید می‌آورد.

این که فرموده است: (از هزار ماه بهتر است) یعنی: حضرت فاطمه عليها السلام و این که خدای (تعالی) فرموده است: (فرشتگان و روح در آن شب فرود می‌آیند)، فرشتگان در این جا مؤمنانی‌اند که علم آل محمد عليهم السلام را دارا شده‌اند. و الروح روح القدس است و آن فاطمه عليها السلام است.

(در) (از هر امر (و فرمان و سرنوشتی) سلام و رحمت است) می‌فرماید: هر امری که تسلیم‌کننده‌اش آن را تسلیم کند، (تا طلوع سپیده‌دم) یعنی (تا وقتی که) قائم علیه السلام قیام کند.»

(۱). در مأخذ: هو فی.

(۲). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۸۱۸ [ح ۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۱

## ۱۱۹ [سوره ی بینه] [آیه ۶]

وَ ذَلِكُ دِينُ الْقِيَمَةِ «۱»

(و آن است دین و آیین (نوشتارهای) استوار (و درست).)

[۲۹۵] شرف الدین النجفی: روی علی بن أسباط، عن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عزّ و جلّ: وَ ذَلِكُ دِينُ الْقِيَمَةِ، قال:



« [إنما] هو ذلك دين القائم عليه السلام. » (۲)

شرف الدین نجفی: علی بن اسباط، از ابو حمزه، از ابو بصیر، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام روایت آورده است که درباره‌ی قول خدای - عز و جل - : (و آن است دین و آیین (نوشتارهای) استوار (و درست)) فرمود:

« [تنها و تنها] این آیین حضرت قائم علیه السلام است. »

(۱). بیته (۹۸): ۶.

(۲). تأویل الآیات الظاهرة ۲: ۸۳۱ [ح ۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۲

## ۱۲۰ [سوره‌ی عصر] [آیه‌ی ۳-۲]

وَ الْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۱)

(سوگند به عصر\* که همانا انسان در زیان کاری است\* مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده و یک‌دیگر را به حق سفارش و به پایداری توصیه کرده‌اند).

[۲۹۶] ابن بابویه، قال: حدّثنا أحمد بن هارون الفامی «۲» و جعفر بن محمد بن مسرور و علی بن الحسین بن شاذویه المؤدّب رضی الله عنهم، قالوا: حدّثنا محمد بن عبد الله بن جعفر بن جامع الحمیری، قال: حدّثنا أبی، عن محمد بن الحسین بن زیاد الزّیّات «۳»، عن محمد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، قال:

سألت الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام عن قول الله عزّ و جلّ: وَ الْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، قال علیه السلام: «الْعَصْرِ عصر خروج القائم علیه السلام، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ یعنی أعداءنا، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا [یعنی بآیاتنا، وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ یعنی بمواساة الإخوان، وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ یعنی بالإمامه، وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ یعنی فی الفترة. «۴»

ابن بابویه گوید: احمد بن هارون فامی و جعفر بن محمد بن مسرور و علی بن

(۱). عصر (۱۰۳): ۲-۴.

(۲). در مأخذ: القاضی.

(۳). در مأخذ: أبی الخطّاب الدّقّاق.

(۴). کمال الدین ۲: ۶۵۶ [باب ۵۸، ح ۱].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۳

الحسین بن شاذویه مؤدّب- که خدای از ایشان خشنود باد- حدیث‌مان دادند، گفتند: محمد بن عبد الله بن جعفر بن جامع حمیری حدیث‌مان داد، گفت: پدرم حدیث‌مان داد، از محمد ابن الحسین بن زیاد زیّات، از محمد بن سنان، از مفضّل بن عمر که گفت:

از امام صادق حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - :

(سوگند به عصر\* که همانا انسان در زیان کاری و خسران است) پرسیدم. آن حضرت فرمود:

« (سوگند به عصر)، عصر خروج حضرت قائم علیه السلام است. (همانا انسان در زیان کاری و خسران است) یعنی، دشمنان ما (در زیان‌اند)، (مگر آنان که ایمان آوردند) [یعنی (آنان که) به آیات ما (ایمان آوردند)]. (و کارهای نیک انجام دادند) یعنی، برابری و یک‌رنگی با برادران دینی، (و یک‌دیگر را به حق سفارش کردند) یعنی، به امامت، (یک‌دیگر را به صبر و پای‌داری توصیه کردند)

(۱). مراد زمان غیبت است که باورها سست می‌شود [و این پیش‌گویی عجیب، خود نشان حَقَّائِیت امر است .  
سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۵

## مستدرک المحجّة

### اشاره

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۷

## ۱ [سورهی بقره [آیهی ۲۵۰]

إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ ... «(۱)»

(همانا خداوند شما را به نهر آبی می‌آزماید ...)

[۱] محمّد بن ابراهیم النعمانی، فی الغیبة: حدّثنا علی بن الحسین، قال:

حدّثنا محمّد بن یحیی العطار، عن محمّد بن حسان الرّازی، عن محمّد بن علی الكوفی، قال: حدّثنا عبد الرّحمان بن ابي هاشم، عن علی بن ابي حمزة، عن ابي بصیر، عن ابي عبد الله عليه السلام قال:

«إن أصحاب طالوت ابتلوا بالنهر الذي قال الله تعالى: سنبتليكم بنهر و إن أصحاب القائم عليه السلام يبتلون بمثل ذلك.» «(۲)»

محمّد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: علی بن الحسین حدیث‌مان داد، گفت: محمّد بن یحیی عطار، از محمّد بن حسان رازی، از محمّد بن علی کوفی برایمان حدیث آورد، وی گفت: عبد الرّحمان بن ابي هاشم از علی بن ابي حمزه، از ابو بصیر، از حضرت امام ابو عبد الله صادق عليه السلام حدیث‌مان گفت که آن حضرت فرمود:

«یاران طالوت به آن نهر آزموده شدند که خدای - تعالی - درباره‌اش فرموده:

(شما را به نهر آبی می‌آزمایم) و همانا اصحاب قائم عليه السلام نیز به مانند آن آزموده خواهند شد.»

(۱). بقره (۲): ۲۵۰.

(۲). کتاب الغیبة: ۳۱۶ [باب ۲۰، ح ۱۳].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۸

## ۲ [سورهی آل عمران [آیهی ۱۴۱]

وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ ... «(۱)»

(... و آن روزگاران را در میان مردمان، به تناوب (و دست به دست) می‌گردانیم ...)

[۲] العیاشی: عن زرارة، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله: وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ قال:

«ما زال - مذ خلق الله آدم - دولة لله و دولة لإبليس، فأين دولة الله؟ أما هو إلّا قائم واحد؟» «(۲)»

عیاشی: از زرارة، از حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام آمده است که آن حضرت درباره‌ی قول خداوند: (و آن روزگاران را

در میان مردم به اختلاف می گردانیم) فرمود:

«همواره- از هنگامی که خداوند آدم را آفرید- حکومتی از آن خدا و حکومتی برای ابلیس بوده است. پس حکومت خداوند کو؟ آیا به جز یک قائم هست؟» (۳)

(۱). آل عمران (۳): ۱۴۱.

(۲). تفسیر العیاشی ۱: ۱۹۹ [آل عمران، ح ۱۴۵].

(۳). [یعنی حاکمیت خداوند- گرچه همواره مردمان اندکی حق پذیر و پای بند بوده اند- هیچ گاه فراگیر نشده است و با توجه به وعده‌ی راستینی که فلسفه‌ی حیات جوامع بشری است، این حاکمیت برپاکننده‌ای جز آخرین ذخیره‌ی الاهی، حضرت مهدی علیه السلام ندارد.]

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۲۹

### ۳ [سوره‌ی مائده [آیه‌ی ۴]

الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ... (۱)

(... امروز آنان که کفر ورزیده‌اند، از دین شما (و از این که بتوانند بر آن آسیب رسانند) ناامید گشتند. پس شما از آنان بیمناک نباشید و از من بترسید.)

[۳] العیاشی: عن عمرو بن شمر، عن جابر، قال: قال أبو جعفر عليه السلام في هذه الآية الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ

«یوم یقوم القائم علیه السلام یئس بنو امیة فهم الذین کفروا یئسوا من آل محمد علیهم السلام.» (۲)

عیاشی: از عمرو بن شمر، از جابر آورده که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام درباره‌ی این آیه: (امروز آنان که کفر ورزیده‌اند از دین شما مأیوس شدند. پس شما از آنان بیمناک نباشید و از من بترسید) فرمود:

«روزی که امام قائم علیه السلام قیام کند، بنی امیه مأیوس شوند که آن‌ها یئسند (کسانی که کافر شدند). (آنان) از آل محمد علیهم السلام نومید می‌شوند.»

(۱). مائده (۵): ۴.

(۲). تفسیر العیاشی ۱: ۲۹۲ [مائده، ح ۱۹].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۰

### ۴ [سوره‌ی انفال [آیه‌ی ۸]

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (۱)

(و خدا می‌خواهد که حق را به وسیله‌ی کلماتش ثابت گرداند و کافران را از بیخ و بن برکند.)

[۴] العیاشی: عن جابر قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن تفسير هذه الآية في قول الله - عز و جل - : (يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ قال:

أبو جعفر عليه السلام:

«تفسیرها فی الباطن یرید الله فإِنَّه شیء یریده و لم یفعله بعد، و أمّا قوله:

(يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ فَإِنَّه یعنی یحقّ حقّ آل محمّد.

و أمّا قوله: بِكَلِمَاتِهِ قال: - کلماته فی الباطن، علیّ هو کلمه الله فی الباطن، و أمّا قوله: وَ يَقَطِّعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ فهم بنو أمیه، هم الکافرون

یقطع الله دابرهم، و أمّا قوله: لِيُحِقَّ الْحَقَّ فَإِنَّه یعنی لیحقّ حقّ آل محمّد علیهم السلام حین یقوم القائم علیه السلام.

و أمّا قوله: وَ يُبْطِلُ الْبَاطِلَ یعنی القائم علیه السلام، فإذا قام یبطل باطل بنی امیه و ذلك قوله: لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ

الْمُجْرِمُونَ» (۲)

عیاشی به سند خود از جابر آورده که گفت: از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام راجع

(۱). انفال (۸): ۸.

(۲). تفسیر العیاشی ۲: ۵۰ [انفال، ح ۲۴].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۱

به تفسیر این آیه پرسیدم که خدای - عزّ و جلّ - فرموده است: (و خدا می خواهد که حق را به وسیلهی کلماتش ثابت گرداند و

ریشهی کافران را از بن برکند). حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمود:

«تفسیرش آن است که در باطن خدا چنین می خواهد؛ زیرا که این چیزی است که آن را می خواهد؛ ولی هنوز به انجام نرسانده

است. این قول خداوند: (حق را به وسیلهی کلماتش ثابت گرداند) منظور احقاق حقّ آل محمّد است و این که فرموده:

(به وسیلهی کلماتش) - (آن حضرت) فرمود: - کلمات او در باطن (مراد است) و علی علیه السلام همان کلمهی خداوند در باطن

است و امّا قول خداوند: (و ریشهی کافران را از بیخ و بن برکند) اینان بنی امیه اند، آن هایند کافران. خداوند دنباله شان را قطع خواهد

کرد.

این که فرمود: (تا حق را تحقّق بخشد) یعنی، حقّ آل محمّد علیهم السلام را تحقّق بخشد، هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام

می کند و امّا قول خداوند: (و باطل را محو و نابود سازد) یعنی، حضرت قائم علیه السلام باطل می سازد که چون قیام کند، باطل بنی

امیه را از بین خواهد برد و این است معنی قول خداوند: (تا حق را پایدار و محقّق کند و باطل را محو و نابود سازد؛ هر چند مجرمان

را ناخوش آید).

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۲

## ۵ [سورهی توبه [آیهی ۳]

وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ ... «۱»

(و هشدارى است از خداوند و پیامبرش به مردم، در روز حجّ بزرگ ...)

[۵] العیاشی: عن جابر، عن [جعفر بن محمّد و] «۲» أبی جعفر علیهما السلام فی قوله عزّ و جلّ: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ

الْحَجِّ الْأَكْبَرِ قال:

«خروج القائم علیه السلام وَ أَذَانٌ دعوته إلى نفسه.» «۳»

عیاشی از جابر، از [حضرت جعفر بن محمّد و] حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به قول خدای - عزّ و جلّ - : (و هشدارى است

از خداوند و پیامبرش به مردم، در روز حجّ بزرگ ...) آورده است که فرمودند:

« (روز حجّ بزرگ) خروج حضرت قائم علیه السلام (و بانگ هشدار) دعوت آن حضرت به خویش است.»

(۱). توبه (۹): ۳.

(۲). [در مأخذ به همین ترتیب چاپ شده است].

(۳). تفسیر العیاشی ۲: ۷۶ [برائۀ، ح ۱۵].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۳

## ۶ [سوره ی هود] [آیه ۱۱۱]

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ... «۱»

(و به راستی که ما کتاب (تورات) را بر موسی فرستادیم.

آن گاه درباره‌ی آن اختلاف کردند.)

[۶] مُحَمَّد بن يعقوب، عن علي بن محمد: عن الحسن بن عبد الرحمن، عن عاصم بن حميد، عن أبي حمزة، عن

أبي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل:

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ قَالَ:

«اختلفوا كما اختلفت هذه الأمة في الكتاب، وسيختلفون في الكتاب الذي مع القائم عليه السلام الذي يأتيهم به حتى ينكره ناس كثير

فيقدمهم فيضرب أعناقهم.» [۲]

محمّد بن يعقوب: از علی بن محمد، از علی بن العباس، از حسن بن عبد الرحمن بن عاصم بن حمید، از ابو حمزه، از حضرت ابو

جعفر امام باقر علیه السلام درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - (و به راستی که ما کتاب (تورات) را بر موسی فرستادیم. آن گاه

درباره‌ی آن اختلاف کردند) روایت آورده است که آن جناب فرمود:

«آنان اختلاف کردند؛ هم چنان که این امت در قرآن اختلاف کردند [۳] و البتّه

(۱). هود (۱۱): ۱۱۱.

(۲). روضه‌ی کافی: ۲۸۷ [ح ۴۳۲].

(۳). این اختلاف‌ها در تفسیر و تطبیق است که هواپرستان و پیروان مذاهب باطل به دل خواه خود انجام می دهند و حقایق را

دگرگون می کنند. همین قبیل افراد و گروه‌ها در نوشتاری که با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است تردید خواهند

کرد و منکر آن خواهند شد. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۴

درباره‌ی کتاب (و نوشتاری) هم که با حضرت قائم علیه السلام است و برای آنان خواهد آورد نیز اختلاف خواهند کرد؛ به طوری

که گروه بسیاری آن را انکار کنند. پس آن حضرت آن‌ها (- منکران) را پیش خواهد داشت و گردن خواهد زد.»

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۵

## ۷ [سوره ی رعد] [آیه ۱۴]

وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ «۱»

(و اوست (خداوند) سخت انتقام گیرنده.)

[۷] محمّد بن ابراهیم النعمانی، فی الغیبه: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعید، قال: حدّثنا علی بن الحسن التیمیّلی من کتابه فی رجب سنة سبع و سبعین و مئتين، قال: حدّثنا محمّد بن عمر بن یزید بیاع السابری، و محمّد بن الولید بن خالد الخزاز جميعا، قال: حدّثنا حماد بن عثمان، عن عبد الله بن سنان، قال: حدّثني محمّد بن ابراهیم بن أبي البلاد، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه، عن الأصبع بن نباتة، قال:

سمعت عليا عليه السلام يقول:

«إن بين يدي القائم عليه السلام سنين خداعة، يكذب فيها الصادق، و يصدق فيها الكاذب، و يقرب فيها الماحل» و فی حدیث: «... و ينطق فيها الروبيضة». فقلت: و ما الروبيضة و ما الماحل؟ قال:

«أو ما تقرأون القرآن؟ قوله وَ هُوَ شَدِيدُ الْمُحَالِ قال: - يريد المكر.»

فقلت: و ما الماحل؟ قال: «يريد المكار.» «۲»

محمّد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: احمد بن محمّد بن سعید خبرمان

(۱). رعد (۱۳): ۱۴.

(۲). کتاب الغیبه: ۲۷۸ [باب ۱۴، ح ۶۲].

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۶

داد، وی گفت: علی بن الحسن تیملی در ماه رجب سال ۲۷۷ از کتابش برایمان حدیث گفت: محمّد بن عمر بن یزید سابری فروش، و محمّد بن الولید بن خالد خزاز هر دو برایمان حدیث گفتند که: حماد بن عثمان از عبد الله بن سنان برایمان حدیث آورد، وی گفت: محمّد بن ابراهیم بن ابی البلاد حدیثام داد و گفت: پدرم از پدرش از اصبع بن نباته برایمان حدیث یاد کرد که گفت: شنیدم حضرت مولا علیه السلام می فرمود:

«پیشاپیش (ظهور) حضرت قائم علیه السلام سالهای فریبدهای خواهد بود که راست گو در آن دروغ گو و دروغ گو در آن راست گو پنداشته شود و شخص "ماحل" در آن زمان مقرب گردد.» و در حدیثی آمده است که: «... و رویبضه در آن به سخن آید.»

راوی گوید: عرضه داشتم: «روبیضه "۱" چیست و "ماحل" کدام است؟ فرمود:

«آیا قرآن نمی خوانید که خداوند فرماید: (و اوست (خداوند) سخت انتقام گیرنده) یعنی: مکر خداوند شدید است.»

عرض کردم: محال چیست؟ فرمود: «مقصودش حيله گر است.»

(۱). تفسیر واژه‌ی رویبضه از این حدیث افتاده است و معنی آن طبق روایت دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم، شخص پست و نالایق است (رک. بحار الأنوار ۵۲: ۲۴۵). مراد این است که افراد نااهل و فرومایه در کارهای مردم دخالت می کنند و نظر می دهند. (مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۷

## ۸ [سوره ی طه [آیه ی ۱۱۴]

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا «۱»

(و این چنین ما این (کتاب) را خواندنی شیوایی نازل ساختیم و در آن از هشدارها (بسیار) آوردیم تا شاید که تقوی پیشه سازند یا

پند و تذکر تازه‌ای پدید آورد.)

[۸] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام: «و أما قوله:

أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا یعنی ما يحدث من أمر القائم علیه السلام و السفیانی. «۲»

علی بن ابراهیم در تفسیرش - که منسوب به امام صادق علیه السلام است - می‌نویسد:

«و اما فرموده‌ی خداوند: (یا پند و تذکر نوینی پدید آورد) یعنی، آنچه از امر و ماجرای حضرت قائم علیه السلام و سفیانی پدیدار می‌شود.»

(۱). طه (۲۰): ۱۱۴.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۸.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۸

### ۹ [سوره‌ی انبیاء] [آیه‌ی ۱۳]

فَلَمَّا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿۱﴾

(پس چون عذاب ما را احساس کردند، به ناگاه از آن گریزان می‌شدند.)

[۹] علی بن ابراهیم، قال: حدّثنا محمد بن جعفر، قال: حدّثنا عبد الله بن محمد، عن أبي داود، عن سليمان بن سفیان، عن ثعلبة، عن

زراره، عن أبي جعفر عليه السلام فی قوله عزّ و جلّ فَلَمَّا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا:

«یعنی بنی امیّه إذا أحسبوا بالقائم من آل محمّد علیهم السلام إذا هم منها یرکضون\* لا- تزکضوا و ازجیوا إلی ما أترفتتم فیهِ و

مساکنکم، لعلکم تسئلون یعنی الكنوز الّتی کنزوها.»

قال علیه السلام: «فیدخل بنو امیّه إلی الرّوم إذا طلبهم القائم علیه السلام ثمّ یخرجهم من الرّوم و یطالبهم بالکنوز الّتی کنزوها.» «۲»

علی بن ابراهیم گوید: محمّد بن جعفر حدیث‌مان داد، وی گفت: عبد الله بن محمد برایمان حدیث آورد، از ابو داوود، از سلیمان

بن سفیان، از ثعلبه، از زراره، از امام ابو جعفر باقر علیه السلام درباره‌ی قول خدای - عزّ و جلّ - (پس چون عذاب ما را احساس

کردند):

«مراد بنی امیّه‌اند؛ هرگاه احساس (می) کردند که قائم آل محمّد علیهم السلام به پا خاسته

(۱). انبیاء (۲۱): ۱۳.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۴۳.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۳۹

است، (از آن گریزان می‌شدند. (حق - تعالی - فرماید: نگریزید و به لذت‌ها و خوش‌گذرانی‌ها و مساکنی که در آن‌ها بوده‌اید

باز گردید؛ باشد که مورد سؤال واقع شوید) یعنی (درباره‌ی) گنج‌هایی که برای خود ذخیره کرده‌اند.»

امام علیه السلام (در ادامه) فرمود:

«چون قائم علیه السلام به تعقیب بنی امیّه می‌پردازد، آن‌ها به روم می‌روند. پس آن حضرت آنان را از روم بیرون می‌آورد و

گنج‌هایی را که پنهان کرده‌اند از آن‌ها مطالبه می‌کند.» «۱»

(۱). این آیه ضمن آیات به شماره‌ی ۵۰ اصل کتاب، گذشت.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۰

### ۱۰ [سوره عنکبوت] آیه ۱۱

وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ: إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ «۱»

(و اگر یاری (و پیروزی) ای از سوی خداوند گارت آید، همانا خواهند گفت: ما هم با شما بودیم.)

[۱۰] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلى الصادق علیه السلام، قال:

«وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ يَعْنِي الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَام.» «۲»

علی بن ابراهیم در تفسیرش - که منسوب به امام صادق علیه السلام است - آورده است که (آن حضرت) فرمود:

« (و اگر نصرت (و پیروزی) ای از سوی خداوند گارت آید) (پیروزی) یعنی قائم علیه السلام.»

(۱). عنکبوت (۲۹): ۱۱.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۱۲۶.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۱

### ۱۱ [سوره لقمان] آیه ۲۱

وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً «۱»

(و نعمت‌های آشکار و نهان خویش را بر شما فراوان کرد.)

[۱۱] ابن بابویه، قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي

أَحْمَدَ مُحَمَّدَ بْنَ زِيَادِ الْأُرْدِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ، وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ.»

فقلت له: وَ يَكُونُ فِي الْأَنْئِمَةِ مِنْ يَغِيبُ؟ قَالَ:

«نعم، يغيب عن أبصار النَّاسِ شخصه، وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرَهُ، وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مَنَّا، يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يَذَلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يَظْهَرُ لَهُ كُنُوزُ الْأَرْضِ وَ يَقْرَبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ، وَ يَبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الْمُدَى تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَادَتَهُ، وَ لَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا.» «۲»

(۱). لقمان (۳۱): ۲۱.

(۲). كمال الدین ۲: ۳۶۸ - ۳۶۹ و نیز كفاية الأثر: [۲۶۶ - ۲۶۷] (باب ما جاء عن موسى بن جعفر عليه السلام ما يوافق هذه ...) .

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۲

ابن بابویه گوید: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنه برایمان حدیث آورد و گفت: علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از ابو احمد محمد بن زیاد ازدی روایت کرد که گفت: از آقا امام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عز و



جلّ:- (و نعمت‌های ظاهری و باطنی خویش را بر شما تمام کرد) پرسیدم. آن حضرت علیه السلام فرمود:

«نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غایب.» به آن جناب عرضه داشتم: آیا در امامان کسی هست که غایب شود؟ فرمود:

«آری، از دیدگان مردم شخص او غایب می‌شود؛ ولی از دل‌های مؤمنان، یاد او غایب نمی‌گردد و او دوازدهمین تن از ما (امامان) است. خداوند هر دشواری را برای او آسان می‌نماید و هر سختی را برایش رام می‌سازد و گنج‌های زمین را برایش آشکار می‌گرداند و هر دوری را برای او نزدیک می‌نماید و هر سرکش ستیزگر را به او نابود می‌کند و به دست او، هر شیطان طاغی را هلاک می‌سازد.

او پسر بهترین کنیزان است؛ آن که ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند و نام بردنش برای آن‌ها روا نباشد تا این که خداوند او را آشکار سازد. پس زمین را پر از قسط و عدل سازد؛ هم‌چنان که از ستم و ظلم آکنده باشد.»

[۱۲] ابن شهر آشوب: عن محمد بن مسلم، عن الكاظم عليه السلام، أنه قال:

«الظاهرة الإمام الظاهر، و الباطنة الإمام الغائب.» (۱)

ابن شهر آشوب: از محمد بن مسلم، از حضرت امام کاظم علیه السلام روایت است که آن حضرت فرمود:

«نعمت ظاهری امام ظاهر است و نعمت باطنی امام غایب.»

(۱). مناقب آل ابی طالب ۴: ۱۸۰.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۳

## ۱۲ [سوره‌ی صف [آیه‌ی ۱۳]

وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ ... «۱»

(و (تجارت) دیگری که آن را دوست دارید: نصرت و یاری از سوی خداوند و فتحی نزدیک است.)

[۱۳] علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام: فی قوله تعالی:

وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ قَالَ:

«یعنی فی الدنیا بفتح القائم علیه السلام.» (۲)

علی بن ابراهیم: در تفسیر خود- که منسوب به امام صادق علیه السلام است- درباره‌ی فرموده‌ی خدای- تعالی-: (و (تجارت)

دیگری که آن را دوست دارید: نصرت و یاری از سوی خداوند و فتحی نزدیک است) آورده است که آن حضرت فرمود:

«یعنی در دنیا با فتح و پیروزی حضرت قائم علیه السلام.»

(۱). صف (۶۱): ۱۴.

(۲). تفسیر قمی ۲: ۳۴۷.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۴

## ۱۳ [سوره‌ی مدثر] [آیه‌ی ۴۸-۴۷]

وَ كُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ \* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ «۱»

(و ما روز جزا را دروغ می‌شمریم تا این که یقین به ما رسید.)

[۱۴] فرات بن ابراهیم، قال: حدَّثني جعفر بن محمد الفزاري معننا، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: ... وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ

«فذلك يوم القائم عليه السلام و هو يوم الدين، حَتَّى أَتَانَا اليَقِينُ أَيَّامَ القائمِ عليه السلام.» [۲]

فرات بن ابراهیم گوید: حدیث گفت مرا جعفر بن محمد فزاری با سند پیوسته از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام در تفسیر فرموده‌ی خدای - تعالی - : (... و ما روز جزا را دروغ می‌شمریم):

«آن روز (قیام) قائم علیه السلام و روز جزاست (و) (تا این که یقین به ما رسید) (یقین) روزگار (ظهور) قائم علیه السلام است.»

(۱). مدثر (۷۴): ۴۷-۴۸.

(۲). تفسیر فرات بن ابراهیم: ۱۹۴.

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۵

### ۱۴ [سوره‌ی مطففین] آیه‌ی ۱۴

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ: أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١﴾

(هرگاه آیات ما بر او خوانده شود، گوید: افسانه‌های پیشینیان است.)

[۱۵] محمد بن العباس، عن أحمد بن إبراهيم بن «۲» عبّاد: بإسناده إلى عبد الله ابن بكير يرفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام قال في قوله عزّ و جلّ: إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ: أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ قَالَ: «يعني تكذيبه بالقائم عليه السلام إذا يقول له: لسنا نعرفك و لست من ولد فاطمة عليها السلام كما قال المشركون لمحمد صلى الله عليه و اله و سلم.» [۳]

محمد بن عباس، از احمد بن ابراهیم بن عبّاد روایت کرده به سند خود تا عبد الله بن بکیر به طور مرفوع از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام آورده است که درباره‌ی فرموده‌ی خدای - عزّ و جلّ - : (هرگاه آیات ما بر او خوانده شود، گوید: افسانه‌های پیشینیان است) فرمود: «یعنی حضرت قائم علیه السلام را تکذیب می‌کند و دروغ گو می‌شمارد که به آن حضرت می‌گوید: تو را نمی‌شناسیم و تو از فرزندان فاطمه علیها السلام نیستی؛ همان‌طور که مشرکان به حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم چنین گفتند.» [۴]

(۱). مطففین (۸۳): ۱۴.

(۲). [در متن: عن.]

(۳). تأویل الآيات الظاهرة ۲: ۷۷۱-۷۷۲.

(۴). یعنی همان‌گونه که مشرکان آیات الاهی را تکذیب کردند و آن‌ها را افسانه‌های پیشینیان خواندند، هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا خیزد، کسانی آن حضرت را تکذیب کنند و دعوت اصلاحی ایشان را افسانه خوانند! در آن هنگام، مخالفان امام عصر علیه السلام - که معاندند- از میان خواهند رفت و زمین از عدل و داد پر خواهد شد. به امید آن روز!

(مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۷

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۴۹

فهرست منابع «۱»

۱- قرآن کریم

۲- الاحتجاج علی أهل اللجاج شیخ طبرسی [دار التعمان (کتبی)]- نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق

۳- الاختصاص شیخ مفید

۴- الإرشاد شیخ مفید

۵- أعيان الشیعة سید محسن امین عاملی

۶- أمالی شیخ طوسی

۷- أمل الآمل شیخ حرّ عاملی

۸- أنوار البدرین شیخ علی بن حسن بن علی بن سلیمان بلادی قدیحی

۹- الإیقاظ من ההجعة شیخ حرّ عاملی

۱۰- بحار الأنوار علامه مجلسی

۱۱- البیان فی تفسیر القرآن سید ابو القاسم خویی

۱۲- تأویل الآیات الظاهرة سید شرف الدین نجف استر آبادی [مدرسه الإمام المهدی علیه السلام]- قم، ۱۴۰۷ ق

(۱). بیش تر منابع مورد استفاده ی مؤلف بزرگوار بوده و قسمتی از آنها در تحقیق و برخی در ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است.

(مترجم)

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن ۵۸۰

۱۳- التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی

۱۴- ترجمه ی مکیال المکارم سید محمد تقی موسوی اصفهانی

۱۵- البرهان فی تفسیر القرآن سید هاشم بحران [مؤسسه البعثه- قم، ۱۴۱۷ ق

۱۶- تفسیر العیاشی محمد بن مسعود عیاشی [علمیه ی اسلامیة- تهران، ۱۳۸۰ ق (مقدمه)]

۱۷- تفسیر القمّی علی بن ابراهیم قمی

۱۸- تفسیر فرات فرات بن ابراهیم کوفی [داوری- قم (افست نجف)، بی تا]

۱۹- تفسیر مجمع البیان شیخ امین الاسلام طبرسی [اعلمی- بیروت، ۱۴۱۵ ق

۲۰- الخصال شیخ صدوق

۲۱- دلائل الإمامة محمد بن جریر بن رستم طبری [مؤسسه البعثه- قم، ۱۴۱۳ ق

۲۲- الدرّیعة شیخ آقا بزرگ تهرانی.

۲۳- روضات الجنّات سید محمد باقر خوانساری

۲۴- روضة الواعظین شهید ابن الفارسی قتال نیشابوری

۲۵- ریاض العلماء شیخ عبد الله افندی

- ۲۶- ریحانه الأدب شیخ محمد علی مدرس تبریزی
- ۲۷- علل الشرایع شیخ صدوق
- ۲۸- عیون أخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق
- ۲۹- کتاب الغیبه شیخ الطائفة طوسی [مؤسسه المعارف الإسلامیة- قم، ۱۴۱۷ ق]
- ۳۰- کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی [مکتبه الصدوق- تهران، ۱۳۷۹ ق (مقدمه)]
- ۳۱- [ال] فوائد الرضویة حاج شیخ عباس قمی
- ۳۲- کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه قمی
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۱
- ۳۳- کافی محمد بن یعقوب کلینی
- ۳۴- کفایة الأثر علی بن محمد خزّاز قمی [بیدار- قم، ۱۴۰۱ ق]
- ۳۵- کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق [دار الکتب الإسلامیة- تهران، ۱۳۰۹ ق (مقدمه)]
- ۳۶- الکنی و الألقاب حاج شیخ عباس قمی
- ۳۷- لؤلؤة البحرين شیخ یوسف بحرانی
- ۳۸- مجمع البحرين شیخ فخر الدین طریحی
- ۳۹- مختصر البصائر شیخ حسن بن سلیمان حلّی
- ۴۰- مرصد الأطلاع ابن عبد الحق
- ۴۱- مرآة العقول علامه مجلسی
- ۴۲- معانی الأخبار شیخ صدوق
- ۴۳- معجم البلدان یاقوت حموی
- ۴۴- الهدایة شیخ حسین بن حمدان خصیبی [جنبلانی]
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۲

### خاتمه:

بسمه و له الحمد

به یاری خداوند متعال، چاپ و نشر این کتاب- پس از چند سال که از تحقیق و آماده‌سازی آن می‌گذرد- به پایان رسید و این تاریخ: ماه جمادی الآخر سال ۱۴۰۰ از هجرت نبوی است و بهترین درودها و سلام‌ها بر آن مهاجر گرامی باد.

من در این جا، از همه‌ی برادران فاضلم که مرا در انجام این مهم- از جهت به دست آوردن نسخه‌های خطی و فراهم ساختن منابع و هم‌چنین چاپ آن به گونه‌ای که شایسته‌ی آن بود- یاری دادند، تشکر و قدردانی می‌کنم و از خداوند بزرگ توانا خواستارم که ثواب این کارم را به روان پاک مرحومه والدهام تغمدها الله برحمته برساند و در دنیا و آخرت مرا از دعای مادر بهره‌مند سازد که اوست شنوای اجابت‌کننده.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

محمد منیر میلانی

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۳

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۵

نمایه‌ی زیر، حاوی نام‌های راویان احادیث یاد شده در این کتاب است که از سند متن عربی روایات استخراج شده است. در صورت اطمینان از یک‌سان بودن دو اسم (اعمّ از کنیه و لقب و اسم) باهم تطبیق داده شده‌اند؛ مثلاً الثّمالی با أبو حمزّه. به‌رغم جست‌وجوی فراوان در کتب رجال، هم‌سانی بسیاری از نام‌ها مورد اطمینان کافی واقع نشد؛ مثلاً این که احمد بن حسن همان احمد بن حسن میثمی است یا نه و احمد بن محمّد کدام است و ... بنابراین، به ترتیبی که در متن روایت بود، شخصیت‌هایی جداگانه تلقّی گردید.

روشن است که در این فهرست - که شاید پژوهشگران رجالی علم الحدیث را سودمند باشد - اسامی معصومان علیهم السّلام و دیگر شخصیت‌های یاد شده در متن روایات نیامده است.

أبان بن أبی مسافر، ۲۲۰

أبان بن تغلب، ۲۴۱، ۲۴۲

أبان بن عثمان، ۲۲۹، ۲۴۱، ۳۹۰، ۵۱۱

إبراهیم بن إسحاق التّهاونديّ، ۴۷۶، ۵۱۸

إبراهیم بن سلمه، ۴۳۴، ۴۵۳

إبراهیم بن عبد الحمید، ۲۱۵، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۹۴

إبراهیم بن عمر، ۲۵۳

إبراهیم بن محمّد الثّقفيّ، ۲۹۷، ۳۱۹، ۳۴۱، ۴۰۸، ۴۱۷، ۴۳۲، ۴۵۶

إبراهیم بن محمّد بن یوسف، ۱۹۰

إبراهیم بن هاشم [قمی]، ۲۲۸، ۴۴۵، ۴۴۶

إبراهیم بن یحیی الجوانبيّ، ۳۹۹

إبراهیم الکرخيّ، ۴۲۶

ابن إبراهیم - علی بن إبراهیم

ابن أبی حمزّه - علی بن أبی حمزّه

ابن أبی عمیر - محمّد بن أبی عمیر

ابن أبی نجران، ۴۰۵

ابن بابویه، ۴۱، ۵۲، ۱۲۹، ۱۴۹، ۱۸۲، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۴۱، ۲۵۰، ۲۷۳، ۲۹۱، ۳۲۰، ۳۴۷، ۳۷۱، ۳۷۲، ۴۲۶، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۶۵،

۴۸۴، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۲۲، ۵۴۱

ابن بکیر، ۱۱۶

ابن درّاج - جمیل بن درّاج

ابن سماعه [سليمان بن سماعه؟]، ۴۷۹

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۶

ابن سنان، ۱۳۳، ۲۵۵، ۳۲۹

- ابن شهر آشوب، ٢٩٢، ٥٤٢
- ابن عباس [عبد الله، ١٨٥، ٣٤١، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٥٣، ٥٠٢
- ابن الفارسي، ١٦٤
- ابن فضال، ٢٠٩، ٢١٠، ٢٩٥، ٣٤٠، ٣٥٩، ٣٩٦
- ابن محبوب - الحسن بن محبوب
- ابن مسكان، ٣٠٥، ٣٦٥، ٤١٨
- ابن معاوية البجلي، ٤٧١
- ابن همام - محمد بن همام
- أبو أحمد بن موسى الأسدي، ١٩٣
- أبو إسحاق الهمداني، ٣٧٤
- أبو أيوب الخزاز، ١١٤، ٣٣٣
- أبو بصير يحيى بن أبي القاسم، ٤١، ٥٠، ٧٠، ٨٤، ٩٣، ١١٣، ١٥٠، ١٨٢، ١٨٣، ٢٠٤، ٢٢٤، ٢٣٥، ٢٤٥، ٢٤٧، ٢٨٤، ٣١٧، ٣٦٥، ٣٨٣، ٣٩٢، ٣٩٥، ٤٠٢، ٤٤٤، ٤٤٧، ٤٦١، ٥٠٤، ٥٢١، ٥٢٧
- أبو الجارود، ٣٠٦، ٣٠٧، ٣٧٨، ٤٥٦
- أبو جعفر [محمد بن يحيى - محمد بن يحيى العطار
- أبو جعفر الأحول - مؤمن الطاق
- أبو جعفر القمي، ٥٠٩
- أبو جميلة، ٣٩٠، ٥١١
- أبو الحسن [محمد بن أحمد] الأنباري، ٣٩٩
- أبو حمزة، ١٣٧
- أبو حمزة الثمالي، ١١٥، ١٤٥، ١٤٦، ١٩٠، ٢٨٠، ٢٩١، ٣٧٩، ٣٨٦، ٤٠٤، ٤٠٩، ٤١٥، ٤٧٨، ٥٢١، ٥٣٣
- أبو خالد القمّاط، ٤٧، ٥٢، ٢١٦
- أبو خالد الكابلي، ٤٤، ٤٨، ٥٢، ١٥٧، ١٥٨، ٢١٧، ٣٥٥، ٣٧٥، ٣٨١
- أبو داود، ٥٣٨
- أبو الزبير الشامي، ١٣٩
- أبو سعيد، ٣٢٠
- أبو سمينه، ٦٢
- أبو شعيب - محمد بن نصير
- أبو صالح [بازام، ٣٤١، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٥٣
- أبو الصّامت، ٣٢٩، ٣٣١
- أبو الصباح بن عبد الحميد، ١٣٣، ٢٣٠
- أبو العباس، ٤٨٨
- أبو عبد الله البرقي - البرقي

- أبو عبد الله الخراساني، ٧٠  
 أبو عبيدة الحداء، ١٥٩  
 أبو عبيدة بن محمد بن عمّار [بن ياسر]، ٤٦٥  
 أبو عثمان، ٣٤٣، ٣٤٥  
 أبو علي - محمد بن همام  
 أبو علي الأشعري [أحمد بن إدريس بن أحمد القمي]، ١٨٤، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١٦، ٢٩٠، ٣٩٧، ٤٨٢، ٥١٤  
 أبو علي الطبرسي، ١٦٩، ١٨٧، ٢٢١، ٣٠٣، ٣٢٧  
 أبو علي النهاوندي، ٢٢٦  
 أبو الفضل العباس بن محمد بن الحسين، ٢٣٤  
 سيمای حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٥٧  
 أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، ٢٥٨، ٢٧٢  
 أبو القاسم علي بن حبشي، ٢٣٤  
 أبو قتادة علي بن محمد بن حفص، ٤٧٠  
 أبو قرصافة - وائل بن الأسقع  
 أبو لبيد المخزومي، ١٥٢  
 أبو محمد - هارون بن موسى  
 أبو مزاحم موسى بن عبد الله بن يحيى بن خاقان المقرئ، ٣٢٠  
 أبو المغرا [حميد بن مثنى - أبو المعزى؟]، ٢١٣  
 أبو المقدام [ثابت بن هرمز]، ١٨٧  
 أبو الورد، ٣٤٤  
 أبو هريرة، ٤١٤  
 أبو الهيثم القصاب، ٣٨٨  
 أبو يحيى الصنعاني، ٥١٨  
 أحمد بن إبراهيم بن عبّاد، ٥٤٥  
 أحمد بن أبي عبد الله البرقي، ٥٢، ١٨٢، ٤٤٤  
 أحمد بن أبي عبد الله الكوفي، ٢٠٤  
 أحمد بن أبي القاسم، ٥٢  
 أحمد بن إدريس - أبو علي الأشعري  
 أحمد بن الحارث، ١٢٩  
 أحمد بن الحسن، ٣٠٢، ٤٩٦، ٤٩٧  
 أحمد بن الحسن الميثمي، ٢٢٩، ٤٤٩، ٤٥٠، ٤٥٢  
 أحمد بن الحسن بن علي، ٣٤١  
 أحمد بن الحسين (ابن أبي القاسم)، ١١١

- أحمد بن الحسين بن عبد الملك، ٣٣٨، ٤٤٣
- أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني، ٢٧٣، ٥٤١
- أحمد بن زيد الدّهان، ٣٥٩
- أحمد بن عبد المنعم الصّيداوي، أبو نصر، ٤١١
- أحمد بن عليّ، ٣٣١، ٣٩٧، ٤٢٧
- أحمد بن عليّ الحميري، ٣٣٠
- أحمد بن عمر الحلبيّ، ٣٣٤
- أحمد بن القاسم، ٤١٠، ٤٧٣
- أحمد بن مابنداذ، ٤٧٢
- أحمد بن مالك الفزاريّ، ٤٣٤، ٤٥٣
- أحمد بن محمّد، ٢١٦، ٢٩٠، ٣٠٢، ٤٢٦
- أحمد بن محمّد بن أبي ناشر، ٥١، ١٢١
- أحمد بن محمّد بن أبي نصر، ١٥٩
- أحمد بن محمّد بن جعفر الطّائي الكوفيّ، أبو الخير، ٢٦٣
- أحمد بن محمّد بن خالد - أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ
- أحمد بن محمّد بن رباح الزّهريّ، ٣٣٠
- أحمد بن محمّد بن سعيد، ٤٨، ٥٠، ١١٣، ١٤١، ٢١٠، ٢١٥، ٣١٧، ٣٣٤، ٣٣٦، ٣٣٨، ٣٤٠، ٣٥٢، ٣٩٢، ٣٩٥، ٤٣٩، ٤٤٠، ٤٤٢، ٤٤٥
- أحمد بن محمّد بن سيّار - أحمد بن محمّد السّياريّ
- أحمد بن محمّد بن عبد الله الجوهريّ، ٤١٤
- أحمد بن محمّد بن عيسى، ٤٢، ٥٠، ١٢١، ١٣٣، ١٥٧، ١٨٨، ٢٣٠، ٢٨٩، ٢٩١، ٣٣٣، ٤٧٠
- أحمد بن محمّد بن يحيى العطار، ٥٢، ٢٢٨
- سيماي حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٥٨
- أحمد بن محمّد السّياريّ، ١٩٥، ٤١٠، ٤٧٣
- أحمد بن معمر الأسديّ، ٣٤١
- أحمد بن مهران، ٤٥٤
- أحمد بن ميثم، ٣٨٨
- أحمد بن هارون الفاميّ، ٥٢٢
- أحمد بن هلال، ٥١، ١١٢، ١١٤، ١٢١، ١٩٥، ٣٣١، ٤٧٢
- أحمد بن هوذة، ١٨٣، ٤٦١، ٤٧٦، ٥١٨
- أحمد بن يوسف بن يعقوب الجعفيّ، ٥٠، ١١٣، ٣١٧، ٣٩٥
- إدريس، ١٣٤
- إسحاق بن إبراهيم الغزاليّ، ١٦٣، ١٨٣، ٤٦١
- إسحاق بن عبد العزيز، ٢١٥



- إسحاق بن عبد الله، ٣١٩، ٤٣٢
- إسحاق بن عمّار، ١٧، ٢٣٦، ٢٣٧
- إسحاق بن محمّد الصّيرفيّ، ١٦٣
- إسحاق بن محمّد بن سميع، ٣٦٦
- إسماعيل بن بشار، ٢٩٧، ٤١٧
- إسماعيل بن جابر، ٤٧، ٢١٦، ٢٩٧، ٣٥٢، ٣٨١
- إسماعيل بن عليّ الفزاريّ، ٤٧١
- إسماعيل بن عليّ القزوينيّ، ٤١٥
- إسماعيل بن عمر بن أبان، ٢٤٣
- إسماعيل بن محمّد المكيّ، ١٣٩
- إسماعيل بن مهران، ٥٠، ١١٣، ٣١٧، ٣٩٥
- أسيد بن ثعلبة، ٤٩٦، ٤٩٨
- الأصبخ بن نباتة، ٥٠٢، ٥٣٥
- الأعرج [عبد الرّحمان بن هرمز]، ٤١٤
- أمّ هاني، ٤٩٦، ٤٩٧، ٤٩٨
- أميّة بن ميمون الشّعيريّ، ١٩٥
- أيوب البرّاز، ٤١٠
- بدر بن الخليل الأسديّ، ٢٩٥
- البرقيّ، ١٤٦، ٤١٠، ٤٧٣
- بريد بن معاوية العجليّ، ١١٩، ١٢٠
- ثابت الثّماليّ - أبو حمزة
- ثعلبة بن ميمون، ٢٠٩، ٢١٠، ٢٩٥، ٣٤٠، ٣٩٦، ٥٣٨
- الثّماليّ - أبو حمزة
- جابر، ١٧، ٢٧٥، ٢٧٦، ٢٩٠، ٢٩٧، ٤١٠، ٤٧٦، ٤٩١، ٥٢٩، ٥٣٠، ٥٣٢
- جابر بن عبد الله الأنصاريّ، ٤٣، ١٢٩، ٣١٤، ٣٢١
- جابر بن يزيد الجعفيّ، ٥١، ٥٣، ٦٢، ١٢١، ١٢٧، ١٢٩، ١٩٦، ٢٥٤، ٢٨١، ٣٨٣، ٤٠٨، ٤١١، ٤٨٣، ٤٨٦، ٥٠٨، ٥١٥
- جبرئيل بن أحمد، ٥٠٠
- جعفر بن أحمد، ١٤٥، ٤٠٩، ٥٠٤
- جعفر بن بشير الوشاء، ٢١٢، ٣٦٥
- جعفر بن عبد الله، ٥٠٩
- جعفر بن عبد الله الكوفيّ، ٣٠٦
- جعفر بن مالك - جعفر بن محمّد بن مالك
- جعفر بن محمّد، ٢١٥، ٤٩٧

- جعفر بن محمّد بن جعفر بن الحسن العلوی، ۴۱۱
- جعفر بن محمّد بن عبید الله، ۲۸۹
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۵۹
- جعفر بن محمّد بن مالک الفزازی، ۱۲۹، ۱۶۳، ۲۴۳، ۳۶۶، ۳۸۷، ۳۹۴، ۴۳۵، ۴۷۵، ۴۹۸، ۵۴۴
- جعفر بن محمّد بن مسرور، ۵۲۲
- جعفر بن محمّد بن مسعود، ۲۳۶، ۴۲۶، ۵۰۰
- جعفر بن محمّد الحسنی، ۱۹۳
- جعفر بن محمّد الحمیری، ۳۸۸
- جميل بن درّاج، ۲۳۴، ۳۶۹
- جندل بن جنادة، ۳۲۱
- جهم بن أبی جهمة، ۳۱۲
- الحارث بن المغيرة البصری، ۲۱۲
- الحارث بن نبهان، ۳۲۰
- الحارث الهمدانی، ۳۷۴
- الحجاج، ۱۳۷
- الحجّال، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۷۴
- حریز، ۲۲۲
- حسان، ۲۱۶
- حسان العابد، ۲۳۹
- الحسن بن أبی الزّبیع - الحسن بن الزّبیع الحسن بن آیوب، ۳۳۰
- الحسن بن الحسين، ۳۱۹، ۴۳۲
- الحسن بن الزّبیع الهمدانی، ۴۹۶ - ۴۹۸
- الحسن بن عبد الزّحمان، ۲۸۰، ۲۸۴، ۳۸۶، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۷۸، ۵۳۳
- الحسن بن عثمان، ۱۴۶
- الحسن بن علی، ۴۷۶
- الحسن بن علی الزّیبری العلوی، ۳۹۹
- الحسن بن علی بن أبی حمزة، ۵۰، ۱۱۳، ۳۸۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۵۰۴
- الحسن بن علی بن أسباط، ۳۳۲
- الحسن بن علی بن سماعة، ۴۴۹، ۴۵۲
- الحسن بن علی بن فضال - ابن فضال
- الحسن بن علی بن یوسف، ۴۸
- الحسن بن المبارک، ۳۷۴
- الحسن بن محبوب، ۵۰، ۵۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۸۶، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۷۹، ۴۲۶، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۸۰

- حسن بن محمّد بن عبد الواحد، ٣٦٧
- الحسن بن محمّد الحضرمي، ٢١٥
- الحسن بن محمّد النّهاوندي، ٧٠، ٢٠٦، ٤٣٥
- الحسن بن محمّد الصّيرفي، ٥٠٠
- الحسن بن محمّد بن جمهور القمي، ٣٦٥
- الحسن بن محمّد بن سماعه، ١٢٩، ٣٥٠، ٤٥٠، ٤٥٣
- الحسن بن محمّد بن شعيب، ٣٨١
- الحسن بن موسى الخشاب، ٤٢٧
- الحسن بن وهب، ٤٠٨
- الحسين، ٢٢١
- الحسين بن إبراهيم القزويني [أبو عبد الله، ٢٣٤
- الحسين بن الحسن بن أبان، ٢١١
- الحسين بن أبي غندر، ٢٣٥
- الحسين بن أحمد [الصّالح، ٢٩٧، ٣٤٢، ٣٤٣، ٣٤٥
- سيماي حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٦٠
- الحسين بن أحمد، ٣٣١
- الحسين بن أحمد المكي، ٣٠٤
- الحسين بن حمدان الخصيبي، ٤٢١، ٤٦٢
- الحسين بن خالد، ١٣٩، ٣٤٧
- الحسين بن سعيد، ٢١١
- الحسين بن عامر - الحسين بن محمّد بن عامر
- الحسين بن عبد الله الحرمي، ١٦٣، ٣٨٩
- الحسين بن عبد الله السّدي، ٤٢٧
- الحسين بن علوان، ١٨٩
- الحسين بن علي بن إبراهيم بن محمّد، ١١١
- الحسين بن محمّد [بن عامر]، ٢٨٩، ٣١٨، ٣٦٩، ٣٧٩
- الحسين بن محمّد القطعي، ٤٣٣
- الحسين بن محمّد بن عبد الله بن الحسن، ٣٠٣
- الحسين بن مختار، ٣٩٢
- الحسين بن موسى، ٣٣٥
- الحسين بن يزيد، ٤١، ٢٠٤، ٥٠٢
- حفص بن عمر بن سالم، ٣٦٧
- الحلبي، ٣٩٠، ٥١١

حمّاد بن عثمان، ۱۴۱، ۱۵۹، ۵۱۴، ۵۳۵  
 حمّاد بن عیسی، ۲۲۲، ۳۹۲  
 حمران بن أعین، ۲۶۳، ۲۷۷، ۲۹۱، ۵۱۹  
 حمید بن زیاد الکوفی، ۲۱۵، ۳۵۰، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۳  
 حنّان بن سدید، ۳۴۱، ۵۰۰  
 حیدر بن محمّد الفزازی، ۴۳۴، ۴۵۳  
 حیدر بن محمّد بن نعیّم السمرقندی، ۱۵۰، ۵۰۰  
 خثیمه، ۱۵۲  
 الخزّاز، ۲۲۱  
 داود الدّجاجی، ۳۴۰  
 داود بن فرقد، ۲۱۱  
 داود بن کثیر الرّقی، ۴۲، ۱۹۳  
 رستم بن عبد الله بن خالد المخزومی، ۳۵۹  
 رفاعه بن موسی، ۱۱۶  
 زاذان، ۳۵۹  
 زراره بن أعین، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۵۱، ۲۰۲، ۴۱۷، ۵۱۹، ۵۲۸، ۵۳۸  
 زیاد بن المنذر - أبو الجارود  
 زیاد القندی، ۱۹۵  
 سالم بن دینار، ۵۰۲  
 سعدان بن إسحاق بن سعید، ۳۳۸، ۴۴۳  
 سعدان بن مسلم، ۴۸، ۳۱۲، ۴۸۴  
 سعد بن ظریف، ۵۰۲  
 سعد بن عبد الله، ۱۴۹، ۲۱۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۵۰، ۲۹۱، ۴۷۰، ۴۹۶  
 سعد بن عمر، ۲۳۳  
 سعید بن جناح، أبو حسان، ۷۰، ۸۴  
 سفیان بن إبراهیم، ۳۱۹، ۴۳۲  
 الشکونی، ۳۹۸  
 سلّام بن المستنیر، ۲۷۵، ۴۵۲، ۴۵۳  
 سلامه بن محمّد، ۱۹۳، ۱۹۵، ۴۹۷  
 سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۶۱  
 سلمان [المحمّدی الفارسی، ۳۵۹  
 سلمه بن الخطّاب، ۲۸۴، ۴۰۲  
 سلیمان الأعمش، ۳۵۹

- سليمان الدَيْلمِي، ٤٤٥، ٤٤٦، ٥٠٩
- سليمان بن خالد، ٤٧٩
- سليمان بن داود المنقرِي، ١٣٧
- سليمان بن سفيان، ٥٣٨
- سليمان بن سماعه، ٣٩٧
- سليمان بن صالح، ٣٨٨
- سليمان بن هارون العجلي، ١٤١، ١٤٢
- سماعة بن مهران، ٨٤، ١٨٣، ٢٣٩، ٤٤٩
- سهل بن زياد، ٥٠، ١٢١، ٢٤٥، ٢٥٦، ٣٩٦، ٤٧١، ٥٠٦
- سيرين، ٢٤٩
- سيف، ٢١٦
- شرف الدين النجفي، ١٩٧، ٢٢١، ٢٧٨، ٣٩٠، ٤٧٩، ٤٨٦، ٤٩١، ٥٠٨، ٥١١، ٥١٥، ٥١٩، ٥٢١
- الشريف أبو محمد المحمدي، ٤٣٣
- شهر بن حوشب، ١٣٧
- الشيخ الطوسي، ١٩٦، ٣٧١، ٤٣٣، ٤٥٣
- الشيخ المفيد، ٦٢، ١٢٠، ١٢٧، ٢٤٣، ٢٩١، ٤٤٦، ٤٥٠، ٤٧٣، ٤٨٣، ٥٠٢
- الطبرسي [أمين الإسلام، ١٦٩، ٣٠٣، ٣٢٧
- الطبرسي [أبو منصور أحمد بن علي، ٦٧
- الطيار، ٣٩٦
- الطيالسي أبو الوليد، ٤١٤
- صالح بن سعيد، ٢٢٤
- صالح بن سهل، ٢٥٨، ٢٥٩، ٢٦٠، ٤٧٦
- صالح بن عقبه، ٣٥٢
- صالح بن ميثم، أبو عبد الله، ٢٤٨
- صفوان بن يحيى، ١٨٤، ٢٣٥، ٣٤٣، ٣٤٧
- ضريس، ٤٨، ٥٢
- عاصم بن حميد الحنّاط، ٢٨٠، ٣٨٦، ٤٠٤، ٤٠٥، ٤١٥، ٤٧٨، ٥٣٣
- عتاد بن يعقوب، ٤٣٤، ٤٥٣، ٤٦٥
- العبّاس بن عامر، ٢٣٦
- العبّاس بن محمد، ٣٨٣
- العبّاس بن معروف، ٢٧٢
- عباية بن ربعي، ١٨٤
- عبد الأعلى الحلبي، ١١٨، ١٦٩، ٢٢٠، ٢٩٨، ٣٧٩

- عبد الرّحمان بن الحجاج، ٤٥٤  
عبد الرّحمان بن أبي نجران، ٤٩٨  
عبد الرّحمان بن أبي هاشم، ٥٢٧  
عبد الرّحمان بن كثير، ٢٤٢، ٢٤٣، ٤٨٨  
عبد الرّحمان بن مسلمة الجريدي، ٢٠٩، ٢١٠  
عبد الرّحيم، ٤٠٩  
عبد الرّزاق، ١٩٠  
عبد السّلام بن صالح الهروي، ٢٧٣  
عبد الصّمد بن بشير، ٣٣٨، ٤٣٩  
عبد الصّمد بن عليّ بن محمّد بن مكرم، ٤١٤  
عبد العظيم [بن عبد الله الحسنّي، ٦٧  
سيماي حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٦٢  
عبد الكريم بن عبد الرّحيم، ١٤٥  
عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، ٣٣٠  
عبد الله بن الحسن، ٤٢٧  
عبد الله بن الصّلت، ٤٥٤  
عبد الله بن العباس - ابن عباس  
عبد الله بن القاسم، ٣٩٧، ٤٧٩، ٤٨٢، ٤٨٤  
عبد الله بن القاسم البطل، ٢٥٦  
عبد الله بن القاسم الحضرمي، ٢٥٨، ٢٥٩  
عبد الله بن بكير، ٥٤٥  
عبد الله بن جبلة، ٣٣٨، ٤٣٩  
عبد الله بن جعفر الحميري، ١١٢، ١١٤، ٢٢٨، ٣٧٢، ٤٨٤  
عبد الله بن الحسن الرّزهي، أبو الحسين، ٧٠  
عبد الله بن حماد الأنصاري، ١٨٣، ٤٦١، ٤٧٦، ٥١٨  
عبد الله بن داود الكوفي، ٨٤  
عبد الله بن ذكوان، أبو زياد، ٤١٤  
عبد الله بن سنان الأسدي، ١٩٨، ٢٨٩، ٣١٨، ٣٣٦، ٣٣٨، ٤٤٠، ٤٤٣، ٥٣٥  
عبد الله بن عامر، ١٤٦  
عبد الله بن عبد الرّحمان الأصم، ٢٥٦  
عبد الله بن عجلان، ٣٠٤  
عبد الله بن محمّد، ١٨٤، ٣٧٤، ٥٣٨  
عبد الله بن مسكان - ابن مسكان

- عبد الله بن موسى، ٤٤٤، ٥٠٤
- عبید الله بن موسى العلوی، ٢٤٢، ٣٧٤
- عبد الواحد بن عبد الله بن یونس الموصلی، ٤٨، ٥١، ١٢١، ٣٢٩، ٣٣٠
- عبید بن کثیر، ١٩٣
- عبید الله بن موسى العلوی العبّاسی، ١١٩
- عبیس بن هشام النّاشری، ٣٣٨، ٤٣٩
- عتبه بن یقطان، ٣٢٠
- عثمان بن سعید، ٢٧٥
- علی بن ابراهیم بن هاشم، ٤٤، ٥٠، ٤٧، ١٢١، ١٣٢، ١٣٧، ١٣٩، ١٤٥، ١٥٥، ١٦٧، ١٨٧، ٢١٦، ٢١٧، ٢٢٢، ٢٧١، ٢٧٣، ٢٧٥، ٢٨٨، ٢٩٠، ٢٩٥، ٣٠٢، ٣٠٤، ٣٠٧، ٣٠٩، ٣٣١، ٣٣٤، ٣٤٧، ٣٥٢، ٣٥٥، ٣٧٥، ٣٧٨، ٣٨٧، ٣٩٧، ٤٠٥، ٤٠٩، ٤١٨، ٤٢٧، ٤٣٠، ٤٣١، ٤٥٩، ٤٧١، ٤٧٥، ٤٨١، ٤٨٨، ٥٠٤، ٥١٤، ٥٣٧، ٥٣٨، ٥٤٠، ٥٤١، ٥٤٣
- علی بن ابراهیم بن مهزیار الأهوازی، ٢٦٣
- علی بن أبی حمزة [البطائنی]، ٤١، ١٥٠، ١٨٢، ٢٠٤، ٢٨٤، ٣١٧، ٤٠٢، ٥٠٢، ٥٢٧
- علی بن إسماعیل، ٤١٥
- علی بن أحمد، ٢٤٢، ٣٧٤، ٤٤٤
- علی بن أحمد البندیجی، ١١٩
- علی بن أحمد بن حاتم البرّاز، ٤٣٣
- علی بن أحمد بن محمّد الدّقاق، ٤١، ٢٠٤
- علی بن أسباط، ٥٢١
- علی بن جعفر، ٤٧٠، ٤٧١، ٤٧٢، ٤٧٣
- علی بن جعفر الحضرمی، ٢٩٧، ٤١٧
- علی بن حاتم، ٣٦٧، ٤٤٩، ٤٥٢
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ٥٦٣
- علی بن حسان [بن کثیر]، ٢٤٢، ٤٤٨
- علی بن الحسن التّیملی، ٤٨، ١٤١، ٢١٠، ٢٣٦، ٣٣٤، ٣٣٦، ٣٩٢، ٤٤٠، ٥٣٥
- علی بن الحسن [بن علی بن فضال] - علی بن الحسن التّیملی
- علی بن الحسن الجصاص، أبو الحسن، ٣٩٩
- علی بن الحسن المنقری الکوفی، ٣٥٩
- علی بن الحسین، ١٣٩، ١٩٠، ٢٤٢، ٥٢٧
- علی بن الحسین السّعد آبادی، ١٨٢
- علی بن الحسین بن شاذویه المؤدّب، ٥٢٢
- علی بن الحکم، ٢١٦، ٢٩٠، ٢٩١، ٣٣٣، ٣٩٠، ٥١١
- علی بن داود، ٤٩٧

- علی بن رثاب، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۴۷
- علی بن سالم - علی بن ابی حمزة
- علی بن سیف، ۲۰۶، ۲۲۶
- علی بن الصَّبَّاح، ۲۱۵
- علی بن العباس، ۲۸۰، ۳۸۶، ۴۰۴، ۴۷۸، ۵۳۳
- علی بن عبد الله الحسنی، ۴۲۲، ۴۶۲
- علی بن عبد الله بن أسد، ۲۹۷، ۳۱۹، ۳۴۱، ۴۰۸، ۴۱۷، ۴۳۲، ۴۵۶
- علی بن عمر، أبو الحسن (الحاجی)، ۱۹۳
- علی بن محمّد، ۵۰، ۱۲۱، ۱۸۶، ۲۸۰، ۳۸۶، ۳۹۰، ۴۰۴، ۴۲۶، ۴۵۸، ۴۷۱، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۹۷، ۵۱۱، ۵۳۳
- علی بن محمّد بن شجاع، ۱۵۰
- علی بن محمّد بن صالح، ۲۷۴
- علی بن محمّد بن عبد الله الخبائنی، ۱۹۵
- علی بن معبد، ۳۴۷
- علی بن مهران، ۳۹۲
- علی بن هاشم، ۴۶۵
- علی بن هبة الله، أبو الحسن، ۲۳۶، ۲۵۰
- علی بن هلال الأحمسی، ۴۰۸
- علی بن یونس الخزاز، ۲۴۳
- عمّار، ۴۶۵
- عمارة الهمدانی، ۳۳۸
- عمران الزعفرانی، ۱۶۳
- عمران بن الحجاج، ۴۹۷
- عمران بن میثم، ۱۸۴
- عمر بن أذینة، ۱۶۷، ۲۵۰
- عمر بن الوان، ۴۲۲، ۴۶۲
- عمر بن حنظلة، ۳۳۳
- عمر بن عبد العزيز [البصری]، ۴۲
- عمر بن مروان الکلبی، ۳۲۹، ۳۳۱
- عمر بن هاشم، ۳۱۹
- عمر بن یزید، ۴۹۶
- العمر کئی [بن علی البوفکی الخراسانی]، ۳۹۷
- عمرو بن أبی المقدام، ۵۱، ۶۲، ۱۲۱، ۱۲۷
- عمرو بن شمر الجعفی، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۷۶، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۱، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۲۹



- عمرو بن عثمان، ۱۳۹، ۳۳۶، ۴۴۰
- عمرو بن هاشم، ۴۳۲
- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۶۴
- العیاشی، محمد بن مسعود [بن محمد]، ۵۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۹۸، ۳۲۷، ۳۷۹، ۵۰۰، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲
- عیسی بن ابراهیم، ۳۲۰
- عیسی بن داود النَّجَّار، ۲۹۳
- فرات بن ابراهیم، ۵۴۴
- فضالة بن أيوب، ۴۷۱
- الفضل بن العباس، ۳۹۰، ۵۱۱
- الفضیل، ۲۵۱
- فضیل بن محمد، ۳۳۵
- فضیل بن یسار، ۱۷، ۲۵۰
- فضیل الرّسان، ۱۹۰
- القاسم بن إسماعیل الأنباری، ۳۹۴
- القاسم بن حمزة العلوی الرّازی، ۱۹۳
- القاسم بن الزّبیع، ۳۸۷
- القاسم بن عروة، ۱۱۹، ۲۳۸
- القاسم بن العلا، ۴۱۵، ۴۷۱
- القاسم بن محمد، ۱۳۷
- القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم، ۳۳۸، ۴۳۹
- کثیر بن عیاش، ۳۰۶
- الکلبی [محمد بن السائب]، ۳۴۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۵۳
- لیث، ۱۸۵
- مثنی الحنّاط، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۰۴
- مجاهد، ۱۸۵
- محمد بن ابراهیم القمّی القطن (ابن الخزاز)، ۷۰
- محمد بن ابراهیم النعمانی، ۴۸، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۱، ۱۹۰، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۴۲، ۳۱۷، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۵۲، ۳۷۴، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۵۰، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۹۷، ۵۲۷، ۵۳۵
- محمد بن ابراهیم بن أبی البلاد، ۵۳۵
- محمد بن أبی القاسم، ۵۲، ۲۱۳
- محمد بن أبی بکر المقری، ۱۸۵
- محمد بن أبی عبد الله الكوفی، ۴۱، ۲۰۴، ۳۸۷، ۵۰۲

- محمّد بن أبي عمير، ۴۴، ۴۷، ۱۶۷، ۱۸۲، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۴۱، ۲۵۰، ۳۰۴، ۳۳۴، ۳۵۵، ۳۷۵، ۳۸۱، ۴۱۸، ۴۹۸، ۵۱۴  
 محمّد بن أحمد، ۴۷۱  
 محمّد بن أحمد [بن العباس العلویّ]، ۳۹۷  
 محمّد بن أحمد القاشانی، ۲۰۶، ۲۲۶  
 محمّد بن أحمد بن الحسن القطوانيّ، ۳۳۸، ۴۴۳  
 محمّد بن أحمد بن الصّلت، ۴۵۴  
 محمّد بن إسحاق، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸  
 محمّد بن أسلم، ۴۱۰  
 محمّد بن إسماعیل، ۳۴۱  
 محمّد بن إسماعیل الحسنی، ۴۲۱، ۴۶۲  
 سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۶۵  
 محمّد بن إسماعیل العلویّ، ۲۹۳  
 محمّد بن إسماعیل بن السّمان، ۴۹۸  
 محمّد بن إسماعیل بن بزيع، ۳۵۲  
 محمّد بن جریر الطّبريّ، أبو جعفر، ۶۹، ۱۱۴، ۱۶۳، ۲۰۶، ۲۲۶، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۶۳، ۳۱۲، ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۹، ۴۳۵  
 محمّد بن جعفر، ۴۷۱، ۵۳۸  
 محمّد بن جعفر القرشيّ الكوفيّ الرّزّاز، ۴۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۲۹  
 محمّد بن جعفر بن مسعود، ۱۵۰  
 محمّد بن جمهور، ۲۲۱، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۷۱، ۵۱۹  
 محمّد بن حسان الرّازيّ، ۱۹۰، ۴۸۲، ۵۲۷  
 محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، ۲۱۱، ۲۴۱، ۲۷۲، ۳۷۲، ۴۸۸  
 محمّد بن الحسن بن شّمون، ۲۵۶  
 محمّد بن الحسن بن عليّ بن الصّباح المداينيّ، ۳۳۲، ۳۸۱  
 محمّد بن الحسن بن عليّ بن مهزيار، ۱۹۵  
 محمّد بن الحسن بن يحيى الحارثيّ، ۲۶۳  
 محمّد بن الحسن الشّيبانيّ، ۳۵۸، ۳۶۸  
 محمّد بن الحسن الصّفّار، ۱۴۶، ۲۴۱، ۲۷۲، ۴۴۵  
 محمّد بن الحسن الميثميّ، ۲۲۸  
 محمّد بن الحسين، ۲۲۹  
 محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب [زيد الهمدانيّ]، ۴۸، ۵۲، ۱۴۹، ۲۱۲، ۲۲۹، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۲۹، ۳۶۹، ۴۷۶، ۴۸۴  
 محمّد بن الحسين الخثعميّ الكوفيّ، ۴۶۵  
 محمّد بن الحسين بن حميد، ۳۰۶  
 محمّد بن الحسين بن زياد الرّيات، ۵۲۲

- محمّد الحلبيّ، ٤٥٥  
 محمّد بن حسين بن عجلان، ٣٦٧  
 محمّد بن حمّاد بن ماهان الدّبّاغ، ٣٢٠  
 محمّد بن حمران، ١١١  
 محمّد بن حمزة، ١٤١  
 محمّد بن خالد، ٢١٠، ٣٧٤  
 محمّد بن خالد [البرقيّ - البرقيّ]  
 محمّد بن خلف الطّاهريّ، ٣٥٩  
 محمّد بن راشد الحلبيّ، ٣٣٥  
 محمّد بن زياد، ٧٠  
 محمّد بن زياد الأزديّ، أبو أحمد، ٥٤١  
 محمّد بن سعيد، ١٤١  
 محمّد بن سليمان، ٢٢٦  
 محمّد بن سليمان الدّيلمّيّ، ٢٤٥، ٤٤٤، ٤٤٦، ٥٠٦  
 محمّد بن سليمان [الدّيلمّيّ؟]، ٢٨٩  
 محمّد بن سماعة الصّيرفيّ، ٤٣٥  
 محمّد بن سنان، ٤٨، ٥٢، ٥٣، ١٣٣، ١٨٨، ١٩٠، ٢٣٠، ٢٧٢، ٣٦٩، ٥٢٢  
 محمّد بن سهل الجلوديّ، ٢٦٣  
 محمّد بن صالح الهمدانيّ، ٣٧١، ٣٧٢  
 سيمای حضرت مهدي در قرآن، ص: ٥٦٦  
 محمّد بن صالح بن مسعود، ٤٥٦  
 محمّد بن العباس بن الماهيار، ١٨٣، ٢٩٣، ٢٩٧، ٣٠٢، ٣٠٤، ٣٠٦، ٣١٨، ٣٣٢، ٣٤١، ٣٤٥، ٣٥٠، ٣٦٥، ٣٦٧، ٣٦٩، ٣٨١، ٣٨٣، ٣٩٤  
 ٣٩٨، ٤٠٨، ٤١٠، ٤١٧، ٤٣٢، ٤٥٣، ٤٥٦، ٤٦١، ٤٧٣، ٤٩٨، ٥٠٩، ٥١٨، ٥٤٥  
 محمّد بن عبد الجبار، ٢٠٩، ٢١٠، ٥١٤ سيمای حضرت مهدي در قرآن ٥٨٠  
 محمّد بن عبد الرّحمان، ٥٠٩  
 محمّد بن عبد الله، ٤٦٥، ٥٠٩  
 محمّد بن عبد الله بن جعفر بن جامع الحميريّ، ٣٧١، ٥٢٢  
 محمّد بن عبد الله بن المطّلب الشّيبانيّ، أبو المفضّل، ٢٤٣، ٣٣٠، ٣٥٩، ٣٦٦، ٤١١، ٤٦٥  
 محمّد بن عبد الله الشّافعيّ، ٣٢٠  
 محمّد بن عليّ، ١٤٥، ٤٠٩، ٤٥٤، ٤٨٢  
 محمّد بن عليّ الأعلم المصريّ، ٣٩٩  
 محمّد بن عليّ التّيميّ، ٣٥٢  
 محمّد بن عليّ الكوفيّ، ١٩٠، ٢١٣، ٥٢٧

- محمّد بن علیّ الهمدانی، ۴۳۵  
 محمّد بن علیّ بن بابویه - ابن بابویه  
 محمّد بن علیّ بن تمام، ۴۳۳  
 محمّد بن علیّ بن الحسین بن موسی بن بابویه القمّی، أبو جعفر - ابن بابویه  
 محمّد بن علیّ بن رحیم، أبو جعفر، ۳۸۳  
 محمّد بن علیّ بن یوسف، ۴۸  
 محمّد بن علیّ ماجیلویه، ۵۲، ۲۱۳، ۳۴۷  
 محمّد بن عمر، ۵۰۹  
 محمّد بن عمر بن یزید بیاع السّابری، ۵۳۵  
 محمّد بن عیسی، ۱۵۰، ۱۹۰، ۲۹۷، ۳۰۴، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵  
 محمّد بن عیسی القمّی، ۲۸۹  
 محمّد بن الفضل، ۴۲۲، ۴۶۲  
 محمّد بن فضیل (- الفضیل)، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۶، ۳۴۱، ۴۰۹، ۴۵۸، ۴۸۰  
 محمّد بن القاسم، ۵۰۹  
 محمّد بن قیس، ۴۱۵  
 محمّد بن محمّد بن عاصم الکلبی، ۴۱۵  
 محمّد بن جمهور، ۳۷۹  
 محمّد بن مروان، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۵۳  
 محمّد بن مروان الکرخی، ۸۴  
 محمّد بن مسعود العیاشی - العیاشی  
 محمّد بن مسلم، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۶۷، ۲۳۰، ۲۳۱، ۳۵۱، ۴۰۵، ۵۱۴، ۵۴۲  
 محمّد بن المفصل بن إبراهیم بن قیس، ۳۳۸، ۳۴۰، ۴۴۳  
 محمّد بن موسی بن المتوکّل، ۴۲، ۱۸۲، ۵۰۲  
 محمّد بن نصیر، ۴۲۲، ۴۶۲  
 محمّد بن الولید، ۳۶۶  
 محمّد بن الولید بن خالد الخرزّاز، ۵۳۵  
 محمّد بن وهبان [الهنائی البصری]، ۲۳۴، ۳۸۳  
 محمّد بن هارون بن موسی، أبو الحسین، ۶۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۲۰۶، ۳۱۲، ۳۸۸، ۴۳۵  
 سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۶۷  
 محمّد بن همام [بن سهیل]، أبو علی، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۹، ۱۶۳، ۲۴۳، ۲۹۳، ۳۱۲، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۶۶، ۴۳۵، ۴۵۰، ۴۷۲، ۴۷۵  
 محمّد بن یحیی التّمیمی، ۳۹۹  
 محمّد بن یحیی العطار، ۴۲، ۵۲، ۱۹۰، ۲۲۸، ۵۲۷  
 محمّد بن یحیی [العطار؟]، ۱۳۳، ۱۸۸، ۲۳۰، ۲۸۴، ۳۳۳، ۴۰۲، ۴۷۸

محمّد بن يحيى بن عمران، ٥٠، ١٢١

محمّد بن يعقوب الكليني، ٤٧، ٥٠، ١٢١، ١٣٣، ١٣٩، ١٥٧، ١٥٩، ١٦٧، ١٨٦، ١٨٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١٦، ٢٣٠، ٢٤٥، ٢٥٦، ٢٧٤، ٢٨٠،  
٢٨٤، ٢٨٩، ٢٩٥، ٣١٩، ٣٣٣، ٣٦٩، ٣٨٦، ٣٩٦، ٤٠٢، ٤٠٤، ٤١٥، ٤٥٤، ٤٥٨، ٤٧١، ٤٧٨، ٤٨٠، ٤٨٢، ٤٨٣، ٤٩٦، ٥٠٦، ٥٣٣

مسعود بن صدقة، ٧٠

المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي السمرقندي، ١٥٠، ٢٣٦، ٤٢٦، ٥٠٠

معاذ بن كثير، ١٨٨، ١٨٩

معاوية بن وهب البجلي، ٤٧٠، ٤٧٢

معاوية بن عمّار الدهني، ٤٤٥، ٤٤٦

المعلّى بن خنيس، ٢١٣، ٣٤٣، ٣٤٥

المعلّى بن محمّد، ٢٨٩، ٣١٨، ٣٧٩

معر بن يحيى، ٣٤٠

المفضل بن صالح، ٢٧٥، ٢٩٠، ٢٩١

المفضل بن عمر الجعفي، ٤٨، ٥٣، ١٢٩، ١٦٣، ١٦٥، ٢٢٦، ٣٣٠، ٣٦٧، ٣٨٧، ٣٨٨، ٣٩٩، ٤٢٢، ٤٦٢، ٤٨٢، ٤٨٣، ٤٨٤، ٤٨٤، ٤٨٤، ٤٨٤

المفضل بن عيسى، ٤٣٥

المقلّد بن غالب الحسني، ١٩٧

مكحول، ٣٢٠

مكحول بن إبراهيم، ٣٥٩

منصور بن يونس بزرج، ٤٤، ٤٧، ٢١٦، ٢١٧، ٣٥٢، ٣٥٥، ٣٧٥، ٣٨١

موسى بن القاسم، ٤٧٠، ٤٧٢

موسى بن بكر، ٥١٩

موسى بن جعفر البغدادي، ٤٩٧، ٥٠٠

موسى بن جعفر بن وهب، ٤٩٨

موسى بن سعدان الحنّاط، ٢٥٨، ٢٥٩، ٤٥٤

موسى بن عمران النخعي، ٤١، ٢٠٤، ٥٠٢

موسى بن عمر بن يزيد، ٣٨١

مؤمن الطّاق، ٤٥٢، ٤٥٣

ميّاح المدائني، ٣٨٧

ميمون البان، ٢١٢

نصر بن مزاحم، ٤٣٤، ٤٥٣

النّضر بن سويد، ٢١١، ٤٧٣

نعيم بن سليمان، ١٨٥

واثلة بن الأسقع، ٣٢١

الوشاء، ٣١٨

وهب بن جميع، ۲۳۶، ۲۳۷  
وهب بن شاذان، ۴۹۷، ۴۹۸  
وهيب [بن حفص، ۵۰، ۳۱۷، ۳۹۵  
هارون بن مسلم، ۱۱۹  
سيمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۶۸  
هارون بن موسى، ۶۹، ۱۶۳، ۳۸۹، ۴۳۵  
هشام، ۳۳۴  
هشام بن سالم، ۱۵۷، ۲۱۲  
هشام بن عمار، ۲۱۶  
يحيى بن أبى القاسم - أبو بصير  
يحيى الحلبي، ۲۱۲، ۴۷۳  
يحيى بن زكريا، ۴۸۸  
يحيى بن ميسر، ۴۷۹  
يحيى بن ميسرة الخثعمي، ۳۹۷  
يعقوب بن شعيب، ۱۸۴  
يعقوب بن يزيد، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۱، ۲۵۰  
يوسف بن يعقوب، ۱۸۵  
يونس، ۲۹۷، ۳۰۴، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵  
يونس بن ظبيان، ۱۱۱، ۱۲۹  
يونس بن عبد الرحمان، ۱۵۰، ۲۳۸  
يونس بن المفضل بن صالح، ۴۵۵  
يونس بن يعقوب، ۳۶۶  
سيمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۶۹

### فهرست مندرجات

سيمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۱  
موضوع صفحه  
سخن مترجم ۹  
۱- تفسير ۱۴  
۲- تأويل ۱۵  
۳- تطبيق ۱۸  
مقدمه‌ی محقق ۲۱  
مصلح از دیدگاه انبیا عليهم السلام ۲۶

مصلح از دیدگاه اسلام ۲۶

چرا غایب شده است و کی ظاهر می‌شود؟ ۲۷

وظیفه‌ی مسلمانان در غیبت آن حضرت ۲۸

زندگی‌نامه‌ی مؤلف ۳۱

مقام علمی او ۳۱

پرهیزگاری و زهد او ۳۲

استادان و شاگردان او ۳۲

درگذشت او ۳۲

تألیفات او ۳۳

کار ما در مورد کتاب ۳۴

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۲

پیش‌گفتار مؤلف ۳۷

سوره‌ی بقره:

۱- آیه‌های ۲-۴: ا ل م \* ذلك الكتاب لا ريب فيه ... ۴۱

۲- آیه‌ی ۱۴۹: فاستبقوا الخیرات ... ۴۴

۳- آیه‌ی ۱۵۶: و لنبلونکم بشیء من الخوف ... ۱۱۲

سوره‌ی آل عمران:

۱- آیه‌ی ۸۴: و له أسلم من فی السّموات ... ۱۱۶

۲- آیه‌ی ۲۰۱: یا ایّها الذّین آمنوا اصبروا ... ۱۱۹

سوره‌ی نساء:

۱- آیه‌ی ۴۸: یا ایّها الذّین أوتوا الكتاب آمنوا ... ۱۲۱

۲- آیه‌ی ۶۰: یا ایّها الذّین آمنوا أطیعوا الله ... ۱۲۹

۳- آیه‌ی ۷۰: و من یطع الله و الرّسول ... ۱۳۲

۴- آیه‌ی ۷۸: ألم تر إلی الذّین قیل لهم: کفّوا أیدیکم ... ۱۳۳

۵- آیه‌ی ۱۶۰: و إن من أهل الكتاب إلّا لیؤمننّ به ... ۱۳۷

سوره‌ی مائده:

۱- آیه‌ی ۱۵: و من الذّین قالوا: إنا نصاری ... ۱۳۹

۲- آیه‌ی ۵۵: یا ایّها الذّین من یرتدّ منکم ... ۱۴۱

سوره‌ی انعام:

۱- آیه‌ی ۴۵: فلما نسوا ما ذکرّوا به فتحنا علیهم ... ۱۴۵

۲- آیه‌ی ۹۰: فإن یکفر بها هؤلاء ... ۱۴۸

۳- آیه‌ی ۱۵۹: هل یظنون إلّا أن تأتيهم الملائکة؟ ... ۱۴۹

سوره‌ی اعراف:

۱- آیهی ۲: ۱۵۲ م ص ... ۱۵۲

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۳

۲- آیهی ۵۴: هل ينظرون إلا تأويله؟ ... ۱۵۵

۳- آیهی ۱۲۹: قال موسى لقومه: استعينوا بالله ... ۱۵۷

۴- آیهی ۱۵۸: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... ۱۵۹

۵- آیهی ۱۶۰: و من قوم موسى أمة يهدون بالحق ... ۱۶۳

سورهی انفال:

۱- آیهی ۴۰: و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة ... ۱۶۷

سورهی توبه:

۱- آیهی ۳۳: هو الذي أرسل رسوله بالهدى ... ۱۸۲

۲- آیهی ۳۴: و الذين يكتزون الذهب و الفضة ... ۱۸۸

۳- آیهی ۳۶: إن عدة الشهور عند الله ... ۱۹۰

۴- آیهی ۳۶: و قاتلوا المشركين كافة ... ۲۰۲

سورهی یونس:

۱- آیهی ۲۱: و يقولون: لو لا أنزل عليه آية من ربه ... ۲۰۴

۲- آیهی ۲۵: حتى إذا أخذت الأرض زخرفها ... ۲۰۶

۳- آیهی ۳۶: قل: هل من شركائكم من يهدى إلى الحق؟ ... ۲۰۹

سورهی هود:

۱- آیهی ۹: و لئن أخرجنا عنهم العذاب ... ۲۱۵

۲- آیهی ۸۱: قال: لو أن لي بكم قوة ... ۲۲۴

سورهی یوسف:

۱- آیهی ۱۱۱: حتى إذا استياس الرسل ... ۲۲۶

سورهی ابراهيم:

۱- آیهی ۶: و ذكرهم بأيام الله ... ۲۲۸

۲- آیهی ۴۵: قالوا: ربنا لم كتبت علينا القتال؟ ... ۲۳۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۴

۳- آیهی ۴۶: و سكتتم في مساكن الذين ظلموا ... ۲۳۳

۴- آیهی ۴۷: و إن كان مكروهم لتزول منه الجبال ... ۲۳۴

سورهی حجر:

۱- آیهی ۳۷-۳۹: قال: رب فأنظرنى إلى يوم يبعثون ... ۲۳۶

۲- آیهی ۸۸: و لقد آتيناك سبعا من المثاني ... ۲۳۸

سورهی نحل:

۱- آیهی ۲: أتى أمر الله فلا تستعجلوه ... ۲۴۱



۲- آیه‌ی ۳۹: و أقسموا بالله جهد أيمانهم ... ۲۴۵

۳- آیه‌ی ۴۶: أفأمن الذين مكروا السيئات؟ ... ۲۵۳

سوره‌ی اسراء:

۱- آیه‌های ۵-۷: و قضينا إلى بني إسرائيل في الكتاب ... ۲۵۶

۲- آیه‌ی ۹: عسى ربكم أن يرحمكم ... ۲۷۱

۳- آیه‌ی ۳۴: و من قتل مظلوما ... ۲۷۲

۴- آیه‌ی ۸۲: و قل: جاء الحقّ و زهق الباطل ... ۲۸۰

سوره‌ی مریم:

۱- آیه‌ی ۳۸: فاختلف الأحزاب من بينهم ... ۲۸۱

۲- آیه‌ی ۷۶: حتّى إذا رأوا ما يوعدون ... ۲۸۴

سوره‌ی طه:

۱- آیه‌ی ۱۱۱: يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم ... ۲۸۸

۲- آیه‌ی ۱۱۶: و لقد عهدنا إلى آدم من قبل ... ۲۸۹

۳- آیه‌ی ۱۳۶: فستعلمون من أصحاب الصّراط السّوى ... ۲۹۳

سوره‌ی انبیاء:

۱- آیه‌ی ۱۲-۱۶: و کم قصمنا من قریه‌ی که كانت ظالمه ... ۲۹۵

۲- آیه‌ی ۱۰۶: و لقد كتبنا فی الزّبور من بعد الذّکر ... ۳۰۲

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۵

سوره‌ی حج:

۱- آیه‌ی ۴۰: أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا ... ۳۰۴

۲- آیه‌ی ۴۲: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ ... ۳۰۶

۳- آیه‌ی ۶۱: ذلك و من عاقب بمثل ما عوقب به ... ۳۰۹

سوره‌ی مؤمنون:

۱- آیه‌ی ۱۰۲: فإذا نفخ في الصور ... ۳۱۲

سوره‌ی نور:

۱- آیه‌ی ۳۶: الله نور السماوات و الأرض ... ۳۱۴

۲- آیه‌ی ۵۶: وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصّالحات ... ۳۱۷

سوره‌ی فرقان:

۱- آیه‌ی ۱۲: بل كذبوا بالسّاعه و أعتدنا لمن كذب بالسّاعه ... ۳۲۹

۲- آیه‌ی ۲۷: الملك يومئذ الحقّ للرحمان ... ۳۳۲

سوره‌ی شعراء:

۱- آیه‌ی ۴: إن نشأ ننزل عليهم من السماء آية ... ۳۳۳

۲- آیه‌های ۲۰۶-۲۰۷: أفرأيت إن متّعناهم سنيين؟ ... ۳۴۵

۳- آیه‌ی ۲۲۸: و سيعلم الَّذِينَ ظَلَمُوا ... ۳۴۷

سوره‌ی نمل:

۱- آیه‌ی ۶۳: أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا؟ ... ۳۵۰

سوره‌ی قصص:

۱- آیه‌ی ۶: و نريد أن نمَنَّ على الَّذِينَ استضعفوا ... ۳۵۸

سوره‌ی روم:

۱- آیه‌ی ۲-۶: اَلَمْ غَلَبَتْ الرُّومَ ... ۳۶۵

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۶

سوره‌ی سجده:

۱- آیه‌ی ۲۲: و لنذيقنهم من العذاب الأدنى ... ۳۶۷

۲- آیه‌ی ۳۰: قل: يوم الفتح لا ينفع الَّذِينَ كفروا إيمانهم ... ۳۶۹

سوره‌ی سبأ:

۱- آیه‌ی ۱۹: و جعلنا بينهم و بين القرى التي باركنا ... ۳۷۱

۲- آیه‌ی ۵۲-۵۵: و لو ترى إذ فرعوا فلا فوت ... ۳۷۴

سوره‌ی صافات:

۱- آیه‌ی ۸۴: و إن من شيعته لإبراهيم ... ۳۸۳

سوره‌ی ص:

۱- آیه‌ی ۸۹: و لتعلمن نبأه بعد حين ... ۳۸۶

سوره‌ی زمر:

۱- آیه‌ی ۷۰: و أشرقت الأرض بنور ربها ... ۳۸۷

سوره‌ی فصلت:

۱- آیه‌ی ۱۸: و أمّا ثمود فهديناهم ... ۳۹۰

۲- آیه‌ی ۱۷: لنذيقهم عذاب الخزي في الحياة الدنيا ... ۳۹۲

۳- آیه‌ی ۵۴: سنريهم آياتنا في الآفاق ... ۳۹۴

سوره‌ی شوری:

۱- آیه‌ی ۲-۳: ح م\* ع س ق ۳۹۷

۲- آیه‌ی ۱۹: يستعجل بها الَّذِينَ لا يؤمنون بها ... ۳۹۹

۳- آیه‌ی ۲۰-۲۱: الله لطيف بعباده يرزق من يشاء ... ۴۰۲

۴- آیه‌ی ۲۲: و لو لا كلمه الفصل لقضى بينهم ... ۴۰۴

۵- آیه‌ی ۲۵: أم يقولون: افترى على الله كذبا؟ ... ۴۰۵

۶- آیه‌ی ۴۲: و لمن انتصر بعد ظلمه ... ۴۰۸

۷- آیه‌ی ۴۵: و تراهم يعرضون عليها خاشعين من الدلّ ... ۴۱۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۷

سوره‌ی زخرف:

۱- آیه‌ی ۲۹: و جعلها كلمه باقیه فی عقبه ... ۴۱۱

۲- آیه‌ی ۶۷: هل ينظرون إلاً الساعه؟ ... ۴۱۷

سوره‌ی دخان:

۱- آیه‌ی ۲-۵: ح م\* و الكتاب المبین ... ۴۱۸

سوره‌ی جاثیه:

۱- آیه‌ی ۱۵: قل للذین آمنوا یغفروا ... ۴۲۰

سوره‌ی محمد صلی الله علیه و اله و سلم:

۱- آیه‌ی ۱۹: فهل ينظرون إلاً الساعه؟ ... ۴۲۱

سوره‌ی فتح:

۱- آیه‌ی ۲۶: لو تزیلوا العذبن الذین کفروا منهم ... ۴۲۶

۲- آیه‌ی ۲۹: هو الذی أرسل رسوله بالهدی ... ۴۳۰

سوره‌ی ق:

۱- آیه‌های ۴۲-۴۳: و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب ... ۴۳۱

سوره‌ی ذاریات:

۱- آیه‌ی ۲۳: فو ربّ السّماء و الأرض إنه لحقّ ... ۴۳۲

سوره‌ی طور:

۱- آیه‌های ۲-۵: و الطّور\* و کتاب مسطور ... ۴۳۵

سوره‌ی قمر:

۱- آیه‌ی ۲: اقتربت السّاعه و انشقّ القمر ... ۴۳۸

۲- آیه‌ی ۳: و إن یروا آیة یعرضوا و یقولوا: ... ۴۳۹

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۸

سوره‌ی رحمان:

۱- آیه‌ی ۴۲: یعرف المجرمون بسیماهم ... ۴۴۴

سوره‌ی حدید:

۱- آیه‌ی ۱۷: و لا یكونوا کالذین أوتوا الكتاب ... ۴۴۹

۲- آیه‌ی ۱۸: اعلموا أنّ الله یحیی الأرض بعد موتها ... ۴۵۲

سوره‌ی ممتحنه:

۱- آیه‌ی ۱۴: یا ایها الذین آمنوا لا تتولّوا قوما غضب الله علیهم ... ۴۵۶

سوره‌ی صف:

۱- آیه‌ی ۹: یریدون لیطفئوا نور الله بأفواهم ... ۴۵۸

۲- آیه‌ی ۱۰: هو الذی أرسل رسوله بالهدی ... ۴۶۱

سوره‌ی ملک:

۱- آیه‌ی ۳۱: قل: أرأیتم إن أصبح ماؤکم غورا ...؟ ۴۶۵

سوره‌ی معارج:

۱- آیه‌های ۲-۵: سأل سائل بعذاب واقع ... ۴۷۵

۲- آیه‌ی ۲۷: و الذين یصدّقون بیوم الدّین ... ۴۷۸

۳- آیه‌ی ۴۴: خاشعۃ أبصارهم، ترهقهم ذلّة ... ۴۷۹

سوره‌ی جن:

۱- آیه‌ی ۲۴: حتّی إذا رأوا ما یوعدون ... ۴۸۰

سوره‌ی مدّثر:

۱- آیه‌های ۹-۱۱: فإذا نقر فی النّاقور ... ۴۸۲

۲- آیه‌ی ۱۲: ذرّنی و من خلقت وحیدا ... ۴۸۶

۳- آیه‌های ۲۰-۲۱: فقتل کیف قدر! ... ۴۸۸

۴- آیه‌ی ۳۱: و ما جعلنا أصحاب النّار إلّا ملأئکة ... ۴۹۱

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۷۹

سوره‌ی تکویر:

۱- آیه‌های ۱۵-۱۶: فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس ... ۴۹۶

سوره‌ی انشقاق:

۱- آیه‌ی ۱۹: لترکبّ طبقا عن طبق ... ۵۰۰

سوره‌ی بروج:

۱- آیه‌ی ۲: و السّماء ذات البروج ... ۵۰۲

سوره‌ی طارق:

۱- آیه‌های ۱۶-۱۷: إنهم یکیدون کیدا و أكید کیدا ... ۵۰۴

سوره‌ی غاشیه:

۱- آیه‌های ۲-۶: هل أتاک حدیث الغاشیة؟ ... ۵۰۶

سوره‌ی فجر:

۱- آیه‌های ۲-۵: و الفجر\* و لیال عشر ... ۵۰۸

سوره‌ی شمس:

۱- آیه‌های ۲-۶: و الشّمس و ضحاها\* و القمر إذا تلاها ... ۵۰۹

سوره‌ی لیل:

۱- آیه‌های ۲-۳: و اللّیل إذا یغشی ... ۵۱۴

سوره‌ی قدر:

۱- آیه‌ی ۶: سلام هی حتّی مطلع الفجر ... ۵۱۸

سوره‌ی بیّنه:

۱- آیه‌ی ۶: و ذلك دین القیمة ... ۵۲۱

سوره ی عصر:

۱- آیه های ۲-۴: و العصر\* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ ... ۵۲۲

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۸۰

مستدرک المحجّة

سوره ی بقره:

۱- آیه ی ۲۵۰: إِنَّ اللَّهَ مَبْتُلِكُمْ بِنَهْرٍ ... ۵۲۷

سوره ی آل عمران:

۱- آیه ی ۱۴۱: و تلك الأيام نداولها بين الناس ... ۵۲۸

سوره ی مائده:

۱- آیه ی ۴: اليوم يئس الذين كفروا ... ۵۲۹

سوره ی انفال:

۱- آیه ی ۸: يريد الله أن يحقّ الحقّ بكلماته ... ۵۳۰

سوره ی توبه:

۱- آیه ی ۳: و أذان من الله و رسوله إلى الناس ... ۵۳۲

سوره ی هود:

۱- آیه ی ۱۱۱: و لقد آتينا موسى الكتاب ... ۵۳۳

سوره ی رعد:

۱- آیه ی ۱۴: و هو شديد المحال ... ۵۳۵

سوره ی طه:

۱- آیه ی ۱۱۴: و كذلك أنزلناه قرآنا عربيا ... ۵۳۷

سوره ی انبياء:

۱- آیه ی ۱۳: فلما أحسوا بأسنا إذا هم منها يركضون ... ۵۳۸

سوره ی عنكبوت:

۱- آیه ی ۱۱: و لئن جاء نصر من ربك ... ۵۴۰

سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص: ۵۸۱

سوره ی لقمان:

۱- آیه ی ۲۱: و أسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة ... ۵۴۱

سوره ی صف:

۱- آیه ی ۱۳: و أخرى تحبونها نصر من الله ... ۵۴۳

سوره ی مدثر:

۱- آیه ی ۴۷-۴۸: و كنّا نكذب بيوم الدين ... ۵۴۴

سوره ی مطففين:

۱- آیه ی ۱۴: إذا تتلى عليه آياتنا ... ۵۴۵

منابع و مأخذ ۵۴۷

خاتمه ۵۵۲

فهرست اعلام ۵۵۳

۰